



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پست مالی

شماره: ۹۸/۱۹۴۰۶۳

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰

دارد

پست:

- جناب آقای مهدیان، مدیر عامل محترم بانک توسعه تعاون؛
- جناب آقای صالح آبادی، مدیر عامل محترم بانک توسعه صادرات ایران؛
- جناب آقای چقازردی، مدیر عامل محترم بانک سپه؛
- جناب آقای مهری، مدیر عامل محترم بانک صنعت و معدن؛
- جناب آقای خدارحمی، مدیر عامل محترم بانک کشاورزی؛
- جناب آقای رحیمی انارکی، مدیر عامل محترم بانک مسکن؛
- جناب آقای حسین زاده، مدیر عامل محترم بانک ملی ایران؛
- مدیر عامل محترم شرکت دولتی پست بانک؛
- جناب آقای دولت آبادی، مدیر عامل محترم بانک تجارت؛
- جناب آقای سهمانی اصل، مدیر عامل محترم بانک رفاه کارگران؛
- جناب آقای صیدی، مدیر عامل محترم بانک صادرات ایران؛
- جناب آقای بیگدلی، مدیر عامل محترم بانک ملت؛
- جناب آقای رسول اف، مدیر عامل محترم بانک آینده؛
- جناب آقای بلگوری، مدیر عامل محترم بانک اقتصاد نوین؛
- جناب آقای ابراهیمی، مدیر عامل محترم بانک انصار؛
- جناب آقای پور سعید، مدیر عامل محترم بانک ایران زمین؛
- جناب آقای پرویزیان، مدیر عامل محترم بانک پارسیان؛
- جناب آقای قاسمی، مدیر عامل محترم بانک پاسارگاد؛
- جناب آقای عسکری زاده، مدیر عامل محترم بانک حکمت ایرانیان؛
- جناب آقای عقیلی کرمانی، مدیر عامل محترم بانک خاورمیانه؛
- جناب آقای قربانی، مدیر عامل محترم بانک دی؛
- مدیر عامل محترم بانک سامان؛
- مدیر عامل محترم بانک سرمایه؛
- جناب آقای پیشرو، مدیر عامل محترم بانک سینا؛
- جناب آقای درخشنده، مدیر عامل محترم بانک شهر؛
- جناب آقای نتاج، مدیر عامل محترم بانک قوامین؛
- جناب آقای تهرانفر، مدیر عامل محترم بانک کار آفرین؛

۹۸/۲۳۱۱۱۹

۹۸/۲۳۱۱۱۹



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

- جناب آقای خامی، مدیر عامل محترم بانک گردشگری؛
- مدیر عامل محترم بانک مشترک ایران - ونزوئلا؛
- جناب آقای حسین زاده، مدیر عامل محترم بانک قرض الحسنه رسالت؛
- جناب آقای اکبری، مدیر عامل محترم بانک قرض الحسنه مهر ایران؛
- جناب آقای مطهری مطلق، رئیس محترم هیأت سرپرستی مؤسسه اعتباری توسعه؛
- مدیر عامل محترم مؤسسه اعتباری کوثر مرکزی؛
- جناب آقای جواد، مدیر عامل محترم مؤسسه اعتباری ملل؛
- جناب آقای نظری، رئیس محترم هیأت سرپرستی مؤسسه اعتباری نور؛
- جناب آقای صادقی، رئیس محترم هیأت سرپرستی مؤسسه اعتباری کاسپین؛

باسلام؛

احتراماً؛ همان گونه که مستحضرنند مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به منظور تسهیل دسترسی همگان به قوانین و مقررات ناظر بر نظام بانکی کشور، هر ساله اقدام به انتشار مجموعه بخشنامه‌های ابلاغی این حوزه طی یک سال گذشته می‌نماید. لذا پیرو سنوات پیشین، بخشنامه‌های ابلاغی این مدیریت کل در سال ۱۳۹۷ نیز در قالب فایلی یکپارچه تدوین شده که نسخه‌ای از آن به پیوست ایفاد می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید فایل مزبور به نحو مقتضی در دسترس کارشناسان آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی قرار گیرد. مزید استحضار فایل یادشده از پایگاه اطلاع‌رسانی این بانک به نشانی www.cbi.ir، بخش نظارت بانکی نیز قابل دریافت می‌باشد. ف/۴۲۶۴۴۷۳

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

حمیدرضا غنی آبادی محمد خدایاری
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۱۶

رونوشت:

_ جامعه حسابداران رسمی ایران، جناب آقای علوی، دبیر محترم جامعه حسابداران رسمی ایران، جهت استحضار؛



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

مجموعه بخشنامه‌های مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

سال ۱۳۹۷

به نام خدا

پیشگفتار

مجموعه پیشرو که مجموعه ای منسجم از بخشنامه های ابلاغی مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی سال گذشته «سال ۱۳۹۷» می باشد، به سیاق سنوات قبل، گردآوری شده و در ادامه تقدیم حضور می گردد. امید است انتشار این مجموعه، تسهیلگر دسترسی عموم به مقررات، ضوابط و پژوهش های ناظر بر شبکه بانکی کشور باشد.

حمیدرضا غنی آبادی
مدیرکل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
تابستان ۱۳۹۸

فهرست

عنوان	شماره	صفحه
بخش اول: بخشنامه های اداره مطالعات و مقررات بانکی	۸.....	
۱- بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۳۱۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۵؛ ابلاغ ترجمه سند ”ویژگی های اصلی نظام های حل و فصل موثر موسسات مالی“ (از انتشارات هیات ثبات مالی)	۹.....	
۲- بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۴۳۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۵؛ ابلاغ نسخه اصلاحی ”دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه موسسات اعتباری“	۱۰۳.....	
۳- بخشنامه شماره ۹۷/۳۴۶۶۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۹؛ لزوم اتخاذ سازوکارهای کنترل داخلی صحیح با رویکردی پیشگیرانه جهت کاهش ریسک تقلب در بانک ها و موسسات اعتباری	۱۲۳.....	
۴- بخشنامه شماره ۹۷/۴۵۸۲۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۸؛ ابلاغ برخی از تکالیف شبکه بانکی کشور مقرر در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور	۱۲۵.....	
۵- بخشنامه شماره ۹۷/۷۶۱۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۷؛ جدول سقف قابل پرداخت و حداکثر مدت بازپرداخت انواع قرض الحسنه اعطایی با عنایت به قوانین و مقررات مربوط	۱۲۶.....	
۶- بخشنامه شماره ۹۷/۹۳۸۹۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۳؛ ابلاغ نسخه بازنگری شده دستورالعمل حساب جاری (ریالی)	۱۲۸.....	
۷- بخشنامه شماره ۹۷/۹۶۷۷۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۷؛ ابلاغ دستورالعمل شناسایی درآمد موسسات اعتباری	۱۴۱.....	
۸- بخشنامه شماره ۹۷/۱۳۷۰۴۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶؛ ابلاغ قانون الحاق موادی به قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور	۱۵۱.....	

- ۹- بخشنامه شماره ۹۷/۱۵۲۴۲۶ مورخ ۱۳۹۷/۵/۷؛ ابلاغ مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی به شبکه بانکی کشور با موضوع واگذاری سهام بنگاههای در اختیار از طریق بورس ۱۵۴
- ۱۰- بخشنامه شماره ۹۷/۱۶۷۴۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۶؛ ابلاغ بخش پنجم و نهمی ترجمه سند بال ۲ .. ۱۵۵
- ۱۱- بخشنامه شماره ۹۷/۱۸۴۶۶۴ مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۹؛ امکان تمدید قراردادهای سپرده گذاری منعقد در بازه زمانی ۱۳۹۶/۰۶/۰۲ لغایت ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ به مدت یک ماه با شرایط قرارداد اولیه ۲۹۲
- ۱۲- بخشنامه شماره ۹۷/۱۹۳۹۰۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۶؛ ابلاغ توضیحات درخصوص بخشنامه امکان تمدید یک ماهه قرارداد سپرده های سرمایه گذاری مدت دار (با امان نظر به پرسش ها و برداشتهای متفاوت شبکه بانکی کشور از مفاد بخشنامه شماره ۹۷/۱۸۴۶۶۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۹) ۲۹۳
- ۱۳- بخشنامه شماره ۹۷/۱۹۶۷۰۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۰؛ ابلاغ "قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی" به شبکه بانکی کشور ۲۹۵
- ۱۴- بخشنامه شماره ۹۷/۲۱۳۲۱۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۱؛ توضیحات درخصوص اجرای بند (و) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور ۳۰۵
- ۱۵- بخشنامه شماره ۹۷/۲۹۱۷۲۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۱؛ ابلاغ دستورالعمل نحوه تاسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعبه و دفتر نمایندگی بانک خارجی در ایران ۳۰۷
- ۱۶- بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۸۱۷۵ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۱؛ ابلاغ شیوه و شرایط جدید صدور و استفاده از چک های تضمین شده ۳۲۸
- ۱۷- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۰۴۶۵ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۲؛ ابلاغ "قانون اصلاح قانون صدور چک" ۳۳۰
- ۱۸- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۰۸۳۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۳؛ ترجمه دستورالعمل های مدیریت ریسک اعتباری در بانک ها و موسسات مالی توسعه ای (مجموعه رهنمودهای بانک مرکزی مالزی) ۳۴۴
- ۱۹- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۱۸۳۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۳؛ ابلاغ نسخه اصلاحی "دستورالعمل نحوه ی احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران موسسات اعتباری" - الحاق یک تبصره به ماده (۴) دستورالعمل ۴۰۹

- ۲۰- بخشنامه شماره ۹۷/۳۴۳۳۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۱؛ تغییر معیار پرداخت سود سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی از روز شمار به ماه شمار؛ حداقل مانده حساب در ماه مبنای محاسبه سود سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی ۴۲۵
- ۲۱- بخشنامه شماره ۹۷/۳۶۲۰۱۳ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲؛ ابلاغ "دستورالعمل نحوه پذیرش اوراق اسناد مالی اسلامی به عنوان ضمانت اعطای تسهیلات به پیمانکاران مجری طرح های عمرانی" موضوع بند «ح» ذیل تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور ۴۲۷
- ۲۲- بخشنامه شماره ۹۷/۳۶۲۰۳۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲؛ ابلاغ مصوبه شورای عالی امنیت ملی در خصوص امکان اعطای خدمات بانکی به اتباع غیرایرانی دارای مدرک اقامت ویژه ۴۳۱
- ۲۳- بخشنامه شماره ۹۷/۴۲۹۷۶۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۴؛ ابلاغ بخش دوم و پایانی ترجمه بال (۳) ۴۳۲
- ۲۴- بخشنامه شماره ۹۷/۴۴۴۶۳۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۳؛ ابلاغ ترجمه "اصول آزمون بحران" - سند جدید منتشره توسط کمیته نظارت بانکی بال در سال ۲۰۱۸ ۵۰۵
- بخش دوم: بخشنامه های اداره مجوزهای بانکی ۵۲۳
- ۱- بخشنامه شماره ۹۷/۵۰۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۰۵؛ اعلام امکان تأسیس شعبه در شهرهای سلیمانیه و اربیل کشور عراق ۵۲۴
- ۲- بخشنامه شماره ۹۷/۸۸۹۲۷ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۰؛ تأسیس واحدهای بانکی در خارج از کشور ۵۲۶
- ۳- بخشنامه شماره ۹۷/۹۰۶۴۲ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۱؛ لزوم اصلاح اساسنامه مطابق اساسنامه نمونه شرکت های واسپاری ۵۲۸
- ۴- بخشنامه شماره ۹۷/۹۱۲۳۷ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۲؛ لزوم اصلاح اساسنامه مطابق اساسنامه نمونه شرکت های واسپاری ۵۲۹
- ۵- بخشنامه شماره ۹۷/۳۶۸۴۳۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۷؛ درخواست معرفی نماینده تام الاختیار بانک ها و موسسات اعتباری به اداره مجوزهای بانکی ۵۳۰

- ۶- بخشنامه شماره ۹۷/۳۹۳۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۴ اعلام فرآیند رسیدگی به کلیه درخواستهای مربوط به ایجاد، جابجایی، تعطیلی و ادغام، تبدیل و هرگونه تغییر در اطلاعات هریک از شعب، بوجه‌ها و یا دفاتر نمایندگی نهادهای مزبور صرفاً به صورت الکترونیکی و لزوم ثبت درخواستهای فوق در سامانه مدیریت شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ۵۳۱
- ۷- بخشنامه شماره ۹۷/۳۹۵۶۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۶؛ ارسال فرم به روز شده «حداقل اطلاعات مورد نیاز از مؤسسات حسابرسی جهت تأیید صلاحیت حسابرسان منتخب لیزینگ‌ها» و تأکید بر لزوم تکمیل فرم مزبور پیش از برگزاری مجامع عمومی و اخذ تأییدیه از این بانک ۵۳۳
- ۸- بخشنامه شماره ۹۷/۴۱۱۰۷۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۷؛ لزوم رعایت مفاد «اساسنامه نمونه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی غیردولتی» و «دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی» درخصوص تفویض اختیار به اعضای هیأت عامل ۵۳۶
- ۹- بخشنامه شماره ۹۷/۴۳۶۵۶۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۷؛ لزوم ارسال نمونه امضاء کلیه صاحبان امضای مجاز در مؤسسات اعتباری به پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا ۵۳۷
- بخش سوم: بخشنامه‌های اداره مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم ۵۳۹
- ۱- بخشنامه شماره ۹۷/۱۹۷۷۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۸ در خصوص بیت کوین - ارزهای مجازی ۵۴۰
- ۲- بخشنامه شماره ۹۷/۲۴۷۵۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۲ درخصوص ماده (۹) اصلاحی آئین‌نامه کاربردی شدن کارت شناسایی ملی ۵۴۱
- ۳- بخشنامه شماره ۹۷/۱۴۴۵۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۱ در خصوص تمدید مدت اعتبار مدارک شناسایی آمایش مرحله ۱۲ و هویت ۱۱ اتباع خارجی ۵۴۶
- ۴- بخشنامه شماره ۹۷/۲۰۸۴۴۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۸ در خصوص ابلاغ قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۵۴۸

- ۵- بخشنامه شماره ۹۷/۲۱۰۳۰۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۹؛ تاکید بر لزوم اجرای دقیق مقررات مبارزه با پولشویی در شبکه بانکی ۵۵۳
- ۶- بخشنامه شماره ۹۷/۲۶۹۰۵۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۲ در خصوص روادید الکترونیکی (بدون برچسب). ۵۵۴
- ۷- بخشنامه شماره ۹۷/۳۰۵۱۰۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۳۰ در خصوص تمدید مدت اعتبار روادید گذرنامه اتباع افغانستانی مشمول طرح خانواری تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۱ ۵۵۵
- ۸- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۳۰۵۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۴ در خصوص استعلام شماره اختصاصی اتباع خارجی به بانکها و موسسات اعتباری ۵۵۷
- ۹- بخشنامه شماره ۹۷/۳۳۹۹۶۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۷ در خصوص مطابقت آمار مشتریان با اطلاعات سامانه نهاب ۵۵۸

بخش اول : بخشنامه های اداره مطالعات و مقررات بانکی

۱- بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۳۱۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۵؛ ابلاغ ترجمه سند
"ویژگی‌های اصلی نظام های حل و فصل موثر موسسات مالی" (از انتشارات
هیأت ثبات مالی)

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام ؛

احتراما، همانگونه که استحضار دارند بحران های مالی و بالأخص بحران های بانکی تهدیدهایی هستند که به طور بالقوه میتواند ثبات و سلامت نظام مالی و بانکی را در هر کشوری با مخاطرات جدی مواجه سازند. بر همین اساس، ضروری است مقامات سیاستگذار و ناظر بازارهای مالی، اقدامات و تدابیر لازم برای پیشگیری و مدیریت بحران ها را اتخاذ نمایند تا بتوانند علاوه بر نشان دادن واکنش سریع به وقایع بحرانی با کمترین هزینه آن را مدیریت نمایند. در همین خصوص بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی و آثار آن بر بخش واقعی اقتصاد در کشورهای درگیر به خوبی نشان داد که مقامات بخش های مختلف مالی در کشورهای ذیربط در انجام واکنش های سریع جهت کنترل ریسک ها و ضعف هایی که آن ها را تهدید میکرد، ضعف ها و کاستی های جدی داشتند. لذا برای رفع این نقیصه، سازمان های بین المللی نظیر هیأت ثبات مالی، بانک تسویه بین المللی و همچنین مقامات ناظر مالی در کشورهای عمدتاً توسعه یافته، اصلاحات مختلفی را در حوزه های سه گانه ایجاد ترتیبات نهادی مناسب، تدارک اطلاعات کافی و مربوط و تدارک ابزار های قوی و کارا در چارچوب های قانونی و مقرراتی خود اعمال نمودند. از جمله مهمترین این نوآوری ها در پیشگیری و مواجهه با بحران های مالی و بانکی، ایجاد چارچوب های نهادی و ابزار های اجرایی قوی در خصوص موضوعات بازسازی (Recovery) و حل و فصل مالی (Resolution) بانک ها و سایر مؤسسات مالی مشکلدار بوده است. چه قبل از آن بسیاری از کشورها فاقد حمایت قانونی، سیاست ها و رویه های لازم برای بازسازی و حل و فصل بانک های مشکلدار بودند و ابزار کمک به چنین بانک هایی عمدتاً روش نجات از بیرون (out-Bail) بود.

در همین راستا، کشورهای عضو گروه بیست در سال ۲۰۰۹ با افزایش دامنه اهداف و وظایف مجمع ثبات مالی اقدام به تأسیس هیأت ثبات مالی (Financial Stability Board (FSB)) نمود. هیأت مزبور در سال ۲۰۱۱ ویژگی های اصلی نظام های حل و فصل مالی موثر مؤسسات مالی را با عنوان «the Key Attributes of Effective Resolution Regimes for Financial Institutions (Key Attributes)» مشتمل بر ۱۲ سرفصل تهیه و برای اعضای گروه بیست الزام آور نمود. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۴ هیأت ثبات مالی به منظور تکمیل پیوسته های سند مزبور، رهنمود هایی را در خصوص اشتراک گذاری اطلاعات مربوط به حل و فصل مالی و اجزای بازار ارایه نمود که مبتنی بر آن، ویژگی های تکمیلی برای استفاده در بازار های بیمه، زیرساخت های بازار مالی (FMIs) و حمایت از دارایی های مشترک در فرآیند حل و فصل مالی به ویژگی های اصلی اضافه گردید. اسناد فوق الذکر به عنوان ضمیمه هایی در ویرایش سال ۲۰۱۴

سند ویژگی‌های اصلی لحاظ شده است. لیکن هیچ گونه تغییری در متن ویرایش سال ۲۰۱۱ سند دوازده ویژگی اصلی روی نداده است. همچنین سند ویژگی‌های اصلی مشتمل بر مبانی کلیدی برای نظام های حل و فصل مالی انواع مؤسسات مالی که می‌توانند در مواقع شکست دارای آثار سیستمی باشند، است.

در یک جمع‌بندی می‌توان چنین عنوان داشت که سند *Key Attributes* رهنمود مهمی در خصوص عناصر لازم برای حل و فصل مالی بانکها و مؤسسات مالی است به نحوی که کمترین آثار مخرب بر ثبات مالی را داشته و متکی به وجوه منابع عمومی نباشد. امروزه بسیاری از کشورهای جهان دارای قوانین مشخص چه به صورت قانون مجزا یا به صورت اصلاحیه قانون بانکی یا سایر قوانین مشابه در خصوص موضوع بازسازی و حل و فصل بانکهای مشکل‌دار هستند. بر این اساس و نظر به اهمیت موضوع و بسط و نشر مبانی نظری آن و نیز لزوم ایجاد آمادگی و انجام اقدامات پیشگیرانه و همچنین افزایش توان واکنش سریع به تحولات بازارهای پولی و مالی و تعامل با بانک‌های مشکل‌دار در کشور با رویکرد صیانت از حقوق و منافع عامه و پیشگیری از وقوع بحران‌های بانکی و ارتقای ثبات و سلامت نظام بانکی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اولین گام ترجمه سند *Key Attributes* به عنوان یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی در این خصوص را در دستور کار خود قرار داد که به پیوست نسخه‌ای از ترجمه سند مزبور جهت استحضار و بهره‌برداری ایفاد می‌شود. در پایان، ضمن اعلام این که ترجمه سند مزبور در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی زیر بخش نظارت بانکی در دسترس است، موجب امتنان خواهد بود چنانچه در صورت وجود هرگونه نظر و پیشنهاد اصلاحی و تکمیلی، این بانک را از نظرات خود بهره‌مند فرمایند.

امید است ماحصل انتشار چنین آثاری، به بسط و تعمیق ادبیات نوین نظارت بانکی در شبکه بانکی و ارتقای ثبات و سلامت نظام بانکی کشور بیانجامد. انشاء... .

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا غنی‌آبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲



ویژگی های اصلی نظام های حل و فصل

مؤثر مؤسسات مالی

(به انضمام پیوست های مربوطه)

۱۵ اکتبر ۲۰۱۴

از انتشارات هیأت ثبات مالی

گروه مترجمین:
دکتر فرهاد علی نژاد مهربانی
محمد هاتفی سرابی
فریدین فدایی

معاونت نظارتی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی
ایران
بلوار میرداماد، شماره
۱۹۸
تلفن: ۲۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)
وبسایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

۱- دامنه

۲- مقام حل و فصل مالی

۳- اختیارات حل و فصل مالی

۴- تهاتر بدهی ها در مقابل طلب ها، تسویه قراردادی، وثیقه گیری، تقکیک دارایی های مشتریان

۵- تمهیدات حفاظتی (قانونی)

۶- تأمین مالی مؤسسات مالی در حال حل و فصل

۷- شرایط چارچوب قانونی برای همکاری های برون مرزی

۸- گروه های مدیریت بحران

۹- توافقات همکاری برون مرزی نهاد محور

۱۰- ارزیابی های حل و فصل پذیری

۱۱- برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی

۱۲- دسترسی و به اشتراک گذاری اطلاعات

ضمیمه یک- رهنمود کلی برای اجرای ویژگی های اصلی

پیوست یک- به اشتراک گذاری اطلاعات برای اهداف حل و فصل مالی

پیوست دو- عناصر ضروری موافقت نامه های همکاری برون مرزی نهاد محور

پیوست سه- ارزیابی حل و فصل پذیری

پیوست چهار- عناصر ضروری برنامه های بازسازی و حل و فصل

پیوست پنجم- تعلیق موقت حقوق انقضا پیش از موعد

ضمیمه دو- رهنمود بخش محور

پیوست یک- حل و فصل مالی زیرساخت های بازار مالی و فعالان بازارهای مالی

پیوست دو- حل و فصل بیمه گران (فعالان بازار بیمه)

پیوست سه- حفاظت از دارایی مشتری در حل و فصل مالی

پیشگفتار

ویژگی های اصلی نظام های حل و فصل مؤثر مؤسسات مالی^۱ به عناصر اصلی ضروری اشاره دارد که هیأت ثبات مالی برای داشتن یک نظام حل و فصل مالی مؤثر تعیین نموده است. از جمله دلالت های ویژگی های مذکور این است که مقامات مسئول، مؤسسات مالی را در حالی که ارایه خدمات کلیدی آنها تداوم می یابد، بدون این که زیانی متوجه مالیات دهندگان شود، مورد حل و فصل قرار دهند.

هیأت ثبات مالی ویژگی های اصلی را در نشست Plenary سال ۲۰۱۱ ارایه نمود و سران کشورهای گروه بیست آن را در نشست Cannes با عنوان استانداردهای بین المللی جدید برای نظام های حل و فصل مالی امضا نمودند. ویژگی های اصلی به مجموعه دوازده بندی اشاره دارد که باید در نظام حل و فصل مالی همه کشورهای عضو لحاظ گردد که شامل موارد ذیل می گردد:

- ۱- دامنه
- ۲- مقام حل و فصل مالی
- ۳- اختیارات حل و فصل مالی
- ۴- تهاثر بدهی ها در مقابل طلب ها، تسویه قراردادی، وثیقه گیری،
- تفکیک دارایی های مشتریان
- ۵- تمهیدات حفاظتی (قانونی)
- ۶- تأمین مالی در حل و فصل مالی
- ۷- شرایط چارچوب حقوقی برای همکاری های برون مرزی
- ۸- گروه های مدیریت بحران
- ۹- توافقات همکاری برون مرزی نهاد محور
- ۱۰- ارزیابی های حل و فصل پذیری
- ۱۱- طراحی بازسازی و حل و فصل مالی
- ۱۲- دسترسی و به اشتراک گذاری اطلاعات

نسخه ۲۰۱۴ سند

زمانی که اعضای هیأت ثبات مالی سند ویژگی های اصلی را در سال ۲۰۱۱ تکمیل می کردند موافقت نمودند که رهنمودهای بیشتری برای تکمیل ویژگی های مرتبط با نظام های حقوقی، شرایط بازار و بطور اخص بازارهای هدف (نظیر زیرساخت های بازار بیمه و بورس) کشورهای مختلف به نگارش درآورند تا اثر بخشی و ثبات ویژگی های اصلی در کشورهای مختلف تقویت شود.

^۱ The Key Attributes of Effective Resolution Regimes for Financial Institutions (KAs)

^۲ Financial Stability Board (FSB)

در سال ۲۰۱۴، هیأت ثبات مالی رهنمودهایی در خصوص اشتراک گذاری اطلاعات مربوط به حل و فصل مالی و اجزای بازار را ارایه نمود که بر آن اساس، ویژگی هایی را برای استفاده در بازارهای بیمه، زیرساخت های بازار مالی و حمایت از دارایی های مشتری در فرآیند حل و فصل مالی به ویژگی های اصلی اضافه گردید.

اسناد فوق الذکر به عنوان ضمیمه هایی در ویرایش جدید سند ویژگی های اصلی سال ۲۰۱۴ لحاظ شده است و هیچ گونه تغییری در متن دوازده ویژگی اصلی سند اکتبر ۲۰۱۱ روی نداده است. دوازده ویژگی اصلی به عنوان استانداردهای اصلی برای نظام های حل و فصل مالی همه انواع مؤسسات مالی که می توانند در مواقع شکست دارای آثار سیستمی باشند، را پوشش داده اند.

هیأت ثبات مالی برای فراهم نمودن رهنمودهای بیشتر به منظور ارتقای اجرای سازگار و موثر ویژگی های اصلی اقدام خواهد نمود.

پیوست های ویژگی های اصلی

پیوست های ویژگی های اصلی، رهنمودهایی برای اجرا و تفسیر ویژگی های اصلی فراهم می کند. آنها به عنوان بخشی از ویژگی های اصلی محسوب نمی شوند. در حالی که اجزای پیوست ها برای اهداف ارزیابی تطبیق با ویژگی های اصلی مهم به نظر می رسند لیکن این اجزا در روش شناسی ارزیابی ویژگی های اصلی نشان داده شده اند. پیوست های ویژگی های اصلی در دو ضمیمه قابل بیان است:

ضمیمه یک: رهنمود کلی برای اجرای ویژگی های اصلی

- پیوست یک- به اشتراک گذاری اطلاعات برای اهداف حل و فصل مالی
- پیوست دو - عناصر اصلی ترتیبات همکاری مؤسسه محور بین المللی
- پیوست سه - ارزیابی های حل و فصل پذیری
- پیوست چهار - عناصر اصلی طرح های بازسازی و حل و فصل مالی
- پیوست پنج - تعلیق موقت حقوق انقضای پیش از موعد قراردادها

ضمیمه دو: رهنمود بخش محور

- پیوست یک- حل و فصل مالی زیرساخت های بازار مالی و فعالان بازارهای مالی
- پیوست دو - حل و فصل مالی بیمه گران
- پیوست سه - حمایت از دارایی مشتریان در حل و فصل مالی

رهنمود بخش محور به تشخیص این موضوع می پردازد که نه تنها همه ویژگی های اصلی برای همه بخش ها مناسب است بلکه برخی بخش ها نیازمند توضیح، تفسیر و تطبیق بیشتر به منظور اجرای موثر هستند. رهنمود بخش محور نشان می دهد که چگونه ویژگی های اصلی در بخش خاصی قابل درک است. رهنمود مذکور ویژگی های

^۳ - نسخه نهایی روش شناسی ارزیابی انتظار می رود در اوایل ۲۰۱۵ منتشر گردد.

اصلی را تکمیل می کند و این رهنمود باید در یک ویژگی خاص در ارتباط با ویژگی های اصلی مرتبط با آن مورد
ملاحظه قرار گیرد. از این مطلب نباید چنین برداشت شود که ویژگی های اصلی یا بخشی از آن بطور ساده ای قابل
اعمال است، زیرا هیچ گونه توضیحات اضافه در پیوست مربوطه وجود ندارد.

مقدمه

اهداف یک نظام حل و فصل مالی موثر این است که حل و فصل مالی مؤسسات مالی را بدون آسیب جدی سیستمی و بدون تحمیل زیان به مالیات دهندگان امکان پذیر نماید. ضمن آن که از عملکردهای حیاتی اقتصادی از طریق ایجاد سازوکارهای جذب زیان برای سهامداران و طلبکاران تضمین نشده و بیمه نشده که در سلسله مراتب تصفیه بدهی ها لحاظ می شوند، حفاظت نماید.

یک نظام حل و فصل مالی موثر (دارای ترتیبات و طرح های کاربردی برای حمایت از سپرده گذاران، بیمه گذاران و سرمایه گذاران خرد) باید:

۱- از تداوم خدمات مالی مهم و سیستمی و عملکردهای نظام پرداخت، تسویه، باز پرداخت اطمینان حاصل نماید؛

۲- از سپرده گذاران، بیمه گذاران و سرمایه گذارانی که توسط ترتیبات و طرح های بیمه ای پوشش داده شده اند، حمایت کند و همچنین از استرداد سریع دارایی های تفکیک شده مشتریان اطمینان حاصل کند؛

۳- زیان ها به مالکان (سهامداران)، طلبکاران بیمه نشده و تضمین نشده با توجه به سلسله مراتب مطالبات آنها تخصیص یابد؛

۴- به حمایت مالی عمومی و عدم ایجاد انتظارات در خصوص در دسترس بودن چنین حمایت هایی اتکا ننماید؛

۵- از تخریب غیر ضروری ارزش ها اجتناب کند و بنابراین هزینه های کلی حل و فصل مالی در کشورهای میزبان و مبدأ را به حداقل برساند و همچنین در هماهنگی با سایر اهداف نسبت به حداقل سازی زیان وارده به طلبکاران اقدام نماید.

۶- زمینه های قانونی را برای ایجاد سرعت، شفافیت و پیش بینی پذیر بودن و همچنین ایجاد رویه های شفاف و طرح های پیشرفته برای حل و فصل مالی نظام مند فراهم نماید؛

۷- زمینه های حقوقی برای همکاری، تبادل اطلاعات، هماهنگی داخلی و حسب مورد هماهنگی با مقامات حل و فصل مالی خارجی، قبل و حین حل و فصل مالی فراهم نماید؛

۸- اطمینان از اینکه مؤسسات مالی متوقف می توانند به روش نظام مند از بازار خارج شوند؛

۹- معتبر باشد و از این طریق نظم بازار را ارتقا دهد و انگیزه هایی را برای راه حل های بازار محور در حل و فصل مالی ایجاد نماید.

کشورها بایستی نظام حل و فصل مالی داشته باشند که مقام حل و فصل، دامنه وسیعی از ابزارها و اختیارات برای حل و فصل یک مؤسسه مالی که قابل احیا نیست و یا انتظار معقولی برای احیا شدن آن وجود ندارد، دارا باشد. نظام حل و فصل مالی باید دارای ابزارهای ذیل باشد:

- ۱- ابزارهای تثبیت کننده نظیر فروش بخشی از مؤسسه مالی یا همه آن به شخص ثالث به طور مستقیم یا از طریق مؤسسه واسطه بطور غیرمستقیم، و یا تجدید سرمایه از طریق طلبکاران آن مؤسسه به منظور تداوم عملکردهای مهم سیستمی؛
 - ۲- ابزارهای تصفیه به منظور انحلال نظام مند و واگذاری همه یا بخشی از خطوط تجاری مؤسسه مالی به منظور حمایت از سپرده گذاران بیمه شده، طلبکاران ضمانت شده و سایر مشتریان خرد.
- به منظور تسهیل حل و فصل مالی مشترک مؤسساتی که در چندین کشور فعالند و همچنین ایجاد همگرایی در نظام های حل و فصل مالی، کشورها باید نسبت به انجام تغییرات قانونی ضروری برای ایجاد ابزارها و اختیارات مشخص شده در ویژگی های اصلی، اقدام نمایند.

۱- دامنه^۴

- ۱-۱- هر نهاد مالی که از نظر سیستمی مهم باشد یا ورشکستگی آن حیاتی باشد، باید تحت یک نظام حل و فصل مالی که دارای ویژگی های مندرج در این سند است، قرار گیرد. نظام مذکور باید نسبت به مؤسسات مالی شفافیت عمل داشته باشد. دامنه عملیات نظام حل و فصل مالی شامل:

الف- مؤسسات مالی هلدینگ یک مؤسسه مالی؛

ب- واحدهای اجرایی در داخل یک نهاد یا مجموعه یا گروه مالی که تحت نظارت نیستند، لیکن حائز

اهمیت برای کسب و کار مجموعه یا گروه مالی می باشند؛

ج- شعب مؤسسات مالی خارجی^۵.

^۴ Scope

^۵ این مورد نباید در خصوص کشورهایی که الزامات محدودکننده خاصی در مورد حل و فصل مالی مؤسسات مالی توسط کشور مبدأ اعمال می گردد، بکاربرده شود. (برای مثال دستورالعمل های تجدید ساختار و انحلال اتحادیه اروپا)

۲-۱- زیرساختهای بازار مالی باید مبتنی بر نظام حل و فصل مالی باشند که اهداف و الزامات ویژگیهای کلیدی به نحوی که برای مؤسسات مالی و نقش حیاتی آنها در بازارهای مالی مناسب است، قابل اجرا باشند. انتخاب اختیار حل و فصل مالی باید با توجه به نیاز به حفظ استمرار کارکردهای مهم زیرساختهای بازار مالی صورت گیرد.

۳-۱- نظام حل و فصل مالی باید حداقل نهادهای مالی داخلی که اهمیت سیستمی بینالمللی دارند، را ملزم کند تا:

الف- یک برنامه بازسازی و حل و فصل مالی که شامل برنامه حل و فصل مالی گروه مالی است، را بر اساس اجزای ارایه شده در پیوست چهار داشته باشند. (ویژگی شماره (۱۱) را ببینید).

ب- مشمول ارزیابیهای حل و فصلپذیری منظم قرار گیرند. (ویژگی شماره (۱۰) را ببینید).

ج- مشمول توافقات همکاری برون مرزی مربوط به نهادهای مالی باشند. (ویژگی شماره (۹) را ببینید).

۲- مقام حل و فصل مالی^۷

۲-۱- هر کشور باید مقام اجرایی یا مسئول برای اجرای حل و فصل مالی نهادهای مالی مشمول نظام حل و فصل مالی را داشته باشد (مقام حل و فصل). در صورتی که بیش از یک مقام حل و فصل مالی در داخل یک کشور وجود داشته باشد، الزامات، نقشها و مسئولیتهای آنها باید بطور شفاف تعریف و هماهنگ شده باشد.

۲-۲- در صورتی که در کشوری مقامات حل و فصل مالی متعددی مسئول حل و فصل مالی نهادهای مختلف متعلق به یک گروه مالی را بر عهده داشته باشند، نظام حل و فصل مالی آن کشور باید یک مقام مسئول را به منظور راهبری و هماهنگی انجام حل و فصل مالی نهادهای حقوقی مذکور تعیین نماید.

۳-۲- مقام حل و فصل مالی به عنوان بخشی از اهداف و عملکردهای قانونی وی، با هماهنگی سایر مقامات در صورت لزوم، باید:

الف- بدنبال ثبات مالی بوده و استمرار خدمات مالی، پرداختها، عملیات وصول و تسویه را که از لحاظ

سیستمی مهم می باشند، تضمین نماید؛

^۶ Financial market infrastructures (FMIs) : عبارت زیرساختهای بازار مالی در این سند به عنوان یک سیستم چندگانه مربوط به مؤسسات مالی است که برای اهداف ثبت، تسویه پرداختها، اوراق بهادار و مشتقه و یا سایر معاملات مالی بکاربرده میشوند. این زیرساختها شامل سیستمهای پرداخت، سپردهگذاری مرکزی اوراق بهادار، سیستم تسویه اوراق بهادار، تسویه مرکزی وجوه (CCP) و سپردهگذاری تجاری میباشند.

^۷Resolution authority

ب- با هماهنگی و بکار بردن طرح‌های بیمه و ترتیبات مربوطه، از سپرده‌گذاران، بستانکاران و سرمایه‌گذاران

مشمول حمایت بیمه‌ای که به واسطه طرح‌های بیمه‌ای پوشش داده شده‌اند، محافظت نماید؛

ج- از تخریب غیرضروری ارزش دارایی‌ها جلوگیری کرده و هزینه‌های کلی حل و فصل مالی را در داخل و

خارج از کشور به حداقل برساند و ضرر و زیان طلبکاران را مطابق با اهداف قانونی به حداقل برساند.

د- تأثیر بالقوه اقدامات حل و فصل مالی را بر ثبات مالی در سایر کشورها لحاظ کند.

۲-۴- مقام حل و فصل مالی باید اختیار انعقاد قرارداد با مقامات حل و فصل مالی سایر کشورها را داشته باشد.

۲-۵- مقام حل و فصل مالی باید استقلال عملیاتی متناسب با مسئولیت‌های قانونی خود، فرآیندهای شفاف،

حاکمیت سالم و منابع کافی داشته باشد و تحت سازوکار ارزیابی و حسابرسی دقیق به منظور ارزیابی

اثربخشی هر اقدام حل و فصل مالی قرار گیرد. مقام مذکور باید دارای کارشناسان، منابع و توان عملیاتی به

منظور اجرای اقدامات حل و فصل مالی در رابطه با نهادهای مالی بزرگ و پیچیده باشد.

۲-۶- مقام حل و فصل مالی و کارکنان آن باید در مقابل تعهدات ناشی از اقدامات انجام‌شده و تسامح‌های صورت

گرفته در حین انجام وظیفه حل و فصل مالی، نظیر اقداماتی در راستای اجرای فرآیندهای حل و فصل مالی

خارجی که در کمال حسن نیت بوده، مورد حمایت قرار گیرند.

۲-۷- مقام حل و فصل مالی باید به مؤسسات مالی که در تحقق اهداف حل و فصل مالی، کسب‌آمادگی و اجرای

اقدامات مربوط به حل و فصل از اهمیت بالایی برخوردار هستند، دسترسی بی‌قید و شرط داشته باشد.

۳- اختیارات حل و فصل مالی
ورود به حل و فصل مالی

۳-۱- حل و فصل مالی باید در صورتی انجام پذیرد که نهاد مربوطه قابل احیا نبوده یا هیچ چشم‌انداز معقولی برای

بازسازی آن وجود ندارد. نظام حل و فصل مالی باید قبل از اینکه مؤسسه مالی یا نهاد مذکور به بی‌مایگی

ترازنامه‌ای برسد و قبل از اینکه تمام سرمایه آن به طور کامل از بین برود، ورود به موقع و به هنگام به امر حل

و فصل مالی آن داشته باشد. باید استانداردهای شفاف یا شاخص‌های مناسب مبنی بر عدم امکان بازسازی

نهاد مزبور وجود داشته باشد تا مقام حل و فصل بتواند در تصمیم‌گیری در جهت اینکه نهاد مذکور شرایط ورود

به امر حل و فصل مالی را دارد کمک کند.

اختیارات عمومی حل و فصل مالی

^۸Resolution powers

۳-۲- مقامات حل و فصل مالی باید اختیارات گسترده ای را در رابطه با حل و فصل مالی داشته باشند. اختیارات

مذکور برای انجام موارد زیر بکار گرفته می شود:

الف- عزل و جایگزینی مدیریت و مدیران ارشد و بازگرداندن پولها از افراد مسئول از جمله استرداد جبران خدمات متفاوت پرداخت شده.

ب- انتصاب یک مدیر اجرایی به منظور کنترل و مدیریت مؤسسه مالی با هدف بازگرداندن مؤسسه مالی یا بخشی از کسب و کار آن به حالت پایدار و مستمر.

ج- اداره کردن و حل و فصل مؤسسه مالی از جمله داشتن اختیارات جهت پایان دادن به قراردادهای، ادامه یا امضای قراردادهای، خرید یا فروش داراییها، ارزش گذاری بدهیها و انجام هر اقدام لازم جهت تجدید ساختار یا جمع کردن عملیات مؤسسه یا نهاد مذکور.

د- تضمین استمرار خدمات و کارکردهای مهم با ملزم کردن سایر مؤسسات مالی هم گروه به ادامه ارایه خدمات مذکور به مؤسسه مالی تحت حل و فصل مالی، مؤسسه جایگزین یا خریدار؛ اطمینان از اینکه باقیمانده مؤسسه در حال حل و فصل مالی بتواند به طور موقت خدمات مذکور را به نهاد جایگزین یا نهاد تملیک کننده ارایه نماید؛ یا خدمات ضروری را از نهاد ثالثی دریافت نماید.

ه- اختیار لغو حقوق سهامداران مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی از جمله لغو نیاز به تأیید سهامداران در رابطه با نقل و انتقالات خاص را به منظور انجام ادغام، تملیک، فروش بخش عمده ای از عملیات کسب و کار، تجدید سرمایه و سایر اقدامات جهت تجدید ساختار و واگذاری کسب و کار مؤسسه مالی یا بدهیها و داراییهای آن، داشته باشد.

و- انتقال یا فروش داراییها و بدهیها، حقوق و تعهدات قانونی از جمله بدهیهای سپرده ای و فروش سهام به یک مؤسسه مالی ثالث دارای توانایی مالی، را بدون نیاز به کسب رضایت یا تغییر تعهدات داشته باشد. (ویژگی شماره ۳-۳ را ببینید.)

ز- تأسیس نمودن یک نهاد انتقالی موقت به منظور در دست گرفتن امور و تداوم اجرای امور و عملیات ضروری و سالم مؤسسه مالی ورشکست شده. (ویژگی شماره ۳-۴ را ببینید.)

س- تأسیس یک نهاد مدیریت دارایی مجزا (برای نمونه نهاد مذکور می تواند به عنوان یک مؤسسه مالی تابعه از مؤسسه مالی بحران زده باشد که دارای اساسنامه جداگانه باشد یا یک مؤسسه مالی مدیریت

دارایی یا یک مؤسسه مالی امانی باشد) و انتقال وام‌های معوق یا دارایی‌هایی که ارزش گذاری آنها دشوار می‌باشد به نهاد مذکور جهت مدیریت آنها.

ش- اجرای عملیات نجات از درون در حل و فصل مالی به عنوان ابزاری جهت دستیابی یا کمک به دستیابی به تداوم عملیات ضروری مؤسسه مالی به وسیله ۱- تجدید سرمایه در نهاد متوقف به منظور ایجاد توان انجام فعالیت‌های ضروری؛ ۲- اعطای سرمایه به نهادهای جدید یا نهاد واسطه که عملیات ضروری مؤسسه مالی متوقف به آنها انتقال یافته است (که به این ترتیب، باقیمانده کسب و کار مؤسسه مالی به پایان رسیده و مؤسسه مالی تصفیه می‌شود). (ویژگی شماره ۳-۵ را ببینید.)

ص- تعلیق موقت اجرای حقوق انقضای پیش از موعد قراردادها که در مواقع آغاز حل و فصل مالی یا استفاده از اختیارات حل و فصل مالی، تعلیق موقت اجرای حقوق مذکور را امکان‌پذیر می‌سازد. (ویژگی شماره ۴-۳ و پیوست چهار را ببینید.)

ط- معوق کردن بدهی‌ها از طریق به تعویق انداختن پرداخت‌ها به طلبکاران و مشتریان تضمین‌نشده (به غیر از پرداخت‌ها و انتقال دارایی‌ها به مؤسسه مالی تسویه مرکزی (CCP) و پرداخت‌ها و انتقال‌هایی که در نظام پرداخت و تسویه ثبت شده‌اند) و تعلیق اقدامات طلبکاران جهت توقیف دارایی‌ها یا دریافت پول یا دارایی‌های مالی از مؤسسه مالی، در حالی که الزامات تسویه قراردادی و توافقات وثیقه‌گیری مورد حمایت می‌باشد.

ظ- متوقف کردن مؤسسه مالی در حال ورشکستگی و انجام تصفیه عادی تمام یا بخشی از آن با پرداخت زمان‌بندی شده یا انتقال سپرده‌های بیمه شده و دسترسی سریع (برای مثال در مدت هفت روز) به حساب‌های معاملاتی (جاری) و تفکیک وجوه مشتریان.

انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها

۳-۳- مقامات حل و فصل مالی باید اختیار انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های منتخب مؤسسه مالی متوقف را به نهاد ثالث یا نهاد جدید التأسيس واسطه داشته باشند. هرگونه انتقال دارایی یا بدهی نباید:

الف- مستلزم اخذ رضایت از اشخاص ذینفع یا طلبکاران به منظور قانونی نمودن اقدامات مذکور باشد.

ب- به ایجاد وضعیت نکول یا نقض قرارداد در ارتباط با دارایی‌ها یا بدهی‌ها و هرگونه تعهد انتقالی که مؤسسه مالی متوقف عضوی از طرف تعهد آن‌هاست، منجر گردد. (ویژگی شماره ۴-۲ را ببینید.)

نهاد انتقالی

۳-۴- مقامات حل و فصل مالی باید اختیار ایجاد یک یا چند نهاد واسطه جهت به دست گرفتن امور و ادامه فعالیت

عملیات ضروری و حیاتی مؤسسه مالی متوقف را داشته باشند، از جمله:

الف- اختیار ورود به توافقات قانونی قابل اجرا که بر اساس آن ها مقامات تصفیه بتوانند دارایی ها و

بدهی های منتخب مؤسسه مالی متوقف را به نهاد واسطه انتقال دهند.

ب- اختیار ایجاد شرایط و ضوابطی که به واسطه آن ها نهاد انتقالی، نهادی فعال باشد، را داشته باشد؛ از

جمله شیوه ای که به موجب آن سرمایه، تأمین مالی عملیاتی و سایر پشتیبانی های نقدی حاصل گردد،

الزامات و مقررات احتیاطی در خصوص عملیات نهاد واسطه اعمال گردد، انتخاب مدیریت و نحوه

اداره حاکمیت نهاد انتقالی و انجام سایر عملیات موقت توسط نهاد انتقالی که مقامات در زمان های

مختلف تجویز می کنند، شامل گردد.

ج- اختیار معکوس نمودن انتقال دارایی و بدهی به نهاد انتقالی در مواقع ضروری مشروط به وجود

تمهیدات حفاظتی قانونی مناسب از جمله محدوده های زمانی.

د- اختیار برنامه ریزی برای فروش یا به پایان رساندن فعالیت نهاد انتقالی، یا فروش بخشی یا کل

دارایی ها و بدهی ها به نهاد خریدار بطوری که به بهترین وجه اهداف مقامات حل و فصل مالی تأمین

گردد.

نجات از درون در فرآیند حل و فصل مالی

۳-۵- داشتن اختیار اجرای نجات از درون در فرآیند حل و فصل مالی باید بتواند مقامات حل و فصل مالی را قادر

کند تا موارد ذیل را انجام دهند:

الف- کاهش ارزش^۱ سهام یا سایر ابزار مالکیت مؤسسه مالی و مطالبات تضمین نشده و بیمه نشده به

منظور جذب کامل زیان وارده، به نحوی که سلسله مراتب تصفیه مطالبات در فرآیند تصفیه، رعایت

گردد. (ویژگی ۵-۱ را ببینید)

ب- تبدیل تمام یا بخشی از مطالبات تضمین نشده یا بیمه نشده به سهام یا سایر ابزارهای مالکیت

مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی (یا هر جایگزین دیگر در حل و فصل مالی یا مؤسسه مالی مادر

در داخل همان کشور)، به نحوی که سلسله مراتب مطالبات در تصفیه رعایت گردد.

^۱going concern

^۲write down

- ج- با ورود به حل و فصل مالی، در خصوص هرگونه ابزارهای نجات از درون قابل تبدیل و محتمل، که بر حسب قرارداد مربوطه، شرایط آنها پیش از آغاز حل و فصل مالی تأمین نشده باشد، تبدیل نموده یا کاهش ارزش دهد و آنها را به عنوان ابزارهای اشاره شده در بندهای (الف) و (ب) است، محسوب نماید.
- ۳-۶- نظام حل و فصل مالی باید امکان بکارگیری ابزار نجات از درون را با سایر ابزارهای حل و فصل مالی فراهم نماید، (برای مثال از میان برداشتن دارایی‌های مشکل‌دار، جایگزینی مدیریت ارشد و تعیین و اجرای برنامه کسب و کار جدید) تا از امکان ادامه فعالیت مؤسسه مالی یا نهاد تازه تأسیس شده پس از اجرای عملیات نجات از درون اطمینان حاصل نماید.
- حل و فصل مالی بیمه گران
- ۳-۷- در مورد مؤسسات مالی بیمه، مقامات حل و فصل مالی باید اختیارات ذیل را داشته باشند:
- الف- انتقال تمام یا بخشی از کسب و کار بیمه به بیمه‌گر دیگر، بدون نیاز به اخذ رضایت یا تأییدیه از هر یک از بیمه‌گذاران؛
- ب- توقف انجام کسب و کار جدید توسط مؤسسه مالی بیمه در حال حل و فصل مالی، در حالی که اجرای تعهدات قراردادهای بیمه برای کسب و کار موجود ادامه می‌یابد.
- اجرای اختیارات حل و فصل مالی
- ۳-۸- مقامات حل و فصل مالی باید ظرفیت قانونی و عملیاتی جهت انجام امور ذیل را داشته باشند:
- الف- اعمال اختیارات حل و فصل مالی به صورت تکی یا ترکیبی و انجام اقدامات حل و فصل مالی به صورت ترکیبی یا سلسله مراتبی؛
- ب- اعمال ابزارهای مختلف حل و فصل مالی به بخش‌های مختلف کسب و کار مؤسسه مالی (برای مثال بانکداری تجاری و خرد، عملیات تجاری، بیمه)؛
- ج- اقداماتی را جهت پایان دادن به فعالیت‌هایی که از نظر مقامات برای نظام مالی یا اقتصادی حائز اهمیت چندانی نیستند، آغاز نماید. (ویژگی ۳-۲ را ببینید).
- ۳-۹- در اعمال اختیارات حل و فصل مالی در خصوص تک‌تک اجزای یک گروه مالی در یک کشور، مقام حل و فصل مالی باید تأثیراتی را که اقدامات وی بر کل گروه و بر ثبات مالی در سایر کشورها ایجاد می‌نماید را لحاظ کرده و تلاش نماید تا از اقداماتی که باعث ایجاد عدم ثبات در سایر بخش‌های گروه یا در نظام مالی می‌گردد، جلوگیری کند.

۴- تهاتر بدهی ها در مقابل طلب ها، تسویه قرارداد، وثیقه گیری، تفکیک
دارایی های مشتریان^۱ ^۲

۴-۱- چارچوب قانونی حاکم بر حقوق تهاتر بدهی ها در مقابل طلب ها، تسویه قراردادی، توافقات وثیقه گیری و تفکیک دارایی های مشتریان در طی دوران بحران یا حل و فصل مالی مؤسسه مالی باید روشن، شفاف و الزام آور باشد و نباید در اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل مالی مانعی ایجاد نماید.

۴-۲- مشروط به وجود تمهیدات قانونی، ورود به حل و فصل مالی و اجرای اختیارات حل و فصل مالی نباید موجب ایجاد حق و قراردادی به منظور تهاتر بدهی ها در مقابل طلب ها شود یا اینکه شرایطی را ایجاد کند که طرف های تجاری مؤسسه مالی بتوانند از حقوق تسریع در قراردادهایشان یا انقضای پیش از موعد تعهداتشان استفاده کنند.

۴-۳- در صورتی که حقوق تسریع در قراردادهای انقضای پیش از موعد آنها امکان پذیر باشد، مقام حل و فصل مالی صرفاً به دلیل ورود به فرآیند حل و فصل مالی یا در ارتباط با اجرای ابزارهای حل و فصل باید اختیار متوقف ساختن چنین امتیازاتی را به طور موقت داشته باشد. توقف مورد نظر در جریان امور باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف - محدود بودن به لحاظ مدت (برای مثال بازه زمانی که بیش از دو روز کاری نباشد)

ب - دارای پوشش قانونی مناسب جهت محافظت از انسجام قراردادهای مالی باشد و در طرف های تجاری اطمینان ایجاد کند. (در رابطه با شرایط توقف موقت به پیوست ۵ پیوست یک مراجعه شود).

ج - عدم تأثیرگذاری بر اجرای حقوق ناظر بر انقضای پیش از موعد قرارداد توسط طرف های تجاری در مقابل مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی منوط به این که نقض قرارداد مذکور با ورود مؤسسه فوق به مرحله حل و فصل یا اجرای اختیارات مقام حل و فصل مالی را قبل، حین و بعد از توقف ارتباطی نداشته باشد. (برای مثال، ناتوانی مؤسسه مالی در حال حل و فصل مالی در انجام پرداخت و تحویل یا استرداد وثیقه در زمان سررسید)

توقف مذکور به دو صورت صلاح دیدی (در اختیار مقام حل و فصل مالی) یا خودکار در حین عملیات می تواند انجام گیرد. در هر دو حالت، کشورها باید اطمینان حاصل کنند که در شروع و پایان توقف شفافیت وجود داشته باشد.

^۱Set-off, netting, collateralisation, segregation of client assets

۴-۴- مقامات حل و فصل مالی باید توقف در استفاده از حقوق انقضای پیش از موعد قراردادهای را مطابق رهنمودهای بیو ست پنج ضمیمه یک اجرا کنند تا اطمینان حاصل کنند که ایمنی و انضباط عملیات مبادلات و زیرساختهای بازار مالی به خطر نیفتد.

۵- تمهیدات حفاظتی (قانونی)^۳
مدنظر قرارداد اصل اولویتبندی طلبکاران و اصل «وضعیت هیچ طلبکاری در جریان حل و فصل مالی بدتر نمی شود»^۴.

۵-۱- ابزارهای حل و فصل مالی باید به نحوی اجرا شوند که سلسله مراتب مطالبات را رعایت گردد، لیکن در صورت ضرورت می توان به منظور کنترل تأثیرات بالقوه سیستمی مؤسسه مالی و شکسته یا حداکثر کردن منافع همه طلبکاران به صورت کل، از اجرای اصل عمومی برخورد یکسان با طلبکاران هم عرض با ارائه دلایل شفاف خودداری نمود. به طور خاص، در وهله اول حقوق صاحبان سهام باید متحمل زیانهای وارده باشد و هیچ خسارتی نباید متوجه صاحبان بدهی ممتاز باشد تا وقتی که بدهیهای تبعی (که شامل همه ابزارهای سرمایه نظارتی می گردد) به طور کل به میزان زیان وارده کاهش ارزش داشته باشند. (بدون توجه به اینکه جذب زیانها توسط بدهیهای تبعی همراه با تبدیل آنها به سهام بوده باشد یا خیر).

۵-۲- طلبکاران حق دارند در شرایطی که آنها حداقل مبلغی که می توانستند در صورت ورود به تصفیه مؤسسه مالی تحت نظام ور شکستگی دریافت کنند را بدست نیاورند، مورد جبران خسارت واقع شوند. (تضمین اصل «وضعیت هیچ طلبکاری در جریان حل و فصل مالی بدتر نمی شود».)

۵-۳- مدیران و کارشناسان مؤسسه مالی در حال حل و فصل باید از لحاظ حقوقی در مقابل اقداماتی که در تبعیت از تصمیمات مقامات حل و فصل مالی انجام داده اند، (برای مثال در مقابل دادخواهی سهامداران و بستانکاران) مورد حمایت (قانونی) قرار گیرند.

اصلاحات قانونی و اقدام قضایی

۵-۴- مقام حل و فصل مالی باید بر اساس راهکارها و رویههایی که بطور اساسی توسط قانون حمایت شده باشند، توانایی اجرای ابزارهای حل و فصل مالی را با سرعت و انعطاف پذیری لازم داشته باشد. در کشورهایی که لازم است به منظور اجرای اقدامات حل و فصل مالی تصمیم دادگاه صادر شود، مقامات حل و فصل مالی

^۳Safeguards

^۴no creditors worse off (NCWO)

باید این امر را در برنامه ریزی فرآیند حل و فصل لحاظ کنند تا مطمئن شوند که زمان لازم برای اقدامات دادگاه، اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل مالی را به خطر نمی اندازد.

۵-۵- مقام قانون گذار که نظام های حل و فصل مالی را ایجاد می کند، نباید اقدامات قضایی را مورد تصویب قرار دهد که موجب ایجاد محدودیت در اجرای اقدامات صورت گرفته توسط مقامات حل و فصل مالی یا معکوس نمودن آن اقدامات گردد که در چارچوب اختیارات قانونی آنها و بر اساس حسن نیت انجام شده است. در عین حال، مقام قانون گذار باید در صورت توجیه پذیر بودن، با اعطای غرامت موجبات جبران خسارت را هم فراهم نماید.

۵-۶- به منظور حفظ اعتماد بازار، کشورها باید با هدف افزایش انعطاف پذیری، امکان مستثنی شدن موقت مؤسسات مالی از الزامات افشاء یا به تعویق انداختن آن را فراهم کنند. برای مثال، در صورتی که الزامات افشاء تحت قواعد ناظر بر گزارش دهی بازار، مقررات اداره موقت و احصای دارایی ها، اجرای موفقیت آمیز اقدامات حل و فصل مالی را تحت تأثیر قرار دهد، افشای اطلاعات مزبور به تعویق افتد.

- ۶- تأمین مالی مؤسسات مالی در حال حل و فصل
- ۶-۱- کشورها باید قوانین و سیاست هایی را داشته باشند تا مقامات حل و فصل مالی را به استفاده از مالکیت عمومی یا منابع مالی نجات از بیرون (منابع عمومی) به عنوان ابزارهای حل و فصل مالی محدود نمایند.
- ۶-۲- در صورتی که منابع موقت تأمین مالی برای حفظ کارکردهای ضروری و به منظور دستیابی به حل و فصل مالی نظام مند لازم باشد، مقام حل و فصل مالی یا مقامی که تأمین مالی موقت را انجام می دهد، باید تمهیداتی را برای پوشش زیان های وارده از جانب ۱- سهامداران و بستانکاران ضمانت نشده مشروط به لحاظ نمودن اصل « وضعیت هیچ طلبکاری در جریان حل و فصل مالی بدتر از وضعیت زمان تصفیه نمی شود. » فراهم نماید (بند ۵-۲ را ببینید)، یا ۲- در صورت لزوم، از نظام مالی بطور گسترده تر کمک بگیرد.
- ۶-۳- کشورها باید نظام بیمه سپرده یا صندوق های حل و فصل مالی مبتنی بر تأمین مالی خصوصی یا سازوکار تأمین مالی پوششی مبتنی بر صنعت (بانکداری) با هدف فراهم نمودن منابع مالی موقت و تسهیل فرآیند حل و فصل مالی مؤسسه مالی تحت حل و فصل، داشته باشند.
- ۶-۴- هر گونه تمهیداتی که از سوی مقامات حل و فصل مالی به منظور تأمین مالی موقت اتخاذ گردد، باید مشمول شرایط سخت گیرانه ای باشد که مسأله مخاطرات اخلاقی را به حداقل برساند و شامل موارد ذیل گردد:

^۱Funding of firms in resolution

الف- مشخص نمودن این که تمهیدات تأمین مالی موقت به منظور ایجاد ثبات مالی ضروری بوده و اجرای حل و فصل مالی را که به بهترین نحو بتواند اهداف یک حل و فصل مالی نظام مند را به ثمر برساند، تسهیل می نماید. همچنین مشخص گردد که منابع مالی خصوصی تأمین مالی به اتمام رسیده یا منابع مذکور برای دستیابی به اهداف فوق الذکر کفایت نمی کند؛

ب- زیان های وارده بین صاحبان سهام توزیع شده و باقیمانده آن بین طلبکاران فاقد بیمه و ضمانت نشده، صنعت (بانکداری) از طریق ابزارهای ارزیابی های پوششی قبلی، حق عضویت بیمه یا سایر سازوکارها بطور مناسب توزیع شده است.

۶-۵- بعضی از کشورها به عنوان آخرین گزینه و به منظور سعی در دستیابی به هدف حفظ ثبات مالی، ممکن است تصمیم بگیرند که این اختیار را داشته باشند که مؤسسه مالی تحت حل و فصل را به منظور ادامه فعالیت های حیاتی آن، تحت مالکیت و کنترل موقت دولتی قرار دهند، ضمن آن که به دنبال یک راه حل دائمی مثل فروش مؤسسه مذکور یا ادغام آن با یک خریدار تجاری بخش خصوصی می باشند. در صورتی که کشورها از چنین ابزارهای بهره مند باشند، آنها باید تمهیدات لازم برای پوشش هر زیان وارده به دولت را از محل بستنکاران ضمانت نشده یا در صورت لزوم، از نظام مالی بطور گسترده تر فراهم نمایند.

۷- شرایط چارچوب قانونی برای همکاری های برون مرزی^۱
۷-۱- الزامات قانونی باید به مقام حل و فصل مالی قدرت، اختیار و انگیزه لازم به منظور اقدام برای دستیابی به راه حل همکاری با مقامات حل و فصل مالی خارجی را اعطا نماید.

۷-۲- قوانین و مقررات در کشورها نباید بگونه ای باشد که مداخله رسمی یا شروع امر حل و فصل مالی یا اقدامات مربوط به ورشکستگی مؤسسه مالی در یک کشور منجر به وقوع اقدامات خودکار در کشوری دیگر گردد، در حالی که حق اقدام ملی صلاح دیدی جهت دستیابی به ثبات داخلی در صورت عدم وجود همکاری مؤثر بین المللی و عدم مشارکت در اطلاعات محفوظ است. در صورتی که مقام حل و فصل مالی بنا به صلاح دید ملی اقدامی انجام دهد، باید تأثیر آن بر ثبات مالی در سایر کشورها را در نظر بگیرد.

۷-۳- مقام حل و فصل مالی باید ضمن داشتن اختیار حل و فصل مالی شعب داخلی مؤسسات مالی خارجی، توانایی استفاده از اختیاراتش را در حمایت از حل و فصل مالی صورت گرفته توسط مقام حل و فصل مالی کشور مبدأ را داشته باشد (برای مثال، صدور حکم انتقال دارایی در کشور خود به یک نهاد انتقالی که توسط

^۱Legal framework conditions for cross-border cooperation

مقام کشور مبدأ خارجی ایجاد شده است). همچنین مقام حل و فصل مالی باید در شرایط استثنایی که کشور مبدأ اقدامی انجام نمی دهد یا به نحوی اقدام می کند که به اندازه کافی نیاز حفظ ثبات مالی کشور میزبان را برآورده نمی کند، بتواند اقدامات لازم را بر اساس ابتکارات خود انجام دهد. در عین حال، مقام حل و فصل مالی که به عنوان مقام میزبان، اقدامات ملی مصلحتی انجام می دهد، باید از قبل در این زمینه به کشور مبدأ اطلاع رسانی نموده و با آن کشور مشورت نماید.

۷-۴- قوانین و مقررات ملی نباید بین طلبکاران بر اساس ملیت آنها، محل مطالبه یا حوزه حاکمیتی که در آن مطالبه قابل پرداخت است تبعیض قایل شوند. نحوه برخورد با طلبکاران و رتبه بندی آنها در موقع ورشکستگی باید به طور شفاف و بطور مناسب برای سپرده گذاران، بیمه شده ها و سایر بستانکاران افشا شود.

۷-۵- کشورها باید رویه های شفاف و تسریع کننده ای برای اثربخشی اقدامات حل و فصل مالی از سوی کشور خارجی بکارگیرند. این امر به دو روش میسر است که عبارتند از: ۱- به رسمیت شناختن رویه های تشخیص متقابل یا ۲- از طریق اجرای اقداماتی مطابق با نظام حل و فصل مالی داخلی که با اقدامات حل و فصل مالی که توسط مقام حل و فصل مالی خارجی صورت می گیرد همراستا بوده و سازگاری دارد. چنین اقدامات تشخیصی و حمایتی، به مقام حل و فصل مالی خارجی را قادر می سازد تا در شرایطی که مؤسسه مالی که تحت قانون کشور مزبور حل و فصل می گردد، مقام مزبور بتواند به طور مناسب کنترل سریع بر مؤسسه مالی (شعبه یا سهام در مؤسسه مالی وابسته) یا دارایی هایی از آن را که در کشور میزبان قرار دارند، داشته باشد. به رسمیت شناختن یا حمایت از اقدامات خارجی باید مشروط به برخورد عادلانه با طلبکاران در فرآیند حل و فصل مالی خارجی باشد.

۷-۶- در شرایطی که به اشتراک گذاری اطلاعات برای برنامه ریزی انجام بازسازی و حل و فصل مالی یا برای اجرای هماهنگ حل و فصل مالی ضرورت داشته باشد، مقام حل و فصل مالی باید این ظرفیت قانونی را داشته باشد که مشروط به رعایت الزامات و تمهیدات حفظ محرمانگی در اطلاعات مهم، اطلاعات لازم از جمله برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی (RRP) مربوط به گروه را به طور کل یا هر یک از شعب یا نمایندگی ها را با مقامات خارجی مربوطه (برای مثال اعضای یک گروه مدیریت بحران یا CMG) به اشتراک بگذارد.

۷-۷- کشورها باید الزامات محرمانگی و تضمین های قانونی را به منظور حفاظت از اطلاعات دریافت شده از مقامات خارجی فراهم کنند.

۸- گروه های مدیریت بحران

۸-۱- مقامات کشور مبدأ و مقامات اصلی کشور میزبان مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی (G-SIFI)، باید

گروه های مدیریت بحران با هدف تقویت آمادگی و تسهیل مدیریت و حل و فصل مالی مؤسسات مذکور در مواقع بحران های مالی بین المللی تأثیرگذار بر مؤسسه مالی را داشته باشند. گروه های مدیریت بحران باید از مقامات نظارتی، بانک های مرکزی، مقامات حل و فصل مالی، وزارتخانه های مالی و مقامات دولتی مسئول صندوق های ضمانت کشورها اعم از کشور مبدأ یا کشورهایی که میزبان نهادهای مرتبط با مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی می باشند (که حل و فصل مالی آنها مهم است)، تشکیل شده باشند. گروه های مدیریت بحران باید با مقامات سایر کشورها که در آنها مؤسسات مالی حضور سیستمی دارند، همکاری داشته باشند.

۸-۲- گروه های مدیریت بحران باید موارد ذیل را بطور فعال بازنگری نموده و بصورت مناسب به هیأت ثبات مالی

(FSB) و شورای بازنگری مشترک هیأت ثبات مالی گزارش کنند:

۱- پیشرفت در همکاری و به اشتراک گذاری اطلاعات در داخل گروه های مدیریت بحران و با مقامات کشور

میزبان که در گروه های مدیریت بحران معرفی نشده اند؛

۲- فرآیند برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی تحت

قراردادهای همکاری خاص نهاد محور؛

۳- حل و فصل پذیری مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی.

۹- توافقات همکاری برون مرزی نهاد محور

۹-۱- برای تمام مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی، حداقل باید توافقات همکاری بین المللی نهاد محور بین

مقامات کشور مبدأ و میزبان، که شامل موارد اساسی مندرج در پیوست یک بوده و برای مراحل برنامه ریزی و

حل و فصل مالی بحران ضرورت دارد، وجود داشته باشد. این توافقات علاوه بر سایر موارد باید شامل موارد

ذیل باشند:

الف- اهداف و فرآیندهای همکاری از طریق گروه مدیریت بحران را ایجاد کنند.

ب- نقش ها و مسئولیت های مقامات را قبل از بحران (یعنی مراحل برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل

مالی) و در حین بحران تعریف کنند.

^۱Crisis Management Groups (CMGs)

^۱Institution-specific cross-border cooperation agreements

ج- فرآیندی برای به اشتراک گذاری اطلاعات از جمله به اشتراک گذاری اطلاعات با هر مقام کشور میزبان که در گروه مدیریت بحران معرفی نشده باشد، قبل و در حین بحران ایجاد کند؛ این امر باید به طور شفاف بر پایه قوانین ملی مشارکت در اطلاعات و با ترتیبات محافظت از محرمانه بودن اطلاعات به اشتراک گذاشته شده، صورت گیرد.

د- فرآیندهایی را به منظور هماهنگی در تهیه برنامه های بازسازی و حل و فصل برای مؤسسه مالی، شامل مؤسسه مالی مادر یا مؤسسه مالی هلدینگ و واحدهای تابعه مهم، شعب و مؤسسات مالی وابسته که در محدوده توافق قرار دارند و همچنین فرآیند تعامل با مؤسسه مالی به عنوان بخشی از این فرآیند را ایجاد کند.

ه- فرآیندهای لازم برای هماهنگی بین مقامات کشور میزبان و کشور مبدأ در اجرای ارزیابی های حل و فصل پذیری را ایجاد کند.

و- در شرایطی که جریانات نامطلوب مهمی مؤسسه مالی را تهدید می کند، قبل از هر نوع اقدام صلاح دیدی یا اقدام مربوط به مدیریت بحران، رویه های مورد توافق مقام کشور میزبان را به منظور اطلاع رسانی و مشاوره با مقام کشور مبدأ در مدت زمان مشخص، در برگیرد.

ز- در رابطه با اجرای ابزارهای خاص حل و فصل مالی برون مرزی، از جمله در رابطه با استفاده از ابزارهای نهاد انتقالی و نجات از درون، جزئیات را بطور مناسب و کافی ارائه دهد.

س- زمینه برگزاری جلسات به منظور بازنگری دوره ای (حداقل سالیانه) قدرت و استحکام کلی استراتژی حل و فصل مالی را برای نهادهای مهم سیستمی بین المللی را با حضور مقامات ارشد رسمی کشور میزبان و مقامات مربوط کشور مبدأ، فراهم نماید.

ش- زمینه بازنگری های دوره ای (حداقل سالانه) توسط مقامات ارشد ذی صلاح در رابطه با برنامه های عملیاتی اجرای استراتژی های حل و فصل مالی، ایجاد نماید.

۹-۲- اجرای توافقات باید به عموم اطلاع داده شود. در صورت موافقت مقاماتی که جزء طرفین قرارداد می باشند، مقامات کشور مبدأ می توانند چارچوب کلی توافقات را منتشر کنند.

۱۰- ارزیابی های حل و فصل پذیری

^۱Resolvability assessments

۱۰-۱- مقامات حل و فصل مالی باید بطور منظم، حداقل برای نهادهای مهم سیستمی بین المللی (G-SIFI)، ارزیابی های حل و فصل پذیری را به منظور بررسی امکان پذیری و معتبر بودن استراتژی های حل و فصل مالی در خصوص آثار شکست احتمالی مؤسسه مالی بر نظام مالی و بطور کلی اقتصاد، انجام دهند. ارزیابی های مذکور باید مطابق با رهنمودهای پیوست سه ضمیمه یک صورت گیرد.

۱۰-۲- در انجام ارزیابی های حل و فصل پذیری، مقامات حل و فصل مالی باید هماهنگ با سایر مقامات مربوطه، موارد ذیل را بطور خاص ارزیابی کنند:

- الف- حدود و میزانی که خدمات مالی ضروری و عملیات تهاجر، پرداخت و تسویه می توانند ادامه یابند.
- ب- ماهیت و اندازه دارایی های در معرض ریسک داخل گروه و تأثیر آنها بر حل و فصل مالی در صورتی که نیاز به حفظ آنها وجود داشته باشد.
- ج- توانایی مؤسسه مالی در ارائه اطلاعات با جزئیات کافی، دقیق و به موقع برای حمایت از فرآیند حل و فصل مالی.

د- تحکیم همکاری های بین المللی و ترتیبات به اشتراک گذاری اطلاعات.

۱۰-۳- ارزیابی های حل و فصل پذیری گروه باید توسط مقامات کشور مبدأ که نهادهای مهم سیستمی بین المللی در آن واقع هستند، انجام گیرد و هماهنگی ها در کشور میزبان توسط گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی با در نظر گرفتن ارزیابی های ملی توسط مقامات میزبان، صورت می پذیرد.

۱۰-۴- مقامات حل و فصل مالی کشور میزبان که ارزیابی های حل و فصل پذیری را برای مؤسسات مالی تابعه در حوزه حاکمیت شان انجام می دهند، باید حداقل امکان با مقامات حل و فصل مالی کشور مبدأ که ارزیابی های حل و فصل پذیری را برای کل گروه انجام می دهند، هماهنگ شوند.

۱۰-۵- به منظور بهبود حل و فصل پذیری یک مؤسسه مالی، مقامات نظارتی یا مقامات حل و فصل مالی باید اختیار داشته باشند که در صورت نیاز، مؤسسه مزبور را به انجام اقدامات مناسب نظیر تغییرات در کسب و کار، ساختار و چارچوب مؤسسه ملزم نمایند تا هزینه ها و پیچیدگی های حل و فصل مالی کاهش یابد. این امر باید با لحاظ تأثیر ایجاد شده بر سلامت و ثبات کسب و کار جاری مؤسسه صورت گیرد. به منظور امکان پذیر ساختن استمرار اموری که به لحاظ سیستمی مهم می باشند، مقامات باید ارزیابی هایی را در خصوص تفکیک امور مزبور در شکل نهادهایی مستقل حقوقی و عملیاتی به نحوی که از مشکلات گروه در امان باشند، انجام دهند.

۱۱- برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی

۱۱-۱- کشورها باید فرآیند مستمری در رابطه با برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی داشته باشند که حداقل، مؤسسات مالی داخلی که از لحاظ سیستمی قابل توجه بوده یا ورشکستگی آنها بحران را خواهد بود، را پوشش دهند.

۱۱-۲- کشورها باید الزام نمایند تا برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی مستحکم و معتبر، که اجزای اساسی برنامه های مزبور طرح شده در پیوست چهار، برای تمام نهادهای مهم سیستمی در سطح بین المللی و برای هر مؤسسه مالی که بنا به تشخیص مقام حل و فصل مالی مبدأ مربوطه، ورشکستگی آن بر ثبات مالی تأثیر خواهد داشت، وجود داشته باشند.

۱۱-۳- برنامه بازسازی و حل و فصل مالی باید به وسیله ارزیابی های حل و فصل پذیری تکمیل گردد. (به ویژگی کلیدی ۱۰ مراجعه شود) و باید شرایط خاص مؤسسه مالی، ماهیت، پیچیدگی، به هم تنیدگی و سطح جایگزین پذیری و اندازه آن را منعکس کند.

۱۱-۴- کشورها باید مدیریت ارشد مؤسسه مالی را ملزم کنند تا مسئولیت ارائه اطلاعات لازم به مقامات حل و فصل مالی جهت اجرای موارد ذیل را بپذیرد:

الف- ارزیابی برنامه بازسازی؛

ب- آماده سازی برنامه های حل و فصل مالی توسط مقام حل و فصل مالی.

برنامه بازسازی

۱۱-۵- مقامات نظارتی و حل و فصل مالی باید اطمینان حاصل کنند که مؤسسات مالی که برای آنها برنامه ها بازسازی و حل و فصل مالی الزام آور است، برنامه بازسازی ارایه می دهند که در آن راهکارهای بازگرداندن قدرت مالی و امکان ادامه حیات را برای مؤسسه در زمانی که تحت شرایط سخت قرار می گیرد، مشخص شده است. برنامه های بازسازی باید شامل موارد ذیل باشند:

الف- ابزارهای معتبری که بتوانند با مجموعه ای از سناریوها در شرایط بحرانی خاص و یا گسترده مواجه شوند.

ب- سناریوهایی که کمبودهای سرمایه و فشارهای نقدینگی را لحاظ کنند.

ج- فرآیندهایی که اجرای به موقع ابزارهای بازسازی را در شرایط بحرانی مختلف ضمانت کنند.

طرح حل و فصل مالی

^۲Recovery and resolution planning

۱۱-۶- طرح حل و فصل مالی به منظور تسهیل در استفاده موثر از ابزارهای حل و فصل مالی برای حفظ عملکردهای مهم سیستمی و با هدف اجرایی کردن حل و فصل هر مؤسسه مالی بدون ایجاد اختلال شدید و بدون تحمیل زیان به مالیات دهندگان تهیه می گردد. برنامه مذکور باید ضمن دارای بودن استراتژی دقیقی که مورد موافقت مقامات ارشد قرار گرفته، دارای طرح عملیاتی برای اجرای برنامه بوده و موارد ذیل را نیز مشخص نماید:

الف- فعالیت های حیاتی و ضروری مالی و اقتصادی مؤسسه مالی؛

ب- ابزارهای مناسب حل و فصل مالی برای تداوم فعالیت های مذکور یا پایان دادن به آنها بصورت نظام مند؛

ج- الزامات اطلاعاتی مربوط به عملیات، ساختارها، عملکردهای مهم سیستمی مؤسسه مالی؛

د- شناسایی موانع موجود در انجام حل و فصل مالی مؤثر و اقدامات لازم جهت رفع آنها؛

و- اقدامات لازم به منظور محافظت از سپرده گذاران بیمه شده و بیمه گذاران و اطمینان از بازگشت سریع دارایی های تفکیک شده مشتریان؛

ه- ابزارها یا اصول مشخص برای خروج از فرآیند حل و فصل مالی.

۱۱-۷- مؤسسات مالی باید ملزم شوند تا اطمینان یابند که توافقات صورت گرفته در خصوص خدمات با اهمیت در زمان های بحرانی و در حل و فصل مالی برقرار هستند و اینکه قراردادهای منعقد شده باید دارای شرایطی باشند که از خاتمه خدمات با اهمیت مزبور به واسطه وقوع بازسازی یا حل و فصل مالی جلوگیری کنند و انتقال قرارداد را به بانک انتقالی یا شخص ثالث تملیک کننده، تسهیل کنند.

۱۱-۸- مقام حل و فصل مالی کشور مبدأ باید حداقل برای نهادهای مالی مهم سیستمی بین المللی، با هماهنگی تمام اعضای گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی، برنامه حل و فصل مالی مربوط به گروه را تهیه و راهبری نماید. مقامات کشور میزبان که با گروه مدیریت بحران سر و کار دارند یا مقامات کشورهایی که مؤسسه مالی حضور سیستمی در آنها دارد، باید به برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی و اطلاعات و اقداماتی که در کشور آنها تاثیر خواهد داشت، دسترسی داشته باشند.

۱۱-۹- مقامات حل و فصل مالی کشور میزبان می توانند برنامه های حل و فصل مالی مربوط به عملیات مؤسسه مالی در حوزه های حاکمیتی خود را داشته باشند و به منظور مطمئن شدن از مطابقت حداقل امکان برنامه های فوق الذکر با برنامه گروه، با مقامات حل و فصل مالی کشور مبدأ همکاری کنند.

بروزرسانی های دوره ای و بازنگری

۱۱-۱- مقامات نظارتی و حل و فصل مالی باید اطمینان حاصل کنند که برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی به صورت دوره ای حداقل یکبار در سال یا وقتی که تغییرات اساسی در کسب و کار یا ساختار مؤسسه مالی اتفاق می افتد، به روزرسانی می شوند و برنامه های مزبور بطور منظم در گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی مورد بازنگری قرار می گیرند.

۱۱-۱-۱- استراتژی اساسی حل و فصل مالی برای هر نهادی که از لحاظ سیستمی در سطح بین الملل مهم می باشد، باید حداقل بطور سالانه توسط مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات مربوط کشور میزبان مورد بازنگری قرار گیرد و در صورت لزوم، بازنگری مذکور باید شامل بازنگری در مدیرعامل مؤسسه مالی نیز باشد. برنامه های عملیاتی برای اجرای هر استراتژی حل و فصل مالی باید حداقل سالانه توسط مقامات ارشد ذی صلاح کشور مبدأ و مقامات مربوط کشور میزبان بازنگری شود.

۱۱-۱۲- در صورتی که مقامات حل و فصل مالی از برنامه بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی رضایت نداشته باشند، باید اقدامات مناسب را جهت رفع کمبودها الزام نمایند. مقامات مربوط کشور مبدأ و میزبان باید بدو در رابطه با اقدامات منظور شده مشورت داشته باشند.

۱۲- دسترسی و به اشتراک گذاری اطلاعات

۱۲-۱- کشورها باید اطمینان حاصل کنند که هیچ گونه مانع قانونی، مقرراتی یا سیاستی در رابطه با تبادل مناسب اطلاعات از جمله اطلاعات مختص به مؤسسه مالی، بین مقامات نظارتی، بانک های مرکزی، مقامات حل و فصل مالی، وزارتخانه های مالی و مقامات دولتی مسئول طرح های ضمانت سپرده، وجود نداشته باشد. بویژه این که:

الف- به اشتراک گذاری تمامی اطلاعات مربوط به برنامه بازسازی و حل و فصل مالی صورت گیرد و در خصوص حل و فصل مالی باید در مواقع عادی و در حین بحران در سطح داخلی و برون مرزی چنین دسترسی امکان پذیر باشد.

ب- دستورالعمل های مربوط به اشتراک گذاری اطلاعات نهادهایی که از لحاظ سیستمی در سطح بین المللی مهم می باشند، باید در توافقات همکاری خاص هر نهاد لحاظ شود. (به پیوست یک رجوع شود).

ج- در شرایطی که نیاز به لحاظ ویژگی محرمانگی اطلاعات وجود داشته باشد، به اشتراک گذاری اطلاعات می تواند محدود گردد، هر چند که باید در بین مقامات ارشد مربوط به کشور مبدأ و کشور میزبان، اشتراک گذاری اطلاعات مزبور امکان پذیر باشد.

^۲Access to information and information sharing

۱۲-۲- کشورها باید مؤسسات مالی را ملزم کنند که سیستمهای اطلاعات مدیریت (MIS) داشته باشند که توانایی تولید اطلاعات به موقع، در زمانهای عادی برای برنامههای بازسازی و حل و فصل مالی و همچنین در زمان انجام حل و فصل مالی را داشته باشند. اطلاعات باید در سطح گروه و سطح نهادهای قانونی داخل گروه با لحاظ نیازهای اطلاعاتی در سناریوهای مختلف حل و فصل مالی از جمله در حالت تفکیک نهادهای مزبور از گروه، قابل دسترسی باشد. مؤسسات مالی به طور خاص باید ملزم شوند که:

الف- بانک اطلاعات مبسوطی را شامل معرفی و جایگاه سیستمهای اطلاعات مدیریت، واقع شده در نهادهای قانونی مهم آنها، که برای ارائه خدمات اصلی و عملیات حیاتی آنها ضروری هستند، را ایجاد و نگهداری نمایند.

ب- محدودیتهای قانونی محیطی در تبادل اطلاعات مدیریتی بین نهادهای تشکیل دهنده یک گروه مالی (برای مثال جریان اطلاعات از نهادهای یک گروه به نهاد مادر) را شناسایی و تعیین نمایند.

ج- اثبات این که سیستم مزبور توانایی تولید اطلاعات اساسی مورد نیاز جهت اجرای برنامههای بازسازی و حل و فصل مالی را در مدت کوتاه دارد. (برای مثال ۲۴ ساعت)

د- حفظ اطلاعات خاص در سطح نهاد قانونی، برای مثال، شامل اطلاعات در مورد ضمانتها و مبادلات بین گروهی که به روش اتکایی^۲ ثبت شده است.

ضمیمه یک

رهنمود کلی برای اجرای ویژگیهای اصلی

پیوست یک- به اشتراک گذاری اطلاعات برای اهداف حل و فصل مالی

این بخش برای کشورها و مقامات ملی به منظور ایجاد استانداردهای به اشتراک گذاری اطلاعات (اشاره شده در بندهای ۷،۶، ۷،۷ و ۱۲ ویژگیهای اصلی) و همچنین گروههای مدیریت بحران که بر اساس توافقات همکاری برون مرزی و بخش محور ایجاد شده اند، رهنمود اجرایی ارائه می نماید. این بخش موضوعات مقرر در بخش دو پیوست یک را که به اجزای اصلی توافقات همکاری برون مرزی مؤسسه محور و بطور ویژه در بند ۶ بخش فوق الذکر که به موضوع سازوکارهای همکاری و چارچوب به اشتراک گذاری اطلاعات اشاره دارد، تکمیل می نماید.

اجزای فوق الذکر به دو بخش تقسیم می شوند:

^۲back-to-back basis

۱- به اشتراک گذاری اطلاعات جهت اهداف حل و فصل مالی؛ ایجاد اصولی برای طراحی چارچوب حقوقی و نظام های محرمانگی ملی مربوطه که به اشتراک گذاری موثر اطلاعات غیرعمومی بین مقامات داخلی و خارجی برای اهداف انجام عملکردهای مربوط به حل و فصل مالی را تسهیل می نماید. این بخش بر اساس استانداردهای به اشتراک گذاری اطلاعات، الزامات محرمانگی و حمایت قانونی مقرر در بندهای ۷،۶، ۷،۷ و ۱۲ ویژگی های اصلی ایجاد می شود.

۲- الزامات به اشتراک گذاری اطلاعات برای توافقات همکاری برون مرزی مؤسسه محور؛ ایجاد الزاماتی که باید در ارتباط با به اشتراک گذاری اطلاعات در توافقات همکاری برون مرزی مؤسسه محور لحاظ شوند. الزامات مذکور شامل اطلاعاتی است که باید به اشتراک گذارده شود، محرمانگی اطلاعات، فرآیندهای به اشتراک گذاری اطلاعات، ایجاد تعهداتی برای به اشتراک گذاری اطلاعات و بازنگری دوره ای باشد. این بخش تکمیل کننده است و باید به همراه بخش دو پیوست یک خوانده شود.

لغت نامه

❖ «عملکرد مرتبط با حل و فصل مالی»: برنامه ریزی حل و فصل مالی و آفادگی برای اجرای آن و هماهنگی اقدامات حل و فصل مالی شامل اقدامات مقرر در پاراگراف ۹ پیوست یک ضمیمه یک.

❖ «اطلاعات»: اطلاعات غیر عمومی که شامل اطلاعات مشتریان و طرف مقابل، اطلاعات در خصوص مؤسسات مالی که تحت مقررات عادی افشاء قرار نمی گیرند، و تحلیل و ارزیابی و سایر موارد مرتبط که از اطلاعات غیر عمومی استخراج می شود.

❖ «بسترهای قانونی»: الزامات مقرر در قانون یا سایر الزامات قانونی که افشای اطلاعات غیر عمومی برای دریافت کنندگان خاص یا برای اهداف خاص را ممکن می سازد. چارچوب حقوقی ممکن

^۲Institution-specific Cross-border Cooperation

^۲Functions relating to resolution

^۲Information

^۲counterparty

^۲Legal gateways

است به وسیله تفاهم‌نامه یا سایر اشکال توافق بین مقامات ایجاد کننده و دریافت کننده اطلاعات ایجاد یا پشتیبانی گردد.

❖ «طرف»؟! مقامی که توافقات همکاری برون مرزی را امضا کرده است.

- ۱- اصول به اشتراک گذاری اطلاعات به منظور اهداف حل و فصل مالی چارچوب قانونی برای افشای اطلاعات غیر عمومی
- ۱-۱- کشورها باید اطمینان یابند که چارچوب قانونی آنها دارای بسترهای قانونی شفاف است که مقامات ملی را نسبت به افشاء به موقع اطلاعات مربوط به مؤسسه مشمول حل و فصل مالی به سایر مقامات داخلی و مقامات خارجی که کارکردهای آنها مرتبط با حل و فصل مالی مؤسسه بوده و اطلاعات فوق‌الذکر برای انجام کارکردهای مربوط به حل و فصل مالی مؤسسه ضرورت دارد، الزام می‌نماید. مقاماتی که عملکردشان به حل و فصل مالی مرتبط است می‌توانند شامل مقامات حل و فصل مالی تعیین شده، مقامات نظارت، بانک‌های مرکزی، وزرای مالی و اقتصادی و همچنین نهادهای عمومی که منابع حل و فصل مالی را اداره می‌نمایند، صندوق بیمه سپرده‌ها و سایر صندوق‌های حمایتی باشد.
- ۱-۲- چنین بسترهای قانونی باید به مقاماتی که کارکردی در ارتباط با حل و فصل مالی ندارند، نظیر مقامات نظارتی عادی، اجازه دهد که اطلاعات ضروری به منظور انجام کارکردهای مربوط به حل و فصل مؤسسه مالی را برای مقامات داخلی و خارجی که کارکردهای آنها مرتبط با حل و فصل مالی مؤسسه مزبور است، افشا نمایند.
- ۱-۳- در صورت وجود الزامات کاربردی در خصوص حفاظت اطلاعات و اسرار بانکی، بسترهای قانونی مذکور باید دسترسی به اطلاعات حساس تجاری و قانونی نظیر اطلاعات مشتریان و شرکای مؤسسه را برای مقامات داخلی و خارجی، به شرط آنکه آگاهی مقامات مزبور از آن اطلاعات در انجام عملیات حل و فصل مالی ضرورت داشته باشد، امکان‌پذیر نماید.
- ۱-۴- افشای اطلاعات تحت چنین بسترهای قانونی شامل الزامات محرمانگی کافی و حمایت قانونی مرتبط با نوع اطلاعات و سطح حساسیت آنها، باید از طرف مقام دریافت کننده کاملاً محرمانه باشد. (پاراگراف های ۱۰-۱ و ۱۴-۱ را ملاحظه فرمایید.)

^۲Party

۵-۱- چارچوب قانونی باید نسبت به شرایطی که تحت آن، اطلاعات دریافت شده از یک کشور خارجی قابلیت افشاء برای مقامات داخلی و یا خارجی دیگر به منظور انجام عملیات مرتبط با حل و فصل مالی را داشته باشد، شفاف گردد.

۶-۱- چارچوب قانونی باید از مقامات و کارکنان و کارگزارهای فعلی و قبلی آنها در برابر اقدامات کیفری و حقوقی مرتبط با نقض اصول محرمانگی که بر اساس افشای اطلاعات منطبق با بسترها و حمایتهای قانونی صورت گرفته است، حمایت نماید.

۷-۱- در حالتی که بسترهای قانونی مشروط به تبادل اطلاعات است (بدین معنا که افشای اطلاعات، زمانی مجاز است که کشور دریافت کننده اطلاعات یک چارچوب همتراز برای مجاز بودن افشاء اطلاعات متقابل برای کشور مذکور داشته باشد)، چارچوب قانونی باید معیارها و رویه های شفاف برای تعیین همترازی ایجاد نماید.

۸-۱- بسترهای قانونی نباید مقام دریافت کننده اطلاعات که عملیات مرتبط با حل و فصل مالی را انجام می دهد، از استفاده منطقی و مؤثر از اطلاعات مذکور منع یا محدود نماید. (برای مثال، الزام به این که افشاء اطلاعات مشروط به شرایطی در خصوص چگونگی نگهداری و استفاده اطلاعات به وسیله مقام دریافت کننده است که این شرایط محدودیتهایی نامناسب قلمداد می شوند.)

اهدافی که به خاطر آنها اطلاعات افشاء می شوند

۹-۱- به منظور تحقق اهدافی به شرح ذیل، بسترهای قانونی باید زمینه کافی برای افشای مناسب اطلاعات برای مقامات مسئول عملیات حل و فصل مؤسسه مالی، فراهم نمایند:

الف) ارزیابی حل و فصل پذیری؛

ب) ایجاد استراتژی های حل و فصل مالی؛

ج) ایجاد طرح های حل و فصل مالی عملیاتی؛

د) اجرای عملیات شبیه سازی و تحلیل سناریو برای اهداف برنامه ریزی حل و فصل مالی؛

ه) کشف زود هنگام و کنترل، نظارت، مقررات گذاری و بازرسی مؤسسات مالی؛

و) اجرای ابزارهای بازسازی؛

ز) ارزیابی اثربخشی ابزارهای بازسازی برای بازسازی مؤسسه و ارزیابی احتمال اینکه ابزارهای حل و فصل مالی مورد نیاز باشد و بازه زمانی که ابزارهای مذکور باید به کار برده شوند؛

ح) آمادگی برای اجرای ابزارهای حل فصل مالی؛

ط) استفاده از اختیارات حل و فصل مالی.

محرمانگی

۱۰-۱) کشورها باید اطمینان یابند که چارچوب قانونی آنها نظامی را برای حمایت از اطلاعات محرمانه ایجاد

کرده و برای این منظور الزامات محرمانگی کافی را برای مقامات و کارکنان و کارگزاران قبلی و جاری آنها که اطلاعات محرمانه را دریافت کرده یا می کنند، اعمال می کند و محرومیت ها و جریمه های موثری را برای تخطی از الزامات محرمانگی در نظر می گیرد. زمانی که به چگونگی مشروط بودن مقام دریافت کننده اطلاعات به الزامات محرمانگی کافی ۱ اشاره می کنیم باید توجه داشت که مقامات دریافت کننده یا کارکنان و کارگزاران قبلی و جاری باید در نظر داشته باشند که:

الف) ملزم به حفظ محرمانگی اطلاعات دریافتی از سایر مقامات هستند.

ب) فقط در راستای اهداف و شرایطی که آن اطلاعات عرضه شده اند، ملزم به محدود سازی استفاده از اطلاعات دریافتی از سایر مقامات هستند.

ج) از افشای اطلاعات دریافتی به شخص ثالث که دریافت کننده اصلی اطلاعات نبوده و دستور قبلی و رضایت بخش ارایه کننده اطلاعات برای چنین افشایی اخذ نشده باشد، خودداری نمایند.

د) در صورت تخطی از الزامات محرمانگی، مشمول تحریم ها و جرایم مؤثر هستند.

مقامات باید در ارزیابی های مربوط به الزامات محرمانگی مربوط به آنها همکاری نمایند.

۱۱-۱) در حالی که مقام دریافت کننده اطلاعات به الزامات محرمانگی کافی متعهد شده است و از نوع و حساسیت اطلاعات آگاهی دارد، مقامات دیگر نباید از افشای اطلاعات برای اهداف عملیات مربوط به حل و فصل مالی به ایشان به دلایلی چون محرمانگی اطلاعات امتناع ورزند.

۱۲-۱) دسترسی به اطلاعات محرمانه دریافت شده از مقامات خارجی یا سایر مقامات داخلی باید بر اساس یک قانون و سیاست (یا در عمل) برای مقامات رسمی، کارکنان و کارگزاران آنها که اطلاعات دریافتی برای عملکرد ایشان در خصوص حل و فصل مالی مؤثر است، یا برای هر شخص دیگری که تحت قرارداد مشخصی، خدماتی به مقامات مذکور ارایه می نماید، محدود گردد.

۱۳-۱) مقامات باید برای کنترل و ارزیابی انتشار اطلاعات محرمانه در سطح آن مقام و با مسئولیت پذیری و نظارت مقامات ارشد مربوطه، سیاست ها، رویه های اجرایی و تمهیدات حفاظتی (قانونی) فنی داشته باشند. موضوعات پوشش داده شده توسط رویه ها، سیاست ها و تمهیدات مذکور باید شامل نحوه

دسترسی، ذخیره سازی، اشکال انتقال و بازتولید اطلاعات، دوره های نگهداری و امحای اطلاعات و حفظ امنیت فیزیکی آنها باشد.

۱۴-۱- چارچوب قانونی باید کاربرد قانون آزادی اطلاعات را برای اطلاعات دریافتی از مقامات خارجی محدود نمایند یا چنین اطلاعاتی را به عنوان استثنایی در قانون مذکور قلمداد نماید.

۲- الزامات به اشتراک گذاری اطلاعات برای توافقات همکاری های برون مرزی محتوای حد اقلی

۱-۲- به منظور حمایت از تعهدات و الزامات مقرر در پیوست دو (عناصر اصلی در توافقات همکاری برون مرزی

و بخش محور) در ارتباط با به اشتراک گذاری اطلاعات و به ویژه موارد مندرج در پاراگراف های ۳-۸، ۳-

۹، بند ج ۴-۱، بند الف ۵-۱، ۳-۶، ۴-۶ و ۶-۶ پیوست مذکور، توافق همکاری برون مرزی یا اسناد کمکی

آن، باید دربرگیرنده موارد ذیل باشد:

الف) عملیات مرتبط با حل فصل مالی برای بخش هایی که ممکن است نیاز به دریافت اطلاعات محرمانه داشته باشند.

ب) وضعیت هایی که در آن بخش های مختلف در به اشتراک گذاری اطلاعات به صورت اختصاصی توافق می کنند (برای مثال، شبیه سازی های و وضعیت بحران، اجرای ابزار های باز سازی، ورود واقعی و قطعی به حل و فصل مالی یا تغییرات مهم در چارچوب قانونی که در کارکرد توافق همکاری برون مرزی موثر است).

ج) توصیف دقیق طبقه بندی اطلاعات که به صورت منظم و یا بطور ویژه به اشتراک گذارده خواهد شد.

د) الزامات محرمانگی قابل اعمال؛ هر گونه محدودیت ها یا شرایط مناسب و هر گونه اقدامات یا رویه

های به کار گرفته توسط مقامات برای حفاظت اطلاعات محرمانه (پاراگراف ۴، ۲ را ببینید).

ه) رویه هایی برای به اشتراک گذاری اطلاعات بین مقامات در گروه مدیریت بحران (برای

مثال، اطلاعات چگونه به طور منظم به اشتراک گذاشته خواهند شد و چگونه و بنا به درخواست

چه کسی اطلاعات اضافی باید ارائه گردد. (پاراگراف ۶، ۲ الی ۱۰، ۲ را ببینید).

و) بازه زمانی که در آن مقامات توافق کرده اند تا در مورد پاسخگویی به درخواست اطلاعات، تلاش

منطقی داشته باشند.

ز) ابزارهایی که به وسیله آن اطلاعات مبادله خواهند شد.

ح) رویه ای برای بازنگری منظم عملیات مربوط به توافقات برون مرزی و عوامل مختص مؤسسه

مالی (پاراگراف ۲,۱۴ را ببینید).

۲-۲- شرایط به اشتراک گذاری اطلاعات در توافقات همکاری برون مرزی باید به صورت هدفمند و نتیجه محور ایجاد شود و از انعطاف کافی برای انطباق با تغییر وضعیت ها برخوردار باشد.

۲-۳- توافق همکاری برون مرزی باید در نظر داشته باشد که نوع، میزان و ماهیت اطلاعات مورد نیاز و همچنین سرعت و تناوب نیاز به اطلاعات با توجه به تغییرات در وضعیت مؤسسه مالی یا شرایط بازارهای خارجی تغییر می کند و در مواقع بروز بحران می تواند تشدید گردد. توافق همکاری برون مرزی هر جا که مناسب بود باید چنین تغییرات احتمالی را ذکر نماید.

محرماتنگی اطلاعات ارائه شده در توافق همکاری برون مرزی

۲-۴- توافق همکاری برون مرزی باید توافق طرفین را در خصوص ترتیبات حفاظت از محرماتنگی اطلاعات به اشتراک گذارده شده تحت توافق مذکور که حداقل شامل موارد زیر می باشد، تعیین نماید:

الف- اطلاعات ارائه شده به وسیله یک بخش به سایر بخش ها فقط برای اهداف انجام عملیات مرتبط با حل و فصل مالی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ب) انتهای اطلاعات دریافتی از یک بخش در داخل بخش دریافت کننده به کارکنانی محدود خواهد بود که برای انجام عملیات حل و فصل مالی به چنین اطلاعاتی نیاز خواهند داشت.

ج) اطلاعات دریافتی به وسیله یک بخش از سایر بخش ها، نباید توسط آن بخش به بخش هایی که دریافت کننده اصلی اطلاعات نیستند یا شخص ثالث، بدون اطلاع قبلی و اخذ رضایت طرف ارائه کننده اطلاعات، افشا گردد. (وضعیت های توصیه شده در بند ه)

د) زمانی که رضایت افشای اطلاعات دریافت شد، اطلاعات تنها باید در حدود و اهداف مورد توافق به وسیله طرف ارائه کننده افشا گردد.

ه) زمانی که یک بخش تحت درخواست الزام آور قانونی (برای مثال دستور قاضی یا وظیفه مقرر در قانون) ملزم به افشای اطلاعات دریافتی از نهاد دیگر است، بخش مزبور باید به جز در مواردی که توسط قانون ممنوع شده است، مراتب را در اسرع وقت به مقام ارائه دهنده اطلاعات اعلام نماید و همه اقدامات منطقی را که در قوانین و مقررات برای مقابله با افشای اطلاعات محرمانه وجود دارد، به کار گیرد.

۲-۵- وقتی که تحت توافق همکاری برون مرزی اطلاعات را ارائه می دهد در صورتی که اطلاعات ارائه شده دیگر حالت محرماتنگی نداشته باشند، باید بخشهای دریافت کننده اطلاعات را از این موضوع آگاه نماید.

رویه هایی برای به اشتراک گذاری اطلاعات بین بخش ها در توافق همکاری برون مرزی

۲-۶- یک درخواست باید به طور عمومی هدف و منظور اطلاعات مورد درخواست را مشخص نماید و به فوریت درخواست خود اشاره نماید.

۲-۷- طرفی که درخواست اطلاعات را دریافت می کند، با لحاظ فوریت درخواست، باید تمام تلاش خود را برای ارائه پاسخ در زمان معقول و در بازه زمانی که در توافق همکاری مقرر شده است، به انجام رساند.

۲-۸- به عنوان یک اصل کلی، اطلاعات باید از طریق روش های مطمئن انتقال که مناسب اطلاعات و سطح حساسیت آنهاست، افشا شوند.

۲-۹- توافقات همکاری برون مرزی ممکن است یک مقام اصلی را در کشورهای مبدأ برای هماهنگی در خصوص تبادل اطلاعات بین گروه مدیریت بحران تعیین کند. کشورها نیز ممکن است یک مقام داخلی را برای هماهنگی تبادل و ارائه اطلاعات در سطح داخلی تعیین نمایند.

۲-۱۰- جزئیات عملیات فرعی نظیر جزئیات تماس کارکنان در هر طرف که به عنوان مراکز ارتباط برای تبادل اطلاعات مشخص شده اند، ممکن است در اسناد پیوست توافق همکاری برون مرزی برای تسهیل رویه به روز رسانی چنین اطلاعاتی تهیه شوند. (برای مثال برای اجتناب از نیاز همه بخش ها به توافق در خصوص اصلاحات رسمی در توافق همکاری)

محافظت از توافق همکاری و بازنگری دوره ای

۲-۱۱- طرف ها باید بیشترین تلاش خود را برای تطبیق با شرایط توافقات همکاری برون مرزی انجام دهند. زمانی که یک طرف با موانع عملیاتی و قانونی برای افشای اطلاعات مطابق با توافق همکاری روبرو شود، باید با سایر طرف ها برای شناسایی ابزارهای مناسب برای نشان دادن چنین موانعی و اتخاذ اقدامات منطقی برای حذف موانع و یافتن راه حل های عملی مشورت نماید.

۲-۱۲- طرف ها باید در صورتی که قادر به افشای بخش های اصلی طرح ها و استراتژی های حل و فصل مالی یا سایر اطلاعات مناسب در خصوص اهداف حل و فصل مالی نیستند، سایر طرف ها را از طریق کارکنان و مقامات رسمی در سطوح بالا و مناسب مطلع سازند و موانع افشا را توضیح دهند. طرف ها باید بیشترین تلاش خود را برای تطبیق با شرایط توافقات همکاری برون مرزی به کار گیرند.

۲-۱۳- زمانی که موانع محدود کننده افشای اطلاعات در خصوص یک مقام حل و فصل توسط چارچوب قانونی اعمال شده است، مقام فوق باید اقدامات منطقی را برای اعلام هشدار به مقامات قانون گذار ملی در

خصوص موانع مذکور و آثار آن بر توانایی ایشان در به اشتراک گذاری اطلاعات ضروری برای انجام عملیات حل و فصل مالی انجام دهد.

۱۴-۲- الزامات مقرر در توافقات همکاری برون مرزی به منظور به اشتراک گذاری اطلاعات شامل طبقه بندی اطلاعات به اشتراک گذارده شده در دوره های منظم و تناوب آن، باید به طور منظم به وسیله اعضای ذیصلاح همه طرفها بازنگری شود. این بازنگری باید در ارتباط با بازنگری دوره ای طرح های حل و فصل مالی بوده و طرفها باید در هر زمان که ضرورت داشت، فرآیندهایی را برای اطمینان از اینکه الزامات به اشتراک گذاری اطلاعات در توافق همکاری و اسناد پیوست آن، با هدف انطباق شرایط آنها با هر گونه اصلاحیه و تداوم حمایت عملیاتی از آنها بروزرسانی می شوند، داشته باشند.

پیوست دو - عناصر ضروری موافقتنامه های همکاری برون مرزی نهاد محور ۲۹
موافقتنامه های همکاری برون مرزی باید به تسهیل برنامه ریزی مدیریت بحران نهاد محور و همکاری میان مقامات مربوطه با فرض همکاری در مواقع حل و فصل مؤسسه مالی، کمک نمایند. آنها باید از آماده سازی برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی و اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل مالی در جریان بحران، با ایجاد یک چارچوب از راه حل های محتمل برای موانع قانونی یا سایر موانع ممکن حمایت نمایند. برای دستیابی به این امر لازم است که موافقتنامه های نهاد محور، تمامی اعضای یک گروه مدیریت بحران برون مرزی شامل مقامات مربوطه کشور مبدأ و تمام عناصر کلیدی کشور میزبان را درگیر نماید. توافقات برون مرزی میان مقامات مربوطه کشور مبدأ و کشور میزبان باید مشخص نماید که قوانین ملی و نظام های حل و فصل، چگونه با کسب و کار مؤسسه مالی تعامل خواهد داشت.
اثربخشی موافقتنامه های همکاری نهاد محور، وابسته به این امر می باشد که مقامات کشور مبدأ و میزبان در ارتباط با عملکرد مؤسسه مالی، از جمله عملکرد شعبه مؤسسه خارجی، اختیار کافی برای حل و فصل داشته باشند.

موافقتنامه همکاری نهاد محور، چارچوبی را به منظور توسعه برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی، بر مبنای رفتار ارزیابی های حل و فصل پذیری پیش از بحران و به منظور همکاری و هماهنگی در بحران، بر اساس برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی مورد توافق ایجاد می کند. انتظار می رود برنامه های و بازسازی و حل و فصل مالی، موافقتنامه های همکاری به صورت منظم به روزرسانی شده و در طول زمان تکامل یابند. موافقتنامه های همکاری برون مرزی نهاد محور باید حداقل شامل اجزای زیر باشند:

اهداف، ماهیت و قلمرو موافقتنامه

^{۲۹} Institution-Specific

^{۳۰} cross-border CMG

۱-۱- بیانیه‌ای رسمی از اهداف و قلمرو آن (به عنوان مثال، "ما به عنوان مقامات کشور مبدأ و میزبان (مؤسسه

مالی)، این موافقت‌نامه همکاری را امضاء کرده‌ایم که به منظور تعیین نحوه همکاری با یکدیگر با

دیدگاه تسهیل نمودن برنامه‌ریزی مدیریت بحران نهاد محور و همکاری بین مقامات مربوطه با تأکید

بر همکاری در رخداد حل و فصل مؤسسه مالی... هدف حداقل نمودن تأثیر شکست مؤسسه مالی در

هریک از کشورهای ارایه شده توسط طرفین موافقت‌نامه‌ها می‌باشد."

۱-۲- مقامات کشور مبدأ و میزبان که موافقت‌نامه را امضاء نموده‌اند

(طرفین قرارداد)؛

۱-۳- توصیف مؤسسه مالی، مؤسسه مالی مادر یا هلدینگ و مؤسسات

مالی تابعه مهم، شعب و نمایندگی‌هایی که در قلمرو

موافقت‌نامه می‌باشند.

۱-۴- ماهیت قانونی موافقت‌نامه (موافقت‌نامه تا چه میزان الزام

آور می‌باشد).

۱-۵- قوانین مربوط به افشاء (به عنوان مثال، اینکه تا چه میزان

محتوای آن باید در اختیار عموم قرار گیرد).

چارچوب عمومی همکاری

۱-۶- نقش‌ها، مسئولیت‌ها و اختیار طرفین "پیش از بحران" (که در

مرحله برنامه بازسازی و حل و فصل مالی است) و "در خلال

بحران" با توجه به نوع مؤسسه مالی، شامل مؤسسه مالی مادر

یا هلدینگ و مؤسسات مالی تابعه مهم، شعب و نمایندگی‌هایی که

در قلمرو موافقت‌نامه می‌باشند.

۱-۷- اجزاء برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی، مؤسسات

مالی تابعه مهم، شعب و نمایندگی‌هایی که در ارتباط با

آماده‌سازی و اجرای معیارهای حل و فصل در حوزه برون‌مرزی

می‌باشند (با لحاظ این که برنامه به طور منظم بازبینی و به

روز رسانی گردد).

تعهدات همکاری

^{۳۱} affiliates

۸-۱- موافقت نامه طرفین مبنی بر این که ویژگی های اصلی باید فعالیت های آنها را در مدیریت بحران راهنمایی نماید و اقدامات حل و فصل مالی در رابطه با مؤسسه مالی مورد تصویب قرار گیرد .

۹-۱- طرفین قرارداد با توجه به تأثیر بالقوه اقدامات حل و فصل مالی آنها بر ثبات مالی سایر کشورها ، متعهد به اجرای موارد حل و فصل مالی هستند که نتیجه آن منجر به ثبات مالی، حمایت از سپرده گذاران بیمه شده، بیمه گذاران و سایر مشتریان خرد گردد .

۱۰-۱- تعهدات طرفین به همکاری در فرایند برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی و به اشتراک گذاری تمام اطلاعات مرتبط، شامل برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی مرتبط با گروه یا اشخاص تابعه به شرط که برنامه های آنها به منظور اطمینان از اینکه برنامه ها سازگار هستند و به آماده سازی برای حل و فصل هماهنگ کل مؤسسه مالی کمک می نمایند ، تدوین شده باشد .

۱۱-۱- تعهد طرفین به مشارکت در امر بازبینی استراتژی کلی حل و فصل مؤسسه مالی در سطح مدیران ارشد و همچنین تعهد به مشارکت از طریق نمایندگی در گروه مدیریت بحران در سطح مناسب، به منظور توسعه و نگهداری برنامه حل و فصل مؤسسه مالی در سطح گروه مربوطه .

۱۲-۱- تعهد طرفین به مشارکت در شبیه سازی های دوره ای یا سناریوسازی در گروه های مدیریت بحران به منظور اطمینان از اینکه برنامه ها مستمر باشند و به اجرای فرایند حل و فصل مالی هماهنگ کمک می نمایند .

۱۳-۱- تعهد طرفین به انجام ارزیابی حل و فصل پذیری مؤسسه مالی، با استفاده از راهنمای حل و فصل پذیری ارائه شده در پیوست سوم ، شامل امکان توصیف مؤسسه مالی به عنوان بخشی از فرایند برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی با هدف تولید به موقع اطلاعات ضروری مورد نیاز در اجرای این برنامه ها در مواقع بروز بحران؛ در راستای به اشتراک گذاری نتایج ارزیابی ها و استفاده از آنها به منظور اطلاع رسانی فرایند برنامه ریزی حل و فصل در رابطه با اجرای اقدامات برون مرزی حل و فصل .

۱۴-۱- تناوب مورد توافق در موارد زیر به منظور بازبینی و به اشتراک گذاری برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی .

الف- استراتژی حل و فصل مالی مستقل برای هر یک از مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی باید حداقل یکبار در سال توسط مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات مربوطه کشور میزبان بازبینی شود.

ب- هر یک از برنامه های عملیاتی حداقل سالی یکبار توسط مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات مربوطه کشور میزبان بازبینی شود.

۱۵-۱- تعهد طرفین به اطلاع رسانی به موقع و مشورت با یکدیگر پیش از انجام هرگونه مدیریت بحران و یا اقدامات مربوط به حل و فصل مالی.

۱۶-۱- تعهد طرفین به اطلاع رسانی فوری به یکدیگر در خصوص تغییر مفاد چارچوب مدیریت بحران و حل و فصل مالی.

۱۷-۱- طرفین متعهد می شوند که اطلاعات را در هر دو سطوح فنی و مدیریت ارشد به طور مناسبی بر اساس ترتیبات محرمانه به اشتراک گذارند.

تعهدات مقامات کشور مبدأ

۱۸-۱- مقامات (حل و فصل مالی یا نظارت) کشور مبدأ متعهد می شوند که :

الف- در گروه مدیریت بحران با بهره مندی از مشارکت فعال سایر طرفین، در خصوص ارزیابی حل و فصل پذیری مؤسسه مالی با توجه به رهنمودهای ارزیابی حل و فصل پذیری (پیوست سه مشاهده گردد) و شناسایی فعالیت هایی که مقامات کشور مبدأ یا کشور میزبان یا مؤسسه مالی ممکن است برای اطمینان از حل و فصل پذیری مؤسسه مالی لازم باشد، هماهنگی های لازم را به عمل آورند؛

ب- جلسات گروه مدیریت بحران را تشکیل و اداره نموده و بازنگری برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی در گروه مدیریت بحران را با مشارکت فعال سایر طرفین و در راستای ویژگی های اصلی برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی راهبری نماید. (پیوست چهار مشاهده گردد)؛

ج- اگر مؤسسه مالی با مشکلاتی مواجه گردد یا محرز شود که مؤسسه مالی تحت نظام حل و فصل مالی کشور مبدأ با احتمال زیاد مشمول حل و فصل می گردد، باید بدون تأخیر غیرموجه مراتب را به سایر طرفین هشدار داده و همچنین اجازه همکاری عملی دهند.

د- اثرگذاری بر کل گروه و بر ثبات مالی در سایر کشورهای مرتبط در نظر گرفته شود و حداکثر تلاش‌ها

به منظور جلوگیری از اقداماتی که می‌تواند منجر به ایجاد بی‌ثباتی در سایر بخش‌ها یا در سیستم

مالی شود، صورت پذیرد؛

ه- بطور کلی هر جا که امکان پذیر باشد، حل و فصل مؤسسه مالی را با هدف حفظ ثبات مالی، حمایت

از سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد در تمامی کشورهای مرتبط هماهنگ نمایند.

تعهدات مقامات کشور میزبان

۱۹-۱- تعهدات مقامات میزبان

الف- هرگاه یک شعبه محلی یا شخصیت حقوقی زیرمجموعه مؤسسه مالی با مشکلاتی مواجه شود یا

محرز گردد که تحت نظام حل و فصل مالی کشور میزبان با احتمال زیاد مشمول حل و فصل

می‌گردد، باید بدون تأخیر غیرموجه مراتب را به سایر طرفین هشدار دهند.

ب- همکاری با سایر طرفین در راستای حل و فصل هماهنگ مؤسسه مالی و با هدف حفظ ثبات مالی و

حمایت از سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد در تمامی کشورهای مرتبط؛

ج- عدم انجام اقداماتی که اقدامات حل و فصل مالی انجام شده از سوی مقامات کشور مبدأ را بی‌اثر

نماید؛ در حالی که اگر لازم باشد به منظور دستیابی به ثبات داخلی در شرایط عدم انجام اقدام

مؤثر توسط کشور مبدأ، حق اقدام طبق برنامه‌های خود را محفوظ می‌دارد.

سازوکارهای همکاری و چارچوب به اشتراک‌گذاری اطلاعات

۲۰-۱- تدارک جلسات منظم بین طرفین (به عنوان مثال، تعداد جلسات

در هر سال، سطح مشارکت و غیره) و ارتباط با ساختارهای

همکاری موجود.

۲۱-۱- مبانی قانونی و قراردادی به منظور تبادل سریع اطلاعات، شامل

تبادل اطلاعات میان اعضای مختلف گروه مدیریت بحران و با

هر یک از مقامات میزبان که در گروه مدیریت بحران معرفی

نشده‌اند؛ محدودیت‌های موجود و اینکه چگونه می‌شود با آن

برخورد نمود.

۲۲-۱- سطح جزئیات در رابطه با به اشتراک‌گذاری اطلاعات و اینکه

آیا موارد مدنظر پیش از بحران و حین بحران تغییر خواهد

نمود و این تغییر چگونه خواهد بود.

۲۳-۱- روش‌های به اشتراک‌گذاری اطلاعات در سطوح مدیریت ارشد و فنی،

ابزارهای تبادل اطلاعات (به عنوان مثال استفاده از وبسایت

امن).

۱-۲۴- تعهد به اینکه لیست تماس‌های به‌روز رسانی شده به همراه جزئیات آنها، برای کارکنان سطوح ارشد و اجرایی امکانات متعدد ارتباطی را پوشش دهد.

۱-۲۵- تعهد به حفظ محرمانه اطلاعات به اشتراک گذاشته شده و اقدامات در راستای اطمینان از محرمانگی (به عنوان مثال، محدود نمودن دسترسی اشخاص به داده‌ها، توافقنامه‌های محرمانه، رویه و مسئولیت‌ها چنانچه باعث نقض اصول محرمانگی می‌گردند).

اجرای برون مرزی اقدامات حل و فصل مالی

۱-۲۶- فرایند ارزشیابی استفاده از ابزارها و فرایندهای حل و فصل مؤسسه مالی، مؤسسه مالی هلدینگ یا مادر و مؤسسات تابعه مهم، شعب و زیرمجموعه‌هایی که در قلمرو موافقتنامه قرار دارند را شامل می‌شود.

۱-۲۷- تعهد به مورد توجه قرار دادن موانع عملیاتی و قانونی اجرای اقدامات حل و فصل مالی برون مرزی و تعهد به تعیین رویه‌های قانونی و عملیاتی به منظور اجرای استراتژی‌های حل و فصل مالی در یک ساختار برون مرزی. به عنوان مثال:

الف- شرایط و الزامات آیین‌نامه‌ای برای ۱- تشخیص انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های مرتبط با شعب مؤسسه مالی متوقف در کشور میزبان به یک نهاد واسطه یا شخص ثالث خریدار؛ ۲- تشخیص انتقال دارایی‌ها یا سهام اکثریت یا کامل مؤسسات مالی تابعه در کشور میزبان به یک نهاد واسطه یا شخص ثالث خریدار؛ ۳- اجرای اقدام نجات از درون‌آگهی برنامه حل و فصل مالی؛

ب- تعیین انواع قراردادهای مالی و دارایی‌هایی که با قطعیت قانونی قابل انتقال نباشند (به عنوان مثال، قراردادهای تحت حاکمیت قانون کشوری که مؤسسه مالی حضور فیزیکی در آن ندارد) و پیامدهای اجرای موفق ابزارهای حل و فصل مالی؛

ج- در دسترس بودن ترتیبات تأمین مالی در کشورهای مبدأ و میزبان به منظور پشتیبانی از اقدامات حل و فصل مالی و بازیابی اعتماد بازار^۳؛

د- بکارگیری طرح‌های تضمین (برای سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران خرد) و قوانین حفاظت از دارایی مشتری.

^۳Bail-in

^۳ -market confidence

پیوست سه - ارزیابی حل و فصل پذیری

تعریف حل و فصل پذیری

یک مؤسسه مالی سیستمی مهم حل و فصل پذیر است اگر برای مقامات حل و فصل امکان پذیر و باورپذیر باشد که^{۳۴} حل و فصل آن به طریق انجام می پذیرد که بدون اخلال شدید سیستمی و بدون در معرض زیان قرار گرفتن مالیات دهندگان، از عملکردهای سیستمی مهم حفاظت می شود. به منظور امکان پذیر بودن حل و فصل مالی، مقامات باید اختیار قانونی لازم و ظرفیت عملی برای استفاده از آن را داشته باشند. برای این که حل و فصل معتبر باشد، کاربرد ابزارهای حل و فصل نباید موجب آثار زیان بار گسترده و غیرقابل قبول برای سیستم مالی و بخش واقعی اقتصاد گردد.

اهداف ارزیابی های حل و فصل پذیری

اهداف ارزیابی های حل و فصل پذیری عبارتند از:

- ۱- آگاه سازی مقامات و مؤسسات مالی از پیامدهای اجرای حل و فصل مالی بر ریسک سیستمی ملی و جهانی؛
- ۲- شناسایی عوامل و شرایط اثرگذار بر اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل درون زا (مربوط به ساختار مؤسسه مالی) و برون زا (مربوط به نظام حل و فصل مالی و چارچوب همکاری های برون مرزی)، در ارتباط با مؤسسات مالی و درجه آمادگی احتمالی (یعنی کفایت برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی)
- ۳- کمک به شناسایی اقدامات خاص مورد نیاز به منظور دستیابی به حل و فصل پذیری بیشتر بدون اختلال سیستمی زیان بار و بدون در معرض زیان قرار دادن مالیات دهندگان در حالی که از عملکردهای سیستمی مهم حفاظت می شود.

فرایند ارزیابی حل و فصل پذیری

ارزیابی های حل و فصل پذیری لزوماً کیفی است و جنبه کمی ندارد. ارزیابی های حل و فصل پذیری گروهی مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی باید توسط مقامات کشور مبدأ و با همکاری گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی و با در نظر گرفتن ارزیابی های ملی کشور میزبان انجام پذیرد. فرایند ارزیابی حل و فصل پذیری در سطح گروه باید در یک موافقت نامه همکاری نهاد محور برون مرزی برقرار شود. مقامات کشور میزبان که ارزیابی های حل و فصل پذیری

^{۳۴} resolvability

^{۳۵} resolvable

^{۳۶} credible

مؤسسات مالی تابعه یک مؤسسه مالی خارجی را اجرا می‌نمایند، باید تا جایی که امکان‌پذیر است با مقامات کشور مبدأ که ارزیابی حل و فصل پذیري گروهی را اجرا می‌نمایند، همکاری نمایند. نتایج حاصل از این ارزیابی‌های حل و فصل پذیري باید در برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی مورد استفاده قرار گیرد. فرایند ارزیابی حل و فصل پذیري از سه مرحله تشکیل شده است:

مرحله اول- مطالعه امکان‌سنجی استراتژی‌های حل و فصل مالی:

مشخص نمودن مجموعه‌ای از استراتژی‌های حل و فصل مالی که امکان پذیر خواهند بود، ابزارهای فعلی حل و فصل مالی در دسترس، برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مؤسسه مالی و ظرفیت‌های مقامات برای به‌کار بستن آنها در مورد مؤسسه مالی مورد نظر در کوتاه مدت.

مرحله دوم - ارزیابی اثر سیستمی:

تعیین معتبر بودن تمامی استراتژی‌های حل و فصل امکان‌پذیر با در نظر گرفتن تأثیر احتمالی شکست مؤسسه مالی و حل و فصل بر سیستم‌های مالی ملی و بخش واقعی اقتصاد.

مرحله سوم - اقدامات در راستای بهبود حل و فصل پذیري:

هرجا که حل و فصل مؤسسه مالی به احتمال زیاد امکان‌پذیر و معتبر باشد، ارزیابی حل و فصل پذیري مؤسسه به پایان می‌رسد و هرگونه تغییر در برنامه‌های بازسازی و حل و فصل مالی یا ساختار و عملکرد مؤسسه مالی که برای بهبود حل و فصل پذیري ضروری است، شناسایی می‌گردد. جدول زمانی برای تکمیل تغییرات لازم باید ایجاد شود. پیشرفت کار نیز باید پایش شود.

ارزیابی‌های حل و فصل پذیري و اقدامات متعاقب آن یک بخش مهم از فرایند برنامه‌ریزی حل و فصل مالی را تشکیل می‌دهد و یک فرایند مستمر است که از مراحل زیر تشکیل شده است:

۴- ارزیابی‌های کیفی توسط مقامات ملی برای تعیین اینکه تا چه حد یک مؤسسه مالی بر اساس ساختار و نظام حل و فصلی که تحت آن قرار دارد، قابل حل و فصل می‌باشد؛

۵- ارزیابی‌های انجام گرفته توسط مقامات کشور مبدأ و هماهنگ شده در گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی، بر اساس ارزیابی‌های ملی به اشتراک گذاشته شده در خصوص حل و فصل مؤسسات مالی تابعه

- توسط اعضای گروه مدیریت بحران و شناسایی مسائلی که توسط مؤسسه مالی و یا مقامات ذیصلاح به آنها اشاره شده است.
- ۶- شفاف سازی مسایلی که مؤسسه مالی یا مقامات مربوطه باید به آن توجه نماید؛
- ۷- اصلاحات لازم توسط مؤسسه مالی یا مقامات قانونی مربوطه؛
- ۸- ارزیابی مجدد حل و فصل پذیري هماهنگ شده توسط مقامات کشور مبدأ.

ارزیابی امکانپذیری استراتژیهای حل و فصل مالی مجموعه زیر برخی از حداقل سوالاتی است، که نیاز است به منظور ارزیابی امکانپذیری استراتژیهای حل و فصل مالی به آنها پاسخ داده شود:

ساختار و عملیات مؤسسه مالی

- ۹- عملکردهای ضروری و عملکردهای سیستمی مهم مؤسسه مالی براساس تحلیلهای استراتژیک مؤسسه مالی، کسب و کار و خدمات اصلی ارزش آفرین آن کدام هستند؟ چه عملکردهای اقتصادی و مالی حیاتی را برای سیستمهای مالی بینالمللی و ملی و بخش غیر مالی انجام میدهد؟
- ۱۰- ایجاد نقشه عملکردهای ضروری و عملکردهای مهم سیستمی و ساختارهای مؤسسه مالی

ساختارهای قانونی و مؤسسه مالی چگونه با خطوط کسب و کار و عملکردهای اصلی و حیاتی مرتبط میباشد؟

- ۱۱- تدوین توافقنامههای خدماتی حدود هریک از عملکردهای عملیاتی مهم نظیر عملیات پرداخت و تسویه مبادلات که به سایر مؤسسات مالی گروه یا سایر مؤسسات مالی ارائه دهنده خدمات، برون سپاری شده، به چه میزان است؟ توافقنامههای خدماتی موجود تا چه میزان تضمین مینماید که عملکردهای مهم عملیاتی مؤسسه در هنگامی که لازم است به یک نهاد واسطه و یا بخشهای بازمانده مؤسسه مالی حل و فصل شده واگذار گردند، تدوین خواهند یافت؟
- ۱۲- ارزیابی

موانع تفکیک عملکردهای سیستمی حیاتی از سایر عملکردهای مؤسسه مالی در فرایند حل و فصل مالی برای اطمینان از تداوم آنها، با توجه به مسایل مطروحه در بندهای ۴-۱ تا ۴-۳ کدامند؟

درهم تنیدگی داخلی

۱۳-د ارایی های در معرض ریسک لآرون گروهی

میزان استفاده از ضمانتنامه های درون گروهی، شیوه های ثبت و شرایط نکول آنها چیست؟ آیا مبادلات درون گروهی به خوبی مستندسازی می گردد؟ مدیریت ریسک مرتبط چه قدر قوی است؟ تا چه میزان این مبادلات با رعایت حدود اشخاص مرتبط انجام می گیرد؟ آیا در صورت نیاز مبادلات اتکایی قابل فسخ است؟ آیا^۳ مؤسسات مالی در خصوص ضمانتنامه های درون گروهی و مبادلات درون گروهی ثبت شده اتکایی، اطلاعات را در سطح شخصیت حقوقی نگهداری می نمایند؟

۱۴- ارزیابی

آیا مبادلات درون گروهی به ایجاد عدم تعادل مهم در ارزش شخصیت های حقوقی، به نحوی که انگیزه های همکاری را تحت تأثیر قرار دهند، منجر می گردد؟

عضویت در زیرساخت های بازار مالی (FMIs^۴)

۱۵-تداوم عضویت در زیرساخت های بازار مالی

آیا مؤسسه مالی که تحت حل و فصل مالی قرار گرفته، می تواند عضو زیرساخت های بازار مالی باقی بماند؟ آیا نهاد انتقالی تازه تأسیس توان دسترسی به زیرساخت های بازار مالی را خواهد داشت؟

۱۶- انتقال قراردادهای تسویه مرکزی به یک نهاد واسط

آیا قراردادهای مالی تسویه مرکزی یک مؤسسه متوقف می توانند به یک نهاد واسط انتقال داده شود؟

۱۷-قابلیت انتقال عملیات پرداخت

آیا مؤسسات مالی تمهیدات فوری به منظور تسهیل انتقال عملیات پرداخت به یک نهاد واسط یا خریدار شخص ثالث را دارند؟ به طور ویژه آیا موارد زیر وجود دارد:

^۳exposures

^{۳۸}arm's length

^{۳۹}back-to-back

^۴Financial market infrastructures(a multilateral system among participating financial institutions, including the operator of the system, used for the purposes of recording, clearing, or settling payments, securities, derivatives, or other financial transactions)

- ۱- یک مرکز داده برای تمامی موافقتنامه های عضویت در زیرساخت های بازار مالی؛
 - ۲- مستندسازی استاندارد برای خدمات پرداخت، پوشش مسائل مربوط به دوره های اطلاع رسانی، شرایط انقضا و تداوم تعهدات، به منظور تسهیل خروج نظام مند؛
 - ۳- پیش نویس موافقتنامه خدمات انتقالی به عنوان بخشی از برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی؛ چنانچه نیاز باشد به مؤسسه مالی اجازه خواهد داد که از طرف خریدار جدید و با استفاده از زیرساخت و نیروی موجود، بدون وقفه به فراهم نمودن خدمات پرداخت ادامه دهد؛
 - ۴- «بسته خریدار» برای تسهیل انتقال عملیات پرداخت به مؤسسه مالی نجات دهنده، نهاد واسطه یا خریدار که باید شامل اطلاعات مربوط به عملیات پرداخت و دارایی های در معرض ریسک اعتباری و فهرستی از کارمندان اصلی باشد.
- ۱۸- مؤسسات مالی لایه دوم^۳
- آیا مؤسسات مالی که مستقیماً در زیرساخت های بازار مالی مشارکت ندارند، ترتیبات اقتضایی را به منظور دسترسی به زیرساخت های بازار مالی از طریق بیش از یک مؤسسه مالی در نظر گرفته اند؟ اگر یکی از فعالان اصلی شکست بخورد، آیا آنها میتوانند سریعاً موقعیت خود را تغییر دهند؟
- ۱۹- ارزیابی
- آیا عملکرد های حیاتی پرداخت میتوانند تداوم یابند؟ آیا دسترسی به زیرساخت های بازار مالی میتواند حفظ شود؟

سیستم های اطلاعات مدیریت

۲۰- کفایت سیستم های اطلاعات مدیریت

ظرفیت های سیستم اطلاعات مدیریت مؤسسه مالی تا چه حدی به آن اجازه ساخت یک دیدگاه دقیق و کامل از پروفایل ریسک تجمعی آن تحت شرایط به سرعت در حال تغییر را میدهد؟ آیا مؤسسه مالی میتواند اطلاعات کلیدی همچون دارایی های در معرض ریسک، وضعیت

^۳ - purchaser's pack

^۴ -surviving entity

^۵ Second-tier firms

^۶ MIS

نقدینگی، سپرده های بین بانکی و دارایی های در معرض کوتاه مدت به / از شرکای اصلی را به صورت روزانه فراهم نماید؟ اگر مؤسسه مالی یا یک یا بیش از یکی از نهادهای قانونی آن وارد فرایند حل و فصل و یا بی‌مایگی شده باشد، آیا مؤسسه مالی میتواند از تداوم سیستم اطلاعات مدیریت برای مجموعه باقیمانده و تابعه اطمینان حاصل نماید؟ آیا سیستم های اطلاعات لازم در سطح شخصیت حقوقی شامل مبادلات درون گروهی و وثایق در دسترس میباشد؟

۲۱- ارائه سریع اطلاعات لازم برای مقامات مربوطه

اطلاعات با چه سرعتی میتواند برای ناظرین کشور مبدأ، ناظرین میدانی، مقامات حل و فصل مالی و ناظرین کشور میزبان به طور مناسبی فراهم گردند؟ چه نوع منع قانونی، مانع اشتراک اطلاعات میان مقامات می شود؟ آیا مؤسسه مالی دارای فرآیندها و ابزارهایی هست که اطلاعات لازم جهت شناسایی سریع سپرده گذاران و مقادیر تضمین شده توسط طرح بیمه سپرده را در اختیار مقامات قرار دهد؟

۲۲- ارزیابی

تا چه حد احتمال دارد که مؤسسه مالی بتواند اطلاعات دقیق، صحیح و به موقع را برای حمایت از یک فرایند حل و فصل اثربخش ارائه کند؟

هماهنگی نظام ها و ابزارهای حل و فصل ملی

۲۳- اختیارات و ابزارهای داخلی به منظور حفظ تداوم عملکردهای مهم سیستمی.

آیا نظام های حل و فصل مالی در کشورهایی که مؤسسات مالی مهم سیستمی که عملکردهای مهم سیستمی را در آنها انجام میدهد، اختیارات حل و فصل مالی معین شده در ویژگی اساسی شماره ۳ را فراهم مینمایند؟

۲۴- اختیارات حل و فصل برون مرزی

آیا مقامات کشورهای مبدأ و مقصد دارای اختیارات اجرایی لازم به نحوی میباشند که از اجرای یک حل و فصل هماهنگ مطابق با آنچه در ویژگی های اصلی تعیین شده است، پشتیبانی نماید. به عنوان مثال:

۱- زمانی که مقام مبدأ تصمیم گرفته است از چنین ابزاری به عنوان بخشی از رویه حل و فصل استفاده نماید؛ چه سازوکارهای فوری به منظور هماهنگی با یک مقام کشور

مقصد، عملیات برون مرزی و شناسایی یک نهاد واسط وجود دارد؟

- ۲- آیا نظام های حل و فصل مالی در خصوص برخورد متفاوت با طلبکاران بر اساس محل مطالبه و یا کشوری که طلب قابل پرداخت است، تمهیداتی پیشبینی نموده اند؟
- ۳- آیا معیارهای حل و فصل مالی در یک کشور خارجی میتواند باعث اقدام در سایر کشورها شود؟ این امر چگونه بر روند حل و فصل مالی و احتمال دستیابی به راه حل هماهنگ تاثیر می گذارد؟

۲۵- تبادل اطلاعات بین مقامات کشورهای مبدأ و میزبان آیا برای تبادل اطلاعات موانع قانونی وجود دارد؟ مقامات کشور مبدأ و میزبان چه میزان مشتاق و قادر به تبادل اطلاعات لازم برای تاثیر بر یک حل و فصل هماهنگ می باشند؟

۲۶- هماهنگی های عملیاتی برون مرزی آیا موافقت نامه های همکاری بین المللی موجود، منعکس کننده الزامات تعیین شده در ویژگی های اصلی است و این اطمینان را به مقامات می دهند که دارای قابلیت کاربردی، عملیاتی و قانونی برای هماهنگی مؤثر با همتایان خارجی خود هستند؟

۲۷- ارزیابی آیا مقامات اطمینان دارند که ابزار قانونی لازم و ظرفیت عملیاتی برای دستیابی به حل و فصل هماهنگ برون مرزی یک مؤسسه مالی مهم سیستمی را در اختیار دارند؟

ارزیابی تأثیر سیستمی

ارزیابی عواقب ناگوار مورد انتظار ناشی از شکست، برای سیستم مالی و کل اقتصاد باید به شناسایی و توسعه معیارهایی که اثر شکست مؤسسه مالی را به طور سیستمی کاهش می دهد، منجر شود. تأثیر سیستمی باقی مانده از شکست مؤسسه مالی، منعکس کننده مجموعه عوامل سه گانه زیر است:

- ۱- ریسک های سیستمی ذاتی در نمایه کسب و کار مؤسسه مالی؛
- ۲- اقدامات کاهشده انجام شده توسط مؤسسه مالی از طریق اعمال ساختارهای سازمانی مناسب، حکمرانی، شیوه های مدیریت و برنامه ریزی دقیق حل و فصل؛

۳- دقت راهبردهای حل و فصل مؤسسه محور شناسایی شده.

تعیین شاخصهای ارزشیابی اثرات سیستمی شکست مؤسسه مالی هنوز در مراحل اولیه میباشند، بنابراین فرایند ارزشیابی، تا حد زیادی کیفی و برپایه قضاوت است. در هر حال تجزیه و تحلیل اصلی در این خصوص به ارزیابی ریسکهای سیستمی باقی مانده مرتبط با کانالهای اصلی به هم تنیدگی سیستمی مربوط میشود. در زیر برخی از معیارهای کیفی پیشنهاد شده برای کمک به قضاوت مقامات در خصوص استراتژی حل و فصل ارائه شده است. معیارها باید به صورت جداگانه برای هر کشور مورد بررسی قرار گیرد و مجموعاً برای مؤسسه مالی به طور کلی ارزیابی شود.

۱- تأثیر بر بازارهای مالی

حل و فصل مؤسسه مالی تا چه حد احتمال دارد که موجب اختلال در بازارهای مالی بین المللی یا داخلی گردد، به عنوان مثال بخاطر آثار کاهش اطمینان و یا عدم وجود آن؟

۲- تأثیر بر زیرساختهای بازار مالی

آیا حل و فصل مؤسسه مالی میتواند از طریق زیرساختهای مالی، برای مثال با تغییر ترتیبات اولیه زیرساختهای مالی یا عدم دسترسی به زیرساختهای مالی سایر مؤسسات مالی به زیرساختهای مزبور، منجر به ایجاد ریسک سرایت گردد؟

۳- تأثیر بر شرایط منابع مالی

تأثیرات احتمالی حل و فصل مؤسسه مالی در سایر مؤسسات مالی مشابه در تجدید یا افزایش منابع مالی چیست؟

۴- تأثیر بر سرمایه

قرار گرفتن در معرض ریسک مؤسسه مالی که در شرایط حل و فصل قرار دارد، تا چه حد میتواند منجر به کاهش سرمایه شرکای مهم سیستمی آن، به صورت فردی یا جمعی، به سطوح پایینتر از حدود مقرراتی شود؟

۵- تأثیر بر اقتصاد

حل و فصل مؤسسه مالی و عواقب آن تا چه حد و از طریق چه کانالهایی میتواند بر اقتصاد تأثیر گذارد؟ آیا پتانسیل انقباض جریانهای اعتبار و سرمایه وجود دارد؟ آیا اثرات ثروت معنیدار وجود دارد؟

پیوست چهار-عناصر ضروری برنامه های بازسازی و حل و فصل

ویژگی‌های اصلی (نظام حل و فصل مالی) از کشورها می‌خواهد به منظور تسهیل حل و فصل پذیري، فوراً یک فرایند برنامه ریزی مداوم بازسازی و حل و فصل را به عنوان بخشی از فرایند نظارت کلی خود ایجاد نمایند (به ویژگی‌های اصلی ارجوع شود). فرایند باید مقامات حل و فصل و تمامی مقامات مربوطه را درگیر نماید.

اهداف و حاکمیت برنامه‌های بازسازی و حل و فصل

۱- یک برنامه بازسازی و حل و فصل معتبر و مناسب برای هر مؤسسه مالی زمانی لازم است که بر اساس ارزیابی مقامات مبدأ شکست آن مؤسسه اثر بالقوه ای بر ثبات مالی داشته باشد. این حداقل شامل تمامی مؤسسات مالی مهم سیستمی بین‌المللی خواهد بود (به ویژگی اصلی شماره ۱۱-۲ رجوع شود).

۲- برنامه بازسازی و حل و فصل باید به شرایط خاص مؤسسه مالی توجه نماید و ماهیت، پیچیدگی، درهم‌تنیدگی، سطح جایگزین‌پذیری و اندازه مؤسسه مالی را منعکس نماید.

۳- فرضیات اساسی برنامه بازسازی و حل و فصل و سناریوهای بحران باید به اندازه کافی سختگیرانه باشند. سناریوهای بحران مؤسسه مالی (گروه) و در سطح گروه آن، باید اثر بالقوه سرایت برون مرزی در سناریوهای بحران و همچنین شرایط بحران همزمان در چندین بازار مهم را مورد توجه قرار دهند.

۴- برنامه‌های بازسازی و حل و فصل در یک سناریو حل و فصل یا بازسازی برای مؤسسات مالی و مقامات، باید به عنوان رهنمود به کار گرفته شود. تحت هیچ شرایطی نباید فرض شود که مقامات مجبور به اجرای آن خواهند بود یا از اجرای استراتژی متفاوت در مواقعی که نیاز است مؤسسه مالی منحل گردد، جلوگیری نماید.

برنامه بازسازی

۵- برنامه بازسازی به عنوان رهنمود بازسازی یک مؤسسه مالی بحران‌زده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مرحله بازسازی مؤسسه مالی هنوز با شرایط منجر به حل و فصل یا ورود به نظام حل و فصل، مواجه نشده است. در صورتی که معیارهای بازسازی مناسبی انتخاب شود، چشم انداز معقولي برای بازسازی وجود خواهد داشت. برنامه بازسازی باید شامل معیارهای کاهش نمایه ریسک مؤسسه مالی و حفظ سرمایه،

همچنین گزینه های راهبردی همچون واگذاری خطوط کسب و کار و تجدید ساختار بدهی ها باشد.

۶- مسئولیت فراهم آوری و حفظ و در صورت لزوم اجرای برنامه بازسازی بر عهده مدیریت ارشد مؤسسه مالی می باشد. مقامات باید اعتبار و قابلیت پیاده سازی اثربخش برنامه بازسازی را به عنوان بخشی از فرایند کلی نظارت ارزیابی نمایند. مقامات باید دارای اختیار لازم برای درخواست اجرای اقدامات بازسازی باشند.

۷- مؤسسات مالی باید ملزم شوند که برنامه بازسازی را در فواصل زمانی منظم و بر اساس وقوع رویدادهایی که به طور قابل توجهی ساختار، عملیات مؤسسه مالی، استراتژی یا منابع در معرض ریسک مؤسسه مالی را تغییر می دهند، به روز رسانی نمایند. آنها باید به بازبینی منظم فرضیات بیرونی و درونی مؤسسه مالی که برنامه بازسازی بر اساس آن تدوین شده است، ملزم شوند و همچنین مرتبط و کاربردی بودن برنامه ها را ارزیابی نماید. در صورت لزوم، مؤسسات مالی باید برنامه بازسازی خود را مطابق با آن تغییر دهند.

برنامه حل و فصل مالی

۸- برنامه حل و فصل در حالی که از عملکردهای مهم سیستمی حفاظت می نماید، باید استفاده اثربخش از اختیار مقامات را با هدف امکان پذیر ساختن حل و فصل هر مؤسسه مالی بدون اختلال نظام مند شدید و بدون در معرض زیان قرار دادن مالیات دهندگان، تسهیل نماید. در رویدادهایی که معیارهای بازسازی امکان پذیر یا اثربخش نباشند، این برنامه باید به عنوان یک رهنمود برای مقامات به منظور دستیابی به یک حل و فصل نظام مند بکار گرفته شود.

۹- مسئولیت فراهم نمودن و نگهداری و در صورت لزوم اجرای استراتژی های معین شده در برنامه حل و فصل بر عهده مقامات می باشد.

۱۰- تمامی مقامات ملی مرتبط با امر نظارت، اجرای اقدامات اصلاحی و حل و فصل، باید در فرایند برنامه بازسازی و حل و فصل مالی مشارکت نمایند.

۱۱- مؤسسات مالی باید به ارائه آمار و اطلاعات لازم (شامل تحلیل های استراتژی و سناریو) به منظور برنامه ریزی حل و فصل به موقع به مقامات مربوطه ملزم شوند. مقامات باید

اطلاعات خاص مورد نیازشان را تعیین نمایند و از اینکه مؤسسه مالی ظرفیت ارائه به موقع اطلاعات بر اساس درخواست ایشان را دارد، اطمینان حاصل نمایند.

۱۲- مقامات باید برنامه های حل و فصل را تا جایی که لازم باشد به همراه مؤسسه مالی بازنگری نمایند. ممکن است مقامات تصمیم بگیرند که بخشی از برنامه حل و فصل را برای مؤسسه مالی افشاء ننمایند.

اجرا و نظارت بر برنامه بازسازی و حل و فصل مالی
مقامات

۱۳- مقامات میبایست یک ساختار حاکمیتی قوی به منظور نظارت بر فرایندهای برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی شامل به روزرسانی و مرور برنامه های بازسازی و حل و فصل به منظور لحاظ هرگونه تغییرات در شرایط مؤسسه مالی یا سیستم مالی ایجاد نمایند. مسئولیت فراهم کردن، بازنگری، تأیید و نگهداری برنامه های بازسازی و حل و فصل باید صریحاً مشخص گردد. مقامات باید یک فرایند مشخص را به منظور تعامل با مؤسسات مالی در حال بازسازی و حل و فصل داشته باشند. در کشورهای که به منظور کاربرد معیارهای حل و فصل، دستور دادگاه لازم است، به منظور اطمینان از اینکه زمان مورد نیاز برای اقدامات دادگاه، اجرای اثربخش اقدامات حل و فصل را به خطر نمیاندازد، مقامات حل و فصل باید این مورد را در فرایند برنامه ریزی حل و فصل مدنظر قرار دهند.

۱۴- مقامات باید منابع و تخصص کافی به منظور حمایت از تهیه و ارزیابی پیوسته برنامه های بازسازی و حل و فصل را داشته باشد.

۱۵- مقامات باید برنامه بازسازی و حل و فصل را مورد بازبینی قرار داده و هرچا که لازم است تغییراتی را در فرضیات و سایر سناریوهای بحران یک مؤسسه مالی اعمال نمایند و مؤسسات مالی را به تهیه سناریوهای بحران مضاعف ملزم نمایند. سناریوهای بحران باید به قدر کفایت تمامی ریسکهای درونی و بیرونی را که مؤسسه مالی با آنها مواجه میگردد، مورد توجه قرار دهند و شرایط خاص مؤسسه مالی، استراتژی و وضعیتها را در نظر بگیرند. مقامات باید به دنبال دستیابی به درجه معقولی از ثبات در شدت سناریوهای بحران مورد استفاده توسط مؤسسات مالی مختلف باشند.

۱۶- مقامات باید تمایل مدیریت مؤسسه مالی به اجرای معیارهای اصلاحی را ارزیابی نمایند و در جایی که لازم است اجرای معیارهای بازسازی را الزام آور نمایند.

۱۷- در صورتی که معیارها توسط اکثر مؤسسات مالی به طور همزمان اجرا گردد، مقامات باید اثر سیستمی آن را در نظر داشته باشند.

۱۸- به منظور حمایت از فرایند برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل، مؤسسات مالی باید ملزم به داشتن یک ساختار حاکمیت قوی و منابع کافی شوند. این امر شامل مسئولیت های مشخص واحد های کسب و کار، مدیران ارشد و اعضای هیأت مدیره می باشد، و همچنین تعیین یک مسئول ارشد اجرایی به منظور اطمینان از اینکه مؤسسه مالی با برنامه های بازسازی و حل و فصل منطبق است و برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل در فرایندهای کلی حکمرانی مؤسسه مالی منظور شده است.

۱۹- مؤسسات مالی باید ملزم به داشتن سیستم هایی به منظور تولید به موقع اطلاعات مورد نیاز برای حمایت از فرایند برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل شوند، تا هم مؤسسه مالی و هم مقامات به طور اثربخش قادر به برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل و در صورت لزوم اجرای آن باشند.

۲۰- مؤسسات مالی باید ملزم به تهیه سناریوهای بحران عینی در دو سطح مؤسسه محور و بازار محور شوند و حسب درخواست، استراتژی و تحلیل سناریو را تهیه نمایند.

۲۱- به منظور ارزیابی امکان پذیری و معتبر بودن برنامه های بازسازی و حل و فصل، مؤسسات مالی در صورت درخواست، باید بطور دوره ای در برنامه های اجرایی سناریوها یا شبیه سازیها با مقامات کشور میزبان و مبدأ مؤسسه مالی مشارکت نمایند.

هماهنگی برون مرزی

۲۲- مقامات ارشد کشور مبدأ و مقامات اصلی کشور میزبان مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی، باید جلساتی را با هم برگزار نمایند و هر جا ضرورت داشت با مدیرعامل مؤسسه مالی دیدار داشته باشند و حداقل به صورت سالانه استراتژی کلی حل و فصل را بازبینی نمایند.

۲۳- مقامات ارشد ذیصلاح کشور مبدأ و میزبان باید حداقل به طور سالانه برنامه های عملیاتی حل و فصل را برای هر یک از مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی بازبینی نمایند و به منظور سنجش پایداری برنامه ها، در برنامه های اجرایی سناریوها یا شبیه سازی های مؤسسه مالی مشارکت نمایند.

۲۴- مقامات کشور مبدأ باید تهیه برنامه حل و فصل گروهی را در هماهنگی با سایر اعضای گروه مدیریت بحران مؤسسه مالی، حداقل برای مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی، راهبردی نمایند. مقامات حل و فصل کشور میزبان ممکن است برنامه های خود را برای حل و فصل مؤسسه مالی در کشورشان اجرا نمایند. این مورد باید حتی الامکان در همکاری با مقامات کشور مبدأ به منظور اطمینان از سازگاری برنامه با برنامه گروه صورت پذیرد.

۲۵- برای تمام مؤسسات مالی مهم سیستمی بین المللی، مقامات کشور مبدأ باید فرآیندی برای اطمینان از اینکه چه کشور های غیر عضو گروه مدیریت بحران، اثرات سیستمی فعالیت مؤسسات مالی مهم بین المللی را بر اقتصاد داخلی خود ارزیابی مینمایند و دلایل چنین ارزیابی هایی چیست، داشته باشند. مقامات کشور میزبان باید فرآیندی را به منظور حفظ ارتباط با چنین کشور های خارج از گروه مدیریت بحران، ایجاد نموده و اطمینان حاصل نمایند که شرایط مناسب برای همکاری و به اشتراک گذاری اطلاعات وجود دارد.

طرح کلی برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی
ساختار برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی

۲۶- به منظور حمایت از اجرای سریع، برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی باید شامل موارد ذیل شوند:

۱- یک خلاصه واقع گرایانه از استراتژی های مهم بازسازی و حل و فصل مالی و یک برنامه عملیاتی؛

۲- تحلیل راهبردی که مبنای استراتژی های بازسازی و حل و فصل مالی باشد؛

۳- شرایط مدخله، توصیف پیش نیازهای لازم و کافی برای شروع عملیات بازسازی یا حل و فصل مالی؛

۴- گزینه های عینی و عملی برای اقدامات بازسازی و حل و فصل مالی؛

- ۵- آماده سازی های اولیه برای اطمینان از اینکه اقدامات می توانند به طور موثر و به موقع اجرا شود؛
- ۶- جزئیات هر گونه مانع بالقوه در راه اجرای موثر و به موقع برنامه؛
- ۷- مسئولیت اجرای اقدامات آماده سازی، شروع اجرای طرح و اقدامات واقعی؛

استراتژی های بازسازی و حل و فصل مالی

۲۷- برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی باید شامل خلاصه مدیریتی در سطح بالا از استراتژی های مهم بازسازی و حل و فصل و همچنین یک برنامه عملیاتی اجرای آنها باشد. این مورد باید شامل شنا سایی عملکردهای سیستمی مهم و حیاتی مؤسسه مالی (به عنوان مثال نشان دادن عملیات اصلی مؤسسه مالی با یک نمودار سازمانی)، توصیفی از معیارهای حیاتی اجرای استراتژی های مهم بازسازی و حل و فصل مالی و یک ارزیابی از موانع احتمالی اجرای موفقیت آمیز آن و همچنین شامل تغییرات اساسی یا اقدامات انجام شده از زمان آخرین برنامه بازسازی و حل و فصل ثبت شده توسط مؤسسه مالی باشد.

تحلیل راهبردی

۲۸- یکی از اجزای مهم برنامه های بازسازی و حل و فصل مالی تحلیل راهبردی است، که عملکردهای حیاتی و مهم سیستمی مؤسسه مالی را شناسایی نموده و مراحل اصلی حفظ آنها را در سناریوهای بازسازی و حل و فصل مشخص می کند. سایر اجزای اصلی باید شامل موارد زیر باشد:

- ۱- شناسایی عملکردهای ضروری و سیستمی مهم و مرتبط نمودن آن عملکردها با اشخاص حقوقی زیرمجموعه آن؛
- ۲- اقدامات مورد نیاز به منظور حفظ عملیات و تأمین مالی آن دسته از عملکردهایی که ضروری و از لحاظ سیستمی مهم می باشند؛
- ۳- ارزیابی پایداری^۶ هر یک از خطوط کسب و کار و شخصیت های حقوقی که ممکن است در جریان سناریوهای بازسازی و حل و

^۶ -viability ^۴

- فصل جدا شوند، همچنین ارزیابی اثر چنین تفکیک‌هایی بر
پایداری و ساختار باقیمانده گروه؛
- ۴- ارزیابی اثربخشی احتمالی و ریسک بالقوه هریک از جنبه‌های
اصلی اقدامات بازسازی و حل و فصل مالی، شامل اثر بالقوه
بر مشتریان، شرکاء و اعتماد بازار؛
- ۵- برآورد ترتیب و زمان مورد نیاز برای اجرای هریک از
ابعاد اصلی برنامه؛
- ۶- فرضیه‌های پیش‌بینی شده به منظور آماده سازی برنامه‌های
بازسازی و حل و فصل مالی؛
- ۷- موانع اساسی بالقوه در راه اجرای به موقع و اثربخش
برنامه؛
- ۸- فرایندهای تعیین ارزش و قابلیت فروش خطوط اصلی کسب و
کار، عملیات و دارایی‌ها.

اجزاء اصلی برنامه بازسازی

- ۲۹- مؤسسات مالی باید اقدامات بازسازی ممکن، مراحل لازم و زمان
مورد نیاز اجرای این اقدامات را مشخص کند و ریسک‌های مرتبط
را ارزیابی نمایند. دامنه اقدامات امکان‌پذیر بازسازی،
باید شامل موارد زیر باشد:
- ۱- اقدامات در راستای تقویت وضعیت سرمایه، به عنوان
مثال افزایش سرمایه پس از تحقق زیان شدید، اقدامات
حفاظت سرمایه همچون تعلیق سود سهام و پاداش متغیر؛
- ۲- فروش احتمالی مؤسسات مالی تابعه و تعلیق فعالیت‌های
واحدهای تجاری مربوطه؛
- ۳- تجدید ساختار داوطلبانه عملی‌بدهی‌ها از طریق تبدیل
بدهی به سهام؛
- ۴- اقدامات لازم برای تأمین مالی کافی، درحالی که تنوع
منابع مالی و دسترسی به وثایق از نظر حجم، کیفیت و
وضعیت را تضمین نماید.
- ۳۰- مؤسسات مالی باید به منظور حفظ عضویت خود در زیرساخت‌های
بازار مالی (به عنوان مثال، تأمین مالی پیش‌از موعد و
توثیق و وضعیت‌ها)، تمهیدات مضاعفی که ممکن است در شرایط
بحرانی اهمیت یابند، را ارزیابی نموده و برای اجرای
تمهیدات مذکور ابزارهایی را (برای مثال ارایه طرح‌هایی

برای نحوه تأمین منابع وثایق مازاد و ارزیابی محدودیت‌های بالقوه در جریان‌ات پرداخت مؤسسه مالی) شناسایی نمایند.

۳۱- مؤسسات مالی باید اطمینان حاصل نمایند که دارای تمهیدات مناسبی (به عنوان مثال عملکرد فرایندهای داخلی، سیستم‌های فناوری اطلاعات، امکانات تسویه و پرداخت، قراردادهای مربوط به تأمین‌کنندگان و کارمندان) هستند که آنها را در حین اجرای اقدامات مربوط به بازسازی قادر به ادامه فعالیت می‌سازد.

۳۲- مؤسسات مالی باید سازوکارهای اجرایی توقف و تسریع (فرآیند بازسازی) را به طور شفاف تعریف نمایند، همچنین معیارهای کمی و کیفی که باعث شروع برنامه بازسازی می‌شوند یا اقدامات خاصی که توسط مدیریت مؤسسه مالی در مشورت با مقامات ذیصلاح به اجرا گزاریده می‌شوند را تعیین نمایند. چنین معیارهایی باید به منظور جلوگیری از تأخیرهای ناموجه در اجرای اقدامات بازسازی طراحی شده باشد.

۳۳- مؤسسات مالی باید یک استراتژی ارتباطی مناسب با مقامات، عموم مردم، بازارهای مالی، کارکنان و سایر فعالان ایجاد کنند.

اجزای ضروری برنامه حل و فصل

۳۴- مقامات باید با توجه به ترتیبات ناظر بر هماهنگی‌های بین‌المللی، استراتژی‌های حل و فصل بالقوه را شناسایی کنند و پیش‌شرط‌های لازم و الزامات عملیاتی برای اجرای آنها را ارزیابی نمایند. علاوه بر استراتژی حل و فصل کلی و تحلیل راهبردی، مقامات باید موارد زیر را تعیین نمایند:

۱- آستانه مقرراتی و شرایط قانونی که زمینه را برای شروع اقدامات رسمی فراهم می‌نماید (از جمله آستانه ورود به حل و فصل) و محدوده اختیارات مقامات (به عنوان مثال میزان این‌که؛ مقامات تحت شرایط خاصی می‌توانند از برخی اقدامات خودداری کنند یا خیر)؛

۲- وابستگی‌های حیاتی و اثرگذاری اقدامات حل و فصل بر سایر خطوط کسب و کار و شخصیت‌های حقوقی (آیا سایر نهادها قادر به ادامه کارکرد هستند؟)، قراردادهای مالی (آیا مقامات دارای اختیار محدود نمودن یا تعلیق هستند؟)، بازارها و سایر مؤسسات مالی با خطوط کسب و کار مشابه، برآورد نسبی

از زیان هایی که طلبکاران در ارتباط با اسـتراتژی های
گوناگون حل و فصل متحمل آن می گردند؛

۳- گستره منابع در دسترس به منظور تأمین مالی حل و فصل؛

۴- فرایند پرداخت های صندوق ضمانت و سایر طرح های بیمه سپرده
(به عنوان مثال مشخص نمودن سپرده های بیمه شده و بیمه
نشده)؛

۵- فرایند های حفظ دسترسی بی وقفه به نظام پرداخت، امکانات
تسویه یا تهاتر، سامانه های کسب و کار و معاملات؛

۶- فرآیند های داخلی و سیستم های لازم برای حمایت از عملکرد
مدوم کارکرد های حیاتی مؤسسه مالی؛

۷- فرایند های اجرای برون مرزی برنامه ها؛

۸- راهبردها و فرایندهای ارتباطی مناسب برای هماهنگی ارتباط
با مقامات خارجی؛

اطلاعات مورد نیاز به منظور برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی

مؤسسات مالی باید ظرفیت فراهم آوردن اطلاعات ضروری مورد نیاز برای
پیاده سازی به موقع برنامه های بازسازی و حل و فصل را برای
اهداف برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل و همچنین در شرایط بحرانی
داشته باشند، این اطلاعات عبارتند از:

۳۵- ارتباطات بین المللی درون گروهی، به عنوان مثال، عملیات
کسب و کار اصلی و درهم تنیدگی آن با سایر خطوط کسب و کار،
شخصیت های حقوقی و کشورها، منابع در معرض ریسک درون گروهی
از طریق وام ها و ضمانت های درون گروهی، مبادلات ثبت شده
اتکایی، وابستگی شخصیت های حقوقی مؤسسه مالی به گروه
دیگر برای پشتیبانی نقدینگی یا سرمایه و همچنین سایر
حمایت ها.

۳۶- داده های عملیاتی، برای مثال، میزان دارایی بلوکه شده،
میزان دارایی های نقد، تعهدات زیر خط ترازنامه و غیره.

۳۷- سازمان ها و عملیاتی که اجرای اقدامات بازسازی و حل و فصل
را پشتیبانی می نمایند. به عنوان مثال؛ عملیات اتاق

^{۴۷} Intra-group

^{۴۸} back to back

^{۴۹} asset encumbrance (asset encumbrance is the process banks go through to secure or collateralize a claim. In accounting, it refers to restricted funds that are reserved for a specific liability)

مبادلات؛ شیوه‌های ثبت معاملات تجاری؛^{۵۰} استراتژی‌های پوشش،
توثیق دارایی‌ها؛^{۵۱} اطلاعات نظام پرداخت، سیستم‌های تسویه و
تهاتر؛ فهرست سیستم‌های اطلاعات مدیریت مهم شامل سیستم‌های
حسابداری، ریسک و حفظ وضعیت.

۳۸- مسئولیت‌ها و نقش‌های مهم مدیریت بحران؛ به عنوان مثال:
اطلاعات تماس، امکانات ارتباطی به منظور ارتباط در حین
بحران، رویه‌های مؤسسه مالی به منظور فراهم نمودن امکان
دسترسی مقامات ذیربط کشور مبدأ و میزبان، به اطلاعات، در
زمان عادی و در حین بحران.

۳۹- چارچوب قانونی و مقرراتی که مؤسسه مالی در آن فعالیت
می‌کند. به عنوان مثال: مقامات ذیربط کشور مبدأ و میزبان و
نقش هر یک، عملکردها و مسئولیت‌ها در مدیریت بحران مالی،
نظام‌های حل و فصل مالی شامل ابعاد کاربردی قوانین مرتبط
با شرکت‌ها، تجارت، ورشکستگی، اوراق بهادار و نظام‌های
ورشکستگی که بخش زیادی از گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛
منابع نقدینگی، شامل منابع خصوصی و منابع بانک مرکزی.

^{۵۰} dealing room

^{۵۱} trade booking practices

^{۵۲} custody of assets

پیوست پنجم - تعلیق موقت حقوق انقضا پیش از موعد

اهداف

۱- تحت مسند سازی استاندارد بازار برای قراردادهای مالی و نبود هرگونه تمهیدات قانونی و مقرراتی مغایر آن، حقوق مربوط به تسریع، انقضا و یا سایر روشهای خاتمه قراردادهای (به طور کلی، حقوق انقضا پیش از موعد) در قراردادهای مالی ممکن است با ورود مؤسسه مالی به حل و فصل یا در ارتباط با استفاده از اختیارات حل و فصل بکارگرفته شود. در مورد یک مؤسسه مالی مهم سیستمی فسخ نمودن حجم بالایی قراردادهای مالی بر اساس ورود به حل و فصل میتواند منجر به بینظمی در خروج گردد که این موضوع عدم ثبات بیشتری در بازار به وجود آورده و در اجرای اقدامات حل و فصل که هدفش دستیابی به پایداری است، اختلال ایجاد نماید.

۲- مشخصه های اصلی (مشخصه اصلی ۴-۳) تصریح مینماید که تحت تدابیر حفاظتی کافی، ورود به حل و فصل و اعمال هریک از اختیارات حل و فصل نباید شرایطی را ایجاد نماید که شریک تجاری (طرف قرارداد) مؤسسه مشمول حل و فصل، در صورتی که تعهدات اساسی تحت قرارداد شامل تعهدات پرداخت و تحویل و همچنین تهیه وثایق همچنان در حال انجام میباشند، محق به استفاده از حقوق انقضای پیش از موعد گردد. با وجود اینکه حقوق انقضای پیش از موعد باید قابل اجرا باشد، مقامات حل و فصل باید در جایی که این حقوق تنها به دلیل ورود به حل و فصل یا در ارتباط با استفاده از اختیارات حل و فصل ایجاد شده و در صورتی که تعهدات اساسی تحت قرارداد شامل تعهدات پرداخت و تحویل و تأمین وثایق همچنان در حال انجام می باشد، قدرت تعلیق موقت این حقوق را داشته باشند.

۳- محدودیت های مقرر بر حقوق انقضای پیش از موعد که در پاراگراف قبلی تبیین شده است سایر حقوق طرفین را تحت موافقتنامه های تسویه و وثیقه گذاری، تحت تأثیر قرار نمیدهد و در پرداخت یا تعهدات تحویل به زیرساخت های مالی دخالت نمینماید. اگر مؤسسه مالی تحت حل و فصل در ایفای تعهدات تسویه یا تضمین دچار شکست شود که ناشی از یک قرارداد مالی یا نتیجه عضویت مؤسسه در یک زیرساخت بازار مالی باشد، طرف مقابل یا زیرساخت بازار مالی حق فوری استفاده از حقوق انقضای پیش از موعد مؤسسه مشمول حل و فصل را خواهد داشت.

طرف مقابل و زیرساخت بازار مالی نمی‌توانند قرارداد را صرفاً به دلیل ورود مؤسسه به حل و فصل یا استفاده از اختیارات حل و فصل، فسخ یا منقضی نمایند. آنها صرفاً در صورتی چنین حقی خواهند داشت که مؤسسه تحت حل و فصل یا مقام حل و فصل در ایفای تعهدات تسویه و تضمین ناشی از قرارداد مالی یا در نتیجه عضویت آن در زیرساخت بازار مالی، دچار شکست شوند.

شرایط تعلیق موقت

۴- تعلیق موقت اجرای حقوق انقضای پیش از موعد باید بر اساس شرایط زیر صورت پذیرد:

۱- تعلیق تنها در مورد حقوق انقضای پیش از موعدي که ناشی از دلایل ورود به حل و فصل یا مرتبط با استفاده از اختیارات حل و فصل باشد، به کار گرفته می‌شود (به عنوان مثال: تغییر در کنترل مؤسسه مربوطه یا کسب و کار آن ناشی از چنین فرایندی)؛

۲- تعلیق اکیداً از نظر زمانی دارای محدودیت است (به عنوان مثال برای مدت زمان حداکثر ۲ روز کاری)؛

۳- مقام حل و فصل باید صرفاً مجاز به انتقال تمامی قرارداد های واجد شرایط با یک طرف مقابل خاص به یک نهاد جدید می‌باشد و مجاز نیست تا قرارداد های تکی را به یک طرف مقابل یکسان که مشمول قرارداد خالص سازی یکسان نیز است، انتقال دهد.

۴- برای قرارداد هایی که به یک نهاد واسطه یا شخص ثالث منتقل شده‌اند، نهاد پذیرنده باید تمام حقوق و الزامات مؤسسه مالی ناشی از قرارداد های منتقل شده را بر عهده گیرد.

۵- حقوق انتقضای پیش از موعد طرف مقابل در برابر مؤسسه مالی مشمول حل و فصل در حالت بروز هرگونه نکول قبل، حین یا بعد از دوره تعلیق که به ورود آن مؤسسه به حل و فصل یا اعمال اختیارات حل و فصل مرتبط نیست، محفوظ است. (برای مثال، عدم توانایی مؤسسه در انجام پرداخت یا عدم تحویل یا بازگرداندن وثایق در سررسید مربوطه)

- ۶- به دنبال انتقال قراردادهای مالی، حقوق تعلیق پیش از موعد طرف مقابل در برابر نهاد خریدار مؤسسه در حالتی که عدم توانایی نهاد مذکور محرز گردد، محفوظ می باشد.
- ۷- طرف مقابل می تواند حق خاتمه سریع در برابر مؤسسه مشمول حل و فصل را در موقع انقضای تعلیق یا زودتر از آن، به شرط آن که مقامات ذیصلاح مؤسسه مالی را در خصوص این که قراردادهای مربوطه قابل انتقال نیستند مطلع نمایند، به اجرا گذارد.
- ۸- بعد از دوره تعلیق، حقوق انقضای پیش از موعد برای قراردادهای مالی که به یک مؤسسه مالی سالم، نهاد انتقالی یا سایر نهادهای عمومی انتقال داده نشده اند، می تواند به اجرا گذارده شود.

عملیات تعلیق

- ۹- تعلیق می تواند در عمل بصورت صلاحیدی (که به وسیله مقامات حل و فصل بصورت مورد به مورد قابل اعمال است.) یا بصورت خودکار باشد. در حالت اول، کشورها باید اطمینان یابند که طرفهای مقابل مؤسسه مالی مشمول حل و فصل در شروع و پایان تعلیق شفاف عمل می نمایند.
- ۱۰- به عنوان بخشی از فرآیند طرح ریزی حل و فصل و ارزیابی حل و فصل پذیری، مقامات باید به ملاحظات مربوط به تعلیق موقت در اجرای حقوق انقضای پیش از موعد در خصوص زیر ساخت های بازار مالی و سایر طرف های مقابل مؤسسه مالی توجه نمایند. (پیوست شماره ۳، ۴-۸، پیوست شماره ۴، ۴-۱ رجوع شود.)

ضمیمه دو:

رهنمود بخش محور

پیوست یک- حل و فصل مالی زیرساختهای بازار مالی و فعالان بازارهای مالی

بخش نخست این پیوست (حل و فصل زیرساختهای بازار مالی) رهنمودهایی را در باب بکارگیری ویژگیهای اصلی نظامهای حل و فصل مؤثر مؤسسات مالی مرتبط با نظامهای سیستمهای زیرساختهای بازار مالی (FMIs) دارای اهمیت سیستمی، ارائه می‌دهد.

بخش دوم این ضمیمه (حل و فصل فعالان زیرساختهای بازار مالی)، به موضوع حل و فصل فعالان زیرساختهای بازار مالی می‌پردازد که در مواقع شکست یا وقوع بحران، دارای اهمیت سیستمی بوده و کارکردشان حیاتی باشد.

بخش یک- حل و فصل زیرساختهای بازار مالی

ویژگیهای اصلی تصریح می‌کند که زیرساختهای بازار مالی (FMIs) - شامل نظامهای پرداخت، سپرده گذاریهای مرکزی اوراق بهادار (CSDs)،^۲ سیستمهای تسویه اوراق بهادار (SSSs)، سیستم تسویه مرکزی (CCPs) و مراکز ثبت تجاری (TRs) - باید تابع نظامهای حل و فصلی باشند که اهداف و تمهیدات ویژگیهای اصلی را، به شیوه ای مناسب نسبت به زیرساختهای بازار مالی و نقش حیاتی آنها در این بازارها، اجرا می‌کنند. (ویژگی اصلی شماره ۱-۲) این رهنمود، ویژگیهای اصلی - که به طور کلی در نظامهای حل و فصل مالی مرتبط با همه مؤسسات مالی دارای اهمیت سیستمی و زیرساختهای بازار مالی اعمال می‌گردد- را از طریق نشان دادن این موضوع که چگونه ویژگیهای اصلی یا عناصر خاصی از آن باید در زمان حل و فصل زیرساختهای بازار مالی یا یکی از اجزای خاص آنها تفهیم گردند، تکمیل می‌کند.

فرض بر این است که تمام زیرساختهای بازار مالی به طور سیستمی، حداقل در قلمرو داخلی که آنها مستقر هستند، به طور نوعی به خاطر کارکردهای حیاتی شان در بازارهایی که خدمات دهی می‌کنند پر اهمیت یا حیاتی هستند. در هر حال، یک مقام می‌تواند تشخیص دهد که زیرساخت بازار مالی، در قلمرو داخلی خویش از نظر سیستمی پر اهمیت یا حیاتی محسوب نشده و لذا ارتباطی با ویژگیهای اصلی ندارد. گستره این رهنمود با اصول CPSS-IOSCO در خصوص زیرساختهای بازار مالی^۳ منطبق بوده و مشخص می‌نماید که زیرساختهای بازار مالی تحت تملک و اختیار بانکهای مرکزی، ارتباطی با ویژگیهای اصلی ندارد.

^۲<http://www.bis.org/cpmi/publ/d101.htm>

هر زمان که ضرورت دارد، این رهنمود ابعاد خاصی از نظام های حل و فصل مالی را که برای انواع مختلف زیرساخت های بازار مالی مناسب است را ایجاد می کند. این ضمیمه باید با ویژگی های اصلی مطالعه شود و رهنمود مربوط به هر کدام از ویژگی های اصلی باید با لحاظ ویژگی اصلی مرتبط با آن، مورد توجه قرار گیرد. ضمیمه، جایگزین ویژگی های اصلی نمی گردد. لذا نباید چنین استنباط شود که یک ویژگی اصلی خاص یا جزئی از آن، به سادگی نسبت به یک زیر ساخت بازار مالی اعمال نمی گردد، صرفاً به این دلیل که در این ضمیمه هیچ تمهیدات حمایتی وجود ندارد.^{۵۵}

این ضمیمه همچنین باید در کنار اصول ناظر بر زیر ساخت های بازار مالی مطالعه شود که مستلزم این است که زیر ساخت های بازار مالی، برنامه بازسازی عجم و مؤثر داشته باشند از جمله، اصول ناظر بر زیر ساخت های بازار مالی مستلزم این است که هر کدام از زیر ساخت های مزبور قواعد و رویه هایی شفاف را ایجاد کنند که به طور کامل هرگونه خسارات و زیان اعتباری که ممکن است به صورت مشخصی یا ترکیبی توسط فعالان بازار به جهت تعهداتی که به زیر ساخت بازار مالی دارند، ایجاد نمایند؛ چگونگی توزیع احتمالی خسارات اعتباری بدون پوشش؛ و چگونگی افزایش منابع مالی زیر ساخت بازار مالی در مواجهه مجدد با موقعیت بحرانی.^{۵۶} همچنین اصول ناظر بر زیر ساخت های بازار مالی، زیر ساخت های بازار مالی را ملزم می نماید قواعد و شیوه های شفاف را ایجاد کنند که آنها را قادر سازد بر روی تعهدات تسویه پرداخت روزانه، پایان روز و چند روزه همزمان با هر گونه عدم ایفای تعهد فردی یا جمعی فعالان آن بازارها تأثیر بگذارند.^{۵۸}

با این وجود، ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که در آن، حل و فصل زیر ساخت بازار مالی، مشروط به تشخیص مقامات (یا مراجع) ذیربط، ضروری باشد اگر، برنامه بازسازی و هرگونه قواعد و راهکارهای تخصیص زیان در جهت ادامه حیات و بازسازی زیر ساخت بازار مالی، با شکست مواجه شده یا به موقع تکمیل نشده باشد، یا حتی زمانی که هنوز برنامه بازسازی به طور کامل اجرا نشده، مراجع و مقامات مقررات گذار، ناظر و مقامات حل و فصل تشخیص دهند که اقدامات بازسازی برای ادامه حیات زیر ساخت بازار مالی منطقی نبوده یا ثبات مالی را به خطر می اندازد. این امر مستلزم این است که زیر ساخت های بازار مالی، تابع نظام های حل و فصلی باشند که اهداف و

^{۵۵} - از آنجایی که محتوای (اجزاء) این پیوست، در جهت اهداف ارزیابی، در تطابق با ویژگی های اساسی، بر اهمیت در نظر گرفته شده است؛ آن اجزاء به وضوح در روش شناسی ارزیابی ویژگی های اساسی، منعکس می گردد.

^{۵۶} - رهنمود های بیشتر راجع به فرایند برنامه ریزی بازسازی و محتوای برنامه های آن در گزارش CPMI-IOSCO پیرامون بازسازی زیرساخت های بازار مالی اشاره شده است.

^{۵۷} - بند ۴- ویژگی اصلی شماره ۷

^{۵۸} - بند ۷- ویژگی اصلی شماره ۱۰

تمهیدات ویژگی های اصلی را به شیوه ای مناسب نسبت به زیر ساخت های بازار مالی و نقش حیاتی آن در آن بازارها، اعمال می کنند. (ویژگی شماره ۲-۱)

۱- اهداف (مقدمه ویژگی اصلی)

۱-۱- یک نظام حل و فصل مالی مؤثر برای زیرساخت های بازار مالی، باید به دنبال ثبات مالی بوده و ادامه کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی را بدون در معرض زیان قراردادن مالیات دهندگان و همچنین از طریق بازسازی توانایی زیرساخت بازار مالی برای انجام آن کارکردها به عنوان فعالیت جاری و یا اطمینان از اجرای آن کارکردها توسط نهادی دیگر یا تمهید ترتیبات هماهنگ با تصفیه زیرساخت بازار مالی در حل و فصل، طبق برنامه (اتمام تدریجی فعالیتها)، مجاز بدانند. این امر باید به عنوان راهبردی قابل اعمال در جهت نیل به اهداف ذیل باشد:

۱- دستیابی به تداوم و اجرای به موقع پرداخت های ضروری، تسویه شفاف و کارکرد نظام ثبتي؛

۲- تسهیل ایفای به موقع تعهدات زیرساخت بازار مالی

۳- حفظ دسترسی مداوم فعالان به اوراق بهادار یا حساب های نقدی ارائه شده توسط زیرساخت بازار مالی و اوراق بهادار یا وثیقه نقدی ارسال شده یا نگاهداشته شده توسط زیرساخت بازار مالی که در زمره مطالبات چنین فعالانی قرار می گیرد.

۴- اجتناب از هرگونه اختلال در عملیات ارتباطات میان زیرساخت بازار مالی با سایر زیرساخت های بازار مالی در (نظام) حل و فصل مالی که تأثیر منفی ملموسی بر ثبات مالی یا عملکرد بازارها دارند؛

۵- محافظت، مراقبت و ایجاد امکان پردازش مستمر و دسترسی به اطلاعات ذخیره شده در مرکز ثبت تجاری (TR).

۲- دامنه نظام های حل و فصل مالی برای زیرساخت های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۱)

➤ کاربرد در زیرساخت های بازار مالی دارای اهمیت سیستمی

۲-۱- زیرساخت های بازار مالی که از منظر سیستمی پر اهمیت هستند، باید صرف نظر از وضعیت صدور مجوز آنها (به عنوان مثال، زیرساخت های بازار مالی دارای مجوز تحت عنوان بانک)، تابع نظام های حل و فصلی باشند که ویژگی های اصلی را به شیوه ای مناسب نسبت به ویژگی های خاص نوع زیرساخت بازار مالی در موضوع و نقش حیاتی آن در بازارهای مالی، اعمال نماید. نظام های حل و فصل مالی باید دربرگیرنده ویژگی هایی که مربوط به انواع خاصی از زیرساخت بازار مالی تحت پوشش گستره آن نظام هستند، باشند.

۲-۲- ویژگی های اساسی و رهنمود های مورد اشاره در این ضمیمه، نسبت به زیرساخت های بازار مالی تحت اداره و مالکیت بانک های مرکزی، اعمال نمی شوند.

➤ اهمیت سیستمی

۳-۲- مقامات باید ضمن در نظر داشتن اهمیت سیستمی زیرساخت های بازار مالی، به فروض و حالات مورد اشاره در پاراگراف (۱-۲۰) در رابطه با اصول ناظر بر زیرساخت های بازار مالی (CPSS-IOSCO) برای زیرساخت های مذکور، توجه داشته باشند.

۳- مقام مسئول حل و فصل ۹۹ زیرساخت های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۲)

➤ اهداف قانونی

۳-۱- به عنوان بخشی از کارکردها و اهداف مقرر قانونی، یک مقام صلاحیت دار مسئول حل و فصل زیرساخت های بازار مالی، باید در بکارگیری اختیارات حل و فصل از طریق اهداف خاص رسیدن به ثبات مالی و حفظ استمرار کارکردهای حیاتی یک زیرساخت بازار مالی در نظام حل و فصل، بدون تحمیل زیان بر مالیات دهندگان، مورد رهنمود قرار گیرد. (رجوع کنید به بند اول ویژگی اصلی (۳-۲) و پاراگراف (۱-۱) علاوه بر سایر اهداف کلی مربوطه مورد اشاره در ویژگی اصلی (۲-۳).

➤ تعیین یک مدیر، سرپرست یا سایر مسئولین

۳-۲- حل و فصل یک زیرساخت بازار مالی، ممکن است مستقیماً توسط مقام مسئول حل و فصل و یا مدیر ویژه، سرپرست، دریافت کننده و یا سایر مسئولین با مسئولیت های مشابه، انجام گیرد. این افراد باید در موقع انجام امور حل و فصل، بر اساس اهداف تعیین شده در پاراگراف های (۱-۱) و (۱-۳) راهنمایی شوند. (از طریق موارد مورد اشاره در ویژگی اصلی (۳-۲))

➤ مهارت های مقام حل و فصل

۹
۵- هم راستا با ویژگی اصلی شماره (۲-۱) که به مقام حل و فصل اشاره دارد، شامل بیش از یک مقام حل و فصل، در جایی که دو مقام یا بیشتر مسئول اجرای اختیارات حل و فصل تحت نظام حل و فصل هستند، می باشد.

۳-۳- کارکنان مرجع حل و فصل مالی، باید دانش کافی و صلاحیت های ضروری را در ارتباط با زیر ساخت های بازار مالی دارای اهمیت سیستمی، داشته باشند. در جایی که مقام حل و فصل، مجزا از مقام نظارتی است، باید قادر باشد به مهارت های مورد اخیر (مقام ناظر) دست یابد.

➤ مشاوره و همکاری با بانک های مرکزی و سایر مراجع

۳-۴- در جایی که بانک مرکزی مقام حل و فصل، ناظر یا مرجع پایش زیر ساخت بازار مالی محسوب نمی گردد که از طریق سیستم یا ارتباط با سایر سیستم ها اقدام به حل و فصل مالی ریز ساخت بازار مالی بنماید، مقام حل و فصل یا مدیر منصوب، باید در زمان طرح ریزی و اجرای برنامه حل و فصل آن زیر ساخت بازار مالی، با بانک مرکزی همکاری و مشورت نماید.

۳-۵- مقام حل و فصل مالی یا مدیر منصوب، باید با تمام مراجع و مقامات مقررات گذار بازارهای دیگر نیز مشورت نماید، جایی که خدمات زیر ساخت بازار مالی، برای تنظیم کارکرد مناسب بازارهای سرمایه ای که توسط آن مقام تحت نظارت هستند، ملموس است.

۴- اختیارات حل و فصل زیرساخت های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۳)

➤ انتخاب اختیارات حل و فصل

۴-۱- در انتخاب اختیارات حل و فصلی که نسبت به یک زیر ساخت بازار مالی، اعمال می شود، باید موارد ذیل مدنظر قرار گیرد:

۱- نوع زیرساخت بازار مالی و کارکردهای حیاتی که ارایه می نماید؛

۲- نمایه ریسک زیر ساخت بازار مالی، که دربرگیرنده منابع در معرض ریسک آن شامل منابع در معرض ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و سایر ریسک های تجاری بوده و به ویژه، منابع در معرض ریسک اعتباری ناشی از منابع در معرض به فعالان آن بازار به عنوان فعالیت اصلی؛

۳- ساختار سرمایه زیرساخت های بازار مالی، دارایی های در دسترس (موجود)، منابع پیش فرض، ترتیبات تخصیص زیان؛

۴- تمام اقدامات بازسازی و بازسازی اتخاذ شده توسط زیرساخت بازار مالی؛

۵- در حالتی که زیر ساخت بازار مالی، دارای سازوکارها و شیوه های تخصیص زیان مقررات محور می باشد، تا حدی که آن شیوه ها، قبل از ورود به نظام حل و فصل، از بین نرفته اند؛

۶- نوع بحران (برای مثال، زیان های اعتباری یا کمبود نقدینگی) و منشأ آن (برای مثال فشار ناشی از سهامداران

اصلی یا سایر دلایل نظیر امور تجاری و ضعف های ساختاری و عملیاتی)؛

۷- ساختار بازار که در آن فعالیت می کند. (برای مثال وجود عرضه کنندگان جایگزین).

۴-۲- در انتخاب ابزارهای حل و فصل باید تأثیر مورد انتظار آن ابزارها بر فعالان مستقیم و غیرمستقیم زیرساخت بازار مالی و هرگونه زیرساخت های بازار مالی مرتبط و اشخاص ثالث را صرف نظر از موقعیتی که در آن قرار دارند، و به طور گسترده تر تأثیر مدنظر روی بازارهای مالی را در نظر گرفته شود.

➤ ورود به (نظام) حل و فصل (ویژگی اصلی شماره ۱/۳)

۴-۳- ورود به حل و فصل باید زمانی امکان پذیر باشد که زیرساخت بازار مالی قابلیت بقا یا ادامه حیات نداشته و احتمال آن هم وجود ندارد و یا قادر به انطباق با الزامات مقرراتی و قانونی به صورت پایدار نبوده و فاقد چشم انداز معقولی برای بازسازی آن از طریق بکارگیری سایر اقداماتی که می توانست توسط زیرساخت بازار مالی مطابق با چابوب زمانی اتخاذ شود، است. ورود به نظام حل و فصل باید امکان پذیر شود به ویژه اگر :

۱- تدابیر موجود مربوط به احیا و بازسازی زیرساخت بازار مالی که دربرگیرنده استفاده از دارایی ها و منابع موجود و کاربرد هرگونه قواعد تخصیص زیان برای بازسازی زیرساخت بازار مالی و تطبیق پایدار آن با الزامات مقرراتی و قانونی قابل اعمال، ازبین رفته یا با شکست مواجه گردیده و یا در زمان مقتضی اجرایی نگردیده است. یا :

۲- مقام برر سی نظارتی یا حل و فصل مربوطه، تشخیص دهد که تدابیر موجود برای بازسازی و اعاده و وضعیت زیرساخت بازار مالی فاقد احتمال معقول و منطقی برای بازسازی آن در چهارچوب زمانی مورد نیاز به منظور امکان انطباق آن با الزامات مقرراتی و قانونی قابل اعمال است. یا اینکه این تدابیر به احتمال زیاد، ثبات مالی زیرساخت بازار مالی را به خطر می اندازند.

➤ اجرای قواعد تخصیص زیان و سازوکارهای اجرایی پیش از ورود به نظام حل و فصل

۴-۴- جایی که زیرساخت بازار مالی، قواعد و شیوه هایی برای توزیع یا تهاثر زیان دارد، این راهکارها و شیوه ها قبل از ورود به حل و فصل زیرساخت بازار مالی باید از بین برود؛ مگر اینکه برای نیل به اهداف حل و فصل، به منظور شروع حل و فصل قبل از آنکه آن قواعد و سازوکارها منسوخ شده باشند، لازم یا مناسب باشد. (پاراگراف ۳-۱). در موقعی که

چنین قواعد و شیوه هایی قبل از ورود به حل و فصل منسوخ نشده باشند، مقام حل و فصل مالی باید این اختیار را داشته باشد که اجرای این شیوه ها و قواعد را الزامی نماید. (پاراگراف اول بند (۹-۴))

➤ تدویم و استمرار هنگام ورود به حل و فصل

۴-۵- قواعد ناظر بر پایان تسویه، باید در نظام حل و فصل تداوم یابد.

۴-۶- هرگونه مجوز، اعطای اختیار، تشخیص و تصدیق قانونی در زیرساخت بازار مالی (اعم از داخلی یا خارجی) از جمله شناخت چگونگی اعمال قواعد خاتمه تسویه که در جهت اجرای مستمر کارکردهای حیاتی زیرساخت های بازارهای مالی در حل و فصل ضرورت دارد، نباید به طور خودکار و صرفاً به عنوان پیامد ورود به حل و فصل (تحت قانون داخلی و یا خارجی) فسخ گردد و باید به منظور مجاز بودن تداوم کارکردهای حیاتی زیر ساخت بازار مالی در حل و فصل تا حد لازم مؤثر باقی بماند.

۴-۷- ورود به نظام حل و فصل یک زیرساخت بازار مالی، نباید به طور خودکار منجر به ایجاد محدودیت، تعلیق یا پایان مشارکت آن-یا ارتباط آن- با سایر زیر ساخت های بازار مالی (هرجا که مستقرند) گردد. زیر ساخت های بازار مالی نباید (از طریق قانون یا مقررات) از مشارکت-یا ارتباط- با زیرساخت بازار مالی که مشمول حل و فصل است، منع شود به شرط آن که زیر ساخت بازار مالی مشمول حل و فصل تعهدات دریافت و پرداخت خود را در زمان معین ایفا نماید و با سایر تعهدات قابل اعمال تحت قواعد زیرساخت بازار مالی انطباق داشته باشد.

➤ مدیریت موقت

۴-۸- مقام حل و فصل مالی یا یک مدیر منصوب، سرپرست یا مدیر تصفیه یا سایر مقامات مشابه، باید اختیار و قابلیت لازم را جهت اطمینان از استمرار کارکردهای حیاتی زیر ساخت بازار مالی مشمول حل و فصل و انجام به موقع تعهدات مالی که دربرگیرنده زمان ورود زیر ساخت های بازار مالی به حل و فصل تا زمانی که زیر ساخت بازار مالی باز سازی می گردد یا زمانی که کارکردهایی به عرضه کننده دیگری منتقل یا جایگزین گردد یا به شیوه ای نظام مند خاتمه یابد، داشته باشد.

➤ اختیارات توزیع زیان ها و واگذاری یا خاتمه قرارداد ها (بند ۳ از ویژگی اصلی شماره ۳-۲ و ویژگی اصلی ۳-۵)

۴-۹- مشروط به وجود تعهدات حفاظتی (قانونی) مورد اشاره در پاراگراف ۴-۱۱ و ویژگی اصلی شماره ۵ (آن طور که در پاراگراف ۶-۱ توضیح داده شده است) مقامات حل و فصل باید نسبت اعمال موارد ذیل قدرت و اختیار لازم را داشته باشند:

۱- الزام تمام تعهدات قراردادی موجود و جاری فعالان زیرساخت های بازار مالی به تأدیه درخواست های نقدینگی یا مشارکت بیشتر در پرداخت وجوه معین یا تضمین شده، یا سایر قواعد و شیوه های زیرساخت بازار مالی برای توزیع زیان (از جمله در بازپرداخت به عرضه کنندگان نقدینگی) در صورتی که آنها هنوز به طور جامع و مفصل، توسط زیرساخت بازار مالی قبل از ورود آن به حل و فصل، بکارگرفته نشده اند.

۲- الزام تمام تعهدات جاری و موجود فعالان زیرساخت های بازار مالی به پیروی از قواعد و شیوه های زیرساخت بازار مالی، در جهت پذیرش توزیع وضعیت های یک فعال دارای مشکل.

۳- کاهش ارزش سرمایه زیرساخت بازار مالی (به طور کلی یا جزئی)

۴- کاهش ارزش یا تبدیل به سرمایه نمودن بدهی های تضمین نشده زیر ساخت بازار مالی (نجات از درون) به شیوه ای که اولویت بندی مطالبات تحت نظام ورشکستگی قابل اعمال را مدنظر قرار دهد.

۵- کاهش ارزش تمام انواع سودهای قابل پرداخت به فعالان توسط زیر ساخت بازار مالی (برای مثال بوسیله تغییر میزان حاشیه hair cut)

۶- فسخ یا انقضای قراردادها

پایان دادن به برخی قراردادها و نه همه آنها (خاتمه جزئی) و یا هرگونه کاهش در نرخ سودهای قابل پرداخت توسط زیر ساخت بازار مالی به فعالان، باید صرفاً موقعی انجام پذیرد که با چارچوب قانونی و قواعد زیر ساخت بازار مالی که در تطابق با چارچوب قانونی ترسیم شده است، سازگار باشد.

۴-۱۰- مقامات حل و فصل می توانند میزان حاشیه سود اولیه فعالان مستقیم و در صورت امکان، فعالان غیرمستقیم را زمانی که حاشیه سود اولیه با توقف زیر ساخت بازار مالی قرابت داشته و با چارچوب قانونی و قواعد زیر ساخت بازار مالی ترسیم شده در تطابق با چارچوب قانونی سازگار است، کاهش دهند.

۴-۱۱- هر گونه اختیار در جهت تخصیص زیان ها به فعالان زیر ساخت مالی از طریق کاهش نرخ سود قابل پرداخت به چنین فعالانی (برای مثال بوسیله تغییر میزان حاشیه hair cut) در تطابق با پاراگراف ۴-۹ یا از طریق کاهش حاشیه سود اولیه در تطبیق با پاراگراف ۴-۱۰ باید مشروط به موارد ذیل باشد:

۱- منابع از پیش تأمین شده زیر ساخت های بازار مالی، از بین رفته و سایر مکانیسم های تحت قواعد آن نیز در جهت پوشش زیان ها و بازسازی آن ناموفق بوده یا قابلیت اجرایی شدن نداشته است (به این دلیل که بنا به تشخیص مراجع و مقامات حل و فصل، اعمال یا اجرای آنها احتمالاً باعث به خطر افتادن ثبات مالی گردیده و یا احتمال موفقیت با توجه به شرایط و اوضاع و احوال بعید می باشد و یا بنا به سایر دلایل)

۲- تخصیص زیان، قواعد زیر ساخت بازار مالی و سلسله مراتب مطالبات تحت نظام توقف قابل اعمال را حفظ نماید.

۳- استفاده از تخصیص زیان نسبت به وثیقه و سود ناخالص، صرفاً تا حدی که چنین وثیقه یا سودی در جهت پوشش زیان ها استفاده بشود؛ به استثنای زیان های مرتبط با تعهدات فعالانی که تحت قواعد تخصیص زیان زیر ساخت بازار مالی یا ورود زیر ساخت بازار مالی به مرحله ورشکستگی، اعلام گردیده است.

در حالتی که یک فعال زیر ساخت بازار مالی در ایفای تعهداتش نسبت به زیر ساخت مربوطه، تحت قواعد و شیوه های زیر ساخت بازار مالی و پیش از ورود این زیر ساخت ها به مقوله حل و فصل، ناتوان شده است، این شرایط مانع استفاده از حاشیه سود اولیه آن فعال، به منظور ایفای تعهدات مطابق با چارچوب قانونی و قواعد زیر ساخت بازار مالی نمی شود.

➤ انقضا یا فسخ قرارداد ها

۴-۱۲- زمان تصمیم گیری و بررسی راجع به خاتمه دادن به قراردادهای جاری مربوط به تسویه مرکزی (CCP)، مقام حل و فصل مالی باید در میان سایر مسائل، تأثیر آن اقدام را روی موارد ذیل در نظر داشته باشد:

۱- مدیریت ریسک فعالان تسویه مرکزی CCP

۲- ثبات مالی

➤ انتقال کارکرد های حیاتی به یک نهاد واسط انتقالی یا شخص ثالث دارای توان مالی (بند ۵ ویژگی اصلی شماره ۳-۲ و بند ۷ ویژگی اصلی شماره ۳-۳ و ویژگی اصلی شماره ۳-۴)

۴-۱۳- مقام حل و فصل باید اختیار لازم توأم با حمایت های قانونی را نسبت به طرفین مربوطه به ویژه در ارتباط با خالص سازی و ترتیبات وثایق به منظور انتقال مالکیت زیر ساخت بازار مالی به یک خریدار شخص ثالث یا نهاد انتقالی یا تمام یا بخشی از عملیات حیاتی زیر ساخت های بازار مالی (برای مثال، تعیین وضعیت یک محصول خاص) که شامل همه حقوق و تعهدات مربوطه و توافقات لازم در سطح خدمات می گردد، را داشته باشد. چنین اختیاراتی باید بدون توجه به الزامات مورد نیاز برای اخذ رضایت و روش های جدید قابل اعمال، باید قابل اجرا باشد.

۴-۱۴- زمانی که کارکردهای یک زیرساخت بازار مالی به خریدار شخص ثالث یا یک نهاد واسطه انتقالی منتقل می شود، مقام حل و فصل مالی باید از تداوم ترتیبات فنی و قانونی زیر ساخت های بازار مالی، نظیر ترتیبات «تحويل در برابر پرداخت»، تعاملات داخلی یا برون مرزی با سایر زیرساخت های بازار مالی یا سایر ارائه کنندگان خدمات ضروری و ترتیبات قراردادی مربوطه، اطمینان حاصل کند.

۴-۱۵- زمانی که کارکردهایی به یک نهاد واسطه انتقالی منتقل می شود، هرگونه مجوز، تعیین و تشخیص قانونی زیر ساخت بازار مالی که برای تداوم آن کارکردها در حل و فصل ضرورت دارند و شامل شناخت آن برای اهداف اعمال قواعد خاتمه قراردادهای مربوطه است، باید منتقل گردند یا در غیر آن در مورد نهاد انتقالی اعمال گردد.

۴-۱۶- اختیارات انتقال قابل اعمال توسط مقامات حل و فصل باید آنها را قادر سازد در مواقعی که زیر ساخت مشمول حل و فصل، دارایی های مشتری را به عنوان قیم نگه می دارد، این اموال را بدون تأثیرگذاری روی حقوق مالکیت یا حقوق مشتریان مربوطه، به مؤسسه ای دیگر به عنوان قیم منتقل کند.

➤ استمهال (بند ۱۱ ویژگی اصلی شماره ۲-۳)

۴-۱۷- یک مقام حل و فصل مالی نباید از طریق زیرساخت بازار مالی، مواعد پرداخت به فعالان یا نسبت به هرگونه زیرساخت بازار مالی مرتبط، تحمیل نماید، چنانچه این استمهال:

۱- روی جریان معمول پرداخت ها، توافقات و نقل و انتقالات تحت ارزیابی توسط زیر ساخت بازار مالی در زمان کارکردهای اصلی آن تأثیر بگذارد و یا:

۲- در غیر آن صورت مانع تداوم سایر کارکردهای حیاتی انجام شده توسط زیر ساخت بازار مالی در حل و فصل یا زیرساخت بازار مالی مرتبط شده و یا باعث به خطر افتادن آنها شود.

این موضوع نباید از اعمال استمهال پرداختها توسط مقام حل و فصل مالی در خصوص طلبکاران عمومی، یعنی طلبکارانی که مطالباتشان پیامد (الف) استفاده از کارکردهای حیاتی زیرساختهای بازارهای مالی نیستند یا (ب) خدماتی که برای تمهید کارکردهای مذکور ضروری است، به وجود نیامده اند؛ جلوگیری کند.

۴-۱۸- مقام حل و فصل، نباید از استفاده از هرگونه اختیارات توزیع زیان مورد اشاره در پاراگراف ۴-۹ و ۴-۱۰ در رابطه با پرداختها، توافقات و نقل و انتقالات مربوط به استمهال، منع شود.

۵- تهاتر، خالصسازی، وثیقه‌گیری، تفکیک و تجزیه دارایی‌های مشتریان (ویژگی اصلی شماره ۴)

➤ تعلیق موقت حقوق انقضای پیش از موعد

۵-۱- ورود به مقوله حل و فصل یا اجرای هرگونه ابزار حل و فصل در ارتباط با یک زیر ساخت بازار مالی، نباید نقطه آغاز اجرای حق تسریع یا انقضای پیش از موعد توسط هر فعال در زیر ساخت بازار مالی یا طرف مقابل آن باشد. چنین حقوقی زمانی که زیر ساخت بازار مالی (یا مقام، مدیر موقت، مدیر تصفیه یا هر شخصی دیگری که روی زیر ساخت بازار مالی در فرایند حل و فصل اعمال کنترل دارد) در انجام پرداخت یا ایفای تعهداتی که شامل نقل و انتقال وثیقه، زمانی که سررسید موعد در تطابق با قواعد آن ولی منوط به هرگونه اعمال تخصیص زیان نسبت به سود یا وثیقه تحت قواعد زیر ساخت بازار مالی یا از طریق اجرای اختیارات تخصیص زیان قانونی، با شکست مواجه می‌شود، باید قابل اجرا باقی بماند.

۵-۲- اگرچه حقوق ناظر بر تسریع یا انقضای زود هنگام، صرفاً به دلیل ورود به مقوله حل و فصل یا اجرای هرگونه ابزارهای مربوط به آن (توسط مقام حل و فصل) به وجود می‌آید، مقام حل و فصل باید اختیار توقف موقت اجرای حقوق مزبور را داشته باشد. زمان برر سی امکان تحمیل توقف موقت اجرای حق توسط فعالان و سایر شرکای مربوط به حقوق تسریع و انقضای سریع زیرساخت بازار مالی، با ورود به حل و فصل زیرساخت بازار مالی آغاز می‌شود. مقام حل و فصل باید تأثیر اقدام فوق را بر بازارهای مالی و عملیات باثبات و نظام‌مند زیرساخت بازار مالی و هرگونه زیرساختهای بازار مالی مرتبط را مد نظر قرار دهد.

۶- تمهیدات حفاظتی (ویژگی اصلی شماره ۵)

➤ اصل «اوضاع هیچ طلبکاری بدتر نمی‌شود» (ویژگی اصلی شماره ۵-۲)

۶-۱- با هدف تشخیص اینکه آیا اوضاع یک شریک به عنوان پیامدی از اقدامات حل و فصل، وخیم تر از وضعیت تصفیه نمی‌شود (اعمال اصل «وضع هیچ بستانکاری بدتر نمی‌شود» مورد اشاره در ویژگی اصلی شماره ۲-۵)،

ارزیابی خساراتی که وارد گردیده است و بازسازی‌هایی که توسط فعالان زیر ساخت بازار مالی انجام شده است؛ چنانچه زیر ساخت بازار مالی به این موضوع مرتبط بوده باشد، باید به اجرای کامل قواعد و شیوه های زیر ساخت های بازار مالی در توزیع زیان مفروض گردد.

۷- تأمین مالی حل و فصل زیرساخت بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۶)
۷-۱- کشورها باید تمهیدات و اختیارات مناسب را در جهت فراهم آوردن منابع مالی موقت به منظور تسهیل حل و فصل و جبران زیان های وارده به وجوه و منابع عمومی ناشی از اقدامات حل و فصل، به استanakاران تضمین نشده (از جمله شرکا و فعالان زیرساخت بازار مالی) یا چنانچه ضرورت دارد، فعالان نظام مالی، به طور گسترده تر (به ویژگی های اصلی شماره ۶-۲ و ۶-۴ رجوع کنید) داشته باشند.

۷-۲- در مواقعی که کشورها دارای اختیار یا قدرتی هستند که یک زیر ساخت بازار مالی را در جهت اطمینان از تداوم کارکردهای حیاتی آن، تحت مالکیت موقت و کنترل عمومی قرار می دهند، آنها باید تمهیداتی اتخاذ کنند که خسارات وارده به وجوه و منابع عمومی از زیر ساخت بازار مالی، به استanakاران ضمانت نشده آن (از جمله فعالان زیر ساخت بازار مالی) یا عنداللزوم به طور گسترده تر فعالان نظام مالی، جبران گردد. (ویژگی اصلی شماره ۶-۵ را ببینید)

۸- همکاری برون مرزی (ویژگی اصلی شماره ۷)
۸-۱- چارچوب قانونی نباید متضمن فسخ خودکار هیچ گونه مجوز، اعطای اختیار، تشخیص و تصدیق قانونی در زیرساخت بازار مالی از جمله شناخت چگونگی اعمال قواعد خاتمه تسویه که در جهت اجرای مستمر کارکردهای حیاتی زیر ساخت های بازارهای مالی در حل و فصل ضرورت دارد، صرفاً به عنوان پیامد ورود به حل و فصل، گردد. همچنین چارچوب قانونی نباید به طور خودکار، مشارکت یا ارتباط زیر ساخت بازار مالی را با سایر زیر ساخت های بازار مالی به عنوان پیامد مداخله رسمی یا ورود آن به مقوله حل و فصل در قلمرو صلاحیتی کشور دیگر، محدود، تعلیق و خاتمه دهد.

۹- همکاری، هماهنگی و به اشتراک گذاری اطلاعات (ویژگی های اصلی شماره ۸، ۹ و ۱۲)

۹-۱- گروه های مدیریت بحران یا سایر ترتیبات مبتنی بر همکاری تحت مسئولیت E^{۶۰} که نتیجه برابری از آنها بدست می آید، باید همانطور که توسط مقامات نظارتی و مقامات حل و فصل در آن کشورها تعیین گردیده، برای تمام زیرساخت های بازار مالی که در بیش از یک قلمرو سرزمینی واجد اهمیت سیستمی هستند، مورد حمایت قرار گرفته و تداوم یابند.

۹-۲- برای چنین زیرساخت هایی، گروه مدیریت بحران (یا ترتیبات مشابه آن) باید در برگیرنده مقامات حل و فصل مسئول زیرساخت بازار مالی، مقاماتی که در تمهیدات و تدابیر مورد پذیرش ناظر بر همکاری مشارکت می کنند، در تطابق با مسئولیت E، و سایر مقامات مربوطه از کشورهای که زیرساخت بازار مالی در آنها دارای عملیاتی است که برای حل و فصل آن حائز اهمیت است.

۹-۳- الزامات توافقات همکاری نهاد-محور برون مرزی (ویژگی اصلی شماره ۹) ممکن است با توافقات هماهنگی و ارتباطات بحران، پروتکل ها و تفاهم نامه های منطبق با مسئولیت E همراهی شود، به شرط آن که ترتیبات مذکور در راستای حمایت از همکاری، هماهنگی و به اشتراک گذاری اطلاعات مورد نیاز برای انجام کارکردهای مرتبط با بازسازی و حل و فصل که در ویژگی های اصلی تعیین شده، منطبق، تصحیح و تکمیل گردیده باشد. به ویژه اینکه آنها باید:

۱- برای مقامات حل و فصل و سایر مقامات مربوطه که در تمهیدات مورد پذیرش تحت مسئولیت E مشارکت ندارند، مقرر نمایند که (با هدف تنظیم، نظارت یا پایش زیرساخت بازار مالی) در برنامه ریزی، آماده سازی و اجرای برنامه حل و فصل زیرساخت بازار مالی مشارکت نمایند.

۲- نقش ها و مسئولیت های مقامات درگیر در برنامه ریزی، آماده سازی و اجرای برنامه حل و فصل را تبیین کنند؛

۳- شامل تمهیدات و سازوکارهایی در جهت انتشار اطلاعات مورد نیاز به منظور برنامه ریزی، آماده سازی مقدمات و اجرای حل و فصل باشد؛

۴- در برگیرنده جزییات نهاد-محور مرتبط با اجرای اقدامات حل و فصل تعیین شده در برنامه حل و فصل برای زیرساخت بازار مالی باشد؛

۱۰- ارزیابی های حل و فصل پذیری زیرساخت های بازار مالی (ویژگی اصلی شماره ۱۰)

۶۰ - مسئولیت E از مسئولیت های بانک های مرکزی، ناظران و تنظیم گران بازار و سایر مراجع مربوطه، برای زیرساخت های بازار مالی CPSS-IOSCO اصولی برای زیرساخت های بازار مالی. بخش ۴. <http://www.bis.org/cpmi/publ/d101.htm>

۱۰-۱- زیر ساخت های بازار مالی دارای اهمیت سیستمی، باید همگام و هم راستا با گستره این رهنمود (به بخش ۲ رجوع کنید) تحت ارزیابی های حل و فصل پذیری مرتب قرار بگیرند که در تطبیق با (ویژگی اصلی شماره ۱۰) و پیوست سه اعمال می گردند.

۱۰-۲- در مورد زیر ساخت بازار مالی که در بیش از یک کشور دارای اهمیت سیستمی است، ارزیابی حل و فصل پذیری باید توسط مقامات میزبان زیر ساخت بازار مالی و هماهنگ با گروه مدیریت بحران زیر ساخت های بازار مالی و یا تحت تدابیر و تمهیدات یکسانی انجام گیرد.

۱۰-۳- در هنگام اجرای ارزیابی حل و فصل پذیری یک زیرساخت بازار مالی، مقامات مربوطه باید امکان پذیری و اعتبار اجرای استراتژی حل و فصل و برنامه عملیاتی برای زیرساخت مذکور را با لحاظ موارد ذیل بررسی نمایند:

۱- الزامات احتمالی حل و فصل شامل در دسترس بودن منابع برای بازپرداخت به تامین کنندگان نقدینگی و اجرای برنامه بازسازی زیرساخت بازار مالی شامل تمام قواعد و رویه های توزیع زیان و یا تخصیص قراردادهای؛
۲- موانع قانونی و فنی برای انتقال کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی به نهادی دیگر، از جمله مواردی ناشی از ماهیت اقتضایی مدیریت ریسک و فرایندهای فنی یک زیرساخت بازار مالی.

۳- زمانی که برنامه حل و فصل مستلزم انتقال کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی به نهادی دیگر یا به یک نهاد انتقالی است، میزان استحکام هرگونه ترتیبات تسهیل کننده انتقال و حفظ تداوم کارکردهای ضروری، شامل ترتیبات فنی و قانونی نظیر ترتیبات مربوط به تحویل در برابر پرداخت؛

۴- تأثیر استراتژی های حل و فصل و اقدامات تعیین شده در طرح عملیاتی حل و فصل بر فعالان زیر ساخت بازار مالی و سایر زیر ساخت بازارهای مالی مرتبط، از جمله توانایی فعالان و سایر زیر ساخت های بازار مالی مرتبط در حفظ دسترسی مداوم به کارکردهای حیاتی زیرساخت بازارهای مالی در طول حل و فصل مالی.

۵- توانایی زیر ساخت بازار مالی م شمول حل و فصل یا یک نهاد ثانویه یا نهاد انتقالی که کارکردهای حیاتی زیرساخت بازار مالی به آنها منتقل شده است، در حفظ دسترسی به خدمات هرگونه زیرساخت های بازار مالی مرتبط و سایر عرضه کنندگان خدمات در طول انجام حل و فصل مالی.

۶- حقوق و تعهدات زیرساخت های بازار مالی مرتبط در صورت شکست یکی از آن زیرساخت ها که می توانست روی اجرای حل و فصل و توانایی حفظ حقوق مربوط به اجرای وثایق تاثیر گذار باشد.

۷- هرگونه توافقات همکاری و یا منافع متقابل و یا تمهیدات تقسیم زیان با سایر زیرساخت های بازارهای مالی.

۱۰-۴- مقامات نظارت، بازرسی و حل و فصل زیرساخت های بازار مالی، باید، هر جا که ضروری و مناسب بود، اختیارات لازم را برای ملزم کردن زیرساخت بازار مالی در جهت انطباق با اقدامات هماهنگ با چارچوب قانونی به منظور بهبود حل و فصل پذیری زیرساخت بازار مالی، اعمال نمایند که شامل موارد زیر است:

۱- اعمال تغییرات قانونی، ساختاری یا عملیاتی، به طوری که کارکردها و خدمات مختلف زیرساخت بازار مالی، (برای مثال، شفاف سازی محصولات مختلف) در حل و فصل مالی بصورت تفکیک پذیری مدنظر قرار گیرد.

۲- اعمال تغییرات در شرایط یا عملیات ارتباطات آن با سایر زیرساخت های بازار مالی

۳- اعمال تغییرات در ترتیبات تحویل، تفکیک و قابلیت انتقال وضعیت فعالان یا وثایق مربوطه
تمامی چنین الزاماتی باید با در نظر گرفتن تأثیرات احتمالی این تغییرات روی سلامت عملیات زیرساخت بازار مالی، اتخاذ گردد که شامل مدیریت ریسک آن، و وضعیت کارکرد بازارها، فراهم کردن نقدینگی و انگیزه های فعالان مستقیم و غیر مستقیم برای استفاده از زیرساخت بازار مالی می باشد.

۱۱- برنامه ریزی بازسازی و حل و فصل مالی برای زیرساخت های بازار مالی
(ویژگی اصلی شماره ۱۱)

۱۱-۱- زیرساخت های بازار مالی که دارای اهمیت سیستمی هستند، باید مشروط به داشتن الزاماتی برای برنامه ریزی مداوم بازسازی و حل و فصل مالی گردند.

۱۱-۲- برنامه های بازسازی و حل و فصل، باید با ریسک های خاص و و ملاحظات سیستمی که نوع خاصی از زیرساخت بازار مالی ممکن است در معرض آن بوده یا آن ها را ایجاد می نماید؛ مطابقت داشته باشد.

➤ برنامه های بازسازی

۱۱-۳- برنامه های بازسازی زیرساخت بازار مالی باید در تطابق با اصول CPSS-IOSCO برای زیرساخت های بازار مالی (شامل اصل ۳. ملاحظه کلیدی ۴) بوده و رهنمود موجود در گزارش CPSS-IOSCO در باب بازسازی زیرساخت های بازار مالی را مد نظر داشته باشند.

➤ برنامه ها و استراتژی های حل و فصل

۱۱-۴- مقامات حل و فصل یک زیرساخت بازار مالی باید در هماهنگی با مقامات نظارت و بازرسی (هر جا که آن ها متمایز از مقام حل و فصل مالی هستند)، استراتژی ها و برنامه های عملیاتی حل و فصل را در جهت تسهیل حل و فصل

مؤثر زیر ساخت بازار مالی، به شیوه ای که تضمین کننده تداوم کارکردهای حیاتی انجام شده توسط زیر ساخت بازار مالی، توسعه دهند.

۱۱-۵- در حالتی که یک زیر ساخت بازار مالی در بیش از یک کشور دارای اهمیت سیستمی است، برنامه و استراتژی حل و فصل باید توسط مقام میزبان زیرساخت بازار مالی و در همکاری صورت گرفته با گروه مدیریت بحران این زیرساختها یا ترتیبات مشابه آن ایجاد شود.

۱۱-۶- برنامه های حل و فصل زیرساخت بازار مالی باید:

۱- سناریوهایی را که به موجب آن تمام یا برخی از ترتیبات توزیع زیان موجود میان فعالان تحت قواعد زیرساخت بازار مالی، به طور کامل یا جزئی به اجرا گذاشته شده یا اجرایی نشده اند، را مدنظر قرار دهد.

۲- سناریوهایی را که ممکن است در آن، هیچ ارائه کننده جایگزینی که کارکردهای حیاتی یک زیرساخت بازار مالی به موجب آن بتواند طی دوره کوتاهی انتقال یابد، وجود نداشته نباشد، مد نظر قرار دهد.

۳- موانع قانونی و فنی موجود در راستای انتقال کارکردهای حیاتی را مد نظر قرار دهد.

۴- جایی که لازم است از استمرار ترتیبات فنی و قانونی اطمینان حاصل شده و از انتقال کارکردهای حیاتی آن حمایت گردد، توافق اولیه با سایر زیرساخت های بازار مالی یا ارائه کنندگان خدمات مربوطه تمهید کنند.

۵- مکانیسم قانونی که طی آن وثیقه ارائه می شود، از جمله اینکه آیا وثیقه به عنوان حافظ منافع یا تعهدات است یا در خصوص موضوع انتقال، و وضعیت وثیقه را در شرایط ناتوانی مالی (که ایا می تواند به عنوان مانع ورشکستگی محسوب شود؟) و ملاحظات مربوط به آن را تا حدودی که زیان ها تحت قواعد مربوط به تخصیص زیان زیرساخت بازار مالی و اعمال اختیارات قانونی، می توانند اعمال گردند، را نیز مدنظر قرار دهند.

۶- این موضوع را که ایا دارایی های موجود یا مورد ترهین زیر ساخت بازار مالی برای استفاده در فرایند حل و فصل قابل دسترسی است یا اینکه چنین استفاده یا انتقال کارکردها، می تواند باعث اختلال گردیده یا از مزایا و منافع باقی مانده فعالان مستقیم و غیرمستقیم، در آن دارایی های جلوگیری کند، را مدنظر قرار دهند.

۶۱ - برای بسیاری از زیر ساخت های بازار مالی، ارائه دهندگان جایگزین برای ارائه کارکرد های حیاتی آنها که از آن طریق عملیات آنها بتواند منتقل گردد، وجود نخواهد داشت.

۶۲ - چالش های اجرایی (همچون عدم تطبیق فناوری اطلاعات) ممکن است باعث دشوار شدن انتقال گردد. مگر اینکه ارائه دهنده جایگزین بخواهد و قادر باشد عملیات در حال شکست زیرساخت بازار مالی را به طور یکدست و کامل بازسازی نماید و تا زمان تلفیق و ادغام به صورت مجزا اقدام به اجرای آنها نماید. وقتی که یک ارائه دهنده جایگزین وجود دارد (ایجاد می شود) مقامات زیرساخت بازار مالی و مراجع حل و فصل باید از پیش به موانع فنی و حقوقی بالقوه در رابطه با انتقال فعالیت ها و تلاش در جهت رفع آنها توجه داشته باشند.

۷- اگر اقدامات حل و فصل باعث تجزیه دسته‌بندی‌های خالص‌سازی گردد، تأثیر تجزیه صورت گرفته بر الزامات نقدینگی و وثیقه‌ای را مدنظر قرار دهد.

۸- به این موضوع توجه داشته باشد که چگونه ارائه کنندگان نقدینگی به زیرساخت بازار مالی، قبل و در طول دوره حل و فصل به پول خود خواهند رسید.

۹- ساختار زیرساخت بازار مالی را مورد لحاظ قرار دهند. برای مثال ایا بخشی از زیرساخت‌های مالی گروه گسترده تر است؟ و نظام‌های نظارتی و قانونی که تحت آن فعالیت می‌کنند.

۱۰- هرگونه ضرورت حفظ ارتباط با سایر زیرساخت‌های بازار مالی (داخلی و خارجی) که برای تداوم خدمات حیاتی زیرساخت بازار مالی در هر کشور ضرورت دارد، را مورد توجه قرار دهد. و در نهایت؛

۱۱- تأثیر روی فعالان مستقیم و غیر مستقیم را مدنظر قرار دهد.

۱۱-۷- برنامه‌های حل و فصل زیرساخت‌های بازار مالی، باید دربرگیرنده عناصر اصلی تعیین شده در پیوست چهار ضمیمه یک، نسبت به ویژگی‌های اصلی بوده و بعلاوه، آن طور که مناسب است دربرگیرنده نوع و ویژگی‌های خاص هر زیرساخت بازار مالی و کارکردهای حیاتی آن، به ویژه عناصر ذیل باشد:

۱- پیش‌نویس توافقات انتقال که زیرساخت بازار مالی را مجاز به تداوم ارائه خدمات حیاتی از جانب یک خریدار یا نهاد واسط انتقالی با استفاده از زیرساخت‌ها و کارکنان موجود می‌نماید، تهیه کند و یا در موردی که تهیه پیش‌نویس توافق مذکور از پیش ممکن نیست، لیست مسائل و اطلاعات مورد نیاز برای طراحی چنین توافقی را در یک اعلامیه کوتاه تهیه نماید.

۲- اطلاعات اصلی راجع به عملیات حیاتی، شیوه‌ها و سازوکارهای فن‌آوری اطلاعات، بستانکاران و فهرست کارکنان اصلی و ارائه‌دهندگان خدمات که برای تسهیل تداوم عملیات کارکردهای حیاتی در حل و فصل یا انتقال تمام یا برخی از عملیات به زیرساختی دیگر یا نهاد واسط انتقالی لازم است.

۱۲- دسترسی به اطلاعات و به اشتراک‌گذاری آنها (ویژگی اصلی شماره ۱۲)

۱۲-۱- به منظور تسهیل اجرای اقدامات مربوط به حل و فصل، زیرساخت‌های بازار مالی باید ملزم به ایجاد و نگهداری سیستم‌های اطلاعاتی و کنترل‌هایی گردند که آنها را قادر سازد اطلاعات مرتبط و مورد نیاز مقامات در راستای زمان‌بندی برنامه‌ریزی حل و فصل و انجام حل و فصل، چه در شرایط عادی و چه در زمان حل و فصل، به ویژه در موارد ذیل را به سرعت تولید و در دسترس قرار دهند:

- ۱- قواعد زیرساخت بازار مالی، منابع مالی در نظر گرفته شده و سایر ترتیبات توزیع زیان؛
- ۲- فعالان، از جمله فعالان مستقیم و غیرمستقیم زیرساخت بازار مالی، مالکان، کارگزاران تسویه، ارائه دهندگان نقدینگی، زیرساخت های بازار مالی مرتبط، دریافت کنندگان وثایق و سایر ارائه دهندگان خدمات؛
- ۳- داده ها و اطلاعات مورد نیاز برای کنترل به موقع و مؤثر ریسک در طول دوران حل و فصل، شامل دارایی های در معرض ریسک خالص و ناخالص و الزامات مربوط به ریسک و حاشیه سود، در موارد مقتضی، میان زیرساخت بازار مالی و هر فعال؛
- ۴- وضعیت تعهدات فعالان زیرساخت بازار مالی، (برای مثال میزان تعهدات ایفا شده ای که فعالان زیرساخت بازار مالی برای تأمین سهم الشرکه مربوط به انجام رسانیده اند)؛
- ۵- ترتیبات ارتباطات و عملیات متقابل با سایر زیرساخت های بازار مالی، شامل دارایی های در معرض ریسک و وثایق ارائه شده و دریافت شده از زیرساخت بازار مالی مرتبط؛
- ۶- جایگاه وثیقه شریک، ترتیباتی که وثایق تحت آن نگهداری می شوند و هرگونه حقوق بهره برداری و تهرین مجدد که در ارتباط با وثایق اجرایی گردیده است؛
- ۷- ترتیبات خالص سازی در جهت اینکه مقامات بتوانند تأثیر انتقالات امکان پذیر بخشی از کسب و کارهای یک زیرساخت بازار مالی را روی حقوق خالص سازی فعالان ارزیابی کنند؛

۱۲-۲- مقامات نظارت، بازرسی و حل و فصل باید تأثیر هرگونه توافق قراردادی میان یک زیرساخت بازار مالی با فعالان مستقیم آن و در مواقع مقتضی، فعالان غیر مستقیم را بر روی اطلاعات موجود پیرامون وضعیت ها یا فعالان غیرمستقیم مدنظر قرار دهند.

بخش دو- حل و فصل فعالان زیرساخت بازار مالی

مقدمه این ویژگی های اصلی نشان می دهد که یک نظام حل و فصل مؤثر، باید از استمرار کارکرد های مربوط به نقل و انتقال و دریافت و پرداخت وجوه و ارائه خدمات مالی مهم سیستمی اطمینان حاصل نماید. زیرساخت های بازار های مالی نقش حیاتی را در حل و فصل هریک از فعالان ایفا کرده و باید تلاش نمایند که اختلال ایجاد شده ناشی از شکست هریک از فعالان در هر کدام از کارکرد های مذکور که توسط زیرساخت بازار مالی ارائه می شود را کاهش دهند. به منظور حل و فصل یک مؤسسه در حال شکست (در معرض توقف) به شیوه ای که منجر به استمرار کارکرد های حیاتی آن بشود، لازم است که

مؤسسه تحت حل و فصل (یا یک نهاد جانشین) بتواند^۳ اتکا روی خدمات ارائه شده توسط زیرساخت های بازار مالی را که در آن ذینفع است، مادامی که به فوریت و قطعیت تعهدات مربوط به تأدیه یا وثیقه یا سود ناخالص خویش را که به موجب یک قرارداد مالی یا در نتیجه سهم بودن آن در زیرساخت بازار مالی ایفا می گردد، استمرار ببخشد. این موضوع حائز اهمیت است که قواعد و شیوه ها و سازوکارهای زیرساخت های بازار مالی، به طور مناسب و کافی شرایط و موقعیت هایی که فعالان بازار مالی وارد حل و فصل می شوند، تعیین نموده و اینکه برنامه های حل و فصل فعالان زیرساخت بازار مالی منطبق بر قواعد و سازوکارهایی از زیرساخت بازار مالی است که در آن سهم هستند.

این رهنمود اهداف معینی را در خصوص برنامه حل و فصل فعالان بازار مالی، قواعد و شیوه های آن برای اطمینان از سازگاری و حمایت از اقدامات توسط یک مقام حل و فصل در جهت مدیریت شکست یک فعال زیرساخت بازار مالی که توقف آن از منظر سیستمی دارای اهمیت بوده و حیاتی باشد، تعیین می نماید.

۱- قواعد و شیوه ها و سازوکارهای کنترل قصور فعالان
۱-۱- مقامات ذیصلاح در کشورهای مختلف باید اطمینان یابند که الزامات مشارکت، قواعد و سازوکارهای کنترل قصور یک فعال زیرساخت بازار مالی (به اصل ۱۳ از اصول CPSS IOSCO)، احتمالاً به صورت غیر ضروری مانع حل و فصل نظام مند فعالان در زیرساخت بازار مالی نمی باشد.

۱-۲- ورود به مقوله حل و فصل یک فعال بازار مالی یا استفاده از یک ابزار حل و فصل نباید منجر به خاتمه خودکار مشارکت وی در زیرساخت بازار مالی گردد. مراجع ذیصلاح کشورها باید اطمینان یابند که قوانین و مقررات قابل اعمال نسبت به زیرساخت بازارهای مالی، مشروط به این که که عملیات باثبات و نظام مند زیرساخت بازار مالی دچار مخاطره نشود، مانع از حفظ مشارکت یک مؤسسه توسط زیرساخت بازارهای مالی نگردد. قواعد زیرساخت بازار مالی باید تمهیدات یک زیرساخت بازار مالی با انعطاف پذیری کافی در جهت همکاری با مقام حل و فصل مالی فعال زیرساخت بازار مالی را به منظور تمهید مقدمات و اجرای یک حل و فصل نظام مند به شیوه ای که منجر به افزایش ریسک نسبت به زیرساخت بازار مالی، مدیریت ریسک یا عملیات باثبات و نظام مند آن نگردد، ایجاد نمایند.

۱-۳- به منظور حمایت از تدوین کارکردهای حیاتی یک فعال مشمول حل و فصل، قواعد زیرساخت بازار مالی باید:

۶۳ - ممکن است شامل یک مؤسسه انتقالی (پل) یا نهاد بخش خصوصی باشد که کارکردهای مؤسسه در حال حل و فصل به آن منتقل شود.

۱- به یک مؤسسه یا نهاد جانشین اجازه دهد مشارکتش را در طول یک فرایند حل و فصل، مشروط به وجود تمهیدات حفاظتی کافی برای حفظ عملیات نظام مند، باثبات و مستمر زیر ساخت بازار مالی شامل وضعیتی که مؤسسه یا نهاد جانشین در زمان انطباق با سایر تعهدات فعالان تحت قواعد زیر ساخت بازار مالی، به ایفای پرداختها و تعهدات مربوط به انتقال سررسید شده خویش ادامه می دهد، حفظ نماید.

۲- تسهیل مشارکت یک مؤسسه انتقالی یا نهاد جانشین طرف سوم، برای مثال از طریق ایجاد فرآیند درخواست سریع، به نحوی که کارکردها یا وضعیت های خاصی از مؤسسه مالی در معرض توقف را منوط به حفظ استانداردهای کنترل ریسک کافی بر عهده بگیرد.

۳- هر زمان که مناسب است، انتقال وضعیت های مشتریان یک فعال زیر ساخت بازار مالی مشمول حل و فصل به سایر فعالان زیر ساخت بازار مالی.

۲- ارزیابی های مربوط به حل و فصل پذیری فعالان زیر ساخت بازار مالی
(تعامل مقامات حل و فصل با زیر ساخت های بازار مالی)
۱-۲- به عنوان بخشی از برنامه حل و فصل و ارزیابی های حل و فصل پذیری برای مؤسساتی که جزو فعالان زیر ساخت بازار مالی هستند، مقامات حل و فصل باید مرتباً با زیر ساخت های بازار مالی به منظور ایجاد درک شفاف از موارد ذیل که آن مؤسسات در آنها ذینفع هستند، تعامل داشته باشند:

۱- مفهوم کاربرد ابزارهای حل و فصل در خصوص عضویت زیر ساخت بازار مالی مربوط به مؤسسه

مالی (شامل شرایط و اوضاع و احوالی که حل و فصل منجر به تغییر کنترل ذینفع می شود)؛

۲- وضعیت هایی که مؤسسه به منظور انطباق در جهت حفظ مشارکت خویش در زیر ساخت بازار مالی نیازمند است.

۳- مفهوم تلویحی مدیریت ریسک زیر ساخت بازار مالی و سایر فعالان در مشارکت مستمر حل و فصل یک فعال؛

۴- شرایطی که یک نهاد واسطه انتقالی یا مؤسسه مالی دیگر، به منظور مشارکت در زیر ساخت بازار مالی، کارکردهای مؤسسه مشمول حل و فصل می تواند به آنها انتقال یابد و مدت زمانی که برای درخواست هر کدام از فرایندهای اجرایی مورد نیاز است؛

۵- تغییرات فنی مورد نیاز برای اجرای تدابیر حل و فصل؛ برای مثال انتقال یا ادغام سیستم های فناوری اطلاعات و تمهیدات مورد نیاز به منظور تسهیل اجرای سریع چنین انتقال یا ادغامی؛

۶- تمهیدات عملیاتی ضروری به منظور اطمینان از اینکه تمامی تعهدات مؤسسه مالی نسبت به زیر ساخت بازار مالی شامل سود و وثیقه و تعهدات تسویه، در زمان سررسید، چه توسط خود مؤسسه مالی و یا در صورت ورود مؤسسه به حل و فصل مالی، توسط مقام حل و فصل، اجرایی می‌گردد.

۷- تفکیک زیر ساخت بازار مالی و نظام انتقال پذیری، هر جا که لازم است، و دلالت آن بر دارایی‌های مشتریان فعالان زیر ساخت بازار مالی به منظور اطمینان از اینکه آن دارایی‌ها به گونه ای سازگار با قوانین و مقررات داخلی تفکیک شده‌اند.

۸- فرایند و پیامدهای انقضای عضویت و تأثیر آن بر سایر فعالان، هرگونه زیر ساخت بازارهای مالی مربوطه و عملیات زیرساخت بازار مالی؛

۹- خط مشی‌ها و رویه‌های حکمرانی داخلی زیرساخت بازار مالی به منظور ایجاد ارتباطات در مواقع بحران.

۱۰- سازوکارها و شیوه های زیرساخت بازار مالی در جهت ارزیابی سلامت مالی فعالان آن.

۱۱- قابلیت زیر ساخت بازار مالی به منظور تفکیک اطلاعات مربوط به فعالیت و تعهدات معوقه مربوط به زیر ساخت بازار مالی یک فعال و گزارش فوری آن به مقام حل و فصل مالی تحت قالبی سازماندهی شده؛

۱۲- پروتوکل‌های مدیریت ریسک زیر ساخت های بازار مالی با توجه به ذینفعی که تعیین می کند که در خطر نکول باشد.

۲-۲- زیر ساخت های بازار مالی باید ملزم شوند که به عنوان بخشی از ترتیبات اقتضایی، اثربخشی فرایندهای خود را چنانچه یک فعال اصلی مشمول حل و فصل می‌گردد، مورد سنجش قرار دهند. که دربرگیرنده شرایط و الزاماتی در جهت تداوم مشارکت فعال فوق یا پذیرش فعال جدیدی است که فعالیت‌های فعالان قبلی به آن انتقال می‌یابد.

۳- تعلیق موقت حق انقضای پیش از موعد قرارداد در زیرساخت های بازار مالی
۳-۱- چنانچه یک فعال مشمول حل و فصل در ایفای هرگونه تعهدات مربوط به حاشیه سود، وثیقه یا تعهدات تسویه زیر ساخت بازار مالی قصور نماید، زیر ساخت بازار مالی باید حق اجرای هرگونه تسریع یا حقوق مربوط به انقضای پیش از موعدی که به عنوان پیامد آن شکست حاصل می شود، را داشته باشد.

۳-۲- اختیار مقامات حل و فصل در اعمال تعلیق موقت اجرای حقوق مربوط به انقضای پیش از موعد یا تسریع قراردادی، باید نسبت به تمامی چنین حقوقی که توسط زیر ساخت بازار مالی، صرفاً به دلیل ورود فعال زیر ساخت بازار مالی به مقوله

حل و فصل یا اجرای اختیارات حل و فصل مربوطه ایجاد می گردد، اعمال گردند. هر گونه استفاده از چنین اختیاراتی در رابطه با زیرساخت بازار مالی باید با توجه به ضرورت کسب اطمینان از اجرای حقوق فوق بدون متأثر نمودن عملیات نظاممند و باثبات زیرساخت بازار مالی اجرا گردد.

۴- موانع بالقوه حل و فصل پذیری

۴-۱- مقامات حل و فصل باید زیر ساخت های بازار مالی و سایر مقامات نظارت و بازرسی زیر ساخت های بازار مالی را از هرگونه موانع ناشی از تغییر رویه های زیر ساخت بازار مالی و شیوه ها و سازوکارهایی که قادر است روی اجرای مؤثر حل و فصل یک فعال زیرساخت بازار مالی اثرگذار باشد، آگاه نمایند. مقامات حل و فصل و نظارت و پایش باید تغییرات رویه ها یا سایر تدابیری را که می توان برای رفع موانع مذکور اتخاذ نمود، بدون به خطر افتادن مدیریت ریسک و عملیات باثبات زیرساخت بازار مالی، مدنظر داشته باشند.

۵- ارائه اطلاعات توسط مقامات حل و فصل به زیرساخت های بازار مالی
۵-۱- مقامات حل و فصل باید حتی الامکان در اولین فرصت ممکن زیر ساخت های بازار مالی را از جریان حل و فصل یک فعال و در صورت امکان پیش از ورود مؤسسه مالی به حل و فصل، آگاه نمایند. در تمام مراحل حل و فصل یک فعال زیر ساخت بازار مالی، مراجع باید اطلاعاتی پیرامون فعال مزبور یا هر نهاد انتقالی که کارکردهای آن فعال به آن نهاد منتقل شده است، به منظور تداوم مشارکت آن فعال یا نهاد انتقالی در زیرساخت بازار مالی، ارائه نمایند.

پیوست دو- حل و فصل بیمه گران (فعالان بازار بیمه)

این پیوست به دلیل عدم ارتباط موضوعی آن با موضوعات بخش بانکی در این نسخه ترجمه نشده است.

پیوست سه- حفاظت از دارایی مشتری در حل و فصل

این پیوست رهنمودهایی را درباره تفسیر و اجرای ویژگی های اصلی نظام های حل و فصل مؤثر مؤسسات مالی ارائه می دهد. ویژگی های اصلی که مرتبط با عناصری در نظام های حل و فصل است که برای بازسازی و حل و فصل یک مؤسسه مالی توأم با حفظ دارایی های مشتری لازم است. ویژگی های اصلی بیان می کند که چارچوب قانونی حاکم بر تفکیک دارایی های مشتری باید واضح، شفاف و در طول یک بحران و یا در جریان حل فصل مؤسسات، قابل اجرا باشد و نباید به اجرای مؤثر اقدامات حل و فصل آسیب برساند. (ویژگی اصلی شماره ۴-۱). نظام های حل و فصل مؤثر باید اجازه استرداد سریع دارایی های تفکیک شده مشتری یا انتقال این اموال به یک خریدار ثالث یا نهاد انتقالی موضوع حفاظت از دارایی های مشتریان را بدهند.

این پیوست مکمل ویژگی‌های اصلی بوده و باید در ارتباط با مؤسسه‌هایی که مستقیم یا به طور غیرمستقیم اقدام به نگهداری دارایی‌های مشتریان می‌نماید و دارای اهمیت سیستمی در زمان بروز شکست می‌باشند، مدنظر قرار گیرد.^{۶۴}

نظام‌های ملی حفاظت از دارایی‌های مشتری، به طور قابل توجهی با روش‌هایی که به موجب آن دارایی‌های مشتری نگهداری می‌شوند، متمایز است، زیرا چنین حفاظتی بستگی به قوانینی دارد که در حوزه داخلی هر کشوری، حقوق مالکیت و نظام‌های حل و فصل و توقف تعریف می‌کند. نظام‌های حفاظت از دارایی‌های مشتری بر اساس طبقه‌بندی IOSCO در غالب سه طبقه «نظام‌های توقیف دارایی‌ها»، «نظام‌های امانی» و «نظام‌های نمایندگی»^{۶۵} مبتنی بر ماهیت حقوقی رابطه میان مؤسسه و مشتریان آن با توجه به دارایی‌های مشتری دسته‌بندی می‌شوند. این تمایزها احتمالاً بر روی ماهیت قانونی حقوق مشتری نسبت به دارایی‌هایش تأثیر می‌گذارد. شیوه‌ای که حقوق مزبور از طریق نظام حاکم و نحوه عمل در توقف حفاظت می‌شود. بعلاوه تعریف دارایی مشتری که بسته به شکل حفاظت و حقوق مشتری، در کشورهای مختلف، متفاوت است.

دارایی‌های مشتری توسط انواع مختلفی از مؤسسات در طول دوره خدمات و فعالیت‌های مالی مختلفی که دربرگیرنده حفاظت، مدیریت و امانت، خدمات سرمایه‌گذاری و حق العمل کاری، حق تقدم خرید سهام و وثیقه‌گیری در ارتباط با سایر تراکنش‌های مالی است، نگهداری می‌گردد. دسته‌بندی نظارتی چنین مؤسسات متنوعی، در حوزه کشورهای مختلف متفاوت است.

ترتیبات قانونی و قراردادی که دارایی‌های مشتری به موجب آن‌ها نگهداری می‌گردد و چنین دارایی‌هایی توسط مؤسسه یا اشخاص ثالث مورد استفاده مجاز قرار می‌گیرد، ممکن است بسته به نوع مؤسسه‌ای که این دارایی‌ها را نگهداری می‌کند و فعالیت‌های مربوطه، متفاوت باشد. برای مثال در برخی کشورها، کارگزاران اصلی بازار سرمایه، حقوق قراردادی دارند و آن‌را در خصوص رهن‌گذاری مجدد و استفاده از برخی دارایی‌های مشتری که نگه می‌دارند، اعمال می‌نمایند. در مقابل، مسئولین نگهداری و حفاظت عموماً به نمایندگی از مشتریان از اوراق بهادار نگهداری، اداره و مراقبت می‌نمایند.

۶۴ - از آنجایی که محتوای این پیوست، در جهت اهداف ارزیابی، در تطابق با ویژگی‌های اصلی، بر اهمیت در نظر گرفته شده است؛ محتوای یاد شده به وضوح در روش‌شناسی ارزیابی ویژگی‌های اصلی، منعکس می‌گردد.

^{۶۵} resolution and insolvency regimes

۶۶ - مقدمه‌ای بر گزارش نهایی کمیته فنی IOSCO راجع به بررسی نظام‌های حفاظت، تقسیم و یا انتقال دارایی‌های مشتری (مارس ۲۰۱۱)
<http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD351.pdf>

کمیته فنی و سپس هیأت IOSCO تعدادی گزارش در ارتباط با حفاظت از دارایی های مشتری منتشر نموده اند. از جمله مثلاً گزارش درباره حفاظت از دارایی های مشتری (اگوست ۱۹۹۶)^{۶۷} گزارش نهایی بررسی نظام های حفاظت، توزیع و یا انتقال دارایی های مشتری (مارس ۲۰۱۱)^{۶۸} گزارش نهایی پیرامون توصیه های مرتبط با حفاظت از دارایی های مشتری (ژانویه ۲۰۱۴)^{۶۹} توصیه و اصول مرتبط با استانداردهای حفاظت از دارایی مشتری، شامل موارد مرتبط با حفاظت، اداره و سپردن دارایی های مشتری در یک کشور خارجی، صرف نظر از نگهداری دارایی مشتری، حقوق استفاده و افشا نسبت به مشتریان مرتبط بوده و حامی رهنمودهای تعیین شده در پیش نویس این پیوست است. پیش نویس این پیوست، به منظور تعیین جزییات بیشتر در خصوص این که چگونه باید اصول مرتبط با حفاظت و تشخیص دارایی های مشتری، استفاده از دارایی ها و شفافیت نسبت به مشتریان اجرایی گردد، مبتنی بر همان استانداردهای IOSCO است.

با توجه به تفاوت های معنی دار در نظام های ملی حفاظت از دارایی های مشتری، رهنمود مورد بحث به جای شرح و تفصیل روش ها و قواعد الزام آور بر نتایج حاصله از آن روش ها و قواعد تأکید دارد. صرف نظر از نوع ترتیبات ملی اتخاذ شده، دارایی های مشتری باید - به شیوه ای متناسب با آن ترتیبات - از شکست مؤسسه مالی و تا جایی که ممکن است از شکست هر متولی نگهداری ثالثی مورد حفاظت قرار گیرند.^{۷۰} وضعیت قانونی دارایی های مشتریان و حقوق مالی اختصاصی ایشان نسبت به آنها، نباید با ورود به حل و فصل مؤسسه متأثر گردد.^{۷۱}

۱- دامنه

۱-۱- این پیوست نسبت به نظام های حل و فصل مؤسسات مالی در چارچوب گسترده ویژگی شماره (۱-۱) که دارایی های مشتری را نگه می دارند، اعمال می گردد.

۲- اهداف (مقدمه و ویژگی اصلی شماره ۲-۳)

۱-۲- یک مقام یا مدیر حل و فصل مؤسسه مالی مسئول نگهداری دارایی های مشتری، باید در اجرای اختیارات نظارتی از طریق پیروی از اهداف تعیین شده زیر (علاوه بر اهداف عمومی تعیین شده در ویژگی شماره ۲-۳) در رابطه با حفاظت از دارایی های مشتری، مورد رهنمود قرار گیرد:

^{۶۷} <http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD57.pdf>

^{۶۸} <http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD351.pdf>

^{۶۹} <http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCOPD436.pdf>

۷۰ - اگرچه به طور کلی حصول اطمینان از اینکه دارایی های مشتری که به شخص ثالثی منتقل گردیده، از شکست آن شخص در امان است، امکان پذیر است. اما همیشه اینطور نیست. برای مثال پول سپرده شده در یک بانک می تواند متأثر از شکست آن بانک گردد.

۷۱ - در بسیاری از مناطق این موضوع که دارایی های مشتری از طریق و به نام یک واسطه مالی نگهداری می شود، منافع مالکیت مشتری را تغییر نمی دهد.

۱- اطمینان از دسترسی سریع مشتریان به دارایی‌هایشان از طریق تنظیم کارکرد مستمر مؤسسه که

بدنبال ثبات در حل و فصل، استرداد سریع دارایی‌های قابل شناسایی و تفکیک شده مشتری به وی

یا انتقال مسئولیت نگهداری دارایی مشتری به نهاد انتقالی یا طرف ثالث، حاصل می‌گردد

۲- اجتناب از پیامدهای نامطلوب که در اثر عدم دسترسی مشتریان به دارایی‌هایشان می‌تواند به وجود

بیاید.

۲-۲- اهداف مرتبط با حفاظت از دارایی‌های مشتریان، باید در تصمیمات و اهداف مقام حل و فصل مالی یا مقام اداری

مسئول حل و فصل مؤسسه، منعکس گردد. آنها باید متناسب با شرایط ویژه تعیین شده، هم راستا و هماهنگ با سایر

اهداف مقام حل و فصل مالی یا مقام اداری، نسبت به آن احساس مسئولیت نمایند.

۳- تعریف دارایی‌های مشتری

۳-۱- دارایی‌های مشتری در راستای اهداف این رهنمود، باید به طور گسترده‌ای تفسیر شوند که در برگیرنده تمام

دارایی‌های متعلق به وی و تحت حفاظت قانون و مقررات ملی قابل اعمال بوده باشد. به طور نوعی آنها دارایی‌هایی

هستند که توسط یک مؤسسه (خواه از طریق یک متولی و یا غیر آن) در ارتباط با خدمات ارائه شده به مشتری یا به

نیابت از وی نگهداری می‌گردند. دارایی‌های مشتری به طور نوعی شامل دارایی‌هایی می‌گردند که مشتری (یا به طور

کلی مشتریان) با در نظر گرفتن هرگونه حقی که مؤسسه نسبت به آن به عنوان وثیقه دارد (به عنوان مثال سود اوراق،

تسویه و تهاثر تا حد قابل اعمال)، در بازپس‌گیری آن‌ها دارای حق تقدم یا حقوق مشابه می‌باشد.^{۷۲}

دارایی‌های مشتری به طور معمول دربرگیرنده موارد زیر است:

۱- پولی که بدهی به مشتری محسوب می‌گردد یا از طرف وی توسط مؤسسه نگهداری می‌شود. که در

قانون ملی حاکم، از آن به «پول مشتری» تعبیر می‌شود^{۷۳}

۲- ابزارهای مالی یا سایر دارایی‌هایی که برای مشتری یا از طرف وی نگهداری می‌شوند.

۷۲ - جایی که دارایی‌ها به صورت غیرعینی نگهداری می‌شوند، ممکن است حقی نسبت به تعدادی ورق (سهام) بهادار خاص وجود داشته باشد که برای مثال توسط CUSIP (کمیته سازوکارهای شناسایی اوراق بهادار متحدالشکل) یا شماره سریال ISIN (شماره شناسایی اوراق بهادار بین‌المللی) مورد اشاره واقع گردیده است.

۷۳ - دسته بندی و نحوه عملکرد در رابطه با پولی که از طرف مشتری نگهداری می‌شود یا جزو طلب وی است در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی کشورها ممکن است مشتری نفع مالکانه مستقیمی در تراز نقدی بصورت تفکیک شده داشته باشد و در این مورد از پول به عنوان «پول مشتری» یاد می‌شود و ممکن است تحت اشکال خاصی از حفاظت و حمایت قرار گیرد. در سایر کشورها از تراز نقدی به عنوان تصدیق کننده مطالبات صرف علیه مؤسسه یاد می‌شود که در این پیوست اینگونه موارد مدنظر نمی‌باشد.

۳- وثایق مشتری که شامل دارایی‌های دریافت شده از وی است که از طرف مشتری توسط مؤسسه در

راستای تضمین یک تعهد نگهداری می‌شود (به استثنای موارد ناظر بر تراکنش انتقالی) به

پاراگراف ۳-۲ رجوع کنید. و نهایتاً:

۴- دارایی‌ها و سایر حقوق (قراردادی) ناشی از تراکنش‌های صورت گرفته ورودی توسط مؤسسه از

طرف مشتری (برای مثال تعهدات بازار ناشی از تغییر در ارزش معاملات سلف و وضعیت‌های

معاملات اختیاری)

۳-۲- هم راستا با اهداف این پیوست، دارایی‌های مشتری، موارد زیر را در بر نمی‌گیرد:

۱- سپرده‌هایی که توسط بانک‌ها نگهداری می‌شوند. (سپرده‌هایی که در راستای اهداف مقررات ناظر

بر فعالیت سپرده‌پذیری تحت قانون حاکم، به عنوان «سپرده» شناخته می‌شوند.) به استثنای سپرده

های نگهداری شده مؤسسات مالی نزد بانک‌ها که تحت چارچوب قانونی حاکم (قابل اعمال) به

عنوان وجوه مشتری شناخته می‌شوند و به همین عنوان نیز ثبت شده‌اند.

۲- دارایی‌هایی نگهداری شده بوسیله بیمه‌گر یا مطالبات و حقوق بیمه‌گذار در ارتباط با کسب و کار

بیمه.

۳- دارایی‌های تحویل داده شده طی یک تراکنش انتقال کامل نظیر تراکنش‌های مربوط به وام دهی

اوراق بهادار، بازخرید یا توافقات بازخرید معکوس، جایی که نه یک مشتری و نه همه آن‌ها به طور

کلی هیچ حق تقدم یا حقوق مشابهی نسبت به دارایی‌ها بدست نمی‌آورند.^{۷۴}

۳-۳- چارچوب قانونی باید مشتمل بر قواعد شفاف و مشخصی پیرامون این باشد که چگونه:

۱- دارایی‌های مشتری شامل دسته بندی اوراق بهادار نگهداری شده از طرف مشتری و (هرجا قابل که

اعمال است)، پول مشتری، تعریف می‌شوند،

۲- در شرایط شکست مؤسسه‌ای که به طور مستقیم یا غیر مستقیم دارایی‌های مشتری را نگهداری می

کند، چگونه با این دارایی‌های برخورد می‌شود؟ (از طریق یک یا چند واسطه یا متولی نگهداری)

۷۴ - این امر مانع از اعمال و اجرای اشکالی از حفاظت از سرمایه توسط آن کشورها نسبت به چنین مطالبات یا دارایی‌هایی از مشتری تحت قانون ملی نمی‌گردد. در هر حال ملاحظات خاصی در رابطه با نحوه عمل نسبت به چنین دارایی‌ها یا مطالباتی، مدنظر این پیوست نیست.

۴- اختیارات انتقال در ارتباط با دارایی های مشتری (بند های شش و هفت
ویژگی های اصلی شماره ۲-۳ و ویژگی اصلی شماره ۳-۳)

۴-۱- اختیارات تعیین شده در بندهای شش و هفت ویژگی های اصلی شماره ۲-۳ و ویژگی اصلی شماره (۳-۳)
(اختیارات انتقال)، باید به انتقال دارایی های مشتری تعمیم یابد.

۱- در موردی که دارایی های مشتری که توسط مؤسسه مالی مشمول حل و فصل نگهداری می شوند،
یک مقام یا مدیر انتصابی باید اختیار انتقال دارایی ها و قراردادهای مشابه مشتری را به یک مؤسسه
مالی سالم یا نهاد انتقالی که در هر دو حالت توان ارائه خدمات مشابه را دارد، (انتقال گیرنده واجد
شرایط) به عنوان جایگزینی جهت استرداد دارایی ها به مشتریان، داشته باشد.

۲- در حالتی که دارایی های مشتری توسط یک نهاد داخلی وابسته به مؤسسه مشمول حل و فصل
نگهداری می شوند، چنانچه سلامت و ثبات گروه (مالی) یا زیرگروه داخلی وابسته آن متأثر گردد،
باید رویکرد مشابهی در خصوص آن اتخاذ گردد.

۳- در شرایطی که دارایی های مشتری توسط یک طرف ثالث (به عنوان متولی نگهداری) نگهداری
می شود، مقام حل و فصل باید اختیار انتقال حقوق و تعهدات قراردادی بین متولی نگهداری، مؤسسه
در حال حل و فصل و مشتریان آن را، به یک انتقال گیرنده واجد شرایط داشته باشد.

۴-۲- اختیارات انتقال باید مقام حل و فصل را قادر سازد که تمام خطوط کسب و کار تجاری و دارایی های مشتری
مربوطه را به انتقال گیرنده واجد شرایطی منتقل نموده و نباید مستلزم اخذ رضایت مشتریانی باشد که (از این موضوع)
متأثر گردیده اند.

۴-۳- اجرای اختیارات انتقال باید منوط به تمهیدات حفاظتی مربوطه تعیین شده در ویژگی اصلی شماره ۵ باشد.

۴-۴- اجرای اختیارات به منظور انتقال یا نیل به استرداد سریع دارایی های مشتریان، باید تا حدی که هماهنگ با
چارچوب قانون ملی باشد، توسط نهادهای ذیل مورد حمایت قرار گیرد:

۷۵ - استفاده از اختیارات انتقال بر حسب اینکه آیا دارایی ها توسط مؤسسه ای که
در حال حل و فصل است، نگهداری می شود یا یک متولی نگهداری ثالث غیروابسته،
متفاوت است. در حالت نخست، انتقال از مؤسسه ای که تحت حل و فصل است (یا
بازپرداخت سریع دارایی ها به مشتریان) به احتمال زیاد مناسب ترین اقدام است.
به هر حال وقتی که نگهداری دارایی های مشتریان یک مؤسسه تحت حل و فصل به یک
متولی ثالث واگذار می گردد، احتمالاً نیازی به انتقال دارایی ها نباشد. مقامات
حل و فصل ممکن است در عوض اقدام به انتقال حقوق و تعهدات قراردادی میان مؤسسه
تحت حل و فصل و مشتریان آن، به یک نهاد انتقالی یا جایگزین نمایند. در جایی
که دارایی ها توسط یک نهاد وابسته به مؤسسه تحت حل و فصل نگهداری می گردد،
چنانچه قابلیت بازسازی گروه متأثر گردد، ملاحظات دیگری ممکن است اعمال گردد.

- ۱- تأییدیه های دادگاه (محاکم) تخصصی در مواقع ضروری (همراستا با ویژگی های اصلی شماره ۵-۴ و ۵-۵)
- ۲- حمایت قانونی از مؤسسات در حال حل و فصل، کارکنان آنها یا مدیران منصوب، در برابر اقدامات اتخاذ شده و اشتباهات (احتمالی) صورت گرفته در زمان عمل در چارچوب اختیارات قانونی و مصون بودن از مسئولیت در خصوص اقدامات توأم با حسن نیت.
- ۳- امکان استفاده از حمایت سرمایه گذار و صندوق های حمایتی مشابه در صنعت مربوطه به منظور حمایت از فرایندهای انتقال و انجام پیش پرداخت های وجوه مشتریان و تحویل اوراق بهادار.
- ۴- سازوکاری برای تعدیل های آتی در مطالبات مورد اختلاف در مورد دارایی های انتقال داده شده.
- ۵- توانایی مقام حل و فصل مالی یا مدیر منصوب در رابطه با انطباق با رویکردهای عملی نسبت به انتقال یا استرداد دارایی های مشتری (برای مثال توزیع های علی الحساب، بازپرداخت های تدریجی، استرداد دارایی های جایگزین).
- ۵- شناسایی، تمهیدات حفاظتی و تفکیک دارایی های مشتریان (ویژگی اصلی شماره ۴-۱)
- ۵-۱- مؤسسات باید ملزم شوند، به منظور اینکه مقامات حل و فصل و مدیران اداری قادر باشند به سرعت تشخیص دهند که چه دارایی هایی متعلق به مشتری است و در جهت تشخیص ماهیت مطالبات و عناوین حقوق هر یک از مشتریان نسبت به آن دارایی ها با در نظر گرفتن دارایی های مشتری که در یک زنجیره نگهداری می شوند، ترتیبات مؤثری نظیر تفکیک برای شناسایی و حفاظت از دارایی های مشتریان برقرار کنند.
- ۵-۲- مشتریان باید به طور کافی در مورد شیوه ای که دارایی هایشان نگهداری می شود، شامل نوع تفکیک و وجود هر نوع زنجیره نگهداری و حفاظت های قابل اعمال در مورد دارایی ها، آگاه شوند. این اطلاعات به ویژه باید دربرگیرنده تمرکز دارایی های مشتری در حساب های عمومی در شرایط توقف مؤسسه یا هر متولی نگهداری، اینکه چگونه (زبان های) ناشی از کسری یا (نقصان) در دارایی های متمرکز، توزیع خواهد شد (اشاره به نظام توزیع عادلانه زیان)، و هر جا که مربوط است، این حقیقت را که نظام تفکیک و حفاظت از دارایی مشتری، ممکن است تحت قانون (نظام حقوقی) خارجی متفاوت باشد و اینکه مشتری ممکن است که (الزاماً) همان سطح از حفاظت دارایی را در نظام حقوقی داخلی دریافت نکند.
- ۶- تراکنش های تأمین مالی اوراق بهادار، رهن گزاری مجدد یا استفاده از دارایی های مشتری (ویژگی اصلی شماره ۴-۱)

۶-۱- کشورهایی که در آنها قرض دادن اوراق بهادار توسط مؤسسه مالی به نمایندگی از جانب مشتری یا به رهن گزاری مجدد و استفاده از دارایی های وی توسط مؤسسه مالی یا اشخاص ثالث به عنوان شخص اصیل، مجاز است، باید با چارچوب های روشن حاکم بر ترتیبات مورد اشاره تطابق داشته باشند.

۱- زمانی که یک مؤسسه اوراق بهادار مشتری را به نمایندگی از وی قرض می دهد، باید سوابق کافی از تراکنش های جاری آن شامل طرفین قرارداد، شروط قرارداد، مستندات قانونی، جزییات وثایق و محل آنها، نگهداری کند. این سوابق باید به حدی کافی باشند که مشتریان را قادر سازد تراکنش های جاری را که در آن به عنوان شخص اصیل محسوب می شوند، مشخص نموده یا در مواقع حل و فصل مالی، توانایی انتقال تراکنش های جاری به یک انتقال گیرنده واجد شرایط را داشته باشد. در موردی که وثایق اوراق بهادار برای چندین مشتری به صورت متمرکز نگهداری می شود و جایی که وثایق نقدی به صورت تجمیعی سرمایه گذاری مجدد می شود، برای اطمینان از اینکه مؤسسه سوابق کافی از تخصیص وثایق را نگه می کند، باید مورد توجه و بررسی ویژه قرار گیرد.

۲- جایی که یک مؤسسه دارایی های مشتری را به رهن مجدد گذاشته و یا به عنوان اصیل از آنها استفاده می کند، باید سوابق روشنی از اینکه چه دارایی هایی از مشتری به رهن مجدد گذاشته شده یا مورد استفاده قرار گرفته است، داشته باشد. به ویژه به منظور تسهیل حل و فصل، باید مشخص شود که چگونه حق بهره برداری مورد ثبت واقع می گردد و چه میزان از دارایی ها می تواند به رهن مجدد گذاشته شده یا مورد استفاده قرار گیرد.

۶-۲- وقتی که چارچوب قانونی وام دادن اوراق بهادار، به رهن گزاری مجدد و حق استفاده یا سایر ترتیبات مشابه در رابطه با دارایی های مشتریان را مجاز می داند، باید مستلزم افشای کافی برای مشتریان در خصوص تأثیرات چنین تراکنش هایی روی حفاظت از دارایی هایشان و ماهیت دعاوی قانونی ایشان در جریان حل و فصل باشد.

۷- کاستی ها در دارایی های مشتریان و استفاده از وجوه حمایتی (ویژگی اصلی شماره ۶)

۷-۱- کشورهای مختلف باید قواعد روشنی در خصوص اینکه چگونه زیان ها در حالت کاستی ها در دارایی های مشتریان، در حجمی از دارایی های مشتری، تقسیم می شود، داشته باشند. این تمهیدات نباید باعث تأخیر ناروا یا لطمه به استرداد یا انتقال سریع دارایی های مشتریان گردد.

- برای مثال از طریق بدکار نمودن حساب مشتری و بستن کار نمودن حساب گیرنده ۷۶
وثیقه یا از طریق نوعی همدار روی حساب مشتری

۷-۲- باید در مورد نقش طرح های حمایتی سرمایه گذار و سایر برنامه های تضمین یا صندوق هایی که حامی انتقال دارایی های مشتری و جبران کاستی ها هستند، شفافیت وجود داشته باشد.

۷-۳- زمانی که ممکن است یک برنامه حمایتی سرمایه گذار، در ارتباط با تدابیر حل و فصل مورد استفاده واقع گردد، باید تمهیدات حفاظتی در جهت اجتناب از فرسایش بیش از حد برنامه حمایتی تأمین مالی ابزارهای حل و فصلی که بطور مستقیم به دنبال حفاظت از دارایی های مشتری نیست، وجود داشته باشد.

۸- مسائل برون مرزی (ویژگی اصلی شماره ۷)

۸-۱- مقامات حل و فصل کشور مبدأ و میزبان، باید در زمینه های زیر اطلاعات مربوط را به یکدیگر ارائه دهند:

۱- عملیات نظام های داخلی حفاظت از دارایی مشتریان آنها؛

۲- تدابیر حل و فصل و سایر اقداماتی که می توانند در وضعیت شکست یک مؤسسه در سطح ملی اتخاذ شوند و تأثیر آن روی وضعیت مالکیت و حقوق مشتریان در ارتباط با دارایی ها؛

۳- سازوکارهای موجود برای نیل به انتقال یا استرداد سریع دارایی های مشتریان.

۸-۲- کشورهای مختلف (در حوزه داخلی) باید موارد زیر را ایجاد نمایند:

۱- ترتیبات همکاری که مکمل خطه شی ها و برنامه های حل و فصل مؤثر است و باعث تسریع و تسهیل استرداد سریع دارایی های مشتریان که در حوزه داخلی آن کشور نگهداری می شود، شامل سازوکارهایی برای تصدیق به موقع انتصاب یک مدیر اداری برای یک مؤسسه خارجی با نگهداری از دارایی های مشتری در آن کشور؛

۲- سازوکارهایی برای اثربخشی انتقال های دارایی های مشتریان توسط یک مقام حل و فصل مالی خارجی، (که مستقیم یا از طریق یک مدیر اداری ویژه، سرپرست، مدیر تصفیه یا سایر مقامات رسمی عمل می کند) که ممکن است شامل تشخیص انتقال های خارجی یا اجرای اختیارات انتقال توسط مقام حل و فصل آن کشور، مدیر اداری یا قرارداد بین مؤسسه خارجی در جریان حل و فصل و یک واسطه (عامل) داخلی که دارایی های مشتری را از طرف مؤسسه خارجی در جریان حل و فصل نگهداری می نماید.

۹- برنامه ریزی حل و فصل و اقدامات برای ارتقای حل و فصل پذیری (ویژگی های اصلی شماره ۱۰ و ۱۱)

۹-۱- برنامه ریزی حل و فصل برای یک مؤسسه ای که دارایی های مشتری را نگه می دارد، باید موارد ذیل را مورد توجه قرار دهد:

۱- ترتیبات ناظر بر این که مؤسسه اطمینان یابد که شناسایی مشتریان و دارایی‌هایشان به سرعت قابل انجام است؛

۲- الزامات شکلی و قانونی برای انتقال دارایی‌های مشتریان یا انتقال قراردادهای حاکم بر نگهداری آن دارایی‌ها یا ترتیبات حفاظت از دارایی‌های مشتریان؛

۳- چگونگی تفکیک و تأثیر آن روی انتقال یا استرداد سریع دارایی‌های مشتریان؛

۴- هرگونه ترتیبات ناظر بر به رهن‌گذاری مجدد یا حقوق استفاده که ممکن است قابل اجرا باشد و همچنین تأثیر اجرای چنین حقوقی بر روی قابلیت انتقال، احیا و استرداد دارایی‌ها؛

۵- معیارها و مقیاس‌های ناظر بر وام دادن دارایی‌های مشتریان به نمایندگی از طرف وی که دربرگیرنده ویژگی‌های ذیل باشد:

- ساختار سررسید و این که چگونه سریعاً می‌تواند وصول گردد.
- نقد شوندگی هرگونه سرمایه‌گذاری مجدد وثایق نقدی و این که آیا این امر می‌تواند مانعی برای تسویه دفتری گردد.
- هرگونه وثیقه نقدی چگونه مجدداً مورد سرمایه‌گذاری واقع می‌شود (برای مثال بر مبنای تلفیقی یا تفکیک شده)
- هر نوع وثایق اوراق بهادار چگونه نگهداری می‌شوند (برای مثال بر مبنای تلفیقی یا تفکیک شده)
- کیفیت ثبت سوابق مؤسسه در رابطه با تراکنش‌های ناظر بر وام دهی اوراق بهادار مهم؛ به ویژه جایی که وثایق بر مبنای تلفیقی نگهداری می‌شوند.
- چه اطلاعاتی و با چه تناوبی به مشتریان ارائه می‌گردد.

۶- تأثیر شکست مؤسسات تابعه بر حل و فصل‌پذیری مؤسسه، جایی که یک سرپرست یا زیرمجموعه آن یا سایر عوامل زنجیره نگهداری، تابعی از مؤسسه بوده و خودش تحت حل و فصل یا در حال توقف است.

۷- جایی که دارایی‌های مشتری در حوزه کشور دیگری نگهداری می‌شود، تأثیر قانون خارجی روی ماهیت حفاظت از دارایی‌های مشتریان و نحوه عمل آنها در توقف تا حدی که برای حل و فصل مورد نیاز است.

۸- با کاستی‌ها در دارایی‌های مشتری و مطالبات ناشی از آن در جریان حل و فصل چگونه برخورد می‌شود و زیان‌های حاصله چگونه جبران می‌گردد. (تقسیم می‌شود)

۹- نقش طرح های حمایتی سرمایه گذار یا سایر برنامه ها و منابع تضمین کننده در حمایت از انتقال

دارایی های مشتری یا پیش پرداخت وجوه متعلق به وی و تحویل اوراق بهادار،

۱۰- همکاری و ترتیبات ناظر بر تبادل اطلاعات با مقامات و مراجع مربوطه خارجی در جهت حمایت از انتقال

یا استرداد سریع دارایی های مشتری، زمانی که دارایی های مزبور در حوزه یک کشور خارجی نگهداری می شوند.

۹-۲- در جهت حمایت از اجرای مؤثر اختیارات انتقال، مقامات حل و فصل باید اختیار تحمیل تغییراتی نسبت به عملیات کسب و کار یک مؤسسه، سیستم های مدیریت اطلاعات و ترتیبات قراردادی مربوط به نگهداری و حفاظت از دارایی های مشتری را داشته باشند.

۱۰- الزامات اطلاعاتی و نگهداری سوابق (ویژگی اصلی شماره ۱۲-۲)

۱۰-۱- به منظور انتقال یا استرداد سریع دارایی های مشتری، مؤسسات باید ملزم شوند سیستم های اطلاعاتی و کنترل هایی را نگهداری نمایند که هم در مواقع عادی و هم در جریان حل و فصل و به شکلی قابل فهم برای یک طرف خارجی نظیر یک مقام حل و فصل مالی یا یک مدیر اداری، قادر به تولید اطلاعات درباره موارد ذیل باشند.^{۷۷}

۱- میزان، ماهیت و وضعیت مالکیت دارایی های مشتری که مستقیماً یا غیر مستقیم توسط مؤسسه نگهداری می شوند.

۲- شناسایی مشتریان؛

۳- محل دارایی های مشتریان، چگونگی نگهداری این دارایی ها (که توسط مؤسسه، یک وابسته، یک شخص ثالث متولی نگهداری یا تابعه آن صورت می گیرد).

۴- شرایط و ضوابطی که این دارایی ها به موجب آنها نگهداری می شوند، شامل ترتیبات قراردادی بین مؤسسه و مشتری و هر شخص ثالثی که اقدام به نگهداری دارایی ها می نماید.

۵- چگونگی تفکیک (عمومی یا فردی)، اگر قابل اعمال است، در تمام سطوح زنجیره نگهداری و تأثیرات

تفکیک روی حقوق مالکیت مشتریان.^{۷۸}

۷۷ - الزامات نگهداری سوابق باید توسط توصیه های IOSCO در رابطه با حفاظت از دارایی های مشتریان، مورد توجه قرار گیرد

<http://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/IOSCPD401.pdf>

۷۸ - در برخی کشورها، تفکیک دارایی های مشتریان از دارایی های اختصاصی مؤسسه، ممکن است مستقیماً بر روی حقوق مشتریان نسبت به آن دارایی ها تأثیر بگذارد. در برخی دیگر تفکیک چنین تأثیری نمی گذارد. اما شناسایی و احیای دارایی های مشتری را تسهیل و تسریع می بخشد.

۶- حفاظت‌های قابل اعمال از دارایی‌های مشتری به ویژه موقعی که دارایی‌های مشتری در یک کشور خارجی نگهداری می شود و تحت نظام ور شکستگی، حل و فصل و حفاظت از دارایی‌های آن کشور است و هرگونه اعراض از حق، تعدیل (بهبود) و عدول (نکول) توسط مشتری نظام حفاظت از دارایی مشتری (زمانی که توسط نظام قابل اعمال، مجاز دانسته شده است)؛

۷- حقوق مالکیت مشتریان و هرگونه محدودیت‌های بالقوه نسبت به آن حقوق از قبیل اجرای (تصرف) وثایق و سایر اوضاع و احوالی که ممکن است بر استرداد چنین دارایی‌هایی یا ارزش آنها تأثیرگذار باشد و تعهدات مؤسسه با توجه به دارایی‌های مشتری؛

۸- وجود و اجرای هرگونه به رهن گزاری مجدد یا حقوق استفاده توسط مؤسسه، شامل جزییات دارایی‌هایی که به رهن مجدد گزاری شده یا مورد استفاده واقع شده و پیامدهای قانونی اجرای چنین حقوقی بر روی حقوق مشتریان نسبت به آن دارایی‌ها؛

۹- وام‌های جاری مربوط به اوراق بهادار مشتری که توسط مؤسسه به نمایندگی از وی انجام گرفته، شامل جزییات طرف‌های مقابل قرارداد، شرایط قراردادی و وثایق دریافت شده از طرف مشتری.

۱۱- موانع بر سر راه حل و فصل نظام مند

۱۱-۱- چنانچه ارزیابی های حل و فصل پذیری مقامات حل و فصل نشان می دهد که نظام حفاظت از دارایی مشتری، می تواند مانع حل و فصل نظام مند و انتقال و بازپرداخت سریع دارایی های مشتریان گردد، باید مقامات نظارتی مربوطه را آگاه نمایند. مقامات نظارتی باید تعدیلات (اصلاحات) مناسب یا سایر اقدامات نسبت به نظام مزبور را در جهت رفع موانع گزارش شده، مد نظر قرار دهند.

۲- بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۴۳۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۵؛ ابلاغ نسخه اصلاحی
"دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری"
مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا
با سلام؛

احتراما، همانگونه که استحضار دارند، «دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت
سرمایه مؤسسات اعتباری» پس از تصویب در یک هزار و دویست و سی و سومین جلسه
مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۳ شورای پول و اعتبار، طی بخشنامه شماره ۹۶/۱۱۱۵۹۷
مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۷ به شبکه بانکی کشور ابلاغ گردید. در دستورالعمل جدید
سعی بر آن بوده که با بهره گیری از آخرین استانداردهای بین المللی از
جمله اسناد منتشره در این زمینه توسط کمیته بال و هیأت خدمات مالی
اسلامی (IFSB) و با نظر داشت به شرایط و اقتضائات فعلی نظام بانکی
کشور، چارچوب مقررات مربوط به کفایت سرمایه و سرمایه نظارتی تا حد
امکان منطبق و هماهنگ با استانداردهای بین المللی باشد. متعاقب ابلاغ
بخشنامه یاد شده و با توجه به جدید بودن مفاد دستورالعمل مذکور،
برخی سؤالات و ابهامات از سوی شبکه بانکی کشور در خصوص روشهای
محاسباتی مطرح شد که تغییرات و اصلاحاتی را در روشهای محاسباتی ایجاد
مینمود. از اینرو، به استناد اختیارات مقرر در ماده (۲۷) دستورالعمل،
تغییرات پیشنهادی، در بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۶ کمیسیون
مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطرح
و مورد تصویب قرار گرفت. تغییرات مذکور ناظر بر موارد زیر میباشد:

۱. نحوه موزون به ریسک نمودن مطالبات از مؤسسات اعتباری؛
 ۲. نحوه تعدیل مانده مطالبات بر اساس ارزش وثایق؛
 ۳. محاسبه سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار.
- علاوه بر این، برخی دیگر از سؤالات و ابهامات مطروحه از سوی شبکه
بانکی حاکی از برداشت و استنباط ناصحیح از مفاد دستورالعمل بود که
در ادامه، توضیحات لازم در این خصوص با هدف رفع ابهامات و تصریح
بیشتر آمده است:

بخش (الف): تغییرات صورت پذیرفته در متن دستورالعمل:

۱. نحوه موزون به ریسک نمودن مطالبات از مؤسسات اعتباری (بند ۱۱-۲ دستورالعمل)
بند (۱۱-۲) دستورالعمل به شرح زیر تغییر یافته است:
بر اساس «نسبت کفایت سرمایه» مندرج در آخرین صورتهای مالی حسابرسی شده
مصوب مجمع عمومی و منتشره هر یک از مؤسسات اعتباری که از تاریخ ثبت

صورتجلسه مجمع مذکور بیش از دو سال نگذشته باشد، تعیین وزن ریسک مطالبات (در قالب تسهیلات، سپرده گذاری و خرید اوراق بهادار) از مؤسسات اعتباری به شرح جدول ذیل انجام می پذیرد:

نسبت کفایت سرمایه (درصد)	۸ و بیشتر	۴ تا کمتر از ۸	۲ تا کمتر از ۴	کمتر از ۲
وزن متناظر با نسبت کفایت سرمایه (درصد)	۲۰	۵۰	۸۰	۱۰۰

تبصره- در صورتی که صورتهای مالی حسابرسی شده مصوب مجمع عمومی مؤسسه اعتباری انتشار عمومی نیافته و یا از تاریخ ثبت آخرین صورتجلسه مجمع عمومی آنها جهت تصویب صورتهای مالی بیش از دو سال گذشته باشد، وزن ریسک مطالبات از مؤسسه اعتباری معادل ۱۰۰ درصد لحاظ گردد.

۲. نحوه تعدیل مانده مطالبات بر اساس ارزش وثایق (ماده ۱۲ دستورالعمل)

ماده (۱۲) دستورالعمل به شرح زیر تغییر یافته است:
مطالبات موضوع ماده (۱۱) که بابت آنها وثیقه اخذ شده است، حسب وثایق مأخوذه طبق فرمول زیر تعدیل می شود:

$$E^* = E - (C \times (1 - H - H_{fx}))$$

که در فرمول فوق، متغیرهای مختلف به صورت زیر تعریف می گردند؛

E^* : مانده مطالبات تعدیل یافته

E : مانده مطالبات؛

C : ارزش بازار وثایق (ارزش اسمی برای وثایقی که ارزش بازار برای آنها وجود ندارد)؛

H : ضرایب تعدیل طبق جدول شماره ۸؛

H_{fx} : ضریب تعدیل به میزان ۸٪ در صورتی که واحد پولی وثایق و مطالبات متفاوت باشند.

شایان ذکر است، هیچگونه تغییر دیگری در تبصره های ذیل این ماده در متن دستورالعمل به عمل نیامده و تبصره های مذکور همچنان به قوت خود باقی می باشند.

۳. محاسبه سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار (ماده ۱۸ دستورالعمل)

ماده (۱۸) دستورالعمل به شرح زیر تغییر یافته است:

سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار نرخ ارز برابر است با ۸٪ وضعیت باز مثبت تمامی ارزها یا قدر مطلق وضعیت باز منفی تمامی ارزها هر کدام که بیشتر باشد.

تبصره ۱- وضعیت باز مثبت تمامی ارزها عبارت است از مجموع خالص وضعیت باز مثبت ارزها که برابر مازاد معادل ریالی مجموع دارایی های مؤسسه

اعتباری و تعهدات مشتریان آن به هر ارز نسبت به معادل ریالی مجموع بدهی ها و تعهدات مؤسسه اعتباری به همان ارز می باشد.

تبصره ۲- وضعیت باز منفی تمامی ارزها عبارت است از مجموع خالص وضعیت باز منفی ارزها که برابر مازاد معادل ریالی مجموع بدهی ها و تعهدات مؤسسه اعتباری به هر ارز نسبت به معادل ریالی مجموع دارایی های مؤسسه اعتباری و تعهدات مشتریان آن به همان ارز می باشد.

بخش (ب): رفع ابهام و شفاف سازی برخی از مواد دستورالعمل:

۱. در ماده (۴) بند (۴-۵)، منظور از (پس از اعمال تعدیلات نظارتی)، بعد از تعدیلات نظارتی انجام شده تا بند قبل از این بند می باشد. در موارد مشابه در سایر بندها نیز، منظور از تعدیلات نظارتی، تعدیلات انجام شده تا قبل از آن بند می باشد.

۲. در ماده (۴) بند (۴-۸)، منظور از سرمایه گذاری ها، سرمایه گذاری های بی واسطه مؤسسه اعتباری در واحدهای تابعه مزبور می باشد.

۳. توضیح در خصوص تبصره ۱ ماده (۵): شرط لازم برای قرار گرفتن ابزار مالی در سرمایه لایه (۲) آن است که از مدت سررسید آن حداقل ۵ سال باقی مانده باشد. در این صورت، در سال اول ۱۰۰٪ مبلغ اسمی آن به عنوان سرمایه لایه (۲) لحاظ می شود و به تدریج در سال های بعد با کاهش مدت زمانی باقی مانده تا سررسید، درصد مذکور مطابق با تبصره (۱) ماده (۵) دستورالعمل کاهش می یابد. بنابراین، چنانچه در زمان محاسبه سرمایه نظارتی، یک ابزار مالی کمتر از ۵ سال از سررسید آن باقی مانده باشد، در محاسبه سرمایه نظارتی لحاظ نمی گردد. به بیان دیگر، جدول شماره (۱) موضوع تبصره (۱) ماده (۵) تنها در مورد ابزارهای مالی است که از ابتدا با سررسید حداقل ۵ سال به عنوان سرمایه لایه (۲) لحاظ شده اند.

۴. عنوان جدول شماره (۲) موضوع تبصره (۲) ماده (۵) سهواً به جای استفاده از عبارت «مازاد تجدید ارزیابی دارایی ها» از عبارت «درآمد تجدید ارزیابی دارایی ها» استفاده شده است که بدین وسیله اصلاح می گردد.

۵. در ماده (۱۱) بند (۵-۱۱)، منظور از اصل تسهیلات اعطایی، مانده اصل تسهیلات اعطایی می باشد.

۶. در ماده (۱۱) بند (۲-۷-۱۱)، منظور از سایر تسهیلات اعطایی به هر شخص، تجميع تمامی سایر تسهیلات اعطایی به یک مشتری می باشد. در این صورت، تمامی تسهیلات اعطایی غیر مشارکتی به اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) به جز تسهیلات اعطایی غیر مشارکتی بابت املاک مسکونی، برای هر شخص

تجمع شده و بر اساس وزنهای ریسک تعیین شده در بندهای مختلف ذیل بند (۱۱-۷-۲)، موزون به ریسک می‌گردد.

۷. در ماده (۱۱) بند (۱۱-۱۰)، ستون بدون رتبه برای اشخاص حقوقی داخل کشور فاقد موضوعیت است.

۸. در ماده (۱۳)، در حال حاضر با توجه به عدم اعلام برخی شاخصهای مربوطه جهت تعدیل ارزش بازار وثایق موضوع جدول شماره (۸) از سوی بانک مرکزی، ارزش آخرین ارزیابی مبناي عمل خواهد بود.

۹. در ماده (۲۰) درآمد هر سال به صورت زیر محاسبه می‌شود:

جمع درآمدهای عملیاتی + خالص سایر درآمدها و هزینه‌ها = درآمد هر سال

توضیح اینکه در صورت منفی بودن درآمد هر سال، میزان درآمد مزبور در محاسبه میانگین لحاظ نمی‌شود. به طور مثال در صورتی که درآمد یک سال از سه سال اخیر، منفی بود، تنها میانگین درآمد دو سال محاسبه می‌شود.

۱۰. در ماده (۲۶)، شروع دوره گذار پنج ساله، سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

لازم به ذکر است، با توجه به لازم الاجراء بودن «دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و

کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری» در سال جاری، تمامی مؤسسات اعتباری ملزم به محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه خود طبق مفاد دستورالعمل مذکور می‌باشند. همچنین، با توجه به فراز پایانی دستورالعمل که ناظر بر جایگزینی «آئین‌نامه سرمایه پایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری» و «آیین‌نامه کفایت سرمایه (بانک‌های دولتی و

غیردولتی)» به ترتیب مصوب یک‌هزار و سیزدهمین جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۷ و یک‌هزار و چهاردهمین جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ شورای محترم پول و اعتبار موضوع بخشنامه های شماره مب/۱۹۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۶ و مب/۱۹۶۶ و مب/۱۹۶۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۹، با «دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری»

می‌باشد، از زمان ابلاغ دستورالعمل اخیرالذکر، محاسبه نسبت‌های احتیاطی نظیر حد تسهیلات و تعهدات کلان و سایر نسبت‌های ذیربط، باید بر اساس سرمایه نظارتی محاسبه شده طبق مفاد دستورالعمل مزبور صورت پذیرد.

در خاتمه ضمن ایفاد یک نسخه از اصلاحیه دستورالعمل مذکور و امید به آن که مجموعه اصلاحات و رفع ابهامات یاد شده بتواند اجرای دستورالعمل را تسهیل نماید، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط آن بانک / مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

حمیدرضا غنی آبادی
۳۸۱۶

عبدالمهدی
ارجمندنژاد
۳۲۱۵-۰۲

دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری

نسخه اصلاحی (اردیبهشت ۱۳۹۷)

به استناد بند (ب) ماده (۱۱) و بند (۵) ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ و با هدف حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی کشور از طریق نگهداری سطح مناسب سرمایه توسط مؤسسات اعتباری در راستای پوشش ریسکهای مترتب بر عملیات بانکی، «دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری» که از این پس به اختصار «دستورالعمل» نامیده میشود، تدوین میگردد.

فصل اول - تعاریف

ماده ۱- در این دستورالعمل، عناوین زیر به جای عبارات مشروح مربوط به کار میروند:

- ۱-۱- دولت: وزارتخانه ها و سازمان برنامه و بودجه کشور؛
- ۱-۲- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۱-۳- مؤسسات و شرکتهای دولتی: منطبق با تعاریف مندرج در قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی؛
- ۱-۴- نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی: نهادها و مؤسساتی که به موجب قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی و یا سایر قوانین تحت این عنوان اطلاق میشوند؛
- ۱-۵- مؤسسه اعتباری: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که به موجب قانون و یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده و تحت نظارت آن بانک قرار دارد؛
- ۱-۶- مؤسسه اعتباری خارجی: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که در خارج از ایران تأسیس شده و تحت نظارت مرجع نظارت بانکی کشور متبوع خویش به عملیات بانکی اشتغال دارد؛
- ۱-۷- نهاد مالی: نهاد ارایه دهنده خدمات مالی و بیمه ای از جمله شرکتهای کارگزاری، بازارگردانی، سرمایه گذاری، تأمین سرمایه، صندوقهای سرمایه گذاری و بازنشستگی، صرافی، لیزینگ و شرکت بیمه؛
- ۱-۸- بورس اوراق بهادار تهران: بازار بورس و فرابورس اوراق بهادار؛
- ۱-۹- اندوخته: بخشی از سود خالص مؤسسه اعتباری که به موجب قانون، ضوابط ابلاغی بانک مرکزی و یا تصمیم مجمع عمومی

- مؤسسه اعتباری، تحت عنوان اندوخته نگهداری می شود و قابل تقسیم بین سهامداران نیست.
- ۱-۱۰- سهام خزانه: سهام مؤسسه اعتباری که توسط خود مؤسسه خریداری و نگهداری می شود.
- ۱-۱۱- اوراق بهادار: اوراق مشارکت، صکوک، گواهی سپرده، واحدهای سرمایه گذاری عادی صندوق های سرمایه گذاری مشترک و سایر موارد مشابه به تشخیص بانک مرکزی که متضمن حقوق مالی قابل معامله برای دارنده آن باشد، به استثنای سهام.
- ۱-۱۲- اوراق بهادار تجاری: اوراق بهاداری که به قصد خرید و فروش و انتفاع خریداری می شود.
- ۱-۱۳- سهام تجاری: سهامی که به قصد کنترل نهاد سرمایه پذیر تحصیل نشده و با هدف خرید و فروش و انتفاع خریداری می شود.
- ۱-۱۴- کنترل: توانایی راهبري سیاست های مالی و عملیاتی نهاد سرمایه پذیر به منظور کسب منافع از فعالیت های آن.
- ۱-۱۵- واحد تابعه: شخص حقوقی که بیش از ۵۰ درصد سهام عادی آن در مالکیت مؤسسه اعتباری بوده و مشمول تلفیق با مؤسسه اعتباری می باشد.
- ۱-۱۶- اقلیت: اشخاص حقیقی و حقوقی که مالک کمتر از ۵۰ درصد سهام عادی واحد تابعه می باشند.
- ۱-۱۷- سهم اقلیت: آن بخش از سود/زیان و خالص دارایی های واحد تابعه که با در نظر گرفتن تعدیلات تلفیقی، متعلق به اقلیت است.
- ۱-۱۸- ریسک اعتباری: احتمال وقوع زیان ناشی از عدم توانایی یا عدم تمایل در پرداخت مطالبات.
- ۱-۱۹- ریسک بازار: احتمال وقوع زیان ناشی از نوسانات قیمت سهام تجاری، اوراق بهادار تجاری و یا نرخ ارز.
- ۱-۲۰- ریسک عملیاتی: احتمال وقوع زیان ناشی از نامناسب بودن و عدم کفایت فرآیندها و روشها، افراد و سیستم های داخلی و یا ناشی از رویدادهای خارج از مؤسسه اعتباری.
- ۱-۲۱- رتبه اعتباری: رتبه های تعیین شده توسط مؤسسات اعتبارسنجی مستقل بین المللی از جمله مؤسسه استاندارد اند پورز (S&P)، مؤسسه فیچ (Fitch) و مؤسسه مودیز (Moody's).

فصل دوم - سرمایه نظارتي

ماده ۲- سرمایه نظارتي از مجموع سرمایه لایه (۱) و لایه (۲) تشکیل می شود.

ماده ۳- سرمایه لایه (۱) به شرح زیر می باشد :

۳-۱- سرمایه پرداخت شده (منابع تأمین شده توسط سهامداران)؛

۳-۲- صرف سهام؛

۳-۳- سود (زیان) انباشته؛

۳-۴- اندوخته قانونی؛

۳-۵- اندوخته احتیاطی؛

۳-۶- سایر اندوخته ها .

ماده ۴- تعدیلات نظارتی سرمایه لایه (۱) به شرح زیر می باشد :

۴-۱- در محاسبه سرمایه لایه (۱)، بهای تمام شده سهام خزانه کسر می شود .

۴-۲- بهای تمام شده سهام مؤسسه اعتباری که در مرحله انتشار اولیه یا افزایش سرمایه به طور بیواسطه توسط واحدهای تابعه خریداری شده، در محاسبه سرمایه لایه (۱) لحاظ نمی شود .

۴-۳- دارایی های نامشهود از سرمایه لایه (۱) کسر می شود .

۴-۴- در صورت سرمایه گذاری متقابل در سهام مؤسسات اعتباری اعم از داخلی و خارجی و یا نهادهای مالی غیرتابعه، حداقل بهای تمام شده میان سرمایه گذاری های متقابل از سرمایه لایه (۱) کسر می شود .

۴-۵- در صورتی که میزان سرمایه گذاری مؤسسه اعتباری در سهام عادی مؤسسه اعتباری دیگر، مؤسسه اعتباری خارجی و یا نهاد مالی کمتر از ۱۰ درصد سهام عادی نهاد سرمایه پذیر و کمتر از ۱۰ درصد سرمایه لایه (۱) مؤسسه اعتباری (پس از اعمال تعدیلات نظارتی) باشد، بهای تمام شده سرمایه گذاری موضوع این بند از سرمایه لایه (۱) مؤسسه اعتباری کسر نشده اما مشمول محاسبه دارایی های موزون به ریسک می شود .

۴-۶- در صورتی که میزان سرمایه گذاری مؤسسه اعتباری در سهام عادی مؤسسه اعتباری دیگر، مؤسسه اعتباری خارجی و یا نهاد مالی کمتر از ۱۰ درصد سهام عادی نهاد سرمایه پذیر بوده اما بیش از ۱۰ درصد سرمایه لایه (۱) مؤسسه اعتباری (پس از اعمال تعدیلات نظارتی) باشد، بهای تمام شده سرمایه گذاری تا ۱۰ درصد سرمایه لایه (۱) مؤسسه اعتباری مشمول محاسبه دارایی های موزون به ریسک شده و مازاد آن از سرمایه لایه (۱) مؤسسه اعتباری کسر می گردد .

۴-۷- در صورتی که میزان سرمایه گذاری مؤسسه اعتباری در سهام عادی یک مؤسسه اعتباری، مؤسسه اعتباری خارجی و یا نهاد

مالی بیش از ۱۰ درصد سهام عادی نهاد مذکور باشد، بهای تمام شده سرمایه گذاری تا ۱۰ درصد سهام عادی نهاد مزبور موزون به ریسک می شود و مازاد آن به شرح زیر از سرمایه لایه (۱) مؤسسه اعتباری کسر می گردد:

$$\text{میزان کسورات} = \left(\frac{\text{بهای تمام شده سرمایه گذاری مازاد}}{\text{بر ۱۰\% سرمایه عادی نهاد ذریع}} \right) \times \left(\frac{\text{بهای تمام شده سرمایه گذاری در سهام عادی نهاد ذریع}}{\text{کل سرمایه گذاری مؤسسه اعتباری در سهام و اوراق بهادار نهاد ذریع}} \right)$$

۴-۸- بهای تمام شده سرمایه گذاری ها در واحدهای تابعه ای که نهاد مالی محسوب نگردد، از سرمایه لایه (۱) کسر می شود.

۴-۹- سایر تعدیلات به تشخیص بانک مرکزی.

ماده ۵- سرمایه لایه (۲) به شرح زیر می باشد:

۵-۱- بدهی ایجاد شده ناشی از انتشار اوراق بدهی توسط مؤسسه اعتباری و صرف هریک از آنها و همچنین سایر بدهی های مؤسسه اعتباری، مشروط به برخورداری از معیارهای زیر:

۵-۱-۱- مدت زمان باقی مانده تا سررسید آن حداقل پنج سال اعتباری، مشروط به برخورداری از معیارهای زیر:

باشد؛

۵-۱-۲- تماماً پرداخت شده باشد؛

۵-۱-۳- دارندگان آن، تحت هیچ شرایطی حق دریافت سود اوراق مذکور را زودتر از موعد تعیین شده نداشته باشند؛

۵-۱-۴- در صورت تصفیه و ورشکستگی مؤسسه اعتباری، مطالبات دارندگان این اوراق، پس از مطالبات سپرده گذاران و سایر بستانکاران مؤسسه اعتباری، پرداخت شود و همچنین مشمول هیچ گونه ترتیبات دیگری که موجب ایجاد حق تقدم نسبت به سایر بستانکاران مؤسسه اعتباری شود، قرار نگیرد؛

۵-۱-۵- توسط مؤسسه اعتباری و یا اشخاص حقوقی مرتبط با آن، تضمین نشده باشد؛

۵-۱-۶- بازخرید اوراق حداقل تا پنج سال پس از انتشار تحت هیچ شرایطی امکان پذیر نباشد. بازخرید آن پس از مدت مذکور و با اخذ تأییدیه مکتوب بانک مرکزی امکان پذیر خواهد بود؛ مشروط بر این که پس از بازخرید، حدود تعیین شده در ماده ۶-ماده (۶) این

دستورالعمل، کماکان توسط مؤسسه اعتباری رعایت گردد؛

۷-۱-۵- توسط اشخاص حقوقی مرتبط با مؤسسه اعتباری خریداری نشده باشد؛

۸-۱-۵- منابع مالی لازم برای خرید آن توسط مؤسسه اعتباری تأمین نشده باشد.

۲-۵- ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول عام حداکثر به میزان ۱/۲۵ درصد دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک وفق مفاد این دستورالعمل؛

۳-۵- حداکثر ۴۵ درصد مبلغ حاصل از تجدید ارزیابی دارایی‌ها اعم از دارایی‌های ثابت، سهام و اوراق بهادار.

تبصره ۱- مبلغ اسمی اوراق بهادار موضوع بند (۱) این ماده مطابق با جدول شماره ۱ در سرمایه لایه (۲) لحاظ می‌گردد:

مدت زمان باقی‌مانده تا سررسید	۵ سال و بیش از آن	۴ سال	۳ سال	۲ سال	۱ سال	کمتر از ۱ سال
درصد مبلغ اسمی ابزار مالی، قابل لحاظ در سرمایه لایه (۲)	۱۰۰	۸۰	۶۰	۴۰	۲۰	۰

جدول شماره ۱: درصد مبلغ اسمی ابزار مالی قابل ملاحظه در سرمایه لایه (۲)

تبصره ۲- مؤسسه اعتباری موظف است طی یک دوره گذار پنج‌ساله و بر اساس جدول شماره ۲، درصد مذکور در بند (۳) این ماده را در محاسبه سرمایه لایه (۲) کاهش داده و به صفر برساند.

سال مالی	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
درصد قابل محاسبه	۳۶	۲۷	۱۸	۹	۰

جدول شماره ۲: دوره گذار مربوط به کاهش درآمد تجدید ارزیابی دارایی‌ها

تبصره ۳- در محاسبه سرمایه نظارتی، مجموع سرمایه لایه (۲)، حداکثر معادل سرمایه لایه (۱) لحاظ شده و مبلغ مازاد در سرمایه نظارتی منظور نمی‌شود.

فصل سوم: نسبت کفایت سرمایه

ماده ۶- نسبت کفایت سرمایه مؤسسه اعتباری که عبارت است از نسبت سرمایه نظارتی به کل دارایی‌های موزون به ریسک، باید حداقل معادل ۸ درصد باشد.

ماده ۷- کل دارایی‌های موزون به ریسک، از مجموع دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی محاسبه می‌شود.

ماده ۸- نسبت سرمایه لایه (۱) به دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک، باید حداقل معادل ۴/۵ درصد باشد.

تبصره ۱- مؤسسه اعتباری که نسبت سرمایه لایه (۱) به دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک آن کمتر از ۴/۵ درصد باشد، موظف است نسبت مذکور را طی یک دوره گذار پنج ساله و بر اساس جدول شماره ۳، به ۴/۵ درصد برساند.

پایان سال مالی	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
نسبت سرمایه لایه (۱)	۲/۵ %	۳ %	۳/۵ %	۴ %	۴/۵ %

تبصره

جدول شماره ۳: دوره گذار مربوط به افزایش نسبت سرمایه لایه (۱)

۲- بانک‌های مشمول

و اگذاری طبق «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی»، از شمول تبصره (۱) این ماده مستثنی می‌باشند. بانک‌های مذکور موظفند در پایان سال ۱۴۰۳ نسبت سرمایه لایه (۱) به دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک خود را به ۴/۵ درصد برسانند.

ماده ۹- بانک مرکزی می‌تواند برای هر یک از مؤسسات اعتباری بر اساس معیارهایی نظیر وضعیت ریسک‌پذیری آن، درصدهای بالاتری از حدود مقرر در مواد (۶) و (۸) تعیین نماید.

فصل چهارم - دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری

ماده ۱۰- دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری از حاصل ضرب وزن‌های ریسک اعتباری در اقلام بالایی خط ترازنامه و اقلام زیر خط ترازنامه (با لحاظ ضرایب تبدیل) به دست می‌آید.

ماده ۱۱- اقلام بالایی خط ترازنامه مؤسسه اعتباری پس از تعدیل با استفاده از روش موضوع ماده (۱۲)، بر اساس وزن‌های ریسک اعتباری زیر موزون می‌شود:

۱۱-۱- موجودی‌های نقدی، مطالبات از بانک مرکزی و اوراق بهادار منتشره و یا تضمین شده توسط بانک مرکزی با ضریب ریسک صفر درصد.

۱۱-۲- مطالبات (در قالب تسهیلات، سپرده گذاری و خرید اوراق بهادار) از مؤسسات اعتباری بر اساس «نسبت کفایت سرمایه» مندرج در آخرین صورت های مالی حسابرسی شده مصوب مجمع عمومی و منتشره هر یک از مؤسسات اعتباری که از تاریخ ثبت صورتجلسه مجمع مذکور بیش از دو سال نگذشته باشد، با وزن های ریسک به شرح جدول شماره ۴:

نسبت کفایت سرمایه (درصد)	۸ و بیشتر	۴ تا کمتر از ۸	۲ تا کمتر از ۴	کمتر از ۲
وزن متناظر با نسبت کفایت سرمایه (درصد)	۲۰	۵۰	۸۰	۱۰۰

جدول شماره ۴: وزن ریسک مطالبات از مؤسسات اعتباری

تبصره - در صورتی که صورت های مالی حسابرسی شده مصوب مجمع عمومی مؤسسه اعتباری انتشار عمومی نیافته و یا از تاریخ ثبت آخرین صورتجلسه مجمع عمومی آنها جهت تصویب صورت های مالی بیش از دو سال گذشته باشد، وزن ریسک مطالبات از مؤسسه اعتباری معادل ۱۰۰ درصد لحاظ گردد.

۱۱-۳- مطالبات از دولت (در قالب تسهیلات و خرید اوراق بهادار) با وزن ریسک ۲۰ درصد؛

۱۱-۴- مطالبات از مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (در قالب تسهیلات و خرید اوراق بهادار) با وزن ریسک ۱۰۰ درصد؛

۱۱-۵- اصل تسهیلات اعطایی در قالب عقود مشارکتی مشتمل بر مشارکت مدنی، مضاربه، مساقات و مزارعه؛

۱۱-۵-۱- به شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با وزن ریسک ۱۵۰٪؛

۱۱-۵-۲- به سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی با وزن ریسک ۲۰۰٪؛

۱۱-۶- مشارکت حقوقی (سرمایه گذاری در سهام غیرتجاری بعد از کسر ذخیره کاهش ارزش سهام)؛

۱۱-۶-۱- در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با وزن ریسک ۳۰۰٪؛

۱۱-۶-۲- در سایر شرکتهای با وزن ریسک ۴۰۰٪؛

^{۷۹} . طی مصوبه بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۶ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی، بند (۱۱-۲) ماده (۱۱) اصلاح و یک تبصره به آن اضافه گردید.

- ۳-۶-۱۱- در مؤسسه اعتباری دیگر، مؤسسه اعتباری خارجی و یا نهاد مالی موضوع بندهای (۵-۴) الی (۷-۴) با وزن ریسک ۳۰۰٪؛
- ۷-۱۱- مانده اصل و سود تسهیلات اعطایی در قالب عقود غیرمشارکتی:
- ۱-۷-۱۱- بابت اموال مسکونی با وزن ریسک ۵۰ درصد؛
- ۲-۷-۱۱- مجموع مانده اصل و سود بابت سایر تسهیلات اعطایی به هر شخص، اعم از حقیقی و حقوقی:
- ۱-۲-۷-۱۱- به میزان یک میلیارد و کمتر از آن با وزن ریسک ۷۵ درصد؛
- ۲-۲-۷-۱۱- بیش از یک میلیارد تا پنج میلیارد با وزن ریسک ۱۰۰ درصد؛
- ۳-۲-۷-۱۱- بیش از پنج میلیارد تا ده میلیارد با وزن ریسک ۱۵۰ درصد؛
- ۴-۲-۷-۱۱- بیش از ده میلیارد با وزن ریسک ۲۰۰ درصد؛
- تبصره - بانک مرکزی میتواند ارقام ریالی مندرج در این بند را متناسب با تغییرات تورم تعدیل نماید.
- ۸-۱۱- سایر اقلام بالایی خط ترازنامه که در ردیفهای فوق قرار نمیگیرند، با ضریب ریسک ۱۰۰ درصد.
- ۹-۱۱- مطالبات مشتمل بر تسهیلات اعطایی به بانکهای توسعه ای چندجانبه، دولتها، بانکهای مرکزی، مؤسسات اعتباری و نهادهای مالی سایر کشورها و یا اوراق بهادار خریداری شده از آنها با وزنهای ریسک به شرح جدول شماره ۵:

رتبه اعتباری*	AAA+ تا AA-	A+ تا A-	BBB+ تا BBB-	BB+ تا B-	پایین B-	بدون رتبه
وزن ریسک مطالبات از سایر دولتها، بانکهای مرکزی و نهادهای عمومی غیردولتی در سایر کشورها (%)	۰	۲۰	۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰
وزن ریسک مطالبات از بانکهای توسعه ای چندجانبه** (%)	۲۰	۵۰	۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۵۰
وزن ریسک مطالبات از مؤسسات اعتباری و نهادهای مالی سایر کشورها (%)	۲۰	۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰

جدول شماره ۵: وزن ریسک اعتباری بانکهای توسعه ای چندجانبه، دولتها، بانکهای مرکزی، مؤسسات اعتباری و ...

* نمایه های مندرج در این جدول متعلق به مؤسسه اعتبارسنجی استاندارد اند پورز (S&P) میباشد، بدیهی است در صورت استفاده از رتبه های تعیین شده توسط مؤسسه فیچ (Fitch) و مؤسسه مودیز (Moody's) نمایه های متناظر استفاده خواهد شد. ** مطالبات از گروه بانک توسعه اسلامی^۱ و نهادهای زیرمجموعه آن از جمله شرکت بیمه اسلامی سرمایه گذاری و شرکت بیمه صادراتی^۲ گروه بانک جهانی شامل بانک

^۱ Islamic Development Bank

^۲ Islamic Corporation for the Insurance of Investment and Export Credit

بین المللی ترمیم و توسعه^{۸۲} و شرکت تأمین مالی بین المللی^{۸۳} بانک توسعه آسیا^{۸۴} بانک توسعه آفریقا^{۸۵} مشمول ضریب ریسک صفر درصد می باشد.

۱۰-۱۱- مطالبات از سایر اشخاص حقوقی سایر کشورها و یا اشخاص

حقوقی داخل کشور دارای رتبه اعتباری با وزن ریسک به شرح

جدول شماره ۶:

رتبه اعتباری	AAA+ تا AA-	A+ تا A-	BBB+ تا BB-	پایین BB-	بدون رتبه
وزن ریسک شخص حقوقی (%)	۲۰	۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰

جدول شماره ۶: وزن ریسک اعتباری سایر اشخاص حقوقی

۱۱-۱۱- خالص مانده مطالبات غیرجاری (اصل، سود/فواید مترتبه و وجه

التزام تأخیر تأدیه دین، پس از کسر ذخیره اختصاصی مربوط)

با وزن های ریسک طبق جدول شماره ۷:

مبلغ ذخایر اختصاصی	وزن ریسک (%)
کمتر از ۲۰ درصد مانده مطالبات غیرجاری	۱۵۰
از ۲۰ تا ۵۰ درصد مانده مطالبات غیرجاری	۱۰۰
۵۰ درصد مانده مطالبات غیرجاری و بالاتر از آن	۵۰

جدول شماره ۷: وزن ریسک مربوط به مطالبات غیرجاری

ماده ۱۲- مطالبات موضوع ماده (۱۱) که بابت آنها وثیقه اخذ شده است،

حسب وثایق مأخوذه طبق فرمول زیر تعدیل می شود:

$$E^* = E - (C \times (1 - H - Hfx))$$

که در فرمول فوق، متغیرهای مختلف به صورت زیر تعریف می گردند؛

E^* : مانده مطالبات تعدیل یافته

E : مانده مطالبات

C : ارزش بازار وثایق (ارزش اسمی برای وثایقی که ارزش بازار برای

آنها وجود ندارد)

H : ضرایب تعدیل طبق جدول شماره ۸

^{۸۲} International Bank for Reconstruction and Development

^{۸۳} International Finance Corporation

^{۸۴} Asian Development Bank

^{۸۵} African Development Bank

^{۸۶} اصلاح شده طی مصوبه بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۶ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی.

Hfx: ضریب تعدیل به میزان ۸٪ در صورتی که واحد پولی وثایق و مطالبات متفاوت باشند.

تبصره ۱- در صورتی که ارزش بازار وثایق بیش از مانده مطالبات باشد، ارزش بازار وثایق حد اکثر به میزان مانده مطالبات لحاظ می شود.

تبصره ۲- چنانچه وثایق جزء مصادیق احصاء شده در جدول شماره ۸ نباشد؛ مانده مطالبات بدون لحاظ تأثیر وثایق (ضریب تعدیل)، بر اساس وزن های ریسک مربوطه موزون می شود.

تبصره ۳- در صورتی که ترکیبی از وثایق وجود داشته باشد، ضریب تعدیل (H) با استفاده از میانگین موزون ضرایب تعدیل وثایق طبق فرمول زیر محاسبه می گردد:

$$H = \sum_{i=1}^N w_i H_i$$

H_i : ضریب تعدیل وثیقه i ام؛

w_i : ارزش بازار وثیقه i ام نسبت به مجموع ارزش بازار کل وثایق؛

نوع وثیقه	ضریب تعدیل (H)
وثایق و تضامین نقد و شبه نقد (اعم از ریالی و ارزی) نظیر مسکوکات و شمش طلا، سپرده قرض الحسنه پس انداز، سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت، سپرده سرمایه گذاری بلندمدت، گواهی سپرده سرمایه گذاری عام و خاص	۰
اوراق بهادار منتشره و یا تضمین شده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران یا بانک مرکزی	۰
اوراق بهادار منتشره و یا تضمین شده توسط شهرداری ها و سایر نهادهای عمومی غیردولتی	۰/۰۶
اعتبارات اسنادی و ضمانت نامه بانکی*، اوراق بهادار منتشره و یا تضمین شده توسط بانک های دولتی	۰/۰۶
اعتبارات اسنادی و ضمانت نامه بانکی*، اوراق بهادار منتشره و یا تضمین شده توسط مؤسسات اعتباری غیردولتی	۰/۱۲
اوراق بهادار منتشره و یا تضمین شده توسط اشخاص حقوقی دولتی	۰/۱۵
اوراق بهادار منتشره و یا تضمین شده توسط اشخاص حقوقی غیردولتی	۰/۲۵
سهام ۵۰ شرکت برتر بورس اوراق بهادار تهران	۰/۱۵
سایر سهام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	۰/۲۵
واحدهای سرمایه گذاری عادی صندوق های سرمایه گذاری مشترک قابل معامله در بورس اوراق بهادار تهران	۰/۱۵
دارایی های فیزیکی نظیر املاک و مستغلات، ماشین آلات و تجهیزات	۰/۳۰

جدول شماره ۸: ضرایب تعدیل مربوط به وثایق مختلف

* ضمانت نامه های بانکی ریالی بابت تضمین تسهیلات اعطایی که قبل از ابلاغ بخشنامه شماره ۹۳/۹۴۶۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۰ صادر شده اند.

ماده ۱۳- مؤسسه اعتباری موظف است ارزش بازار هر یک از وثایق موضوع جدول شماره ۸ (حسب مورد) را در آخرین مقطع تهیه صورت های مالی مبنای عمل قرار دهد. در خصوص وثایقی نظیر دارایی های فیزیکی از قبیل املاک و مستغلات، ماشین آلات و تجهیزات که تعیین ارزش

بازار آنها مستلزم ارزیابی می باشد، مؤسسه اعتباری مکلف است از کارشناسان واجد صلاحیت منتخب هیأت مدیره، اعم از داخل و یا خارج مؤسسه اعتباری، استفاده نماید. ارزیابی مذکور حداکثر تا مدت سه سال معتبر خواهد بود مشروط به این که در پایان مقاطعی که تهیه صورت های مالی مؤسسه اعتباری مورد نظر است بر اساس تغییر شاخص های مربوط طبق اعلام بانک مرکزی، مورد تعدیل قرار گیرد. در صورت عدم وجود شاخص های مربوط، ارزش آخرین ارزیابی مبنای عمل خواهد بود.

ماده ۱۴- ارقام زیر خط ترانزنامه مؤسسه اعتباری بر اساس ضرایب تبدیل به شرح زیر همردیف اعتباری ارقام بالای خط گردیده و پس از تعدیل با استفاده از روش موضوع ماده (۱۲)، به ضرایب ریسک مربوط موزون می شود:

۱-۴-۱- تعهدات قابل فسخ بدون قید و شرط از طرف مؤسسه اعتباری با ضریب تبدیل صفر؛

۲-۴-۱- تعهدات غیر قابل فسخ با سررسید یک سال و کمتر از آن پس از کسر وجوه دریافتی از مشتریان تحت عناوینی نظیر سپرده نقدی و پیش دریافت با ضریب تبدیل ۲۰ درصد؛

۳-۴-۱- تعهدات غیر قابل فسخ با سررسید بیش از یک سال پس از کسر وجوه دریافتی از مشتریان تحت عناوینی نظیر سپرده نقدی و پیش دریافت با ضریب تبدیل ۵۰ درصد؛

۴-۴-۱- اعتبارات اسنادی صادر یا تایید شده ای که کالای موضوع آن وثیقه اعتبار است پس از کسر مبلغ پیش دریافت از مشتریان با ضریب تبدیل ۲۰ درصد؛

۵-۴-۱- اعتبارات اسنادی صادر یا تایید شده ای که کالای موضوع آن وثیقه اعتبار نیست پس از کسر مبلغ پیش دریافت از مشتریان با ضریب تبدیل ۵۰ درصد؛

۶-۴-۱- ضمانتنامه های ریالی یا ارزی پس از کسر سپرده نقدی با ضریب تبدیل ۵۰ درصد؛

۷-۴-۱- تعهدات بابت قرارداد های منعقد شده معاملات و تضمین انواع صکوک از جمله اوراق مشارکت منتشره با ضریب تبدیل ۵۰ درصد؛

۸-۴-۱- سایر تعهدات با ضریب تبدیل ۱۰۰ درصد.

فصل پنجم - دارایی های موزون به ریسک بازار

ماده ۱۵- دارایی های موزون به ریسک بازار از حاصل ضرب سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار در عدد $۱۲/۵$ (با احتساب حداقل نسبت کفایت سرمایه معادل ۸٪) محاسبه می شود.

ماده ۱۶- سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار سهام تجاری، برابر است با ۸٪ مجموع بهای تمام شده سهام تجاری خریداری شده.

ماده ۱۷- سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار اوراق بهادار تجاری از مجموع سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک خاص و عام به شرح زیر محاسبه می شود:

۱-۱۷- سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک خاص برابر است با ۵ درصد مجموع بهای تمام شده اوراق بهادار تجاری خریداری شده.

۲-۱۷- سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک عام برابر است با حاصل ضرب ضریب ریسک متناظر با مدت زمان باقی مانده تا سررسید به شرح جدول شماره ۹، در بهای تمام شده اوراق بهادار تجاری خریداری شده:

مدت زمان باقی مانده تا سررسید اوراق بهادار تجاری خریداری شده	ضریب ریسک (%)
یک ماه یا کمتر از آن	۰
۱ تا ۳ ماه	۰/۲
۳ تا ۶ ماه	۰/۴
۶ تا ۱۲ ماه	۰/۷
۱ تا ۲ سال	۱/۲۵
۲ تا ۳ سال	۱/۷۵
۳ تا ۴ سال	۲/۲۵
۴ تا ۵ سال	۲/۷۵
۵ تا ۷ سال	۳/۲۵
۷ تا ۱۰ سال	۳/۷۵
۱۰ تا ۱۵ سال	۴/۵
۱۵ تا ۲۰ سال	۵/۲۵
بیش از ۲۰ سال	۶

جدول شماره ۹: ضریب ریسک متناظر با مدت زمان باقی مانده تا سررسید

ماده ۱۸- سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار نرخ ارز برابر است با ۸٪ وضعیت باز مثبت تمامی ارزها یا قدر مطلق وضعیت باز منفی تمامی ارزها هر کدام که بیشتر باشد.

تبصره ۱- وضعیت باز مثبت تمامی ارزها عبارت است از مجموع خالص وضعیت باز مثبت ارزها که برابر مازاد معادل ریالی مجموع دارایی های مؤسسه اعتباری و تعهدات مشتریان آن به هر ارز

^{۸۷}. طی مصوبه بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۶ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ماده (۱۸) اصلاح و دو تبصره به آن اضافه گردید.

نسبت به معادل ریالی مجموع بدهی ها و تعهدات مؤسسه اعتباری به همان ارز می باشد.

تبصره ۲- وضعیت باز منفی تمامی ارزها عبارت است از مجموع خالص وضعیت باز منفی ارزها که برابر مازاد معادل ریالی مجموع بدهی ها و تعهدات مؤسسه اعتباری به هر ارز نسبت به معادل ریالی مجموع دارایی های مؤسسه اعتباری و تعهدات مشتریان آن به همان ارز می باشد.

فصل ششم - دارایی های موزون به ریسک عملیاتی

ماده ۱۹- دارایی های موزون به ریسک عملیاتی از حاصل ضرب سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک عملیاتی در عدد ۱۲/۵ (با احتساب حداقل نسبت کفایت سرمایه معادل ۸٪) محاسبه می شود.

ماده ۲۰- سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک عملیاتی برابر است با ۱۵٪ میانگین مجموع تمامی درآمدهای سه سال اخیر مؤسسه اعتباری.

فصل هفتم - الزامات کنترل داخلی و گزارشدهی

ماده ۲۱- هیأت مدیره مؤسسه اعتباری موظف است به منظور حسن اجرای این دستورالعمل، نسبت به تدوین و تصویب رویه های اجرایی داخلی مشتمل بر واحد سازمانی مسئول انجام کار، شرح وظایف آن، روش های انجام کار، نحوه ارتباط، تبادل و گردش اطلاعات مابین واحدهای سازمانی و غیره اقدام نماید.

ماده ۲۲- هیأت مدیره مؤسسه اعتباری موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این دستورالعمل سامانه اطلاعاتی حاوی مواردی نظیر اجزای سرمایه نظارتی لایه ۱ و ۲، مانده دارایی های موزون به ریسک، ضرایب ریسک، نوع، ارزش و ضرایب تعدیل وثایق حسب مفاد این دستورالعمل را به نحوی ایجاد نماید که رایحه اطلاعات مورد درخواست بانک مرکزی در هر زمان امکان پذیر باشد.

ماده ۲۳- مؤسسه اعتباری موظف است تمامی اطلاعات مربوط به سرمایه نظارتی، دارایی های موزون به ریسک و نسبت کفایت سرمایه مطابق مفاد این دستورالعمل، در مقاطع زمانی سه ماهه و حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از پایان هر سه ماه، به شیوه ای که بانک مرکزی اعلام خواهد نمود، به آن بانک گزارش نماید.

فصل هشتم - مجازات

ماده ۲۴- در صورتی که نسبت کفایت سرمایه مؤسسه اعتباری غیردولتی در مقطع تهیه صورتهای مالی از حدود مقرر در این دستورالعمل کمتر

شود، حسب مورد و با رعایت قوانین و مقررات ذی‌ربط، اقداماتی به شرح زیر اعمال می‌گردد:

۲۴-۱- چنانچه نسبت کفایت سرمایه کمتر از ۸ تا ۵ درصد باشد، هیأت‌مدیره مؤسسه اعتباری موظف است برنامه لازم جهت اصلاح ترکیب دارایی‌ها و یا افزایش سرمایه حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز کاری را به بانک مرکزی ارائه نماید. بانک مرکزی حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری برنامه مزبور را بررسی و مراتب را به مؤسسه اعتباری اعلام می‌کند. تا زمان تحقق حدود مقرر، بانک مرکزی می‌تواند حسب مورد مؤسسه اعتباری را از انجام برخی عملیات مجاز بانکی به طور موقت محروم نماید.

۲۴-۲- چنانچه نسبت کفایت سرمایه کمتر از ۵ تا ۳ درصد باشد، علاوه بر اقدامات موضوع بند (۱-۲۴)، بانک مرکزی باید یک یا چند مورد از موارد زیر را انجام دهد:

۱-۲۴-۲- کاهش حدود احتیاطی نظیر تسهیلات و تعهدات کلان و اشخاص مرتبط برای مؤسسه اعتباری؛

۲-۲۴-۲- ممنوعیت فعالیت در بازار بین بانکی؛

۳-۲۴-۲- سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیرعامل و یا یک یا چند نفر از اعضای موظف هیأت‌مدیره مؤسسه اعتباری؛

۴-۲۴-۲- پرداخت سود به سهامداران صرفاً معادل ۱۰ درصد سود ویژه سالانه قابل تقسیم مؤسسه اعتباری و ممنوعیت پرداخت پاداش به مدیران مؤسسه اعتباری.

تبصره- در صورت سلب صلاحیت حرفه‌ای هر یک از اعضای هیأت‌مدیره و یا مدیرعامل مؤسسه اعتباری، موضوع بند (۳-۲۴-۲)، اشخاص مزبور نمی‌توانند تا مدت دو سال به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره و یا مدیرعامل هیچ یک از مؤسسات اعتباری تعیین شوند.

۳-۲۴-۲- چنانچه نسبت کفایت سرمایه کمتر از ۳ درصد شود، هیأت‌مدیره مؤسسه اعتباری موظف است حداکثر ظرف مدت ۹۰ روز کاری اقدام به افزایش سرمایه نماید و در غیر این صورت، تشریفات قانونی انحلال مؤسسه را فراهم نماید. همچنین بانک مرکزی تا زمان ثبت افزایش سرمایه در مراجع ثبتی، باید مؤسسه اعتباری را از انجام یک یا چند مورد از موارد زیر منع نماید:

۱-۲۴-۳- پرداخت سود به سهامداران بیش از ۱۰ درصد سود ویژه سالانه قابل تقسیم مؤسسه اعتباری، پاداش به مدیران و افزایش حقوق کارکنان مؤسسه اعتباری؛

۲-۳-۲۴- دریافت انواع سپرده، عدم اعطای انواع تسهیلات

و عدم ایجاد انواع تعهدات؛

۳-۳-۲۴- فعالیت در بازار بین بانکی.

تبصره- در صورتی که مؤسسه اعتباری هیچکدام از اقدامات موضوع بند (۳-۲۴) را انجام ندهد مشمول مفاد ماده (۳۹) قانون پولی و بانکی کشور می‌گردد.

ماده ۲۵- چنانچه نسبت کفایت سرمایه بانکهای دولتی در مقطع تهیه صورتهای مالی، از پنجاه درصد میزان مقرر شورای پول و اعتبار کمتر شود، بانک مرکزی موظف است بلافاصله مراتب را به منظور افزایش سرمایه به هیأت وزیران گزارش نماید.

فصل نهم - سایر موارد

ماده ۲۶- این دستورالعمل از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا می‌باشد؛ چنانچه نسبت کفایت سرمایه محاسبه شده مؤسسه اعتباری در چارچوب این دستورالعمل کمتر از ۸ درصد باشد، مؤسسه اعتباری موظف است نسبت مذکور را طی یک دوره گذار پنج ساله به ۸ درصد برساند.

تبصره- در صورت عدم تحقق حد موضوع این ماده پس از دوره گذار مشمول مجازاتهای مقرر در این دستورالعمل خواهد شد.

ماده ۲۷- بانک مرکزی، در صورت نیاز و به صلاحدید خود میتواند هرکدام از ضرایب تعیین شده در این دستورالعمل و نیز روشهای محاسباتی مربوط به انواع مختلف ریسک اعتباری، عملیاتی و بازار را تغییر داده و یا تعدیل نماید.

این دستورالعمل در ۲۷ ماده و ۱۲ تبصره در یک هزار و دویست و سی و سومین جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۳ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و جایگزین آئیننامه سرمایه پایه بانکها و مؤسسات اعتباری و آییننامه کفایت سرمایه (بانکهای دولتی و غیردولتی) به ترتیب مصوب یک هزار و سیزدهمین و یک هزار و چهاردهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۷ و ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ موضوع بخشنامه های شماره مب/۱۹۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۶، مب/۱۹۶۶ و مب/۱۹۶۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۹ شورای پول و اعتبار می‌گردد.

۳- بخشنامه شماره ۹۷/۳۴۶۶۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۹ ؛ لزوم اتخاذ سازوکارهای کنترل داخلی صحیح با رویکردی پیشگیرانه جهت کاهش ریسک تقلب در بانکها و موسسات اعتباری

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام ؛

احتراما، همانگونه که مستحضرنند امروزه افزایش پیچیدگی، اندازه و تنوع کسب و کار بانکی منجر به دشوار شدن مدیریت اثربخش مؤسسات اعتباری گردیده است. در این میان حصول اطمینان از تحقق اهداف مؤسسات اعتباری از طریق ایجاد محیط کنترلی اثربخش در مؤسسات اعتباری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مراجع نظارت بانکی را بر آن داشته است تا از طریق الزام مؤسسات اعتباری به ایجاد نظام کنترل های داخلی مناسب، از اثربخشی و کارایی عملیات، اتکاپذیری گزارشات مالی و رعایت قوانین و مقررات اطمینان حاصل نمایند. پرواضح است که یکی از مهم ترین ریسک های عملیاتی که مؤسسات اعتباری موظف به مدیریت و کنترل آن می باشد، ریسک تقلب و کلاهبرداری در مؤسسات اعتباری می باشد و لذا ضروری است تا تدابیری به منظور جلوگیری از سوءاستفاده و تخلفات احتمالی کارکنان مؤسسات اعتباری اتخاذ شود. بر این اساس، لازم است سازوکارهای کنترل داخلی صحیح به گونه ای تعبیه و اجرا شود تا با رویکردی پیشگیرانه و کنترل های خودکار، به کاهش ریسک تقلب کمک نماید. با عنایت به برخی گزارشات واصله در خصوص سوءاستفاده برخی از کارمندان بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی بالاخص در سطح شعب در زمینه برداشت و نقل و انتقال غیر مجاز وجوه به حساب خود و یا اشخاص ثالث، ضروری است دستور فرمایند تا به قید فوریت تدابیری در زمینه اعمال کنترل های داخلی به منظور جلوگیری از وقوع چنین تخلفاتی اتخاذ گردد. در این خصوص لازم است، حداقل اقدامات کنترلی ذیل توسط بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی صورت پذیرد :

➤ در اسرع وقت ضوابط کنترلی و احتیاطی دقیقی در خصوص سطح دسترسی کارکنان برای نقل و انتقال وجوه در سطح شعب تدوین شده و ضمن تعیین محدوده هایی برای میزان مبلغ نقل و انتقال، در قالب سطوح جزیی، متوسط و عمده، نسبت به رصد و کنترل نقل و انتقالات بالاخص در سطوح عمده اقدام گردد و بدون اخذ تأییدیه های ضروری و کنترل های چندگانه توسط سرپرستی ها و واحدهای ستادی نقل و انتقالات در مبالغ عمده و حتی المقدور متوسط، امکان پذیر نباشد.

- ضمن نظارت و کنترل فعالیتهای کاربران در سیستم های رایانه ای، نسبت به تعیین دقیق اختیارات و سطوح مجاز دسترسی هر یک از کاربران به سیستم های رایانه ای و نرم افزارهای مالی و بانکی، اقدام مقتضی صورت گرفته و از ثبت خودکار تمامی اقدامات و دستورات صادره توسط کاربران در سیستم های نرم افزاری مورد استفاده آن بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی با توجه به اختیارات و مسئولیتهای هر یک از کاربران در ساعات اداری اطمینان حاصل گردد.
- تدابیر لازم به منظور حصول اطمینان از خاموش بودن سیستم ها در ساعات غیراداری و غیرفعال شدن تمامی دسترسیهای کاربران در ساعات غیراداری، اتخاذ شود.
- برای هر یک از شعب بر اساس درجه شعب، سقفهایی برای نقل و انتقال وجوه در نظر گرفته شود.
- برنامه دقیق و مستندی برای جابجایی کلیه کارکنان بالاحص در سطح شعب تدوین گردیده و بدون هیچ قید و شرطی اجرا گردد.
- درخصوص پذیرش گواهیهای کسر از حقوق صادره توسط دستگاههای اجرایی و سایر اشخاص حقوقی برای تسهیلاتگیرندگان یا ضامنین به عنوان تضمین، پیش از اعطای تسهیلات نسبت به احراز اصالت گواهیهای مذکور اقدام مقتضی معمول گردد.
- با عنایت به مراتب فوق، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع به تمامی واحدهای آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن نظارت به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا غنیآبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲

۴- بخشنامه شماره ۹۷/۴۵۸۲۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۸؛ ابلاغ برخی از تکالیف شبکه بانکی کشور مقرر در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک، موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما؛ بدین وسیله برخی از تکالیف شبکه بانکی کشور مقرر در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور به شرح زیر جهت استحضار و صدور دستور مقتضی اعلام می‌گردد:

➤ جزء (۱) ذیل بند (ح) تبصره (۱۲)- دستگاه‌های مشمول ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه و ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مجاز به دریافت سود از حساب‌های بانکی (حساب جاری، پشتیبان، سپرده‌گذاری کوتاه مدت، بلندمدت) مفتوح در بانک‌های دولتی و غیردولتی نیستند. در اجرای این حکم بانک‌های دولتی و غیردولتی نیز مجاز به پرداخت سود به حساب دستگاه‌های اجرایی که فاقد قوانین و مقررات برای دریافت سود هستند، نمی‌باشند. بانک‌ها، شرکت‌های بیمه دولتی، سازمان بورس و اوراق بهادار، صندوق‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و دستگاه‌های مأذون از مقام معظم رهبری و هریک از دستگاه‌های اجرایی که در قوانین و مقررات و یا اساسنامه مجاز به دریافت سود می‌باشند، از شمول این حکم مستثنی هستند.

➤ بند (و) تبصره (۱۶)- به منظور تشویق تولیدکنندگان و تسویه مطالبات بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری چنانچه مشتریان بدهی معوق خود را که تا پایان سال ۱۳۹۶ سررسید شده باشد از تاریخ سررسید تا پایان شهریورماه ۱۳۹۷ تسویه نمایند، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری مکلفند اصل و سود خود را مطابق قرارداد اولیه و بدون احتساب جریمه دریافت و تسویه نمایند.

➤ بند (الف) تبصره (۲۰)- در اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، تمامی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله بانک‌ها و شرکت‌های دولتی، مکلفند در سال ۱۳۹۷ نسبت به استقرار یا تکمیل سامانه (سیستم) حسابداری قیمت تمام‌شده اقدام نمایند.

خواهشمند است دستور فرمایند ضمن تمهید مقدمات اجرای موارد مطروحه، مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط آن بانک/ مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

عبدالمهدی
ارجمندنژاد

حمیدرضا غنی‌آبادی

۳۸۱۶

۳۲۱۵-۰۲

۵- بخشنامه شماره ۹۷/۷۶۱۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۷؛ جدول سقف قابل پرداخت و حد اکثر مدت بازپرداخت انواع قرض الحسنه اعطایی با عنایت به قوانین و مقررات مربوط

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک، موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزولا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که مستحضر میباشند رشد روزافزون تقاضا برای تسهیلات قرض الحسنه و نیز طیف وسیع زمینه های مصرف تسهیلات مذکور در قوانین و مقررات مختلف از جمله قانون عملیات بانکی بدون ربا و ضوابط اجرایی آن، قوانین برنامه پنج ساله توسعه و قوانین بودجه سنواتی، موجب شده در حال حاضر برای تسهیلات قرض الحسنه، سقفها، مدت های بازپرداخت و شرایط مختلفی با توجه به زمینه مصرف آن، در نظام بانکی مبنای عمل باشد. این مهم بعضا سبب ایجاد ابهام و پرسش و به تبع آن، مکاتبات و استعلام های متعدد از این بانک شده است. بدین منظور و نیز با هدف ایجاد وحدت رویه در این زمینه و تنقیح و یکپارچگی شرایط مختلف انواع قرض الحسنه اعطایی توسط بانکها، موسسات اعتباری غیربانکی و صندوق های قرض الحسنه وابسته به بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، مراتب در دستور کار این بانک قرار گرفت و نتیجه بررسی ها در اولین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۶ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطرح و اتخاذ تصمیم شد و به شرح جدول زیر، سقف قابل پرداخت و حد اکثر مدت بازپرداخت انواع قرض الحسنه اعطایی با عنایت به قوانین و مقررات مربوط احصاء گردید:

نوع	موضوع	حد اکثر مبلغ (میلیون %)	حد اکثر مدت بازپرداخت (ماه)
۱	تسهیلات قرض الحسنه از واج و تهیه جهیزیه	۱۵۰	۶۰
۲	شرکت های تولیدی؛ موضوع بند (ل) ماده (۴) دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی	۲۰۰	۶۰
۳	کارگاه ها و واحدهای تولیدی و صنعتی؛ موضوع اجزای (۱) الی (۵) بند (ب) ماده (۲) دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی	۲۰۰	۶۰
۴	اشخاص فعال در بخش کشاورزی و دامپروری؛ موضوعات به علت بروزه و امل نامساعد طبیعی نظیر سیل، زلزله، یخبندان، سرما، آفات نباتی و سایر موارد اضطراری مشابه دچار ضرر و زیان شده اند؛ موضوع جز (۶) بند (ب) ماده (۴) دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی	۲۰۰	۶۰
۵	تأمین هزینه های تعمیرات مسکن؛ موضوع جزء (۴) بند (ج) ماده (۴) دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی	۱۰۰	۳۶
۶	تأمین هزینه های ایجاد مسکن؛ موضوعات؛ موضوع جزء (۶) بند (ج) ماده (۴) دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی	۲۰۰	۶۰
۷	سایر نیازهای ویژه و ماندگرمک به هزینه های تحصیل، درمان، حمام و ستایی	۱۰۰	۳۶
۸	تسهیلات اشتغالزایی مدجول و کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازم ن بهزیستی (سقف فوقی)	۲۰۰	۶۰
۹	تسهیلات اشتغالزایی مدجول و کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازم ن بهزیستی (سقف کلی کارفرمایی برای ۵ نفر)	به ازای هر نفر ۲۰۰ میلیون تا سقف ۱۰۰۰ میلیون	۶۰
۱۰	تسهیلات اشتغالزایی مشاغل خانگی (سقف فوقی)	۲۰۰	۶۰

۶۰	به ازای هر نفر ۶ میلیون تا سقف ۱۰۰۰ میلیون	تسهیلات اشتغالزایی مشاغل خانگی (سقف کلی پشتیبان برای ۱۵ نفر)	۱۱
۳۶	۵۰	تسهیلات در اختیار بانک مرکزی برای افراد نیازمند معرفی شده از سوی ریاست جمهوری	۱۲
۲۱۵	۲۰۰۰	ستاد دیه (برای زندانیان معسر)	۱۳
۶۰	۲۰۰	تسهیلات مربوط به جانبازان - ضوابط (ب) ماده (۸۹) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران	۱۴

با عنایت به مراتب فوق، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط آن بانک/ مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید. به نحوی که از این پس، سقف و زمان های مندرج در جدول فوق الذکر در اعطای قرض الحسنه و انعقاد قرارداد های مربوط مدنظر قرار گیرد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا غنی آبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲

۶- بخشنامه شماره ۹۷/۹۳۸۹۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۳؛ ابلاغ نسخه بازنگری شده
دستورالعمل حساب جاری (ریالی)

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که مستحضرنند "دستورالعمل حساب جاری" در یک هزار و یکصد و چهل و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید و طی بخشنامه شماره ۹۱/۵۹۹۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۳/۸ به شبکه بانکی کشور ابلاغ شد. صرفنظر از اصلاح ماده (۱۸) دستورالعمل مزبور در سال ۱۳۹۳، برخی مواد آن دستورالعمل به موجب آراء صادره از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اصلاح گردید که این تغییرات منجر به بروز برداشتهای متفاوت و بعضا ظهور ابهاماتی ناشی از شکلگیری وضعیت حقوقی جدید برای شبکه بانکی و صاحبان حساب سپرده قرض الحسنه جاری نزد بانکها شد. از این رو بازنگری در مقررات افتتاح حساب جاری با توجه به مکاتبات و بازخوردهای واسطه از شبکه بانکی کشور در این خصوص و نیز با در نظر گرفتن وضعیت حقوقی شکل گرفته ناشی از آراء صادره توسط دیوان عدالت اداری، در دستورکار قرار گرفت و پس از برگزاری جلسات متعدد کارشناسی و استفاده از نظرات دست اندرکاران و کارشناسان امر و نمایندگان دستگاه های اجرایی ذیربط، اصلاحیه دستورالعمل مزبور تهیه شد. رویکرد غالب در تدوین نسخه جدید دستورالعمل حساب جاری، تغییرات حداقلی و همچنین برخی مساعدتها در خصوص اخذ دسته چک نسبت به مشتریان با شرایط خاص و در آخر حذف بعضی بخشها با رویکرد ساده سازی ضوابط که ضرورتی برای اشاره به آنها در دستورالعمل مبحث عنه وجود نداشت، بوده است. بر این اساس عمده تغییرات و اصلاحات صورت گرفته در مفاد دستورالعمل اخیرالذکر، به شرح زیر است:

۱- امکان افتتاح حساب جاری بدون دسته چک (در چهارچوب ماده ۲۱ قانون صدور چک) برای اشخاص حقیقی و حقوقی متقاضی که فاقد شرایط اخذ دسته چک بر اساس مفاد مربوط در این دستورالعمل و محدودیتهای موجود می باشند؛

۲- امکان مساعدت و اعطای دسته چک به مشتری (عمدتا بنگاه های اقتصادی و واحدهای تولیدی) که خارج از اراده و کنترل خود و به دلیل شرایط بیرونی دارای چک برگشتی رفع سوء اثر نشده است، با تحقق شرایطی که در دستورالعمل تعیین شده است؛

۳- تکلیف بانکها به ارسال فوری اطلاعات مربوط به گواهی نامه عدم پرداخت صادره چک به سامانه های اطلاعاتی بانک مرکزی، به محض صدور گواهی نامه مزبور و حذف مهلت ۱۰ روزه فعلی؛

در پایان ضمن ایفاد نسخه ای از دستورالعمل جدید حساب جاری و اعلام این که دستورالعمل یاد شده در قالب ۲۳ ماده و ۱۳ تبصره در یک هزار و دویست و چهل و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۳/۱ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده است و با ابلاغ آن، بخشنامه های قبلی مغایر در این رابطه منسوخ و غیرقابل استناد است، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط در آن بانک ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و	
مبارزه با پولشویی	
اداره مطالعات و مقررات بانکی	
عبدالمهدی	حمیدرضا غنی آبادی
ارجمندنژاد	
۳۲۱۵-۰۲	۳۸۱۶

دستورالعمل حساب جاری (ریالی)

مقدمه :

با استناد به بند (۸) از ماده (۱۴) «قانون پولی و بانکی کشور» و با لحاظ جزء (۱) بند (الف) ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، «قانون صدور چک» و سایر قوانین و مقررات مربوطه، «دستورالعمل حساب جاری (ریالی)» که از این پس به اختصار «دستورالعمل» نامیده می‌شود، به شرح زیر تصویب می‌گردد :

فصل اول- تعاریف

ماده ۱- در این دستورالعمل عناوین زیر به جای عبارات مربوط به کار می‌رود :

- ۱-۱- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲-۱- بانک: مؤسسه اعتباری است که به موجب قانون تحت عنوان «بانک» فعالیت می‌نماید و یا تحت عنوان «بانک» از بانک مرکزی مجوز تأسیس یا فعالیت دریافت کرده است و تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌نماید؛
- ۳-۱- حساب جاری: حسابی است که بانک براساس قرارداد منعقد شده با متقاضی، به منظور قبول سپرده قرض‌الحسنه جاری به «د»، افتتاح می‌نماید؛
- ۴-۱- حساب جاری مشترک: حساب جاری است که بنا به درخواست دو یا چند شخص متقاضی افتتاح می‌شود؛
- ۵-۱- متقاضی: شخص حقیقی یا حقوقی است که درخواست وی مبنی بر افتتاح حساب جاری به بانک ارائه می‌شود؛
- ۶-۱- مشتری: به شخص حقیقی یا حقوقی دارنده حساب جاری اطلاق می‌گردد؛
- ۷-۱- چک برگشتی: چکی است که برای آن گواهی‌نامه عدم پرداخت تمام یا بخشی از وجه آن صادر شده است؛
- ۸-۱- سابقه چک برگشتی: اطلاعات مربوط به چک برگشتی رفع سوء اثر نشده‌ای است که در سامانه اطلاعاتی بانک مرکزی موجود می‌باشد؛
- ۹-۱- بدهی غیرجاری: بدهی اشخاص به بانکها و یا مؤسسات اعتباری غیربانکی که در طبقه مطالبات سررسید گذشته، معوق و یا مشکوک‌الوصول قرار دارد؛

۱-۱۰- چک عمومی (omnibus): سند برداشتی است که توسط بانک جهت برداشت از حساب جاری مشتری، طبق شرایط خاص مقرر در این دستورالعمل، ارایه می‌گردد و قابلیت ظهرنویسی ندارد.

فصل دوم - شرایط افتتاح حساب جاری بدون دسته چک برای شخص حقیقی
ماده ۲- بانک می‌تواند با رعایت موارد زیر مبادرت به افتتاح حساب جاری بدون دسته چک برای شخص حقیقی نماید:

۱-۲- داشتن حداقل ۱۸ سال تمام شمسی یا صدور حکم رشد از دادگاه صالحه؛

۲-۲- حصول اطمینان از رعایت مفاد ماده (۲۱) "قانون صدور چک"؛
۳-۲- معرفی فردی به عنوان وکیل/نماینده قانونی برای اشخاصی که به هر نحو قادر به امضای چک نمی‌باشند.

تبصره- اعطای دسته چک صرفاً منوط به رعایت مفاد فصل چهارم این دستورالعمل می‌باشد.

فصل سوم - شرایط افتتاح حساب جاری بدون دسته چک برای شخص حقوقی
ماده ۳- بانک می‌تواند با رعایت موارد زیر مبادرت به افتتاح حساب جاری بدون دسته چک برای شخص حقوقی نماید:

۱-۳- دارا بودن شرایط افتتاح حساب جاری بدون دسته چک موضوع ماده (۲)، برای مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره شخص حقوقی، صاحبان امضاء مجاز و همچنین اشخاص حقیقی که به نمایندگی از سایر اشخاص حقوقی در هیأت مدیره عضو می‌باشند؛

۲-۳- معرفی فردی به عنوان وکیل/نماینده قانونی برای افراد دارای امضای مجاز از سوی شخص حقوقی که به هر نحو قادر به امضای چک نمی‌باشند؛

۳-۳- شخص حقوقی باید در داخل کشور و در مرجع ثبتی به ثبت رسیده و یا "شرکت در شرف تأسیس" باشد؛

۴-۳- ارایه مستندات مثبت، در خصوص تأسیس و همچنین اختیارات و وظایف قانونی صاحبان امضای مجاز شخص حقوقی که به موجب قوانین خاص ایجاد شده و نیاز به ثبت در مرجع ثبتی ندارد؛

۵-۳- ارایه تأییدیه از وزارت امور خارجه برای سفارتخانه‌ها.
تبصره- اعطای دسته چک صرفاً منوط به رعایت مفاد فصل چهارم این دستورالعمل می‌باشد.

فصل چهارم: شرایط اعطای دسته چک به مشتری

ماده ۴- اعطای دسته چک به مشتری دارای سابقه چک برگشتی رفع سوء اثر نشده، بدهی غیرجاری یا سوخت شده — مطابق مقررات طبقه بندی دارایی ها، ذخیره گیری و حذف مطالبات لایوصول از دفاتر مؤسسات اعتباری — و همچنین مشمولین موضوع ماده (۷) "قانون صدور چک"، ممنوع است.

ماده ۵- اعطای دسته چک به اشخاص حقوقی که مدیرعامل، اعضای هیأت مدیره، اشخاص حقیقی نماینده سایر اشخاص حقوقی عضو هیأت مدیره و امضاءکنندگان مجاز آن دارای سابقه چک برگشتی و یا بدهی غیرجاری یا سوخت شده می باشند، ممنوع است.

ماده ۶- در شرایط خاص، اعطای دسته چک به مشتری که خارج از اراده و کنترل خود و به دلیل شرایط بیرونی دارای چک برگشتی رفع سوء اثر نشده است، با تأیید هیأت مدیره بانک و حداکثر برای یک بار منوط به تحقق شرایط ذیل امکان پذیر است:

۶-۱- مشتری دارای اظهارنامه مالیاتی ثبت شده نزد مرجع مالیاتی باشد؛

۶-۲- مشتری دارای فهرست واریز حق بیمه، ثبت شده نزد سازمان تأمین اجتماعی باشد؛

۶-۳- اعطای دسته چک موجب تسهیل در تداوم فعالیت و پیشگیری از تعطیلی واحد اقتصادی مربوط گردد؛

۶-۴- اعطای دسته چک موجب حفظ اشتغال و جلوگیری از تعدیل نیروی انسانی شاغل در واحد اقتصادی مربوط گردد.

تبصره- در شرایط ذکر شده در ماده فوق درخواست مربوط باید به انضمام مصوبه هیأت مدیره و مستندات توجیهی به امضای مدیر عامل بانک برای بانک مرکزی ارسال گردد. بانک مرکزی نسبت به تمهید شرایط مقتضی برای اعطای دسته چک به مشتری اقدام می نماید.

ماده ۷- اعطای دسته چک به مشتری که حساب جاری وی به دلایل قانونی یا حسب تصمیم مرجع قضایی مسدود گردیده و برداشت از آن ممنوع است، مجاز نیست.

تبصره- در مواردی که صرفاً بخشی از موجودی حساب جاری مشتری مسدود شده و برداشت مابقی موجودی حساب جاری وی امکان پذیر است، اعطای دسته چک به مشتری بلامانع می باشد.

ماده ۸- اعطای دسته چک جدید منوط به بازگشت تمامی برگه های دسته چک های

قبلی و حداقل $\frac{4}{5}$ از برگه های آخرین دسته چک مشتری به بانک خواهد

بود.

تبصره- در موارد خاص، اعطای دسته چک، با تأیید مقامات ذیصلاح بانک بنا به انتخاب هیأت مدیره که نباید از مدیر/رئیس شعب استان/منطقه پایین تر باشد، از رعایت مفاد این ماده مستثنی می باشد.

ماده ۹- بانک موظف است در خصوص شیوه درخواست صدور دسته چک، نحوه استقرار سامانه متمرکز بانک مرکزی و برقراری ارتباط با آن سامانه به منظور هویت سنجی، ثبت اطلاعات و شخصی سازی، چاپ و ارسال دسته چک، در چهارچوب سازوکار اعلامی بانک مرکزی اقدام نماید.

فصل پنجم: شرایط عدم پرداخت وجه چک و صدور گواهی نامه عدم پرداخت
ماده ۱۰- بانک در موارد زیر، مجاز به پرداخت وجه چک نبوده و با درخواست دارنده چک موظف به صدور گواهی نامه عدم پرداخت می باشد:
۱۰-۱- عدم کفایت موجودی حساب جاری و عدم امکان تأمین وجه چک از محل سایر حساب ها به شرح مندرج در بندهای ۱۷-۵ و ۱۷-۶ این دستورالعمل؛

۱۰-۲- عدم انطباق امضای مندرج در چک با نمونه امضای معرفی شده توسط مشتری یا وکیل/نماینده قانونی وی در حدود عرف بانکی؛

۱۰-۳- تشخیص هرگونه اختلاف در مندرجات چک در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط؛

۱۰-۴- صدور دستور عدم پرداخت توسط مشتری یا ذینفع یا قائم مقام قانونی وی، در چهارچوب ماده (۱۴) "قانون صدور چک"؛

۱۰-۵- بسته بودن حساب جاری یا انسداد بخشی از/تمامی موجودی آن از جمله به موجب قانون، دستور مرجع قضایی یا به دستور مشتری و عدم امکان تأمین وجه چک از محل سایر حساب ها به شرح مندرج در بندهای ۱۷-۵ و ۱۷-۶ این دستورالعمل به گونه ای که امکان پرداخت وجه چک بطور کامل میسر نباشد.

۱۰-۶- قلم خوردگی در متن چک (در صورت فقدان ظهرونیسی مرتبط با تصحیح قلم خوردگی)؛

۱۰-۷- سایر موارد به موجب قوانین و مقررات موضوعه.

تبصره- چنانچه حساب جاری که عهده آن چک صادر شده است دارای موجودی کافی و یا قابل برداشت نباشد، بانک موظف است در صورت درخواست دارنده چک، اقدام به پرداخت موجودی قابل برداشت نموده و برای باقیمانده آن، گواهینامه عدم پرداخت صادر نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بیهمل محسوب شده و گواهینامه عدم پرداخت صادره در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک خواهد بود.

فصل ششم: نحوه رفع سوءاثر از سوابق چکهای برگشتی

ماده ۱۱- در صورت تحقق هر یک از موارد زیر و پرداخت کارمزد مربوطه از سوی مشتری، بانک نسبت به رفع سوءاثر از سوابق چکهای برگشتی اقدام مینماید:

۱۱-۱- تأمین موجودی: واریز مبلغ کسری موجودی به حساب جاری و دریافت مبلغ مزبور توسط ذینفع چک؛

۱۱-۲- راییه لاشه چک برگشتی: راییه لاشه چک برگشتی به بانک و دریافت رسید در قبال آن؛

۱۱-۳- راییه رضایتنامه و اقرارنامه محضری ذینفع چک به بانک در صورت عدم امکان راییه لاشه چک برگشتی به بانک بنا به دلایلی نظیر مفقود شدن، به سرقت رفتن و سوختن: اخذ رضایتنامه محضری به انضمام اقرارنامه مشتمل بر عدم واگذاری چک به شخص ثالث از ذینفع چک (شخصی که گواهینامه عدم پرداخت وجه چک به نام او صادر شده است) و راییه آنها به بانک.

تبصره ۱- چنانچه ذینفع چک، شخص حقوقی دولتی و یا مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی باشد، میتواند با راییه نامه رسمی، رضایت خود را اعلام نموده و بانک با دریافت رضایتنامه مزبور، نسبت به رفع سوءاثر از چک موردنظر اقدام مینماید.

تبصره ۲- چنانچه ذینفع چک، شخص حقوقی غیردولتی باشد، بانک با دریافت رضایتنامه محضری صاحبان امضای مجاز یا وکیل شخص حقوقی مزبور، نسبت به رفع سوءاثر از چک موردنظر اقدام مینماید.

۱۱-۴- واریز مبلغ چک به حساب جاری و مسدود نمودن آن به مدت ۲۴ ماه: واریز معادل کسری موجودی به حساب جاری و راییه درخواست مسدود شدن وجه مزبور برای پرداخت چک برگشتی به مدت ۲۴ ماه و یا تا زمان رفع سوءاثر از چک برگشتی به یکی از طرق مندرج در این ماده، هرکدام که زودتر واقع شود، مشروط به آنکه حساب جاری مشتری نزد شعبه مفتوح بوده و مسدود نشده باشد.

تبصره - در این شرایط بانک موظف است به محض مسدود نمودن وجه مزبور نسبت به رفع سوءاثر از سابقه چک برگشتی اقدام نموده و ظرف مدت پنج روز کاری، طی نامه ای تأمین وجه چک را به اطلاع شخصی که گواهی نامه عدم پرداخت به نام وی صادر شده است، برای مراجعه به بانک و دریافت وجه چک، برساند.

۵-۱۱- ارایه حکم، قرار و یا دستور مقام قضایی مبنی بر رفع سوءاثر از سوابق چک برگشتی یا ارایه نامه رسمی از سوی واحد اجرای احکام مرجع قضایی مبنی بر پرداخت مبلغ چک؛

۶-۱۱- ارایه نامه از مرجع ثبتی ذیصلاح مبنی بر اجرای چک (با ذکر مشخصات اصلی چک) و بلامانع بودن رفع سوءاثر از آن؛

ماده ۱۲- بانک موظف است بلافاصله پس از صدور گواهی نامه عدم پرداخت، اطلاعات مربوط به گواهی نامه مزبور را به سامانه اطلاعاتی بانک مرکزی ارسال نماید. در صورت عدم رفع سوءاثر از چک برگشتی ظرف مدت ده روز کاری، بانک مرکزی موظف است اطلاعات مربوط به گواهی نامه عدم پرداخت را از طریق سامانه های مربوط، در دسترس بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی قرار دهد.

تبصره- بانک مرکزی موظف است اطلاعات موضوع این ماده را از طریق درج در سامانه استعلام همگانی موضوع این دستورالعمل، در دسترس عموم قرار دهد.

ماده ۱۳- بانک مکلف است بنا به درخواست مشتری و به منظور آگاهی وی از سوابق چکهای برگشتی خود در سامانه اطلاعاتی بانک مرکزی، اقدام به ارایه صورت کامل تعداد و مشخصات چکهای برگشتی وی نماید.

فصل هفتم: برداشت و انتقال از حساب جاری و بستن آن

ماده ۱۴- برداشت از حساب جاری با استفاده از "چک عمومی" صرفاً در صورت تحقق تمامی شرایط ذیل و حداکثر به تعداد سه بار در طول مدت یک سال مجاز است:

۱-۱۴- مشتری، دسته چک خود را همراه نداشته باشد و استفاده از دیگر ابزارهای برداشت مجاز نیز امکانپذیر نباشد؛

۲-۱۴- منع قانونی جهت برداشت از حساب جاری وجود نداشته باشد؛

۳-۱۴- تقاضای برداشت از حساب جاری صرفاً توسط مشتری، وکیل و یا نماینده قانونی وی و به صورت حضوری ارایه شود؛

۴-۱۴- شناسایی مشتری به طور دقیق و در چارچوب مقررات مربوط انجام شود؛

ماده ۱۵- برداشت و یا انتقال از حساب جاری می‌تواند از طریق چک، کارت‌های الکترونیکی و یا سایر ابزارهای مجاز که به تأیید بانک مرکزی می‌رسد، انجام پذیرد.

ماده ۱۶- بانک ملزم است در موارد ذیل نسبت به بستن حساب جاری مشتری اقدام نماید:

۱-۱۶- تحقق مفاد ماده (۲۱) "قانون صدور چک"؛

۲-۱۶- دریافت درخواست مکتوب مشتری یا وکیل/نماینده قانونی وی مبنی بر بستن حساب جاری؛

تبصره- مسئولیت ناشی از وجود چک‌های در گردش مشتری بر عهده وی می‌باشد.

فصل هشتم: نکات لازم الرعایه در قرارداد حساب جاری

ماده ۱۷- قرارداد حساب جاری باید حداقل، موارد زیر را در برگیرد:

۱-۱۷- مسئولیت‌های صاحب/صاحبان حساب درخصوص به هنگام نمودن اطلاعات ضروری (از جمله اطلاعات لازم برای شناسایی کافی و دسترسی به وی/آن‌ها مانند تغییر نشانی و شماره تلفن)؛

۲-۱۷- مسئولیت‌های صاحب/صاحبان حساب یا وکیل/نماینده قانونی وی/آن‌ها در قبال حفظ و نگهداری از دسته چک دریافتی و اقداماتی که در صورت مفقود شدن یا به سرقت رفتن آن، به عهده صاحب/صاحبان حساب و یا وکیل/نماینده قانونی وی/آن‌ها می‌باشد؛

۳-۱۷- شرایط لازم برای اعطای دسته چک، مندرج در فصل چهارم این دستورالعمل؛

۴-۱۷- وظایف و مسئولیت‌های بانک در مورد تشخیص اصالت چک و شناسایی دارندة آن (در چارچوب مقررات موجود)، هنگام پرداخت وجه چک؛

۵-۱۷- در صورت کافی نبودن موجودی حساب جاری انفرادی مشتری، تکلیف بانک به پرداخت وجه چک از محل موجودی قابل برداشت مشتری در سایر حساب‌های انفرادی ریالی وی در همان بانک به ترتیب اولویت از حساب جاری (برای اشخاص حقوقی)، حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز، حساب سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و حساب سرمایه‌گذاری بلندمدت؛

۶-۱۷- در صورت کافی نبودن موجودی حساب جاری مشترک، تکلیف بانک به پرداخت وجه چک از محل موجودی قابل برداشت حساب‌های انفرادی ریالی هر یک از صاحبان حساب مشترک در همان بانک

- به ترتیب اولویت از حساب جاری، حساب قرض الحسنه پس انداز، حساب سرمایه گذاری کوتاه مدت و حساب سرمایه گذاری بلندمدت؛
- ۷-۱۷- شرایط ذکر شده در فصل پنجم این دستورالعمل که به موجب آن بانک باید از پرداخت بخشی از/تمامی وجه چک خودداری نماید؛
- ۸-۱۷- اخذ رضایت از مشتری مبنی بر این که بانک مرکزی مجاز است اطلاعات مربوط به سابقه چک برگشتی مشتری را در اختیار دیگران قرار دهد و مشتری حق هرگونه اعتراضی را در این خصوص از خود سلب می کند؛
- ۹-۱۷- شرایط مسدود نمودن حساب، مسدود نمودن بخشی از/تمامی موجودی حساب، غیرفعال نمودن حساب و همچنین بستن حساب؛
- ۱۰-۱۷- شرایط ناظر بر چگونگی برداشت و انتقال از حساب جاری انفرادی و یا مشترک، موارد خاص در برداشت از حساب جاری انفرادی و یا مشترک و تقسیم موجودی حساب بین صاحبان حساب جاری مشترک در زمان بسته شدن حساب؛
- ۱۱-۱۷- شرایطی که به موجب آن، بانک مجاز به افشای اطلاعات هویتی فرد یا افرادی است که چک را ظهرونیسی نموده اند؛
- ۱۲-۱۷- شیوه رایحه یا ارسال صورت حساب برای مشتری و مقاطع زمانی آن؛
- ۱۳-۱۷- شیوه اطلاع رسانی مشتری به بانک در خصوص تغییرات اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل و صاحبان امضای مجاز شخص حقوقی و یا عزل یا استعفای وکیل/نماینده قانونی و نیز اعمال هرگونه تغییر در حدود اختیارات وی؛
- ۱۴-۱۷- اختیار بانک در زمینه برداشت وجوه واریزی به حساب مشتری ناشی از عملکرد اشتباه بانک؛
- ۱۵-۱۷- تعیین نحوه اطلاع رسانی به مشتری در خصوص وجوه واریزی به حساب وی ناشی از عملکرد اشتباه بانک در صورت عدم امکان برداشت وجه از حساب مشتری، تعیین مهلت زمانی برای واریز این وجوه که در هر صورت کمتر از سه روز کاری نخواهد بود و تعیین میزان، شرایط و شیوه استرداد وجوه مزبور و خسارات وارده به بانک در فرض عدم واریز وجوه در مهلت مقرر از سوی مشتری؛
- ۱۶-۱۷- ضرورت آگاهی متقاضی از مفاد "قانون صدور چک" و اصلاحیه های پس از آن؛
- ۱۷-۱۷- مسئولیت مشتری در قبال چک های در گردش در صورتی که مشتری اقدام به بستن حساب جاری خود نماید؛

۱۷-۱۸- قرارداد منعقد، در هر زمان از قوانین و مقررات جاری آن
زمان تبعیت می نماید.

تبصره- بانک موظف است نسخه ای از قرارداد حساب جاری منعقد، با
مشتری را در اختیار وی قرار دهد.

فصل نهم: سایر الزامات ناظر بر حساب جاری

ماده ۱۸- رایحه ابزارهای پرداخت از جمله دسته چک برای حساب افتتاح شده
برای "شرکت در شرف تأسیس" ممنوع بوده و برداشت و انتقال از
حساب مزبور تا زمان رایحه روزنامه رسمی حاکی از ثبت شرکت و یا
وقوع ماده (۱۹) "لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت"،
امکان پذیر نمی باشد.

ماده ۱۹- بانک موظف است الزامات ذیل را در خصوص حساب جاری رعایت
نماید:

۱-۱۹- به منظور مدیریت مؤثر مخاطراتی که ممکن است از ناحیه حساب
جاری متوجه بانک شود، بانک مکلف است الزامات مذکور در
"قانون مبارزه با پولشویی"، "قانون مبارزه با تأمین مالی
تروریسم"، آیین نامه ها، دستورالعمل ها و بخشنامه های مرتبط
با آن و همچنین "آیین نامه مدت و طرز نگا ه داری اوراق
بازرگانی، اسناد و دفاتر مؤسسات اعتباری" و "مدیریت ریسک"
را به طور دقیق رعایت نماید؛

۲-۱۹- شرایط قرارداد و کارت نمونه امضاء باید در حضور متصدی
افتتاح حساب جاری به امضای متقاضی یا وکیل/نماینده قانونی
وی رسانده شود؛

۳-۱۹- بانک مرکزی موظف به استقرار سامانه اطلاعاتی برای ثبت
اطلاعات چک برگشتی می باشد و بانک ملزم است که اطلاعات
گواهی نامه عدم پرداخت چک برگشتی را مطابق با ضوابط اعلام
شده توسط بانک مرکزی، به سامانه اطلاعاتی فوق ارسال کند؛
تبصره- در صورت صدور گواهی نامه عدم پرداخت برای اشخاص حقوقی،
بانک موظف است علاوه بر ارسال اطلاعات مربوط به شخص حقوقی به
سامانه اطلاعاتی بانک مرکزی، اطلاعات مربوط به امضاءکننده چک،
مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره شخص حقوقی و شخص حقیقی نماینده
اشخاص حقوقی هیأت مدیره را نیز به سامانه مذکور ارسال نماید.
اعمال محدودیت های مربوط به صدور دسته چک برای امضاءکننده چک،
مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره شخص حقوقی و شخص حقیقی نماینده
اشخاص حقوقی هیأت مدیره موضوع این تبصره، صرفاً تا پایان تصدی
سمت آنها اعمال خواهد شد.

۴-۱۹- بانک هنگام پرداخت وجه چک، ملزم به رعایت مقررات مبارزه با پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم در خصوص احراز هویت ارایه دهنده چک می باشد و باید شماره ملی، شناسه ملی و یا حسب مورد شماره فراگیر یا شماره گذرنامه اشخاص خارجی ارایه دهنده چک را در سامانه های اطلاعاتی خود ثبت نماید؛

۵-۱۹- بانک مجاز به افتتاح و نگهداری بیش از یک حساب جاری ریالی انفرادی و یک حساب جاری ریالی مشترک برای هر شخص حقیقی نمی باشد؛ افتتاح حساب ویژه موضوع «دستورالعمل اجرایی ماده (۲۱) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» از حکم این بند مستثنی است؛

۶-۱۹- از تاریخ لازم الاجرا شدن این دستورالعمل، بانک باید هنگام اعطای دسته چک به مشتری، مفاد این دستورالعمل را به اطلاع وی رسانده و در صورت مغایرت مفاد قرارداد افتتاح حساب جاری فی مابین مشتری و بانک با مفاد این دستورالعمل، قرارداد جدید منعقد و یا به قرارداد قبلی الحاقیه منضم نماید. در صورت استنکاف مشتری از پذیرش انعقاد قرارداد جدید یا منضم نمودن الحاقیه به قرارداد قبلی، بانک موظف است از اعطای دسته چک به مشتری خودداری کند؛

۷-۱۹- بانکها به هیچ وجه مجاز به نگهداری حساب های جاری غیرمتمرکز نمی باشند؛

ماده ۲۰- افتتاح حساب جاری برای اشخاص خارجی تابع «دستورالعمل اجرایی افتتاح حساب سپرده ریالی برای اشخاص خارجی» است. مواردی که در دستورالعمل مزبور ذکر نشده، تابع مفاد این دستورالعمل می باشد.

ماده ۲۱- بانک موظف است الزامات مربوط به متحدالشکل کردن برگه های چک را مطابق با ضوابط ابلاغی بانک مرکزی رعایت نماید.

ماده ۲۲- بانک موظف است به منظور رعایت مفاد این دستورالعمل، نسبت به طراحی و ایجاد کنترل های داخلی لازم اقدام نماید.

فصل دهم: مجازات های انتظامی

ماده ۲۳- بانک موظف به رعایت کامل مفاد این دستورالعمل بوده و در صورت تخلف، مشمول مجازات های انتظامی می گردد. در هر صورت مسئولیت عدم رعایت یا تخطی از مقررات این دستورالعمل با هیأت مدیره هر بانک است.

«دستورالعمل حساب جاری (ریالی)» در ۲۳ ماده و ۱۳ تبصره در یک هزار و دویست و چهل و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید و پس از ابلاغ آن به بانکها، لازم الاجرا می باشد.

۷- بخشنامه شماره ۹۷/۹۶۷۷۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۷؛ ابلاغ دستورالعمل

شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که مستحضرنند؛ یکی از اهداف بنیادین گزار شگری مالی نمایان ساختن جنبه های مختلف توان سود آوری واحد تجاری است. چرا که از جمله مواردی که همواره مورد توجه خاص استفاده کنندگان از صورت های مالی قرار دارد، سود واحد گزار شگر است. لذا صحت محاسبه سود از مهمترین مسایل مطروحه در حسابداری است. در این میان، شناسایی صحیح و درست درآمدها و هزینه ها، تأثیری مستقیم بر صحت محاسبه سود بنگاه اقتصادی خواهد داشت. با این وجود و به رغم اهمیت درآمدها و متعاقبا تعیین عملکرد مالی شرکت، تاکنون پیرامون ماهیت، اندازه گیری، زمان بندی شناسایی و توقف درآمد انواع معاملات و رویدادهای مالی اتفاق نظری بین صاحب نظران حرفه حسابداری به وجود نیامده است. به گونه ای که استاندارد گذاران در وضع استاندارد های مربوط به شناسایی درآمد صرفا به بیان قالب قواعد و احکام کلی و عام بسنده نموده و ادامه فرایند شناسایی درآمد و یا توقف آن و نیز تطبیق انواع رویدادها با قواعد تعیین شده را موکول به قضاوت حرفه ای حسابداران نموده اند.

بدیهی است در میان بنگاه های اقتصادی موجود در بازارهای مالی، بانکها و مؤسسات اعتباری از آن حیث که عملکرد آنها تأثیر قابل ملاحظه ای بر وضعیت کلان اقتصاد کشور دارد، واجد اهمیت ویژه ای است. به تناسب اهمیت جایگاه و عملکرد مؤسسات مذکور، شیوه حسابداری و نحوه ثبت و ضبط رویدادهای مالی آنها و به طور خاص ثبت و ضبط درآمدهای ناشی از فعالیت های آن مؤسسات، از حساسیت ویژه ای برخوردار است. این مهم در کشورمان که عملیات بانکداری آن بر قانون عملیات بانکی بدون ربا استوار است، از اهمیت افزونتری برخوردار می باشد. چه آن که، در نظام بانکداری بدون ربا، صحت و اعتبار معاملات مؤسسات اعتباری، در چارچوب عقود اسلامی و مستلزم وقوع فعالیت در عرصه واقعی اقتصاد می باشد و این موضوع عملیات حسابداری آنها را متأثر می سازد. لذا ذینفعان بانکهای اسلامی اعم از سپرده گذاران و سهامداران همواره دغدغه صحت شرعی درآمدهای مکتسبه ناشی از عملیات و خدمات بانکی را داشته و از بانکداری اسلامی عملکردی مطابق با احکام شرع مقدس را انتظار دارند. براین اساس رعایت الزامات مذکور به همراه فقدان نظریه های حسابداری خاص و منحصر به بانکداری اسلامی، موجب گردیده که مباحث حسابداری بانکی مؤسسات اعتباری در بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف دچار پیچیدگی های خاص خود باشد.

از دیگر موضوعات اساسی و با اهمیت در خصوص شناخت درآمد و هزینه، زمان شناسایی و ثبت درآمدها و هزینه ها است. بر همین اساس و به موجب اصول و استانداردهای حسابداری بر مبنای روش تعهدی، شناسایی درآمد منوط به تحقق معیارهای اساسی ذیل می باشد:

❖ جریان منافع اقتصادی مرتبط با قرارداد، به درون واحد تجاری محتمل باشد.

❖ مبلغ درآمد عملیاتی را بتوان به گونه ای اتکا پذیر اندازه گیری نمود.

چنانچه مستحضرنند، معیارهای تبیین شده بر اساس استانداردهای کیفی بوده و لاجرم مستلزم اعمال قضاوت حرفه ای حسابداران در مراحل مختلف شناسایی درآمد و به ویژه مرحله توقف شناسایی درآمد و شناسایی مجدد آن است که خود موجبات اعمال سلیق گوناگون در این خصوص را فراهم می آورد. گرچه با توجه به حاکم بودن اصل احتیاط در حسابداری، بکارگیری قضاوت حرفه ای در شناسایی درآمد تا حدود بسیاری قابل اتکاء است اما کماکان خلاء معیارهای کمی محسوس بوده و میتواند دستاویزی برای مدیریت سود، هموارسازی سود، انتقال درآمدهای آتی به سال جاری و بالعکس، شناسایی سودهای موهوم و نهایتاً ارایه اطلاعات غیرواقعی به ذینفعان و گمراه نمودن آنها از عملکرد واقعی مؤسسات اعتباری شود. بدیهی است در چنین شرایطی، رویدادهای مالی و اثرات آن در دفاتر مالی بانکها و مؤسسات اعتباری باید به گونه ای ثبت و ضبط شود که از یک سو الزامات مقرر در استانداردهای حسابداری و از سویی دیگر الزامات مترتب بر شرع مقدس اسلام را ملحوظ نظر قرار دهد. بر همین اساس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مستند به اختیارات مقرر در بند (ج) ماده (۳۳) «قانون پولی و بانکی کشور» مصوب سال ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن و نیز ماده (۸۶) آیین نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی موضوع مصوبه جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ هیأت محترم وزیران و با هدف هدف؛ تدقیق در اعمال قضاوت حرفه ای، ایجاد رویه واحد حسابداری در ثبت انواع درآمدهای حاصله مؤسسات اعتباری، امکان و بهبود قابلیت مقایسه ارقام مندرج در سرفصل حسابهای مرتبط در مؤسسات اعتباری مختلف، انعکاس تصویری صحیح و واقعی از عملکرد مالی مؤسسات اعتباری، ارتقای شفافیت مالی، جلوگیری از شناسایی و توزیع سودهای موهوم و انطباق هرچه بیشتر نحوه عمل شناسایی درآمد در مؤسسات اعتباری با ماهیت بانکداری اسلامی و نیز استانداردهای حسابداری، دستورالعمل جامعی را تحت عنوان «دستورالعمل شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری» در خصوص زمان و نحوه شناسایی، زمان توقف و نیز شناسایی مجدد انواع درآمدهای حاصل در مؤسسات اعتباری تدوین نمود که دستورالعمل مذکور پس از طرح در یک هزار و دویست و چهل و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ شورای محترم پول و

اعتبار، به شرح پیوست به تصویب آن شورا رسید. از اهم ویژگی های دستورالعمل مذکور می توان به مواردی به شرح ذیل اشاره نمود:

- ۱) رایحه دامنه ای جامع از تعاریف، عبارات و اصطلاحات؛
- ۲) اتخاذ رویکردی فرآیندمحور درخصوص ضوابط پیشنهادی شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری جهت تبیین هرچه بیشتر مفاد آن؛
- ۳) تدوین سازوکارهای زمان شناسایی درآمد تسهیلات اعطایی به تفکیک عقود اسلامی؛
- ۴) پیش بینی سازوکارهای تعیین میزان درآمد تسهیلات اعطایی حسب مورد؛
- ۵) پیش بینی سازوکارهای شناسایی درآمد های حاصل از رایحه خدمات بانکی از قبیل اعتبارات اسنادی، ضمانتنامه ها و ...
- ۶) درج احکام مرتبط با تعدیل شناسایی درآمد انواع تسهیلات، تعهدات و خدمات بانکی؛
- ۷) تشریح سازوکارهای شناسایی درآمد مطالبات غیرجاری؛
- ۸) تبیین فرآیند توقف شناسایی درآمد مطالبات غیرجاری؛
- ۹) اتخاذ رویکرد مبتنی بر نوع وثایق مأخوذه در خصوص زمان ادامه یا توقف شناسایی درآمد مطالبات غیرجاری؛
- ۱۰) الزام مؤسسه اعتباری به ایجاد سازوکارهای لازم جهت اجرای دستورالعمل شناسایی درآمد از قبیل ایجاد سامانه اطلاعاتی وثایق و تضامین مرتبط با تسهیلات اعطایی و تعهدات ایجاد شده؛
- ۱۱) پیش بینی سازوکارهای لازم جهت شناسایی مجدد درآمد مطالبات غیرجاری؛
- ۱۲) پیش بینی سازوکارهای لازم جهت شناسایی درآمد تسهیلات امهالی؛
- ۱۳) تدوین ضوابط ناظر بر شناسایی درآمد در بازپرداخت تسهیلات زودتر از موعد؛
- ۱۴) پیش بینی نحوه شناسایی درآمد قراردادهای تسهیلاتی فسخ شده؛
- ۱۵) الزام مؤسسه اعتباری به رعایت تمامی ضوابط و مقررات ذیربط از جمله استانداردهای حسابداری؛
- ۱۶) تعیین مصادیق نهاد های مشمول رعایت ضوابط ناظر بر دستورالعمل شناسایی درآمد.

در خاتمه ضمن ایفاد نسخه ای از «دستورالعمل شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری» و اعلام این که مقرر شده «بانکها

و مؤسسات اعتباری صورت های مالی مربوط به سال ۱۳۹۷ و بعد از آن را بر مبنای دستورالعمل مذکور تنظیم نمایند»، خواهشمند

است دستور فرمایند تمهیدات و زیر ساخت های اطلاعاتی مورد نیاز به منظور اجرای دستورالعمل یاد شده فراهم شده و مراتب با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط در آن مؤسسه اعتباری ابلاغ گردیده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

عبدالمهدی
ارجمندنژاد

حمیدرضا غنی آبادی

۳۸۱۶

۳۲۱۵-۰۲

دستورالعمل شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری»

به استناد بند (ج) ماده (۳۳) «قانون پولی و بانکی کشور» و مفاد آیین نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی و با هدف افزایش شفافیت صورتهای مالی مؤسسات اعتباری و نیز صیانت از منافع سپردهگذاران و سهامداران، «دستورالعمل شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری» که از این پس به اختصار «دستورالعمل» نامیده می شود، تصویب می گردد.

فصل اول: تعاریف و کلیات

ماده ۱- در این دستورالعمل عبارات ذیل در معانی مشروح به کار می روند:

- ۱-۱- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۱-۲- مؤسسه اعتباری: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده و تحت نظارت بانک مرکزی می باشد؛
- ۱-۳- درآمد: سود/فواید مترتبه تسهیلات اعطایی موضوع تبصره ذیل ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و اصلاحات بعدی آن، سود سپرده های سرمایه گذاری نزد سایرین، کارمزد قرض الحسنه، کارمزد ارایه خدمات بانکی، وجه التزام تأخیر تأدیه دین و جرایم و خسارات ناشی از اعطای تسهیلات و یا ایجاد تعهدات؛
- ۱-۴- مانده بدهی: تمامی بدهی مشتری به مؤسسه اعتباری بابت اصل، سود/فواید مترتبه تسهیلات اعطایی، کارمزد قرض الحسنه، کارمزد ارایه خدمات بانکی، وجه التزام تأخیر تأدیه دین و جرایم و خسارات ناشی از اعطای تسهیلات و یا ایجاد تعهدات؛
- ۱-۵- امهال: توافق مؤسسه اعتباری با مشتری مبني بر بازپرداخت بدهی وی با ترتیباتی متفاوت از قرارداد اولیه به منظور اعطای مهلت بیشتر برای بازپرداخت. تمدید، تقسیط مجدد، تجدید قرارداد و نظایر آن به تشخیص بانک مرکزی از مصادیق امهال محسوب می گردد؛
- ۱-۶- تسویه: بازپرداخت بدهی مشتری به مؤسسه اعتباری؛
- ۱-۷- منافع اقتصادی: توان بالقوه یک دارایی جهت کمک مستقیم یا غیرمستقیم به جریان وجوه نقد به مؤسسه اعتباری؛
- ۱-۸- وثایق و تضامین نقد و شبه نقد: وثایق و تضامین اعم از ریالی و ارزی با قابلیت نقدشوندگی بالا مشتمل بر مسکوکات و شمش طلا، سپرده قرض الحسنه پس انداز، سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت، سپرده سرمایه گذاری بلندمدت، گواهی سپرده سرمایه گذاری عام و خاص، اسناد خزانه اسلامی و اوراق مشارکت منتشره توسط دولت، بانک مرکزی یا مؤسسه اعتباری یا تضمین شده توسط آن ها، صکوک قابل معامله در بازار سرمایه ایران، واحدهای سرمایه گذاری عادی صندوق های سرمایه گذاری در اوراق بهادار با درآمد ثابت، اعتبارات اسنادی

مدتداری که تطابق اسناد آن انجام شده، ضمانتنامه های بانکی و نظایر آنها به تشخیص بانک مرکزی.

ماده ۲- مؤسسه اعتباری موظف است در ارتباط با شناسایی درآمد، صرفاً در چارچوب مفاد این دستورالعمل اقدامات لازم را به عمل آورد.

ماده ۳- مؤسسه اعتباری موظف است شناسایی هرگونه درآمد را منوط به احراز معیارهای شناسایی درآمد بر مبنای تعهدی شامل حد اقل موارد زیر نماید:

۳-۱- جریان منافع اقتصادی به درون مؤسسه اعتباری محتمل باشد؛

۳-۲- مبلغ درآمد به گونه ای اتکاپذیر قابل اندازه گیری باشد.

تبصره - در صورت عدم تحقق هریک از معیارهای ضروری فوق، مؤسسه اعتباری مجاز به شناسایی درآمد برای هیچ یک از طبقات مطالبات، مطابق با ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی در خصوص طبقه بندی دارایی های مؤسسات اعتباری نمی باشد.

فصل دوم: نحوه شناسایی درآمد تسهیلات اعطایی در قالب عقود اسلامی

ماده ۴- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات مرابحه نقدی تمامی سود را در زمان تحویل اموال یا ارائه خدمت به مشتری، در تسهیلات مرابحه نسبه دفعی، تمامی سود را در سررسید تسهیلات و در تسهیلات مرابحه نسبه اقساطی، سود هر یک از اقساط را در سررسید هر قسط شناسایی نماید.

ماده ۵- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات فروش اقساطی، جعاله و اجاره به شرط تملیک، سهم سود هر یک از اقساط را در سررسید هر قسط شناسایی نماید.

ماده ۶- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات خرید دین تمامی سود را در زمان سررسید اسناد و اوراق تجاری موضوع قرارداد تسهیلات شناسایی نماید.

تبصره - در صورت فروش اسناد و اوراق تجاری موضوع این ماده قبل از سررسید، مؤسسه اعتباری سود متعلقه را در زمان تنزیل مجدد شناسایی می نماید.

ماده ۷- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات سلف:

۷-۱- در صورت اعمال اختیار فروش/خرید از سوی هریک از طرفین قرارداد یا فروش نسبه کالای موضوع سلف به تسهیلاتگیرنده، سود تسهیلات را به میزان مابه التفاوت قیمت اختیار فروش/خرید با قیمت تمام شده کالای موضوع سلف، در زمان اعمال اختیارهای یاد شده یا فروش نسبه کالای موضوع سلف به

تسهیلاتگیرنده شناسایی نماید. قیمت اختیار فروش/خرید مبنای محاسبه قیمت فروش نسبه کالای سلف میباشد.

۷-۲- در صورت عدم استفاده طرفین قرارداد از حق خود مبنی بر اعمال اختیار فروش/خرید و فروش کالای موضوع سلف به شخصی غیر از تسهیلاتگیرنده، سود تسهیلات، به میزان مابه التفاوت قیمت واگذاری نقدی کالای مذکور با قیمت تمام شده آن را در تاریخ واگذاری شناسایی نماید. در صورت فروش نسبه، قیمت واگذاری نقدی، مبنای محاسبه بهای فروش نسبه میباشد. تبصره— در صورت فروش نسبه، تمامی سود تسهیلات نسبه دفعی در سررسید تسهیلات و در تسهیلات نسبه اقساطی، سود هر یک از اقساط در سررسید هر قسط شناسایی میشود.

ماده ۸- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات مشارکت مدنی که سهم الشرکه مؤسسه اعتباری در خاتمه مشارکت به فروش میرسد، در زمان فروش موضوع مشارکت (اعم از نقدی و نسبه)، سهم مؤسسه اعتباری از سود دوران مشارکت را شناسایی نماید.

تبصره ۱— در تسهیلات مشارکت مدنی که تمام/بخشی از سهم الشرکه مؤسسه اعتباری در طی دوره مشارکت واگذار میشود، در زمان واگذاری (اعم از نقدی و نسبه)، سهم مؤسسه اعتباری از سود دوران مشارکت، متناسب با سهم الشرکه واگذار شده شناسایی میگردد.

تبصره ۲— چنانچه تمام/بخشی از سهم الشرکه مؤسسه اعتباری از موضوع مشارکت مدنی، در ابتدا/طی دوره مشارکت به شخص ثالثی پیشفروش گردد، مشروط بر آنکه حداقل معادل ۲۰ درصد مبلغ فروش به صورت نقدی وصول شده باشد، در مقطع گزارشگری مالی، سهم مؤسسه اعتباری از سود دوران مشارکت، متناسب با پیشرفت کار بخش پیشفروش شده شناسایی میشود.

ماده ۹- در صورت فروش نسبه سهم الشرکه مؤسسه اعتباری از موضوع مشارکت مدنی، قیمت فروش نقدی سهم الشرکه متعلق به مؤسسه اعتباری در تاریخ فروش مبنای محاسبه بهای فروش نسبه میباشد.

ماده ۱۰- در فروش نسبه سهم الشرکه مؤسسه اعتباری از موضوع مشارکت مدنی، سود دوران نسبه دفعی/اقساطی به میزان مابه التفاوت قیمت واگذاری نسبه با قیمت واگذاری نقدی سهم الشرکه مؤسسه اعتباری در تاریخ فروش میباشد. تمامی سود تسهیلات نسبه دفعی در سررسید تسهیلات و در تسهیلات نسبه اقساطی، سود هر یک از اقساط در سررسید هر قسط شناسایی میشود.

ماده ۱۱- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات مضاربه، مزارعه و مساقات، در زمان خاتمه/سررسید و پس از دریافت اسناد و مدارک مثبت مبنی بر انجام موضوع قرارداد، درآمد سهم مؤسسه اعتباری را شناسایی نماید.

ماده ۱۲- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات قرض الحسنه سهم دوره مالی جاری از درآمد کارمزد متعلقه را در زمان سررسید قسط کارمزد و مابقی درآمد را در دوره های مالی بعد شناسایی نماید.

ماده ۱۳- مؤسسه اعتباری موظف است:

۱-۱۳- در تسهیلات استصناع (اعم از نقدی و نسیه)، سود دوران ساخت قرارداد استصناع را در زمان تحویل کالای موضوع قرارداد مذکور شناسایی نماید.

۲-۱۳- در تسهیلات استصناع نسیه دفعی، تمامی سود دوره بازپرداخت را در سررسید تسهیلات و در تسهیلات استصناع نسیه اقساطی، سود هر یک از اقساط را در سررسید هر قسط شناسایی نماید.

ماده ۱۴- مؤسسه اعتباری مکلف است درآمد ناشی از سرمایه گذاری های مستقیم و مشارکت حقوقی را حسب مورد بر اساس مفاد استاندارد های حسابداری مربوط شناسایی نماید.

فصل سوم: نحوه شناسایی درآمد کارمزد خدمات بانکی

ماده ۱۵- مؤسسه اعتباری موظف است درآمد کارمزد خدمات بانکی را در زمان انجام خدمت شناسایی نماید.

ماده ۱۶- مؤسسه اعتباری مکلف است در صورت انجام خدمات بانکی قبل از مدت اعتبار تعیین شده در قرارداد فی مابین، نظیر پرداخت مبلغ در ضمانتنامه و ارائه اسناد مطابق در اعتبار اسنادی، تمامی مبلغ درآمد شناسایی نشده را به صورت یکجا در مقطع مزبور شناسایی نماید.

فصل چهارم: تعدیل درآمد در مقطع گزارشگری مالی

ماده ۱۷- مؤسسه اعتباری موظف است در تسهیلات استصناع (اعم از نقدی و نسیه)، در مقطع گزارشگری مالی، سود استصناع در دوران ساخت را متناسب با پیشرفت کار شناسایی نماید.

ماده ۱۸- مؤسسه اعتباری موظف است در مقطع گزارشگری مالی، آن بخش از درآمد ناشی از اعطای تسهیلات به استثنای تسهیلات موضوع ماده (۱۷) و ایجاد تعهدات (به استثنای درآمد کارمزد متعلقه) را که وفق معیارهای مندرج در این دستورالعمل تا مقطع مزبور محقق شده

است، شناسایی و ثبت های تعدیلی لازم را در دفاتر خود اعمال نماید.

ماده ۱۹- مؤسسه اعتباری موظف است سهم دوره مالی جاری از درآمد کارمزد آن بخش از خدمات بانکی که علاوه بر سایر عوامل، عامل زمان نیز در محاسبه آن لحاظ می گردد را در مقطع گزارشگری مالی متناسب با زمان سپری شده از ارائه خدمت شناسایی نماید.

فصل پنجم: شناسایی درآمد مطالبات غیرجاری

ماده ۲۰- مؤسسه اعتباری مکلف است شناسایی درآمد مطالباتی را که بر اساس ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی در خصوص طبقه بندی دارایی های مؤسسات اعتباری به طبقه مشکوک الوصول منتقل می شوند را صرف نظر از نوع وثایق و تضامین آنها متوقف نماید.

ماده ۲۱- مؤسسه اعتباری می تواند درآمد مطالباتی را که دارای وثایق و تضامین نقد و شبه نقد می باشند و بر اساس ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی در خصوص طبقه بندی دارایی های مؤسسات اعتباری به طبقه مشکوک الوصول منتقل می شوند را حداکثر تا زمان انتقال به طبقه مزبور شناسایی نماید.

ماده ۲۲- مؤسسه اعتباری موظف است شناسایی درآمد بخش جاری و غیرجاری مطالباتی را که فاقد وثایق و تضامین نقد و شبه نقد می باشند و بر اساس ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی در خصوص طبقه بندی دارایی های مؤسسات اعتباری به طبقه معوق منتقل می شوند را از زمان انتقال به طبقه مزبور متوقف نماید.

ماده ۲۳- در صورتی که برای یک/چندین فقره تسهیلات و یا تعهدات، ترکیب انواع وثایق و تضامین به گونه ای باشد که وثایق و تضامین نقد و شبه نقد حداقل ۱۰۰ درصد مانده بدهی مشتری را پوشش دهد، درآمد مطالبات مزبور، حداکثر تا زمان انتقال به طبقه مشکوک الوصول قابل شناسایی می باشد.

ماده ۲۴- چنانچه مبلغ انواع وثایق و تضامین مأخوذه کمتر از مانده بدهی مشتری باشد، مؤسسه اعتباری موظف است درآمد مطالبات مزبور را حداکثر تا پایان طبقه سرسیدگذاشته، بر اساس ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی در خصوص طبقه بندی دارایی های مؤسسات اعتباری، شناسایی نماید.

ماده ۲۵- شناسایی مجدد درآمد مطالباتی که شناسایی درآمد آنها متوقف شده است، منوط به تسویه تمام یا بخشی از مطالبات مزبور می باشد. در این صورت، چنانچه سهم درآمد از مبالغ تسویه شده

بیش از مبلغ درآمد شناسایی شده تسویه نشده باشد، درآمد جدید به میزان مابه التفاوت مبالغ مزبور شناسایی می‌شود، در غیر این صورت درآمد جدیدی شناسایی نمی‌گردد.

تبصره — شناسایی مجدد درآمد بخش جاری مطالبات موضوع این ماده، تا شش ماه همزمان با وصول نقدی اقساط بخش مزبور میسر می‌باشد و در صورت عدم نکول در سررسید هر قسط در مدت یاد شده، درآمد بخش جاری با رعایت ضوابط مقرر در این دستورالعمل شناسایی می‌شود.

ماده ۲۶- مؤسسه اعتباری موظف است در تعیین پوشش وثایق و تضامین نقد و شبه نقد مأخوذه، حداکثر ۹۰ درصد ارزش بازار هر یک از وثایق مزبور را در آخرین مقطع گزارشگری مالی مبنای عمل قرار دهد.

فصل ششم: تسهیلات امهالی

ماده ۲۷- در صورتی که در زمان امهال، تمام یا بخشی از سود و یا وجه التزام تأخیر تأدیه دین متعلقه مربوط به قرارداد قبلی تسویه گردد، درآمد سود و یا وجه التزام تأخیر تأدیه دین متعلقه شناسایی نشده قرارداد مزبور در چارچوب ماده (۲۵) این دستورالعمل شناسایی می‌شود.

ماده ۲۸- در صورت عدم تسویه تمام یا بخشی از سود و یا وجه التزام تأخیر تأدیه دین متعلقه شناسایی نشده مربوط به قرارداد قبلی در زمان امهال، درآمد مزبور متناسب با مبلغ تسویه شده از بابت اصل و سود تسهیلات اعطایی جدید، شناسایی می‌شود.

ماده ۲۹- سود و وجه التزام تأخیر تأدیه دین تسهیلات اعطایی جدید، متناسب با مبلغ تسویه شده هر یک از اقساط یا تسهیلات اعطایی شناسایی می‌شود.

فصل هفتم: سایر موارد

ماده ۳۰- در تسهیلاتی که تسویه زودتر از سررسید تمام یا بخشی از آن به موجب ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی مشمول اعطای تخفیف از سوی مؤسسه اعتباری می‌گردد، درآمد بخش مزبور تسهیلات، به میزان مبلغ تسویه شده زودتر از موعد پس از کسر مبلغ دریافتی بابت اصل تسهیلات سررسید نشده، شناسایی می‌شود.

ماده ۳۱- در صورت فسخ قرارداد تسهیلات اعطایی، مؤسسه اعتباری موظف است مازاد خسارات/جریمه های تسویه شده، نسبت به درآمد شناسایی شده قبلی را در تاریخ تسویه تمام یا بخشی از مطالبات ناشی از قرارداد مزبور به عنوان درآمد شناسایی نماید.

ماده ۳۲- مؤسسه اعتباری مکلف است در راستای پیاده سازی مفاد این دستورالعمل سازوکارهای اجرایی لازم از جمله ایجاد سامانه اطلاعاتی وثایق و تضامین مرتبط با تسهیلات اعطایی و تعهدات ایجادشده را اتخاذ نماید. سامانه اطلاعاتی مزبور باید حداقل شامل موارد زیر باشد:

– انواع وثایق و تضامین

– ارزش بازار وثایق و تضامین

– درصد ترکیب و میزان پوشش وثایق و تضامین

ماده ۳۳- مؤسسه اعتباری موظف است زمینه دسترسی بازرسان بانک مرکزی و حسابرس مستقل را به سامانه های اطلاعاتی مرتبط با این دستورالعمل فراهم نماید.

ماده ۳۴- شناسایی سایر انواع درآمدهای مؤسسه اعتباری (اعم از عملیاتی و غیرعملیاتی) که به صراحت در این دستورالعمل به آنها اشاره نشده است، در چارچوب ضوابط و مقررات ابلاغی از سوی بانک مرکزی و استناداردهای حسابداری مربوط می باشد.

ماده ۳۵- توقف شناسایی درآمد وفق ضوابط مندرج در این دستورالعمل، نافی حقوق مؤسسه اعتباری در استیفای تمامی مطالبات خود از جمله؛ مطالبات بابت اصل، سود/فواید مترتبه و وجه التزام تأخیر تأدیه متعلقه تا زمان تسویه، نمی باشد.

ماده ۳۶- سایر نهادهای پولی فعال نظیر شرکتهای واسپاری (لیزینگ)، صندوقهای قرض الحسنه و شرکتهای تعاونی اعتبار که از بانک مرکزی مجوز فعالیت دارند نیز ملزم به رعایت مفاد این دستورالعمل می باشند.

ماده ۳۷- تخطی از مفاد این دستورالعمل موجب اعمال مجازاتهای مقرر در ماده (۴۴) قانون پولی و بانکی کشور و سایر قوانین و مقررات ذیربط می شود.

«دستورالعمل شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری» در (۳۷) ماده و (۶) تبصره در یک هزار و دویست و چهل و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید و چهار ماه پس از تاریخ ابلاغ، لازم الاجرا بوده و از تاریخ لازم الاجرا شدن این مصوبه تمامی ضوابط و مقررات مغایر با آن از جمله بخشنامه شماره ۷۷۲/مب مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ موضوع یک هزار و چهل و چهارمین جلسه ۱۳۸۴/۴/۲۵ شورای پول و اعتبار منسوخ می گردد.

۸- بخشنامه شماره ۹۷/۱۳۷۰۴۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶؛ ابلاغ قانون الحاق
موادی به قانون رفع موانع تولید رقابتپذیر و ارتقای نظام مالی کشور
مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزولا

با سلام؛

احتراما؛ بدینوسیله «قانون الحاق موادی به قانون رفع موانع تولید
رقابتپذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۷/۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی
جهت استحضار و صدور دستور اقدام مقتضی ایفاد می شود. همانگونه که
ملاحظه می فرمایند در ماده (۶۱) الحاقی، مقرر گردیده است به منظور
بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص حل و فصل مشکلات واحدهای تولیدی، به
ویژه در موارد مربوط به تکمیل و راه اندازی طرح های نیمه تمام، تأمین
مالی، تعیین تکلیف بدهی های معوق و همچنین رفع مشکلات مرتبط با محیط
زیست، منابع طبیعی و معادن و رفع موانع صادراتی، «ستاد تسهیل و رفع
موانع تولید» پس از تهیه و تدوین آیین نامه اجرایی آن، توسط دولت
ایجاد شود و متعاقبا در همین راستا، کارگروه هایی نیز در استان ها به
ریاست استاندار تشکیل گردند. همچنین در ماده (۶۲) الحاقی، بانک ها و
مؤسسات اعتباری و صندوق های حمایتی موظف شده اند با تسهیلات یا موارد امهال
مصوب در کارگروه تسهیل، حداکثر ظرف مدت یک ماه موافقت نموده و یا دلایل
مخالفت خود را همراه با مستندات مربوط به هیأت موضوع تبصره آن ماده تسلیم
نمایند. ضمن آن که، طبق تبصره ماده (۶۲) مقرر شده است در صورت مخالفت
بانک با اعطای تسهیلات مصوب کارگروه تسهیل، دلایل و مستندات بانک ها برای
استنکاف از پرداخت تسهیلات موردنظر، توسط هیأتی متشکل از خبرگان مورد وثوق
بانکی و اقتصادی در هر استان مورد بررسی و اظهارنظر قرار گیرد و در صورتی
که دلایل بانک برای استنکاف از پرداخت تسهیلات مورد نظر، مورد تأیید هیأت
مذکور واقع نشود، بانک موظف به پرداخت تسهیلات مورد نظر به مقتضای گردد.

با عنایت به اهمیت موضوع، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به
قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶،
به تمامی واحدهای ذیربط آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و
ضمن تمهید مقدمات اجرای قانون و همکاری با کارگروه های مورد اشاره در
موارد مقتضی، بر حسن اجرای آن نیز نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

عبدالمهدی
ارجمندنژاد

حمیدرضا غنی آبادی

۳۸۱۶

۳۲۱۵-۰۲

قانون الحاق موادی به قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای

نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۷، ۰۲، ۳۰

ماده واحده- مواد زیر به قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱/ ۲/ ۱۳۹۴ با اصلاحات بعدی آن الحاق می شود:

ماده ۶۱ - به منظور بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص حل و فصل مشکلات واحد های تولیدی، به ویژه در موارد مربوط به تکمیل و راه اندازی طرحهای نیمه تمام، تأمین مالی، تعیین تکلیف بدهی های معوق و همچنین رفع مشکلات مرتبط با محیط زیست، منابع طبیعی و معادن و رفع موانع صادراتی، به دولت اجازه داده می شود نسبت به ایجاد «ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» به ریاست وزیر صنعت، معدن و تجارت اقدام کند. وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، آیین نامه اجرایی لازم را با مشورت شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی در چهارچوب اختیارات قانونی تهیه کرده و به تصویب هیأت وزیران برساند.

تبصره - در راستای وظایف ستاد، در هر استان کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید به ریاست استاندار و تحت نظارت و سازماندهی «ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» انجام وظیفه می کند. ستاد و کارگروه های مذکور و دبیرخانه های مورد نیاز آنها، باید از امکانات و نیروی انسانی موجود در دستگاه های اجرایی و اعضای ذی ربط استفاده کرده و به هیچ عنوان تشکیلات جدیدی ایجاد نکنند.

اعضای ستاد عبارتند از

- ۱- وزیر صنعت، معدن و تجارت (رئیس ستاد)
- ۲- رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور
- ۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۴- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- ۵- وزیر کشور
- ۶- رئیس کل بانک مرکزی
- ۷- رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی
- ۸- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست
- ۹- وزیر نفت
- ۱۰- وزیر جهاد کشاورزی
- ۱۱- وزیر نیرو
- ۱۲- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۱۳- رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
- ۱۴- رئیس سازمان ملی استاندارد
- ۱۵- رئیس اتاق تعاون

۱۶- رئیس اتاق اصناف

۱۷- نمایندگان تشکلهای سراسری تولیدی

اعضای بندهای (۱) تا (۷) به عنوان عضو ثابت و بقیه اعضاء حسب مورد در جلسه دعوت می شوند. مصوبات ستاد مذکور با رأی اکثریت وزراء و رؤسای دستگاههای اجرایی (ثابت و غیرثابت مدعو) نافذ و اجرایی می شود.

اعضای کارگروههای استانی، متناظر با اعضای ستاد مذکور انتخاب شده و مصوبات آن طبق همین حکم نافذ و اجرایی می شود.

ماده ۶۲ - بانکها و مؤسسات اعتباری و صندوق های حمایتی موظفند با تسهیلات یا موارد امهال مصوب در کارگروه تسهیل، حداکثر ظرف مدت یک ماه موافقت کنند یا دلایل مخالفت خود را همراه با مستندات مربوط به هیأت موضوع تبصره این ماده تسلیم نمایند.

تبصره - رئیس کل بانک مرکزی موظف است هیأتی متشکل از خبرگان مورد وثوق بانکی و اقتصادی در هر استان از میان افرادی که استانداری پیشنهاد می کند، تشکیل دهد. کسانی که مورد تأیید رئیس کل بانک مرکزی قرار می گیرند و با حکم وی به عضویت هیأتی موضوع این تبصره در می آیند، به عنوان نماینده رئیس کل محسوب می شوند. این هیأت موظف است دلایل و مستندات بانکها برای استنکاف از پرداخت تسهیلات مورد نظر کارگروه تسهیل را بررسی و درباره آن اظهار نظر کند. در صورتی که دلایل بانک برای استنکاف از پرداخت تسهیلات مورد نظر، مورد تأیید هیأت موضوع این تبصره قرار نگیرد، بانک موظف است تسهیلات مورد نظر را به متقاضی پرداخت کند. عدم تمکین بانک، تخلف از دستور بانک مرکزی تلقی شده و موضوع به هیأت انتظامی بانک مرکزی ارجاع خواهد شد. رئیس کل بانک مرکزی می تواند هر یک از اعضای هیأت مذکور را عزل نماید.

ماده ۶۳ - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که از امتیازات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید به دلیل معوقه یا بدهی بانکی برخوردار شده اند، حق خرید تمام یا بخشی از شرکتهای قابل واگذاری سازمان خصوصی سازی را ندارند.

تبصره - خرید صد درصد (۱۰۰٪) نقدی بلامانع است.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در مورخ ۹/ ۳/ ۱۳۹۷ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۹- بخشنامه شماره ۹۷/۱۵۲۴۲۶ مورخ ۱۳۹۷/۵/۷؛ ابلاغ مصوبه شورای عالی
هماهنگی اقتصادی به شبکه بانکی کشور با موضوع واگذاری سهام بنگاه های
در اختیار از طریق بورس

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراماً، همان گونه که مستحضرنند، وفق بند (ب) ماده (۱۶) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام
مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و شرکت های تابعه آنها موظف بوده اند ظرف
مدت سه سال از زمان لازم الاجرا شدن قانون مذکور (خرداد ماه سال ۱۳۹۷) سهام تحت تملک خود و شرکت های
تابعه ای که بیش از ۵۰ درصد سهام آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی
بوده یا اکثریت اعضای هیأت مدیره آنها را بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی تعیین می نموده اند، در بنگاه های
غیربانکی واگذار نمایند. در همین راستا نیز شورای محترم پول و اعتبار در یک هزار و دویست و سی و یکمین جلسه مورخ
۱۳۹۶/۲/۱۲، ضمن احصای مصادیق فعالیت های بانکی و اعلام ممنوعیت سرمایه گذاری بانکها و مؤسسات اعتباری
غیربانکی در عرصه های غیربانکی و تأکید بر واگذاری سرمایه گذاری های پیشین شبکه بانکی در این قبیل بنگاه ها، حدود
مجاز سرمایه گذاری بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی (و یا شرکت های تابعه آنها) در زمینه فعالیت های بانکی را
تعیین نمود که این مهم طی بخشنامه شماره ۹۶/۶۱۲۷۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱ با عنوان «دستورالعمل سرمایه گذاری در
اوراق بهادار» به شبکه بانکی کشور ابلاغ گردید. به واسطه اهمیت موضوع و تأکید دوباره بر این مهم، شورای عالی
هماهنگی اقتصادی متشکل از مقامات ارشد سه قوه در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۹ مقرر نموده است:

«در اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، بانکها، کلیه سهام در اختیار خود در بنگاه های اقتصادی را از طریق

بورس برای واگذاری عرضه کنند.»

در خاتمه، ضمن اعلام این که مصوبه یاد شده به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسیده است، خواهشمند است
دستور فرمایند اقدامات و تدابیر لازم برای اجرای کامل و دقیق مقررات و مصوبات فوق الذکر اتخاذ شده و مراتب به
قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶، به تمامی واحدهای ذیربط آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ گردد و
بر حسن اجرای آن نیز نظارت دقیق به عمل آید و اقدامات انجام شده در این زمینه به طور
منظم در چارچوب بخشنامه های قبلی به بانک مرکزی گزارش شود.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا غنی آبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲

۱۰- بخشنامه شماره ۹۷/۱۶۷۴۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۶؛ ابلاغ بخش پنجم و نهایی ترجمه سند بال ۲

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراماً، پیرو بخشنامه های شماره ۹۴/۲۹۶۳۴۸ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵، شماره ۹۵/۱۵۱۷۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶، شماره ۹۵/۳۲۹۱۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۶ و شماره ۹۶/۱۸۰۷۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۱، موضوع ترجمه بخش های اول تا چهارم سند بال II، به پیوست ترجمه بخش پنجم و نهایی سند مذکور جهت استحضار و بهره برداری ایفاد می گردد.

همان گونه که مستحضرنند، استانداردهای معرفی شده در سند بال II بر سه رکن اصلی استوار است. این سه رکن شامل حداقل سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسکهای مترتب به عنوان رکن اول، فرآیند برر سی نظارتی به عنوان رکن دوم و انتظام بازار ناظر بر الزامات افشاء به عنوان رکن سوم می باشد. در ترجمه پیش رو از سند یاد شده، به ابعاد مرتبط با رکن سوم بال II یعنی انتظام بازار پرداخته شده است. هدف از رکن سوم به عنوان رکن مکمل الزامات مقرر در ارکان پیشین آن است تا نظم بازار را از طریق ایجاد مجموعه ای از الزامات افشاء برای بانکها که عموم جامعه را قادر به ارزیابی اطلاعات کلیدی در خصوص آنها می کند، تقویت نماید. بر همین اساس، بانکها موظف می شوند اطلاعاتی در خصوص سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسکهای فرارو، منابع در معرض ریسک، فرآیندهای ارزیابی ریسک، جزییات طبقه بندی دارایی ها و ذخیره گیری، اجزای سبد سرمایه گذاری ها و ... را برای اطلاع عموم منتشر نمایند تا بدین ترتیب علاوه بر مقامات نظارت بانکی، عموم جامعه و خاصه فعالان بازارهای مالی نیز از وضعیت بانک شناخت صحیح تری به دست آورند. کمیته بال بر این باور است که این قبیل الزامات افشاء با تکیه بر روش های داخلی، اختیارات بیشتری را به منظور ارزیابی الزامات سرمایه ای در اختیار بانکها قرار می دهد. فراهم کردن الزامات افشاء مبتنی بر چهارچوب مشترک، طریق مؤثری در اطلاع رسانی به بازار درباره منابع در معرض ریسک بانکها بوده و چهارچوب افشای سازگار و قابل فهمی را که منجر به تقویت مقایسه پذیری می گردد، فراهم می نماید. طبیعی است هر چه میزان شفافیت بانکها بیشتر باشد و عموم جامعه و خاصه ذینفعان شناخت و ارزیابی صحیح تری از اهداف، ساختار، عملکرد، درجه ریسک پذیری و و روش های مدیریتی بانکها، حاصل نمایند، سیستم بانکی از آن حیث که زمینه یک نظارت عمومی بر بانکها فراهم می شود، از استحکام، سلامت و ثبات مطلوبتری برخوردار خواهد بود.

بخش نهایی ترجمه حاضر، دربردارنده پیوست های سند بال II می باشد که حاوی اطلاعات و جزییات مورد نیاز برای تکمیل مباحث متن اصلی سند است. سند بال II دارای یازده پیوست است که اطلاعات تفصیلی و تکمیلی لازم را در ادامه متن اصلی و برای درک و فهم بهتر موضوعات مورد اشاره ارائه می نماید.

امید است ترجمه این قبیل اسناد مرجع و مهم در خصوص نظارت بانکی و به اشتراک گذاردن آن ها با بانکها، به تعمیق و پیاده سازی مفاهیم نوین نظارت بانکی در نظام بانکی کشور کمک نماید و اجرای چنین استانداردهایی را تسهیل کند. در خاتمه ضمن اعلام این که، از هرگونه پی شنهاد صلاحی و تکمیلی در خصوص متن ترجمه استقبال می شود، شایان ذکر می داند سند بال II به عنوان مبنا و اساسی برای اجرای اصول مدیریت ریسک در بانکها و رعایت مقررات احتیاطی در این خصوص از جمله پیاده سازی "دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری"، موضوع بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۴۳۴ مورخ ۱۳۹۷/۲/۵ محسوب می شود.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمند نژاد
حمیدرضا غنی آبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲



همگرایی بین المللی

در زمینه استانداردها و اندازه گیری سرمایه بانکها

(توافقنامه بال ۲)

چهارچوب بازبینی شده

(نسخه جامع: ژوئن ۲۰۰۶)

از انتشارات کمیته نظارت بانکی بال

جلد پنجم

گروه مترجمین :
دکتر حسین صدقی، علی قیصری گودرزی، مریم کشتکار

معاونت نظارت
بانک مرکزی
جمهوری اسلامی
ایران
بلوار میرداماد، ر
شماره ۱۹۸
تلفن: ۲۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)
وبسایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

بخش چهارم : رکن سوم - نظم بازار

۱. ملاحظات کلی

A. الزامات افشاء

۸۰۸. کمیته بر این باور است که منطق رکن ۳ به اندازه کافی قوی است به نحوی که الزامات افشاء برای بانکهای استفاده کننده از این سند را ضمانت کند. ناظران، سنجه‌هایی در اختیار دارند که با استفاده از آنها بانکها را ملزم کنند تا این قبیل افشاهای اجرائی کنند. برخی از این افشاهای معیارهای واجد شرایط بودن برای استفاده از روشهای خاص یا به رسمیت شناختن ابزارها یا معاملات خاص، محسوب می گردند.

B. اصول راهنما

۸۰۹. هدف از رکن سه- نظم بازار- تکمیل حداقل الزامات سرمایه‌ای (رکن ۱) و فرایند بررسی نظارتی (رکن ۲) می باشد. کمیته به دنبال آن است تا نظم بازار را از طریق ایجاد مجموعه ای از الزامات افشاء که مشارکت کنندگان در بازار را قادر به ارزیابی اطلاعات اساسی در خصوص گستره اجراء، سرمایه، منابع در معرض ریسک، فرایندهای ارزیابی ریسک و در نهایت کفایت سرمایه مورد سه می کند، تقویت نماید. کمیته بر این باور است که این قبیل الزامات افشاء با تکیه بر روشهای داخلی، صلاحدیدهای بیشتری را بمنظور ارزیابی الزامات سرمایه‌ای در اختیار بانکها قرار می دهد.

۸۱۰. اصولاً افشای بانکها باید با این نکته که چگونه مدیریت ارشد و هیأت مدیره، ریسک های بانک را ارزیابی و مدیریت می کنند، سازگار باشد. تحت رکن ۱، بانکها از رویکردها/ روشهای خاصی برای اندازه گیری انواع ریسک های فرارو و الزامات سرمایه های حاصله استفاده می کنند. کمیته بر این باور است که فراهم کردن افشای مبتنی بر چهارچوب مشترک، وسیله موثری در اطلاع رسانی به بازار درباره منابع در معرض ریسک بانکها بوده و چهارچوب افشای سازگار و قابل فهمی را که منجر به تقویت مقایسه پذیری می گردد، فراهم می نماید.

C. دستیابی به افشای مناسب

۸۱۱. کمیته آگاه است که ناظران از قدرت و اختیارات گوناگونی جهت حصول به الزامات افشاء برخوردار هستند. نظم بازار می تواند به بانکداری سالم و ایمن کمک کرده و ناظران را ملزم می کنند تا به شیوه ای سالم و ایمن فعالیت کنند. تحت زمینه ثبات و سلامت، ناظران می توانند بانکها را ملزم به افشای اطلاعات کنند. متناوباً ناظران از این اختیار برخوردارند تا بانکها را ملزم کنند که اطلاعات را در قالب گزارشات نظارتی تهیه نمایند. ناظران می توانند تمام یا بخشی از اطلاعات موجود در این گونه گزارشات را در دسترس عموم قرار دهند. افزون بر آن،

سازکارهای دیگری وجود دارد تا ناظران از طریق آن الزامات را لازم الاجرا نمایند. این امر در کشورهای مختلف تفاوت داشته و دامنه آن از "ترغیب اخلاقی" از طریق گفتگو با مدیریت بانک (بمنظور تغییر رفتار) تا مجازات یا جریمه مالی خواهد بود. ماهیت سنجه های واقعی مورد استفاده بستگی به قدرت قانونی ناظران و جدی بودن ناکارایی افشاء خواهد داشت. در هر حال، تعیین الزامات سرمایه ای اضافی مستقیم به عنوان واکنشی در برابر عدم افشاء، به جز در موارد مشروحه زیر، مد نظر نمی باشد.

۸۱۲. افزون بر سنجه های مداخله ای کلی مندرج در بالا، این سند همچنین طرحی را برای سنجه های خاص پیش بینی کرده است. هنگامی که افشاء به عنوان معیار واجد شرایط تحت رکن ۱ برای حصول به اوزان ریسک کمتر و یا جهت اعمال روش خاص محسوب می گردد، می تواند محدودیت مستقیم اعمال گردد (اعمال اوزان ریسک کمتر یا روش خاص مجاز نباشد).

D. تعامل با افشای حساب داری

۸۱۳. کمیته نیاز به چهارچوب افشای رکن ۳ که در تضاد با الزامات استانداردهای حسابداری نباشد را در گستره وسیع تری به رسمیت می شناسد. کمیته تلاش های قابل ملاحظه ای را بمنظور بررسی این موضوع که تمرکز محدودتر رکن ۳ که در افشای کفایت سرمایه بانک هدف گذاری شده است، در تضاد با الزامات حسابداری گسترده نباشد، انجام داده است. در ادامه، کمیته تمایل دارد تا ارتباطات مستمری با نهادهای حسابداری داشته باشد، چرا که کارهای مستمر نهادهای مذکور می تواند پیامدهایی برای افشای الزام شده تحت رکن ۳ در بر داشته باشد. کمیته ۱ صلاحات آتی در رکن ۳ را به عنوان نیاز در پایش مستمر این حوزه ها و توسعه صنعت بانکداری، مد نظر قرار خواهد داد.

۸۱۴. مدیریت باید از صلاحدید خود در تعیین رسانه و محل مناسب افشاء استفاده کنند. در وضعیت هایی که افشاء، تحت الزامات حسابداری یا بمنظور جلب نظر الزامات پذیرش منتشره توسط مقررات گذاران اوراق بهادار انجام می شود، بانک ها می توانند در راستای اجرای انتظارات قابل اعمال رکن ۳ بر آن ها اتکا نمایند. در این وضعیت ها، بانک ها باید تفاوت های مهم بین افشای حسابداری یا سایر روش های افشاء را با مبنای نظارتی افشاء تشریح کنند. این تشریح نباید به شکل تفصیلی باشد.

۸۱۵. در مورد افشاهایی که بموجب الزامات حسابداری یا غیره ضروری نمی باشند، مدیران می توانند اطلاعات رکن ۳ را از طریق سایر روش ها (از قبیل پایگاههای اینترنتی در دسترس عموم یا از طریق گزارشات نظارتی عمومی تکمیلی توسط ناظران) سازگار با الزامات نهادهای نظارتی ملی تهیه کنند. در هر حال، مؤسسات تشویق

می شوند تا تمامی اطلاعات مربوط را تا حد ممکن در یک مکان تهیه کنند. افزون بر آن، اگر اطلاعاتی مطابق افشای حسابداری تهیه نگردید، مؤسسات باید مشخص کنند که اطلاعات اضافی در کجا قابل دستیابی است.

۸۱۶. همچنین انتظار می رود به رسمیت شناختن افشاهای الزامی حسابداری یا سایر روشهای افشاء به این شیوه در راستای شفاف سازی الزامات برای راستی آزمایی افشاء باشد. به عنوان نمونه، اطلاعات موجود در صورت های مالی سالانه، بصورت کلی حسابرسی شده و موارد اضافی مهم منتشره همراه صورت های مالی باید سازگار با صورت های حسابرسی شده باشد. افزون بر آن موارد تکمیلی مهم منتشره (از قبیل تحلیل و مباحثات مدیریتی) در راستای رعایت معیارهای سایر نظام های افشاء (مانند الزامات پذیرش منتشره توسط مقررات گذاران اوراق بهادار) عموماً منوط به بررسی های دقیق کافی (مانند ارزیابی کنترل داخلی و غیره) بوده تا مساله راستی آزمایی حل شود. در صورتی که موضوعی تحت نظام راستی آزمایی منتشر نگردد، به عنوان نمونه در قالب یک گزارش تکی یا به عنوان بخشی بر روی پایگاه اینترنتی، مدیریت باید اطمینان حاصل کند که ممیزی/تاییدات مناسب اطلاعات مطابق با اصول کلی افشا مندرج در زیر انجام شود. به این ترتیب، حسابرسی افشای رکن ۳ توسط حسابرس مستقل ضرورتی ندارد مگر اینکه خلاف آن توسط تنظیم کنندگان استانداردهای حسابداری، مقررات گذاران اوراق بهادار یا سایر مقامات مربوط، الزامی شده باشد.

E. سطح اهمیت

۸۱۷. بانک باید در خصوص این موضوع که با توجه به مفهوم اهمیت کدام افشاء به آن مربوط می گردد، تصمیم گیری نماید. اطلاعاتی حایز اهمیت تلقی می گردد در صورتی که حذف یا اظهار غلط آن بتواند ارزیابی یا تصمیم گیری استفاده کنندگانی که هدف تصمیم گیری اقتصادی خود را با اتکا به آن اطلاعات اتخاذ می کنند، را تغییر داده یا تحت تاثیر قرار دهد. این تعریف سازگار با استانداردهای بین المللی حسابداری و چهارچوب های حسابداری ملی تعداد زیادی از کشورها می باشد. کمیته نیاز به قضاوت های کیفی - در پرتو پیامدهای خاص - که استفاده کننده اطلاعات مالی، برخی اقلام را حایز اهمیت تلقی کند یا خیر (آزمون کاربر) را به رسمیت می شناسد. کمیته حدود خاصی را برای افشاء وضع نمی کند که امکان دستکاری داشته و به سختی بتوان آن را تعیین کرد و اعتقاد دارد که آزمون کاربر، شاخص مناسبی برای حصول به افشای کافی قلمداد می گردد.

F. تواتر

۸۱۸. افشای مندرج در رکن ۳ باید بر مبنای ۶ ماهه و منوط به استثنائات زیر انجام شود. افشای کیفی که خلاصه کلی از سیاست ها و اهداف مدیریت ریسک، سیستم گزارش دهی و تعاریف بانک می باشد، می تواند بر مبنای

سالانه منتشر گردد. در شناسایی حساسیت افزایش یافته ریسک سند و جهت گیری کلی به سمت گزارش دهی با تکرار بیشتر در بازارهای سرمایه، بانکهای بزرگ فعال بین المللی و سایر بانکهای با اهمیت (و واحدهای مستقل بانکهای با اهمیت) باید سرمایه لایه ۱ و نسبت کفایت سرمایه کلی و اجزای خود^{۸۸} بر مبنای فصلی منتشر کنند. افزون بر آن، اگر اطلاعات منابع در معرض ریسک یا سایر اقلام، در معرض تغییر ناگهانی باشند، همچنین بانک باید اطلاعات را بصورت فصلی منتشر کند. در تمامی موارد، بانکها باید اطلاعات مهم را به محض امکان و نه دیرتر از آخرین تاریخ تعیین شده در قوانین ملی^۹ منتشر کنند.

G. اطلاعات محرمانه و اختصاصی

۸۱۹. اطلاعات اختصاصی شامل اطلاعاتی است (به عنوان نمونه در خصوص محصولات و سیستم ها) که در صورت اشتراک گذاری با رقبای سرمایه گذاری بانک در این گونه محصولات/سیستم ها را کم ارزش کرده و از این رو وضعیت رقابتی آن را تضعیف خواهد کرد. اطلاعات درباره مشتریان اغلب محرمانه بوده به نحوی که تحت شرایط توافق قانونی یا ارتباطات طرف مقابل تهیه شده است. این امر بر چگونگی فاش کردن اطلاعات درباره مشتری و به همین ترتیب جزئیات ترتیبات داخلی به عنوان نمونه روش های مورد استفاده، تخمین های پارامتر، داده ها و غیره تاثیر دارد. کمیت بر این باور است که الزامات مندرج در زیر، توازن مناسب بین نیاز به افشای معنادار و حفاظت از اطلاعات محرمانه و اختصاصی را تضعیف خواهد کرد. در موارد استثنایی، افشای اقلام معین اطلاعات الزام شده توسط رکن ۳ می تواند به جدیت وضعیت بانک را از طریق عمومی کردن اطلاعاتی که ماهیتاً دارای ویژگی محرمانه یا اختصاصی هستند، به مخاطره بیندازد. در این گونه موارد، نیازی نیست بانک آن اطلاعات را افشاء کند، ولی باید اطلاعات کلی تر را درباره موضوعات مورد الزام همراه با حقایق درباره و همچنین دلایلی که چرا اقلام خاصی از اطلاعات افشاء نشده اند را بیان کند. این معافیت محدود، بمنظور ایجاد تضاد با الزامات افشاء تحت استانداردهای حسابداری محسوب نمی شود.

۲. الزامات افشاء

۸۲۰. در ادامه الزامات افشاء تحت رکن ۳ در قالب جدول بیان می شود. تعاریف و توضیحات بیشتر در زیرنویس ارائه می گردد.

A. اصل کلی افشاء

۸۸ این اجزاء شامل سرمایه لایه ۱، کل سرمایه و کل سرمایه الزامی می باشد.

۸۹ در خصوص برخی بانک های کوچک با مشخصه ریسکی با ثبات، گزارش دهی سالیانه می تواند قابل قبول باشد. هنگامی که بانک اطلاعات را فقط بر مبنای سالیانه منتشر می کند، باید به صراحت نیز دلایل مناسب بودن این شیوه را اعلام کند.

۹۰ در این بخش سند، افشاهای ستاره دار، بمنزله شرایط استفاده از رویکرد یا روش های خاص برای محاسبه سرمایه نظارتی محسوب می گردند.

۸۲۱. بانکها باید خط مشی های رسمی افشاء مورد تایید هیأت مدیره را دارا باشند به نحوی که رویکرد بانک در تعیین نوع افشاء و کنترل های داخلی فرایند افشاء را تبیین نماید. افزون بر آن، بانک باید فرایندی برای ارزیابی تناسب افشای خود شامل راستی آزمایی و تواتر آن را پیاده سازی کند.

B. گستره اجرا

۸۲۲. رکن ۳ در بالاترین سطح تلفیقی گروه بانکی که مشمول این سند می باشد اجرا می گردد (همان گونه که در بخش ۱ و تحت عنوان : گستره اجرا مطرح گردید). بطور کلی ضرورت ندارد افشای مربوط به هر بانک درون گروه، الزامات افشای مندرج در زیر را بصورت کامل برآورده نماید. یک استثناء در این خصوص در مورد افشای نسبت سرمایه لایه ۱ و نسبت سرمایه کل توسط بالاترین نهاد تلفیق شده، هنگامی که تحلیل واحدهای فرعی مستقل بانکی مهم درون گروه مناسب باشد، موضوعیت دارد. این امر بمنظور به رسمیت شناختن ضرورت واحدهای فرعی مستقل جهت انطباق با این سند و سایر حدود قابل اعمال در زمینه انتقال وجوه یا سرمایه درون گروه، می باشد.

جدول ۱

گستره اجرا

افشای کیفی	(a)	نام بالاترین نهاد شرکتی گروه که این سند در باره آن کاربرد دارد
	(b)	فهرستی از تفاوت های موجود در مبنای تلفیق برای اهداف حسابداری و مقرراتی، همراه با شرح خلاصه ای از مؤسسات اذرون گروه (a) که بصورت کامل تلفیق شده اند؛ (b) که به تناسب تلفیق شده اند؛ (c) که مشمول ترتیبات کسورات شده اند؛ و (d) و مواردی که سرمایه اضافی در مورد آنها شناسایی شده است به علاوه (e) مواردی که نه تلفیق شده اند و نه کسر شده اند (به عنوان نمونه هنگامی که سرمایه گذاری موزون به ریسک شده است).
	(c)	هر گونه محدودیت یا ممنوعیت عمده بر روی انتقال وجوه یا سرمایه نظارتی درون گروه.

۹۱ موسسه شامل واحدهای فرعی مستقل مالی، بیمه ای و اوراق بهادار، واحدهای فرعی مستقل تجاری، سرمایه گذاری مالکیتی اقلیتی حایز اهمیت در نهادهای تجاری، مالی و بیمه ای می شود.

۹۲ پیرو فهرست واحد های فرعی مستقل حایز اهمیت در حسابداری تلفیقی به عنوان نمونه IAS 27.

۹۳ پیرو فهرست واحد های فرعی مستقل در حسابداری تلفیقی به عنوان نمونه IAS 31.

۹۴ می تواند به عنوان بسط فهرست واحد های مستقل فرعی حایز اهمیت در حسابداری تلفیقی به عنوان نمونه IAS 27 و IAS 32 (بسط موسساتی که فقط برای بانک های تلفیقی از اهمیت برخوردارند) فراهم شود.

(d)	افشای کمی	میزان کل سرمایه اضافی واحدهای فرعی مستقل بیمه ای (خواه مشمول کسورات یا روش های جایگزین ^{۱۰۰} شوند) که در سرمایه گروه تلفیقی لحاظ شده است.
(e)		میزان کل کسری سرمایه لذر تمام واحدهای فرعی مستقل در تلفیق لحاظ نمی شود به عنوان نمونه همراه مواردی که کسر شده و نام این قبیل واحدهای فرعی مستقل
(f)		میزان کل (به عنوان نمونه ارزش دفتری جاری) منافع کلی شرکت در مؤسسات بیمه ای که موزون به ریسک شده ^{۱۰۱} تصرف نظر از اینکه از سرمایه کسر شده یا مشمول روش گروهی جایگزین ^{۱۰۲} شده است، و همچنین نام آنها، کشور مقیم، نسبت مالکیت منافع و در صورت وجود اختلاف، تناسب قدرت رای در این گونه مؤسسات. افزون بر آن، تاثیر کمی بر سرمایه نظارتی در نتیجه استفاده از این روش به جای استفاده از روش گروهی جایگزین یا کسورات نشان داده شود.

C. سرمایه

جدول ۲

ساختار سرمایه

(a)	افشای کیفی	اطلاعات خلاصه در خصوص شرایط و ضوابط خصوصیات اصلی ابزارهای سرمایه ای، بویژه در مورد ابزارهای سرمایه ای نوآورانه؛ پیچیده و دوگانه.
(b)	افشای کمی	مقدار سرمایه لایه ۱ با افشای تفکیکی موارد زیر: • سهام عادی/سرمایه پرداخت شده؛ • اندوخته ها؛ • منافع اقلیت در حقوق صاحبان سهام نهادهای فرعی مستقل؛ • ابزارهای نوآورانه؛^{۱۰۰} • سایر ابزارهای سرمایه ای؛ • سرمایه اضافی از شرکت های بیمه ای؛^{۱۰۱} • تفاوت های محاسباتی نظارتی کسر شده از سرمایه لایه ۱؛^{۱۰۲} و

۹۵ سرمایه اضافی در واحدهای فرعی مستقل تحت نظارت غیر تلفیقی، از اختلاف بین مقدار سرمایه گذاری در آن مؤسسات و الزامات سرمایه ای نظارتی آنها حاصل می شود.

۹۶ به بندهای ۳۰ و ۳۳ رجوع شود.

۹۷ کسری سرمایه مقداری است که سرمایه واقعی کمتر از الزامات سرمایه نظارتی است. هر گونه کسری که در سطح گروه افزون بر سرمایه گذاری در این قبیل واحدهای فرعی مستقل کسر شده است، نمی تواند در کسری سرمایه کل لحاظ گردد.

۹۸ به بند ۳۱ رجوع شود.

۹۹ به بند ۳۰ رجوع شود.

۱۰۰ ابزارهای نوآورانه بموجب انتشارات کمیته، به عنوان "ابزارهای قابل قبول برای لحاظ شدن در سرمایه لایه ۱" پوشش داده می شود (۲۷ اکتبر ۱۹۹۸).

^{۱۰۱} به پاراگراف ۳۳ رجوع شود.

^{۱۰۲} بیانگر ۵۰ درصد تفاوت (هنگامی که زیان مورد انتظار محاسبه شده تحت رویکرد IRB فراتر از کل ذخایر شود) که باید از سرمایه لایه ۱ کسر شود.

• سایر کسورات از سرمایه لایه ۱، شامل سرقتی و سرمایه گذاری ها.		
مقدار کل سرمایه لایه ۲ و ۳.	(c)	
سایر کسورات از سرمایه ۱۰۳	(d)	
کل سرمایه واجد شرایط.	(e)	

جدول ۳ کفایت سرمایه

افشای کیفی	(a)	مباحث خلاصه رویکرد بانک در ارزیابی کفایت سرمایه خود در راستای پشتیبانی از فعالیت های جاری و آتی.
افشای کمی	(b)	الزامات سرمایه ای ریسک اعتباری شامل: • پرتفوی های م شمول رویکرد ۱ استاندارد یا ۱ استاندارد ساده، اف شاء شده به تفکیک هر پرتفوی ؛ • پرتفوی های م شمول رویکرد رتبه بندی داخلی IRB، اف شاء شده به تفکیک پرتفوی تحت رویکرد IRB پایه و پرتفوی تحت رویکرد IRB پیشرفته: ▪ شرکتی (شامل وام دهی خاص که مشمول معیارهای دسته بندی نظارتی نشده است)، دولتی و بانکی؛ ▪ وام های رهنی مسکونی؛ ▪ منابع در معرض ریسک گردان خرد واجد شرایط؛^۱ ▪ سایر منابع در معرض ریسک خرد؛ • منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی.
	(c)	الزامات سرمایه ای برای منابع در معرض ریسک ابزارهای مالکانه در رویکرد IRB شامل: • پرتفوی های ابزارهای مالکانه مشمول رویکردهای مبتنی بر بازار؛ ▪ پرتفوی های ابزارهای مالکانه م شمول روش ساده موزون به ریسک کردن ؛ و ▪ ابزار های مالکانه موجود در دفتر بانکی تحت رویکرد مدل های داخلی (برای بانک های ۱ استفاده کننده از مدل های داخلی در مورد منابع در معرض ریسک ابزارهای مالکانه

^{۱۰۳} شامل ۵۰ درصد تفاوت (هنگامی که زیان مورد انتظار محاسبه شده تحت رویکرد IRB فراتر از کل ذخایر شود) که باید از سرمایه لایه ۲ کسر شود.

^{۱۰۴} بانک ها باید بین پرتفوی های خرد غیر رهنی تفکیک شده که بمنظور محاسبات سرمایه ای رکن ۱ مورد استفاده قرار گرفته اند، تمایز قایل شوند(به عنوان نمونه منابع در معرض ریسک خرد گردان واجد شرایط و سایر منابع در معرض ریسک خرد)، مگر اینکه این گونه پرتفوی ها از نقطه نظر اندازه فاقد اهمیت بوده(نسبت به منابع در معرض ریسک اعتباری کلی) و مشخصه ریسکی هر پرتفوی بقدر کافی مشابه بوده به نحوی که افشای جداگانه آن کمکی به درک کاربران از مشخصه ریسکی کسب و کار خرد بانک ننماید .

دفتر بانکی).		
• پرتفوی های ابزارهای مالکانه مشمول رویکردهای PD/LGD.		
الزامات سرمایه ای ریسک بازار شامل:	(d)	
• رویکرد استاندارد؛		
• رویکرد مدل های داخلی - دفتر تجاری.		
الزامات سرمایه ای ریسک عملیاتی ۱۹۱ شامل:	(e)	
• رویکرد شاخص پایه؛		
• رویکرد استاندارد؛		
• رویکرد اندازه گیری پیشرفته (AMA).		
نسبت سرمایه کل و آلیه ۱:	(f)	
• برای بالاترین گروه تلفیقی؛ و		
• برای واحدهای فرعی مستقل بانکی حایز اهمیت (که بسته به		
چگونگی اجرای سند، به تنهایی یا بصورت فرعی تلفیق شده اند).		

D. منابع در معرض ریسک و ارزیابی

۸۲۳. ریسک های فراروی بانک و تکنیک های مورد استفاده برای شناسایی، اندازه گیری، پایش و کنترل آنها، از جمله عوامل مهمی هستند که مشارکت کنندگان در بازار آنها را در ارزیابی موسسه مد نظر قرار می دهند. در این بخش، ریسک های اصلی بانکی شامل ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک نرخ بهره و ریسک ابزارهای مالکانه در دفتر بانکی و همچنین ریسک عملیاتی مد نظر قرار می گیرد. این بخش مشتمل بر موارد افشای مرتبط با کاهش ریسک اعتباری و اوراق بهادار سازی دارایی ها که هر دو موجب تغییر مشخصه ریسکی موسسه می شوند نیز می گردد. در موارد مقتضی، افشای جداگانه برای بانک های استفاده کننده از رویکردهای مختلف در ارزیابی سرمایه نظارتی نیز تدوین گردیده است.

۱. الزامات کلی افشای کیفی

۸۲۴. برای هر ریسک مجزا (مانند ریسک اعتباری، بازار، عملیاتی، نرخ بهره دفتر بانکی، ابزارهای مالکانه) بانک باید اهداف و خط مشی های مدیریت ریسک خود را شامل موارد زیر تشریح نماید:

- راهبردها و فرایندها؛

^{۱۰۵} الزامات سرمایه ای صرفاً باید با توجه به رویکرد مورد استفاده، افشاء شوند.

^{۱۰۶} شامل نسبت ابزارهای سرمایه ای نوآورانه.

- ساختار و سازمان کارکرد مدیریت ریسک مربوط؛
- گستره و ماهیت سیستم های اندازه گیری و / یا گزارش دهی ریسک؛
- خط مشی های پوشش و/یا کاهش ریسک و راهبردها و فرایندهای پایش اثر بخشی مستمر پوشش/کاهنده های ریسک.

۲. ریسک اعتباری

۸۲۵. افشای کلی ریسک اعتباری، دامنه ای از اطلاعات را درباره منابع در معرض ریسک اعتباری کلی برای مشارکت کنندگان در بازار فراهم آورده و ضرورتی ندارد که مبتنی بر اطلاعات تهیه شده برای اهداف نظارتی باشد. افشای تکنیک های ارزیابی سرمایه متضمن اطلاعاتی در مورد ماهیت خاص منابع در معرض ریسک، ابزارهای ارزیابی سرمایه و داده هایی بمنظور ارزیابی قابلیت اتکای اطلاعات افشاء شده می باشد.

جدول ۱۰۷۴

ریسک اعتباری: افشای کلی برای همه بانکها

افشای کیفی	(a)	الزامات افشای کلی کیفی (پاراگراف ۸۲۴) در ارتباط با ریسک اعتباری، شامل:
		• تعاریف سررسید گذشته و غیرجاری (برای اهداف حسابداری)؛ • تشریح رویکردهای مورد نظر برای تخفیف های عام و خاص و روش های آماری؛ • مباحث مرتبط با خط مشی مدیریت ریسک اعتباری بانک؛ و • برای بانک هایی که بصورت بخشی، و نه کامل با رویکردهای IRB اعم از پایه و پی شرفته منطبق هستند، شرحی از ماهیت منابع در معرض ریسک درون هر پرتفوی مشمول رویکرد های ۱) استاندارد، ۲) IRB پایه، و ۳) IRB پی شرفته و برنامه مدیریت و زمان بندی آن برای منابع در معرض ریسک در حال انتقال به منظور پیاده سازی کامل رویکرد قابل اجرا، اعلام گردد.
افشای کمی	(b)	• کل منابع در معرض ریسک اعتباری ناخالص؛^{۱۰۷} به اضافه میانگین منبع ناخالص^{۱۰۸} در طول زمان^{۱۰۹} تفکیک شده از طریق انواع

^{۱۰۷} جدول ۴ شامل حقوق صاحبان سهام نمی باشد

^{۱۰۸} بدان معنا که، بعد از تهاتر حسابداری منطبق با نظام حسابداری قابل اعمال و بدون احتساب تاثیر تکنیک های کاهش ریسک اعتباری، مانند خالص سازی و وثیقه.

^{۱۰۹} هنگامی که وضعیت خاتمه دوره، بیانگر وضعیت ریسک بانک در طول دوره می باشد، میانگین منابع در معرض ریسک ناخالص نیازی به افشا شدن ندارد.

^{۱۱۰} هنگامی که مقادیر میانگین در انطباق با استانداردهای حسابداری یا سایر الزاماتی که روش های محاسباتی مورد استفاده را مشخص می کنند، افشاء شود، آن روش باید دنبال شود. در غیر این صورت، میانگین منابع در معرض ریسک باید با استفاده از فاصله زمانی با بیشترین تناوب که سیستم

عمده منبع در معرض ریسک اعتباری ^{۱۱۱}	
(c) • توزیع جغرافیایی ^{۱۱۲} منابع در معرض ریسک، تفکیک شده به ناحیه های حایز اهمیت از طریق انواع عمده منبع در معرض ریسک اعتباری.	
(d) • توزیع منابع در معرض ریسک صنعت یا طرف مقابل، تفکیک شده از طریق انواع عمده منبع در معرض ریسک.	
(e) • تفکیک سررسید قراردادی باقیمانده کل پرتفوی ^{۱۱۳} به تفکیک انواع عمده منبع در معرض ریسک.	
(f) بر حسب نوع صنعت یا طرف مقابل اصلی: • آرایه مقدار وام های ضعیف یا در صورت امکان، وام های سررسید گذشته، بصورت جداگانه ^{۱۱۴} • تخفیفات عام و خاص؛ و • هزینه های تخفیفات ویژه و منابع غیر قابل وصول در طول دوره.	
(g) مقدار وام های ضعیف یا در صورت امکان، وام های سررسید گذشته، بصورت جداگانه بر حسب ناحیه های جغرافیایی حایز اهمیت و در صورت امکان، مقادیر تخفیفات عام و خاص مرتبط با هر ناحیه جغرافیایی ^{۱۱۵}	
(h) مصالحه تغییرات در تخفیفات وام های ضعیف ^{۱۱۶}	
(i) برای هر پرتفوی، مقدار منابع در معرض ریسک (برای بانک های استفاده کننده از رویکرد IRB، برداشت شده به اضافه EAD در خصوص مقادیر برداشت نشده) منوط به رویکردهای (۱) استاندارد، (۲) IRB پایه، و (۳) IRB پیشرفته.	

های موسسه به دلایل مدیریتی، نظارتی و سایر حاصل می کنند، محاسبه شود، مشروط بر اینکه میانگین های حاصله، بمنزله نماینده عملیات بانک محسوب شوند. ضرورت دارد، مبنای مورد استفاده در محاسبه میانگین ها در صورتی که بر مبنای میانگین روزانه نباشد، اعلام شود.

^{۱۱۱} این تقسیم بندی می تواند موردی باشد که تحت قواعد حسابداری اعمال شده است، و به عنوان نمونه ممکن است، شامل الف) وام، تعهدات و سایر منابع در معرض ریسک غیر مشتقه زیر خط ترازنامه، ب) اوراق بدهی؛ و ج) اوراق مشتقه فرابورس گردد.

^{۱۱۲} نواحی جغرافیایی می تواند شامل هر کشور، گروهی از کشورها یا مناطق درون کشورها باشد. بانک ها باید تعریف نواحی جغرافیایی را مبتنی بر طریقی که پرتفوی بانک بصورت جغرافیایی اداره می شود، انتخاب کنند. معیارهای مورد استفاده در تخصیص وام ها به نواحی جغرافیایی باید مشخص شده باشد

^{۱۱۳} هم/اینک/این امر می تواند از طریق استانداردهای حسابداری پوشش داده شود، که در هر مورد بانک ها ممکن است مایل به استفاده از گروه بندی سرسیدی یکسان مورد استفاده در حسابداری، باشند.

^{۱۱۴} همچنین بانک ها ترغیب می شوند تا تحلیلی از طول عمر وام های سررسید گذشته تهیه کنند.

^{۱۱۵} بخشی از تخفیفات خاص که به یک ناحیه جغرافیایی تخصیص نمی یابد بصورت جداگانه افشاء شود.

^{۱۱۶} مصالحه مبین تخفیفات عام و خاص بصورت تفکیکی می باشد، اطلاعات شامل: شرحی از نوع تخفیف، تراز باز تخفیف، لحاظ منابع غیر قابل وصول در مقابل تخفیف در طول دوره، مقادیر نگهداری شده (یا برعکس) برای زیانهای احتمالی برآورد شده وام در طول دوره، هر گونه تعدیلات دیگر (به عنوان نمونه تفاوت نرخ ارز، ترکیب کسب و کار، تملک و واگذاری واحدهای فرعی مستقل)، شامل انتقال بین تخفیفات، و خاتمه تخفیفات می باشد. منابع غیر قابل وصول و بازیافت منمنابع که بصورت مستقیم در صورتحساب درآمد ثبت می شود، باید بصورت جداگانه افشاء شود.

جدول ۵

ریسک اعتباری: افشاهایی برای پرتفوی مشمول رویکرد استاندارد و اوزان ریسک نظارتی در

رویکردهای IRB^{۱۱۷}

افشای کیفی	(a)	در خصوص پرتفوی های تحت رویکرد استاندارد:
		• نام موسسه اعتباری صادراتی و موسسه مستقل اعتبار سنجی مورد استفاده به علاوه دلایل هر گونه تغییرات*؛ • انواع منابع در معرض ریسک که در خصوص آنها هر موسسه بکار گرفته می‌شود؛ • شرحی از فرایندهای مورد استفاده برای انتقال رتبه های موضوعات عمومی به دارایی های مقایسه پذیر در دفتر بانکی؛ و • تنظیم مقیاس حرفی - عددی برای هر موسسه مورد استفاده در دسته بندی های ریسک^{۱۱۸}
افشای کمی	(b)	• در مورد مقدار منابع در معرض ریسک پس از کاهش ریسک تحت رویکرد استاندارد، مقدار مانده بانک (رتبه بندی شده و فاقد رتبه) در هر دسته ریسک و به همین ترتیب موارد قابل کسر؛ و • در مورد منابع در معرض ریسک مشمول اوزان ریسک نظارتی در IRB (هر گونه محصول وام دهی خاص مشمول معیارهای دسته بندی نظارتی و حقوق صاحبان سهام تحت روش وزن ریسک ساده) مقدار کل مانده بانک در هر دسته ریسک.

ریسک اعتباری: افشاء برای پرتفوی های مشمول رویکردهای IRB

۸۲۶. یکی از بخش های مهم این سند، معرفی رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی (IRB) در ارزیابی سرمایه نظارتی برای ریسک اعتباری می باشد. تا حد زیادی، بانکها از صلاحدید در بکارگیری داده های داخلی در محاسبات سرمایه نظارتی خود برخوردار هستند. در این بخش فرعی، رویکرد IRB به عنوان مبنایی برای مجموعه ای از افشاءها در نظر گرفته شده تا اطلاعات درباره کیفیت دارایی ها را برای مشارکت کنندگان بازار فراهم نماید. افزون بر آن، این گونه افشاءها بوا سطه ایجاد امکان برای مشارکت کنندگان در بازار برای ارزیابی سرمایه حاصله در پرتو منابع در معرض ریسک، حایز اهمیت تلقی می گردند. دو دسته بندی برای افشای کمی وجود دارد: آنهایی که بر تحلیل منابع در معرض ریسک و ارزیابی تمرکز دارند (مانند ورودی ها) و آنهایی که بر رخداد های واقعی (به عنوان مبنایی در تهیه شاخص قابلیت اتکای محتمل اطلاعات افشاء شده) متمرکز می شوند. این موارد با نظامات افشای کیفی که اطلاعات زمینه ای را

^{۱۱۷} استثنای حداقلی، زمانی استفاده می شود که رتبه بندی برای کمتر از ۱ درصد کل پرتفوی وام بکار گرفته می شود.

^{۱۱۸} در صورتی که بانک منطبق با طرح ریزی استاندارد منتشره توسط ناظر مربوط باشد، ضرورتی به افشای اطلاعات نیست.

در خصوص مفروضات پایه ای چارچوب IRB تهیه می کند، استفاده از سیستم های IRB به عنوان بخشی از چارچوب مدیریت ریسک و وسیله ای برای راستی آزمایی نتایج سیستم های IRB، تکمیل می شود. نظام های افشاء به دنبال آن هستند تا مشارکت کنندگان در بازار را قادر سازند تا منابع در معرض ریسک اعتباری بانک های استفاده کننده از IRB و اجرای کلی آن و مناسب بودن چارچوب IRB، بدون آشکار کردن اطلاعات اختصاصی یا مضعف کردن نقش ناظر در راستی آزمایی جزییات چارچوب IRB مستقر، را ارزیابی نمایند.

جدول ۶

ریسک اعتباری: افشاء برای پرتفوی های مشمول رویکردهای IRB

افشای کیفی	(a)	پذیرش رویکرد توسط ناظران/انتقال مورد تأیید نظارتی
	(b)	تشریح و بررسی: • ساختار سیستم رتبه بندی داخلی و ارتباط بین رتبه های داخلی و مستقل؛ • استفاده از برآوردهای داخلی غیر از موارد بکار گرفته شده برای اهداف سرمایه ای IRB؛ • فرایند مدیریت و شناسایی کاهش ریسک اعتباری؛ و • سازکارهای کنترلی برای سیستم رتبه بندی شامل مباحث استقلال، پاسخگویی و بررسی سیستم های رتبه بندی.
	(c)	شرح فرایند رتبه بندی داخلی، تهیه شده بصورت مجزا برای ۵ پرتفوی متمایز زیر: • شرکتی (شامل نهادهای کوچک و متوسط، وام دهی خاص و اسناد دریافتی شرکتی خریداری شده)، دولتی و بانکی؛ • ابزارهای مالکانه^{۱۹}؛ • وام های رهنی مسکونی؛ • وام های خرد گردان واجد شرایط^{۲۰}؛ • سایر وام های خرد. شرح فوق باید برای هر پرتفوی شامل موارد زیر باشد: • انواع منابع در معرض ریسک موجود در پرتفوی؛ • تعاریف، روش ها و داده های برای برآورد و راستی آزمایی احتمال نکول PD و (در خصوص پرتفوی مشمول رویکرد IRB) و/یا منابع در زمان نکول EAD، شامل مفروضات مورد استفاده در

^{۱۹} در اینجا ضرورت دارد صرفاً ابزارهای مالکانه ای به عنوان پرتفوی مجزا افشاء شوند که بانک از رویکرد PD/LGD برای ابزارهای مالکانه موجود در دفتر بانکی استفاده می کند.

^{۲۰} در هر دو مورد افشای کمی و کیفی، بانک باید بین منابع خرد گردان واجد شرایط و سایر منابع خرد تفکیک قایل شود مگر اینکه این گونه پرتفوی ها از نقطه نظر اندازه فاقد اهمیت بوده (نسبت به منابع در معرض ریسک اعتباری کلی) و مشخصه ریسکی هر پرتفوی بقدر کافی مشابه بوده به نحوی که افشای جداگانه آن کمکی به درک کاربران از مشخصه ریسکی کسب و کار خرد بانک ننماید.

استخراج این متغیرها؛^{۱۲۱} • شرح انحراف مجاز تحت پاراگراف ۴۵۶ و زیر نویس ۸۹ از تعریف مرجع نکول در صورتی که حایز اهمیت تلقی شود، مشتمل بر بخش های گسترده ای از پرتفوی/پرتفوهایی که توسط این قبیل انحرافات متاثر شده اند.^{۱۲۲}		
برای هر پرتفوی (تعریف شده در بالا) به استثنای پرتفوی خرد، اطلاعات زیر از میان تعداد کافی درجات احتمال نکول (شامل نکول) بمنظور مجاز کردن تفکیک معنادار ریسک اعتباری آرایه شود: • کل منابع در معرض ریسک (برای شرکتی، دولتی و بانکی، مانده وام ها و منابع با فرض نکول در مورد تعهدات برداشت نشده؛^{۱۲۴} برای ابزارهای مالکانه، مقدار مانده)؛ • در خصوص بانکهای استفاده کننده از رویکرد IRB پیشرفته، زیان با فرض نکول میانگین موزون منبع در معرض ریسک (به درصد)؛ و • وزن ریسک میانگین موزون منبع در معرض ریسک؛ در خصوص بانکهای استفاده کننده از رویکرد IRB پیشرفته، مقدار تعهدات برداشت نشده و میانگین با فرض نکول منبع در معرض ریسک موزون برای هر پرتفوی؛^{۱۲۵} یا برای هر پرتفوی خرد (طبق تعریف بالا) موارد زیر افشا شود؛^{۱۲۶} • افشای مندرج در بالا بر مبنای مجموعه ای (به عنوان نمونه همسان با پرتفوی های غیر خرد)؛ یا • تحلیل منابع در معرض ریسک بر مبنای مجموعه ای (مانده وام ها و منابع با فرض نکول در خصوص تعهدات) در مقابل تعداد کافی	(d)	افشای کمی: ارزیابی ریسک*

^{۱۲۱} این افشاء الزامی در خصوص تشریح تفصیلی مدل بصورت کامل ندارد، بلکه باید برای خواننده خلاصه جامعی از رویکرد مدل، تشریح تعاریف متغیرها، و روش هایی برای برآورد و راستی آزمایی آن متغیرها در افشای ریسک کمی مندرج در زیر، ارایه نماید. این امر باید در خصوص هر ۵ پرتفوی انجام شود. بانک باید هر گونه تفاوت حایز اهمیت در رویکرد را در برآورد این متغیرها درون هر پرتفوی، استخراج کند.

^{۱۲۲} این امر باید زمینه افشای کمی مورد استفاده را برای خواننده تهیه کند. ضرورت دارد بانک ها صرفاً نواحی اصلی که واگرایی حایز اهمیتی از تعریف مرجع نکول وجود دارد به نحوی که می تواند بر توانایی خواننده در مقایسه و درک افشای منابع در معرض ریسک از طریق درجه احتمال نکول PD تاثیر گذار باشد، را تشریح کنند.

^{۱۲۳} افشای PD، LGD و EAD باید تاثیر وثیقه، خالص سازی و تضامین/اوراق مشتقه اعتباری را در مواردی که تحت بخش ۲ به رسمیت شناخته شده است را منعکس نماید. افشای هر درجه PD باید مشتمل بر میانگین احتمال نکول موزون به منبع در معرض ریسک برای هر درجه باشد.

هنگامی که بانک درجات PD را برای اهداف افشا، تجمیع می کند، این باید نمایانگر تفکیک توزیع درجات PD مورد استفاده در رویکرد IRB باشد.

^{۱۲۴} مانده وام و منابع با فرض نکول در خصوص تعهدات برداشت نشده می تواند بر مبنای ترکیبی برای این گونه افشاها ارایه شود.

^{۱۲۵} ضرورت دارد بانک صرفاً یک تخمین از EAD برای هر پرتفوی انجام دهد. به هر حال، هنگامی که بانک آن را در ارزیابی معنادارتر بودن ریسک مفید تشخیص دهد، همچنین می تواند تخمین EAD را در میان دسته هایی از EAD در مقابل منابع در معرض ریسک برداشت نشده مرتبط، افشاء نماید.

^{۱۲۶} از بانک ها بطور متعارف انتظار می رود تا از افشای تهیه شده برای پرتفوی های غیر خرد تبعیت کنند. در هر حال، هنگامی که باور داشته باشند که آن می تواند تمایز معناداری از ریسک اعتباری را برای خواننده فراهم کند، بانک ها می توانند گزینه درجات زیان مورد انتظار را به عنوان مبنای افشاء انتخاب کنند. هنگامی که بانک رتبه های داخلی را (PD/LGD یا EL) برای اهداف افشاء تجمیع می کند، این باید نمایانگر تفکیک توزیع آن درجات مورد استفاده در رویکرد IRB باشد.

در جات زیان مورد انتظار بمنظور مجاز کردن تفکیک معنادار ریسک اعتباری.		
زیان واقعی (به عنوان مثال مطالبات غیر قابل وصول و و ذخایر خاص) در دوره قبل برای هر پرتفوی (طبق تعریف بالا) و اینکه چگونه این امر از تجربه گذشته متمایز می شود. بحث عواملی که در دوره قبلی بر تجربه زیان تاثیر گذار بوده اند به عنوان مثال، تجربیاتی که بانک بالاتر از میانگین نرخ نکول یا بالاتر از میانگین زیان با فرض نکول یا منابع با فرض نکول داشته است.	(e)	افشای کمی: نتایج تاریخی*
برآوردهای بانک در مقابل رخداد های واقعی در دوره بلندمدت تر. ^{۱۲۷} حداقل، این امر باید مشتمل بر اطلاعاتی در خصوص برآوردهای زیان ها در مقابل زیان های واقعی در هر پرتفوی (طبق تعریف بالا) در طول دوره ای باشد که امکان ارزیابی معنادار عملکرد فرایند رتبه بندی داخلی برای هر پرتفوی ^{۱۲۸} فراهم آورد. علاوه بر آن و در موارد مقتضی، بانک باید آن را برای تهیه تحلیل رخداد احتمال نکول و در خصوص بانک های استفاده کننده از رویکرد IRB پیشرفته، زیان با فرض نکول و منابع با فرض نکول، در مقابل برآوردهای مطرح در افشای ارزیابی ریسک بالا، تجزیه نماید. ^{۱۲۹}	(f)	

جدول ۷

کاهش ریسک اعتباری: افشاء برای رویکردهای استاندارد و IRB؛^{۱۳۳}

الزامات افشای کیفی کلی (پاراگراف ۸۲۴) در ارتباط با کاهش ریسک اعتباری، شامل:	(a)	افشای کیفی
• فرایندها و خط مشی هایی برای خالص سازی ارقام بالا و زیر خط ترازنامه، و حدودی که بانک از آن استفاده می کند؛		

^{۱۲۷} این افشاء بمنزله روش دیگری برای اطلاع بیشتر خواننده در مورد قابلیت اتکای اطلاعات تهیه شده در "افشای کیفی: ارزیابی ریسک" در بلند مدت قلمداد می گردد. افشاء از انتهای سال ۲۰۰۹ الزامی می باشد، در ضمن از قبول پیش از موعد آن استقبال می شود. اجرای مرحله ای به این دلیل است تا بواسطه زمان کافی بانک ها قادر باشند داده های طولانی مدت تری ایجاد نموده و بوسیله آن افشاء را معنادارتر نمایند.

^{۱۲۸} کمیته در خصوص دوره مورد استفاده برای این ارزیابی چیزی را تجویز نمی کند. به محض اجرا، انتظار می رود که بانک این افشاء را با داده های تا حد امکان بلند مدت، تهیه نماید، به عنوان نمونه اگر بانک داده های ۱۰ سال را در اختیار دارد، باید میانگین نرخ نکول را برای هر درجه PD در طول دوره ۱۰ ساله افشاء نماید. ضرورتی ندارد که مقادیر سالانه افشاء شوند.

^{۱۲۹} بانک ها باید این مورد را تا اندازه ای تجزیه کنند تا این امکان را برای استفاده کنندگان فراهم کند قابلیت اتکای برآوردهای موجود در "افشای کمی: ارزیابی ریسک" را با بینش بهتری بررسی کنند. بویژه بانک ها باید این اطلاعات را هنگامی که تفاوت های حایز اهمیتی بین برآوردهای بانک از PD، LGD و EAD در مقایسه با رخداد های واقعی در بلند مدت وجود دارد، ارائه نمایند. بانک ها همچنین باید توضیحاتی برای این قبیل تفاوت ها ارائه دهند.

^{۱۳۰} حداقل بانک باید افشای زیر را در ارتباط با کاهش ریسک اعتباری که برای هدف کاهش الزامات سرمایه ای که در این سند به رسمیت شناخته شده است، انجام دهد. جایی که مرتبط باشد، بانک بمنظور ارائه اطلاعات بیشتر در خصوص کاهنده های ریسکی که مورد شناسایی قرار نگرفته اند، ترغیب می شوند.

^{۱۳۱} اوراق مشتقه اعتباری، که مطابق هدف این سند، به عنوان بخشی از ساختار اوراق بهادار سازی ترکیبی قلمداد می گردد، باید از افشای کاهش ریسک اعتباری مستثنی شده و در زمره موارد مرتبط با اوراق بهادار سازی لحاظ شود.

• فرایندها و خط مشی هایی برای ارزش گذاری و مدیریت وثیقه؛ • تشریح انواع اصلی وثیقه موجود نزد بانک؛ • انواع اصلی ضامنین/طرف های مقابل اوراق مشتقه اعتباری و اعتبار آن ها؛ و • اطلاعاتی درباره تمرکز ریسک (اعتباری یا بازار) در بین کاهش دهنده های اخذ شده.		
در خصوص هر پرتفوی ریسک اعتباری افشاء شده بصورت مجزا تحت رویکرد استاندارد و / یا IRB پایه، کل منبع در معرض ریسک (در صورت امکان، بعد از خالص سازی ارقام بالا و زیر خط ترازنامه) پوشش داده شده توسط موارد زیر: • وثیقه مالی قابل قبول؛ و • سایر وثایق IRB قابل قبول؛ بعد از اعمال تعدیل^{۱۳۲}	(b)	افشای کمی
• در خصوص هر پرتفوی ریسک اعتباری افشاء شده بصورت مجزا تحت رویکرد استاندارد و / یا IRB، کل منبع در معرض ریسک (در صورت امکان، بعد از خالص سازی ارقام بالا و زیر خط ترازنامه) پوشش داده شده توسط تضامین/اوراق مشتقه اعتباری.	(c)	

جدول ۸

افشاء کلی برای منابع در معرض ریسک مرتبط با ریسک اعتباری طرف مقابل

الزامات افشای کیفی کلی (پاراگراف های ۸۲۴ و ۸۲۵) در ارتباط با اوراق مشتقه و ریسک اعتباری طرف مقابل، شامل: • بحث روش مورد استفاده در تعیین سرمایه اقتصادی و حدود اعتباری برای منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل؛ • بحث خط مشی های ایمن کردن وثایق و ایجاد اندوخته اعتباری؛ • بحث خط مشی ها با توجه به ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل؛ • بحث در خصوص تاثیر میزان وثیقه ای که بانک باید با فرض کاهش رتبه اعتباری فراهم کند.	(a)	افشای کیفی
ارزش منصفانه مثبت ناخالص قراردادها، خالص سازی منافع، خالص منبع در معرض ریسک جاری، وثایق نگهداری شده (شامل نوع به عنوان نمونه نقد، اوراق بهادار دولتی و غیره)، و خالص منابع در معرض ریسک اعتباری	(b)	افشای کمی

^{۱۳۲} در صورت اعمال رویکرد جامع، در صورت امکان، کل منبع در معرض ریسک پوشش داده شده توسط وثیقه بعد از تعدیل، باید در چارچوب مجاز تحت بخش ۲، کسر شود تا هرگونه تعدیل مثبت بیشتر منبع در معرض ریسک را حذف کند.

اوراق مشتقه. همچنین گزارش سنجه های منابع با فرض نکول، یا مقدار منابع در معرض ریسک تحت روش مدل داخلی، مدل استاندارد یا روش منبع در معرض ریسک جاری، هر یک که امکان پذیر باشد. ارزش فرضی پوشش اوراق مشتقه اعتباری و توزیع منبع در معرض ریسک اعتباری جاری از طریق انواع منابع اعتباری^{۱۳۴}		
• معاملات اوراق مشتقه اعتباری که موجب ایجاد ریسک اعتباری طرف مقابل در خصوص منابع در معرض ریسک می شود (ارزش فرضی)، تفکیک شده بین استفاده برای پرتفوی اعتباری خود موسسه، به همین ترتیب در خصوص فعالیت های واسطه گری آن، شامل توزیع محصولات اوراق مشتقه اعتباری استفاده شده؛^{۱۳۵} که بیشتر از طریق پوشش های خریداری شده و فروخته شده در مورد هر گروه محصول متمایز گردند.	(c)	
• تخمین آلفا در صورتی که بانک تاییدیه نظارتی را در خصوص امکان برآورد آلفا دریافت نموده باشد.	(d)	

جدول ۹

اوراق بهادار سازی: افشاء در خصوص رویکردهای استاندارد و IRB

الزامات افشای کیفی کلی (پاراگراف های ۸۲۴) در ارتباط با اوراق بهادار سازی (از جمله ترکیبی)، شامل بحث: • اهداف بانک در ارتباط با فعالیت های اوراق بهادار سازی، شامل اندازه ای که این فعالیت ها ریسک اعتباری منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی شده پایه را از بانک به سایر نهادها منتقل می کند؛ • نقشی که بانک در فرایند اوراق بهادار سازی ایفا می کند و حد مشارکت بانک در هر یک از آنها؛ و • رویکردهای سرمایه نظارتی (مانند رویکرد مبتنی بر رتبه بندی، رویکرد مبتنی بر ارزیابی داخلی و رویکرد مبتنی بر فرمول نظارتی) که بانک در خصوص فعالیت های اوراق بهادار سازی خود از آنها پیروی می کند.	(a)	افشای کیفی
---	-----	------------

^{۱۳۳} منبع در معرض ریسک اعتباری خالص، منبع در معرض ریسک اعتباری در خصوص معاملات اوراق مشتقه بعد از احتساب منافع حاصل از توافقات خالص سازی دارای ضمانت اجرای قانونی و همچنین ترتیبات وثیقه ای می باشد. مقدار فرضی پوشش اوراق مشتقه اعتباری، به مشارکت کنندگان در بازار، منبع اضافی کاهش ریسک اعتباری را نشان می دهد.

^{۱۳۴} این می تواند شامل قراردادهای نرخ بهره، قراردادهای نرخ ارز، قراردادهای ابزار مالکانه، اوراق مشتقه اعتباری، و قراردادهای کلایی و سایر گردد.

^{۱۳۵} این می تواند مشتمل بر قرارداد معاوضه نکول، قرارداد معاوضه بازده کل، اختیار معامله اعباری و سایر گردد.

^{۱۳۶} به عنوان نمونه، بانی، سرمایه گذار، ارایه دهنده خدمت، فراهم کننده ارتقا اعتباری، حامی سازکارهای تسهیلی اوراق تجاری به پشتوانه دارایی، فراهم کننده نقدینگی، فراهم کننده قرارداد معاوضه.

خلاصه ای از خط مشی های حسابداری بانک در خصوص فعالیت های اوراق بهادارسازی، مشتمل بر: • آیا معاملات به عنوان فروش یا تأمین مالی تلقی می گردند؛ • شناسایی عواید فروش • مفروضات اصلی در خصوص ارزش گذاری منافع انباشته، شامل هر گونه تغییر حایز اهمیت از آخرین دوره گزارش دهی و تاثیر آن تغییر؛ و • ترتیبات اوراق بهادار سازی ترکیبی در صورتی که از طریق سایر خط مشی های حسابداری پوشش داده نشود (مانند اوراق مشتقه).	(b)	
نام مؤسسات مستقل اعتبارسنجی مورد استفاده در اوراق بهادارسازی و انواع منابع اوراق بهادارسازی که هر موسسه در خصوص آن بکار گرفته می شود.	(c)	
کل مانده منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی شده توسط بانک و منوط به چارچوب اوراق بهادارسازی (به تفکیک متعارف/ ترکیبی)، از طریق نوع منبع در معرض ریسک؛^{۱۳۳۷}	(d)	افشای کمی
در خصوص منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی شده توسط بانک و منوط به چارچوب اوراق بهادارسازی^{۲۲۵}: • مقدار دارایی های اوراق بهادار سازی شده مساله دار/ سررسید گذشته؛ و • زیان های شناسایی شده توسط بانک در طول دوره جاری^{۱۴۰} به تفکیک نوع منبع در معرض ریسک.	(e)	
مقدار کل منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی شده انباشته یا خریداری شده (به تفکیک نوع منبع).	(f)	
مقدار کل منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی شده انباشته یا خریداری شده^{۲۲۷} و پوشش سرمایه ای IRB مرتبط با این منابع در معرض ریسک به تفکیک تعداد معنادار گروه های وزن ریسک. منابع در معرض ریسک که بطور کامل از سرمایه لایه اول کسر شده اند، ارتقاء دهنده های اعتباری صرفاً بهره ای که از کل سرمایه کسر شده اند، و سایر منابع در	(g)	

^{۱۳۷} به عنوان نمونه، کارت های اعتباری، تسهیلات مسکونی، خودرو و غیره.

^{۱۳۸} معاملات اوراق بهادارسازی که بموجب آن بانک بانی هیچ گونه منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی را انباشته نمی کند، باید بصورت جداگانه نمایش داده شود لیکن ضرورت دارد که صرفاً برای سال شروع گزارش شوند.

^{۱۳۹} در شرایط مقتضی، بانک ها ترغیب می شوند تا بین منابع در معرض ریسک ناشی از فعالیت هایی که بانک در آنها صرفاً در نقش حامی ظاهر می شود با منابع در معرض ریسکی که حاصل از سایر فعالیت های اوراق بهادارسازی بانک که مشروط به چارچوب اوراق بهادار سازی می باشند، تمایز ایجاد کند.

^{۱۴۰} به عنوان نمونه، تخفیفات ارایه شده/ مطالبات غیر قابل وصول (در صورتی که دارایی در ترازنامه بانک باقی بماند) یا کاهش ارزش اسمی موارد صرفاً بهره ای یا سایر بهره های باقیمانده.

^{۱۴۱} منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی، بشرح مندرج در بخش ۲، قسمت ۴، شامل، ولی نه محدود به، اوراق بهادار، تسهیلات نقدینگی، سایر تعهدات و ارتقا دهنده های اعتباری از قبیل موارد صرفاً بهره ای، حساب های وثایق نقدی و سایر دارایی های تبعی می باشد.

معرض ریسک کسر شده از کل سرمایه، باید بصورت جداگانه بر حسب نوع دارایی پایه افشاء شوند.		
در خصوص اوراق بهادارسازی مشروط به ترتیبات تسویه پیش از موعد، ارقام زیر بر حسب نوع دارایی پایه برای تسهیلات اوراق بهادارسازی شده: • کل منابع در معرض ریسک برداشت شده نسبت به منافع سرمایه گذاران و فروشندگان؛ • پوشش سرمایه ای IRB کلی تحمیل شده به بانک در مقابل سهم انباشته خود (به عنوان نمونه فرو شده) از تراز برداشت و خطوط برداشت نشده؛ و • پوشش سرمایه ای IRB کلی تحمیل شده به بانک در مقابل سهم سرمایه گذاران از تراز برداشت و خطوط برداشت نشده.	(h)	
بانک هایی که از رویکرد استاندارد استفاده می کنند و همچنین مشمول افشاهای (g) و (h) هستند، اما باید پوشش سرمایه ای مندرج در رویکرد استاندارد را بکار گیرند.	(i)	
خلاصه فعالیت های اوراق بهادارسازی سال جاری مشتمل بر مقدار منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی شده (بر حسب نوع منابع در معرض ریسک)، و عایدی یا زیان شناسایی شده ناشی از فروش بر حسب نوع دارایی.	(j)	

۳. ریسک بازار

جدول ۱۰

ریسک بازار: افشاء برای بانک های استفاده کننده از رویکرد استاندارد^{۱۴۲}

الزامات افشای کیفی کلی (پاراگراف ۸۲۴) برای ریسک بازار مشتمل بر پرتفوی های پوشش داده شده توسط رویکرد استاندارد.	(a)	افشای کیفی
الزامات سرمایه ای برای: • ریسک نرخ بهره؛ • ریسک وضعیت ابزارهای مالکانه؛ • ریسک نرخ ارز؛ و • ریسک کالا.	(b)	افشای کمی

^{۱۴۲} رویکرد استاندارد در اینجا اشاره به "روش اندازه گیری استاندارد" مطابق تعریف مندرج در بخش ۲، قسمت VI C دارد.

جدول ۱۱

ریسک بازار: افشاء در خصوص بانک‌های استفاده‌کننده از رویکرد مدل داخلی (IMA) در خصوص

پرتفوی‌های تجاری

الزامات افشای کیفی کلی (پاراگراف ۸۲۴) در خصوص ریسک بازار مشتمل بر پرتفوی‌های پوشش داده شده توسط رویکرد مدل‌های داخلی (IMA). افزون بر آن، بحث حدود و روش‌های تطبیق با "رهنمود ارزش گذاری احتیاطی" برای وضعیت‌های نگهداری شده در دفتر تجاری (پاراگراف ۶۹۰ تا ۷۰۱).	(a)	افشای کیفی
بحث باید مشتمل بر تفسیر استانداردهای سلامت بانکی باشد که ارزیابی داخلی کفایت سرمایه بانک بر پایه آن بنا نهاده شده است. همچنین آن باید شامل تشریح روش مورد استفاده جهت حصول ارزیابی کفایت سرمایه سازگار با استانداردهای سلامت بانکی باشد	(b)	
در خصوص هر پرتفوی پوشش داده شده توسط IMA: • ویژگی‌های مدل مورد استفاده؛ • شرح آزمون بحران اعمال شده در خصوص پرتفوی؛ و • شرح رویکرد مورد استفاده در خصوص پس آزمایی/ راستی آزمایی دقت و سازگاری مدل داخلی و فرایندهای مدل سازی.	(c)	
گستره پذیرش توسط ناظران.	(d)	
در خصوص پرتفوی‌های تجاری تحت IMA: • بالاترین، میانگین و کمترین مقدار ارزش در معرض خطر (VaR) در طول و پایان دوره گزارش دهی؛ و • مقایسه تخمین ارزش در معرض خطر (VaR) با عواید/ زیان واقعی تجربه شده توسط بانک، با تحلیل "داده‌های خارج از روند" با اهمیت در نتایج آزمون پس آزمایی.	(e)	افشای کمی

۴. ریسک عملیاتی

جدول ۱۲

ریسک عملیاتی

افزون بر الزامات افشای کیفی کلی (پاراگراف ۸۲۴)، رویکرد(های) ارزیابی سرمایه‌ریسک عملیاتی که بانک واجد صلاحیت استفاده از آن است.	(a)	افشای کیفی
شرح رویکرد اندازه گیری پیشرفته، در صورت استفاده توسط بانک، مشتمل بر بحث عوامل داخلی و خارجی مرتبط که در رویکرد اندازه گیری بانک لحاظ شده است. در خصوص موارد استفاده بخشی، گستره و پوشش رویکردهای متفاوت مورد استفاده.	(b)	
در خصوص بانک‌های استفاده‌کننده از رویکرد اندازه گیری پیشرفته، شرح استفاده از بیمه با هدف کاهش ریسک عملیاتی.	(c) *	

۵. ابزارهای مالکانه

جدول ۱۳

ابزارهای مالکانه: افشاء در خصوص وضعیت های دفتر بانکی

افشای کیفی	(a)	الزامات افشای کیفی کلی (پاراگراف ۸۲۴) در ارتباط با ریسک ابزارهای مالکانه، مشتمل بر: • تمایز بین نگهداری هلدینگ هایی که در خصوص آنها عواید سرمایه ای مورد انتظار است و مواردی که بمنظور اهداف دیگری از جمله به دلایل ارتباطاتی و راهبردی نگهداری شده اند؛ و • بحث خط مشی های باهمیتی که ارزش گذاری و حسابداری حقوق و منافع مالکانه در دفتر بانکی را پوشش می دهد. این امر مشتمل بر تکنیک های حسابداری و روش های ارزش گذاری مورد استفاده شامل مفروضات و شیوه های اصلی موثر بر ارزش گذاری و همچنین تغییرات باهمیت در این شیوه ها، می باشد.
افشای کمی	(b)	ارزش افشاء شده در ترازنامه سرمایه گذاری ها و همچنین ارزش منصفانه سرمایه گذاری های مذکور؛ برای اوراق بهادار با مظنه قیمت، مقایسه ارزش سهام با مظنه قیمت عمومی در هنگامی که قیمت سهام تفاوت با اهمیتی نسبت به ارزش منصفانه دارد.
	(c)	نوع و ماهیت سرمایه گذاری ها، مشتمل بر مقداری که می تواند به عنوان یکی از موارد زیر طبقه بندی شود: • قابل خرید و فروش عمومی؛ و • نگهداری اختصاصی.
	(d)	عواید (زیان های) تحقق یافته تجمعی حاصل از فروش و تصفیه در دوره گزارش دهی.
	(e)	• کل عواید (زیان های) محقق نشده^{۱۴۳} • کل عواید (زیان های) نهفته ارزش گذاری مجدد^{۱۴۴} • هر مقدار از موارد بالا لحاظ شده در سرمایه لایه ۱ و/ یا سرمایه لایه ۲.
	(f)	الزامات سرمایه ای تفکیک شده بر حسب گروه بندی مناسب ابزارهای مالکانه، سازگار با روش های بانک و همچنین مقدار کل و نوع سرمایه گذاری در ابزارهای مالکانه مشروط به هر گونه انتقال نظارتی یا حق استثناء با توجه به الزامات سرمایه نظارتی.

^{۱۴۳} عواید (زیان های) محقق نشده که در ترازنامه شناسایی شده ولی نه از طریق حساب سود و زیان.

^{۱۴۴} عواید (زیان های) محقق نشده که نه در ترازنامه یا نه از طریق حساب سود و زیان شناسایی شده اند.

۶. ریسک نرخ بهره در دفتر بانکی

جدول ۱۴

ریسک نرخ بهره در دفتر بانکی (IRRBB)

افشای کیفی	(a)	الزامات کلی افشای کیفی (پاراگراف ۸۲۴) مشتمل بر ماهیت ریسک نرخ بهره در دفتر بانکی و مفروضات اصلی، شامل مفروضات مرتبط با پیش پرداخت وام و رفتار سپرده های فاقد سررسید و تواتر اندازه گیری ریسک نرخ بهره دفتر بانکی.
افشای کمی	(b)	افزایش (کاهش) در عواید یا ارزش اقتصادی (یا سنجه مرتبط مورد استفاده مدیریت) در خصوص شوک های رو به بالا و پایین نرخ منطبق با روش مدیریت در اندازه گیری ریسک نرخ بهره دفتر بانکی، به تفکیک ارزشها (در صورت مرتبط بودن).

پیوست ۱

حد ۱۵٪ لایه ۱ در خصوص ابزارهای نوآورانه

۱. هدف این پیوست تبیین محاسبه حد ۱۵٪ در خصوص ابزارهای نوآورانه مورد توافق کمیته است که در اکتبر ۱۹۹۸ منتشر شده است.

۲. مقدار ابزارهای نوآورانه محدود به ۱۵٪ سرمایه لایه اول پس از کسر سرقتی می شوند. بمنظور تعیین مقدار مجاز ابزارهای نوآورانه، بانکها و ناظران باید مقدار سرمایه لایه ۱ ابزارهای غیرنوآورانه را در عدد ۱۷/۶۵٪ ضرب کنند. این عدد حاصل تقسیم ۱۵٪ بر ۸۵٪ (به عبارت دیگر $17,65\% = 15\% / 85\%$) می باشد.

۳. به عنوان مثال، بانکی با ۷۵ یورو سهام عادی، ۱۵ یورو سهام ممتاز دائمی غیر تجمعی، ۵ یورو سهم اقلیت در سهام عادی موسسه فرعی مستقل تلفیق شده، و ۱۰ یورو سرقتی را در نظر بگیرید. مقدار خالص سرمایه لایه ۱ غیر نوآورانه عبارت خواهد بود از:

$$10 - 5 + 15 + 75 = 85$$

۴. مقدار مجاز ابزارهای نوآورانه که این بانک می تواند در سرمایه لایه ۱ داشته باشد عبارتست از:

$$85 \times 17,65\% = 15$$

در صورتیکه بانک ابزارهای نوآورانه لایه ۱ را تا حد مجاز منتشر کند، کل لایه ۱ واجد مقدار

$$10 + 15 = 25$$

خواهد بود. درصد ابزارهای نوآورانه به کل لایه ۱ معادل ۱۵٪ خواهد بود.

پیوست ۱a

تعریف سرمایه لحاظ شده در سرمایه پایه

A. اجزای سرمایه

لایه ۱:

(a) سهام عادی/سرمایه پرداخت شده

(b) اندوخته های افشاء شده

لایه ۲:

(a) اندوخته های افشاء نشده

(b) اندوخته های تجدید ارزیابی دارایی ها

(c) ذخایر عام/ ذخایر عام زیان- وام (منوط به ذخایر مندرج در پاراگراف های ۴۲ و ۴۳)

(d) ابزارهای سرمایه ای دوگانه (بدهی/مالکانه)

(e) بدهی های تبعی

لایه ۳:

بنا به صلاحدید مقامات ملی، بانکها همچنین می توانند از سرمایه لایه ۳، که مشتمل بر بدهی تبعی کوتاه

مدت مطابق تعریف پاراگراف های (۴۹xxi) و (۴۹xxii) این سند و صرفاً برای هدف رعایت بخشی از

الزامات سرمایه ای ریسک بازار، استفاده کنند.

مجموع اجزای سرمایه لایه ۱، لایه ۲ و لایه ۳ واجد شرایط برای لحاظ شدن در سرمایه پایه، منوط به حدود

زیر می باشد:

B. حدود و محدودیت ها

(i) کل اجزای لایه ۲ (تکمیلی) حداکثر محدود به ۱۰٪ کل اجزای لایه ۱ خواهد بود.

(ii) بدهی های تبعی مدت دار حداکثر محدود به ۵۰٪ اجزای لایه ۱ خواهد بود.

(iii) سرمایه لایه ۳ محدود به ۲۵۰٪ سرمایه لایه ۱ خواهد بود که بانک ملزم به نگهداری آن جهت پوشش ریسک بازار می باشد.

(iv) هنگامی که ذخایر عام/ ذخیره زیان عمومی وام شامل مقادیری است که منعکس کننده ارزش کمتر دارایی ها یا نهفته ولی زیان شناسایی نشده در ترازنامه، باشد، مقدار این ذخایر یا اندوخته ها محدود به حداکثر ۱,۲۵٪ می گردد.

(v) اندوخته های تجدید ارزیابی دارایی که در قالب عواید نهفته در خصوص اوراق بهادار تجلی می کند (به بخش زیر رجوع شود) مشمول تخفیف ۵۵٪ خواهد بود.

C. کسورات سرمایه پایه

کسر از لایه ۱:

سرقفلی و افزایش سرمایه مالکانه حاصل از اوراق بهادار سازی منابع در معرض ریسک مطابق پاراگراف ۵۶۲ این سند.

کسر ۵۰ درصد از سرمایه لایه ۱ و ۵۰ درصد از سرمایه لایه ۲:

(i) سرمایه گذاری در شرکت های فرعی مستقل مالی و بانکی تلفیق نشده.

نکته: فرض بر این است که این سند بر مبنای تلفیقی برای گروه های بانکی اجرایی شود.

(ii) سرمایه گذاری در سرمایه سایر مؤسسات مالی و بانکی (بنا بر صلاح دید مقامات ملی)

(iii) سرمایه گذاری اقلیت حایز اهمیت در سایر نهادهای مالی.

D. تعریف اجزای سرمایه

(i) لایه ۱:

صرفاً مشتمل بر ابزارهای مالکانه دائمی سهامداران (سهام عادی منتشره که بصورت کامل پرداخت شده است و سهام ممتاز دائمی غیر تجمعی) و اندوخته های افشاء شده (ایجاد یا افزایش از طریق تخصیص درآمد انباشته یا سایر منابع مازاد مانند صرف سهام، سود انباشته، ذخیره عام و ذخیره قانونی). اندوخته های افشاء شده همچنین شامل وجوه عام (مانند وجوه برای پوشش ریسک عام بانکداری در کشورهای معین جامعه اقتصادی اروپا) با داشتن کیفیت مشابه که بتواند معیارهای زیر را برآورده کند:

- تخصیص به وجوه باید بعد از درآمد انباشته پس از کسر مالیات یا درآمد قبل از مالیات تعدیل شده برای تمامی بدهی های مالیاتی بالقوه انجام شود.

- وجوه و تغییرات ورودی و خروجی آن باید بصورت جداگانه در حساب های منتشره بانک افشاء شوند.
 - وجوه باید در دسترس بانک بوده تا زیان ها را بصورت نامحدود و فوری و به محض وقوع پوشش دهد.
 - زیان ها نمی توانند مستقیماً از محل وجوه جبران شوند بلکه باید در حساب سود و زیان لحاظ شوند.
- در مورد حساب های تلفیقی، همچنین این شامل منافع اقلیت در سهام واحدهای فرعی مستقل که کمتر از مالکیت کامل هستند، می شود. این تعریف پایه از سرمایه، ذخایر تجدید ارزیابی و سهام ممتاز تجمعی را مستثنی می کند.

(ii) لایه ۲

(a) **اندوخته های افشاء نشده** واجد شرایط لحاظ شدن در اجزای تکمیلی سرمایه هستند مشروط بر اینکه این اندوخته ها توسط ناظران پذیرفته شوند. این قبیل اندوخته ها شامل بخشی از مازاد سود انباشته تجمعی پس از کسر مالیات بوده که بانک ها در برخی کشورها مجازند تا آن را به عنوان اندوخته افشاء نشده نگهداری کنند. صرف نظر از این حقیقت که ذخیره در ترازنامه شناسایی نمی شود، آن باید واجد کیفیت بالا و ویژگی هایی همانند ذخیره سرمایه افشاء شده باشد، همینطور، آن نباید توسط هر گونه اندوخته یا سایر بدهی های شناخته شده، قفل شود بلکه باید بصورت آزادانه و فوری جهت پوشش زیان های آتی پیش بینی نشده در دسترس باشد. این تعریف از اندوخته های افشاء نشده ارزش نهفته حاصل از نگهداری اوراق بهادار در ترازنامه کمتر از قیمت جاری بازار را مستثنی می کند (به بخش زیر رجوع شود).

(b) **ذخایر تجدید ارزیابی** به دوروش حاصل می شود. نخست، در برخی کشورها، بانک ها (و سایر شرکت های تجاری) مجاز هستند تا دارایی های ثابت را بصورت متعارف شامل تمامی مشخصات از زمانی به زمان دیگر همراستا با تغییرات در ارزش بازار، تجدید ارزیابی کنند. در برخی از این کشورها، میزان این قبیل تجدید ارزیابی ها توسط قانون تعیین می شود. تجدید ارزیابی هایی از این دست در ترازنامه به عنوان ذخیره تجدید ارزیابی منعکس می شود.

دوم، ارزش پنهان اندوخته های تجدید ارزیابی "نهفته" می تواند به عنوان نتیجه نگهداری بلندمدت اوراق بهادار مالکانه ارزش گذاری شده در ترازنامه به بهای تاریخی تملک دارایی ارایه شود. هر دو نوع اندوخته های تجدید ارزیابی می تواند در لایه ۲ لحاظ شود مشروط بر آن که دارایی بصورت محتاطانه ارزش گذاری شده، بصورت کامل احتمال نوسانات قیمت و فروش اجباری را منعکس کند. در مورد اندوخته های تجدید ارزیابی "نهفته" تخفیف ۵۵٪ در خصوص تفاوت بین ارزش دفتری تاریخی و ارزش بازار اعمال شده تا نوسانات بالقوه این قالب از سرمایه محقق نشده و هزینه فرضی مالیاتی آن را منعکس کند.

(c) **ذخایر عام/اندوخته عام زیان-وام** (در خصوص بانک های استفاده کننده از رویکرد استاندارد برای ریسک اعتباری): ذخایر یا اندوخته زیان-وام نگهداری شده در مقابل زیان های آتی که در حال حاضر شناسایی نشده اند بمنظور پوشش زیان هایی که متعاقباً حایز اهمیت بوده و بنابراین واجد شرایط لحاظ شدن در اجزای سرمایه تکمیلی هستند، آزادانه در دسترس باشند. ذخایر وابسته/متناسب در خصوص کاهش ارزش دارایی های مشخص یا ذخایر مربوط به بدهی های شناخته شده، اعم از فردی یا گروهی، باید مستثنی شوند. افزون بر آن، ذخایر عام، اندوخته عام زیان-وام واجد شرایط برای لحاظ شدن در لایه ۲، حداکثر محدود به ۱,۲۵ درصد دارایی های موزون به ریسک خواهد بود.

(d) **ابزارهای سرمایه ای (بدهی/مالکانه) دوگانه**. این سرفصل مشتمل بر گستره ای از ابزارها بوده که که به صورت توانمند دارای ترکیبی از برخی ویژگی های سرمایه ای و برخی ویژگی های بدهی می باشند. مشخصات دقیق آن ها از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده ولی باید الزامات زیر را برآورده کنند:

- فاقد وثیقه، تبعی و کاملاً پرداخت شده باشند.
- با اقدام شخص دارنده یا بدون موافقت مقام نظارتی، قابل بازخرید نباشند.
- بدون تعهد بانک به توقف نقل و انتقال، جهت پوشش زیان در دسترس باشند (بر خلاف بدهی های تبعی متعارف).
- اگر چه ابزار سرمایه ای ممکن است متضمن تعهد به پرداخت بهره ای که بصورت دائمی قابل کسر یا چشم پوشی نیست، باشند (بر خلاف سود تقسیمی در خصوص سهام عادی)، آن باید در

هنگامی که سودآوری بانک نتواند امکان پرداخت را فراهم کند، به تعویق افتادن تعهدات خدمتی را مجاز کند (مانند سهام ممتاز تجمعی).

سهام ممتاز تجمعی، که این ویژگی ها را دارند، واجد شرایط لحاظ شدن در این دسته هستند. افزون بر آن، موارد زیر نمونه هایی از ابزارهایی است که ممکن است واجد شرایط لحاظ شدن باشند: سهام ممتاز بلند مدت در کانادا، اوراق بهادار سهام و اوراق بلند مدت تبعی در فرانسه، گواهی نامه شرکت در آلمان، ابزارهای بدهی دایمی در انگلستان و ابزارهای بدهی قابل تبدیل الزام آور در ایالات متحده. ابزارهای سرمایه بدهی که این معیارها را برآوردن نکنند، ممکن است واجد شرایط لحاظ شدن در جزء (e) شوند.

(e) **بدهی های تبعی مدت دار:** مشتمل بر ابزارهای سرمایه ای بدهی تبعی فاقد وثیقه متعارف دارای حداقل زمان مانده به سررسید ثابت ابزار اصلی ۵ سال و سهام ممتاز قابل بازخرید با دوره محدود. در طول ۵ سال آخر به سررسید، عامل تخفیف (استهلاک) تجمعی ۲۰ درصد به ازای هر سال اعمال شده تا کاهش ارزش این ابزارها را به عنوان منبع مستمر، منعکس کند. برخلاف ابزارهای مشمول در بخش (d)، این ابزارها بصورت متعارف جهت پوشش زیان بانکی که بصورت مستمر نقل و انتقالات را انجام می دهد، در اختیار نخواهند بود. به این دلیل، این گونه ابزارها حداکثر محدود به ۵۰ درصد لایه ۱ خواهند بود.

پیوست ۲

رویکرد استاندارد- پیاده سازی و اجرای فرایند تطبیق ارزیابی ها با اوزان ریسک

۱. به دلیل مسئولیت ناظران برای تخصیص ارزیابی های ریسک اعتباری یک مؤسسه اعتبار سنجی مستقل واجد شرایط به وزن های ریسک های موجود در رویکرد استاندارد، آن ها باید فاکتورهای کمی و کیفی گوناگونی را به منظور ایجاد تمایز بین درجات مرتبط ریسک بیان شده توسط هر یک از ارزیابی ها مورد لحاظ قرار دهند. چنین فاکتورهای کیفی می تواند شامل مواردی از قبیل مجموعه ای از ناشرانی که هر مؤسسه آن را پوشش می دهد، طیف رتبه بندی که هر مؤسسه تخصیص می دهد، معنی هر یک از این رتبه بندی ها و تعریف هر یک از مؤسسات رتبه بندی از نکول باشد.

۲. پارامترهای قابل سنجش ممکن است به افزایش سازگاری بیشتر تطبیق ارزیابی های ریسک اعتباری به وزن های ریسک موجود در رویکرد استاندارد کمک کند. پیوست حاضر، خلاصه پیشنهادات کمیته را به منظور کمک به ناظران در خصوص فرایند تطبیق وزن ریسک ارائه می دهد. پارامترهای معرفی شده در ادامه به منظور

فراهم آوردن رهنمودی برای ناظران بوده و هدف از آن ایجاد الزامات جدید یا تکمیلی برای مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری مستقل نمی‌باشد.

ارزیابی نرخ‌های نکول تجمعی – دو سنجه پیشنهادی

۳. به منظور کمک به حصول اطمینان از این که یک وزن ریسک مشخص برای یک ارزیابی ریسک اعتباری خاص مناسب است، کمیته توصیه می‌کند که ناظران نرخ نکول تجمعی را همراه با رتبه ریسک اعتباری یکسان تخصیص یافته به تمامی اوراق مورد ارزیابی قرار دهند. ناظران دو سنجه جداگانه را در خصوص نرخ نکول تجمعی همراه با رتبه‌بندی ریسک موجود در رویکرد استاندارد در مورد هر یک از آن‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهند؛ که در هر دو مورد، نرخ نکول تجمعی برای یک دوره سه ساله اندازه‌گیری می‌شود.

- به منظور حصول اطمینان از این که ناظران درکی از تجربه نکول بلند مدت در طول زمان را دارند، آن‌ها باید میانگین ۱۰ ساله نرخ نکول تجمعی سه ساله را هنگام وجود داده‌های لازم، مورد ارزیابی قرار دهند. برای مؤسسات رتبه‌بندی جدید یا برای آن‌هایی که منطبق با بازه زمانی ده ساله برای داده‌های نرخ نکول نیستند، ناظران می‌توانند نظر مؤسسات مذکور را در خصوص میانگین نرخ نکول تجمعی سه ساله برای یک دوره ده ساله برای هر یک از رتبه‌بندی‌های ریسک جویا شوند و چنین اطلاعاتی را برای چنین ارزیابی‌هایی در مراحل بعد با هدف وزن‌دهی ریسک مطالباتی که آن‌ها رتبه‌بندی می‌کنند، مورد استفاده قرار دهند.

- سنجه دیگری که ناظران باید مورد توجه قرار دهند عبارت است از آخرین نرخ نکول تجمعی سه ساله که همراه با ارزیابی ریسک اعتباری انجام شده توسط هر یک از مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری مستقل وجود دارد.

۴. هر دو سنجه با نرخ‌های نکول کل و تاریخی ارزیابی‌های ریسک اعتباری که توسط کمیته گردآوری شده بود و چنین پنداشته می‌شود که نشان‌دهنده سطح معادل ریسک اعتباری می‌باشند، مقایسه می‌شوند.

۵. از آن جایی که انتظار می‌رود اطلاعات مربوط به نرخ نکول تجمعی سه ساله نزد مؤسسات اعتبار سنجی مستقل موجود است، ناظران باید قادر باشند تجربه نکول ارزیابی‌های یک ارزیابی مؤسسات اعتبار سنجی مستقل خاص را با آن‌هایی که توسط سایر نهادهای رتبه‌بندی منتشر می‌شود، به ویژه نهادهای عمده خاصی که تعداد مشابهی را رتبه‌بندی می‌کنند، مقایسه کنند.

۱۴۵ - در سال ۲۰۰۲، به عنوان مثال، ناظران متوسط نرخ‌های نکول تجمعی سه ساله را برای ناشران تخصیص یافته به هر درجه رتبه‌بندی (گروه) برای تمامی سال‌ها در دوره ده ساله از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ محاسبه کردند.

تطبیق رتبه بندی ریسک با وزن های ریسک با استفاده از نرخ های نکول تجمعی

۶. به منظور کمک به ناظران برای تعیین وزن های ریسک مناسب در ارتباط با رتبه بندی ریسک که توسط مؤسسه اعتبار سنجی مستقل انجام می شود، هر یک از سنجه های نرخ نکول تجمعی مطروح می تواند با ارزش های مرجع و الگوی زیر مقایسه شود.

- برای هر گام در یک مقیاس رتبه بندی مؤسسه اعتبارسنجی مستقل، یک متوسط ده ساله از نرخ نکول تجمعی سه ساله با یک نرخ مرجع بلند مدت که نشان دهنده تجربه بلند مدت بین المللی از نکول ارزیابی های ریسک است، مقایسه می شود.

- به همین ترتیب، برای هر مرحله در مقیاس رتبه بندی مؤسسه اعتبارسنجی مستقل، دو مقدار آخر از نرخ نکول تجمعی سه ساله با نرخ های الگوی آن مقایسه می شود. چنین مقایسه ای به منظور تعیین این موضوع است که آیا جدیدترین اطلاعات مؤسسه اعتبار سنجی مستقل در خصوص ارزیابی ریسک اعتباری در محدوده نرخ های الگوی نظارتی قرار دارد یا خیر؟

۷. جدول ۱ چارچوب کلی برای چنین مقایسه هایی را تشریح می دهد.

جدول ۱

مقایسه سنجه های نرخ نکول تجمعی^{۱۴۶}

مؤسسه اعتبارسنجی مستقل	مقایسه شود با	تجربه بین المللی (حاصل از تجارب ترکیبی مؤسسات اصلی رتبه بندی)
محاسبه شده توسط ناظران ملی بر مبنای اطلاعات مربوط به نکول مؤسسه اعتبارسنجی مستقل		تنظیم شده توسط کمیته بال به عنوان یک رهنمود
متوسط ده ساله نرخ نکول تجمعی سه ساله	↔	نرخ نکول تجمعی بلندمدت مرجع
دو مقدار اخیر از نرخ نکول تجمعی سه ساله	↔	الگوهای نرخ نکول تجمعی

^{۱۴۶} - باید توجه داشت که هر یک از مؤسسات رتبه بندی اصلی نیز باید مشمول این مقایسات باشند، به نحوی که تجربه فردی آنها با تجربه کل بین المللی مقایسه شود.

۱. مقایسه متوسط بلند مدت نرخ نکول تجمعی سه ساله با یک نرخ نکول تجمعی "مرجع"

۸. برای هر طبقه ریسک اعتباری در رویکرد استاندارد سند حاضر، نرخ نکول تجمعی بلندمدت مرجع متناظر، اطلاعاتی را برای ناظران در مورد تجربه نکول این نرخ ها در سطح بین المللی فراهم می آورد. انتظار نمی رود میانگین ده ساله ارزیابی خاص یک مؤسسه اعتبار سنجی مستقل دقیقاً منطبق بر نرخ نکول تجمعی مرجع بلند مدت باشد. نرخ نکول تجمعی بلندمدت به عنوان رهنمودی برای ناظران بوده و به عنوان هدفی که مؤسسات اعتبار سنجی مستقل باید به آن برسند، نمی باشد. نرخ نکول تجمعی سه ساله مرجع بلندمدت برای هر یک از طبقات ریسک اعتباری تعیین شده توسط کمیته بر مبنای مشاهدات کمیته از تجربه نکول گزارش شده توسط مؤسسات اصلی رتبه بندی در سطح بین المللی، در جدول ۲ ارایه شده است.

جدول ۲

نرخ پیشنهادی در خصوص نکول تجمعی سه ساله "مرجع" بلند مدت

ارزیابی S&P (مودیز)	AAA-AA (Aaa-Aa)	A (A)	BBB (Baa)	BB (Ba)	B (B)
متوسط ۲۰ ساله نرخ نکول تجمعی سه ساله	۰٫۱٪	۰٫۲۵٪	۱٪	۷٫۵٪	۲۰٪

۲. مقایسه آخرین نرخ نکول تجمعی سه ساله مؤسسه اعتبار سنجی مستقل با نرخ های نکول تجمعی الگو

۹. از آنجایی که نرخ های نکول تجمعی مؤسسات اعتبار سنجی مستقل به منظور تطبیق دقیق با نرخ های مرجع نمی باشد، مهم است که اطلاعات بهتری در مورد بالاترین میزان نرخ نکول تجمعی که برای هر ارزیابی و بنابراین برای هر وزن ریسک موجود در رویکرد استاندارد، قابل قبول است، فراهم آید.

۱۰. نظر کلی کمیته این است که حدود بالا برای نرخ های نکول تجمعی به عنوان راهنمایی برای ناظران بوده و ضرورتاً به عنوان الزامات اجباری در نظر گرفته نمی شود. بنابراین، عبور از حد بالای نرخ نکول تجمعی، لزوماً ناظران را ملزم به افزایش وزن ریسک مرتبط با ارزیابی خاص در تمامی موارد نمی کند. این موضوع زمانی است که ناظران متقاعد شده باشند که نتایج بالاتر نرخ نکول تجمعی از یک علت موقت و نه از استانداردهای ارزیابی ریسک اعتباری ضعیف تر، ناشی شده است.

۱۱. به منظور کمک به ناظران در تفسیر این موضوع که آیا نرخ نکول تجمعی در محدوده قابل قبول برای رتبه‌بندی ریسک و برای استفاده به منظور یک وزن ریسک معین قرار می‌گیرد یا خیر، دو الگو برای هر ارزیابی تنظیم می‌شود که عبارتند از الگوی سطح "پایش" و الگوی "نقطه شروع".

(a) الگوی سطح پایش

۱۲. فراتر رفتن از الگوی نرخ نکول تجمعی سطح "پایش" دلالت دارد بر این که تجربه فعلی نکول یک مؤسسه رتبه‌بندی در خصوص یک رتبه خاص ارزیابی ریسک اعتباری به طور قابل توجهی بیشتر از تجربه نکول بین‌المللی می‌باشد. اگرچه به طور کلی هنوز چنین ارزیابی‌هایی برای وزن‌های ریسک مربوط واجد شرایط می‌باشد، اما از ناظران انتظار می‌رود با مؤسسه اعتبارسنجی مستقل مربوطه به منظور درک چرایی بدتر شدن قابل توجه تجربه نکول، مشورت کنند. اگر ناظران دریابند که تجربه نکول بیشتر منجر به استانداردهای ضعیف‌تری در ارزیابی ریسک اعتباری می‌شود، از آن‌ها انتظار می‌رود یک طبقه بالاتر ریسک را به ارزیابی ریسک اعتباری مؤسسه اعتبارسنجی مستقل تخصیص دهند.

(b) الگوی نقطه شروع

۱۳. فراتر رفتن از شاخص الگوی نقطه شروع دلالت دارد بر این که تجربه نکول یک مؤسسه رتبه‌بندی به اندازه قابل توجهی بالاتر از تجربه نکول تاریخی در سطح بین‌المللی برای یک درجه مشخص ارزیابی، می‌باشد. بنابراین، فرض این است که استانداردهای مؤسسات اعتبارسنجی مستقل برای ارزیابی ریسک اعتباری خیلی ضعیف بوده یا اینکه بطور مناسبی به کار گرفته نشده است. اگر نرخ نکول تجمعی سه ساله مشاهده شده، در دو سال متمادی فراتر از سطح نقطه شروع باشد، از ناظران انتظار می‌رود ارزیابی ریسک را به یک طبقه ریسک با مطلوبیت کمتر انتقال دهند. با این وجود، اگر ناظران تعیین کنند که نرخ نکول تجمعی بالاتر مشاهده شده منجر به استانداردهای ارزیابی ضعیف‌تر نمی‌شود، بنابراین وزن ریسک اصلی را بر مبنای قضاوت خود حفظ می‌نمایند.^{۱۴۷}

^{۱۴۷} - به عنوان مثال، اگر ناظران تعیین کنند که تجربه نکول بیشتر، یک پدیده موقت می‌باشد، شاید به این دلیل که آن نشان دهنده یک شوک برون‌زا یا موقت مانند بلایای طبیعی باشند، وزن‌دهی ریسک پیشنهادی در رویکرد استاندارد هنوز قابل اجرا و استفاده می‌باشد. به همین ترتیب، نقض سطح نقطه شروع توسط چندین مؤسسه اعتبارسنجی مستقل به طور همزمان می‌تواند نشان‌دهنده یک تغییر موقت در بازار یا شوک برون‌زا در برابر از دست دادن استانداردهای اعتباری باشد. در هر دو صورت، از ناظران انتظار می‌رود که ارزیابی‌های مؤسسه اعتبارسنجی مستقل را به منظور حصول اطمینان از این که تجربه نکول بیشتر نتیجه کاهش استانداردهای ارزیابی ریسک اعتباری نیست؛ مورد پایش قرار دهند.

۱۴. در تمامی موارد که ناظران تصمیم به عدم تغییر طبقه ریسک دارند، ممکن است که بر رکن ۲ سند حاضر اکتفا کرده و بانکها را به صورت موقت به نگهداری سرمایه بیشتر یا ایجاد ذخایر بالاتر ترغیب نمایند.
۱۵. زمانی که ناظران طبقه ریسک را افزایش داده باشند، فرصتی دوباره ای برای تطبیق با طبقه اصلی ریسک وجود خواهد داشت؛ این موضوع زمانی است که مؤسسه اعتبار سنجی مستقل قادر باشد نشان دهد که نرخ نکول تجمعی سه ساله آن کاهش یافته و برای دو سال متمادی پایین تر از سطح پایش قرار می گیرد.

(c) واسنجی نرخ های نکول تجمعی الگو

۱۶. پس از بررسی روش های متنوع، کمیته بال تصمیم گرفت که از شبیه سازی مونت کارلو به منظور واسنجی سطوح پایش و همچنین نقطه شروع برای هر طبقه ارزیابی ریسک اعتباری استفاده نماید. به طور خاص، سطوح پایش پیشنهادی از صدک ۹۹ام فاصله اطمینان و سطح نقطه شروع از صدک ۹۹/۹ام استخراج گردید. شبیه سازی بر مبنای داده های تاریخی نکول در دسترس عموم مربوط به مؤسسات رتبه بندی بین المللی مهم، می باشد. سطوح به دست آمده از هر یک از طبقات ارزیابی ریسک در جدول ۳ ارایه شده که ارقام تا یک رقم اعشار گرد شده است:

جدول ۳

الگوهای پیشنهادی نرخ نکول تجمعی سه ساله

ارزیابی S&P (مودیز)	AAA-AA (Aaa-Aa)	A (A)	BBB (Baa)	BB (Ba)	B (B)
سطح پایش	۰,۸٪	۱٪	۲,۴٪	۱۱٪	۲۸,۶٪
سطح نقطه شروع	۱,۳٪	۱,۳٪	۳٪	۱۲,۴٪	۳۵٪

پیوست ۳

ترتیبات سرمایه‌ای برای مبادلات ابطال شده و معاملات خارج از سیستم پرداخت در مقابل تحویل (Non-DvP)

۱. اصول فراگیر

۱. بانک‌ها باید به ایجاد، بکارگیری و بهبود سیستم‌هایی برای ردگیری و پایش منابع در معرض ریسک اعتباری ناشی از معاملات ابطال شده و تسویه نشده به منظور فراهم آوردن اطلاعات مدیریت که اقدامات به هنگامی را در چارچوب پاراگراف‌های ۸۸ و ۸۹ سند حاضر تسهیل می‌نماید، ادامه دهند.
۲. معاملات تسویه شده در سیستم DvP^{۱۴۸} مبادله همزمان اوراق بهادار در مقابل وجه نقد را فراهم می‌کند، بانک‌ها را در معرض ریسک زیان ناشی از تفاوت بین قیمت توافق شده برای تسویه و قیمت جاری بازار قرار می‌دهد (به عبارت دیگر منابع در معرض ریسک جاری مثبت). معاملات آن که در آن وجه نقد بدون دریافت موضوع معامله (اوراق بهادار، ارز، طلا یا کالا) پرداخت شده است یا بالعکس، موضوع معامله تحویل شده است بدون آن که وجه نقد دریافت شده باشد (Non-DvP یا تحویل آزاد) بانک را در معرض ریسک زیان کل مبلغ پرداختی یا کل دارایی تحویل شده قرار می‌دهد. قواعد جاری، پوشش‌های سرمایه‌ای خاص که دو نوع منابع در معرض ریسک مذکور را تبیین می‌کند، تنظیم می‌کنند.
۳. ترتیبات سرمایه‌ای مرتبط برای تمامی معاملات اوراق بهادار، ابزارهای ارزی و کالاها که ریسک تسویه یا تحویل همراه با تأخیر را ایجاد می‌کنند، قابل اجرا است. معاملات مذکور شامل آن‌هایی که در اتاق‌های پایپای رسمی که ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار آن‌ها به شکل روزانه و پرداخت حساب‌های ودیعه برای تغییرات روزانه انجام می‌شود و در بردارنده عدم تطبیق در معاملات است، می‌باشد. قراردادهای بازخریدی و بازخرید معکوس و همچنین قرض‌دهی و قرض‌گیری اوراق بهادار که تسویه ناموفق داشته‌اند از این ترتیبات سرمایه‌ای مستثنی می‌شوند.^{۱۴۹}
۴. در موارد مشکلات سیستمی تسویه یا تهاتر، ناظران ملی ممکن است بنابر صلاحدید، الزام پوشش سرمایه‌ای تا زمان رفع مشکل، چشم‌پوشی نمایند.
۵. عدم توانایی طرف مقابل در تسویه یک معامله، در سند حاضر به عنوان نکول مرتبط با موضوع ریسک اعتباری لحاظ نمی‌گردد.

^{۱۴۸} در راستای هدف سند حاضر، معاملات DvP شامل معاملات پرداخت در مقابل پرداخت (PvP) می‌شود.
^{۱۴۹} تمامی قراردادهای بازخریدی و بازخرید معکوس، همچنین قرض‌دهی و قرض‌گیری اوراق بهادار، شامل آن‌هایی که منجر به تسویه نشده‌اند، طبق پیوست ۴ یا بخش‌های کاهش ریسک اعتباری در سند حاضر، مورد لحاظ قرار می‌گیرند.

۶. بانک‌هایی که از رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی برای ریسک اعتباری استفاده می‌کنند، در به کارگیری یک وزن ریسک برای منابع در معرض ریسک ناشی از تحویل آزاد ناموفق، ممکن است احتمال نکولی را در شرایطی که منابع در معرض ریسک دیگری در دفتر بانکی بر مبنای رتبه‌بندی مستقل طرف‌های مقابل نداشته باشند، به آن‌ها تخصیص دهند. بانک‌هایی که از رویکرد رتبه‌بندی داخلی پیشرفته استفاده می‌کنند، می‌توانند زیان با فرض نکول معادل ۴۵ درصد را به جای تخمین آن تا زمانی که برای تمامی منابع در معرض ریسک ناشی از معاملات تسویه نشده به کار گرفته شود، لحاظ نمایند. به عنوان یک گزینه جایگزین، بانک‌های استفاده کننده از رویکرد رتبه‌بندی داخلی می‌توانند وزن‌های ریسک رویکرد استاندارد یا وزن ۱۰۰ درصد را انتخاب کنند.

II. الزامات سرمایه‌ای

۷. برای معاملات DVP، اگر پرداخت‌ها بعد از ۵ روز کاری از تاریخ تسویه انجام نشود، بانک باید پوشش سرمایه‌ای از طریق ضرب منابع در معرض ریسک مثبت جاری معامله در فاکتور مناسب طبق جدول ۱، محاسبه کند.

جدول ۱

تعداد روزهای کاری بعد از تاریخ توافقی تسویه	ضریب ریسک متناظر
از ۵ تا ۱۵	۸٪
از ۱۶ تا ۳۰	۵۰٪
از ۳۱ تا ۴۵	۷۵٪
۴۶ یا بیشتر	۱۰۰٪

یک دوره منطقی گذار به منظور ارتقاء سیستم اطلاعات بانک‌ها در راستای توانمندی آن‌ها برای ردیابی تعداد روزهای بعد از تاریخ توافقی تسویه باید مجاز شمرده شده و پوشش سرمایه‌ای متناظر محاسبه شود.

۸. برای معاملات غیر DVP (به عبارت دیگر، تحویل‌های آزاد)، بعد از اولین پرداخت / تحویل طبق قرارداد، بانکی که پرداخت را انجام داده است، منابع در معرض ریسک خود را به عنوان وام لحاظ می‌کند؛ این در شرایطی است که اگر موضوع قرارداد تا پایان روز کاری، دریافت نشده باشد؛^{۱۰۰} این بدان معنی است که بانک استفاده کننده از رویکرد رتبه‌بندی داخلی فرمول مناسب مقرر در این سند را همانند آنچه برای سایر منابع در معرض ریسک در

^{۱۰۰} اگر زمان پرداخت دو طرف معامله، از حیث حوزه زمانی یکسان باشد، تسویه دو طرف در یک روز در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال، اگر بانکی در توکیو در روز X (زمان استاندارد ژاپن) ین منتقل کند و دلار آمریکا از طریق CHIPS در روز X (زمان استاندارد آمریکا) دریافت کند، تسویه در یک روز در نظر گرفته می‌شود.

دفتر بانکی است در ارتباط با منابع در معرض ریسک طرف مقابل به کار خواهد گرفت. به همین طریق، بانک‌های استفاده‌کننده از رویکرد استاندارد از وزن‌های ریسک استاندارد مندرج در سند حاضر استفاده خواهند کرد. با این وجود، زمانی که منابع در معرض ریسک از اهمیت زیادی برخوردار نباشد، بانک‌ها ممکن است وزن ریسک ۱۰۰ در صدهم سان را برای منابع در معرض ریسک مذکور به منظور اجتناب از ارزیابی کامل اعتباری، انتخاب کنند. اگر پنج روز کاری بعد از دومین تاریخ پرداخت/تحويل طبق قرارداد، طرف دوم معامله به صورت مؤثر رخ ندهد، بانکی که اولین پرداخت را انجام می‌دهد، کل مقدار ارزش انتقال داده شده به اضافه هزینه‌های جایگزینی را در صورت وجود از سرمایه کسر خواهد کرد. ترتیبات مذکور، مادامی که پرداخت/تحويل طرف دوم به صورت مؤثری صورت گیرد، اعمال خواهد شد.

پیوست ۴

ترتیبات ریسک اعتباری طرف مقابل و خالص‌سازی بین محصولی

- این قاعده، روش‌های مجاز برای تخمین منابع در معرض نکول (EAD) یا مقدار منابع در معرض ریسک برای ابزارهایی با ریسک اعتباری طرف مقابل (CCR) را طبق چارچوب سند حاضر معرفی می‌کند.^{۱۵۱} بانک‌ها ممکن است برای استفاده از یک روش مدل‌سازی داخلی با برآورده ساختن الزامات و مشخصات معرفی شده در این بخش، به دنبال تأیید نظارتی باشند. سایر بانک‌ها همچنین می‌توانند از روش استاندارد یا روش منابع در معرض ریسک جاری استفاده کنند.

۱. تعاریف و اصطلاحات عمومی

- این بخش واژه‌هایی را که در این متن مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعریف می‌کند.

A. اصطلاحات عمومی

- ریسک اعتباری طرف مقابل (CCR)** عبارت است از ریسکی که طرف مقابل یک معامله قبل از تسویه نهایی جریان نقد معامله نکول کند. زیان اقتصادی زمانی ایجاد می‌شود که معاملات یا پرتفوی معاملات با طرف مقابل دارای ارزش اقتصادی مثبت در زمان نکول باشد. بر خلاف منابع در معرض ریسک اعتباری بانک از طریق اعطای تسهیلات که یک جانبه بوده و فقط بانک تسهیلات دهنده با ریسک زیان مواجه است،

^{۱۵۱} در سند حاضر، واژه "منابع در معرض نکول" و "مقدار منابع" به منظور شناسایی سنجه‌های منبع در معرض ریسک تحت شرایط رویکرد رتبه‌بندی داخلی و رویکرد استاندارد برای ریسک اعتباری، بکار می‌روند.

ریسک اعتباری طرف مقابل ریسک دوجانبه زیان را ایجاد می‌کند: ارزش بازار معامله می‌تواند برای هر یک از طرفین، مثبت یا منفی باشد. ارزش بازار غیرقطعی بوده و با تغییر عوامل بازار پایه می‌تواند در طول زمان متغیر باشد.

B. انواع معاملات

- **معاملات تسویه طولانی**، معاملاتی هستند که طرف مقابل، تحویل یک اوراق بهادار، یک کالا یا یک ارز در مقابل وجه نقد، سایر ابزارهای مالی یا کالاها یا بالعکس در تاریخ تحویل یا تسویه تعیین شده در قرارداد که بیش از حداقل استاندارد بازار برای این نوع از ابزار مشخص و پنج روز بعد از تاریخ ورود بانک به معامله می‌باشد را متعهد می‌شود.
- **معاملات تأمین مالی اوراق بهادار (SFTs)** معاملاتی هستند از قبیل قراردادهای باز خرید، باز خرید معکوس، قرض‌دهی و قرض‌گیری اوراق بهادار و تمدید وام جهت معامله اوراق بهادار که ارزش معامله به ارزش‌های بازار بستگی داشته و معاملات اغلب منوط به توافقات قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار می‌باشد.
- **تمدید وام جهت معامله اوراق بهادار** معاملاتی هستند که در آن یک بانک اعتبارات (تسهیلاتی) را در ارتباط با خرید، فروش، نگهداری یا مبادله اوراق بهادار تمدید می‌کند. تمدید وام جهت معامله اوراق بهادار، سایر وام‌ها که توسط اوراق بهادار توثیقی تضمین می‌شود را دربر نمی‌گیرد. به طور کلی، در این معاملات، میزان وام به وسیله اوراق بهاداری که ارزش آن بیشتر از مقدار وام است، تضمین می‌شود.

C. مجموعه معاملات پوششی، خالص‌سازی و اصطلاحات مرتبط

- **مجموعه معاملات خالص سازی**، گروهی از معاملات هستند با یک طرف مقابل که مشروط به یک قرارداد خالص سازی دوجانبه لازم الاجرا قانونی می‌باشد که این خالص سازی برای اهداف سرمایه نظارتی تحت شرایط مندرج در پاراگراف‌های ۹۶(i) تا ۹۶(v) این پیوست مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در این سند با مفاهیم تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری یا قواعد خالص‌سازی بین محصولی مندرج در این پیوست نگاشته شده است. هر معامله‌ای که مشروط به ترتیبات خالص سازی دوجانبه لازم‌الاجرا قانونی که برای اهداف سرمایه‌ای شناسایی شده است، باید به عنوان مجموعه معاملات خالص سازی خود معامله برای هدف این قواعد تفسیر شوند.
- **وضعیت ریسک عدد ریسکی** است که به یک معامله تحت روش استاندارد ریسک اعتباری طرف مقابل (مندرج در این پیوست) با استفاده از الگوریتم نظارتی تخصیص داده می‌شود.

- **مجموعه معاملات پوششی** گروهی از وضعیت های ریسک ناشی از معاملات در یک مجموعه خالص سازی واحد است که فقط مانده آنها برای تعیین مقدار منبع در معرض ریسک یا EAD در روش استاندارد ریسک اعتباری طرف مقابل مرتبط می باشد.
- **توافق قرض گیری از کارگزار اوراق بهادار** یک توافق قراردادی یا شروط یک قرارداد که طی آن طرف مقابل معامله باید زمانی که منابع در معرض ریسک طرف دوم به طرف اول بیشتر از سطح تعیین شده باشد، وثیقه تأمین کند.
- **آستانه نهایی** برابر است با بیشترین مقدار مانده استفاده نشده یک منبع در معرض ریسک؛ تا زمانی که شخصی دارای حق فراخوان برای تأمین وثیقه باشد.
- **دوره حاشیه ای ریسک** دوره زمانی از آخرین تبادل وثیقه ای است که یک مجموعه معاملات خالص سازی با طرف مقابل در حال نکول را پوشش داده تا زمانی که آن طرف مقابل وضعیت خود را بسته و ریسک بازار منتج شده، دوباره پوشش داده شود.
- **سرر سید مؤثر در روش مدل داخلی** برای مجموعه معاملات خالص سازی با سرر سید بیشتر از یک سال، عبارت است از نسبت مجموع منابع در معرض ریسک مورد انتظار در طول دوره زمانی معاملات در یک مجموعه خالص سازی که با نرخ بازده بدون ریسک تنزیل شده است؛ تقسیم بر مجموع منابع در معرض ریسک مورد انتظار در طول یک سال در مجموعه خالص سازی که با نرخ بازده بدون ریسک تنزیل شده است. سرر سید مؤثر مذکور می تواند به منظور انعکاس ریسک تجدید از طریق جایگزین کردن منابع در معرض ریسک مورد انتظار با منابع در معرض ریسک مورد انتظار مؤثر برای پیش بینی افق های یک سال، تعدیل شود. فرمول مربوطه در پاراگراف ۳۸ رایه شده است.
- **خالص سازی بین محصولی** عبارت است از شمول معاملات مربوط به طبقات متفاوت محصولات در مجموعه خالص سازی یکسان که بر مبنای قواعد خالص سازی بین محصولی مندرج در این پیوست می باشد.
- **ارزش جاری بازار (CMV)** عبارت است از ارزش خالص بازار پرتفوی معاملات با طرف مقابل در مجموعه خالص سازی. ارزش های بازار مثبت و منفی در محاسبه ارزش جاری بازار مورد محاسبه قرار می گیرد.

D. توزیع های احتمال

- **توزیع ارزش های بازار عبارت** است از پیش بینی توزیع احتمال ارزش های خالص بازار معاملات در یک مجموعه خالص سازی برای تاریخ هایی در آینده (افق پیش بینی) با فرض ارزش بازار محقق شده معاملات مذکور تا زمان حال.
- **توزیع منابع در معرض ریسک عبارت** است از پیش بینی توزیع احتمال ارزش های بازار که از طریق قرار دادن و وضعیت های پیش بینی ارزش های خالص مثبت و منفی بازار برابر با صفر به دست می آید (این امر این حقیقت را لحاظ می کند که زمانی که بانک پولی به طرف مقابل بدهکار باشد، دارای منابع در معرض ریسک در ارتباط با آن طرف مقابل نیست).
- **توزیع ریسک-خنثی عبارت** است از توزیع ارزش های بازار یا منابع در معرض ریسک در یک دوره زمانی آینده که توزیع مذکور با استفاده از ارزش های ضمنی بازار از قبیل نوسانات ضمنی محاسبه می شود.
- **توزیع واقعی عبارت** است از توزیع ارزش های بازار یا منابع در معرض ریسک در یک دوره زمانی آینده که توزیع مذکور با استفاده از ارزش های تاریخی یا محقق شده از قبیل نوسانات محاسبه شده با استفاده از تغییرات نرخ و قیمت گذشته، محاسبه می شود.

E. سنجه ها و تعدیلات منابع در معرض ریسک

- **منابع در معرض ریسک جاری عبارت** است از عدد بزرگتر میان صفر یا ارزش بازار یک معامله یا پرتفوی از معاملات در یک مجموعه خالص سازی با طرف مقابل که با نکول طرف مقابل زیان می کند با این فرض که هیچ نوع احیای ارزش برای آن معاملات در زمان ورشکستگی وجود نداشته باشد. منابع در معرض ریسک جاری اغلب به عنوان هزینه جایگزینی نامیده می شود.
- **منابع در معرض ریسک حداکثری عبارت** است از صدک بالای توزیع منابع در معرض ریسک (نوعاً ۹۵ درصد یا ۹۹ درصد) در یک دوره زمانی مشخص در آینده قبل از تاریخ معامله دارای طولانی ترین سررسید در مجموعه خالص سازی. ارزش منابع در معرض ریسک حداکثری نوعاً برای تاریخ های آینده زیادی تا زمان طولانی ترین تاریخ سررسید معاملات در مجموعه خالص سازی حاصل می شود.
- **منابع در معرض ریسک مورد انتظار عبارت** است از میانگین توزیع منابع در معرض ریسک در هر تاریخ مشخصی در آینده، که قبل از معامله با طولانی ترین سررسید، به تاریخ سررسید برسد. ارزش منبع در

معرض ریسک مورد انتظار، نوعاً برای تعداد زیادی از تاریخ‌های آینده تا طولانی‌ترین تاریخ معاملات در مجموعه خالص‌سازی حاصل می‌شود.

- **منبع در معرض ریسک مورد انتظار مؤثر** در یک تاریخ مشخص عبارت است از حداکثر منبع در معرض ریسک مورد انتظاری که در آن تاریخ یا هر زمان زودتر به وقوع می‌پیوندد. به عنوان یک تعریف جایگزین، ممکن است برای یک تاریخ مشخص به عنوان منبع در معرض ریسک مورد انتظار بزرگتر در آن تاریخ یا منبع در معرض ریسک مؤثر در تاریخ قبلی تعریف شود. به عنوان نتیجه، منبع در معرض ریسک مورد انتظار مؤثر عبارت است از منبع در معرض ریسک مورد انتظار که در طول زمان کاهشی نمی‌باشد.
- **منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار (EPE)** عبارت است از میانگین موزون منابع در معرض ریسک مورد انتظار در طول زمان که وزن‌ها، نسبیتی از کل بازه زمانی است که یک منبع در معرض ریسک مورد انتظار نشان می‌دهد. هنگام محاسبه حداقل الزام سرمایه‌ای، میانگین در طول سال اول لحاظ می‌شود؛ یا اگر تمام قراردادها در مجموعه خالص‌سازی قبل از یک سال سررسید شوند، میانگین در طول دوره زمانی قرارداد با طولانی‌ترین زمان سررسید در مجموعه خالص‌سازی، لحاظ می‌شود.
- **منابع در معرض ریسک مثبت مؤثر مورد انتظار (EPE مؤثر)** عبارت است از میانگین موزون در طول دوره زمانی منبع در معرض ریسک مورد انتظار مؤثر در طول یک سال یا اگر تمامی قراردادها در مجموعه خالص‌سازی قبل از یک سال سررسید شوند، میانگین در طول دوره زمانی قرارداد با بیشترین زمان سررسید در مجموعه خالص‌سازی، لحاظ می‌شود که در این حالت وزن‌ها نسبیتی از کل بازه زمانی است که یک منبع در معرض ریسک مورد انتظار نشان می‌دهد.
- **تعدیل ارزش‌گذاری اعتباری** عبارت است از تعدیل در ارزش‌گذاری با میانگین قیمت بازار پرتفوی معاملات با طرف مقابل. تعدیل مذکور، ارزش بازار ریسک اعتباری را به واسطه هرگونه شکست در عمل به توافقات قراردادی با طرف مقابل نشان می‌دهد. این تعدیل ممکن است نشان‌دهنده ارزش بازار ریسک اعتباری طرف مقابل یا ارزش بازار ریسک اعتباری هر دو طرف یعنی بانک و طرف مقابل باشد.
- **تعدیل یک طرفه ارزش‌گذاری اعتباری** عبارت است از تعدیل ارزش‌گذاری اعتباری که نشان‌دهنده ارزش بازار ریسک اعتباری طرف مقابل بانک می‌باشد، اما ارزش بازار ریسک اعتباری بانک نسبت به طرف مقابل را نشان نمی‌دهد.

F. ریسک‌های مرتبط با ریسک اعتباری طرف مقابل

- ریسک تجدید عبارت است از مقداری که منبع در معرض ریسک موردانتظار مثبت کمتر از مقدار واقعی بیان شود؛ این زمانی است که انتظار می‌رود معاملات آینده با طرف مقابل به صورت مستمر انجام پذیرفته، اما منبع در معرض ریسک اضافی ایجاد شده توسط معاملات آینده مذکور در محاسبه منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار لحاظ نشود.
- ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل کلی، زمانی ایجاد می‌شود که احتمال نکول طرف‌های مقابل، دارای همبستگی مثبتی با عوامل کلی ریسک بازار باشد.
- ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل خاص، زمانی ایجاد می‌شود که منبع در معرض ریسک به یک طرف مقابل معین، با احتمال نکول طرف مقابل به واسطه ماهیت معاملات با آن، همبستگی مثبت داشته باشد.

II. گستره اجرا

۳. روش‌هایی برای محاسبه مقدار منبع در معرض ریسک تحت رویکرد استاندارد ریسک اعتباری یا منابع در معرض نکول تحت رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی در خصوص ریسک اعتباری، که در پیوست حاظر توصیف شد، در مورد معاملات تأمین مالی اوراق بهادار و اوراق مشتقه OTC استفاده خواهد شد.
۴. این ابزارها عموماً مشخصه‌های خلاصه زیر را نشان می‌دهد:
 - معاملات، یک منبع در معرض ریسک با ارزش بازار جاری را ایجاد می‌کند.
 - معاملات، دارای ارزش آینده تصادفی مبتنی بر متغیرهای بازار می‌باشد.
 - معاملات، تبادل پرداخت‌ها یا تبادل یک ابزار مالی (شامل کالاها) در برابر پرداخت را ایجاد می‌کنند.
 - معاملات با یک طرف مقابل مشخص در برابر چیزی که احتمال منحصر به فرد نکول بتواند تعیین شود، انجام می‌شود.^{۱۵۲}
۵. سایر مشخصات مشترک معاملات که باید پوشش داده شود، می‌تواند شامل موارد زیر باشد:
 - وثیقه ممکن است برای کاهش ریسک منابع، مورد استفاده قرار گیرد و این موضوع به صورت ذاتی در ماهیت برخی معاملات وجود دارد.

۲۳۸- معاملاتی که در آنها احتمال نکول بر مبنای مجموعه معاملات تعریف می‌شود، مشمول این ترتیبات ریسک اعتباری طرف مقابل نمی‌شود.

- تأمین مالی کوتاه مدت ممکن است هدف اولیه ای باشد که در آن معاملات اغلب شامل تبادل یک دارایی با دارایی دیگر (نقد یا اوراق بهادار) برای نسبتاً یک دوره کوتاه مدت و معمولاً برای هدف تجاری تأمین مالی، می باشند. عمل دو طرف معاملات، نتیجه تصمیمات جداگانه نیست بلکه یک کل غیرقابل تفکیک را به منظور رسیدن به یک هدف تعریف شده، شکل می دهد.
 - خالص سازی ممکن است برای کاهش ریسک مورد استفاده قرار گیرد.
 - وضعیت ها به صورت متناوب بر مبنای متغیرهای بازار (اغلب به صورت روزانه) مورد ارزش گذاری قرار می گیرند.
 - تجدید نظر در میزان ودیعه ممکن است بکار گرفته شود.
۶. ارزش صفر منبع در معرض ریسک برای ریسک اعتباری طرف مقابل، می تواند به قراردادهای مشتقه یا SFTs که دارای مانده با نهاد تهاتر مرکزی (به عنوان مثال، اتاق پایاپای) می باشد، نسبت داده شود. این موضوع به منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل ناشی از معاملات مشتقه و SFTs که توسط نهاد تهاتر مرکزی پذیرفته نمی شود، کاربرد ندارد. به علاوه، ارزش صفر منابع در معرض ریسک می تواند به منابع در معرض ریسک اعتباری بانک به نهاد تهاتر مرکزی که ناشی از معاملات مشتقه، SFTs یا معاملات نقد بانک که با نهاد تهاتر مرکزی دارای مانده است، نسبت داده شود. به ویژه، این نوع معافیت به منابع در معرض ریسک اعتباری ناشی از ودیعه های تهاتر و وثیقه توثیق شده نزد نهاد تهاتر مرکزی، تسری پیدا می کند. نهاد تهاتر مرکزی نهادی است که واسطه میان طرف های قراردادهای موجود در یک یا چند بازار مالی بوده و به عنوان یک طرف قانونی در مقام خریدار برای هر فروشنده و به عنوان فروشنده برای هر خریدار می باشد. به منظور واجد شرایط شدن برای معافیت های مذکور، منابع در معرض ریسک طرف مقابل برای نهاد تهاتر مرکزی در ارتباط با تمامی مشارکت کنندگان در ترتیبات آن، باید بطور کامل به وسیله وثیقه به صورت روزانه تضمین شده و بدینوسیله پوشش و حمایتی را برای منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل برای نهاد تهاتر مرکزی فراهم می آورد. دارایی های نگهداری شده توسط نهاد تهاتر مرکزی، به عنوان امین بانک، مشمول الزامات سرمایه ای برای منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار نمی گیرد.
۷. تحت تمامی سه روش معرفی شده در این پیوست، زمانی که بانک پوشش ابزار مشتقه اعتباری را در برابر یک منبع در معرض ریسک دفتر بانکی یا در برابر منبع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل خریداری می کند، برای منبع در معرض ریسک تحت پوشش، منوط به معیارها و قواعد کلی در خصوص شناسایی

ابزارهای مشتقه اعتباری، به عبارت دیگر، قواعد جایگزینی یا نکول مضاعف در جایی که مناسب باشد، الزام سرمایه‌ای خود را تعیین خواهد کرد. زمانی که این قواعد به کار گرفته می‌شوند، مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول برای ریسک اعتباری طرف مقابل ناشی از چنین ابزارهایی صفر می‌شود.

۸. مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول برای ریسک اعتباری طرف مقابل برای قراردادهای معاوضه نکول اعتباری فروخته شده ثبت شده در دفتر بانکی صفر می‌باشد. این زمانی است که این نوع ابزارها به عنوان تضمین تأمین شده توسط بانک بوده و این امر منوط به پوشش ریسک اعتباری برای تمام مقدار مورد نظر می‌باشد.

۹. در هر سه روش معرفی شده در این پیوست، مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول برای طرف مقابل، برابر است با مجموع مقادیر منبع در معرض ریسک یا منابع در معرض نکول که برای هر مجموعه خالص سازی با طرف مقابل مذکور محاسبه می‌شود.

III. قواعد خالص سازی بین محصولی^{۱۵۳}

۱۰. بانک‌های که دارای تأییدیه برای تخمین منابع در معرض ریسک خود در ارتباط با ریسک اعتباری طرف مقابل با استفاده از روش مدلی داخلی هستند، می‌توانند در معاملات تأمین مالی اوراق بهادار یک مجموعه خالص سازی یا هر دو مورد معاملات تأمین مالی اوراق بهادار و اوراق مشتقه فرا بورس منوط به شکل تأیید قانونی خالص سازی دو جانبه که معیارهای علمیات و قانونی زیر را برای ترتیبات خالص سازی بین محصولی (تعریف شده در زیر) برآورده سازد، شامل شوند. همچنین بانک باید تمام اخذ تأییدات قبلی یا سایر الزامات رویه‌ای که ناظر ملی تعیین می‌کند را به منظور پیاده سازی در جهت اهداف شناسایی ترتیبات خالص سازی بین محصولی را برآورده سازد.

معیارهای حقوقی

۱۱. بانک یک توافق خالص سازی کتبی دوجانبه را با طرف مقابل به اجرا درآورده است که تعهد حقوقی انفرادی را ایجاد کرده، در حالی که تمامی توافقات و معاملات اصلی دوجانبه (ترتیبات خالص سازی بین محصولی)

^{۱۵۳} این قواعد خالص سازی بین محصولی به طور خاص برای خالص سازی بین معاملات تأمین مالی اوراق بهادار یا خالص سازی بین هر دو مورد معاملات تأمین مالی اوراق بهادار و اوراق مشتقه فرا بورس برای اهداف محاسبه سرمایه نظارتی تحت روش مدل داخلی (IMM) به کار گرفته می‌شود. قواعد مذکور، قواعدی که برای شناسایی خالص سازی درون اوراق مشتقه خارج از بورس، معاملات بازخریدی و طبقات مربوط به تمدید وام جهت معامله اوراق بهادار تحت پیمان ۱۹۸۸، همانطور که اصلاح شد، یا در سند حاضر به کار گرفته می‌شود را مورد بازنگری یا جایگزینی قرار نمی‌دهد. قواعد موجود در پیمان ۱۹۸۸ و سند حاضر برای اهداف شناسایی سرمایه نظارتی خالص سازی درون طبقات محصولات تحت IMM یا سایر روش‌های مرتبط کماکان به کار گرفته می‌شود.

شامل شده را پوشش می‌دهد، به طوری که بانک یا دارای یک مطالبه برای دریافت یا تعهدی برای پرداخت فقط خالص مجموع مثبت یا منفی (i) ارزش‌های پایانی هر توافق اصلی انفرادی و (ii) ارزش‌های به روز شده با قیمت بازار هر معامله انفرادی (مقدار خالص بین محصولی)، در صورت عدم اجرا توسط طرف مقابل به علت هر یک از موارد زیر: نکول، ورشکستگی، تصفیه یا رویدادهای مشابه می‌باشد.

۱۲. بانک دارای نظریه حقوقی مستدل و مکتوبی است که با درجه اطمینان بالایی نتیجه‌گیری می‌کند که در زمان یک چالش قانونی، دادگاه‌های مرتبط یا مقامات مسئول، منبع در معرض ریسک بانک را تحت ترتیبات خالص سازی بین محصولی به عنوان مقدار خالص بین محصولی تحت قوانین تمامی کشورهای مرتبط، در نظر می‌گیرند. به منظور دستیابی به چنین نتیجه‌گیری، نظرات قانونی باید اعتبار و ضمانت اجرای کل ترتیبات خالص سازی بین محصولی را تحت شرایط خود و تأثیر ترتیبات خالص سازی بین محصولی بر مواد قانونی اصلی هر گونه توافق اصلی دو جانبه شامل شده را تبیین کند.

- قوانین "تمام کشورهای مرتبط" عبارتند از: (i) اگر شعبه خارجی یک طرف مقابل مورد بحث باشد، قانون کشوری که طرف مقابل در آن فعالیت دارد، همچنین پیروی از قانون کشوری که شعبه در آن مستقر است و (ii) قانونی که حاکم بر معاملات انفرادی است و (iii) قانونی که حاکم بر هر نوع قرارداد یا توافق لازمی برای مؤثر کردن خالص سازی، می‌باشد.

- یک نظریه حقوقی باید به طور کلی توسط جامعه حقوقی مستقر در کشور اصلی بانک به رسمیت شناخته شود یا از طریق یک یادداشت حقوقی که تمامی موضوعات مرتبط را به شکل منطقی مورد بررسی قرار دهد.

۱۳. بانک باید دارای رویه داخلی بوده که تصدیق کند که قبل از لحاظ یک معامله در مجموعه خالص سازی، آن معامله توسط نظریه‌های حقوقی که دارای معیارهای بالا می‌باشد، پوشش داده شود.

۱۴. بانک در صورت لزوم متعهد به روزرسانی نظریه حقوقی است که از ضمانت اجرای مستمر ترتیبات خالص سازی بین محصولی با توجه به تغییرات ممکن قانون مرتبط، اطمینان حاصل کند.

۱۵. ترتیبات خالص سازی بین محصولی دربردارنده اختیار فسخ نیست. اختیار فسخ ماده حقوقی است که طرف مقابلی که نکول نکرده است را فقط مجاز به پرداخت‌های محدود می‌کند یا اینکه هیچ‌گونه پرداختی را به شخصی که در مقام یک نکول کننده باشد انجام ندهد، حتی اگر نکول کننده اعتباردهنده باشد.

۱۶. هرتوافق اصلی و معامله دوجانبه مشمول ترتیبات خالص سازی بین محصولی، الزامات قانونی کاربردی زیر را باید برای به رسمیت شناختن موارد زیر رعایت کند (i) خالص سازی دو جانبه قراردادهای مشتقه در پاراگراف های ۹۶(i) تا ۹۶(v) در این پیوست، یا (ii) تکنیک های کاهش ریسک اعتباری در قسمت ۲ بخش II.D سند حاضر.

۱۷. بانک تمامی مستندسازی الزامی را باید در آرشیو خود نگهداری کند.

معیارهای عملیاتی

۱۸. مقام ناظر متقاعد می شود که تأثیر ترتیبات خالص سازی بین محصولی در سنجش بانک از منابع در معرض ریسک اعتباری کلی طرف مقابل لحاظ شود و بانک با احتساب چنین مبنایی، ریسک اعتباری طرف مقابل خود را مدیریت می کند.

۱۹. ریسک اعتباری هر طرف مقابل به منظور ورود به یک منبع در معرض ریسک قانونی در بین محصولات تحت پوشش ترتیبات خالص سازی بین محصولی تجمیع می شود. چنین تجمیعی باید در حد اعتباری و فرایندهای سرمایه اقتصادی لحاظ شود.

IV. تأییدیه برای پذیرفتن یک روش مدل سازی داخلی به منظور تخمین منابع در معرض نکول (EAD)

۲۰. یک بانک (اعم از یک نهاد (شخصیت) حقوقی فردی یا یک گروه) که مایل به پذیرش یک روش مدل سازی داخلی به منظور سنجش منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول برای اهداف سرمایه نظارتی می باشد، باید به دنبال اخذ تأییدیه از مقام ناظر خود باشد. روش مدل سازی داخلی برای بانک هایی که از رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی برای ریسک اعتباری استفاده می کنند و همچنین بانک هایی که رویکرد استاندارد در خصوص ریسک اعتباری، برای تمامی منابع در معرض ریسک اعتباری آن بکار گرفته می شود، امکان پذیر است. بانک باید تمامی الزامات مطرح شده در بخش ۷ پیوست حاضر را رعایت کرده و روش را در خصوص تمامی منابع در معرض ریسک خود که مشمول ریسک اعتباری طرف مقابل است، به استثناء معاملات با سررسید تسویه طولانی مدت، به کار گیرد.

۲۱. بانک ممکن است یک روش مدل سازی داخلی را برای سنجش ریسک اعتباری طرف مقابل به منظور اهداف سرمایه نظارتی برای منابع در معرض ریسک خود یا منابع در معرض نکول فقط مرتبط با اوراق مشتقه فرابورسی، یا فقط مرتبط با معاملات تأمین مالی اوراق بهاداری هر دو مورد را منوط به شناسایی مناسب خالص سازی تعیین شده در فوق، انتخاب نماید. بانک باید این روش را برای تمام منابع در معرض ریسک

مرتبط در آن طبقه به استثناء آنهایی که از نظر اندازه و ریسک غیرمهم هستند، به کار گیرد. در طول اجرا سازی اولیه روش مدل های داخلی، بانک ممکن است روش استاندارد یا روش منبع در معرض ریسک جاری را برای بخشی از کسب و کار خود استفاده کند. بانک باید برنامه ای را به منظور ملحوظ نظر قرار دادن تمام منابع در معرض ریسک حایز اهمیت برای طبقه معاملات مذکور در روش مدل داخلی، به مقام ناظر ارائه دهد.

۲۲. برای تمام معاملات اوراق مشتقه فرابورس و تمامی معاملات با سررسید تسویه بلندمدت که بانک تأییدیه ناظر را برای استفاده از روش مدل های داخلی دریافت نکرده است، باید یا از روش استاندارد و یا از روش منبع در معرض ریسک جاری استفاده کند. استفاده ترکیبی از این دو روش در درون یک گروه به شکل دائمی مجاز می باشد. استفاده ترکیبی دو روش مذکور در درون یک نهاد حقوقی صرفاً برای موارد مطروح در پاراگراف ۹۰ پیوست حاضر مجاز است.

۲۳. منابع در معرض ریسک یا منابع در معرض نکول ناشی از معاملات با سررسید تسویه بلندمدت، می تواند با استفاده از هر یک از سه روش های معرفی شده در این سند صرف نظر از روش های انتخابی برای اوراق مشتقه فرابورس و معاملات تأمین مالی اوراق بهادار، تعیین شود. در محاسبه الزامات سرمایه ای برای معاملات با سررسید تسویه بلندمدت بانک هایی که دارای مجوز استفاده از رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی هستند، می توانند وزن های ریسک را تحت رویکرد استاندارد سند حاضر در خصوص ریسک اعتباری به شکل دائمی، صرف نظر از میزان اهمیت چنین وضعیت هایی، استفاده کنند.

۲۴. بعد از پذیرش روش مدل داخلی، بانک باید با الزامات فوق به طور دائم منطبق شود. فقط تحت شرایط استثنائی یا برای منابع در معرض ریسک غیرمهم، بانک می تواند به روش منبع در معرض ریسک جاری یا روش های استاندارد برای تمام یا بخشی از منبع در معرض ریسک بازگشت کند. بانک باید نشان دهد که برگشت به یک روش کمتر پیچیده منجر به آریتر از قواعد سرمایه نظارتی نمی شود.

۷. روش مدل داخلی: سنجش منبع در معرض ریسک و الزامات حداقلی

A. میزان منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول در روش مدل داخلی

۲۵. منبع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل یا منبع در معرض نکول، همان طور که در بخش های I و II پیوست حاضر تعریف شد، در سطح مجموعه خالص سازی سنجش می شوند. یک مدل داخلی واجد شرایط برای سنجش منبع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل باید توزیع پیش بینی را برای تغییرات ارزش بازار

مجموعه خالص سازی که قابل ارتباط به تغییرات متغیرهای بازار از قبیل نرخهای بهره، نرخهای ارز و غیره، می باشد را تعیین نماید. سپس، با فرض تغییرات در متغیرهای بازار، مدل، منبع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل بانک را برای مجموعه خالص سازی در هر تاریخی در آینده محاسبه می کند. برای طرفهای مقابل ودیعه گذار، مدل همچنین می تواند تغییرات وثیقه ای آتی را پوشش دهد. بانکها ممکن است وثیقه مالی واجد شرایط را که در پاراگراف های ۱۴۶ و ۷۰۳ سند حاضر تعریف شده است، در توزیع های پیش بینی خود برای تغییرات در ارزش بازار مجموعه خالص سازی لحاظ کنند در صورتی که الزامات داده ای و کمی و کیفی برای روش مدل داخلی برای وثیقه، رعایت شده باشد.

۲۶. تا میزانی که بانک وثیقه را در مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول از طریق منبع در معرض ریسک جاری شناسایی کند، بانک مجاز به شناسایی مزایای آن در تخمین زیان با فرض نکول نخواهد بود. در نتیجه، بانک ملزم به استفاده از یک تخمین زیان با فرض نکول سایر تسهیلات بدون وثیقه مشابه خواهد بود. به بیان دیگر، بانک ملزم خواهد بود از زیان با فرض نکولی استفاده کند که شامل وثیقه ای که قبلاً در منبع در معرض نکول لحاظ شده است، نمی باشد.

۲۷. در روش مدل داخلی، بانک لازم نیست که یک مدل واحد را بکار گیرد. اگرچه، ادامه متن یک مدل داخلی را به عنوان مدل شبیه سازی توصیف می کند، شکل خاص مدل الزامی نیست. مدل های تحلیلی تا زمانی قابل قبول هستند که مشمول بررسی نظارتی باشند، تمامی الزامات تعیین شده در این بخش را دارا بوده و برای تمام منابع در معرض ریسک منوط به پوشش سرمایه ای مرتبط با ریسک اعتباری طرف مقابل به شرح بالا، به استثناء معاملات با سررسید تسویه بلندمدت که جداگانه به آن پرداخته می شود و همچنین به استثناء منابع در معرض ریسکی که از نظر اندازه و ریسک قابل توجه نیستند، بکار گرفته شوند.

۲۸. سنجه های منبع در معرض ریسک حداکثری یا مورد انتظار باید، جایی که لازم باشد، بر مبنای توزیع منابع در معرض ریسکی محاسبه شود که غیرنرمال بودن احتمالی توزیع منابع در معرض ریسک، از جمله وجود لپتوکورتوسیس (دنباله پهن) را مد نظر قرار دهد.

۲۹. هنگام استفاده از مدل داخلی، مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول (EAD) از حاصل ضرب آلفا در منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر به شرح زیر، به دست می آید:

$$EAD = \alpha \times \text{Effective EPE} \quad (1)$$

۳۰. منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار (EPE) مؤثر از طریق تخمین منبع در معرض ریسک مورد انتظار به عنوان میانگین منبع در معرض ریسک در زمان آینده t محاسبه می‌شود که میانگین مذکور از ارزش‌های ممکن آینده فاکتورهای ریسک بازار مرتبط از قبیل نرخ‌های بهره، نرخ‌های ارز و غیره گرفته می‌شود. مدل، منبع در معرض ریسک مورد انتظار را در سری‌های زمانی آینده $t_1, t_2, t_3 \dots$ تخمین می‌زند.^{۱۰۴} به طور معین، منبع در معرض ریسک مورد انتظار به شکل زیر محاسبه می‌شود

$$(۲) \quad \text{Effective } EE_{tk} = \max(\text{Effective } EE_{tk-1}, EE_{tk})$$

که زمان حال به صورت t_0 و منبع در معرض ریسک مورد انتظار (EE_{t_0}) مؤثر برابر با منبع در معرض ریسک جاری خواهد بود.

۳۱. در این خصوص، منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر (Effective EPE) برابر است با میانگین منبع در معرض ریسک مورد انتظار مؤثر در طول سال اول منبع در معرض ریسک آتی. اگر تمام قراردادها در مجموعه خالص‌سازی قبل از یک سال سررسید شود، EPE برابر است با میانگین منبع در معرض ریسک مورد انتظار تا زمانی که تمام قراردادها در مجموعه خالص‌سازی سررسید شوند. EPE مؤثر به صورت میانگین موزون EE مؤثر محاسبه می‌شود:

$$\text{Effective EPE} = \sum_{k=1}^{\min(1 \text{ yer}, \text{maturity})} \text{Effective } EE_{tk} \times \Delta t_k \quad (۳)$$

وزن‌های $\Delta t_k = t_k - t_{k-1}$ در مواردی مصداق خواهد داشت که منبع در معرض ریسک در آینده در تاریخ‌هایی که به طور مساوی در طول زمان قرار داده نمی‌شوند، محاسبه شود.

۳۲. آلفا برابر $1/4$ قرار داده می‌شود.

۳۳. ناظران دارای این اختیار هستند که مقدار بیشتری را برای آلفا بر مبنای منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل بانک الزام نمایند. عواملی که می‌تواند مقدار بیشتر آلفا را الزام کند شامل موارد زیر است: تعدد کم طرف‌های مقابل؛ به ویژه منبع در معرض ریسک بالای ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل کلی؛ به طور خاص، همبستگی بالای ارزش‌های بازار بین طرف‌های مقابل و سایر ویژگی‌های منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل که خاص نهاد باشد.

^{۱۰۴} از لحاظ نظری، انتظارات باید با توجه به توزیع احتمال واقعی منبع در معرض ریسک آینده در نظر گرفته شود و نه بر مبنای حالت ریسک-خنثی. ناظران به این نتیجه می‌رسند که استفاده از حالت ریسک-خنثی می‌تواند توجیه داشته باشد. به عنوان نتیجه، ناظران استفاده از توزیع پیش‌بینی را الزام نخواهند کرد.

B. تخمین های داخلی آلفا

۳۴. بانکها ممکن است به دنبال تأیید مقام ناظر خود برای محاسبه تخمین های داخلی از آلفا با رعایت میزان حداقلی ۱/۲، که آلفا برابر است با نسبت سرمایه اقتصادی حاصل از شبیه سازی کامل منبع در معرض ریسک طرف مقابل در میان طرف های مقابل (صورت کسر) و سرمایه اقتصادی مبتنی بر منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر (مخرج کسر) با این فرض که آنها الزامات عملیاتی معینی را رعایت کنند. بانک های واجد شرایط باید تمام الزامات عملیاتی را برای تخمین های داخلی منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر را رعایت کرده و باید نشان دهند که تخمین های داخلی خود در مورد آلفا، منابع حایز اهمیت وابستگی تصادفی توزیع های ارزش های بازار معاملات یا پورتفوی های معاملات طرف های مقابل را در صورت کسر پوشش دهد (به عنوان مثال، همبستگی بین نکول های طرف های مقابل و بین ریسک بازار و نکول).

۳۵. در مخرج کسر، منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر باید استفاده گردد؛ همچنان که آن، مقدار ثابت مانده وام می باشد.

۳۶. در نهایت بانکها باید اطمینان حاصل کنند که صورت و مخرج کسر آلفا، به شکل سازگاری با توجه به روش های مدل سازی، مشخصات پارامترها و ترکیب پرتفوی محاسبه می شوند. رویکرد مورد استفاده باید مبتنی بر رویکرد داخلی سرمایه اقتصادی بانک بوده، به خوبی مستند و مشروط به تأیید و تصدیق مستقل باشد. به علاوه، بانکها باید تخمین های خود را حداقل به صورت فصلی مورد بازنگری قرار دهند و زمانی که ترکیب پرتفوی در طول زمان تغییر می کند این بازنگری باید با تناوب بیشتری صورت گیرد. بانکها همچنین باید ریسک مدل را نیز ارزیابی کنند.

۳۷. جایی که لازم است، نو سانات و همبستگی های عوامل ریسک بازار که در شبیه سازی مشترک ریسک اعتباری و بازار استفاده می شوند، باید مشروط به عامل ریسک اعتباری قرار داده شده تا افزایش بالقوه در نو سان یا همبستگی یک دوره افول اقتصادی را منعکس کند. تخمین های داخلی آلفا باید میزان تعدد منابع در معرض ریسک را مد نظر قرار دهد.

C. سررسید

۳۸. اگر سررسید اصلی قرارداد با بیشترین زمان موجود در مجموعه، بیشتر از یک سال باشد، فرمول زیر جایگزین فرمول سررسید مؤثر (M) در پاراگراف ۳۲۰ سند حاضر می شود:

$$M = \frac{\sum_{k=1}^{t_k \leq 1 \text{ year}} \text{Effective } EE_k \times \Delta t_k \times df_k + \sum_{k=1}^{\text{maturity}} \text{Effective } EE_k \times \Delta t_k \times df_k}{\sum_{k=1}^{t_k \leq 1 \text{ year}} \text{Effective } EE_k \times \Delta t_k \times df_k}$$

df_k عامل تنزیل بدون ریسک برای دوره زمانی آینده t_k می‌باشد و سایر علائم در بالا تعریف شده است. مشابه ترتیبات مربوط به منابع در معرض ریسک شرکتی، M دارای سقف زمانی ۵ سال می‌باشد.^{۱۰۰}

۳۹. برای مجموعه‌های خالص‌سازی که تمام قراردادها دارای یک سررسید اصلی کمتر از یک سال هستند، فرمول سررسید مؤثر در پاراگراف ۳۲۰ سند حاضر بدون تغییر باقی مانده و یک سررسید حداقلی یک سال اعمال می‌شود. منابع در معرض ریسک کوتاه‌مدت همان‌گونه که در پاراگراف‌های ۳۲۱ تا ۳۲۳ سند حاضر توصیف شد، مستثنی می‌شوند.

D. توافقات قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار

۴۰. اگر مجموعه خالص‌سازی منوط به یک توافق قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار بوده و مدل داخلی تأثیرات این امر را در تخمین منابع در معرض ریسک مؤثر در نظر گیرد، سنجح منبع در معرض ریسک مؤثر مدل می‌تواند مستقیماً در معادله (۲) مورد استفاده قرار گیرد. چنین مدلهایی به شکل قابل توجهی پیچیده‌تر از مدل‌های منبع در معرض ریسک مؤثر مثبت برای طرف‌های مقابلی که این توافقات را ندارند می‌باشند. به این ترتیب، آن‌ها مشمول درجه بالاتری از بررسی دقیق نظارتی قبل از تأیید، همانطور که در پایین مطرح می‌شود، می‌باشند.

۴۱. بانکی که می‌تواند منبع در معرض ریسک مؤثر مثبت را بدون توافقات قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار مدل‌سازی کند اما قادر به دستیابی به سطح بالای پیچیدگی مدل‌سازی به منظور مدل‌سازی منبع در معرض ریسک مؤثر مثبت همراه با توافقات قرض‌گیری مذکور نیست می‌تواند روش زیر را برای طرف‌های مقابل تحت توافق مورد اشاره بکار برد. روش مزبور یک تقریب محافظه‌کارانه و ساده از

^{۱۰۰} از لحاظ مفهومی، M برابر است با دیریش اعتباری مؤثر، منبع در معرض ریسک طرف مقابل. بانکی که از مدل داخلی برای محاسبه تعدیل ارزیابی اعتباری یک طرفه استفاده می‌کند، می‌تواند از دیریش اعتباری مؤثر که توسط این مدل تخمین زده شده است با تأیید قبلی ناظر استفاده کند.

منابع در معرض ریسک مؤثر مثبت بوده و این منابع در معرض ریسک برای طرف مقابل مذکور را معادل یکی از موارد زیر، هر کدام که کمتر باشد قرار می‌دهد:

- آستانه، اگر مثبت باشد، تحت توافق قرض‌گیری به علاوه مقدار اضافه‌ای که نشان‌دهنده افزایش بالقوه در منبع در معرض ریسک در طول دوره حاشیه‌ای ریسک. مقدار اضافه به عنوان افزایش مورد انتظار در منبع در معرض ریسک مجموعه خالص‌سازی که از منبع در معرض ریسک جاری صفر در دوره ریسک شروع می‌شود، محاسبه می‌گردد.^۶ حداقل نظارتی ۵ روز کاری برای مجموعه‌های خالص‌سازی شامل صرفاً معاملات نوع بازخریدی منوط به تعدیل روزانه حساب ودیعه و ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار و ۱۰ روز کاری برای سایر مجموعه‌های خالص‌سازی برای دوره حاشیه‌ای ریسک استفاده شده در این خصوص، در نظر گرفته می‌شود.

- منبع در معرض ریسک مؤثر بدون توافق قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار

E. تأیید مدل

۴۲. از آنجایی که منابع در معرض ریسک طرف مقابل ناشی از تغییرات در متغیرهای بازار می‌باشد، تأیید مدل منابع در معرض ریسک مثبت مؤثر مشابه تأیید مدل ارزش در معرض خطر که برای اندازه‌گیری ریسک بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌باشد. بنابراین، در اصل، استانداردهای کیفی در پاراگراف ۷۱۸(LXXIV) برای استفاده از مدل‌های ارزش در معرض خطر باید برای مدل‌های منابع در معرض ریسک مثبت مؤثر نیز استفاده شود. با این وجود، یک مدل منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر دارای عناصر بیشتری است که نیازمند تأیید می‌باشد:

- نرخ‌های بهره، نرخ‌های ارز، قیمت‌های سهام، کالاها و سایر عوامل ریسک بازار باید به منظور اندازه‌گیری منبع در معرض ریسک طرف مقابل برای افق‌های زمانی طولانی‌پیه شیبینی شود. عملکرد مدل پیه شیبینی برای عوامل ریسک بازار باید برای یک افق زمانی بلندمدت مورد تأیید

^{۱۰۶} به عبارت دیگر، مقدار اضافه برابر است با EE در پایان دوره ریسک با فرض صفر بودن منبع در معرض ریسک جاری. از آنجایی که هیچ تمدیدی در معامله به عنوان بخشی از محاسبه EE وجود ندارد، تفاوتی میان EE و EE مؤثر نیست.

قرار گیرد. در مقابل، ارزش در معرض خطر برای ریسک بازار برای افق زمانی کوتاه مدت، اندازه‌گیری می‌شود (عموماً، یک تا ده روز).

- مدل‌های قیمت‌گذاری مورد استفاده برای محاسبه منبع در معرض ریسک طرف مقابل برای سناریوی مفروض شوک‌های آینده به عوامل ریسک بازار باید به عنوان بخشی از فرایند تأیید مدل مورد آزمون قرار گیرد. این مدل‌های قیمت‌گذاری می‌تواند از آن‌هایی که برای محاسبه ارزش در معرض خطر برای افق کوتاه مدت استفاده می‌شود متفاوت باشد. مدل‌های قیمت‌گذاری برای اختیار معامله باید غیرخطی بودن ارزش اوراق اختیار معامله با توجه به عوامل ریسک بازار را مدنظر قرار دهد.

- یک مدل منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر باید اطلاعات خاص معامله را به منظور جمع منابع در معرض ریسک در سطح مجموعه خالص سازی پوشش دهد. بانک‌ها باید تأیید کنند که معاملات در چارچوب مدل به مجموعه خالص سازی مناسبی تخصیص داده شده‌اند.

- یک مدل منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر همچنین باید شامل اطلاعات خاص معامله به منظور پوشش تأثیرات ودیعه‌گذاری باشد. آن باید مقدار جاری ودیعه و همچنین ودیعه‌ای که بین طرف‌های مقابل در آینده مبادله می‌شود را لحاظ کنند. چنین مدلی باید ماهیت توافقات قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار (یک جانبه یا دوجانبه)، تناوب فراخوان برای تکمیل حساب ودیعه، دوره حاشیه‌ای ریسک، آستانه منبع در معرض ریسک فاقد ودیعه که بانک مایل به پذیرش آن است و حداقل مقدار انتقال را مدنظر قرار دهد. چنین مدلی باید به قیمت‌گذاری مبتنی بر قیمت بازار را برای تغییر در ارزش وثیقه توثیق شده مدل‌سازی کند یا اینکه قواعد سند حاضر را برای وثیقه به کار گیرد.

۴۳. پس‌آزمایی تاریخی، ایستا برای پرتفوی‌های طرف مقابل به عنوان نماینده‌ای از طرف‌های مقابل، باید جزئی از فرایند تأیید مدل باشد. در بازه‌های زمانی منظم که توسط ناظران تعیین می‌شود، بانک باید چنین پس‌آزمایی را برای تعدادی از پرتفوی‌های طرف مقابل نمونه (حقیقی یا فرضی) انجام دهند. این پرتفوی‌های نمونه باید بر مبنای حساسیت آن‌ها به عوامل مهم ریسک و همبستگی‌هایی که بانک در معرض آن قرار دارد انتخاب شوند.

۴۴. با شروع از یک تاریخ مشخصی در گذشته، پس آزمایی مدل منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر از مدل داخلی برای پیشبینی هر یک از توزیع های احتمال پرتفوی منبع در معرض ریسک در افق های زمانی مختلف استفاده می شود. با استفاده از داده های تاریخی درباره تغییرات عوامل ریسک بازار، پس آزمایی در ادامه، منابع در معرض ریسک حقیقی که در هر پرتفوی در هر افق زمانی با فرض عدم تغییر در ترکیب پرتفوی به وقوع می پیوندد را محاسبه می کند. سپس، این منابع در معرض ریسک محقق شده با توزیع پیشبینی مدل در افق های زمانی مختلف مقایسه می شوند. مراحل بالا باید برای چندین زمان تاریخی همراه با پوشش محدوده گسترده شرایط بازار (به عنوان مثال، نرخ های در حال رشد، نرخ های در حال افول، بازارهای مسکوت، بازارهای پرنوسان) تکرار شود. تفاوت های حایز اهمیت بین منابع در معرض ریسک محقق شده و توزیع پیشبینی مدل می تواند نشان دهنده مشکلی برای مدل یا داده های پایه بوده که ناظر، بانک را ملزم به تصحیح آن می نماید. در چنین شرایطی ناظران ممکن است سرمایه بیشتری را ملزم کنند. بر خلاف الزام پس آزمایی برای مدل های ارزش در معرض خطر که در پاراگراف (b) (Lxxiv) و ۷۱۸ (xcviii) بیان شد، هیچ نوع آزمون آماری خاص برای پس آزمایی مدل های منبع در معرض ریسک مثبت مؤثر تعیین نشده است.

۴۵. در روش مدل داخلی، سنجه ای که محافظه کارانه تر از منبع در معرض ریسک مورد انتظار مثبت مؤثر باشد (به عنوان مثال، سنجه ای که مبتنی بر بیشترین مقدار منبع در معرض ریسک باشد و نه میانگین آن) برای هر طرف مقابل می تواند به جای آلفا ضربدر منبع در معرض ریسک مورد انتظار مثبت مؤثر در معادله (۱) منوط به تأیید قبلی ناظر استفاده شود. درجه محافظه کاری مرتبط، با تأیید اولیه ناظران و منوط به راستی آزمایی دوره ای، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۴۶. بانک هایی که یک مدل منبع در معرض ریسک مورد انتظار مثبت یا مدل ارزش در معرض خطر (موصوف در پاراگراف های ۱۷۸ تا ۱۸۱ سند حاضر) را استفاده می کنند، باید الزامات تأیید مطرح شده در فوق را رعایت کنند.

F. الزامات عملیاتی برای مدل های منبع در معرض ریسک مورد انتظار مثبت

۴۷. به منظور واجد شرایط شدن برای به کارگیری یک مدل داخلی برای تخمین منبع در معرض ریسک مورد انتظار مثبت ناشی از ریسک اعتباری طرف مقابل برای اهداف سرمایه نظارتی، بانک باید الزامات

عملیاتی زیر را رعایت کند. این الزامات شامل رعایت الزامات مرتبط با استانداردهای تعیین صلاحیت مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل، یک آزمون به کارگیری مدل، آزمون بحران، تعیین ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل کلی و کنترل های داخلی می باشد.

استانداردهای صلاحیت مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل

۴۸. بانک باید ناظر خود را متقاعد کند که علاوه بر رعایت الزامات عملیاتی معرفی شده در پاراگراف های ۴۹ تا ۶۹ زیر، از اقدامات صحیحی برای مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل شامل آن هایی که در پاراگراف های ۷۷۷(i) تا ۷۷۷ (xiv) سند حاضر تعیین شده است، پیروی کند.

آزمون به کارگیری مدل

۴۹. توزیع منابع در معرض ریسک ایجاد شده توسط مدل داخلی که در محاسبه منبع در معرض ریسک مثبت موردانتظار مؤثر استفاده می شود، باید با فرایند روزانه مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل بانک ادغام شود. برای مثال، بانک می تواند حداکثر منبع در معرض ریسک را از توزیع های حدود اعتباری طرف مقابل یا منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار برای تخصیص داخلی سرمایه خود استفاده کند. خروجی مدل داخلی باید نقش مهمی را در تأیید سرمایه ای، مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل، تخصیص های سرمایه ای داخلی و حاکمیت شرکتی بانک هایی که به دنبال تأییدیه برای بکارگیری این مدل های برای اهداف کفایت سرمایه ای هستند، ایفا کند. مدل ها و تخمین هایی که به شکل اختصاصی واجد شرایط استفاده برای روش مدل های داخلی طراحی و پیاده سازی می شوند، قابل قبول نیستند.

۵۰. بانک باید دارای سوابق معتبر قابل ردگیری در استفاده از مدل های داخلی که توزیع منابع در معرض ریسک برای ریسک اعتباری طرف مقابل را ایجاد می کند، باشد. بنابراین بانک باید نشان دهد که از مدل های داخلی برای محاسبه توزیع های منابع در معرض ریسک که به عنوان مبنای محاسبه منبع در معرض ریسک موردانتظار مثبت می باشد، استفاده کرده است که به طور گسترده حداقل الزامات برای حداقل یک سال قبل از تأیید مقام ناظر را رعایت کند.

۵۱. بانک هایی که از روش مدل داخلی استفاده می کنند، باید واحد کنترل مستقل که مسئول طراحی و پیاده سازی سیستم مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل شامل تأیید اولیه و مستمر مدل داخلی می باشد

را دارا باشد. این واحد باید یکپارچگی داده‌های ورودی را کنترل کرده و گزارش‌هایی در مورد خروجی مدل اندازه‌گیری ریسک بانک، شامل ارزیابی رابطه بین سنجه‌های ریسک و حدود تجاری و اعتباری را تولید و تحلیل نماید. واحد مذکور باید مستقل از واحدهای تجاری و اعتباری کسب و کار باشد؛ باید به اندازه کافی دارای نیرو بوده و مستقیماً به مدیریت ارشد بانک گزارش دهد. کار این واحد باید با فرایند مدیریت روزانه ریسک اعتباری بانک یکپارچه شود. به همین ترتیب، خروجی چنین واحدی باید به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند برنامه‌ریزی، پایش و کنترل مشخصه کلی ریسک و اعتباری بانک باشد.

۵۲. مدل داخلی استفاده شده برای ایجاد توزیع منابع در معرض ریسک باید به عنوان بخشی از چارچوب مدیریت ریسک طرف مقابل، مشتمل بر شناسایی، اندازه‌گیری، مدیریت، تأیید و گزارش‌گری داخلی ریسک طرف مقابل باشد.^{۱۰۷} این چارچوب باید شامل اندازه‌گیری استفاده از خطوط اعتباری (تجمیع منابع در معرض ریسک طرف مقابل با سایر منابع در معرض ریسک اعتباری) و تخصیص سرمایه اقتصادی باشد. علاوه بر منبع در معرض ریسک مورد انتظار مثبت (به عنوان سنجه منبع در معرض ریسک آینده) یک بانک باید منابع در معرض ریسک جاری را اندازه‌گیری و مدیریت کند. جایی که مناسب است، بانک باید منبع در معرض ریسک جاری را به صورت ناخالص و خالص از وثایق نگهداری شده اندازه‌گیری کند. آزمون بکارگیری مدل رعایت می‌شود اگر بانک از سایر سنجه‌های ریسک طرف مقابل، از قبیل بالاترین مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض ریسک بالقوه آینده، بر اساس توزیع منابع در معرض ریسک ایجاد شده توسط مدل یکسان برای محاسبه منبع در معرض ریسک مورد انتظار مثبت استفاده کند.

۵۳. بانک ملزم به تخمین یا گزارش منبع در معرض ریسک مورد انتظار به طور روزانه نیست، ولی برای رعایت آزمون بکارگیری مدل باید در صورت لزوم دارای قابلیت سیستم به منظور تخمین روزانه منبع در معرض ریسک باشد؛ مگر آن که نشان دهد منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل، محاسبه با تناوب کمتری را مجاز کند. بانک باید یک مشخصه زمانی افق‌های پیش‌بینی که به اندازه کافی منعکس

^{۱۰۷} - این بخش به مقدار زیادی برگرفته از مقاله گروه سیاست مدیریت ریسک طرف مقابل با عنوان بهبود اقدامات مدیریت ریسک طرف مقابل (ژوئن

۱۹۹۹) می‌باشد. این مقاله در آدرس زیر قابل دستیابی است

<http://www.mfainfo.org/washington/derivatives/Improving%20Counterparty%20risk.pdf>

کننده ساختار زمانی جریانات نقدی آینده و سررسید قراردادها است را انتخاب کند. برای مثال، بانک ممکن است منبع در معرض ریسک مورد انتظار را به طور روزانه برای ده روز اول، هفته‌ای یک بار برای یک ماه، ماهی یک بار برای ۱۸ ماه، هر فصل یک بار برای ۵ سال و فراتر از ۵ سال به طریقی که با میزان اهمیت و ترکیب منبع در معرض ریسک سازگار باشد، محاسبه کند.

۵۴. منبع در معرض ریسک باید در طول دوره قراردادها در مجموعه خالص سازی (و نه فقط برای افق یک ساله) اندازه‌گیری، پایش و کنترل شود. بانک باید دارای رویه‌هایی برای شناسایی و کنترل ریسک‌های طرف‌های مقابل زمانی که منبع در معرض ریسک فراتر از افق زمانی یک ساله افزایش می‌یابد باشند. به علاوه، افزایش پیش‌بینی شده در منبع در معرض ریسک باید به عنوان ورودی مدل داخلی سرمایه اقتصادی بانک باشد.

آزمون بحران

۵۵. بانک باید دارای فرایندهای آزمون بحران صحیح برای استفاده در ارزیابی کفایت سرمایه باشد. این سنجش‌های بحران باید با سنجش منبع در معرض ریسک مورد انتظار مقایسه شده و به عنوان فرایند ارزیابی داخلی کفایت سرمایه مورد استفاده بانک قرار گیرد. آزمون بحران باید شناسایی رخدادهای ممکن یا تغییرات آینده در شرایط اقتصادی که دارای تأثیرات نامطلوب منابع در معرض ریسک اعتباری بانک و ارزیابی توانایی بانک برای مقابله با تغییرات مذکور می‌باشد را لحاظ کند. مثالهایی از سناریوهایی که می‌توان استفاده کرد عبارتند از (i) افول صنعتی یا اقتصادی (ii) رخدادهای بازار یا (iii) شرایط کاهش نقدینگی.

۵۶. بانک باید منابع در معرض ریسک طرف مقابل خود را مورد آزمون بحران قرار دهد که شامل تحت شوک قرار دادن همزمان عوامل ریسک بازار و اعتباری باشد. آزمون‌های بحران ریسک طرف مقابل باید ریسک تمرکز (به یک طرف مقابل یا گروه‌هایی از طرف‌های مقابل)، ریسک همبستگی بین ریسک بازار و ریسک اعتباری (برای مثال، یک طرف مقابل که تغییر بزرگ در بازار منجر به منابع در معرض ریسک بزرگ، وخامت با اهمیت در وضعیت کیفیت اعتباری یا هر دو مورد) و ریسکی که تصفیه و وضعیت‌های طرف مقابل می‌تواند منجر به تغییر بازار شود را مد نظر قرار دهد. چنین آزمون‌های بحران باید همچنین

تأثیر بر وضعیت های بانک ناشی از تغییرات بازار را مورد توجه قرار داده و این تأثیر را در ارزیابی خود از ریسک طرف مقابل ادغام نماید.

ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل

۵۷. بانک ها باید نسبت به منابع در معرض ریسک که منجر به درجه بالای ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل کلی می شود، آگاه باشند.

۵۸. بانکی زمانی در معرض "ریسک خاص" مذکور قرار دارد، اگر انتظار رود منبع در معرض ریسک آینده طرف مقابل معین بالا باشد؛ زمانی که احتمال نکول طرف مقابل نیز بالا باشد. برای مثال، شرکتی که اختیارات فروش را روی سهام خود می فروشد، منابع در معرض ریسک همبستگی معکوس مورد اشاره برای خریدار ایجاد می کند که خاص طرف مقابل است. یک بانک باید دارای رویه هایی برای شناسایی، پایش و کنترل موارد ریسک خاص مزبور بوده که این امر در ابتدای معامله شروع و در طول دوره معامله ادامه می یابد.

یکپارچگی فرایند مدل سازی

۵۹. سایر الزامات عملیاتی، تمرکز بر کنترل های داخلی مورد نیاز به منظور حصول اطمینان از یکپارچگی ورودی های مدل دارد؛ به ویژه، این الزامات داده های معامله، داده های تاریخی بازار، تناوب محاسبه و مدل های ارزش گذاری مورد استفاده در اندازه گیری منبع در معرض ریسک مورد انتظار را بررسی می کند.

۶۰. مدل داخلی باید شرایط و ویژگی های معامله را به موقع، کامل و محتاطانه منعکس کند. چنین شرایطی حداقل شامل مقادیر اسمی قرارداد، سررسید، دارایی های مرجع، آستانه های وثیقه ای، ترتیبات ودیعه گذاری، ترتیبات خالص سازی و غیره می باشد. شرایط و مشخصات باید در یک پایگاه داده ایمن منوط به حسابرسی دوره ای و رسمی قرار گیرد. فرایند شناسایی ترتیبات خالص سازی باید تأیید نهایی توسط کارکنان حقوقی را به منظور بررسی قابلیت اجرای قانونی خالص سازی الزامی کرده و توسط یک واحد مستقل وارد پایگاه داده شود. انتقال داده های شرایط و مشخصات معامله به مدل داخلی باید منوط به حسابرسی داخلی بوده و فرایند یکپارچگی رسمی میان مدل داخلی و سیستم های داده های مرجع به

منظور تأیید به طور مستمر به نحوی که شرایط و مشخصات معامله در منبع در معرض ریسک موردانتظار به صورت صحیح یا حداقل به شکل محافظه کارانه منعکس شود، وجود داشته باشد.

۶۱. مدل داخلی باید داده‌های جاری بازار را به منظور محاسبه منبع در معرض ریسک جاری به کار گیرد. هنگام استفاده از داده‌های تاریخی برای تخمین نوسانات و همبستگی‌ها، حداقل داده‌های تاریخی سه ساله باید استفاده و باید به صورت فصلی یا با تناوب بیشتر در صورت ایجاب شرایط بازار، به روزرسانی شود. داده‌ها باید طیف کاملی از شرایط اقتصادی از قبیل چرخه تجاری کامل را پوشش دهد. واحد مستقل از واحد کسب و کار باید قیمت ارایه شده توسط واحد کسب و کار را مورد راستی‌آزمایی قرار دهد. داده‌ها باید مستقل از خطوط کسب و کار اندوخته شده و به مدل داخلی به صورت کامل و به موقع وارد شود؛ همچنین، در یک پایگاه داده ایمن منوط به یک حسابرسی دوره‌ای و رسمی، نگهداری شود. بانک‌ها همچنین باید دارای فرایند کامل یکپارچه سازی داده‌ها به منظور اصلاح و حذف داده‌های مربوط به مشاهدات اشتباه و یا نادر ست باشند. تا زمانی که مدل داخلی مبتنی بر داده‌های بدیل بازار باشد، به عنوان مثال محصولات جدید زمانی که داده‌های تاریخی به مدت سه سال وجود نداشته باشد، سیاست‌های داخلی باید داده‌های بدیل مناسبی را شناسایی کرده و بانک باید در عمل نشان دهد که این داده‌های بدیل، شاخص محافظه کارانه ریسک پایه در شرایط نامطلوب بازار را فراهم می‌کند. اگر مدل داخلی شامل تأثیر وثیقه برای تغییرات در ارزش بازار مجموعه خالص سازی باشد، بانک باید دارای داده تاریخی کافی به منظور مدل سازی نوسانات وثیقه باشد.

۶۲. مدل منبع در معرض ریسک مورد انتظار (و تعدیلات آن) باید منوط به فرایند تأیید مدل داخلی باشد. این فرایند باید مرتبط با رویه‌ها و سیاست‌های بانک باشد. فرایند تأیید باید نوع آزمونی که برای حصول اطمینان از یکپارچگی مدل لازم است را تعیین کرده و شرایطی که در آن مفروضات تغییر می‌کنند و ممکن است منجر به تخمین کم از منبع در معرض ریسک مورد انتظار شود را شناسایی کنند. فرایند تأیید باید شامل بررسی جامعیت مدل منبع در معرض ریسک مورد انتظار، برای مثال، آیا مدل منبع در معرض ریسک مورد انتظار تمام محصولاتی که به طور جدی سهم با اهمیتی در منابع در معرض ریسک طرف مقابل دارد یا خیر، باشد.

۱.۶۳. استفاده از یک مدل داخلی به منظور تخمین منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار و مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول و وضعیت‌ها منوط به پوشش سرمایه‌ای ریسک اعتباری طرف مقابل، مشروط به تأیید صریح مقام ناظر بانک خواهد بود. مقامات نظارتی بانکی کشورهای مهمان و میزبان که فعالیت‌های تجاری مهمی را در چند کشور انجام می‌دهند، جهت حصول اطمینان از فرایند تأیید کار با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

۱.۶۴. در این سند و اسناد قبلی، کمیته، رهنمودی را برای استفاده از مدل‌های داخلی به منظور تخمین پارامترهای معین ریسک و تعیین حداقل سرمایه‌های پوششی در مقابل ریسک‌های مذکور منتشر کرده است. ناظران، بانک‌هایی که به دنبال استفاده از مدل‌های داخلی برای تخمین منبع در معرض ریسک مثبت هستند را ملزم خواهند کرد الزامات مشابهی را با توجه به یکپارچگی سیستم مدیریت ریسک، تجارب کارکنانی که از اقدامات مذکور در محیط عملیاتی و کارکردهای کنترلی استفاده می‌کنند، میزان صحت مدل‌ها و شدت کنترل‌های داخلی در طول فرایندهای مرتبط داخلی رعایت کنند. به عنوان مثال، بانک‌های مذکور باید نشان دهند که معیارهای عمومی کمیته برای استفاده از مدل‌های داخلی به منظور ارزیابی منابع در معرض ریسک بازار را در زمینه ارزیابی ریسک اعتباری طرف مقابل رعایت می‌کنند.^{۱۵۸}

۱.۶۵. رکن دوم سند حاضر پیشینه کلی و رهنمود مشخصی را به منظور پوشش ریسک‌های اعتباری طرف مقابل که ممکن است به طور کامل در فرایند رکن ۱ پوشش داده نشود، فراهم می‌آورد.

۱.۶۶. هیچ نوع شکل خاصی از مدل برای واجد شرایط شدن به منظور استفاده از مدل داخلی الزامی نیست. اگرچه، متن حاضر مدل داخلی را به عنوان یک مدل شبیه‌سازی توصیف می‌کند، ولی شکل‌های دیگر مدل‌ها از قبیل مدل‌های تحلیلی، منوط به بررسی و تأیید نظارتی، قابل قبول است. بانک‌هایی که به دنبال به رسمیت استفاده از یک مدل داخلی که مبتنی بر شبیه‌سازی‌ها نیست، می‌باشند، باید به ناظران خود نشان دهند که مدل مذکور تمامی الزامات عملیاتی را رعایت می‌کند.

۱.۶۷. برای بانکی که واجد شرایط خالص‌سازی معاملات است، بانک مذکور باید قبل از وارد کردن یک معامله به مجموعه خالص‌سازی، دارای رویه داخلی برای تصدیق این موضوع که معامله به وسیله یک قرارداد خالص‌سازی دارای ضمانت اجرای قانونی پوشش داده می‌شود، باشد؛ چنین قراردادی باید همه الزامات

^{۱۵۸} به قسمت ۲، بخش D1 VI (پاراگراف‌های LXX) تا ۷۱۸(LXXIII) مراجعه شود.

قابل اعمال بیان شده در پاراگراف های (۱) ۹۶ تا (۷) ۹۶ این پیوست، مطالب مربوط به تکنیک های کاهش ریسک اعتباری سند حاضر یا قواعد خالص سازی بین محصولی تعیین شده در پیوست حاضر را دارا باشد.

۶۸. برای بانکی که از وثیقه برای کاهش ریسک اعتباری طرف مقابل خود استفاده می کند، بانک باید قبل از شناسایی اثر وثیقه در محاسبات خود، دارای رویه های داخلی برای تصدیق این موضوع که وثیقه استانداردهای معین قانونی مناسب را همان طور که در بند ۲ بخش II.D سند حاضر بیان شده است را رعایت کند.

۷۱. روش استاندارد

۶۹. بانک هایی که تأییدیه بکارگیری روش مدل های داخلی برای معاملات فرابورس مرتبط را ندارند، می توانند از روش استاندارد استفاده کنند. روش استاندارد را می توان فقط برای اوراق مشتقه فرابورسی استفاده کرد؛ معاملات تأمین مالی اوراق بهادار مشمول ترتیبات مندرج در روش مدل داخلی پیوست حاضر یا بند ۲ بخش II.D این سند می باشد. مقدار منبع در معرض ریسک (در رویکرد استاندارد برای ریسک اعتباری) یا منبع در معرض نکول برای هر مجموعه خالص سازی باید جداگانه محاسبه شود. مقدار منبع در معرض ریسک طبق رابطه زیر تعیین می شود:

$$\text{exposure amount or EAD} = \beta \cdot \max \left(CMV - CMC; \sum_i \left| \sum_j RPT_{ij} - \sum_j RPC_{ij} \right| \times CCF_j \right)$$

CMV = ارزش جاری بازار پرتفوی معاملات در مجموعه خالص سازی با طرف مقابل، ناخالص از وثیقه، به

عبارت دیگر، $CMV = \sum_i CMV_i$ که در آن CMV_i ارزش جاری بازار معامله i می باشد.

CMC = ارزش جاری بازار وثیقه تخصیص داده شده به مجموعه خالص سازی، به عبارت دیگر،

$CMC = \sum_i CMC_i$ که در آن CMC_i ارزش جاری بازار وثیقه i می باشد.

i = شاخص معامله مورد نظر

l = شاخص وثیقه مورد نظر

ج= شاخص مجموعه پوششی نظارتی موردنظر. این مجموعه های پوششی متناظر با عوامل ریسک برای وضعیت های ریسک مخالف می تواند با عایدی یک وضعیت ریسک خالص که سنجه منبع در معرض ریسک بر آن مبنا است، تنها تر شود.

RPT_{ij} = وضعیت ریسک معامله i با توجه به مجموعه پوشش j .^{۱۵۹}

$RPCI_j$ = وضعیت ریسک وثیقه I با توجه به مجموعه پوشش j .

CCF_j = ضریب تبدیل اعتباری نظارتی با توجه به مجموعه پوشش j .^{۱۶۰}

β = پارامتر مقایسه گذاری نظارتی

وثیقه دریافتی از طرف مقابل دارای علامت مثبت؛ وثیقه نزد طرف مقابل دارای علامت منفی می باشد.

وثیقه ای که برای رویکرد استاندارد شناسایی می شود محدود به وثیقه ای است که طبق پاراگراف های ۱۴۶ و ۷۰۳ سند حاضر برای کاهش ریسک اعتباری واجد شرایط می باشد.

۷۰. زمانی که معامله مشتقه فرابورسی با مشخصه ریسک خطی (به عنوان مثال، پیمان آتی، قرارداد آتی یا قرارداد معاوضه) مبادله یک ابزار مالی (از قبیل، اوراق قرضه، سهام یا کالا) را برای پرداخت تصریح کند، قسمت پرداخت به عنوان طرف مربوط به پرداخت در نظر گرفته می شود. معاملاتی که تبادل پرداخت در مقابل پرداخت را تصریح می کند (به عنوان مثال، معاوضه نرخ بهره یا پیمان آتی نرخ ارز) شامل دو طرف پرداخت می باشد. دو طرف پرداخت شامل پرداخت های ناخالص توافقی طبق قرارداد از جمله مقدار اسمی معامله می باشد. بانک ها ممکن است ریسک نرخ بهره ناشی از طرف های پرداخت که همراه با سررسید باقی مانده کمتر از یکسال می باشد را در محاسبات در نظر بگیرند. بانک ها ممکن است معاملاتی که شامل دو طرف پرداخت با یک ارز یکسان می شود (به عنوان مثال، قراردادهای معاوضه نرخ بهره) را به عنوان یک معامله کلی منفرد در نظر بگیرند. ترتیبات مربوط به طرف های پرداخت برای معامله کل مذکور بکار گرفته می شود.

۷۱. معاملات دارای مشخصه های ریسک خطی که سهام (از جمله شاخص های سهام)، طلا، سایر فلزات گرانبها یا سایر کالاها که به عنوان ابزارهای مالی پایه قرار می گیرند، به وضعیت ریسک در مجموعه

^{۱۵۹} به عنوان مثال، یک پیمان آتی نرخ ارز با یک طرف با ارز داخلی شرکت، به سه وضعیت ریسک تطبیق داده می شود: ۱. وضعیت ریسک نرخ ارز، ۲.

وضعیت ریسک نرخ بهره ارز خارجی، ۳. وضعیت ریسک ارز داخلی.

^{۱۶۰} تعیین ارزش تقریبی در پیمان های آتی پولی یا سوآپ های پولی و با فرض دوره پیشبینی یک ساله انجام می شود.

پوشش سهام (یا شاخص سهام) یا کالا (از قبیل طلا و سایر فلزات گرانبها) تطبیق شوند. طرف پرداخت این معاملات به وضعیت ریسک نرخ بهره در مجموعه پوشش مناسب ریسک نرخ بهره تطبیق داده می شود. اگر طرف پرداخت با ارزش خارجی باشد، معامله نیز به وضعیت ریسک نرخ ارز در خصوص ارزش مورد اشاره تطبیق داده می شود.

۷۲. معاملات دارای مشخصه های ریسک خطی که دارای ابزار بدهی (از قبیل، اوراق قرضه یا وام) به عنوان ابزار پایه می باشد، به وضعیت های ریسک نرخ بهره یک وضعیت ریسک برای ابزار بدهی و دیگری برای طرف پرداخت تطبیق داده می شوند. معاملات دارای مشخصه های ریسک خطی که تبادل پرداخت در مقابل پرداخت را تصریح می کنند (از قبیل پیمان های آتی نرخ ارز) به وضعیت ریسک نرخ بهره برای هر طرف پرداخت تطبیق داده می شوند. اگر ابزار بدهی پایه با ارزش خارجی باشد، ابزار بدهی به وضعیت ریسک نرخ ارز در ارزش مربوطه تطبیق داده می شود. اگر طرف پرداخت با ارزش خارجی باشد، آن همچنین به یک وضعیت ریسک نرخ آن ارزش تطبیق داده می شود. مقدار منبع در معرض ریسک یا EAD اختصاص یافته به معاملات سوآپ مبنای ارزی معادل صفر خواهد بود.

۷۳. برای تمام ابزارها به جز ابزارهای بدهی، اندازه وضعیت ریسک یک معامله با مشخصه ریسک خطی، برابر با ارزش فرضی موثر (قیمت بازار ضربدر تعداد) ابزارهای مالی پایه ای است (شامل کالاهای) که به ارزش داخلی کشور متبوع بانک تبدیل شده است.

۷۴. برای ابزارهای بدهی و طرف های پرداخت تمام معاملات، اندازه وضعیت ریسک، برابر با ارزش فرضی موثر پرداخت های ناخالص واریز نشده است (شامل مقادیر فرضی) که به ارزش داخلی کشور متبوع بانک تبدیل و در دیرش تعدیل شده ابزار بدهی یا طرف پرداخت ضرب شده است.

۷۵. اندازه وضعیت ریسک قراردادهای معاوضه نکول اعتباری، برابر با ارزش فرضی ابزار بدهی مرجع است که در زمان باقی مانده تا سررسید قراردادهای معاوضه نکول اعتباری ضرب شده است.

^{۱۶۱} به عنوان مثال، یک پیمان آتی نرخ ارز کوتاه مدت با یک طرف با ارزش داخلی شرکت، به سه وضعیت ریسک تطبیق داده می شود: ۱. وضعیت ریسک نرخ ارز، ۲. وضعیت ریسک نرخ بهره ارزش خارجی، ۳. وضعیت ریسک ارزش داخلی.

۷۶. اندازه وضعیت ریسک ابزار مشتقه فرابورس با مشخصه ریسک غیر خطی (شامل قراردادهای اختیار معامله و قراردادهای معاوضه روی اختیار معامله) برابر با ارزش فرضی موثر معادل دلتای ابزار مالی است که پایه معامله است، به استثنای مواردی که ابزار بدهی پایه معامله قرار می گیرد.

۷۷. برای ابزار مشتقه فرابورس با مشخصات ریسک غیر خطی (شامل قراردادهای اختیار معامله و قراردادهای معاوضه روی اختیار معامله)، که پایه آن یک ابزار بدهی یا طرف پرداخت است، اندازه وضعیت ریسک برابر با ارزش فرضی موثر معادل دلتای ابزار مالی یا طرف پرداخت ضربدر دیرش تعدیل شده ابزار بدهی یا طرف پرداخت است.

۷۸. بانکها می توانند فرمول های زیر را برای تعیین اندازه و علامت وضعیت ریسک به کار گیرند.

a. برای تمام ابزارها به استثنای ابزارهای بدهی:

ارزش فرضی موثر، یا ارزش فرضی معادل دلتا =

$$P_{ref} \frac{\partial V}{\partial p}$$

P_{ref} ، قیمت ابزار پایه بر حسب ارز مرجع

V ، ارزش ابزار مالی (در مورد قرارداد اختیار معامله: قیمت اختیار معامله؛ در مورد قرارداد یا معامله با مشخصه ریسک خطی: ارزش خود ابزار پایه)

P ، قیمت ابزار پایه، بر حسب همان ارزی که V بر حسب آن است.

b. برای ابزارهای بدهی و طرف های پرداخت تمام معاملات یا قراردادها:

ارزش فرضی موثر ضربدر دیرش تعدیل شده، یا معادل دلتا ضربدر ارزش فرضی تعدیل شده

$$\frac{\partial V}{\partial r}$$

V ، ارزش ابزار مالی (در مورد قرارداد اختیار معامله: قیمت قرارداد اختیار معامله؛ در مورد معامله با مشخصه ریسک خطی: به ترتیب ارزش خود ابزار پایه یا ارزش طرف پرداخت).

r سطح نرخ بهره

اگر V بر حسب ارزشی غیر از ارز مرجع مشخص شده است، ابزار مشتقه باید با ضرب شدن در نرخ ارز مربوطه به ارز مرجع تبدیل شود.

۷۹. وضعیت های ریسک به مجموعه های پوششی گروه بندی می شوند. برای هر مجموعه پوششی، قدرمطلق میزان ارزش مجموع وضعیت های ریسک حاصله محاسبه می شود. این حاصل جمع "خالص وضعیت ریسک" بوده و به صورت زیر، در فرمول هایی در بند ۷۰ پیوست حاضر نشان داده می شود،

$$\left| \sum_i RPT_{ij} - \sum_i RPC_{ij} \right|$$

۸۰. وضعیت های نرخ بهره حاصل از ابزارهای بدهی دارای ریسک خاص پایین، به صورت یکی از شش مجموعه پوششی برای هر ارزش مطابقت سازی شده است. یک ابزار بدهی زمانی در گروه ریسک خاص پایین گروه بندی می شود که بر اساس بند های ۷۱۰ تا (۲) ۷۱۱، مشمول سرمایه پوششی ۱/۶ درصد یا پایین تر است. وضعیت های نرخ بهره ناشی از طرف های پرداخت به همان مجموعه های پوششی تخصیص داده می شود که برای وضعیت های ریسک بدهی ابزارهای مشمول ریسک خاص پایین تعیین شده است. همچنین برای وضعیت های نرخ بهره ناشی از سپرده های پولی دریافت شده از طرف مقابل به عنوان وثیقه، به همان مجموعه های پوششی تخصیص داده می شود که برای وضعیت های ریسک نرخ بهره ابزارهای بدهی مشمول ریسک خاص پایین تعیین شده است. شش مجموعه پوششی برای هر ارزش توسط ترکیبی از دو معیار مشخص می شود:

- (i) ماهیت نرخ بهره مرجع یا نرخ دولتی یا برخی از نرخ های دیگر.
- (ii) سررسید باقی مانده یا تناوب تعدیل نرخ - کمتر از یک سال، بین یک و پنج سال یا بیش تر از پنج سال.

جدول ۱

مجموعه های پوششی برای وضعیت های ریسک نرخ بهره برای هر ارزش

سررسید باقی مانده یا تناوب تعدیل نرخ	نرخ های بهره مرجع - دولتی	نرخ های بهره مرجع - غیر دولتی
یک سال یا کمتر	×	×
بیش از یک سال تا پنج سال	×	×
بیش از پنج سال	×	×

۸۱. برای ابزارهای بدهی پایه (به عنوان مثال اوراق با نرخ شناور) یا پایه های پرداخت (برای مثال نرخ شناور قراردادهای معاوضه های نرخ بهره) برای نرخ های بهره ای که مرتبط با نرخ بهره مرجعی است که بیانگر

سطح نرخ بازار عمومی است (برای مثال بازده اوراق قرضه دولتی، نرخ بازار پول، نرخ قراردادهای معاوضه)، تناوب تعدیل نرخ، برابر با فاصله زمانی تا تعدیل مجدد نرخ بهره مرجع است. در غیر این صورت، زمان باقی مانده تا سررسید، باقی مانده عمر ابزار بدهی پایه یا در مورد طرف پرداخت، باقی مانده عمر معامله مربوطه می باشد.

۸۲. برای هر ناشر ابزار بدهی مرجع که پایه قراردادهای معاوضه نکول اعتباری قرار می گیرد، یک مجموعه پوشش وجود دارد.

۸۳. برای هر ناشر ابزار بدهی، به عبارت دیگر ابزارهای بدهی که تحت روش اندازه گیری استاندارد در خصوص ریسک نرخ بهره مذکور در بند ۷۱۰، پوشش سرمایه بیش از ۱/۶ درصد با ریسک خاص بالا، یک مجموعه پوششی وجود دارد. همان موضوع برای سپرده های پولی که طرف مقابل به عنوان وثیقه قرار داده است، به کار می رود. این زمانی است که طرف مقابل تعهدات بدهی با ریسک خاص پایین نداشته باشد. زمانی که یک طرف پرداخت به ابزار بدهی با ریسک خاص بالا شباهت دارد (برای مثال در مورد قراردادهای معاوضه بازده کل با یک طرف پرداخت که به اوراق قرضه شباهت دارد)، همچنین یک مجموعه پوششی برای هر ناشر ابزارهای بدهی مرجع وجود دارد، بانکها می توانند وضعیت های ریسک ناشی از ابزارهای بدهی یک ناشر معین یا ناشی از ابزارهای بدهی مرجع همان ناشر که مشابه با طرف های پرداخت هستند یا سبب قراردادهای معاوضه نکول اعتباری برای همان مجموعه پوششی می شود را تعیین کنند.

۸۴. ابزارهای مالی پایه، به استثنای ابزارهای بدهی (سهام، فلزات گرانبها، کالاها، سایر ابزارها) به همان مجموعه های پوششی مربوطه تخصیص داده می شوند، فقط اگر آنها ابزارهای مشابه یا یکسانی باشند. مشابهت ابزارها به صورت زیر تعیین می شود:

- برای سهام، ابزارهای مشابه، ابزارهای همان ناشر هستند. شاخص سهام به عنوان ناشر جداگانه تلقی می شود.
- برای فلزات گرانبها، ابزارهای مشابه ابزاری در خصوص همان فلز هستند. شاخص فلزات گرانبها به عنوان یک فلز گرانبهای جداگانه تلقی می شود.
- برای کالاها، ابزارهای مشابه، ابزاری در خصوص همان کالا هستند. شاخص کالا به عنوان یک کالای جداگانه تلقی می شود.
- برای نیروی برق، حقوق تحویل و تعهداتی که به همان اوج یا افول زمان بارگزاری در طول ۲۴ ساعت شبانه روز نسبت داده می شود، ابزارهای مشابه محسوب می شوند.

۸۵. ضریب تبدیل اعتباری که برای وضعیت خالص ریسک یک مجموعه اعمال می شود، به طبقه مجموعه

پوششی نظارتی همچنان که در بندهای ۸۶ تا ۸۸ پیوست پیش رو مفروض است، بستگی دارد.

۸۶. ضرائب تبدیل اعتباری برای ابزارهای مالی پایه به استثنای ابزارهای بدهی و برای نرخ های ارز در جدول

شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۲

نرخ های ارز	طلا	سهام	فلزات گرانبها (به استثنای طلا)	نیروی برق	سایر کالاها (به استثنای فلزات گرانبها)
۲٪/۵	۵٪	۷٪	۸٪/۵	۴٪	۱۰٪

۸۷. ضریب تبدیل اعتباری برای وضعیت های ریسک ابزارهای بدهی در زیرآمده است:

- برای وضعیت های ریسک ابزار بدهی یا ابزار بدهی مرجع با ریسک خاص بالا، ضریب تبدیل ۶/۰٪ است.
- برای وضعیت ریسک ابزار بدهی مرجع که پایه یک قرارداد قراردادهای معاوضه نکول اعتباری با ریسک خاص پایین قرار می گیرد، ضریب تبدیل اعتباری ۳/۰٪ است.
- در غیر این صورت ضریب تبدیل اعتباری ۲/۰٪ است.

۸۸. ابزارهای پایه مشتقه های فرابورس که در هیچکدام از طبقات بالا قرار ندارند، به مجموعه های پوششی

منفرد جداگانه ای برای هر طبقه ابزار پایه تخصیص داده می شود. ضریب تبدیل اعتباری ۱۰٪ برای میزان

معادل فرضی اعمال می شود.

۸۹. این امکان وجود دارد که معاملاتی با مشخصه ریسک غیر خطی وجود داشته باشند که بانک با مدل تایید

شده توسط ناظر به منظور تعیین حداقل الزامات سرمایه در خصوص پوشش ریسک بازار (مدل های ابزاری

تایید شده در خصوص رویکرد استاندارد برای ریسک بازار یا مدل های ابزاری تایید شده به عنوان بخشی

از فرایند پذیرش توسط بانک برای رویکرد مدل سازی داخلی در خصوص ریسک بازار)، نتواند دلتا را تعیین

کند. در مورد طرف های پرداخت و معاملات با ابزارهای بدهی به عنوان پایه، ممکن است معاملاتی باشد که

بانک نتواند دیرش تعدیل شده را با چنین مدلی تعیین کند. برای این معاملات، ناظر به طور محافظه کارانه

اندازه و وضعیت های ریسک و ضرائب تبدیل اعتباری قابل استفاده را تعیین می کند. به عنوان گزینه دیگر

ناظران ممکن است استفاده از روش منابع در معرض ریسک جاری را الزام کنند. خالص سازی مورد

شنا سایی قرار نمی گیرد: به عبارت دیگر مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول تا زمانی که مجموعه خالص سازی مشتمل بر معامله انفرادی وجود داشته باشد، تعیین می شود.

۹۰. پارامتر مقیاس گذاری نظارتی β برابر $1/4$ است.

VII. روش منبع در معرض ریسک جاری

۹۱. بانک هایی که تاییدیه برای اعمال روش مدل های داخلی ندارند، می توانند روش منبع در معرض ریسک جاری به شرح مندرج در پارگراف های ۱۸۶، ۱۸۷ و ۳۱۷ سند حاضر را به کار گیرند. روش منبع در معرض ریسک جاری صرفاً برای ابزارهای مشتقه فرا بورس به کار گرفته می شود؛ معاملات تأمین مالی اوراق بهادار (SFTs)، م شمول ترتیبات مقرر شده تحت روش مدل داخلی پیوست پیش رو یا ترتیبات مقرر تحت بخش ۲ از قست II.D. سند حاضر می شوند.

۹۲. این بند در سند حاضر حذف شده است.

(i) ۹۲. در روش منابع در معرض ریسک جاری، بانک ها باید هزینه جایگزینی جاری را از طریق ارزش گذاری قرارداد مبتنی بر بازار محاسبه کنند، بنابراین در برگرفتن منبع در معرض ریسک جاری بدون نیاز به تخمین و با اضافه کردن یک عامل ("عامل اضافی") برای منعکس کردن منبع در معرض ریسک آتی احتمالی در طول باقی مانده عمر قرارداد، انجام می گیرد. همچنین کمیته موافقت کرده است برای محاسبه میزان معادل اعتباری ابزارهای فوق تحت روش منبع در معرض ریسک جاری، بانک موارد زیر را با یکدیگر جمع کند:

- کل هزینه جایگزینی (حاصل شده توسط "ارزش گذاری مبتنی بر بازار") تمام قراردادهایش با ارزش مثبت و

- میزانی برای منبع در معرض ریسک اعتباری آتی احتمالی محاسبه شده بر اساس کل مقدار اسمی اصل ثبتي تفكيك شده بر حسب سررسيد باقی مانده به صورت زیر:

نرخ های بهره	ارز و طلا	سهام	فلزات گرانبه ها به جز طلا	سایر کالاها
یک سال یا کمتر	۰٪	۱٪	۶٪	۷٪
بیش از یک سال تا پنج سال	۰/۵٪	۵٪	۸٪	۱۲٪
بیش از پنج سال	۱/۵٪	۷/۵٪	۱۰٪	۱۵٪

نکات:

۱. برای قراردادهایی که مشتمل بر تبادل چند گانه مبلغ اصل می باشند، ضرائب در عدد پرداخت های باقی مانده در قرارداد ضرب خواهد شد.

۲. برای قراردادهایی که برای تسویه مانده منبع در معرض ریسک بعد از تاریخ های پرداخت مشخص شده ساختار بندی شده اند و جایی که شرایط به گونه ای سازماندهی مجدد می شود که ارزش بازار قرارداد در تاریخ های مشخص شده مذکور صفر است، سرر سید باقی مانده برابر با زمان تا تاریخ تنظیم مجدد بعدی تعیین خواهد شد. در مورد قراردادهای نرخ بهره با سرر سیدهای باقی مانده بیش از یک سال که شرایط بالا را برآورده می سازند، عامل افزوده شده مقید به حد اقل مقدار ۰/۵٪ است.

۳. پیمان های آتی، قراردادهای معاوضه، اوراق اختیار معامله های خریداری شده و قراردادهای مشتقه مشابه که توسط ارقام مندرج در ستون های ماتریس بالا پوشش داده نشده مشمول ترتیبات "سایر کالاها" در ماتریس بالا خواهد شد.

۴. هیچ منبع در معرض ریسک اعتباری آتی احتمالی برای قراردادهای معاوضه نرخ بهره شناور / ارزش شناور واحد محاسبه نخواهد شد، منابع در معرض ریسک اعتباری در خصوص این قراردادها فقط بر مبنای ارزش مبتنی بر بازار آنها ارزیابی می شود.

(ii) ۹۲. ناظران همواره باید اطمینان حاصل کنند مقادیر اضافه شده بر اساس مقادیر موثر و نه مقادیر اسمی باشد. زمانی که مقدار اسمی بیان شده توسط ساختار معامله اهرمی شود یا افزایش یابد، در این صورت بانکها باید زمانی که منبع در معرض ریسک آتی احتمالی را تعیین می کنند، مقدار اسمی موثر را به کار گیرند،

۹۳. بانکها می توانند برای وثیقه تعریف شده در بندهای ۱۴۶ و ۷۰۳ سند پیش رو، تخفیف سرمایه ای بدست آورند. روش شناسایی وثیقه واجد شرایط از رویکرد قابل اعمال در خصوص ریسک اعتباری پیروی می کند.

۹۴. میزان منبع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل یا منبع در معرض نکول (EAD) برای معاملات مشتقه اعتباری متعهد واحد در دفتر تجاری با استفاده از عوامل اضافه شده منبع در معرض ریسک آتی احتمالی مندرج در پاراگراف ۷۰۷ سند پیش رو محاسبه خواهد شد.

۹۵. به منظور تعیین الزامات سرمایه ای برای پوشش منابع در معرض ریسک در دفتر بانکی، ترتیبات ابزارهای مشتقه اعتباری در سند پیش رو در خصوص ابزارهای مشتقه اعتباری واجد شرایط اعمال می شود.

۹۶. زمانی که اوراق مشتقه اعتباری، معامله برای n امین نکول باشد (مانند معامله برای اولین نکول)، ترتیبات مشخص شده در بند ۷۰۸ سند پیش رو اعمال می شود.

خالص سازی دو جانبه

(i) ۹۶. به موضوع خالص سازی دو جانبه توجه جدی شده است، به عبارت دیگر موزون کردن مطالبات خالص به جای ناخالص با طرف های مقابل یکسان، ناشی از طیف کاملی از پیمان های آتی، قراردادهای اختیار معامله، قراردادهای معاوضه و قراردادهای ابزار مشتقه مشابه آتی باشد. نگرانی کمیته این است که اگر یک نقد کننده طرف مقابل نکول شده دارای حق جدا سازی قراردادهای خالص شده باشد، در این صورت عملکرد در خصوص قراردادهای مطلوب برای طرف مقابل نکول کرده و نکول در مورد قراردادهای نامطلوب، به معنی هیچ گونه کاهش ریسک طرف مقابل نیست.

(ii) ۹۶. به همین ترتیب برای اهداف کفایت سرمایه موافقت شده است که :

(a) بانکها می توانند معاملات یا قراردادها را خالص کنند، مشروط به نوآوری که بر مبنای آن هر گونه تعهدی بین بانک و طرف مقابل برای تحویل ارز معین در تاریخ ارزش مفروض/با نرخ در تاریخ مفروض (والور) به طور خودکار با سایر تعهدات با ارز و تاریخ ارزش یکسان به منظور خالص سازی ترکیب شود، یعنی به طور قانونی یک میزان واحد جایگزین تعهدات ناخالص قبلی شود.

(b) بانکها می توانند همچنین معاملات یا قراردادها را خالص کنند مشروط به هر شکل معتبر قانونی خالص سازی دو طرفه ذکر نشده در بند (a) از قبیل سایر اشکال ابداعی.

(c) در هر دو مورد (a) و (b)، بانک باید ناظر ملی خود را متقاعد کند که بانک دارای موارد زیر است:^{۱۶۲}

(i) قرارداد یا توافق خالص سازی با طرف مقابل که یک تعهد قانونی واحد را به وجود آورده و تمام معاملات مشمول را پوشش می دهد، به طوری که بانک مدعی دریافت یا متعهد به پرداخت صرفا خالص مجموع ارزش های مثبت یا منفی قیمت گذاری مبتنی بر بازار معاملات منفرد شامل شده در زمان نکول طرف مقابل در ایفای تعهد به سبب هر یک از موارد زیر: نکول، ورشکستگی، انحلال و تسویه یا شرایط مشابه دیگر می باشد.

^{۱۶۲} - خالص سازی پرداخت ها که به منظور کاهش هزینه های عملیاتی تسویه های روزانه طراحی می شود، در چارچوب سرمایه به رسمیت شناخته نخواهد شد، چون تعهدات ناخالص طرف مقابل به هیچ وجه تحت تاثیر قرار نمی گیرد.

^{۱۶۳} - در مواردی که توافق، طبق شرح بند a(ii) ۹۶: قبل از جولای ۱۹۹۴ به رسمیت شناخته شده است، ناظر تعیین خواهد کرد آیا مراحل بیشتر برای متقاعد کردن ناظر مبنی بر این که توافق صورت گرفته الزامات مذکور در زیر را رعایت می کند ضروری است یا خیر.

(ii) نظریه های مکتوب و مستدل حقوقی در هنگام چالش های حقوقی، دادگاه های ذی ربط و مقامات اجرایی

خالص سازی منبع در معرض ریسک بانک را با نظر به موارد زیر تعیین خواهند کرد:

• قانون کشوری که طرف مقابل در آن مستقر است و اگر شعبه خارجی طرف مقابل وجود داشته باشد،

بنابراین همچنین بر اساس قانون کشوری که شعبه در آن مستقر است.

• قانونی که معاملات منفرد را راهبری می کند؛ و

• قانونی که هر قرارداد یا توافق لازم برای موثر کردن خالص سازی را راهبری می کند.

ناظر ملی بعد از مشورت با ناظران ذی ربط در صورت نیاز باید متقاعد شود که خالص سازی بر اساس

قوانین هر یک از کشورهای مرتبط از قابلیت اجرایی برخوردار است.^{۱۶۴}

(iii) رویه های وجود داشته باشد تا اطمینان حاصل شود ویژگی های حقوقی ترتیبات خالص سازی در

بازنگری تغییرات احتمالی در قانون مربوطه حفظ می شوند.

(iii) ۹۶. قراردادهایی با اختیار فسخ، واجد شرایط خالص سازی برای محاسبه سرمایه الزامی بر اساس

سند حاضر نیستند. اختیار فسخ ماده حقوقی است که طرف مقابلی که نکول نکرده است را فقط مجاز به

پرداخت های محدود یا اینکه هیچ گونه پرداختی را به شخصی که در مقام یک نکول کننده باشد انجام ندهد، حتی

اگر نکول کننده اعتباردهنده باشد.

(iv) ۹۶. منبع در معرض ریسک اعتباری، در خصوص معاملات پیمان آتی دوجانبه خالص شده به صورت

مجموع خالص هزینه جایگزینی مبتنی بر بازار محاسبه خواهد شد، در صورت مثبت بودن، مبلغ مازاد مبتنی

به اصل مبلغ اسمی پایه اضافه خواهد شد. این مقدار اضافی برای قراردادهای خالص شده (A_{Net}) برابر

خواهد بود با میانگین موزون ناخالص مقادیر اضافی (A_{Gross})؛^{۱۶۵} و مقادیر اضافی ناخالص تعدیل شده از

طریق نسبت خالص هزینه های جایگزینی جاری به هزینه جایگزینی جاری ناخالص (NGR) که به صورت

فرمول زیر بیان می شود:

$$A_{Net}=0.4*A_{Gross}+0.6*NGR*A_{Gross}$$

^{۱۶۴} - بنابراین اگر هر یک از این ناظران در مورد ضمانت اجرایی تحت این قانون متقاعد نشوند، قرارداد یا توافق خالص سازی این شرایط را برآورده نکرده و طرف مقابل نیز نمی تواند از مزیت نظارتی بهره مند شود.

^{۱۶۵} - (A_{Gross}) برابر است با مجموع میزان های اضافی منفرد (محاسبه شده به صورت حاصل ضرب میزان اسمی اصل در عوامل اضافی مناسب مذکور در پاراگراف (i) ۹۲) پیوست حاضر تمام معاملات یا قراردادهای مشروط به توافقنامه های خالص سازی قابل اجرای قانونی با یک طرف مقابل.

NGR عبارت است از سطح خالص هزینه جایگزینی / سطح ناخالص هزینه جایگزینی برای معاملات یا

قراردادها مشروط به این که توافقتنامه های خالص سازی به طور قانونی قابل اجرا باشد.^{۱۶۶}

(v) ۹۶. مقیاس مقادیر ۱ ضافه شده ناخالص برای اعمال در این فرمول همانی است که برای معاملات غیر خالص سازی در پاراگراف های ۹۱ تا ۹۶ پیوست حاضر ذکر شده است. کمیته به منظور حصول اطمینان از مناسبت بودن مقیاس های مذکور بررسی مستمر انجام می دهد. به منظور محاسبه منبع در معرض ریسک اعتباری آتی احتمالی برای طرف مقابل خالص سازی، در خصوص پیمان های آتی ارزی و سایر قراردادهای مشابه که میزان اسمی اصل قرارداد معادل جریان های نقد است، مقدار اسمی اصل به عنوان خالص دریافتی که در هر تاریخ ارزش برای هر ارز قرار می گیرد تعریف می شود. دلیل این است که قراردادهای تهاتری در سررسید همان ارز در همان تاریخ، منبع در معرض ریسک آتی احتمالی پایین تر و نیز منبع در معرض ریسک جاری پایین تری دارد.

موزون به ریسک کردن

(vi) ۹۶. زمانی که بانک میزان های معادل اعتباری را محاسبه کرده، آنها باید بر اساس گروه بندی طرف مقابل به همان شیوه چارچوب اصلی موزون شده باشند، این شامل وزن دهی ترجیحی در خصوص منابع در معرض ریسک واجد پوشش توسط وثیقه و تضمین های قابل قبول می شود. کمیته به دقت کیفیت اعتباری مشارکت کنندگان در این بازارها را مورد نظر قرار داده و حق افزایش وزن ها را در صورت تضعیف میانگین کیفیت اعتباری یا در صورت افزایش تجربه زیان، حفظ می کند.

پیوست شماره ۵

وزن های ریسک تشریحی برای رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی (IRB)

۱. جداول زیر بیانگر وزن های ریسک تشریحی است که برای چهار طبقه انواع دارایی ها تحت رویکرد مبتنی بر

رتبه بندی داخلی برای ریسک اعتباری محاسبه شده است. هر مجموعه وزن های ریسک برای زیان غیرمنتظره (UL)

^{۱۶۶} - مقامات ملی می توانند در انتخاب دو گزینه محاسبه NGR بر حسب تک طرف های مقابل یا بر اساس مبنای تجمیعی همه معاملات مجاز کنند، مشروط به این که توافق های خالص سازی از ضمانت اجرایی قانونی برخوردار باشند. اگر ناظران انتخاب روش ها را مجاز کنند، روش انتخابی توسط موسسه باید به طور مستمر مورد استفاده قرار گیرد. رویکرد تجمیعی معاملات، خالص منابع در معرض ریسک جاری منفی برای طرف های مقابل منفرد نمی تواند برای تهاثر منابع در معرض ریسک خالص مثبت به سایر موارد استفاده قرار گیرد، به عبارت دیگر برای هر طرف مقابل، خالص منبع در معرض ریسک استفاده شده در محاسبه NGR، حداکثر خالص هزینه جایگزینی یا صفر است. توجه شود که تحت رویکرد تجمیعی، NGR باید به طور منفرد برای هر قرارداد خالص سازی که به طور قانونی قابل اجرا است، اعمال شود به طوری که میزان معادل اعتباری به گروه وزن ریسک مناسب طرف مقابل، تخصیص خواهد یافت.

با استفاده از تابع وزن ریسک مناسب از توابع وزن ریسک مندرج در قسمت دو، بخش III تهیه شده است. داده های ورودی به کارگرفته شده برای محاسبه وزن های ریسک تشریحی شامل سنجه ها احتمال نکول (PD)، زیان به فرض نکول (LGD) و سررسید موثر مفروض ۲/۵ سال می شود.

۲. تعدیل مربوط به اندازه شرکت، برای منابع در معرض ریسک فراهم شده برای مؤسسات کوچک و متوسط (SME) قرض گیرنده (تعریف شده تحت عنوان منابع در معرض ریسک شرکتی در جایی که فروش های گزارش شده در گروه تلفیقی سهمی کمتر از ۵۰ میلیون یورو مربوط به شرکت می باشد) اعمال می شود. بدین ترتیب تعدیل اندازه شرکت در تعیین دومین مجموعه وزن های ریسک ارائه شده در ستون دوم که گردش مالی شرکت دریافت کننده منبع در معرض ریسک، ۵ میلیون یورو فرض شده، انجام گیرد.

وزن های ریسک تشریحی رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی در خصوص زیان غیر منتظره (UL)

طبقه دارایی: زیان به فرض نکول (LGD): سررسید ۲/۵ سال گردش مالی (میلیون یورو)		منابع در معرض ریسک شرکتی		وام های رهنی مسکونی		سایر منابع در معرض ریسک خود		منابع در معرض ریسک خود گردان واجد شرایط	
۵۰		۴۵٪		۴۵٪		۸۵٪		۴۵٪	
۵		۴۵٪		۲۵٪		۸۵٪		۸۵٪	
احتمال نکول (pd)									
۰.۰۳٪	۱۴.۴۴٪	۱۱.۳۰٪	۴.۱۵٪	۲.۳۰٪	۴.۴۵٪	۸.۴۱٪	۰.۹۸٪	۱.۸۵٪	۰.۰۳٪
۰.۰۵٪	۱۹.۶۵٪	۱۵.۳۹٪	۶.۲۳٪	۳.۴۶٪	۶.۶۳٪	۱۲.۵۲٪	۱.۵۱٪	۲.۸۶٪	۰.۰۵٪
۰.۱۰٪	۲۹.۶۵٪	۲۳.۳۰٪	۱۰.۶۹٪	۵.۹۴٪	۱۱.۱۶٪	۲۱.۰۸٪	۲.۷۱٪	۵.۱۲٪	۰.۱۰٪
۰.۲۵٪	۴۹.۴۷٪	۳۹.۰۱٪	۲۱.۳۰٪	۱۱.۸۳٪	۲۱.۱۵٪	۳۹.۹۶٪	۵.۷۶٪	۱۰.۸۸٪	۰.۲۵٪
۰.۴۰٪	۶۲.۷۲٪	۴۹.۴۹٪	۲۹.۹۴٪	۱۶.۶۴٪	۲۸.۴۲٪	۵۳.۶۹٪	۸.۴۱٪	۱۵.۸۸٪	۰.۴۰٪
۰.۵۰٪	۶۹.۶۱٪	۵۴.۹۱٪	۳۵.۰۸٪	۱۹.۴۹٪	۳۲.۳۶٪	۶۱.۱۳٪	۱۰.۰۴٪	۱۸.۹۷٪	۰.۵۰٪
۰.۷۵٪	۸۲.۷۸٪	۶۵.۱۴٪	۴۶.۴۶٪	۲۵.۸۱٪	۴۰.۱۰٪	۷۵.۷۴٪	۱۳.۸۰٪	۲۶.۰۶٪	۰.۷۵٪
۱.۰۰٪	۹۲.۳۳٪	۷۲.۴۰٪	۵۶.۴۰٪	۳۱.۳۳٪	۴۵.۷۷٪	۸۶.۴۶٪	۱۷.۲۲٪	۳۲.۵۳٪	۱.۰۰٪
۱.۳۰٪	۱۰۰.۹۵٪	۷۸.۷۷٪	۶۷.۰۰٪	۳۷.۲۲٪	۵۰.۸۰٪	۹۵.۹۵٪	۲۱.۰۲٪	۳۹.۷۰٪	۱.۳۰٪
۱.۵۰٪	۱۰۵.۵۹٪	۸۲.۱۱٪	۷۳.۴۵٪	۴۰.۸۰٪	۵۳.۳۷٪	۱۰۰.۸۱٪	۲۳.۴۰٪	۴۴.۱۹٪	۱.۵۰٪
۲.۰۰٪	۱۱۴.۸۶٪	۸۸.۵۵٪	۸۷.۹۴٪	۴۸.۸۵٪	۵۷.۹۹٪	۱۰۹.۵۳٪	۲۸.۹۲٪	۵۴.۶۳٪	۲.۰۰٪
۲.۵۰٪	۱۲۲.۱۶٪	۹۳.۴۳٪	۱۰۰.۶۴٪	۵۵.۹۱٪	۶۰.۹۰٪	۱۱۵.۰۳٪	۳۳.۹۸٪	۶۴.۱۸٪	۲.۵۰٪
۳.۰۰٪	۱۲۸.۴۴٪	۹۷.۵۸٪	۱۱۱.۹۹٪	۶۲.۲۲٪	۶۲.۷۹٪	۱۱۸.۶۱٪	۳۸.۶۶٪	۷۳.۰۳٪	۳.۰۰٪
۴.۰۰٪	۱۳۹.۵۸٪	۱۰۵.۰۴٪	۱۳۱.۶۳٪	۷۳.۱۳٪	۷۵.۰۱٪	۱۲۲.۸۰٪	۴۷.۱۷٪	۸۹.۰۸٪	۴.۰۰٪
۵.۰۰٪	۱۴۹.۸۶٪	۱۱۲.۲۷٪	۱۴۸.۲۲٪	۸۲.۳۵٪	۸۶.۴۲٪	۱۲۵.۴۵٪	۵۴.۷۵٪	۱۰۳.۴۱٪	۵.۰۰٪
۶.۰۰٪	۱۵۹.۶۱٪	۱۱۹.۴۸٪	۱۶۲.۵۲٪	۹۰.۲۹٪	۹۷.۷۳٪	۱۲۷.۹۴٪	۶۱.۶۱٪	۱۱۶.۳۷٪	۶.۰۰٪
۱۰.۰۰٪	۱۹۳.۰۹٪	۱۴۶.۵۱٪	۲۰۴.۴۱٪	۱۱۳.۵۶٪	۱۷۵.۵۴٪	۱۴۲.۶۹٪	۸۳.۸۹٪	۱۵۸.۴۷٪	۱۰.۰۰٪

۱۹۶.۲۳%	۱۰۳.۸۹%	۱۶۷.۳۶%	۸۸.۶۰%	۱۳۰.۹۶%	۲۳۵.۷۲%	۱۷۱.۹۱%	۲۲۱.۵۴%	۱۵.۰۰%
۲۲۲.۸۶%	۱۱۷.۹۹%	۱۸۹.۴۱%	۱۰۰.۲۸%	۱۴۰.۶۲%	۲۵۳.۱۲%	۱۸۸.۴۲%	۲۳۸.۲۳%	۲۰%

پیوست ۶

معیار دسته بندی نظارتی در خصوص تسهیلات ویژه

جدول شماره ۱- درجات رتبه بندی نظارتی برای منابع در معرض ریسک تأمین مالی پروژه

ضعیف	رضایت بخش	خوب	قوی	
				قدرت مالی

شرایط بازار	وجود تعداد کمی عرضه کننده رقیب یا مزیت اساسی و پایدار در خصوص موقعیت مکانی، هزینه یا فن آوری. تقاضای قوی و در حال رشد است.	وجود تعداد کمی عرضه کننده رقیب یا موقعیت بهتر از متوسط در خصوص موقعیت مکانی، هزینه یا فن آوری اما این موقعیت ممکن است دوام نداشته باشد. تقاضای قوی و با ثبات است	پروژه مزیتی از نظر موقعیت مکانی، هزینه یا فن آوری ندارد. تقاضای کافی و با ثبات است	پروژه از نظر موقعیت مکانی، هزینه یا فن آوری بدتر از متوسط است. تقاضای ضعیف و کاهنده است.
نسبت های مالی (برای مثال نسبت پوشش خدمات بدهی، نسبت پوشش طول عمر وام، نسبت پوشش طول عمر پروژه و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام).	نسبت های مالی قوی با توجه به سطح ریسک پروژه؛ فرضیات اقتصادی بسیار قوی و مستحکم.	نسبت های مالی قوی تا قابل قبول با توجه به سطح ریسک پروژه؛ فرضیات اقتصادی قوی پروژه.	نسبت های مالی استاندارد با توجه به سطح ریسک پروژه،	با توجه به سطح ریسک پروژه، نسبت های مالی جسورانه است.
تجزیه و تحلیل بحران	پروژه می تواند تعهدات مالی خود را تحت شرایط بخشی یا اقتصادی بسیار بحرانی و مستمر برآورده سازد.	پروژه می تواند تعهدات مالی خود را در شرایط بخشی یا اقتصادی دارای بحران عادی برآورده سازد. تنها تحت شرایط اقتصادی سخت احتمال نکول پروژه وجود دارد.	پروژه نسبت به فشارهای غیر معمول طی چرخه اقتصادی آسیب پذیر است و ممکن است در شرایط رکود اقتصادی معمول نیز نکول کند	احتمال نکول پروژه وجود دارد مگر این که شرایط به زودی بهبود یابد.

ضعیف	رضایت بخش	خوب	قوی	

ساختار مالی	طول مدت اعتبار در مقایسه با طول مدت پروژه	عمر مفید پروژه به میزان قابل توجهی بیشتر از مدت زمان وام است	عمر مفید پروژه بیشتر از مدت زمان وام است	عمر مفید پروژه بیشتر از مدت زمان وام است	عمر مفید پروژه بیشتر از مدت زمان وام است
جدول زمانی استهلاک	مستهلك کردن بدهی	مستهلك کردن بدهی	مستهلك کردن بدهی	مستهلك کردن بدهی	مستهلك کردن بدهی
محیط سیاسی و قانونی	ریسک سیاسی، شامل ریسک انتقال، با نظر به نوع پروژه و کاهنده های ریسک ریسک حوادث غیر مترقبه (جنگ و ناآرامی های مدنی و غیره)	ریسک کم است	ریسک کم است	ریسک کم است	ریسک کم است
حمایت دولت و اهمیت پروژه برای کشور در بلند مدت	حمایت دولت و اهمیت پروژه برای کشور در بلند مدت	ریسک متوسط است؛ ابزارهای کاهنده ریسک نسبتاً خوب است.	ریسک متوسط است؛ ابزارهای کاهنده ریسک نسبتاً خوب است.	ریسک متوسط است؛ ابزارهای کاهنده ریسک نسبتاً خوب است.	ریسک متوسط است؛ ابزارهای کاهنده ریسک نسبتاً خوب است.
ثبات محیط قانونی و نظارتی (ریسک تغییر قانون).	ثبات محیط قانونی و نظارتی (ریسک تغییر قانون).	ریسک کم است	ریسک کم است	ریسک کم است	ریسک کم است
برخوردااری از تمام حمایت ها و تاییدیه های لازم برای بهره مندی از تخفیف از شمول قوانین محلی	برخوردااری از تمام حمایت ها و تاییدیه های لازم برای بهره مندی از تخفیف از شمول قوانین محلی	ریسک کم است	ریسک کم است	ریسک کم است	ریسک کم است

قوی	خوب	رضایت بخش	ضعیف
-----	-----	-----------	------

ضمانت اجرای قراردادها، وثیقه و تضمین	قراردادها، وثیقه‌ها و تضمین‌ها دارای ضمانت اجرایی هستند	قراردادها، وثیقه‌ها و تضمین‌ها دارای ضمانت اجرایی هستند	قراردادها، وثیقه‌ها و تضمین‌ها دارای ضمانت اجرایی هستند	با وجود ضمانت اجرایی واقعی قراردادها، وثیقه و تضمین‌ها، مسائل مهم حل نشده وجود دارد
ویژگی‌های معامله	ریسک فن‌آوری و طراحی	ریسک فن‌آوری و طراحی	ریسک فن‌آوری و طراحی	ریسک فن‌آوری و طراحی
ریسک ساخت و ساز	تعیین موقعیت مکانی و صدور مجوز	تعیین موقعیت مکانی و صدور مجوز	تعیین موقعیت مکانی و صدور مجوز	تعیین موقعیت مکانی و صدور مجوز
نوع قرارداد ساخت	قرارداد ساخت جامع EPC (قرارداد تدارک و مهندسی) با قیمت ثابت و تاریخ معین	قرارداد ساخت جامع EPC با قیمت ثابت و تاریخ معین	قرارداد ساخت جامع EPC با قیمت ثابت و تاریخ معین	قرارداد جامع فاقد قیمت ثابت یا دارای قیمت ثابت بخشی و یا مسائل بین پیمانکاران متعدد.
تضمین تکمیلی	خسارت‌های اساسی نقدی ناشی از فسخ قرارداد از طریق توانایی مالی و/یا تضمین تکمیلی قوی حامیان با وضعیت مالی عالی حمایت می‌شود.	خسارت‌های مهم نقدی ناشی از فسخ قرارداد از طریق توانایی مالی و/یا تضمین تکمیلی حامیان با وضعیت مالی خوب حمایت می‌شود.	خسارت‌های عادی نقدی ناشی از فسخ قرارداد از طریق توانایی مالی و/یا تضمین تکمیلی حامیان با وضعیت مالی خوب حمایت می‌شود.	خسارت‌های جزئی نقدی ناشی از فسخ قرارداد یا از طریق توانایی مالی پوشش داده نمی‌شود یا دارای پوشش ضعیف تضمین تکمیلی می‌باشد.
سابقه فعالیت و قدرت مالی پیمانکار در ساخت پروژه‌های مشابه	قوی	خوب	رضایت بخش	ضعیف

ریسک عملیاتی	قرارداد O&M بلند مدت و قوی، ترجیحاً با مشوق های عملکرد قراردادی، و/یا حساب های اندوخته O&M	قرارداد O&M بلند مدت و/یا حساب های اندوخته O&M	قرارداد O&M محدود یا حساب اندوخته O&M	فقدان قرارداد O&M: ریسک بالای هزینه عملیاتی فراتر از کاهنده های ریسک است.
تخصص، سابقه و قدرت مالی عامل	خیلی قوی، یا کمک های فنی تضمین شده از طرف حامیان	قوی	قابل قبول	محدود/ضعیف، یا عامل محلی وابسته به مقامات محلی
ریسک خرید (off-take)	اعتبار عالی خریدار؛ شروط خاتمه قوی؛ مدت قرارداد خیلی فراتر از سررسید بدهی است.	اعتبار خوب خریدار؛ شروط خاتمه قوی؛ مدت قرارداد فراتر از سررسید بدهی است.	پایداری مالی قابل قبول خریدار؛ شروط خاتمه متعارف؛ مدت قرارداد عموماً منطبق با سررسید بدهی است.	خریدار ضعیف؛ شروط خاتمه ضعیف؛ مدت قرارداد فراتر از سررسید بدهی نیست.
(الف) اگر شرط تحویل یا پرداخت باشد یا قرارداد خرید با قیمت ثابت وجود داشته باشد.	پروژه خدمات ضروری یا کالایی که بطور وسیع در سطح بازار جهانی فروخته می شود، تولید می کند؛ محصول می تواند به سرعت در قیمت های پیش بینی شده حتی پایین تر از نرخ های رشد تاریخی بازار جذب شود.	پروژه خدمات ضروری یا کالایی که بطور وسیع در سطح بازار منطقه ای فروخته می شود، تولید می کند که محصول می تواند در قیمت های پیش بینی شده منطبق با نرخ های رشد تاریخی جذب شود.	کالا در یک بازار محدود فروخته شده که ممکن است صرفاً در پایین تر از قیمت های پیش بینی شده جذب شود.	محصول پروژه تنها توسط یک یا چند خریدار تقاضا شده یا عموماً در یک بازار سازمان یافته فروخته نشده است.
قوی	خوب	رضایت بخش	ضعیف	

ریسک عرضه	قیمت، حجم و ریسک حمل و نقل مواد اولیه، سوابق و قدرت مالی عرضه کننده	قرارداد عرضه بلند مدت با عرضه کننده ای که پایداری مالی عالی دارد.	قرارداد عرضه بلند مدت با عرضه کننده ای که پایداری مالی خوبی دارد.	قرارداد عرضه بلند مدت با عرضه کننده ای که پایداری مالی خوبی دارد.	قرارداد عرضه بلند مدت با عرضه کننده ای که پایداری مالی خوبی دارد.
ریسک های اندوخته (برای مثال ایجاد منبع طبیعی)	اندوخته های ایجاد و مصوب به طور مستقل حسابرسی شده و به خوبی فراتر از الزامات در طول عمر پروژه است.	اندوخته های ایجاد و مصوب به طور مستقل حسابرسی شده فراتر از الزامات در طول عمر پروژه است.	اندوخته های ایجاد و مصوب به میزان کافی از طریق سررسید بدهی، پروژه را تأمین کند.	پروژه تا حدودی متکی به اندوخته های بالقوه و ایجاد نشده است.	پروژه تا حدودی متکی به اندوخته های بالقوه و ایجاد نشده است.
قدرت حامی	سوابق، قدرت مالی حامی و تجربه بخشی / کشوری پشتیبانی حامی، که از طریق شرط مالکیت و حقوق مالکانه مستدل است و انگیزه جهت تزریق وجه نقد بیشتر در صورت لزوم	حامی قوی با سوابق عالی و پایداری مالی بالا قوی. پروژه برای حامی بسیار راهبردی است (کسب و کار اصلی - راهبرد بلند مدت)	حامی خوب با سوابق رضایت بخش و پایداری مالی خوب خوب. پروژه برای حامی راهبردی است (کسب و کار اصلی - راهبرد بلند مدت)	حامی ضعیف فاقد سابقه یا دارای سابقه مورد تردید و / یا ضعف مالی محدود. پروژه در راهبرد بلند مدت یا کسب و کار اصلی حامی اساسی نیست.	حامی ضعیف فاقد سابقه یا دارای سابقه مورد تردید و / یا ضعف مالی محدود. پروژه در راهبرد بلند مدت یا کسب و کار اصلی حامی اساسی نیست.
مجموعه پوششی	تخصیص قراردادهای و حسابها	کاملاً جامع	جامع	قابل قبول	ضعیف
توثیق دارایی ها، با در نظر گرفتن کیفیت، ارزش و نقدینگی دارایی ها	اولین منفعت کامل پوشش در تمام دارایی ها، قراردادهای مجوزه ها و حساب های پروژه که برای راه اندازی پروژه لازم است.	منفعت کامل پوشش در تمام دارایی ها، قراردادهای مجوزه ها و حساب های پروژه که برای راه اندازی پروژه لازم است	منفعت قابل قبول پوشش در تمام دارایی ها، قراردادهای مجوزه ها و حساب های پروژه که برای راه اندازی پروژه لازم است	پوشش یا وثیقه کم برای وام دهنده: شرط ضعیف منفی استفاده از توثیق	پوشش یا وثیقه کم برای وام دهنده: شرط ضعیف منفی استفاده از توثیق

ضعیف	نسبتاً خوب	رضایت بخش	قوی	کنترل وام دهنده روی جریان نقد (برای مثال انتقال وجه نقد بین حسابها ، حساب های امانی مستقل)
برای این نوع پروژه مفاد قرارداد ناکافی است پروژه می تواند بدهی اضافی تا حد نامحدود ایجاد کند	برای این نوع پروژه مفاد قرارداد نسبتاً خوب است پروژه می تواند بدهی اضافی تا حد محدودی ایجاد کند	برای این نوع پروژه مفاد قرارداد رضایت بخش است پروژه می تواند بدهی اضافی تا حد خیلی محدود ایجاد کند	برای این نوع پروژه مفاد قرارداد قوی است پروژه می تواند بدهی اضافی ایجاد نکند	قدرت مفاد قرارداد (پیش پرداخت های الزامی، معوقات پرداخت، پلکان کاهشی پرداخت پلکانی نزولی ، محدودیت ها در تقسیم سود نقدی :)
کوتاه تر از دوره پوشش متوسط ، وجوه اندوخته از جریانات نقد عملیاتی تأمین وجه شده است.	دوره پوشش متوسط ، تمام وجوه اندوخته به طور کامل تأمین وجه شده است.	دوره پوشش متوسط ، تمام وجوه اندوخته به طور کامل تأمین وجه شده است.	طولانی تر از دوره پوشش متوسط ، تمام وجوه اندوخته به طور کامل به صورت وجه نقد یا اعتبار اسنادی از بانکی با رتبه اعتباری بالا تأمین وجه شده است.	وجوه اندوخته (خدمات بدهی، O&M ، تجدید و جایگزینی حوادث پیش بینی نشده و غیره)

جدول شماره ۲- درجات رتبه بندی نظارتی برای منابع در معرض ریسک مستغلات درآمد زا و منابع در معرض ریسک مستغلات تجاری پر نوسان

قدرت مالی	قوی	خوب	رضایت بخش	ضعیف
شرایط بازار	عرضه و تقاضا برای نوع و موقعیت مکانی پروژه در حال حاضر در تعادل است. تعداد دارایی های رقابتی که در حال ورود به بازار هستند، برابر یا کمتر از تقاضای پیش بینی شده است.	عرضه و تقاضا برای نوع و موقعیت مکانی پروژه در حال حاضر در تعادل است. تعداد دارایی های رقابتی که در حال ورود به بازار هستند، تقریباً برابر با تقاضای پیش بینی شده است	شرایط بازار تقریباً در تعادل است. دارایی های رقابتی در حال ورود به بازار هستند و سایر دارایی ها نیز در مراحل برنامه ریزی هستند. طراحی پروژه و قابلیت ها نمی تواند در مقایسه با پروژه های جدید، به روز باشد.	شرایط بازار ضعیف است. مشخص نیست چه زمانی شرایط بهبود خواهد یافت و تعادل برخواهد گشت. پروژه در انقضای مدت اجاره مستاجرین خود را از دست می دهد. شرایط جدید اجاره در مقایسه با شرایط اجاره منقضی شده، مطلوبیت کمتری دارد.
نسبت های مالی و حداکثر درصد ارزش وثیقه که وام دهنده مایل به تمدید وام می شود (advance rate)	نسبت پوشش خدمات بدهی (DSCR) دارایی قوی در نظر گرفته می شود (نسبت فوق ارتباطی به مرحله ساخت و ساز ندارد) و نسبت وام به ارزش دارایی (LTV) با نظر به نوع دارایی پایین در نظر گرفته می شود. درجایی که بازار ثانویه وجود دارد، معامله یا قرارداد متعهد به استانداردهای بازار می شود.	نسبت DSCR (غیر مرتبط به ایجاد مستغلات) و LTV رضایت بخش است. درجایی که بازار ثانویه وجود دارد، معامله یا قرارداد متعهد به استانداردهای بازار می شود.	نسبت DSCR دارایی خراب شده و ارزش آن افت کرده است و نسبت LTV آن نیز در حال افزایش است.	نسبت DSCR دارایی به میزان قابل توجهی خراب شده و ارزش آن افت کرده است و نسبت LTV آن نیز خیلی بالاتر از استانداردهای تعهد پذیر نویسی برای وام های جدید است.
تحلیل بحران	منابع دارایی، ساختار بدهی و مقتضیات این امکان را فراهم می کند که تعهدات مالی در طول دوره بحران های مالی شدید (برای مثال نرخ های بهره، رشد اقتصادی) ایفا شود.	دارایی می تواند تعهدات مالی خود را در یک دوره بحران مالی مستمر (برای مثال نرخ های بهره، رشد اقتصادی) ایفا کند. تنها در شرایط وخیم اقتصادی احتمال نکول دارایی وجود دارد.	در طول یک دوره رکود اقتصادی، دارایی از کاهش در درآمد متاثر خواهد شد و این امر منجر به این خواهد شد که توانایی آن برای تأمین مالی مخارج سرمایه های محدود می شود و	شرایط مالی دارایی وخیم شده است و احاطه مال نکول وجود دارد مگر این که شرایط بزودی بهبود یابد.

		ریسک نکول به میزان قابل توجهی افزایش یابد.		
قابلیت پیش بینی جریان نقد (a) برای دارایی پایدار و کامل قرارداد اجاره اموال بلند مدت است با مستاجران معتبر و تاریخ های سررسید متفاوت. دارایی دارای سابقه تمدید قرارداد مستاجر در تاریخ انقضای اجاره است. نرخ خالی بودن ملک پایین است. هزینه ها (هزینه نگهداری، بیمه، ایمنی و مالیات بر دارایی) قابل پیش بینی هستند.	قرارداد اجاره اموال بلند مدت است با مستاجران معتبر و تاریخ های سررسید متفاوت. دارایی دارای سابقه تمدید قرارداد مستاجر در تاریخ انقضای اجاره است. نرخ خالی بودن ملک پایین است. هزینه ها (هزینه نگهداری، بیمه، ایمنی و مالیات بر دارایی) قابل پیش بینی هستند.	بیشتر قرارداد اجاره اموال بلند مدت است با مستاجرانی که بر حسب ارزش اعتباری مرتب می شوند. دارایی سطح نرمالی از تغییر مستاجر در انقضای قرارداد اجاره تجربه می کند. نرخ خالی بودن آن ملک پایین است. هزینه ها قابل پیش بینی هستند.	بیشتر قرارداد اجاره اموال میان مدت است تا بلند مدت، با مستاجرانی که بر حسب اعتبار مرتب می شوند. دارایی سطح متوسطی از تغییر مستاجر در زمان انقضای قرارداد اجاره تجربه می کند. نرخ خالی بودن آن ملک متوسط است. هزینه ها به طور نسبی قابل پیش بینی هستند اما در ارتباط با درآمد متفاوت هستند.	قراردادهای اجاره اموال شرایط متفاوتی دارند با مستاجرانی که بر حسب اعتبار مرتب می شوند. دارایی سطح بالایی از تغییر مستاجر در زمان انقضای قرارداد اجاره را تجربه می کند. نرخ خالی بودن بالا است. مخارج قابل توجهی برای فراهم کردن فضا برای مستاجران جدید انجام می شود.
(b) برای دارایی کامل ولی ناپایدار فعالیت اجاره معادل یا فراتر از پیش بینی ها است. پروژه باید در آینده نزدیک به ثبات برسد.	فعالیت اجاره معادل یا فراتر از پیش بینی ها است. پروژه باید در آینده نزدیک به ثبات برسد.	بیشترین فعالیت اجاره منطبق با پیش بینی ها است، اما ثبات برای مدتی اتفاق نخواهد افتاد.	نرخ های اجاره در بازار، انتظارات را برآورده نمی سازد. علی رغم تحقق نرخ سکونت هدف، پوشش جریان نقد به علت درآمد ناامید کننده محدود است.	
(c) برای فاز ساخت دارایی به طور کامل از پیش اجاره داده شده طی مدت زمان سررسید وام یا پیش فروش شده به یک مستاجر یا خریدار دارای درجه سرمایه گذاری یا بانکی که دارای تعهد الزام آور به تأمین مالی بلند مدت از وام دهنده با درجه سرمایه گذاری است.	دارایی به طور کامل از پیش اجاره داده شده یا پیش فروش شده به یک مستاجر یا خریدار معتبر، یا بانک دارای تعهد الزام آور به تأمین مالی دائمی از یک وام دهنده معتبر است.	فعالیت اجاره منطبق با پیش بینی است، اما ساختمان ممکن است از پیش اجاره داده نشود و تأمین مالی ممکن است وجود نداشته باشد. بانک می تواند وام دهنده دائمی باشد.	وضعیت دارایی به علت هزینه های بیش از حد، وخامت شرایط بازار، فسخ قرارداد از سوی مستاجر یا سایر عوامل وخیم می باشد. در اینجامکن است مشاجره ای با طرف فراهم کننده تأمین مالی دائمی وجود داشته باشد.	

				ویژگی های دارایی
موقعیت مکانی	در یک محل بسیار مطلوب است که برای خدمات درخواستی مستاجران مناسب است.	موقعیت مکانی دارایی در یک محل مطلوب است که برای خدمات درخواستی مستاجران مناسب است.	موقعیت مکانی دارایی فاقد مزیت رقابتی است.	موقعیت مکانی، شکل بندی، طراحی و نگهداری دارایی باعث تشدید مشکلاتی برای دارایی شده است.
طراحی و شرایط	دارایی به سبب طراحی، شکل بندی و نحوه نگهداری آن مطلوب است و از شرایط رقابتی بالایی با دارایی های جدید برخوردار است.	دارایی به سبب طراحی، شکل بندی و نحوه نگهداری آن مناسب است. طراحی و قابلیت دارایی با دارایی های جدید رقابتی هستند.	دارایی از نظر شکل بندی، طراحی و نحوه نگهداری آن مناسب است.	ضعف در شکل بندی، طراحی یا نحوه نگهداری دارایی وجود دارد.
دارایی تحت ساخت	بودجه ساخت و ساز محافظه کارانه است و مخاطرات فنی محدود می شود. پیمانکاران بسیار واجد شرایط هستند.	بودجه ساخت و ساز محافظه کارانه است و مخاطرات فنی محدود می شود. پیمانکاران بسیار واجد شرایط هستند.	بودجه ساخت و ساز کافی است و پیمانکاران از صلاحیت معمول برخوردارند.	با فرض مخاطرات فنی، پروژه بیش حد بودجه بندی شده است یا غیر واقعی است، پیمانکاران ممکن است از صلاحیت لازم برخوردار نباشند.
				قدرت حامی / توسعه دهنده
ظرفیت مالی و تمایل به حمایت از دارایی	حامی / توسعه دهنده مشارکت های نقدی اساسی برای ساخت یا خرید دارایی انجام داده است. حامی / توسعه دهنده دارای منابع مهم و بدهی های مستقیم و مشروط محدود می باشد. دارایی های توسعه دهنده / حامی بر حسب نوع دارایی و از نظر جغرافیایی متنوع است.	حامی / توسعه دهنده مشارکت های نقدی مهمی برای ساخت یا خرید دارایی انجام داده است. شرایط مالی توسعه دهنده / حامی اجازه می دهد که از دارایی در صورت وقوع کاهش جریان نقدی حمایت کند. دارایی های توسعه دهنده / حامی در چند ناحیه جغرافیایی مستقر است.	مشارکت حامی / توسعه دهنده ممکن است غیر نقدی یا فاقد اهمیت باشد. منابع مالی حامی / توسعه دهنده متوسط یا کمتر از متوسط است.	حامی / توسعه دهنده فاقد ظرفیت یا تمایل برای حمایت از دارایی است.

مدیریت و کیفیت حامی متوسط دغدغه جدی در خصوص سابقه حامی یا مدیریت وجود ندارد	مدیریت و کیفیت حامی مناسب مدیر دارای سوابق موفق در خصوص دارایی های مشابه	مدیریت با تجربه و کیفیت بالای حامی. شهرت زیاد و سابقه طولانی و موفق در خصوص دارایی های مشابه	شهرت و سوابق در خصوص دارایی های مشابه
ارتباطات با دست اندرکاران مرتبط مستغلات	ارتباطات قوی با دست اندرکاران پیشرو از قبیل مؤسسات لیزینگ	ارتباطات مورد تایید با دست اندرکاران پیشرو مانند مؤسسات لیزینگ.	ارتباطات کافی با مؤسسات لیزینگ و سایر گروه های فراهم کننده خدمات مهم در زمینه مستغلات.
بسته امنیتی			
ماهیت حق تصرف مال	حق تصرف نخست کامل ۲۵۳	حق تصرف نخست کامل ۲۵۳	حق تصرف نخست کامل ۲۵۳
واگذاری اجاره بها (در خصوص پروژه هایی که به مستاجران برای بلند مدت اجاره شده است)	واگذاری در اختیار وام دهنده است. آن ها اطلاعات مستاجر فعلی که ابلاغیه به مستاجران جهت پرداخت اجاره بها به طور مستقیم به وام دهنده را تسهیل می کند، از قبیل اجاره بها فعلی و نسخه هایی از اجاره های پروژه را نگهداری می کنند	واگذاری در اختیار وام دهنده است. آن ها اطلاعات مستاجر فعلی که ابلاغیه به مستاجران جهت پرداخت اجاره بها به طور مستقیم به وام دهنده را تسهیل می کند، از قبیل اجاره بها فعلی و نسخه هایی از اجاره های پروژه را نگهداری می کنند	واگذاری در اختیار وام دهنده است. آن ها اطلاعات مستاجر فعلی که ابلاغیه جهت پرداخت اجاره بها به طور مستقیم به وام دهنده را تسهیل می کند، از قبیل اجاره بها فعلی و نسخه هایی از اجاره های پروژه را نگهداری می کنند.
توانایی وام دهنده برای تصرف دارایی محدود است.	توانایی وام دهنده برای تصرف دارایی محدود است.	توانایی وام دهنده برای تصرف دارایی محدود است.	توانایی وام دهنده برای تصرف دارایی محدود است.

۲۵۳ - وام دهنده گان در برخی از بازارها به طور گسترده ساختارهای وامی را به کار می گیرند که شامل حق تصرف با اولویت پایین می شود. حق تصرف با اولویت پایین می تواند دلالت بر این سطح از ریسک باشد در صورتی که کل LTV شامل تمام وضعیت های دارای اولویت بالا، از LTV وام نوعی اول فراتر نرود.

کیفیت پوشش بیمه	مناسب	مناسب	مناسب	کمتر از استاندارد
-----------------	-------	-------	-------	-------------------

جدول شماره ۳- رتبه ها یا درجات رتبه بندی نظارتی برای منابع در معرض ریسک مالی تأمین مالی کالاهای سرمایه ای

قوی	خوب	رضایت بخش	ضعیف
قدرت مالی			
شرایط بازار	تقاضای قوی و در حال رشد، موانع ورود قوی، حساسیت پایین نسبت به تغییرات در فن آوری و چشم انداز اقتصادی.	تقاضای قوی و با ثبات. وجود تعدادی موانع ورود، وجود مقداری حساسیت به تغییرات در فن آوری و چشم انداز اقتصادی.	تقاضای ضعیف و در حال کاهش، آسیب پذیر نسبت به تغییرات در فن آوری و چشم انداز اقتصادی، نااطمینانی محیطی بالا.
نسبت های مالی (نسبت پوشش خدمات بدهی و نسبت وام به ارزش)	نسبت های مالی قوی با توجه به نوع دارایی، مفروضات بسیار قوی اقتصادی.	نسبت های مالی قوی/ قابل قبول با توجه به نوع دارایی. مفروضات قوی اقتصادی پروژه	نسبت های مالی استاندارد برای نوع دارایی نوع دارایی. نسبت های مالی جسورانه با توجه به نوع دارایی.
تجزیه و تحلیل بحران	درآمدهای بلند مدت با ثبات، قابلیت تحمل شرایط به شدت بحرانی از طریق چرخه اقتصادی.	درآمدهای کوتاه مدت رضایت بخش. وام می تواند تا حدودی شرایط سخت مالی را تحمل کند. احتمال نکول صرفا در شرایط سخت اقتصادی.	درآمدها مشمول نااطمینانی های قوی است، حتی در شرایط نرمال اقتصادی، دارایی ممکن است نکول کند، مگر اینکه شرایط بهبود یابد.

نقدشوندگی بازار	بازار بر اساس گستره جهانی ساختار بندی شده است، دارایی‌ها از نقدشوندگی بالا برخوردار هستند.	بازار جهانی یا منطقه‌ای است، دارایی‌های نسبتاً نقد شوندده هستند.	بازار منطقه‌ای است یا چشم انداز محدود در کوتاه مدت، با نقد شوندگی پایین تر	بازار محلی و/یا چشم انداز ضعیف. عدم نقدشوندگی یا نقدشوندگی کم، به ویژه در بازارهای متمرکز بر کالاهای خاص
محیط قانونی و سیاسی				
ریسک سیاسی، شامل ریسک انتقال	خیلی پایین، در صورت نیاز ابزارهای کاهنده قوی.	پایین، در صورت نیاز ابزارهای کاهنده رضایت بخش است.	متوسط، ابزارهای کاهنده نسبتاً خوب است.	بالا، فقدان یا ضعف ابزارهای کاهنده
ریسک‌های قوانین و مقررات	کشور در خصوص تملیک مجدد و ضمانت اجرای قراردادهای شرایط مطلوبی برخوردار است.	کشور در خصوص تملیک مجدد و ضمانت اجرای قراردادها از شرایط مطلوبی برخوردار است	کشور در خصوص تملیک مجدد و ضمانت اجرای قراردادهای شرایط مطلوبی برخوردار است حتی اگر فرایند تملیک مجدد طولانی و یا مشکل باشد.	ضعف یا عدم ثبات محیط قانونی و مقرراتی. غیر ممکن یا طولانی بودن فرایند تملیک مجدد و اجرای قراردادهای در کشور.
ویژگی‌های معامله				
مدت زمان تأمین مالی در مقایسه با طول عمر اقتصادی دارایی	مشخصه پرداخت کامل/بازپرداخت بالونی حداقلی بدون دوره تنفس.	بازپرداخت بالونی متورم تر اما هنوز در سطوح رضایت بخش.	بازپرداخت بالونی مهم با دوره‌های تنفس بالقوه	بازپرداخت بالونی به صورت یک بالون بزرگ یا مناسب
ریسک عملیاتی				

اجازه نامه / مجوزدهی	همه اجازه نامه ها دریافت شده است، دارایی مقررات جاری و ایمنی قابل پیش بینی را رعایت می کند.	همه اجازه نامه ها دریافت شده است یا در مرحله دریافت است، دارایی مقررات جاری و ایمنی قابل پیش بینی را رعایت می کند.	بیشتر اجازه نامه ها دریافت شده یا در مراحل دریافت است، مواردی که ناتمام مانده، عادی بنظر می رسد. دارایی مقررات ایمنی جاری قابل پیش بینی را رعایت می کند.	مشکلاتی برای کسب تمام اجازه نامه های لازم وجود دارد، بخشی از ترتیبات و/یا عملیات برنامه ریزی شده نیاز به تجدید نظر دارد.
حوزه و ماهیت قراردادهای O&M	قراردادهای O&M بلند مدت و قوی، ترجیحاً با مشوق های عملکردی قراردادی، و/یا حساب های اندوخته O&M (در صورت لزوم)	قراردادهای O&M بلند مدت و/یا حساب های اندوخته O&M (در صورت لزوم)	قراردادهای O&M محدود یا حساب های اندوخته O&M (در صورت لزوم)	فقدان قرارداد O&M: ریسک هزینه عملیاتی بالا فراتر از کاهشده های ریسک می باشد.
قدرت مالی عامل، سابقه در خصوص مدیریت نوع دارایی و قابلیت ورود مجدد دارایی به بازار وقتی که دارایی از اجاره خارج می شود.	سابقه عالی و قابلیت بازاریابی مجدد قوی	سابقه و قابلیت بازاریابی مجدد رضایت بخش	سابقه کوتاه یا ضعیف و قابلیت بازاریابی مجدد غیر مطمئن	فقدان سابقه یا سابقه ناشناخته و عدم توانایی در عرضه و ورود مجدد دارایی به بازار
ویژگی های دارایی				
وضعیت، اندازه، طراحی و نگهداری (برای مثال، سن، اندازه برای یک هواپیما) در مقایسه با سایر دارایی ها در همان بازار	مزیت قوی در طراحی و نگهداری. وضعیت استاندارد است به طوری که بازار نقد می باشد.	طراحی و نگهداری بالاتر از میانگین. وضعیت استاندارد است، احتمالاً با استثنائات کمی، به گونه ای که بازار نقد می باشد.	از نظر طراحی و نگهداری متوسط است. وضعیت آن تا حدودی خاص است و بنابراین ممکن است باعث بازار محدودتری برای دارایی شود.	از نظر طراحی و نگهداری کمتر از متوسط است. دارایی نزدیک به پایان عمر اقتصادی است. وضعیت آن خیلی خاص است و بازار آن خیلی محدود است.
ارزش فروش مجدد	ارزش جاری فروش مجدد خیلی بالاتر از ارزش بدهی است.	ارزش فروش مجدد نسبتاً بالاتر از ارزش بدهی است.	ارزش فروش مجدد اندکی بالاتر از ارزش بدهی است.	ارزش فروش مجدد کمتر از ارزش بدهی است.

				قدرت حامی
قدردان سابقه یا سابقه نامعلوم و ناتوانی برای بازاریابی مجدد دارایی	سابقه کم یا ضعیف و توانایی بازاریابی مجدد غیرقطعی	سابقه و توانایی بازاریابی مجدد رضایت بخشی	سابقه عالی و قابلیت بازار یابی مجدد قوی	قدرت مالی عامل ، سابقه در مدیریت نوع دارایی و قابلیت برای ورود مجدد به بازار، زمانی که دارایی از اجاره آزاد می شود.
حامیان فاقد سابقه یا سابقه نامشخص و/یا ضعف مالی	حامیان با سابقه کافی و پایداری مالی خوب	حامیان با سابقه و وضعیت مالی خوب	حامیان با سابقه عالی و پایداری مالی بالا	سابقه عامل و قدرت مالی
				بسته تأمین و تضمین
فرداد تضمین کمی برای وام دهنده فراهم می کند و برخی از ریسک های مرتبط با از دست دادن کنترل روی دارایی وجود دارد.	مستندسازی قانونی برای قرض دهنده کنترل موثری (برای مثال منفعت تضمین کامل یا یک ساختار اجاره شامل چنین امنیتی) روی دارایی یا روی شرکت متعلق به خود را فراهم می آورد.	مستندسازی قانونی برای قرض دهنده کنترل موثری (برای مثال منفعت تضمین کامل یا یک ساختار اجاره شامل چنین امنیتی) روی دارایی یا روی شرکت متعلق به خود را فراهم می آورد.	مستندسازی قانونی برای قرض دهنده کنترل موثری (برای مثال منفعت تضمین کامل اولیه یا یک ساختار اجاره شامل چنین امنیتی) روی دارایی یا روی شرکت متعلق به خود را فراهم می آورد.	کنترل دارایی
توانایی وام دهنده برای پایش موقعیت مکانی و شرایط دارایی محدود است.	وام دهنده قادر به پایش موقعیت مکانی و شرایط دارایی، تقریباً در هر زمان و مکان است.	وام دهنده قادر به پایش موقعیت مکانی و شرایط دارایی، تقریباً در هر زمان و مکان است.	وام دهنده در هر زمان و هر جایی قادر به پایش موقعیت مکانی و شرایط دارایی است (گزارش های منظم ، امکانی برای هدایت بازرسی ها).	حقوق و ابزار های در اختیار وام دهنده برای پایش موقعیت مکانی و شرایط دارایی
پوشش بیمه ضعیف (شامل خسارات وثیقه ای نیست) یا با استفاده از شرکت های بیمه با کیفیت ضعیف.	پوشش بیمه نسبتاً خوب (شامل خسارات وثیقه ای نیست) با استفاده از شرکت های بیمه با کیفیت قابل قبول.	پوشش بیمه رضایت بخش (شامل خسارات وثیقه ای نیست) با استفاده از شرکت های بیمه با کیفیت خوب.	پوشش بیمه قوی، شامل خسارات وثیقه ای با استفاده از شرکت های بیمه با کیفیت بالا	بیمه خسارت

جدول شماره ۴- درجات رتبه بندی نظارتی در خصوص منابع در معرض ریسک تأمین مالی کالاها

قوی	خوب	رضایت بخش	ضعیف
قدرت مالی			
درجه بیش وثیقه معامله	قوی	خوب	رضایت بخش
شرایط قانونی و سیاسی			
ریسک کشور	فاقد ریسک کشوری	ریسک کشوری محدود (به ویژگی موقعیت مکانی برون مرزی ذخایر در کشور نوظهور)	ریسک کشوری وجود دارد (به ویژگی موقعیت مکانی برون مرزی ذخایر در کشور نوظهور)
کاهش ریسک های کشور	کاهش ریسک بسیار قوی است: مکانیزم های برون مرزی قوی کالای استراتژیک خریداران بلندمرتبه	کاهش ریسک قوی است: وجود مکانیزم های برون مرزی کالای استراتژیک وجود خریدار قوی	کاهش ریسک قابل قبول است وجود مکانیزم های برون مرزی کالای کمتر استراتژیک وجود خریدار قابل قبول
ویژگی های دارایی			
نقدینگی و آسیب پذیری	کالا مظنه شده و می تواند از طریق قراردادهای آتی یا ابزارهای فرا بورس پوشش داده شود. کالا خسارت پذیر نیست	کالا مظنه شده و می تواند از طریق ابزارهای فرا بورس پوشش داده شود. کالا خسارت پذیر نیست	کالا مظنه نشده اما نقد است. ناطمینانی در مورد امکان پوشش وجود دارد. کالا خسارت پذیر نیست
قدرت حامی			

قدرت مالی معامله گر	خیلی قوی، نسبت به روش معامله و ریسک ها	قوی	کافی	ضعیف
سوابق، شامل توانایی برای مدیریت فرایند لجستیک	تجربه گسترده ای در خصوص نوع معامله مورد نظر. سابقه قوی در خصوص موفقیت عملیات و کارایی هزینه.	تجربه کافی در خصوص نوع معامله مورد نظر. بالاتر از حد متوسط سابقه در خصوص موفقیت عملیات و کارایی هزینه.	تجربه محدودی در خصوص نوع معامله مورد نظر. سابقه متوسط در خصوص موفقیت عملیات و کارایی هزینه.	به طور کلی سابقه محدود یا نامشخصی دارد. هزینه ها و سودها ناپایدار است.
سیاست های پوششی و کنترل های معامله	استانداردهای قوی برای انتخاب طرف معامله، پوشش و پایش وجود دارد	استانداردهای مناسب برای انتخاب طرف معامله، پوشش و پایش وجود دارد	معاملات گذشته بدون مشکل یا با مشکلات کمی بوده است	معامله گر روی معاملات گذشته خود زیان های قابل توجهی داشته است.
کیفیت افشای مالی	عالی	خوب	رضایت بخش	جزئیات افشای مالی ناکافی است مقداری نااطمینانی وجود دارد.
بسته تضمین یا وثیقه				
کنترل دارایی	منفعت پوششی (تضمین) کامل مقدماتی، امکان کنترل قانونی وام دهنده روی دارایی های به وثیقه گذاشته را در هر زمانی که لازم باشد را فراهم می کند.	منفعت پوششی کامل مقدماتی، امکان کنترل قانونی وام دهنده روی دارایی های به وثیقه گذاشته را در هر زمانی که لازم باشد را فراهم می کند.	برخی اوقات، گسیختگی در فرایند تحت کنترل آوردن دارایی های به وثیقه گذاشته شده توسط وام دهنده وجود دارد. این گسیختگی از طریق تایید فرایند معامله یا تعهد شخص ثالث به صورت موردی کاهش می یابد.	منافذ قرارداد در خصوص ریسک از دست دادن کنترل روی دارایی ها. وصولی نیز می تواند به خطر بیافتد.
بیمه در مقابل خسارت ها	پوشش بیمه قوی است، شامل تضمین خسارت ها با کیفیت بالا می شود	پوشش بیمه رضایت بخش است (شامل تضمین خسارت ها نمی شود) همراه با شرکت های بیمه با کیفیت خوب.	پوشش بیمه مناسب است (شامل تضمین خسارت ها نمی شود) همراه با شرکت های بیمه با کیفیت قابل قبول.	پوشش بیمه ضعیف است (شامل تضمین خسارت ها نمی شود) یا همراه با شرکت های بیمه با کیفیت ضعیف

پیوست هفت

مثال های توضیحی: محاسبه اثر کاهش ریسک اعتباری در چارچوب فرمول نظارتی

در ادامه، مثال هایی ارائه شده است تا بدین وسیله مشخص شود چگونه تضمین ها و وثیقه بر اساس فرمول نظارتی به رسمیت شناخته می شوند.

مثالی در خصوص پوشش نسبی - وثیقه

فرض کنید بانک بانی منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی شده به ارزش ۱۰۰ یورو با سطح ارتقاء اعتباری بیش از K_{IRB} را خریداری می کند و رتبه مستقل بیرونی یا تخمینی از آن در دسترس نیست. افزون بر این، فرض کنید که پوشش سرمایه ای فرمول نظارتی برای منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی، $1/6$ یورو است (زمانی که این عدد در $12/5$ ضرب شود، حاصل آن دارایی های موزون به ریسک، ۲۰ یورو است). علاوه بر این فرض کنید، بانک بانی به میزان ۸۰ یورو وثیقه نقد بر حسب همان ارزش منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی، دریافت کرده است. سرمایه الزامی برای این وضعیت از طریق حاصل ضرب سرمایه الزامی فرمول نظارتی در نسبت میزان منبع در معرض ریسک تعدیل شده و میزان منبع در معرض ریسک اولیه، در زیر مشخص و تعیین شده است.

گام نخست:

(میزان منبع در معرض ریسک تعدیل شده $E^* = \max \{0, [E \times (1 + H_e) - C \times (1 - H_c - H_{fx})]\}$)

$$E^* = \max \{0, [100 \times (1 + 0) - 80 \times (1 - 0 - 0)]\} = \text{€}20$$

$E^* =$ ارزش منبع در معرض ریسک بعد از کاهش ریسک (۲۰ یورو) ؛

$E =$ ارزش جاری منبع در معرض ریسک (۱۰۰ یورو) ؛

$H_c =$ میزان مناسب بودن تعدیل کاهش برای منبع در معرض ریسک (این تعدیل کاهش مناسب نیست زیرا بانک بانی وام دهنده منبع در معرض ریسک در مقابل وثیقه نیست).

$C =$ ارزش جاری وثیقه دریافت شده (۸۰ یورو)

$H_c =$ تعدیل کاهش مناسب برای وثیقه (۰)

$H_{fx} =$ تعدیل کاهش مناسب برای عدم تطابق ارزی بین وثیقه و منبع در معرض ریسک (۰)

گام دوم:

سرمایه الزامی $(E^* / E) \times$ = سرمایه الزامی فرمول نظارتی

$$\text{سرمایه الزامی} = 1 \times \text{€}100 / \text{€}20 = \text{€}0 / \text{€}32$$

مثال توضیحی در خصوص پوشش نسبی - ضمانت

تمام فروض ارائه شده در این مثال شامل وثیقه اعمال می شود، به استثناء برای شکلی از کاهنده ریسک اعتباری. فرض کنید بانک یک ضمانت واجد شرایط غیر مطمئن به میزان ۸۰ یورو از یک بانک دریافت کرده است. بنابراین تعدیل کاهشی برای عدم تطابق ارز اعمال نخواهد شد. سرمایه الزامی به صورت زیر تعیین می شود.

• بخش پوشش یافته منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی برای دریافت وزن ریسک فراهم کننده حمایت (۸۰ یورو) است. وزن ریسک برای فراهم کننده حمایت معادل با وزن ریسک برای وام تضمین نشده برای بانک ضامن است که تحت رویکرد رتبه بندی داخلی تعیین می شود. فرض کنید که این وزن ریسک ۱۰ درصد است. بنابراین پوشش سرمایه روی بخش پوشش یافته برابر خواهد بود با:

$$\text{یورو} \text{€}0/64 = 10\% \times 0.08 \times 80$$

• سرمایه پوششی برای بخش پوشش نیافته (€20) از ضرب سرمایه پوششی برای منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی در سهم بخش پوشش نیافته، حاصل می شود. بنابراین سرمایه الزامی برابر خواهد بود با:

$$\text{€}0/32 = 20\% \times \text{€}1/6$$

کل سرمایه الزامی برای بخش پوشش یافته و پوشش نیافته برابر است با:

$$\text{€}0/64 \text{ برای بخش حفاظت شده } \text{€}0/32 + ((\text{برای بخش حفاظت نشده}) = 96\% \text{ یورو})$$

مثال توضیحی - مورد کاهنده های ریسک اعتباری که در الویت ترین بخش های دارای بالاترین اولویت را پوشش می دهد.

فرض کنید بانک، یک مجموعه وام ها به ارزش ۱۰۰۰ یورو را اوراق بهادار سازی می کند. K_{IRB} این مجموعه پایه ۵٪ است (سرمایه پوششی ۵۰ یورو). اولین وضعیت زیان ۲۰ یورویی وجود دارد. بانی، فقط دومین طبقه که طبقه اخیر است را حفظ می کند. به عبارت دیگر، یک طبقه ۴۵ یورویی رتبه بندی نشده. ما می توانیم موقعیت را به صورت زیر خلاصه کنیم:

اولین سطح زیان	{	€ (طبقه (ترنس) حفظ شده فاقد رتبه	K _{IRB} = €	€۳۰	(الف)
				€۱۵	(ب)
				€۲۰	

۱. پوشش سرمایه بدون ضمانت های وثیقه

بر اساس این مثال، پوشش سرمایه برای طبقه حفظ شده فاقد رتبه واقع در میان علامت K_{IRB} ، برابر با مجموع نیازهای سرمایه ای برای طبقه های (الف) و (ب) در نمودار بالا است:

(الف) فرض کنید وزن ریسک فرمول نظارتی برای این طبقه زیرمجموعه ۸۲۰٪ است. بنابراین دارایی های موزون به ریسک برابر با: $€123 = 15 \times 820\%$ و پوشش سرمایه برابر با: $€123$

$€9/84 = 8\% \times$ است.

(ب) طبقه زیر مجموعه زیر K_{IRB} باید کسر شود. دارایی های موزون به ریسک برابر است با:

$$€30 \times 1250\% = €3751$$

سرمایه پوششی نیز برابر است با:

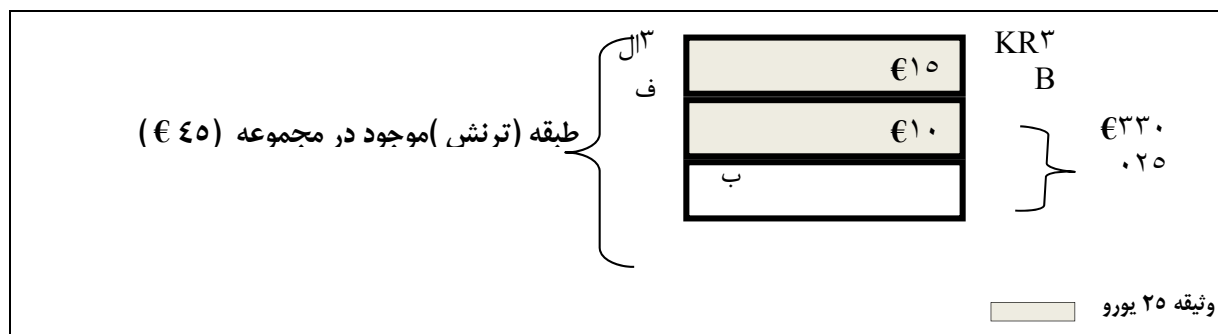
$$€375 \times 8\% = €30$$

کل سرمایه پوششی برای طبقه رتبه بندی نشده داخل علامت { برابر است با:

$$€9/84 + €30 = €39.84$$

۲. سرمایه پوششی با وثیقه

حالا فرض کنید بانک بانی وثیقه ۲۵ یورویی به صورت نقد دریافت کرده است که به همان ارزی است که منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی شده است. چون طبقه واقع در علامت { سطح K_{IRB} است، ما باید فرض کنیم که وثیقه اولترین طبقه زیر مجموعه بالای K_{IRB} را پوشش می دهد ((الف) طبقه زیر مجموعه پوشش داده شده توسط ۱۵ یورو از وثیقه) و فقط اگر مقداری از وثیقه از دست رفته وجود داشته باشد، پوشش باید برای طبقه زیر مجموعه زیر K_{IRB} آغازین با اولترین بخش (برای مثال طبقه (ب) پوشش داده شده توسط ۱۰ یورو از وثیقه) اعمال شود. بنابراین



سرمایه الزامی برای وضعیت تعیین شده توسط حاصل ضرب سرمایه الزامی فرمول نظارتی در نسبت

میزان منبع در معرض ریسک تعدیل شده و میزان منبع در معرض ریسک اولیه، به طوری که

(الف) اولین طبقه (طبقه) زیر مجموعه، یک منبع در معرض ریسک اولیه ۱۵ یورویی و وثیقه ۱۵ یورویی

دارد، بنابراین در این مورد آن به طور کامل پوشش داده می شود. به عبارت دیگر:

گام نخست: میزان منبع در معرض ریسک تعدیل شده

$$E^* = \max \{0, [E \times (1 + H_e) - C \times (1 - H_c - H_{fx})]\} = \max \{0, [15 - 15]\} = €0$$

$E^* =$ ارزش منبع در معرض ریسک بعد از کاهش ریسک (€0)

$E =$ ارزش جاری منبع در معرض ریسک (€15)

$C =$ ارزش جاری وثیقه دریافت شده (€15)

$H_e =$ تعدیل کاهش احتیاطی مناسب با وثیقه (در اینجا میزان آن صفر است)

H_c و $H_{fx} =$ تعدیل کاهش مناسب با وثیقه و برای عدم تطابق بین وثیقه و منبع در معرض ریسک)

برای سادگی آنرا صفر می گیریم).

گام دوم: سرمایه الزامی برابر است با:

$X (E^* / E)$ سرمایه الزامی بر اساس فرمول نظارت

$$\text{سرمایه الزامی} = €9 \times €0 / €15 = 0$$

(ب) دومین طبقه زیر مجموعه دارای €30، منبع در معرض ریسک اولیه €30 و وثیقه €10 است که

عبارت است از عدد سمت چپ (€ ۴۵) بعد از پوشش طبقه زیر مجموعه در بالای K_{IRB} (یعنی €15).

بنابراین این €10 باید به بالاترین بخش از طبقه زیر مجموعه €30 اختصاص داده شود.

گام نخست: میزان منبع در معرض ریسک تعدیل شده

$$E^* = \max \{0, [30 \times (1 + 0) - 10 \times (1 - 0 - 0)]\} = €20$$

گام دوم:

سرمایه الزامی برابر است با:

سرمایه الزامی بر اساس فرمول نظارتی $X (E^* / E)$

سرمایه الزامی برابر است با:

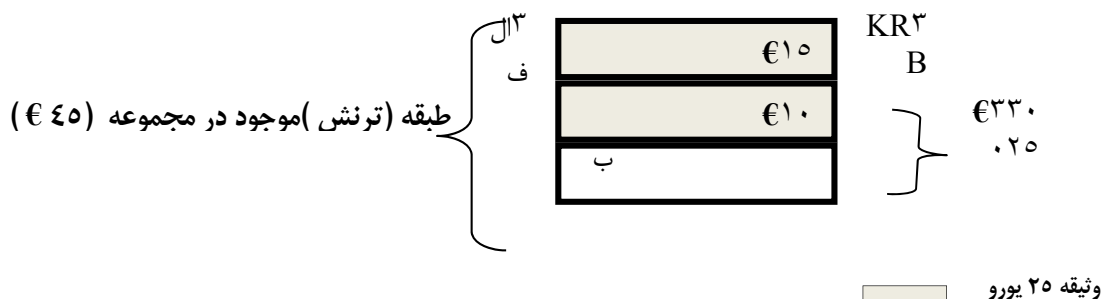
$$€20 / €30 \times €30 = €20$$

در نهایت کل پوشش سرمایه ای برای طبقه رتبه بندی نشده واقع در علامت { برابر است با:

$$€0 + €20 = €20$$

۳. تضمین

حالا فرض کنید به جای وثیقه، بانک یک تضمین نامطمئن، واجد شرایط به میزان €25 از یک بانک دریافت کرده است. بنابراین تعدیل کاهشی احتیاطی بخاطر عدم تطابق ارزی اعمال نخواهد شد. این موقعیت می تواند به صورت زیر خلاصه شود:



سرمایه الزامی برای دو طبقه زیر مجموعه به صورت زیر تعیین می شود:

(الف) اولین طبقه زیر مجموعه دارای منبع در معرض ریسک اولیه ۱۵ یورویی و تضمین ۱۵ یورویی است، بنابراین در این حالت آن طبقه به طور کامل پوشش داده می شود. ۱۵ یورو، وزن ریسک فراهم کننده پوشش را دریافت خواهد کرد. وزن ریسک برای فراهم کننده پوشش برابر وزن ریسک برای یک وام ضمانت نشده برای بانک ضامن است همچنان که تحت رویکرد رتبه بندی داخلی تعیین شد. فرض کنید این وزن ریسک ۲۰٪ است. پوشش سرمایه روی بخش پوشش یافته برابر است با :

$$€15 \times 20\% \times 8\% = €0/24$$

(ب) دومین طبقه دارای منبع در معرض ریسک ۳۰ یورویی و تضمین ۱۰ یورویی است که باید برای بالاترین بخش از این طبقه اعمال شود. بنابراین بخش حمایت شده ۱۰ یورو است و بخش حمایت نشده ۲۰ یورو است.

• دو مرتبه، بخش حمایت شده منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی، وزن ریسک بانک

ضامن را دریافت می کند. پوشش سرمایه ای روی بخش حمایت شده برابر است با:

$$€10 \times 20\% \times 8\% = €0/16$$

سرمایه پوششی برای بخش حمایت نشده (برای وضعیت رتبه بندی نشده زیر K_{IRB}) برابر است با:

$$€20 \times 1250\% \times 8\% = €20$$

کل سرمایه پوششی برای طبقه واقع در علامت { برابر است با:

$$= (KIRB) / ۲۴ + (بخش حمایت شده بالای ۱۶ KIRB) / (بخش حمایت شده، زیر ۲۰) + (KIRB بخش حمایت نشده زیر) =$$

$$€20/4$$

پیوست شماره ۸

تطبیق رشته های فعالیت

سطح یک	سطح دو	گروه های فعالیت
تأمین مالی شرکتی	تأمین مالی شرکتی	مالکیت ها و ادغام ها، پذیره نویسی، خصوصی سازی، اوراق بهادار سازی، تحقیق،
	تأمین مالی دولتی/عمومی	بدهی (دولت، بازده بالا)، سهام، سندیکایی، عرضه عمومی اولیه سهام یک شرکت
	بانکداری تجاری	خصوصی (IPO)
	خدمات مشاوره	
معاملات و فروش ها	فروش	اوراق بهادار با درآمد ثابت، سهام، ارزها، کالاها، اعتبار، تأمین مالی، اوراق بهادار دارای وضعیت
	بازار سازی	وام دهی و موافقت نامه بازخريد، کارمزد، بدهی، کارمزد اولیه
	وضعیت های دارایی (وابسته به دارایی)	
	خزانه داری	
بانکداری خرد	بانکداری خرد	سپرده ها و وام دهی خرد، خدمات بانکی، املاک و امانی
	بانکداری اختصاصی	سپرده ها و وام دهی خصوصی، خدمات بانکی، دارایی های بانکی خرد و امانی، مشاوره سرمایه گذاری
	خدمات کارتی	کارت های شرکت/تجاری/بازرگانی، برچسب های القاب خرد و خصوصی
	بانکداری تجاری	تأمین مالی پروژه، املاک مسکونی، تأمین مالی صادرات، تأمین مالی تجارت، عاملیت بازرگانی، اجاره، وام دهی، ضمانت ها، برات های ارزی
پرداخت و تسویه ^{۱۶۷}	مشتریان خارج سازمانی	وصولی ها و پرداخت ها، انتقال وجوه، تسویه و تهاتر
خدمات نمایندگی	حفاظت	سپرده، رسیدهای سپرده گذاری، وام دهی اوراق بهادار (مشتریان) اقدامات شرکتی
	موسسه شرکتی	مؤسسات ناشر و پرداخت
	شرکت امانی	
مدیریت دارایی	مدیریت وجوه اختیاری	تجمیعی، تفکیکی، خرد، سازمانی، بسته شده، باز، سهمی خصوصی
	مدیریت وجوه غیر اختیاری	تجمیعی، تفکیکی، خرد، سازمانی، بسته، باز
کارگزاری خرد	کارگزاری خرد	اجرا و خدمات کامل

^{۱۶۷} زیان های تسویه و پرداخت مربوط به فعالیت های خود بانک، در تجربه زیان رشته کسب و کار لحاظ خواهد شد.

اصولی برای تطبیق خطوط کسب و کار^{۱۶۸}

الف) تمام فعالیت ها باید به روشی که هم مختص هر فعالیت است و هم جامع و فراگیر است، به هشت سطح رشته های فعالیت، مطابقت سازی شوند.

ب) هر فعالیت بانکی و غیر بانکی که نمی تواند به راحتی در چارچوب رشته فعالیت مشخصی مطابقت سازی شود، اما نشانگر یک حرفه فرعی در چارچوب رشته فعالیت کسب و کاری است، باید به رشته فعالیتی که آنرا پشتیبانی می کند، اختصاص داده شود. اگر بیش از یک رشته فعالیت، آن حرفه فرعی را پشتیبانی می کند، در این صورت یک شاخص تطبیق واقع گرایانه باید به کار گرفته شود.

پ) وقتی درآمد ناخالص مطابقت سازی می شود، اگر یک فعالیت نتواند با یک رشته فعالیت خاص مطابقت سازی شود، بنابراین آن رشته فعالیتی که بالاترین هزینه را کسب می کند باید مورد استفاده قرار گیرد. همان رشته فعالیت به طور برابر برای هر فعالیت جانبی وابسته اعمال می شود.

ت) بانکها برای تعیین درآمد ناخالص بین رشته های کسب و کار می توانند روش های قیمت گذاری داخلی را به کار بگیرند به شرط این که کل درآمد ناخالص برای بانک (همچنان که تحت رویکرد شاخص اصلی گزارش خواهد شد) همیشه برابر با جمع درآمد ناخالص برای رشته های کسب و کار باشد.

ث) تطبیق فعالیت ها با رشته های کسب و کار در خصوص اصول سرمایه ای برای پوشش ریسک عملیاتی باید با تعاریف رشته های کسب و کار به کار گرفته شده برای محاسبات سرمایه نظارتی در خصوص سایر گروه های

^{۱۶۸} - دستورالعمل تکمیلی تطبیق رشته فعالیت

روش های معتبر مختلفی وجود دارد که بانکها می توانند برای تطبیق فعالیت های خود به رشته های فعالیت هشت گانه به کارگیرند، مشروط به این که روش استفاده شده اصول تطبیق رشته فعالیت را برآورده سازد. با این اوصاف کمیته آگاه هست که برخی از بانک ها دستورالعمل های بیشتری دارند. بنابراین در ادامه مثالی از یک روش احتمالی است که می تواند توسط بانک برای تطبیق درآمد ناخالص به کار گرفته شود:

درآمد ناخالص برای بانکداری خرد، شامل درآمد بهره خالص وام ها و پیش پرداخت ها به مشتریان خرد و موسسات کوچک و متوسط که به عنوان مشتریان خرد به آنها رفتار شده است بعلاوه کارمزدهای مربوط به فعالیت های خرد مر سوم، درآمد خالص از ابزارهای مشتقه و قراردادهای تعویضی که برای پوشش دفتر بانکی خرد نگهداری می شود و درآمد روی مطالبات خرد خریداری شده است. برای محاسبه درآمد بهره خالص برای بانکداری خرد، یک بانک بهره حاصل روی وام ها و پیش پرداخت ها به مشتریان خرد که کمتر از میانگین وزنی هزینه تامین مالی وام ها است (از هر منبعی - خرد یا سایر سپرده ها) را در نظر می گیرد. به طور مشابه درآمد ناخالص برای بانکداری تجاری شامل درآمد بهره خالص روی وام ها و پیش پرداخت ها به مشتریان شرکتی (بعلاوه موسسات کوچک که به عنوان شرکت به آنها رفتار شده است)، مشتریان دولتی و بین بانکی و درآمد روی مطالبات شرکتی خریداری شده، بعلاوه کارمزدهای مربوط به فعالیت های بانکی تجاری شامل تعهدات، تضمین ها، برات های ارزی، درآمد خالص (برای مثال از تقسیم های سود و کوبین ها) روی اوراق بهادار موجود در دفتر بانکی، و سودها/زیان ها روی قراردادهای معاوضه و ابزارهای موجود برای پوشش دفتر بانکی تجاری را شامل می شود. علاوه بر این محاسبه درآمد بهره خالص بر اساس بهره حاصل از وام ها و پیش پرداخت ها به مشتریان شرکتی، بین بانکی و دولتی کمتر از میانگین وزنی هزینه تامین مالی این وام ها (از هر منبعی). برای تجارت و فروش ها، درآمد ناخالص شامل سودها/زیان های ابزارهای موجود برای اهداف معاملاتی (یعنی در دفتر ارزش گذاری منصفانه روزآمد)، هزینه تامین مالی خالص، بعلاوه کارمزدهای معامله عمده فروشی. برای پنج رشته کسب و کار دیگر، درآمد ناخالص شامل کارمزدهای حاصل شده در هر یک از این رشته های فعالیت می شود. پرداخت و تسویه شامل کارمزدها برای تامین شرایط پرداخت/ تسویه تسهیلات برای طرف های مقابل عمده فروش است. مدیریت دارایی، مدیریت دارایی ها به نفع دیگران است.

ریسک یعنی ریسک بازار و ریسک اعتباری سازگار باشد. هر انحرافی از این اصل باید به طور آشکار مستند و مورد نظر قرار بگیرد.

ج) فرایند تطبیق مورد استفاده باید به روشنی مستند شود، به ویژه تعاریف مکتوب از رشته کسب و کار باید به وضوح و به جزئیات کافی باشد تا بدین وسیله اشخاص ثالث بتوانند تطبیق رشته کسب و کار را تکرار کنند. مستندسازی باید در میان چیزهای دیگر به وضوح هر استثنا یا لغو و حفظ در سابقه را مورد نظر قرار دهد.

چ) فرایندهای در حال اجرایی باید برای مشخص کردن تطابق هر فعالیت یا محصول جدیدی وجود داشته باشد

ح) مدیریت ارشد، مسئول خط مشی مطابقت سازی است (خط مشی که مشروط به تأیید توسط هیأت عامل است).

خ) فرایند مطابقت سازی به رشته های کسب کار باید مشروط به ارزیابی مستقل باشد.

پیوست شماره ۹

طبقه‌بندی تفصیلی نوع حوادث زیان

طبقه نوع حادثه (سطح یک)	تعریف	طبقات (سطح دو)	مثال‌هایی از فعالیت (سطح سه)
تقلب داخلی	زیان ناشی از اعمال مشخصی برای فریب دادن است، اموال نامناسب یا دور زدن مقررات، قانون یا خط‌مشی موسسه، مستثنی کردن رخدادهای مختلف/ تبعیض حداقل یک شخص داخلی در آن دخیل است.	فعالیت غیر مجاز	معاملات گزارش نشده (بین‌المللی) نوع معامله غیر مجاز (زیان پولی / W) نادرستی وضعیت (عمدی)
		تقلب و دزدی	تقلب/تقلب اعتبار/سپرده‌های بی ارزش دزدی/اختلاس/سرقت مصادره دارایی‌ها تخریب عمدی دارایی‌ها جعل کردن قاچاق جعل هویت و غیره
تقلب خارجی	زیان ناشی نوع مشخصی از اعمال به منظور فریب دادن، مالکیت نامناسب یا دور زدن قانون توسط شخص ثالث	تقلب و دزدی	دزدی/ جعل
		سیستم‌های امنیتی	خسارت ناشی از هک کردن دزدی اطلاعات (زیان پولی)
امنیت محل کار و روش‌های استخدام		روابط کاری	پاداش، مزایا، مسائل مربوط به خاتمه رابطه کاری، فعالیت نیروی کار سازمان یافته

زبان ها ناشی از اقدامات غیر منطبق با قوانین یا توافقات در خصوص امنیت، سلامت، اشتغال از پرداخت خسارات شخصی یا از رویدادهای متنوع/ تبعیضی	محرط امن	مسئولیت عمومی (لغزش و سقوط و غیره) قوانین سلامت و ایمنی کارکنان، جبران خسارت کارکنان در حوادث
	تنوع و تبعیض	همه نوع تبعیض
طبقه نوع حادثه (سطح یک)	تعریف	طبقات (سطح دو)
مشتریان، عادات کسب و کار و محصولات	زبان های ناشی از قصور ناخواسته یا غیر عمد در رعایت تعهد حرفه ای به مشتریان خاص (شامل اعتماد و مناسب بودن)، یا ناشی از ماهیت یا طراحی محصول	مناسب بودن، افشا سازی و اعتماد نقض اعتماد/ مناسب بودن/ تخلفات از دستورالعمل/ موضوعات افشاسازی (شناسایی مشتری و غیره) تخلفات افشاسازی مشتری خرد نقض حریم خصوصی فروش های تهاجمی سوء استفاده از اطلاعات محرمانه مسئولیت وام دهنده
	عرف های نامناسب بازار یا کسب و کار	ضد تراست عرف های نامناسب بازار/ معامله دستکاری بازار معامله درونی (به حساب بنگاه) فعالیت غیر مجاز و پولشویی
		عیب های محصول نقص های محصول (غیر مجاز و غیره) خطاهای مدل
		انتخاب، نمایش و حمایت قصور در بررسی مشتری طبق دستورالعمل زیاده روی در محدودیت های افشا مشتری
		فعالیت مشاوره اختلافات در خصوص عملکرد فعالیت های مشاوره ای
خسارت به دارایی های فیزیکی	زبان های ناشی از ضرر یا خسارت به دارایی های فیزیکی از بلایای طبیعی یا سایر حوادث	بلایای طبیعی و سایر حوادث زبان های بلایای طبیعی زبان های انسانی از منشاء خارجی (تروریسم، خرابکاری)
اختلال در کسب و کار و درماندگی سیستم	زبان های ناشی از اختلال در کسب و کار و درماندگی سیستم	سیستم ها سخت افزار نرم افزار ارتباطات مخابراتی قطع برق

پیوست ۱۰

بررسی روش های ترتیبات سرمایه ای معاملات تضمین شده توسط وثیقه تحت رویکردهای رتبه بندی داخلی و استاندارد

۱. قواعد مذکور در رویکرد ۱ استاندارد- کاهنده ریسک اعتباری (CRM)، به طور کلی برای معاملات تضمین شده، ترتیباتی مقرر می شود که تحت هر دو رویکرد استاندارد و رویکردهای مبتنی بر رتبه های داخلی پایه برای مطالبات تضمین شده توسط وثیقه مالی با کیفیت کافی، در دفتر بانکی اعمال می شود. بانک هایی که رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی را به کار می گیرند، با استفاده از تخمین های داخلی شان برای تعدیل زیان به فرض نکول منابع در معرض ریسک (LGD) معمولاً روی منابع در معرض ریسک در دفتر بانکی وثیقه مالی را اخذ می کنند که محاسبه می شود. یک استثنا برای بانک، استفاده رویکرد رتبه بندی داخلی پیشرفته مرتبط است با به رسمیت شناختن معاملات به شکل بازخریدی مشروط به توافقنامه خالص سازی اصلی است که در زیر شرح داده شده است.

۲. منابع در معرض ریسک تضمین شده که شکل معاملات بازخریدی (یعنی معاملات بازخریدی/ قراردادهای بازخریدی معکوس قرض دهی/ وام دهی اوراق بهادار) را می گیرند مشروط به ملاحظات خاصی هستند. این معاملات که در دفتر تجاری ثبت و ضبط می شوند و مشروط به پوشش سرمایه ای ریسک طرف مقابل هستند، همچنان که در زیر شرح داده شده است. علاوه بر این، همه بانکها از جمله آنهایی که رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی پیشرفته را به کار می گیرند برای معاملات شکل بازخریدی ثبت شده در دفتر بانکی یا تجاری که مشروط به توافقنامه های خالص سازی اصلی هستند در صورتی که آنها مایل به شناسایی اثرات خالص سازی برای اهداف سرمایه ای باشند، باید از روش مذکور در بخش CRM پیروی کنند که در زیر مشخص شده است.

رویکردهای مبتنی بر رتبه بندی داخلی پایه و استاندارد

۳. بانک های تحت رویکرد استاندارد می توانند رویکرد ساده یا رویکرد جامع را برای تعیین وزن ریسک مناسب در خصوص معامله تضمین شده توسط وثیقه مالی واجد شرایط به کار گیرند. در رویکرد ساده، وزن ریسک وثیقه جایگزین وزن ریسک طرف مقابل می شود. به غیر از چند نوع از معاملات که وزن ریسک خیلی پایین دارند، وزن ریسک حداقل ۲۰ درصد است. در رویکرد رتبه بندی داخلی پایه، بانکها می توانند فقط رویکرد فراگیر را به کار بگیرند.

۴. در رویکرد جامع، وثیقه مالی واجد شرایط میزان منبع در معرض ریسک طرف مقابل را کاهش می دهد. میزان وثیقه کاهش یافته و در جایی که مناسب است برای محاسبه تغییرات بالقوه در قیمت های بازاری اوراق بهادار و نرخ های ارز در طی دوره، از طریق استفاده از تعدیلات کاهش احتیاطی، میزان منبع در معرض ریسک افزایش می یابد. این امر در میزان منبع در معرض ریسک تعدیل شده، E^* ، نمایان می شود. بانک ها یا می توانند کاهش های تعدیلی احتیاطی مقرر شده توسط کمیته را به کار گیرند یا مشروط به واجد شرایط بودن، متکی به تخمین های خود از کاهش های تعدیلی احتیاطی می باشند. در جایی که دوره موجودی نظارتی برای محاسبه میزان کاهش های تعدیلی احتیاطی متفاوت از دوره موجودی مندرج در مقررات برای آن نوع از معاملات وثیقه ای است، کاهش های تعدیلی احتیاطی به طور مناسب بیشتر یا کمتر درجه بندی می شود. زمانی که E^* محاسبه می شود، بانک استفاده کننده از رویکرد استاندارد، میزان وزن ریسک مناسب برای طرف مقابل را تعیین خواهد کرد. برای معاملات تضمین شده توسط وثیقه مالی غیر از موافقت نامه های بازخریدی مشروط به توافقنامه خالص سازی عمده، بانک هایی که رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی دارند، از E^* برای تعدیل زیان به فرض نکول روی منبع در معرض ریسک، استفاده می کنند.

ملاحظات ویژه در خصوص معاملات به سبک بازخریدی

۵. معاملات بازخریدی موجود در دفتر تجاری، مشروط به پوشش ریسک اعتباری طرف مقابل مثل ابزارهای مشتقه فرا بورس موجود در دفتر تجاری هستند. در محاسبه این هزینه، بانک تحت رویکرد استاندارد باید رویکرد فراگیری برای وثیقه به کار گیرد؛ رویکرد ساده قابل استفاده نخواهد بود.

۶. ترتیبات سرمایه ای برای معاملات سبک بازخریدی که مشروط به توافقنامه های خالص سازی عمده نیستند، همانند آن چیزی است که برای سایر معاملات تضمین شده می باشد. اما برای بانک هایی که رویکرد فراگیر را به کار می گیرند، ناظران ملی به صلاح دید خود می توانند تعیین کنند کاهش تعدیلی احتیاطی صفر می تواند در جایی که کارگرفته شود که معامله با یک مشارکت کننده عمده بازار است و سایر معیارهای معین را نیز برآورده می سازد (از آن جمله ترتیباتی که الگو نامیده شده است).

در جایی که معاملات سبک بازخریدی مشروط به توافقنامه خالص سازی عمده هستند، آن ها در دفتر بانکی یا تجاری نگهداری می شوند، بانک می تواند انتخاب کند که در محاسبه سرمایه اثرات خالص

سازی را به رسمیت نشناسد. در این صورت، هر معامله مشروط خواهد بود به هزینه سرمایه زیرا هیچ توافق خالص سازی وجود ندارد.

۷. اگر بانک تمایل دارد اثرات توافقنامه های خالص سازی عمده در خصوص معاملات به سبک بازخریدی را برای اهداف سرمایه ای شناسایی کند، آن بانک باید ترتیبات بخش CRM را برای هر طرف مقابل اعمال کند. این ترتیبات برای تمام معاملات سبک بازخریدی مقید به توافقات خالص سازی عمده اعمال خواهد شد، صرف نظر از این که بانک تحت رویکرد استاندارد یا رتبه بندی داخلی پایه یا رویکرد رتبه بندی داخلی پیشرفته باشد و صرف نظر از این که معاملات در دفتر بانکی یا دفتر تجاری درج شده اند. تحت این ترتیبات، بانک E^* را به عنوان مجموعه منبع در معرض ریسک جاری خالص در قرارداد بعلاوه یک مقدار اضافی برای تغییرات احتمالی در قیمت های اوراق بهادار و نرخ های ارز خارجی محاسبه خواهد کرد. مقدار اضافی مذکور توسط کاهش های احتیاطی نظارتی تعیین شده برای بانک هایی است که دارای معیارهای واجد شرایط برای تخمین کاهش های تعدیلی احتیاطی بر اساس مدل VaR داخلی هستند. الگوی ترتیبات برای کاهش های تعدیلی احتیاطی در مورد معاملات سبک بازخریدی نمی تواند در جایی که مدل داخلی VaR اعمال شده است به کار گرفته شود.

۸. E^* محاسبه شده معادل وام تضمین نشده است که برای میزان منبع در معرض ریسکی موضوع رویکرد استاندارد است و ارزش منبع در معرض ریسک در صورت نکول تحت هر دور رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی پایه یا پیشرفته است. E^* برای منبع در معرض ریسک نکول تحت رویکردهای رتبه بندی داخلی به کار گرفته می شود، بنابراین به همان روش میزان معادل اعتباری (محاسبه شده تحت عنوان مجموع هزینه جایگزینی بعلاوه یک میزان اضافی برای منبع در معرض ریسک آتی احتمالی) برای ابزارهای مشتقه فرا بورس مقید به توافقات خالص سازی عمده به آن پرداخته می شود.

پیوست ۱۰ a

چارچوب نظارتی برای استفاده از آزمون پشتیبان در ارتباط با رویکرد مدل های داخلی به الزامات سرمایه ای

ریسک بازار

I. مقدمه

۱. پیوست حاضر، چارچوب ایجاد شده توسط کمیته بمنظور استفاده از آزمون پشتیبان در رویکرد مدل های داخلی در خصوص الزامات سرمایه ای ریسک بازار را ارائه می کند. آن بمنزله مکمل پاراگراف (Lxxvi) ۷۱۸ سند حاضر محسوب می شود.

۲. تعداد زیادی از بانک هایی که رویکرد مبتنی بر مدل های داخلی در خصوص اندازه گیری ریسک بازار را اتخاذ کرده اند بصورت معمول، سود و زیان روزانه را با سنجه های ریسک منتهی از مدل مقایسه کرده تا کیفیت و دقت سیستم اندازه گیری ریسک خود را ارزیابی کنند. این فرایند، که به عنوان "آزمون پشتیبان" شناخته می شود، از جانب مؤسسات زیادی سودمند تشخیص داده شده است، چرا که آن ها اقدام به ایجاد و معرفی مدل های اندازه گیری ریسک خود نموده اند.

۳. آزمون پشتیبان به عنوان تکنیکی جهت ارزیابی کیفیت مدل اندازه گیری ریسک شرکت، به تکامل خود بصورت مستمر ادامه می دهد. رویکردهای جدید به آزمون پشتیبان هنوز در مرحله توسعه و بحث و تبادل نظر در میان طیف وسیعی از انجمن های مدیریت ریسک می باشد. در حال حاضر، بانک های متفاوت، انواع مختلفی از آزمون های پشتیبان را اجرا کرده و استانداردهای تفسیر نیز در بین بانک ها متفاوت می باشد. اخیراً کوشش های فعالانه بمنظور بهبود و پالایش روش های مورد استفاده با هدف تمایز قوی بین مدل های دقیق و غیر دقیق در دست اقدام می باشد.

۴. عصاره و چکیده تمامی کوشش های آزمون پشتیبان، مقایسه نتایج واقعی با سنجه های ریسک حاصل از مدل می باشد. اگر این مقایسه بقدر کافی نزدیک باشد، آزمون پشتیبان موضوعی در ارتباط با کیفیت مدل اندازه گیری ریسک ندارد. به هر جهت، در برخی موارد، مقایسه اختلاف معنادار را نشان نموده که مبین وجود مشکل حتمی خواه در مدل یا در ارتباط با مفروضات آزمون پشتیبان می باشد. در میان این دو مورد، ناحیه خاکستری وجود دارد که نتایج آزمون به خودی خود، بی معنا تلقی می گردد.

۵. کمیته بر این باور است که آزمون پشتیبان، بهترین فرصت را برای استفاده از مشوق های مناسب در رویکرد مدل های داخلی به روشی سازگار ارائه می کند و تنوع زیادی از پیامدها را پوشش خواهد داد. در عوض، بسیاری

از تفاسیر عمومی در پیشنهادهای مدل‌های داخلی آوریل ۱۹۹۵، بر ضرورت حفظ مشوق‌های قوی برای بهبود مستمر مدل‌های داخلی اندازه‌گیری ریسک داخلی بانک‌ها تأکید داشت. در ملاحظه اینکه چگونه آزمون پشتیبان را بصورت دقیق‌تری در رویکرد مدل‌های داخلی به الزامات سرمایه‌ای ریسک بازار دخیل کنند، کمیته به دنبال آن است تا این دو حقیقت را که صنعت هنوز بر مبنای یک روش یکسان آزمون پشتیبان متقاعد نشده و در خصوص ماهیت ناکامل سیگنالها و نشانه‌های حاصله توسط آزمون پشتیبان دغدغه دارد، را منعکس کند.

۶. کمیته بر این باور است که چارچوب مطروحه در این سند، توازن مناسبی بین به رسمیت شناختن محدودیت‌های بالقوه آزمون پشتیبان و ضرورت ایجاد مشوق‌های مناسب را برقرار می‌کند. همزمان، کمیته در مرحله تکامل بودن تکنیک‌های اندازه‌گیری ریسک و آزمون پشتیبان را به رسمیت می‌شناسد و کمیته متعهد به دخیل نمودن توسعه‌های مهم جدید در این نواحی در سند خود می‌باشد.

۷. باقیمانده این سند، چارچوب آزمون پشتیبانی را تشریح کرده که باید با الزامات سرمایه‌ای مدل‌های داخلی همراه باشد. هدف این چارچوب ارتقای رویکردهای دقیق‌تر به آزمون پشتیبان و تفسیر نظارتی نتایج آزمون پشتیبان می‌باشد. بخش بعدی به ماهیت آزمون‌های پشتیبان که ملاحظات تفسیر نظارتی نتایج را دنبال می‌کند، پرداخته و استانداردهای توافقی کمیته در این خصوص را تدوین می‌کند.

۲. تشریح چارچوب آزمون پشتیبان

۸. چارچوب آزمون پشتیبان که توسط کمیته توسعه داده شده است، مبتنی بر همان چارچوبی است که توسط بسیاری از بانک‌ها که از مدل‌های داخلی اندازه‌گیری ریسک بازار استفاده می‌کنند، اتخاذ شده است. این برنامه آزمون پشتیبان عموماً شامل مقایسه دوره‌ای سنج‌های ارزش در معرض خطر VaR روزانه بانک با سود و زیان روزانه بعدی (رخداد تجاری) می‌باشد. سنج‌های ارزش در معرض خطر بزرگتر از کل اما بخش معینی از رخداد‌های تجاری در نظر گرفته می‌شوند، که آن بخش توسط سطح اطمینان سنج‌های ارزش در معرض خطر تعیین می‌شود. مقایسه سنج‌های ریسک با رخداد‌های تجاری واقعاً به این معناست که بانک دفعات زمانی را در محاسبات وارد می‌کند که سنج‌های ریسک بزرگتر از رخداد تجاری بوده است. بخش پوشش داده شده واقعی در ادامه می‌تواند با سطح پوشش در نظر گرفته شده جهت اندازه‌گیری عملکرد مدل ریسک بانک، مقایسه شود. در برخی موارد، این گام پایانی نسبتاً غیررسمی و تشریفاتی است، هر چند تعدادی آزمون آماری وجود دارد که می‌تواند اعمال شوند.

۹. چارچوب نظارتی آزمون پشتیبان در این سند، شامل همه مراحل تعریف شده در پاراگراف قبلی بوده و تلاش دارد تا تفسیر سازگار هر مرحله را تا حد ممکن بدون تحمیل بار و مسئولیت غیر ضروری، تدوین کند. تحت چارچوب ارزش در معرض خطر، سنجه ریسک، تخمینی از مقداری است که می تواند در مجموعه ای از وضعیت ها و با توجه به تغییرات معمول بازار در طول دوره نگهداری مفروض که با استفاده از سطح اطمینان مشخص اندازه گیری شده است، به زیان تبدیل شود.

۱۰. آزمون پشتیبان، هنگامی که در صد رخدادهای مشاهده شده که توسط سنجه ریسک پوشش داده شده اند، سازگار با سطح اطمینان ۹۹ در صد باشد، باید بصورت مقایسه ای اعمال شود. به عبارت دیگر، آن ها کوشش می کنند تا تعیین کنند که آیا سنجه ریسک ۹۹ در صدی بانک به صورت واقعی ۹۹ در صد رخدادهای تجاری شرکت را پوشش می دهد. در عین حال می تواند بحث شود که ماهیت ارزش حداکثری ۹۹ درصد، موجب مشکل تر شدن تخمین قابل اتکای آن در مقایسه با سایر موارد، یعنی در صد های کمتر، می شود، لذا کمیته چنین نتیجه گیری می کند، حایز اهمیت است آزمون با سطح اطمینان مشخص شده در اصلاحیه سند سرمایه، تنظیم شود.

۱۱. ملاحظه اضافی در مشخص کردن سنجه ریسک و رخدادهای تجاری مناسب برای آزمون پشتیبان وجود دارد چرا که رویکرد ارزش در معرض خطر در خصوص اندازه گیری ریسک عموماً مبتنی بر حساسیت پرتفوی ایستا به شوک های ناگهانی (آنی) قیمت می باشد. به عبارت دیگر، وضعیت تجاری پایان روز، وارد مدل اندازه گیری ریسک شده، که تغییرات احتمالی در ارزش این پرتفوی ایستا را با توجه به تغییرات قیمت و نرخ در دوره نگهداری مفروض، ارزیابی می کند.

۱۲. در حالی که این موضوع از نکته نظر تئوری از صراحت برخوردار است، در عمل منجر به پیچیدگی موضوع آزمون پشتیبان می شود. به عنوان نمونه، اغلب بحث می شود که سنجه ارزش در معرض خطر قابلیت مقایسه با رخداد تجاری واقعی را ندارد، چرا که به ناچار رخداد واقعی بواسطه تغییرات در ترکیب پرتفوی در طول دوره نگهداری، متاثر می شود. مطابق با این دیدگاه، شمولیت درآمد کارمزدی همراه با عواید و زیان های تجاری ناشی از تغییرات در ترکیب پرتفوی نباید در تعریف رخداد تجاری لحاظ شود، چرا که آن ها مرتبط با ریسک ذاتی پرتفوی ایستا که در تشکیل سنجه ارزش در معرض خطر فرض گردید، نمی باشند.

۱۳. این بحث در ارتباط با استفاده از سنجه ارزش در معرض خطر مبتنی بر شوک های قیمتی و اسنجی شده در خصوص دوره های نگهداری طولانی تر، توجیه پذیر و متقاعد کننده می باشد. به عبارت دیگر، مقایسه ۱۰ روز

سنجه های ریسک ۹۹ درصدی الزامات سرمایه ای مدل های داخلی با رخدادهای تجاری واقعی ۱۰ روز، محتملاً عمل معناداری نخواهد بود. بطور مشخص، در هر دوره مفروض ۱۰ روزه، تغییرات حائز اهمیت در ترکیب پرتفوی مرتبط با وضعیت های اولیه، در عمده مؤسسات تجاری رایج می باشد. به این دلیل، چارچوب آزمون پشتیبان تشریح شده در اینجا، شامل استفاده از سنجه ریسک و آسنجی شده به دوره نگهداری یک روز می شود. صرف نظر از محدودیت های ذکر شده در این مقاله، آزمون مبتنی بر این است که بانک چگونه ریسک را بصورت داخلی مدل سازی می کند.

۱۴. با فرض استفاده از سنجه های ریسک یک روزه، مناسب است تا رخدادهای تجاری یک روزه به عنوان شاخص و الگو در برنامه آزمون پشتیبان مورد استفاده قرار گیرد. به هر جهت، نگرانی مشابه در خصوص "متاثر شدن" از رخدادهای تجاری بحث شده در بالا می تواند حتی در خصوص رخدادهای یک روزه هم موضوعیت داشته باشد. به عبارت دیگر، این دغدغه وجود دارد که کل رخدادهای تجاری یک روزه، نقطه مناسبی نباشد چرا که آن تاثیر تجارت روزانه را منعکس می کند که محتملاً شامل درآمد کارمزد ثبت شده مرتبط با فروش محصولات جدید می باشد.

۱۵. به عبارت دیگر، تجارت روزانه، گرایش به افزایش نوسان رخدادهای تجاری دارد و می تواند در مواردی بروز کند که رخداد تجاری کلی فراتر از سنجه ریسک باشد. این رویداد به صراحت دلالت بر وجود مشکل در روش مورد استفاده در محاسبه سنجه ریسک ندارد، بلکه آن واقعاً خارج از گستره ای است که روش ارزش در معرض خطر پوشش می دهد. به بیان دیگر، شمولیت درآمد کارمزد به همین ترتیب منجر به تحریف و تغییر جهت آزمون پشتیبان، لیکن در جهت دیگر می شود، چرا که درآمد کارمزد اغلب واجد ویژگی های شبه سالیانه می باشد.

۱۶. از آنجا که این درآمد کارمزد، عموماً در محاسبات سنجه ریسک لحاظ نمی شود، مشکلات مدل اندازه گیری ریسک می تواند بواسطه شمولیت درآمد کارمزد در تعریف رخداد تجاری مورد استفاده برای اهداف آزمون پشتیبان، تغییر شکل دهد.

۱۷. برخی بحث می کنند که رخداد تجاری واقعی تجربه شده توسط بانک، مهمترین و مربوط ترین شکل و رقم برای اهداف اندازه گیری ریسک می باشد، و اینکه سنجه ریسک باید در مقابل واقعیت شاخص گذاری شود، حتی اگر مفروضات پشت محاسبات آنها در این خصوص محدود شده باشند. سایرین همچنین بحث می کنند که موضوع درآمد کارمزد می تواند به شیوه ای خردمندانه بواسطه حذف واقعی میانگین رخدادهای تجاری از

سری های زمانی قبل از انجام آزمون پشتیبان، به حد کافی تبیین شود. رویکرد پیچیده تر می تواند مشتمل بر مشارکت تفصیلی درآمد بواسطه منبع آن، شامل کارمزد، حاشیه سود، تغییرات بازار و نتایج تجارت روزانه شود. ۱۸. تا حدی که به برنامه آزمون پشتیبان، صرفاً به عنوان آزمون آماری یکپارچگی محاسبه سنجه ارزش در معرض خطر نگریسته شود، به صراحت مناسب ترین شیوه آن است تا از تعریف رخداد تجاری روزانه که برای آزمون "عدم تاثیر پذیری" مجاز است، استفاده شود. بمنظور رعایت این استاندارد، بانکها باید واجد قابلیت باشند تا آزمون پشتیبان را مبتنی بر تغییرات فرضی در ارزش پرتفوی در هنگامی که وضعیت انتهای روز بدن تغییر باشد، انجام دهند.

۱۹. همچنین آزمون پشتیبانی که از سود و زیان واقعی روزانه استفاده می کند، شیوه مناسبی است چرا که آن می تواند مواردی را که سنجه ریسک قادر به پوشش دقیق نو سانات تجاری علیرغم محاسبه در یکپارچگی نمی باشد، آشکار سازد.

۲۰. به این دلیل، کمیته بیان کرد که بانکها باید قابلیت انجام آزمون پشتیبان را با استفاده از هر دو رخدادهای تجاری فرضی و واقعی دارا باشند. اگر چه مقامات نظارتی ملی در تاکید بر اینکه آنها مایل به استقرار رویکردهای متفاوت برای آزمون پشتیبان هستند، متفاوت عمل می کنند، واضح است که هر یک از این رویکردها معتبر می باشد. نتیجه اینکه، هر دو رویکرد به دنبال تهیه درک قوی از ارتباط بین سنجه ریسک محاسبه شده و رخداد تجاری می باشد.

۲۱. مرحله بعدی در مشخص کردن برنامه آزمون پشتیبان، دغدغه در خصوص ماهیت و تناوب انجام آزمون پشتیبان می باشد. چارچوب پذیرفته شده توسط کمیته، که در عین حال مستقیم ترین رویه برای مقایسه سنجه ریسک با رخداد تجاری نیز می باشد، بطور واقعی در جستجوی دفعات زمانی است که رخداد تجاری توسط سنجه ریسک پوشش داده نشده است (استثناها). به عنوان مثال، در طول ۲۰۰ روز کاری، سنجه ریسک روزانه ۹۹ درصدی باید به طور متوسط ۱۹۸ رخداد تجاری از کل ۲۰۰ رخداد را پوشش داده و ۲ رخداد نیز مستثنی می شود.

۲۲. در ارتباط با تناوب آزمون پشتیبان، تقاضای مبتنی کردن آزمون پشتیبان بر حداکثر تعداد مشاهده ممکن باید در مقابل تقاضای انجام آزمون بر مبنای منظم تعدیل شود. چارچوب آزمون پشتیبان که باید اعمال شود، مستلزم آزمون رسمی و حسابداری مستثنیات بر مبنای فصلی با استفاده از جدید ترین داده های ۱۲ ماهه می باشد.

۲۳. اجرای برنامه آزمون پشتیبان باید بصورت رسمی در تاریخی آغاز شود که الزامات سرمایه‌ای مدل‌های داخلی، به عبارت دیگر حداکثر سال منتهی به ۱۹۹۷، موثر می‌شود. این دلالت بر آن دارد که اولین حسابداری رسمی مستثنیات تحت برنامه آزمون پشتیبان در انتهای سال ۱۹۹۸ رخ داده است. البته این امر مانع مقامات نظارتی ملی از درخواست نتایج آزمون پشتیبان قبل از آن تاریخ نمی‌شود، و بویژه مانع استفاده، در صلاحدید ملی، به عنوان بخشی از فرایند تأیید مدل داخلی نمی‌باشد.

۲۴. استفاده از جدیدترین داده‌های ۱۲ ماهه تقریباً منجر به ۲۵۰ مشاهده روزانه برای اهداف آزمون پشتیبان می‌شود. ناظران ملی از تعداد استثنایا (خارج از ۲۵۰) حاصله از مدل بانک، به عنوان مبنایی برای پاسخ نظارتی استفاده می‌کنند. در بسیاری موارد، هیچ گونه پاسخی وجود نخواهد داشت. در سایر موارد، ناظر در صورت وجود مشکل در مدل بانک، گفتگو و مذاکره با بانک را آغاز خواهد کرد. در جدی ترین موارد، ناظر ممکن است الزامات سرمایه‌ای بانک را افزایش داده یا استفاده از مدل را غیر مجاز اعلام کند.

۲۵. درخواست استفاده از تعداد استثنایا به عنوان نقطه مرجع اولیه در فرایند آزمون پشتیبان، صراحت و سادگی این رویکرد محسوب می‌شود. از نقطه نظر آماری، استفاده از تعداد استثنایا به عنوان مبنایی برای ارزیابی مدل بانک، وجود مفروضات نسبتاً با قوت کمتری را نیاز دارد. بطور مشخص، فرض اولیه آن است که هر آزمون روزانه (استثناء/غیر استثناء) مستقل از رخداد سایرین باشد.

۲۶. کمیته آگاه است که آزمون‌هایی از این نوع، از حیث قدرت در تمییز مدل‌های دقیق از مدل‌های غیر دقیق، محدود هستند. از نظر متخصصین آمار، این بدان معناست که واسنجی آزمون به نحوی که به صورت صحیح تمامی مدل‌های مشکل دار را بدون دادن سیگنال غلط از مشکلات در بسیاری از آن‌ها، نشان دهد، امکان پذیر نیست. این محدودیت ملاحظه برجسته در طراحی چارچوب ارایه شده در اینجا بوده و همچنین باید در بین ملاحظات ناظران ملی در تفسیر نتایج برنامه آزمون پشتیبان برجسته باشد. به هر جهت، کمیته این محدودیت را به عنوان مخالفت قاطع و تعیین کننده در استفاده از آزمون پشتیبان در نظر نمی‌گیرد. در عوض، استانداردهای نظارتی شرطی در خصوص چارچوب شفاف، گرچه محدود و ناکامل، به عنوان مرجع و متمایز نسبت به استانداردهای قضایوتی صرف یا چیزی بدون ویژگی‌های تشویقی، تلقی می‌شود.

۳. چارچوب نظارتی برای تفسیر نتایج آزمون پشتیبان

A. شرح رویکرد سه ناحیه

۲۷. بواسطه محدودیت های آماری آزمون پشتیبان، کمیته اقدام به معرفی چارچوبی برای تفسیر نظارتی نتایج آزمون پشتیبان نمود که مشتمل بر طیفی از پاسخ های ممکن، بسته به قدرت سیگنال های حاصل از آزمون می باشد. این پاسخ ها در سه ناحیه طبقه بندی شده، که توسط رنگ در سلسله مراتبی از پاسخ ها متمایز می شوند. ناحیه سبز مرتبط با نتایج آزمون پشتیبانی است که به خودی خود مبین وجود مشکلی از حیث کیفیت یا دقت در مدل بانک نمی باشند. ناحیه زرد مشتمل بر نتایجی است که هر چند ابهاماتی را به ذهن متبادر می کند لیکن نتیجه گیری آن صریح و قطعی نیست. ناحیه قرمز مبین نتایج آزمون پشتیبانی است که تقریباً و با اطمینان مبین وجود مشکل در مدل ریسک بانک می باشد.

۲۸. کمیته با استانداردهای مرتبط با تعریف سه ناحیه با توجه به تعداد استثنای حاصله در برنامه آزمون پشتیبان موافقت کرده است و این امر در زیر مطرح شده است. به هر جهت بمنظور قراردادن این تعریف از چشم انداز مناسب، شایسته است تا احتمال استخراج تعداد گوناگون استثنای را تحت مفروضات مختلف درباره دقت مدل اندازه گیری ریسک بانک مورد آزمون و بررسی قرار داد.

B. ملاحظات آماری در تعریف ناحیه ها

۲۹. سه ناحیه تعریف شده و حدود آنها بمنظور تنظیم دو نوع خطای آماری انتخاب شد: (۱) احتمال آن که مدل صحیح ریسک بر مبنای نتایج آزمون پشتیبان، غیر صحیح طبقه بندی شود، و (۲) احتمال آن که یک مدل غیر صحیح مبتنی بر نتایج آزمون پشتیبان آن، غیر صحیح طبقه بندی نشود.

۳۰. جدول شماره ۱، احتمالات به دست آوردن تعداد مشخص استثنای از نمونه ای شامل ۲۵۰ مشاهده مستقل تحت مفروضات گوناگون درباره درصد واقعی رخدادها که توسط مدل پوشش داده می شود را نشان می دهد (به عبارت دیگر، این موارد احتمالات دوگانه محسوب می شوند). به عنوان نمونه، بخش سمت چپ جدول شماره ۱، احتمالات مرتبط با مدل دقیق را گزارش می کند (به عبارت دیگر، سطح واقعی پوشش ۹۹ درصد می باشد). تحت این مفروضات، ستون دارای عنوان "واقعی" دقیقاً مبین ۱۵ استثناء است که می تواند در ۶/۷ درصد نمونه ها مورد انتظار باشد.

۳۱. بخش سمت راست جدول شماره ۱، احتمالات مرتبط با چندین مدل غیر دقیق ممکن که سطح واقعی پوشش آنها به ترتیب ۹۸٪، ۹۷٪، ۹۶٪، و ۹۵٪ می باشد را گزارش می کند. بنابراین ستون دارای عنوان "واقعی" تحت سطح پوشش مفروض ۹۷٪ نشان می دهد که ۱۵ استثناء می تواند در ۱۰/۹ درصد نمونه ها مورد انتظار باشد.

۳۲. جدول شماره ۱، همچنین چندین احتمال مهم خطا را گزارش می کند. برای مفروضاتی که مدل ۹۹ درصد رخدادهای پوشش می دهد (سطح مطلوب پوشش)، جدول احتمالاتی را گزارش می کند که با انتخاب تعداد مفروض استثناء به عنوان آستانه رد دقت مدل، منتهی به رد اشتباه مدل دقیق (خطای نوع اول) خواهد شد. به عنوان نمونه، اگر آستانه در حداقل ممکن، یعنی یک استثناء تنظیم شود، متعاقباً مدل های دقیق بطور کامل در ۹۱/۹ درصد زمان رد خواهد شد، چرا که آنها مدل را فقط در ۸/۱ درصد موارد که استثنای صفر حاصل می شود، رد نخواهند کرد. هنگامی که تعداد آستانه استثناء افزایش یابد، احتمال بروز این نوع خطا کاهش می یابد.

۳۳. تحت مفروضاتی که سطح واقعی پوشش مدل، ۹۹ درصد نباشد، جدول شماره ۱ احتمالاتی را گزارش می کند که با انتخاب تعداد مفروض استثناء به عنوان آستانه رد دقت مدل، منتهی به پذیرش اشتباه مدل با سطح (غیر دقیق) پوشش مفروض (خطای نوع دوم) خواهد شد. به عنوان نمونه، اگر سطح واقعی پوشش مدل ۹۷ درصد باشد، و آستانه رد، تعداد ۱۷ استثناء یا بیشتر تعیین شود، جدول نشان می دهد که این مدل بصورت اشتباه در ۳۷/۵ درصد زمان پذیرفته می شود.

۳۴. همچنین در تفسیر دادهای جدول شماره ۱، حایز اهمیت است که در نظر داشته باشیم، اگر چه مدل های جایگزین نزدیک به استانداردهای مطلوب از حیث مقررات احتمالی هستند (۹۷ درصد نزدیک به ۹۹ درصد)، ولی اختلاف بین این مدل ها از حیث اندازه سنج ریسک حاصله، ممکن است اساسی و قابل توجه باشد. به عبارت دیگر، سنج ریسک بانک، می تواند بطور اساسی کمتر از مدل دقیق بوده و در عین حال ۹۷ درصد رخدادهای تجاری را پوشش دهد. به عنوان نمونه، در خصوص رخدادهای تجاری دارای توزیع نرمال، ۹۷ درصد مرتبط با انحراف معیار ۱/۸۸ می شود، در حالی که ۹۹ درصد مربوط به انحراف معیار ۲/۳۳ می شود که افزایشی قریب به ۲۵ درصد دارد. بنابراین خواسته نظارتی جهت تفکیک بین مدل های دارای ۹۹ درصد پوشش، و مدل های واجد ۹۷ درصد پوشش، بسیار بجا و واقعی است.

C. تعریف ناحیه های سبز، زرد و قرمز

۳۵. نتایج جدول شماره ۱ همچنین مبین برخی محدودیت های آماری آزمون پشتیبان می باشد. بویژه، هیچ تعداد استثناء برای آستانه وجود ندارد که همزمان منتهی به احتمال کم رد اشتباه مدل دقیق و احتمال کم پذیرش اشتباه همه مدل های غیر دقیق شود. به همین دلیل است که کمیته رویکرد شامل آستانه واحد را نپذیرفت.

۳۶. با وجود این محدودیت ها، کمیته رخداده را در سه دسته، طبقه بندی کرده است. در دسته اول، نتایج آزمون سازگار با یک مدل دقیق بوده و امکان پذیرش اشتباه مدل غیر دقیق کم است (ناحیه سبز). در سمت مخالف، نتایج آزمون تا حد زیادی مغایر با نتایج حاصله از مدل دقیق بوده و احتمال رد اشتباه مدل دقیق بر این مبنا، بعید است (ناحیه قرمز). به هر جهت، در بین این دو مورد، ناحیه ای قرار دارد که نتایج آزمون پشتیبان می تواند هم با مدل های دقیق و غیر دقیق سازگار باشد، و ناظر قبل از هر گونه اقدامی باید بانک را ترغیب کند تا اطلاعات بیشتری درباره مدل خود ارایه کند (ناحیه زرد).

۳۷. جدول شماره ۲ حدود مورد توافق کمیته برای این سه ناحیه و پاسخ های احتمالی نظارتی برای هر یک از نتایج آزمون پشتیبان را مبتنی بر نمونه ای از ۲۵۰ مشاهده ارایه می کند. برای سایر اندازه های نمونه، حدود باید با احتساب احتمالات دوگانه مرتبط با پوشش ۹۹ درصدی، همانند جدول شماره ۱، کاهش یابد. ناحیه زرد از نقطه ای شروع می شود که احتمال حصول آن تعداد استثناء یا کمتر، برابر یا افزون از ۹۵ درصد باشد. جدول شماره ۲ این احتمالات تجمیعی را برای هر تعداد استثناء گزارش می کند. برای ۲۵۰ مشاهده، می توان مشاهده کرد که تعداد ۱۵ استثناء یا کمتر در ۹۵/۸۸ درصد زمان به دست خواهد آمد، هنگامی که سطح واقعی پوشش، ۹۹ درصد است. بنابراین، ناحیه زرد در سطح تعداد ۵ استثناء شروع می شود.

۳۸. به طریق مشابه، شروع ناحیه قرمز به عنوان نقطه ای که احتمال دستیابی به آن تعداد استثناء یا کمتر، معادل یا فراتر از ۹۹/۹۹ درصد است، تعریف می شود. جدول شماره ۲ نشان می دهد که برای نمونه ای شامل ۲۵۰ مشاهده و سطح واقعی پوشش ۹۹ درصد، این امر با ۱۰ استثناء رخ می دهد.

D. ناحیه سبز

۳۹. ناحیه سبز نیاز به ارایه اندکی توضیحات دارد. از آنجا که مدلی است که به صورت واقعی ۹۹ درصد پوشش ایجاد می کند، می تواند کاملاً محتمل، حداکثر ۴ استثناء در نمونه ای شامل ۲۵۰ رخداد تولید کند، لذا دلایل کمی برای نگرانی در خصوص قرار گرفتن نتایج آزمون پشتیبان در این گستره، وجود دارد. این امر با نتایج جدول شماره ۱ تأیید می شود، که نشان می دهد که پذیرش رخدادهای در این دامنه، منجر به شناساندگی برای پذیرش غلط مدل غیر دقیق می شود.

E. ناحیه زرد

۴۰. گستره عددی ۵ تا ۹ استثناء ناحیه زرد را تشکیل می دهد. رخدادهای در این دامنه محتمل و پذیرفتنی برای هر دو مدل های دقیق و غیر دقیق هستند، هر چند جدول شماره ۱ پی شنهاد می کند که آنها به صورت کلی برای مدل غیر دقیق محتمل هستند تا مدل های دقیق. افزون بر آن، نتایج جدول شماره ۱ نشان می دهد که پیش فرضی که بموجب آن، مدل غیر دقیق تلقی می شود، باید هنگامی که تعداد استثنای از عدد ۵ به سمت ۹ افزایش می یابند، تقویت شود.

۴۱. کمیته در خصوص ناحیه زرد موافقت کرد، تعداد استثنای باید بصورت کلی رهنمودی برای میزان افزایش بالقوه نظارتی در الزامات سرمایه ای شرکت باشد. جدول شماره ۲ رهنمود مورد قبول کمیته برای افزایش در ضرایب قابل اعمال در الزامات سرمایه ای مدل های داخلی منتهی از نتایج آزمون پشتیبان در ناحیه زرد را تعیین می کند. ۴۲. این رهنمود به حفظ ساختار مناسب مشوق های قابل اعمال به رویکرد مدل های داخلی کمک می کند. بطور مشخص، مجازات های بالقوه نظارتی با توجه به تعداد استثنای افزایش می یابد. به صورت کلی، نتایج جدول شماره ۱ از این ایده و مفهوم که وجود ۹ استثناء نتایج مساله دارتری نسبت به ۵ استثناء محسوب می شود، حمایت کرده و این مراحل با هدف انعکاس آن به شمار می رود.

۴۳. این ارزش های ویژه، منعکس کننده این ایده کلی هستند که افزایش در ضرایب باید از کفایت لازم برخوردار بوده تا مدل را به استاندارد ۹۹ درصدی برگرداند. به عنوان نمونه، وجود ۵ استثناء در نمونه ۲۵۰ عددی، صرفاً دلالت بر پوشش ۹۸ درصدی دارد. بنابراین، افزایش در ضرایب باید از کفایت لازم جهت تبدیل مدلی با پوشش ۹۸ درصدی به مدلی با پوشش ۹۹ درصدی برخوردار باشد. نیازی به گفتن نیست، که محاسبات دقیق و جامع از این نوع، مستلزم مفروضات آماری اضافی است که احتمالاً نگهداری آن در تمامی موارد میسر نیست. به عنوان نمونه، اگر توزیع رخدادهای تجاری، نرمال فرض شود، سپس حاصل نسبت ۹۹ درصد به ۹۸ درصد، تقریباً $1/14$ بوده و بنابراین افزایش مورد نیاز در ضریب تقریباً 40% برای ضریب مقیاسی ۳ خواهد بود. اگر توزیع واقعی نرمال نباشد، ولی در عوض دنباله های پهنی داشته باشد، سپس مستلزم افزایش بزرگتری است تا به استاندارد ۹۹ درصدی نایل شویم. همچنین دغدغه در خصوص دنباله پهن، عامل مهمی در انتخاب افزایش مشخص مندرج در جدول ۲ محسوب می شود.

۴۴. به هر جهت، حایز اهمیت است تا تاکید شود که این افزایش به معنای خودکار بودن صرف آن نیست. نتایج جدول شماره ۱ نشان می دهد که نتایج ناحیه زرد همواره دلالت بر یک مدل غیر دقیق ندارد و کمیته علاقه ای به مجازات بانک هایی که صرفاً با بد شانسسی مواجه شده اند، ندارد. با این وجود، بمنظور حفظ مشوق ها

به صورت مناسب، نتایج آزمون پشتیبان در ناحیه زرد باید به صورت کلی با پیش فرض اعمال افزایش ضریب همراه باشد، مگر اینکه بانک بتواند اظهار کند که این قبیل افزایش، ضرورتی ندارد.

۴۵. به عبارت دیگر، مسئولیت اثبات در این وضعیت ها نباید بر عهده ناظر باشد تا ثابت کند که مشکل وجود دارد، بلکه باید بر عهده بانک باشد تا اثبات کند که مدل داخلی آن بصورت بنیادی از صحت و سلامت برخوردار است. در این قبیل وضعیت ها، انواع گوناگونی از اطلاعات اضافی وجود دارد که می تواند با ارزیابی مدل بانک مرتبط باشند.

۴۶. به عنوان نمونه، این امر بطور ویژه ارزشمند است تا بینیم که نتایج آزمون پشتیبان، زیرمجموعه های منفک از فعالیت کلی تجاری بانک را پوشش می دهد. بسیاری از بانک ها که درگیر برنامه منظم آزمون پشتیبان هستند، پرتفوی تجاری کلی خود را به واحدهای تجاری سازمان یافته حول عوامل ریسک یا دسته بندی محصولات تجزیه می کنند. تجزیه به این شیوه، می تواند ردیابی مشکلی که در سطح تلفیقی ظاهر شده را به منبع آن در سطح واحد تجاری مشخص یا مدل ریسک، امکان پذیر کند.

۴۷. همچنین بانک ها باید تمامی استثناهای حاصله از برنامه مستمر آزمون پشتیبان مشتمل بر توضیح هر استثناء را مستند سازی کنند. این مستندات در تعیین پاسخ نظارتی مناسب به نتایج آزمون پشتیبان در ناحیه زرد حایز اهمیت می باشد. بانک ها همچنین می توانند آزمون پشتیبان را برای فواصل اطمینان غیر از ۹۹ درصدی انجام دهند یا می توانند سایر آزمون های آماری که در اینجا لحاظ نشده را اجرا کنند. طبیعتاً، این اطلاعات همچنین می تواند در ارزیابی مدل آن ها بسیار سودمند باشد.

۴۸. در عمل، چندین توضیح ممکن در خصوص استثنای آزمون پشتیبان وجود دارد، برخی از آن ها به یکپارچگی مبنایی مدل بر می گردد، و برخی دیگر حتی بد شانسی یا نتایج تجاری روزمره ضعیف را نشان می دهد. طبقه بندی استثناهای حاصله توسط مدل بانک در این دسته ها می تواند تمرین مفیدی تلقی شود.

یکپارچگی مبنایی مدل

(۱) سیستم های بانک بصورت واقعی ریسک وضعیت های خود را پوشش نمی دهند (به عبارت دیگر، وضعیت های دفاتر خارج از کشور بصورت غیر صحیح گزارش شده اند).

(۲) نو سانات مدل و / یا همبستگی ها بصورت غیر صحیح محاسبه شده اند (به این معنا که محاسبه گر به ۲۵۰ تقسیم شده، هنگامی که باید بر ۲۲۵ تقسیم شود).

دقت مدل می تواند بهبود یابد

(۳) مدل اندازه گیری ریسک، با دقت کافی ریسک برخی ابزارها را ارزیابی نمی کند (به عبارت دیگر، دسته های با سررسید خیلی کم یا حاشیه سود حذف شده).

بدشأنسی یا بازار به شیوه ای که توسط مدل پیش بینی نشده است، تغییر کند.

(۴) شانس تصادفی (رویداد با احتمال خیلی کم).

(۵) تغییرات بازار به شتر از پیش بینی احتمالی مدل است (به عبارت دیگر، نوسانات به صورت معناداری به شتر از مقدار پیش بینی شده است).

(۶) بازار به میزان پیش بینی شده با یکدیگر، تغییر نکرده است (به عبارت دیگر همبستگی بصورت معناداری متفاوت از میزان مفروض توسط مدل بوده است).

تجارت روزمره

(۷) تغییر بزرگ (وازدست دادن پول) در وضعیت های بانکی یا برخی رخدادهای درآمدی دیگر بین انتهای روز اول (هنگامی که تخمین ریسک محاسبه شده بود) و انتهای روز دوم (هنگامی که نتایج تجاری جدول بندی شدند) وجود داشت.

۴۹. بطور کلی، مشکلات مرتبط با یکپارچگی مبنایی مدل اندازه گیری ریسک بصورت بالقوه از بیشترین اهمیت و جدیت برخوردارند. اگر استثناهایی متناسب به این دسته در خصوص واحد تجاری مشخصی وجود داشته باشد، افزایش باید اعمال شود. افزون بر آن، مدل نیازمند بررسی و/یا تعدیل اساسی بوده و از ناظر انتظار می رود تا اقدام مناسب جهت حصول اطمینان از وقوع آن را بعمل آورد.

۵۰. دسته دوم مشکلات (فقدان دقت مدل) موردی است که انتظار می رود که حداقل در بخشی از زمان با بیشترین مدل اندازه گیری ریسک امکان وقوع دارد. هیچ مدلی انتظار دستیابی به دقت اولیه ندارد، و بنابراین همه مدلها شامل مقداری تقریب و تخمین هستند. به هر جهت، اگر مدل خاص بانک بیشتر متمایل به یک نوع از مشکلات نسبت به بقیه باشد، ناظران باید عامل اضافی تحمیل کرده و همچنین سایر مشوق هایی که جهت ترغیب بهبود و اصلاحات لازم است، را مد نظر قرار دهند.

۵۱. همچنین انتظار می رود دسته سوم مشکلات (بازار به شیوه ای غیر از آنچه توسط مدل پیش بینی شده است، تغییر کند) حداقل در برخی از زمان با مدل های ارزش در معرض خطر بوقوع پیوندد. بطور مشخص، حتی از یک مدل دقیق هم انتظار نمی رود که ۱۰۰ درصد رخدادهای تجاری را پوشش دهد. برخی استثناءها مسلماً همان ۱ درصد تصادفی است که از مدل انتظار نمی رود آن را پوشش دهد. در سایر موارد، رفتار بازار ممکن

است به نحوی شیفت کند که تخمین های قبلی نوسانات و همبستگی از تناسب کمتری برخوردار است. هیچ مدل ارزشی در معرض خطری از این نوع مشکل مصون و ایمن نیست؛ این موضوع در ذات اتکا بر رفتار گذشته بازار به عنوان وسیله ای برای سنجش ریسک آتی تغییرات بازار، وجود دارد.

۵۲. سرانجام، بسته به تعریف رخدادهای تجاری بکارگرفته شده در آزمون پشتیبان، استثناها همچنین می توانند از طریق نتایج معاملات روزانه یا رویدادهای غیر معمول در درآمد تجاری خارج از وضعیت گیری حاصل شوند. هر چند وجود استثناها به این دلایل الزاماً به منزله وجود مشکل در مدل ارزشی در معرض خطر بانک نیست، آنها می توانند دلیلی برای نگرانی نظارتی محسوب شده و اعمال مازاد باید مد نظر قرار گیرد.

۵۳. حدی که بموجب آن رخداد تجاری فراتر از سنجه ریسک ۱ ست، بخش مرتبط دیگری از اطلاعات ۱ ست. با فرض برابری همه چیز، استثناهای حاصله از طریق رخدادهای تجاری که خیلی فراتر از سنجه ریسک هستند موضوعات نگران کننده تری در مقایسه با آنها می هستند که صرفاً اندکی بزرگتر از سنجه ریسک محسوب می شوند.

۵۴. در تصمیم گیری در خصوص اینکه آیا افزایش در الزامات سرمایه ای بانک اعمال شود یا خیر، پیش بینی شده که ناظر می تواند این عوامل را مانند بقیه شامل ارزیابی تطبیق بانک با استانداردهای کیفی قابل اعمال مدیریت ریسک، موزون نماید. بر مبنای اطلاعات اضافی تهیه شده توسط بانک، ناظر در خصوص اقدامات مناسب تصمیم گیری خواهد کرد.

۵۵. بصورت کلی، اعمال الزامات سرمایه ای برای رخدادهای ناحیه زرد هنگامی که ناظر بر این باور است که دلایل بودن در این ناحیه، وجود مشکل قابل اصلاحی در مدل بانک است، پاسخ مناسبی قلمداد می شود. این می تواند در تضاد با مورد کشمکش غیر منتظره نوسان بالای بازار که تقریباً همه مدل ها در پیش بینی با شکست مواجه می شوند، باشد. در حالی که این بخش می تواند پردغدغه باشد، الزاماً نشانگر ضرورت بازطراحی مدل ریسک بانک محسوب نمی شود. سرانجام، در مورد وجود مشکلات جدید در یکپارچگی مبنایی مدل، ناظر باید در مجموع غیرمجاز اعلام کردن استفاده از مدل جهت اهداف سرمایه ای را ملحوظ نظر داشته باشد.

F. ناحیه قرمز

۵۶. سرانجام، بر خلاف ناحیه زرد که ناظر در تفسیر نتایج آزمون پشتیبان می توانست از قضاوت خود بهره ببرد، رخدادهای در ناحیه قرمز (۱۰ استثناء یا بیشتر) باید بصورت کلی منجر به این پیش فرض خودکار شود که

مشکل در ارتباط با مدل بانک وجود دارد. این بدان دلیل است که خیلی محتمل است که یک مدل دقیق بصورت مستقل تعداد ۱۰ استثناء و یا بیشتر از نمونه ای شامل ۲۵۰ رخداد تجاری حاصل کند.

۵۷. بنابراین اگر مدل بانک در ناحیه قرمز قرار گیرد، ناظر باید بصورت خودکار ضریب قابل اعمال در خصوص مدل شرکت را یک واحد (از سه تا چهار) افزایش دهد. نیازی به گفتن نیست، که ناظر همچنین باید چرایی اینکه مدل بانک این قبیل اشتباهات بزرگ را تولید کرده مورد بررسی و رسیدگی قرار داده و بانک را ملزم کند تا اقدامات اصلاحی در خصوص مدل خود را بفوریت آغاز کند.

۵۸. اگر چه تعداد ۱۰ استثناء عدد بزرگی برای ۲۵۰ مشاهده محسوب می شود، موارد خیلی نادری وجود دارند که دلیل معتبر چرایی تولید تعداد زیادی استثناء توسط یک مدل دقیق را توجیه کنند. بطور مشخص، هنگامی که بازارهای مالی مشمول رژیم تغییر جهت عمده هستند، می توان انتظار داشت بسیاری از نوسانات و اصلاحات، ولو اساسی، به تبع آن تغییر جهت دهد. مگر اینکه یک بانک خود را بلافاصله مهیای به روز رسانی نوسان و اصلاح برآوردها نماید، این قبیل رژیم های تغییر جهت می تواند منجر به دستیابی به استثنائاتی در کوتاه مدت شود. به هر جهت، اصولاً این گونه استثنائات می تواند به دلایل مشابه رخ دهد، در صورتی که تعداد ۱۰ استثناء وجود دارد ولی هر یک ناشی از حادثه جداگانه ای هستند، بنابراین واکنش مناسب نظارتی ممکن است یکسان نباشد. به عنوان نمونه، یک پاسخ نظارتی ممکن در این مورد در حقیقت می تواند ملزم کردن مدل بانک جهت احتساب رژیم تغییر جهت در سریعترین زمان ممکن در عین حفظ یکپارچگی رویه های آن برای به روز رسانی مدل، می باشد.

۵۹. به هر جهت باید تاکید کرد، کمیته بر این باور است که این استثناء باید صرفاً تحت غیر معمول ترین پیامدها مجاز شود، و اینکه افزایش خودکار و بدون مصلحت در الزامات سرمایه ای بانک برای نتایج آزمون پشتیبان که در ناحیه قرمز قرار می گیرد، تعهد شده باشد.

IV. نتیجه گیری

۶۰. چارچوب بالا به دنبال آن است تا رویکردی سازگار جهت استفاده آزمون پشتیبان در رویکرد مدل های داخلی الزامات سرمایه ای ریسک بازار، تعیین کند. اهداف این کوشش ایجاد مشوق های مناسب و ضروری در چارچوبی است که بر کوشش های بانک در محاسبه ریسک های مترتبه اتکا کند، و انجام آن به شیوه ای که به محدودیت های ذاتی در ابزارهای در اختیار توجه داشته و حدود و هزینه های رویه های تحمیلی را به حداقل برساند.

۶۱. کمیته بال بر این باور است که چارچوب مشروحه در بالا با تعدیل حق در این رابطه هم خوانی دارد. به هر جهت، و شاید با اهمیت بیشتر، کمیته باور دارد که این رویکرد در گام اول بوده و بنابراین برداشتن گام به سمت یکپارچگی محکم تر رهنمودهای نظارتی با سنجه های قابل بررسی عملکرد بانک، حیاتی است.

جدول شماره ۱

مدل غیر دقیق است: سطوح پوشش بدیل های ممکن									مدل دقیق است		
پوشش = ۹۵ درصد		پوشش = ۹۶ درصد		پوشش = ۹۷ درصد		پوشش = ۹۸ درصد		استثناها	پوشش = ۹۹ درصد		استثناها
نوع ۲	واقعی	نوع ۲	واقعی	نوع ۲	واقعی	نوع ۲	واقعی	از ۲۵۰	نوع ۱	واقعی	از ۲۵۰
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۶٪	۰	۱۰۰.۰٪	۸.۱٪	۰
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۴٪	۰.۶٪	۳.۳٪	۱	۹۱.۹٪	۲۰.۵٪	۱
۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۲٪	۰.۴٪	۱.۵٪	۳.۹٪	۸.۳٪	۲	۷۱.۴٪	۲۵.۷٪	۲
۰.۰٪	۰.۱٪	۰.۲٪	۰.۷٪	۱.۹٪	۳.۸٪	۱۲.۲٪	۱۴.۰٪	۳	۴۵.۷٪	۲۱.۵٪	۳
۰.۱٪	۰.۳٪	۰.۹٪	۱.۸٪	۵.۷٪	۷.۲٪	۲۶.۲٪	۱۷.۷٪	۴	۲۴.۲٪	۱۳.۴٪	۴
۰.۵٪	۰.۹٪	۲.۷٪	۳.۶٪	۱۲.۸٪	۱۰.۹٪	۴۳.۹٪	۱۷.۷٪	۵	۱۰.۸٪	۶.۷٪	۵
۱.۳٪	۱.۸٪	۶.۳٪	۶.۲٪	۲۳.۷٪	۱۳.۸٪	۶۱.۶٪	۱۴.۸٪	۶	۴.۱٪	۲.۷٪	۶
۳.۱٪	۳.۴٪	۱۲.۵٪	۹.۰٪	۳۷.۵٪	۱۴.۹٪	۷۶.۴٪	۱۰.۵٪	۷	۱.۴٪	۱.۰٪	۷
۶.۵٪	۵.۴٪	۲۱.۵٪	۱۱.۳٪	۵۲.۴٪	۱۴.۰٪	۸۶.۹٪	۶.۵٪	۸	۰.۴٪	۰.۳٪	۸
۱۱.۹٪	۷.۶٪	۳۲.۸٪	۱۲.۷٪	۶۶.۳٪	۱۱.۶٪	۹۳.۴٪	۳.۶٪	۹	۰.۱٪	۰.۱٪	۹
۱۹.۵٪	۹.۶٪	۴۵.۵٪	۱۲.۸٪	۷۷.۹٪	۸.۶٪	۹۷.۰٪	۱.۸٪	۱۰	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۰
۲۹.۱٪	۱۱.۱٪	۵۸.۳٪	۱۱.۶٪	۸۶.۶٪	۵.۸٪	۹۸.۷٪	۰.۸٪	۱۱	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۱
۴۰.۲٪	۱۱.۶٪	۶۹.۹٪	۹.۶٪	۹۲.۴٪	۳.۶٪	۹۹.۵٪	۰.۳٪	۱۲	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۲
۵۱.۸٪	۱۱.۲٪	۷۹.۵٪	۷.۳٪	۹۶.۰٪	۲.۰٪	۹۹.۸٪	۰.۱٪	۱۳	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۳
۶۲.۹٪	۱۰.۰٪	۸۶.۹٪	۵.۲٪	۹۸.۰٪	۱.۱٪	۹۹.۹٪	۰.۰٪	۱۴	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۴
۷۲.۹٪	۸.۳٪	۹۲.۱٪	۳.۴٪	۹۹.۱٪	۰.۵٪	۱۰۰.۰٪	۰.۰٪	۱۵	۰.۰٪	۰.۰٪	۱۵

نکات: جدول هر دو احتمال دستیابی به تعداد معینی استثناء از نمونه ۲۵۰ مشاهده مستقل تحت چندین مفروض درباره سطح صحیح پوشش بو به همین ترتیب احتمالات خطای نوع ۱ و ۲ ناشی از این احتمالات واقعی را نشان می دهد.

بخش سمت چپ جدول مربوط به موردی است که مدل دقیق و سطح دقیق پوشش ۹۹ درصد است. بنابراین، احتمال مستثنی بودن هر مشاهده مفروض ۱ درصد است (۱-۹۹=۱۰۰). ستون دارای عنوان واقعی، نمایانگر احتمال دستیابی بطور دقیق عدد استثنای مندرج تحت این فرض در یک نمونه ۲۵۰ مشاهده مستقل می باشد. ستون دارای عنوان نوع ۱، نمایانگر احتمالاتی است که با استفاده از تعداد مفروض استنهاها به عنوان مقطعی برای رد یک مدل دلالت خواهد داشت بر رد اشتباه یک مدل دقیق با استفاده از نمونه ۲۵۰ مشاهده مستقل. به عنوان نمونه، اگر سطح مقطع تعداد ۵ استثناء یا بیشتر تعیین شود، ستون نوع ۱ احتمال رد غلط مدلی دقیق با ۲۵۰ مشاهده مستقل برابر با ۱۰/۸ درصد خواهد بود.

بخش سمت راست جدول مربوط به مدل های غیر دقیق است. بطور مشخص، جدول بر ۴ مدل غیر دقیق مشخص که سطح دقیق پوشش اسمی آنها بترتیب ۹۸ درصد، ۹۷ درصد، ۹۶ درصد و ۹۵ درصد هستند، متمرکز می باشد. برای هر مدل غیر دقیق، ستون دارای عنوان واقعی، نمایانگر احتمال دستیابی بطور دقیق عدد استثنای مندرج تحت این فرض در یک نمونه ۲۵۰ مشاهده مستقل می باشد. ستون دارای عنوان نوع ۲، نمایانگر احتمالاتی است که با استفاده از تعداد مفروض استنهاها به عنوان مقطعی برای رد یک مدل، دلالت خواهد داشت بر پذیرش اشتباه یک مدل غیر دقیق با سطح مفروض پوشش با استفاده از نمونه ۲۵۰ مشاهده مستقل. به عنوان نمونه، اگر سطح مقطع تعداد ۵ استثناء یا بیشتر تعیین شود، ستون نوع ۲ برای سطح پوشش مفروض ۹۷ درصدی، بیانگر احتمال پذیرش غلط مدلی با پوشش صرف ۹۷ درصدی با ۲۵۰ مشاهده مستقل برابر با ۱۲/۸ درصد خواهد بود.

جدول شماره ۲			
ناحیه	تعداد استثنایها	افزایش در عامل مقیاسی	احتمال تجمعی
ناحیه سبز	۰	۰.۰۰	۸.۱۱٪
	۱	۰.۰۰	۲۸.۵۸٪
	۲	۰.۰۰	۵۴.۳۲٪
	۳	۰.۰۰	۷۵.۸۱٪
	۴	۰.۰۰	۸۹.۲۲٪
ناحیه زرد	۵	۰.۴۰	۹۵.۸۸٪
	۶	۰.۵۰	۹۸.۶۳٪
	۷	۰.۶۵	۹۹.۶۰٪
	۸	۰.۷۵	۹۹.۸۹٪
	۹	۰.۸۵	۹۹.۹۷٪
ناحیه قرمز	۱۰ یا بیشتر	۱.۰۰	۹۹.۹۹٪

نکات: جدول سه ناحیه سبز، زرد و قرمزی را تعریف می کند که ناظر بمنظور ارزیابی نتایج آزمون پشتیبان همراه با رویکردمدل های داخلی الزامات سرمایه ای ریسک بازار از آن استفاده خواهد کرد را نشان می دهد. حدود مندرج در جدول بر مبنای نمونه ای شامل ۲۵۰ مشاهده است. برای سایر اندازه های نمونه، ناحیه زرد از نقطه ای شروع می شود که احتمال تجمعی برابر یا فراتر از ۹۵ درصد است، و ناحیه قرمز از نقطه ای شروع می شود که احتمال تجمعی برابر یا فراتر از ۹۹/۹۹ درصد است.

احتمال تجمعی، به سادگی احتمال دستیابی به تعداد مفروض یا کمتر استثنایها در یک نمونه ۲۵۰ مشاهده ای است هنگامی که سطح دقیق پوشش ۹۹ درصد است. به عنوان نمونه، احتمال تجمعی نشان داده شده برای ۴ استثناء ، احتمال دستیابی بین صفر و ۴ استثناء است.

توجه شود که این احتمالات تجمعی و خطاهای نوع ۱ گزارش شده در جدول، به یکدیگر اضافه نمی شود، چرا که احتمال تجمعی برای تعداد استثنای مفروض، شامل احتمال دستیابی دقیق به آن تعداد استثناء و به همین ترتیب احتمال خطای نوع اول است. بنابراین، جمع این دو احتمال فراتر از مقداری است که احتمال دستیابی به تعداد مشخص استثناء بطور دقیق خواهد بود.

پیوست ۱۱

رویکرده ساده استاندارد^{۱۶۹}

۱. ریسک اعتباری – قواعد کلی برای وزن های ریسک

۱. منابع در معرض ریسک باید پس از کسر ذخایر اختصاصی، موزن به ریسک شوند.

A. مطالبات از دولت ها و بانک های مرکزی

۲. مطالبات از دولت ها و بانک های مرکزی بر اساس آرای رتبه ریسک کشوری مؤسسات اعتباری صادراتی (ECA) در "ترتیب اعتبارات صادراتی تأمین شده رسمی" موزن به ریسک می شوند. رتبه های مذکور در وب سایت OECD قابل دسترسی می باشد.^{۱۷۰} روش مذکور ۸ رتبه ریسک را همراه با حداقل حق بیمه صادرات تعیین می کند. مطابق با جدول زیر، هر رتبه مؤسسات اعتباری صادراتی متناظر با یک وزن ریسک مشخص می باشد.

رتبه های ریسک ECA	۱-۰	۲	۳	۴ تا ۶	۷
وزن های ریسک	۰٪	۲۰٪	۵۰٪	۱۰۰٪	۱۵۰٪

۳. بر اساس صلاح دید ملی، وزن ریسک کمتر می تواند در خصوص منابع در معرض ریسک بانک ها به دولت خود (یا بانک مرکزی خود) که تأمین وجه با ارز ملی انجام شده است، اختصاص دهند.^{۱۷۱} زمانی که این اقدام انجام گرفت، سایر مقامات نظارتی ملی می توانند به بانک ها اجازه دهند که همان وزن های ریسک به منابع در معرض ریسک ارز داخلی به دولت مذکور (یا بانک مرکزی) که با آن ارز تأمین وجه شده است، را بکار گیرند.

B. مطالبات از سایر نهادهای رسمی

۴. مطالبات از بانک تسویه بین المللی، صندوق بین المللی پول، بانک مرکزی اروپا و جامعه اروپا وزن ریسک صفر درصد خواهند گرفت.

^{۱۶۹} این رویکرد نباید به عنوان رویکرد دیگری برای تعیین سرمایه مقرراتی در نظر گرفته شود. این روش ساده ترین روش محاسبه دارایی های موزن به ریسک را نشان می دهد.

^{۱۷۰} طبقه بندی ریسک کشوری مورد اجماع در وب سایت OECD (<http://www.oecd.org>) در صفحه وب ترتیب اعتبار صادراتی مدیران تجارت قابل دسترسی می باشد.

^{۱۷۱} همچنین، بانک باید دارای بدهی هایی به ارز داخلی باشد.

^{۱۷۲} این وزن ریسک کمتر، می تواند به وزن دهی ریسک وثیقه و تضامین تسری داده شود.

۵. بانکهای توسعه‌ای چندجانبه زیر واجد شرایط وزن ریسک صفر درصد می‌باشند:

- گروه بانک جهانی، شامل بانک بین‌المللی توسعه و ساخت و شرکت مالی بین‌المللی
- بانک توسعه آسیا
- بانک توسعه آفریقا
- بانک اروپایی توسعه و ساخت
- بانک توسعه حوزه آمریکا
- بانک سرمایه‌گذاری اروپا
- صندوق سرمایه‌گذاری اروپا
- بانک سرمایه‌گذاری اسکاندیناوی
- بانک توسعه کارائیب
- بانک توسعه اسلامی
- شورای بانک توسعه اروپا

۶. وزن ریسک استاندارد برای مطالبات از سایر بانکهای توسعه‌ای چندجانبه، ۱۰۰ درصد می‌باشد.

۷. مطالبات از نهادهای عمومی داخلی بر اساس چارچوب وزن ریسک مطالبات از بانکهای آن کشور، موزون

به ریسک خواهد شد. منوط به صلاحدید ملی، مطالبات از نهادهای عمومی داخلی، می‌تواند به عنوان

مطالبات از دولت کشوری که آن نهاد در آن قرار دارد در نظر گرفته شود.^{۱۷۳} زمانی که چنین صلاحیددی

بکار گرفته شود، سایر ناظران ملی می‌توانند به بانکهای خود اجازه دهند که مطالبات از نهادهای عمومی را

به همین روش موزون به ریسک نمایند.

^{۱۷۳} مثال های زیر نشان می دهد هنگامی که بر یک ویژگی مشخص مانند قدرت افزایش بازده (درآمد) تمرکز گردد، چگونه نهادهای عمومی دولتی می توانند دسته بندی شوند. به هر حال، ممکن است راههای دیگری؛ به عنوان نمونه تمرکز بر حد ضمانت نامه ارایه شده توسط دولت مرکزی برای تعیین ترتیبات متفاوت قابل اعمال جهت انواع مختلف نهادهای عمومی دولتی وجود داشته باشد:

- دولت های منطقه ای و نهادهای داخلی می توانند مشمول ترتیبات مشابه مطالبات از دولت خود یا دولت مرکزی را شوند اگر این گونه دولت منطقه ای یا نهاد محلی، قدرت افزایش درآمد مشخص را دارا بوده و ترتیبات مشخصی را اتخاذ نموده باشند، به نحوی که اثر آن منتج به کاهش ریسک نکول گردد.
- نهادهای اجرایی مسئول در دولت مرکزی، دولت منطقه ای یا نهادهای محلی و سایر مؤسسات پذیرهنویسی غیرتجاری که در تملک دولت ها یا نهادهای محلی می باشند نمی توانند مشمول رفتار مشابه با مطالبات از سایر دولت ها گردند اگر قدرت افزایش درآمد مشخص و سایر ترتیبات مشروحه در بالا را نداشته باشند. اگر قواعد وام دهی سخت گیرانه برای این مؤسسات اعمال گردد و بواسطه وضعیت عمومی خاص خود امکان ورشکستگی نداشته باشند، مناسب است در مورد این شرکت ها، رفتار مشابه با بانک ها اعمال گردد.
- مؤسسات پذیرهنویسی تجاری در تملک دولت ها، دولت های منطقه ای یا نهادهای داخلی می توانند مشمول ترتیبات مشابه با شرکت های تجاری عادی گردند. به هر حال، اگر این مؤسسات کارکردی مانند یک شرکت در بازار رقابتی دارا بوده و دولت منطقه ای یا نهاد داخلی سهامدار عمده آنها باشد، ناظرین می توانند آنها را در زمره شرکت ها محسوب نموده و بنابراین وزن ریسک مربوطه را در مورد آن ها اعمال نمایند

C. مطالبات از بانکها و شرکت های اوراق بهادار

۸. مطالبات از بانکها بر اساس چارچوب وزن دهی مطالبات از کشوری (مطالبات از دولت) که در آن مستقر

هستند (طبق پاراگراف ۲) موزون به ریسک می شوند. چارچوب وزن دهی در جدول زیر خلاصه می شود:

رتبه های ریسک مؤسسه اعتباری صادراتی برای دولتها	۱-۰	۲	۳	۴-۶	۷
وزن ریسک	۲۰٪	۵۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۵۰٪

۹. زمانی که ناظر ملی بکارگیری ترتیبات ترجیحی برای مطالبات از دولت همان گونه که در پاراگراف ۳ توصیف

شد، را انتخاب کنند، می تواند وزن ریسکی که یک رتبه بهتر از آن چه به مطالبات از دولت تخصیص داده

شده است را منوط به حداقل وزن ۲۰٪، به مطالبات از بانکها با سررسید ۱ صلی ۳ ماه یا کمتر که با ارزش

داخلی پرداخت شده است، اختصاص دهد.

۱۰. مطالبات از شرکت های اوراق بهادار می تواند به عنوان مطالبات از بانکها با این فرض که این شرکتها

مشمول ترتیبات مقرراتی و نظارتی در چارچوب این سند باشند، (شامل الزامات سرمایه مبتنی بر ریسک)

در نظر گرفته شود. گزارش غیر این صورت، چنین مطالباتی باید از قواعد مربوط به مطالبات از شرکتها پیروی

کند.

D. مطالبات از شرکتها

۱۱. وزن ریسک استاندارد برای مطالبات از شرکتها، شامل مطالبات از شرکت های بیمه، ۱۰۰ درصد می باشد.

E. مطالبات منظور شده در پرتفوی خرد نظارتی

۱۲. مطالباتی که تحت معیارهای فهرست شده در پاراگراف ۱۳ واجد شرایط هستند، می توانند به عنوان

مطالبات خرد برای اهداف سرمایه نظارتی در نظر گرفته شوند و مشمول پرتفوی خرد نظارتی شوند. منابع

در معرض ریسک شامل شده در چنین پرتفوی می تواند با وزن ریسک ۷۵ درصد موزون شود به استثناء

وام های سررسید گذشته که در پاراگراف ۱۸ بیان می شود.

^{۱۷۴} بدان معنا که الزامات سرمایه ای قابل تطبیق با الزاماتی باشد که در این چهارچوب و در مورد بانکها اعمال گردیده است. دلیل تاکید بر مفهوم «قابل تطبیق» آن است که شرکت کارگزاری (و نه الزاماً شرکت مادر آن) مشمول مقررات و نظارت تلفیقی در ارتباط با مؤسسه زیر مجموعه می باشد.

۱۳. برای منظور کردن مطالبات در پرتفوی خرد نظارتی، مطالبات باید دارای معیارهای زیر باشد:

- معیار جهت - منبع در معرض ریسک به یک فرد یا افراد یا به کسب و کار کوچک باشد؛
- معیار محصول - منبع در معرض ریسک یکی از شکل‌های زیر را به خود بگیرد: اعتبارات چرخشی و خطوط اعتباری (شامل کارتهای اعتباری و اضافه برداشت اعتباری)، وام‌های مدت‌دار شخصی و لیزینگ‌ها (به عنوان مثال، وام‌های قسطی، وام‌ها و لیزینگ اتومبیل، وام‌های تحصیلی دانشجویان، تأمین مالی شخصی) و تعهدات و تسهیلات کسب و کار کوچک. اوراق بهادار (از قبیل اوراق قرضه و حقوق صاحبان سهام)، اعم از پذیرفته شده در بورس یا غیر از آن، بطور ویژه از این طبقه مستثنی می‌شود. وام‌های رهنی جایی که به عنوان مطالباتی باشد که پوشش آن دارایی مسکونی باشد، مستثنی می‌شوند (به پاراگراف ۱۵ مراجعه شود).
- معیار تنوع یا تعدد اجزاء - ناظران باید متقاعد شوند که پرتفوی خرد نظارتی به اندازه کافی متنوع تا حدی که ریسک‌های موجود در پرتفوی را کاهش دهد و آن را واجد شرایط وزن ریسک ۷۵ در صد کند، باشد. یک راه دستیابی به این امر، می‌تواند تعیین حد عددی به شکلی باشد که کل منابع در معرض ریسک به یک طرف مقابل^{۱۷۵} می‌تواند فراتر از ۲/۰ درصد کل پرتفوی خرد نظارتی باشد.
- ارزش پایین منابع در معرض ریسک. حداکثر منبع در معرض ریسک خرد تجمیع شده به یک طرف مقابل نمی‌تواند از حد مطلق ۱ میلیون یورو فراتر رود.

۱۴. مقامات نظارتی ملی باید این موضوع را که آیا وزن‌های ریسک در پاراگراف ۱۲ بر اساس تجربه نکول انواع این منابع در معرض ریسک در کشور خود خیلی پایین هستند یا خیر، مورد ارزیابی و بررسی قرار دهند.

F. مطالبات با پوشش دارایی مسکونی

۱۵. وام‌دهی که کاملاً توسط وام‌های رهنی دارایی مسکونی تحت تملک یا در اجاره قرض‌گیرنده، با وزن ۳۵ در صد موزون به ریسک می‌شود. برای بکارگیری وزن ۳۵ در صد، مقامات نظارتی باید متقاعد شوند، بر اساس ترتیبات ملی برای تأمین مالی مسکن، که چنین وزنی صرفاً برای اهداف مسکونی و بر اساس معیارهای احتیاطی سخت‌گیرانه، از قبیل وجود حاشیه قابل توجه پوشش بالاتر از مقدار وام بر مبنای قواعد ارزیابی سخت‌گیرانه بکار گرفته می‌شود.

^{۱۷۵} تسهیلات تجمیعی، عبارتست از مقدار ناخالص (بدون احتساب کاهش ریسک اعتباری) کلیه اشکال منابع در معرض ریسک بدهی (تسهیلات و تعهدات) که هر یک سه معیار دیگر را برآورده نمایند. افزون بر آن، عبارت «به یک شخص» اشاره به یک یا چند مؤسسه دارد که می‌توان آنها را ذینفع واحد قلمداد نمود (به عنوان نمونه در مواردی که یک شخص حقوقی کوچک وابسته به شخص حقوقی دیگر باشد، محدودیت تسهیلات تجمیعی منابع در معرض ریسک بانک، برای هر دو شخص اعمال می‌گردد).

۱۶. مقامات نظارتی ملی باید ارزیابی کنند که آیا وزنهای ریسک در پاراگراف ۱۵ باید خیلی پایین تر برای این نوع منابع در معرض ریسک در کشور خود بر مبنای تجارب نکول موجود، در نظر گرفته شوند یا خیر. بنابراین، ناظران می توانند، جایی که لازم است، بانکها را ملزم به افزایش وزنهای ریسک مذکور نمایند.

G. مطالبات با پوشش مستغلات تجاری

۱۷. وام رهنی با پشتوانه مستغلات تجاری با وزن ۱۰۰ درصد موزون به ریسک می شوند.

H. ترتیبات مربوط به وامهای سررسید گذشته

۱۸. بخش بدون پوشش هر وام سررسید گذشته (به غیر از وام رهنی مسکونی واجد شرایط) که بیش از ۹۰ روز از سررسید آن گذشته باشد، بعد از کسر ذخیره خاص آن (شامل حذف بخشی وام)، به شرح زیر موزون به ریسک می شود:^{۱۷۶}

- ۱۵۰ درصد، زمانی که ذخایر کمتر از ۲۰ درصد مانده وام باشد؛
- ۱۰۰ درصد، زمانی که ذخایر خاص کمتر از ۲۰ درصد مقدار مانده وام نباشد و
- ۱۰۰ درصد، زمانی که وثایق کمتر از ۵۰ درصد مانده وام نباشد ولی با صلاحدید نظارتی واجد کاهش به وزن ۵۰ درصد می باشد.

۱۹. برای تعیین بخش پوشش یافته وام سررسید گذشته، تضامین و وثایق واجد شرایط همانی است که برای اهداف کاهش ریسک اعتباری بکار گرفته می شود (به بخش II مراجعه شود).^{۱۷۷} وامهای خرد سررسید گذشته در زمان ارزیابی معیار تنوع و جزء به جزء مطروح در پاراگراف ۱۳، برای اهداف وزن دهی ریسک، از کل پرتفوی خرد نظارتی مستثنی می شود.

۲۰. علاوه بر شرایط مشروح در پاراگراف ۱۸، زمانی که وام سررسید گذشته کاملاً توسط وثایقی که در پاراگراف ۵۰ شناسایی نشد، پوشش داده شوند، وزن ریسک ۱۰۰ درصد می تواند بکار گرفته شود و این زمانی است که ذخایر خاص به ۱۵ درصد مانده وام برسد. وثایق مذکور در جایی دیگر در روش استاندارد ساده مورد شناسایی قرار نمی گیرند. ناظران باید معیارهای عملیاتی سختگیرانه ای را برای حصول اطمینان از کیفیت وثایق تنظیم کنند.

^{۱۷۶} بنا بر مصالح ملی، ناظرین ممکن است بانکها را مجاز کنند تا وام های جاری تمدیدی برای طرف مقابل، وزن ریسک ۱۵۰٪ را مشابه با وام های سررسید گذشته مطروحه در بند های ۱۸ تا ۲۰ اعمال کنند.

^{۱۷۷} بنا بر مصالح ملی، دوره گذار مرسوم سه سال خواهد بود و در خلال آن دامنه وسیع تری از وثایق، به رسمیت شناخته می شوند.

۲۱. در مورد وام های رهنی دارایی های مسکونی، زمانی که بیش از ۹۰ روز از سررسید آنها گذشته باشد، پس از کسر ذخایر باید با وزن ۱۰۰ درصد موزون به ریسک شوند. اگر این وام ها سررسید گذشته باشند ولی ذخایر خاص کمتر از ۲۰ درصد مانده وام نباشد، وزن ریسک مورد اعمال برای باقی مانده وام می تواند با صلاح دید ملی به ۵۰ درصد نیز کاهش پیدا کند.

۱. طبقات با ریسک بالاتر

۲۲. ناظران ملی ممکن است تصمیم بر اعمال وزن ۱۵۰ درصدی یا بالاتر به منظور نشان دادن ریسک بالاتر برخی از سایر دارایی ها، از قبیل سرمایه گذاری خطرپذیر و سرمایه گذاری در سهام، بگیرند.

۲. سایر دارایی ها

۲۳. ترتیبات مربوط به منابع در معرض ریسک ناشی از تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی ها، بطور جداگانه در بخش III توضیح داده می شود. وزن ریسک استاندارد برای تمامی دارایی ها ۱۰۰ درصد خواهد بود.^{۱۷۸} سرمایه گذاری در سهام یا ابزارهای سرمایه گذاری منتشره توسط بانک ها یا شرکت های اوراق بهادار، وزن ریسک ۱۰۰ درصد را دارند؛ مگر این که از سرمایه پایه مطابق با بخش ۱ سند حاضر کسر شوند.

۳. اقلام زیر خط ترازنامه

۲۴. اقلام زیر خط ترازنامه تحت رویکرد استاندارد ساده از طریق ضرایب تبدیل، به معادل منابع اعتباری تبدیل خواهد شد. وزن های ریسک طرف مقابل برای معاملات اوراق مشتقه فرابورس مشمول سقف معینی نخواهد بود.

۲۵. تعهدات با سررسید اصلی تا یک سال و تعهدات با سررسید اصلی (اولیه) بیش از یک سال، به ترتیب دارای وزن ریسک ۲۰ درصد و ۵۰ درصد می باشد. با این وجود، هر تعهدی که به صورت غیر مشروط از طرف بانک بدون اطلاع رسانی قبلی، قابل فسخ باشد، یا دارای فسخ خودکار به علت وخامت در وضعیت اعتباری قرض گیرنده باشد، ضریب تبدیل اعتباری صفر درصد را خواهد گرفت.^{۱۷۹}

^{۱۷۸} با این وجود، بنا بر مصالح ملی، نگهداری شمش طلا یا بدهی های با پشتوانه شمش طلا می تواند به مثابه وجه نقد دیده شده و بنابراین مشمول وزن ریسک ۰ درصد شود. همچنین وجوه نقدی در راه، نیز می تواند مشمول وزن ریسک ۲۰ درصد گردد.

^{۱۷۹} در کشورهای معینی، تعهدات خرد به طور غیر مشروط قابل فسخ در نظر گرفته می شود در صورتی که شرایط قرارداد، در چهارچوب صیانت از حقوق مشتریان و قوانین مربوطه، به صورت کامل اجازه فسخ آنها را به بانک داده باشد.

۲۵(i). جایگزین های اعتباری مستقیم، از قبیل تضامین عام بدهی (شامل اعتبار اسنادی معتبر که برای تضمین مالی برای وام و اوراق بهادار صادر می شود) و قبولی های بانکی (شامل ظهن نویسی هایی با ویژگی قبولی بانکی) ضریب تبدیل ۱۰۰ درصد خواهند گرفت.

۲۵(ii). قراردادهای فروش و فروش مجدد و فروش دارایی با حق رجوع^{۱۸۰} زمانی که ریسک اعتباری برای بانک وجود دارد، دارای ضریب تبدیل ۱۰۰ درصد می باشند.

۲۶. ضریب تبدیل ۱۰۰ درصد به عملیات قرض دهی اوراق بهادار بانک ها یا قرار دادن اوراق بهادار به عنوان وثیقه توسط بانک ها، شامل مواردی که خارج از معاملات باز خریدی ایجاد شده است (به عنوان مثال، معاملات مربوط به قرض گیری یا قرض دهی اوراق بهادار و باز خرید یا باز خرید معکوس) تخصیص پیدا می کند. برای محاسبه دارایی های موزون به ریسک که منبع در معرض ریسک تبدیل شده توسط وثیقه واجد شرایط پوشش داده شده است، به بخش II مراجعه کنید.

۲۶(i). پیمان آتی برای خرید دارایی، سپرده های آتی با نرخ و مدت از قبل تعیین شده و سهام و اوراق بهاداری که بخشی از آن پرداخت شده^{۱۸۱} مبین تعهدات با برداشت معینی می باشند، مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۱۰۰ درصد می گردند.

۲۶(ii). اقلام احتمالی مرتبط با معاملات معین (ضمانت نامه حسن انجام کار، تضمین پیشنهاد خرید، ضمانت ها و اعتبار اسنادی ضمانتی مربوط به معاملات خاص) مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۵۰٪ می شوند.

۲۶(iii). تعهد خرید اوراق بهادار بدهی فروش نرفته (NIFs) و ترتیبات تعهد تامین مالی اوراق بدهی فروش نرفته (RUFs) مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۵۰٪ می گردند.

۲۷. برای اعتبارات اسنادی تجاری کوتاه مدت خود نقد شونده متوجه از کالا (به عنوان مثال، اعتبارات اسنادی که کالای موضوع اعتبار وثیقه آن است)، ضریب تبدیل اعتباری ۲۰٪ برای بانک های گشایش کننده و تأیید کننده، اعمال می گردد.

۲۸. در مواردی که الزامی برای ایجاد تعهد طرف مقابل در خصوص اقلام زیرخط ترازنامه وجود دارد، بانک ها می توانند از ضریب تبدیل اعتباری کمتر استفاده نمایند.

^{۱۸۰} این موارد بر مبنای نوع دارایی و نه نوع شخص مقابل طرف معامله، موزون می گردند.

^{۱۸۱} این موارد بر مبنای نوع دارایی و نه نوع شخص مقابل که طرف معامله می باشد موزون می گردند.

۲۹. مقدار معادل اعتباری برای معاملاتی که بانک را در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار می دهد بر مبنای قواعد مشروح در بخش VII پیوست ۴ این چهارچوب محاسبه می شود.

۳۰. بانک ها باید به دقت معاملات اوراق بهادار، کالا و معاملات ارزی خود را که دچار نکول شده اند از اولین روز نکول پایش نمایند. پوشش سرمایه ای برای معاملات نکول شده، باید بر مبنای پیوست شماره ۳ این چهارچوب محاسبه گردد.

۳۱. در ارتباط با معاملات اوراق بهادار، کالا و معاملات ارزی تسویه نشده، کمیته بر این باور است که بانک ها از تاریخ معامله و صرف نظر از تاریخ ثبت یا حسابداری معامله، در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار می گیرند. بنابراین، بانک ها ترغیب می شوند تا سیستم هایی را برای ردیابی و پایش ریسک اعتباری ناشی از معاملات تسویه نشده پیاده سازی، اجرا و بهبود بخشند به نحوی که در تولید اطلاعات مدیریتی که منجر به تسهیل اقدامات به موقع می گردد، مناسب باشد. افزون بر آن، هنگامی که این قبیل معاملات از طریق سازوکار تحویل در مقابل پرداخت (DVP) یا پرداخت در مقابل پرداخت (PvP) عملیاتی نگردد، بانک باید پوشش سرمایه ای را بشرح مندرج در پیوست ۳ این سند محاسبه نماید.

II. کاهش ریسک اعتباری

A. کلیات

۱. مقدمه

۳۲. بانک ها از برخی تکنیک ها بمنظور کاهش ریسک اعتباری که در معرض آن هستند استفاده می کنند. منابع در معرض ریسک می توانند بطور کامل یا بخشی از آن ها می توانند با وجه نقد یا اوراق بهادار پوشش داده شود یا تسهیلات در معرض ریسک می تواند بوسیله شخص ثالث تضمین گردد.

۳۳. زمانی که تکنیک های متنوع مذکور الزامات عملیاتی زیر را رعایت کنند، کاهش ریسک اعتباری (CRM) می تواند معتبر شناخته شود.

۲. ملاحظات کلی

۳۴. چهارچوب تعیین شده در این بخش، برای منابع در معرض ریسک مندرج در دفاتر بانکی طبق رویکرد استاندارد ساده قابل اعمال خواهد بود.

۳۵. معاملاتی که در مورد آنها از تکنیک های کاهش ریسک اعتباری استفاده می شود، نباید مشمول الزامات سرمایه ای بالاتری نسبت به سایر معاملات مشابه که در مورد آنها از این تکنیک ها استفاده نمی شود، گردند.

۳۶. اثرات کاهش ریسک اعتباری نباید به صورت مضاعف محاسبه گردد. بنابراین، در مورد مطالبات واجد رتبه خاص که قبلاً کاهش ریسک اعتباری در خصوص آن اعمال شده است، هیچ تأیید نظارتی اضافه در مورد کاهش ریسک اعتباری برای اهداف سرمایه نظارتی به آن مطالبات تعلق نخواهد گرفت. رتبه بندی مبتنی بر اصل بدهی نمی تواند در چارچوب کاهش ریسک اعتباری مورد استفاده قرار گیرد.

۳۷. اگرچه بانک ها از تکنیک های کاهش ریسک اعتباری برای کاهش یا انتقال ریسک اعتباری استفاده می کنند، ولی آن بطور همزمان می تواند سایر ریسک ها (ریسک های باقی مانده) را افزایش دهد که این می تواند کاهش کلی ریسک را بی اثر نماید. زمانی که این ریسک ها به طور کافی کنترل نشوند، ناظران می توانند پوشش سرمایه ای اضافی را در نظر گرفته یا هر اقدام نظارتی دیگری طبق جزئیات رکن دوم اعمال نمایند.

۳۸. در عین حال که استفاده از تکنیک های کاهش ریسک، ریسک اعتباری را کاهش یا انتقال می دهد، این امر بطور همزمان می تواند سایر ریسک های بانک را شامل ریسک های قانونی، عملیاتی، نقدشوندگی و بازار افزایش دهد. بنابراین، لازم است بانک ها رویه ها و فرایندهای قدرتمندی شامل؛ راهبرد، ملاحظات مربوط به اعتبار پایه، ارزش گذاری، سیاست ها و رویه ها، سیستم ها، کنترل ریسک های ناشی از انقضای پوشش، و مدیریت ریسک تمرکز ناشی از استفاده بانک از تکنیک های کاهش ریسک اعتباری و تعامل آن با مشخصه کلی ریسک اعتباری بانک، برای کنترل این ریسک ها بکارگیرند.

۳۹. الزامات رکن ۳ همچنین باید به منظور تخفیف سرمایه ای مرتبط تمام تکنیک های کاهش ریسک اعتباری برای بانک

لحاظ شود.

۳. پشتوانه قانونی

۴۰. بمنظور اینکه بانک ها مشمول تخفیف سرمایه ای شوند، تمام مستندات مورد استفاده برای معاملات دارای وثیقه و برای مستند سازی تضامین باید برای همه طرف های مقابل الزام آور بوده و در کشور مربوطه، از لحاظ قانونی قابلیت اجرا داشته باشد. بانک ها باید دارای بازنگری های قانونی کافی جهت تأیید این مهم بوده و مبانی قانونی محکمی برای نایل

شدن به این امر داشته باشند و در صورت نیاز، این قبیل بازنگری های اضافه را جهت حصول اطمینان از قابلیت اجرای مستمر، پیاده سازی نمایند.

۴. پوشش بخشی

۴۱. هنگامی که مبلغ مورد تضمین یا دارای وثیقه (یا حمایت اعتباری)، کمتر از مقدار منابع در معرض ریسک باشد، و همچنین بخش های دارای وثیقه و فاقد وثیقه از اولویت یکسانی برخوردار باشند، به عبارت دیگر، بانک و ضامن مقدار زیان را به تناسب تسهیم نموده باشند، تخفیف سرمایه ای بر مبنای بخشی اعمال می گردد. به عبارت دیگر، بخش دارای پوشش منابع در معرض ریسک، مشمول ترتیبات قابل اعمال برای وثیقه یا طرف مقابل همراه با بخش بدون پوشش می شود.

B. معاملات دارای وثیقه

۴۲. معامله دارای وثیقه به مواردی اطلاق می گردد که:

- بانک ها دارای منابع در معرض ریسک اعتباری به صورت بالفعل یا بالقوه باشند و
- منابع در معرض ریسک اعتباری بالفعل یا بالقوه، به صورت کامل یا به صورت بخشی توسط وثایق طرف مقابل^{۱۸۲} یا شخص ثالثی به نیابت از طرف مقابل، پوشش داده شده باشد.

۴۳. تحت رویکرد استاندارد ساده، صرفاً رویکرد ساده از رویکرد استاندارد به کار گرفته خواهد شد، که شبیه پیمان ۱۹۸۸، وزن دهی ریسک وثیقه را جایگزین وزن دهی ریسک طرف مقابل برای بخش دارای وثیقه منبع در معرض ریسک (عموماً منوط به مقدار حداقلی ۲۰ درصدی) می کند. وثیقه گذاری بخشی نیز معتبر می باشد. عدم تطابق سررسیدی یا ارزی منبع در معرض ریسک پایه و وثیقه مجاز نمی باشد.

۱. شرایط حداقلی

۴۴. علاوه بر الزامات کلی برای پشتوانه قانونی مندرج در پاراگراف ۴۰، الزامات عملیاتی زیر نیز باید رعایت شود.

۴۵. وثیقه باید برای حداقل دوره منبع در معرض ریسک باشد و باید دارای ارزیابی بروز بوده و حداقل با تناوب ۶ ماهه تجدید ارزیابی شود.

^{۱۸۲} در این بخش، عبارت «طرف مقابل» برای توصیف شخصی بکار می رود که بانک منابع در معرض ریسک اعتباری در قالب اقلام بالای خط یا زیر خط ترازنامه و یا منابع بالقوه در معرض ریسک اعتباری به ایشان اعطا نموده است. این تسهیلات به عنوان نمونه، می تواند، در قالب تسهیلات نقدی یا اوراق بهادار (که در آن طرف مقابل بطور متعارف وام گیرنده نامیده می شود)، اوراق بهادار به عنوان وثیقه، تعهدات یا منابع در معرض ریسک تحت قرارداد اوراق مشتقه فرابورس، باشد.

۴۶. در خصوص وثیقه برای تأمین پوشش، کیفیت اعتباری طرف مقابل و ارزش وثیقه نباید همبستگی معنادار مثبتی داشته باشد. به عنوان مثال، اوراق بهادار منتشره توسط طرف مقابل - یا هر نهاد گروه مرتبط - پوشش کمی فراهم کرده و واجد شرایط نمی باشد.

۴۷. بانک باید دارای رویه های مستحکم و شفاف برای به نقد تبدیل کردن به موقع وثیقه باشد.

۴۸. زمانی که وثیقه از طریق یک امین نگهداری می شود، بانک باید اقدامات لازم را برای حصول اطمینان از این که امین وثیقه را از دارایی های خودش جدا کرده است، اتخاذ کند.

۴۹. زمانی که بانک به عنوان نماینده، یک معامله سبک بازخریدی (به عبارت دیگر، معاملات بازخرید و بازخرید معکوس و قرض دهی و قرض گیری اوراق بهادار) بین مشتری و شخص ثالث را مدیریت کند و تضمینی به مشتری ارایه دهد که شخص ثالث تعهدات خود را انجام می دهد، ریسک آن همانند زمانی است که خود بانک به عنوان طرف اصلی وارد معامله شود. در چنین شرایطی، بانکها ملزم به محاسبه الزامات سرمایه ای همانند وقتی که خود طرف اصلی باشند، می باشند.

۲. وثیقه واجد شرایط

۵۰. ابزارهای وثیقه ای زیر معتبر می باشند:

- وجه نقد (گواهی های سپرده یا ابزارهای قابل مقایسه منتشره توسط بانک قرض دهنده) سپرده نزد بانک که در معرض ریسک طرف مقابل است،^{۱۸۴}
- طلا،
- اوراق بدهی منتشره توسط دولت ها با رتبه ۴ یا بالاتر^{۱۸۵}
- اوراق بدهی منتشره توسط نهادهای عمومی غیردولتی که به عنوان اوراق دولتی توسط ناظران در نظر گرفته می شود و دارای رتبه ۴ یا بالاتر هستند.

۳. وزن های ریسک

^{۱۸۳} در مورد اوراق مشتقه مرتبط با قرارداد اعتباری منتشره بانک در مقابل منابع در معرض ریسک موجود در دفاتر بانکی که واجد معیارهای اوراق مشتقه اعتباری باشند، نیز به مثابه معاملات دارای وثیقه نقدی عمل می شود.

^{۱۸۴} در مواقعی که وجوه سپرده، گواهی سپرده یا ابزارهای مشابه منتشره توسط بانک قرض دهنده به عنوان وثیقه نزد بانک ثالثی جدایی از ترتیبات امانتی نگهداری شود، در صورتی که آنها بوضوح در تهرین یا واگذار شده به بانک قرض دهنده باشد و تهرین یا واگذاری آن ها نیز غیر مشروط و غیر قابل برگشت باشد، مقدار منابع در معرض ریسک پوشش داده شده توسط این وثایق (بعد از هر گونه تعدیل احتیاطی لازم برای پوشش ریسک نرخ ارز) مشمول وزن ریسک بانک ثالث می گردند.

^{۱۸۵} طبقه رتبه بندی به نمره ریسک کشوری ECA مندرج در پاراگراف ۲ مرتبط می باشد.

۵۱. بخش هایی از مطالبات که معادل ارزش بازار وثیقه معتبر پوشش داده شده است، وزن ریسک قابل اعمال برای ابزار وثیقه دریافت می کند. وزن ریسک بخش دارای وثیقه منوط به حداقل مقدار ۲۰ درصد می باشد. باقی مانده مطالبه باید از وزن ریسک مناسب برای طرف مقابل برخوردار شود. الزام سرمایه ای برای هر دو قسمت معامله دارای وثیقه اعمال می شود: به عنوان مثال، هر دو طرف معاملات باز خریدی و باز خریدی معکوس منوط به الزامات سرمایه ای می باشند.

۵۲. حداقل وزن ۲۰ درصد برای وزن ریسک معامله دارای وثیقه اعمال نخواهد شد و وزن ریسک صفر درصدی می تواند زمانی که منبع در معرض ریسک و وثیقه با یک ارزش هستند، استفاده شود و این زمانی است که یکی از موارد زیر باشد:

- وثیقه وجه نقد سپرده باشد؛ یا
- وثیقه به شکل اوراق بهادار دولتی یا نهاد عمومی غیردولتی واجد شرایط دریافت وزن ریسک ۰ درصد باشد و ارزش بازار آن با نرخ ۲۰ درصد تنزیل شود.

C. معاملات دارای تضمین

۵۳. زمانی که تضمین دارای حداقل شرایط عملیاتی تعیین شده در زیر باشند و ناظران متقاعد شوند که بانکها این شرایط را رعایت می کنند، ممکن است به بانکها اجازه دهند چنین حمایت اعتباری را در محاسبه الزامات سرمایه ای لحاظ کنند.

۱. حداقل شرایط

۵۴. تضمین باید نشان دهنده مطالبه مستقیم نسبت به تأمین کننده حمایت است و باید بطور صریح به منابع در معرض ریسک مشخص یا مجموعه ای از منابع در معرض ریسک مرتبط شوند، برای این که میزان پوشش به طور شفاف تعریف و انکارناپذیر باشند. به غیر از عدم پرداخت توسط یک خریدار پوشش پول در ارتباط با قرارداد پوشش اعتباری که باید غیرقابل فسخ باشد، باید هیچ عبارتی در قرارداد که هزینه مؤثر پوشش به علت کاهش کیفیت اعتباری در منبع در معرض ریسک پوشش یافته را افزایش می دهد، وجود نداشته باشد. همچنین، آن باید غیر مشروط باشد؛ شرطی در قرارداد پوشش اعتباری خارج از کنترل بانک که مانع از تعهد ارایه دهنده پوشش برای پرداخت به موقع در زمان نکول طرف مقابل اصلی در پرداخت شود، وجود نداشته باشد.

۵۵. علاوه بر الزامات پشتوانه قانونی مندرج در پاراگراف ۴۰، شرایط زیر باید رعایت شود:

(a) در صورت نکول واجد شرایط یا عدم پرداخت طرف مقابل، بانک می تواند از ضامن برای مبالغ پرداخت نشده تحت شرایط اسناد و مدارک مرتبط، موضوع را پیگیری کند. ضامن می تواند پرداخت یکجا تحت شرایط مدارک مذکور به بانک داشته باشد یا ملزم به تعهدات پرداخت آینده طرف مقابلی که از طریق تضمین پوشش داده شده است، شود. بانک باید دارای حق دریافت این پرداخت ها از ضامن بدون الزام اولیه به اخذ اقدامات قانونی به منظور پیگیری موضوع پرداخت طرف مقابل باشد.

(b) تضمین یک تعهد صریح مکتوب و مستند است که توسط ضامن مورد پذیرش قرار می گیرد.

(c) به عنوان استثناء همان گونه که در جمله زیر اشاره شده است، تضمین تمامی انواع پرداخت هایی که متعهد اصلی باید پرداخت کند به عنوان مثال، مبلغ اسمی، پرداخت های نهایی و غیره را تحت شرایط مستندات پوشش می دهد. زمانی که تضمین پرداخت اصل را فقط پوشش دهد، بهره ها و سایر پرداخت های تضمین نشده باید به عنوان مبالغ بدون پوشش در نظر گرفته شوند.

۲. ضامنین واجد شرایط (ضامنین متقابل)

۵۶. پوشش اعتباری ارایه شده توسط نهادهای زیر، مورد قبول خواهد بود: نهادهای دولتی^{۸۶}، نهادهای عمومی غیردولتی و سایر نهادها با وزن ریسک ۲۰ درصد یا بهتر و وزن ریسک کمتر از طرف مقابل.

۳. وزن های ریسک

۵۷. بخش دارای پوشش، وزن ریسک فراهم کننده پوشش را به خود اختصاص می دهد. بخش بدون پوشش منبع در معرض ریسک وزن ریسک طرف مقابل اصلی را خواهد داشت.

۵۸. همان گونه که در پاراگراف ۳ تعیین شد، وزن ریسک کمتر می تواند طبق صلاحدید ملی، برای منبع در معرض ریسک بانک به دولت (بانک مرکزی) زمانی که منبع در معرض ریسک با ارز داخلی باشد، بکار گرفته شود. مقامات ملی می توانند این ترتیبات را به بخش هایی از مطالبات که توسط دولت (یا بانک مرکزی) تضمین شده است، در زمانی که تضمین با ارز داخلی بوده و منبع در معرض ریسک با آن ارز باشد، تسری دهند.

۵۹. آستانه های اهمیت در خصوص پرداخت ها که پایین تر از آنها هیچ پرداختی در صورت وقوع زیان انجام نمی شود، معادل بخش های باقی مانده زیان اولیه می باشد و کل آن باید از سرمایه بانک خریدار پوشش اعتباری کسر شود.

^{۸۶} این امر همچنین شامل بانک تسویه بین المللی، صندوق بین المللی پول، بانک مرکزی اروپا و جامعه اروپا می گردد.

D. سایر اقلام مرتبط با ترتیبات تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری

ترتیبات مربوط به مجموعه‌ای از تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری

۶۰. زمانی که یک بانک دارای چندین روش کاهش ریسک اعتباری برای یک منبع در معرض ریسک است (به عنوان مثال، یک بانک دارای وثیقه و همچنین تضمین بخشی برای پوشش است)، بانک ملزم خواهد بود منبع در معرض ریسک را به بخش‌هایی که توسط هر کدام از ابزارهای کاهش ریسک اعتباری پوشش داده است، تقسیم کند (به عنوان مثال، بخش پوشش یافته توسط وثیقه، بخش مربوط به تضمین) و دارایی‌های موزون به ریسک هر بخش باید به صورت جداگانه محاسبه شود. زمانی که حمایت اعتباری ارایه شده توسط یک ارایه دهنده این خدمت دارای سررسیدهای متفاوتی باشد، آن‌ها باید همانند بالا به بخش‌هایی تقسیم شوند.

III. ریسک اعتباری – چارچوب اوراق بهادارسازی

A. گستره معاملاتی تحت چارچوب اوراق بهادارسازی

۶۱. ساختار اوراق بهادارسازی متعارف، به گونه‌ای است که جریان های نقدی مجموعه ای از منابع پایه در معرض ریسک، برای حداقل دو طبقه یا موقعیت ریسک طبقه‌بندی شده متفاوت که منعکس کننده درجات مختلفی از ریسک اعتباری است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه، پرداخت‌ها به سرمایه‌گذاران به جای بستگی داشتن به تعهد موسسه‌ای که منابع در معرض ریسک را ایجاد کرده است، بستگی به عملکرد منابع پایه در معرض ریسک مشخص دارد. در ساختارهای طبقه‌بندی شده / مرتبه‌بندی شده که اوراق بهادارسازی را از ابزارهای معمول بدهی دارای اولویت یا بدهی تبعی متمایز می‌کند و به موجب آن طبقات اوراق بهادارسازی بدون اولویت، می‌تواند بدون وقفه در پرداخت‌های قراردادی به طبقات دارای اولویت بیشتر، زیان‌ها را جذب کند. در حالی که ویژگی تبعی بودن در ساختار بدهی دارای اولویت / تبعی، موضوعی است که در ارتباط با اولویت حقوق و منافع نسبت به عواید حاصل از تصفیه و انحلال می‌باشد.

۶۲. منابع در معرض ریسک بانک‌ها موضوع اوراق بهادارسازی، با عنوان منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی ذکر می‌شود.

B. نقش مجاز بانکها

۶۳. بانکی که به روش استاندارد ساده عمل می کند، می تواند صرفاً نقش یک بانک سرمایه گذار را در اوراق بهادار سازی متعارف داشته باشد. بانک سرمایه گذار، نهادی به غیر از نهاد بانی یا ارایه دهنده خدمت که پذیرنده ریسک اقتصادی منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی است، می باشد.

۶۴. بانکی به عنوان بانی شناخته می شود که به طور مستقیم یا غیره مستقیم منابع در معرض ریسک مشمول اوراق بهادار سازی را ایجاد کند. بانک ارایه دهنده خدمت، بانکی است که منابع در معرض ریسک اعتباری پایه را به صورت روزانه از نظر وصول اصل و بهره که به سرمایه گذاران در منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی منتقل می شود، مدیریت می کند. بانکی که از رویکرد استاندارد ساده استفاده می کند، نباید خدمات ارتقاء اعتباری، تسهیلات نقدینگی یا سایر پشتوانه های مالی برای اوراق بهادار سازی را ارایه دهد.

C. تزییات منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی

۶۵. بانک هایی که از رویکرد استاندارد ساده در خصوص ریسک اعتباری منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی شده استفاده می کنند، مجاز به استفاده از نسخه ساده رویکرد استاندارد تحت چارچوب اوراق بهادار سازی می باشند.

۶۶. وزن ریسک استاندارد برای منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی برای بانک سرمایه گذار، ۱۰۰ در صد می باشد. به منظور این که وضعیت های اولین زیان حاصل شود، کسر از سرمایه لازم است. ۵۰ در صد این کسورات باید از لایه ۱ و ۵۰ درصد مابقی باید از سرمایه لایه ۲ کسر شود.

۱۷. ریسک عملیاتی

۶۷. رویکرد استاندارد ساده برای ریسک عملیاتی، یک رویکرد شاخص پایه تحت شرایطی است که بانک ها باید سرمایه ای معادل در صد مشخصی از میانگین درآمد ناخالص سه ساله (۱۵ در صد)، زمانی که مثبت باشند، را به عنوان سرمایه پوششی نگهداری کنند.

۶۸. درآمد ناخالص به عنوان درآمد خالص بهره بعلاوه درآمد غیره بهره ای تعریف می شود.^{۸۷} ویژگی های زیر برای این شاخص در نظر گرفته شده است: (۱) باید قبل از کسر هر نوع ذخایر باشد (برای مثال ذخیره بهره پرداخت نشده)، (۲) قبل از کسر هزینه های عملیاتی باشد از جمله کارمزد پرداختی به عرضه کنندگان خدمات برون

^{۸۷} - همچنانکه توسط ناظران ملی و/یا استانداردهای حسابداری ملی تعریف شده است.

سپاری^{۳۸} سودها/ زیان های تحقق یافته از فروش اوراق بهادار در دفتر بانکی لحاظ نشود.^{۱۸۹} (۴) اقلام متفرقه و درآمد حاصل از بیمه نیز لحاظ نشود.

۶۹. بانک هایی که از این رویکرد استفاده می کنند، تشویق می شوند که خود را بر رهنمود کمیته در خصوص اقدامات صحیح برای مدیریت و نظارت ریسک عملیاتی (فوریه ۲۰۰۳) منطبق کنند.

^{۱۸۸} - در مقابل کارمزدهای پرداختی به خدمات برون سپاری شده، کارمزدهای دریافتی حاصل از ارائه خدمت بانک باید در تعریف درآمد ناخالص لحاظ شود.

^{۱۸۹} - سودها/ زیان های تحقق یافته از اوراق بهادار گروه بندی شده تحت عنوان " نگهداشت تا سررسید" و " آماده برای فروش" که اساسا اقلام دفتر بانکی را تشکیل می دهند (برای مثال تحت استانداردهای حسابداری معین) نیز در تعریف درآمد ناخالص لحاظ نمی شوند.

۱۱- بخشنامه شماره ۹۷/۱۸۴۶۶۴ مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۹؛ امکان تمدید
قراردادهای سپرده گذاری منعقد در بازه زمانی ۱۳۹۶/۰۶/۰۲ لغایت
۱۳۹۶/۰۶/۱۱ به مدت یکماه با شرایط قرارداد اولیه

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزولا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که مستحضرن در شهریورماه سال گذشته، سیاستهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نرخ سود سپرده های بانکی طی بخشنامه شماره ۹۶/۱۷۳۷۹۳ مورخ ۱۳۹۶/۶/۵ به شبکه بانکی کشور ابلاغ گردید. با توجه به نزدیک شدن به سررسید قراردادهای سپرده گذاری منعقد در بازه زمانی ۱۳۹۶/۶/۲ لغایت ۱۳۹۶/۶/۱۱ در شبکه بانکی کشور و همچنین امعان نظر به تدابیر و برنامه های جدید بانک مرکزی که با هدف ایجاد ثبات در بازارهای مختلف از طریق وضع سیاستهای موثر و کارآمد پولی و ارزی مورد نظر است، بدینوسیله اعلام می دارد بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی بنا به درخواست سپرده گذاران خود میتوانند قراردادهای سپرده گذاری که در بازه زمانی یاد شده در فوق منعقد شده اند را به مدت یکماه با همان شرایط قرارداد اولیه تمدید نمایند. بدیهی است همگام با سیاستهای ارزی اعلام شده، برنامه ها و تدابیر جدید بانک مرکزی مبتنی بر روشها و ابزارهای نوین در خصوص نظارت موثر بر شبکه بانکی کشور نیز متعاقبا اعلام و به مورد اجرا گذارده خواهد شد. خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط در آن بانک/ مؤسسه اعتباری ابلاغ گردیده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا غنی آبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲

۱۲- بخشنامه شماره ۹۷/۱۹۳۹۰۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۶؛ ابلاغ توضیحات درخصوص بخشنامه امکان تمدید یکماهه قرارداد سپرده های سرمایه گذاری مدت دار (با امعان نظر به پرسشها و برداشتهای متفاوت شبکه بانکی کشور از مفاد بخشنامه شماره ۹۷/۱۸۴۶۶۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۹)

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک، موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزولا

با سلام؛

احتراما، پیرو بخشنامه شماره ۹۷/۱۸۴۶۶۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۹ موضوع اعلام امکان تمدید یکماهه قرارداد سپرده های سرمایه گذاری مدت دار و با امعان نظر به پرسشها و برداشتهای متفاوت شبکه بانکی کشور از مفاد بخشنامه مذکور، مراتب ذیل را به استحضار می‌رساند:

❖ همچنان که پیشتر اعلام شد سیاستهای جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران درخصوص نرخ سود سپرده های بانکی متناسب با شرایط و اقتضانات روز در دست تدوین بوده و به زودی به شبکه بانکی کشور ابلاغ خواهد شد.

❖ تأکید می‌نماید تمدید یکماهه قرارداد های سپرده گذاری صرفا معطوف و منحصر به قرارداد های سپرده سرمایه گذاری مدت دار یکساله ای است که در سال گذشته و در بازه زمانی ۱۳۹۶/۶/۲ الی ۱۳۹۶/۶/۱۱ منعقد گردید.

❖ قرارداد های سپرده گذاری مذکور با همان شرایط قرارداد و صرفا حداکثر تا مدت یکماه دیگر قابل تمدید است. لذا تمدید قرارداد های سپرده گذاری مورد اشاره برای مدتی بیش از یکماه به هیچ وجه مجاز نمی‌باشد.

❖ افتتاح سپرده سرمایه گذاری مدت دار جدید با رعایت نرخ سود علی الحساب موصوب شورای پول و اعتبار ابلاغی طی بخشنامه شماره ۹۶/۱۷۳۷۹۳ مورخ ۱۳۹۶/۶/۵ و حداکثر به میزان ۱۵ درصد مجاز می‌باشد.

❖ بدیهی است این بانک همچنان بر این مهم که بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی باید در تعیین و اعلام نرخ سود علی الحساب سپرده های مذکور با تحلیلی جامع و برآورد شرایط و روندهای آتی اقتصادی، ابتدا نرخ سود مورد انتظار سپرده های سرمایه گذاری در پایان دوره را پیشبینی نموده و سپس درصدی از آن را به عنوان نرخ سود علی الحساب سپرده های سرمایه گذاری تعیین نمایند و بدین لحاظ نرخ سود علی الحساب می‌باید همواره کمتر از نرخ سود قطعی پایان دوره باشد، تأکید دارد.

خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط در آن بانک/ مؤسسه اعتباری ابلاغ گردیده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و	
مبارزه با پولشویی	
اداره مطالعات و مقررات بانکی	
عبدالمهدی	حمیدرضا غنی آبادی
ارجمند نژاد	
۳۲۱۵-۰۲	۳۸۱۶

۱۳- بخشنامه شماره ۹۷/۱۹۶۷۰۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۰؛ ابلاغ "قانون اصلاح قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی" به شبکه بانکی کشور

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک، موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزولا

با سلام؛

احتراماً، همانگونه که مستحضرنند پس از تصویب قانون اجرای سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در سال ۱۳۸۷، ترتیبات تملک سهام بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی تغییر یافت. به گونه ای که به موجب ماده ۵ قانون مذکور، سقف مجاز تملک سهام بانکهای غیردولتی، بانکهای دولتی مشمول واگذاری، مؤسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاههای واسطه پولی - اعم از این که قبل از تصویب آن تأسیس شده بودند و یا پس از آن تأسیس می شدند - به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای هر شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام یا هر مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی "ده در صد" و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی "پنج در صد" تعیین شد. به استناد همان ماده قانونی، معاملات بیش از سقفهای مذکور باطل و ملغی الاثر اعلام شد و تملک سهام بانکها بیش از سقفهای مجاز از طریق ارث نیز مشمول حکم یادشده گردید و وراثت و یا اولیای قانونی آنها ملزم به فروش سهام مازاد بر سقف، ظرف مدت دو ماه پس از صدور گواهی حصر وراثت شدند. بر همان اساس، اشخاص حقیقی سهامدار بانکها و اعضای خانواده آنها شامل همسر، فرزندان و همسران آنها، برادر، خواهر، پدر و مادر منحصرأ تا سقفی می توانستند سهام داشته باشند که نتوانند مشترکاً بیش از یک عضو هیأت مدیره را در بانک ذی ربط تعیین کنند.

استحضار دارند که حکم قانونی مذکور از آن حیث که واجد ابهامات وضعی بود، آن گونه که انتظار می رفت اجرایی نشد. از جمله دلایل قابل ذکر در این خصوص می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- ❖ عدم پیش بینی ضمانت اجرای بازدارنده و مؤثر در قانون برای اشخاصی که به هر دلیلی مایل به واگذاری مازاد سهام خود نبودند و یا به طریقی، بیش از آنچه مجاز است، سهام بانکها را تملک کرده بودند.
- ❖ عدم مشخص بودن سقف مجاز تملک سهام بانکها توسط اعضای یک خانواده. همان گونه که اشاره شد، به موجب قانون، سقف مجاز تملک سهام بانکها توسط اشخاص، ۵ و ۱۰ درصد حسب مورد تعیین شده بود. از سوی دیگر، در متن قانون آمده بود اعضای یک خانواده منحصرأ تا سقفی می توانند سهام داشته باشند که نتوانند مشترکاً بیش از یک عضو هیأت مدیره را در بانک تعیین کنند. چنین معیار و مبنایی بسته به شرایط می تواند متفاوت و متغیر باشد. به عنوان مثال، چنانچه هیأت مدیره بانکی متشکل از ۵ نفر باشد، در فرض برگزاری مجمع با حضور تمامی سهامداران، اعضای یک خانواده، مجاز به تملک حداکثر ۲۰ درصد سهام بانک بودند. بدیهی است چنین

فرضی (حضور صد در صدی دارندگان حق رأی در مجامع) در عالم واقع کمتر محتمل است و تصمیمات مجامع با نصابهای کمتر نیز معتبر است. لذا در این صورت، همان خانواده فرضی پیش گفته با داشتن ۲۰ درصد سهام که با فرض فوق الذکر فاقد اشکال بود، چه بسا با ۲۰ درصد سهام می توانست ۲ عضو هیأت مدیره را تعیین کند که واجد اشکال بود. ضمن آن که، اگر مجموع اعضای یک خانواده دارای ۳۰ درصد سهام یک بانک/ مؤسسه اعتباری بود، ولی به انتخاب فقط یک عضو هیأت مدیره بسنده کرده و رضایت می داشت، مشخص نبود که تملک چنین حدی از سهام مغایر حکم قانونی مذکور است یا خیر؟ چنین وضعیتی معیار دوگانه ای را موجب شده بود که امکان کنترل و نظارت دقیق را از مقام ناظر سلب می نمود.

❖ عدم تأمین هدف قانون گذار و عدم امکان شناسایی مالکان واقعی بانکها- که امری بسیار مهم در نظارت بانکی است- به سبب دور زدن قانون از سوی برخی اشخاص و تملک سهام بانکها بیش از آنچه مقرر است به انجای گوناگون، از جمله خرید سهام بانک از طریق اشخاص مختلف با هدف رعایت صوری قانون و سپس اخذ وکالت از اشخاص مذکور برای خلع و سلب تمامی حقوق ناشی از سهام آنها.

چالش ها و مشکلات مذکور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا مطالعه و بررسی تطبیقی را در این زمینه با هدف آگاهی از الگوهای متداول چارچوب مقرراتی تملک سهام بانکها در سایر کشورها به انجام رساند. یافته های این مطالعه نشان داد که در بیشتر کشورها، تمرکز در سهامداری بانکها نسبت به تمرکززدایی که هدف ماده (۵) قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی بوده، امری غالب می باشد. علت نیز آن است که بانکها در اختیار سهامداران شناخته شده و دارای امکانات مالی، کارشناسی، تخصصی، مدیریتی و مسئولیت پذیر قرار می گیرد که فرآیند پاسخ گویی را شفاف تر و مراجع نظارتی را قادر می سازد نظارت مؤثرتری را نسبت به بانکها داشته باشند. الگوی غالب کشورها فارغ از درجه توسعه یافتگی در خصوص مقررات ناظر بر تملک سهام بانکها آن است که سطوح مختلفی برای تملک سهام مؤسسات مذکور (۱۰، ۲۰، ۳۳، ۵۰، ۶۶ و بیشتر که هر یک از سطوح بیانگر امکان کسب یک کرسی هیأت مدیره است) در قانون تعریف می شود. در این حالت، اشخاص برای تملک سهام بانکها تا سقف مشخصی (۱۰ درصد) نیاز به مجوز خاصی ندارند. لیکن امکان تملک سهام بیش از آن، صرفاً با موافقت و مجوز مقام نظارت بانکی امکان پذیر است. مقام نظارت بانکی نیز مبتنی بر ضوابطی مدون و صرفاً در صورت احراز حائز شرایط بودن متقاضی، اتخاذ تصمیم می نماید. همچنین مقام نظارت بانکی از اختیارات کافی برای الزام برخی سهامداران که مخاطره ای برای مدیریت صحیح بانک محسوب می شوند و یا بدون مجوز، بیش از حدود مقرر، سهام بانکی را تملک نموده اند، به واگذاری سهام به غیر برخورد دارد. ضمن آن که در این الگو، تمایزی بین اشخاص حقیقی یا حقوقی برای تملک سهام بانکها

وجود ندارد. ماحصل اجرای صحیح چنین تدابیری آن است که بانکها در اختیار سهامداران شناخته شده و دارای امکانات مالی، کارشناسی، مدیریتی و نظارتی و در عین حال مسئولیت پذیر قرار می گیرند تا در مواقع لزوم از جمله زمانی که بانک به لحاظ نقدینگی دچار مشکل و کمبود می شود، از توان مالی آنها برای افزایش سرمایه و تزریق منابع جدید به بانک استفاده شود. به تبع آن نیز، بانکها از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار می شوند و مرجع نظارت بانکی می تواند ملاحظات نظارتی خود را از طریق سهامداران عمده و واجد شرایط جامعه عمل بپوشاند. گفتنی است که توأمان، مراجع نظارت بانکی از طریق وضع محدودیتها و الزاماتی، مراقبت می نمایند که بانک به منبع مالی ترجیحی مالکان خود تبدیل نشود. از دیگر نتایج و یافته های بررسی های این بانک، مشخص شدن این موضوع بود که تمرکز سهام بانکها علاوه بر آن که واجد آثار مثبت نظارتی است، از منظر سهامداران نیز مفید بوده و می تواند موجب ارتقای کارآمدی و کنترل های داخلی بانکها شود.

با عنایت به موارد پیش گفته، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی سالیان اخیر تلاش نمود تا ماده (۵) قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی از طریق تنظیم لایحه ای مورد بازنگری قرار دهد. توأمان پس از طرح موضوع توسط این بانک و تشریح ابعاد مختلف آن، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز طرحی را بر مبنای ملاحظات و نظرات بانک مرکزی برای اصلاح ماده (۵) قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تهیه کردند که نهایتاً تحت عنوان "قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی" در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۰ مورد تأیید شورای نگهبان قانون اساسی واقع شد.

در ماده (۱) قانون جدید که جایگزین ماده (۵) قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی شده، مقرر گردیده است؛ "تملک سهام مؤسسات اعتباری اعم از بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی که قبل یا بعد از تصویب این قانون تأسیس شده یا می شوند یا بانک های دولتی که سهام آنها واگذار می شود تا سقف ده درصد (۱۰٪) توسط مالک واحد بدون اخذ مجوز مجاز است. همچنین تملک سهام هر یک از مؤسسات اعتباری مزبور توسط مالک واحد در دو سطح بیش از ده درصد (۱۰٪) تا بیست درصد (۲۰٪) و بیش از بیست درصد (۲۰٪) تا سی و سه درصد (۳۳٪) با مجوز بانک مرکزی و به موجب دستورالعملی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار تصویب می شود مجاز می باشد. تملک سهام سایر مؤسسات اعتباری به هر میزان توسط مالک واحدی که در یکی از مؤسسات اعتباری بیش از ده درصد (۱۰٪) سهامدار است، بدون مجوز بانک مرکزی ممنوع است. وفق تبصره (۱) این ماده، «مالک واحد به شخص یا اشخاص حقیقی یا

حقوقی به طور مستقل یا بیش از یک شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می شود که به تشخیص بانک مرکزی و در قالب دستورالعمل شورای پول و اعتبار، دارای روابط مالی، خویشاوندی (سببی و نسبی) نیابتی یا مدیریتی با یکدیگر می باشند». همچنین تبصره (۲) مقرر می دارد «مالک سهام مؤسسات اعتباری بیش از حدود مجاز ذکر شده، نسبت به سهام مازاد، فاقد حقوق مالکیت اعم از حق رأی، دریافت حق تقدم و دریافت سود می باشد و درآمد حاصل از سود سهام توزیع شده و حق تقدم فروش رفته نسبت به سهام مازاد، مشمول مالیات با نرخ صد درصد (۱۰۰٪) می شود و حق رأی ناشی از سهام مازاد در مجامع عمومی به وزارت امور اقتصاد و دارایی تفویض می شود...». به علاوه، بر اساس تبصره (۳) این قانون، بانک مرکزی با تصمیم هیأت انتظامی بانکها، دارای اختیار ابطال مجوز تملک مالک واحد در سطوح بیش از ۱۰ درصد می باشد. همچنین تبصره (۴) ماده قانونی جدید مقرر می کند « اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و غیرایرانی، از تاریخ ابلاغ این قانون در شمول حکم این ماده یکسان هستند».

در خاتمه، ضمن ایفاد یک نسخه از قانون مذکور و اعلام این که ضوابط اجرایی حکم قانونی فوق الذکر توسط بانک مرکزی در دستور کار قرار گرفته است، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶، به تمامی واحدهای ذیربط و همچنین سهامداران آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ و اطلاع رسانی شود.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا غنی آبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲

قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون
اساسی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی که با عنوان طرح به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، با تصویب در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۲۲/۳/۱۳۹۷ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۵۳۶۴۵

۱۳۹۷/۰۴/۲۸

وزارت امور اقتصادی و دارایی

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یک هزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۴/۱۳۹۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۲۰۸۱/۳۴۳ مورخ ۲۵/۴/۱۳۹۷ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجراء ابلاغ می گردد.

رئیس جمهور - حسن روحانی

قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون
اساسی

ماده ۱- متن زیر جایگزین ماده (۵) قانون و تبصره های آن می شود:

ماده ۵ — مؤسسات اعتباری اعم از بانکها و غیربانکی غیردولتی که قبل یا بعد از تصویب این قانون تأسیس شده یا می شوند، یا بانکهای دولتی

که سهام آنها واگذار می شود، صرفاً در قالب شرکتهای سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز به فعالیت هستند، تملک سهام این مؤسسات تا سقف ده درصد (۱۰٪) توسط مالک واحد بدون اخذ مجوز مجاز است. همچنین تملک سهام هر یک از مؤسسات اعتباری مزبور توسط مالک واحد در دو سطح بیش از ده درصد (۱۰٪) تا بیست درصد (۲۰٪) و بیش از بیست درصد (۲۰٪) تا سی و سه درصد (۳۳٪) با مجوز بانک مرکزی و به موجب دستورالعملی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار، مصوب می شود مجاز می باشد. تملک سهام سایر مؤسسات اعتباری به هر میزان توسط مالک واحدی که در یکی از مؤسسات اعتباری بیش از ده درصد (۱۰٪) سهامدار است، بدون مجوز بانک مرکزی ممنوع است.

تبصره ۱— مالک واحد به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به طور مستقل یا بیش از یک شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می شود که به تشخیص بانک مرکزی و در قالب دستورالعمل شورای پول و اعتبار، دارای روابط مالی، خویشاوندی (سببی یا نسبی)، نیابتی یا مدیریتی با یکدیگر می باشند.

تبصره ۲— مالک سهام مؤسسات اعتباری بیش از حدود مجاز ذکر شده، نسبت به سهام مازاد، فاقد حقوق مالکیت اعم از حق رأی، دریافت حق تقدم و دریافت سود می باشد و درآمد حاصل از سود سهام توزیع شده و حق تقدم فروش رفته نسبت به سهام مازاد مشمول مالیات با نرخ صد درصد (۱۰۰٪) می شود و حق رأی ناشی از سهام مازاد در مجامع عمومی به وزارت امور اقتصادی و دارایی تفویض می شود. مالک واحدی که تا پیش از تصویب این قانون، دارنده سهام هر یک از مؤسسات اعتباری بیش از حدود مجاز شده است، فرصت دارد ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون یا وقوع حادثه قهری، نسبت به اخذ مجوز لازم برای هر سطح اقدام و یا مازاد سهام خود را واگذار نماید، در غیر این صورت مشمول مقررات صدر این تبصره می شود.

تبصره ۳— بانک مرکزی می تواند با تصمیم هیأت انتظامی بانکها، مجوز تملک مالک واحد در سطوح بیش از ده درصد (۱۰٪) را ابطال نماید.

تبصره ۴— اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و غیرایرانی، از تاریخ ابلاغ این قانون در شمول حکم این ماده یکسان هستند.

ماده ۲— در ماده (۶) قانون، اصلاحات زیر صورت می پذیرد:

الف - بند (۳) به شرح زیر اصلاح می شود:

۳ — مجموع حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم سهام و عضو (کرسی در هیأت مدیره) در هر بنگاه اقتصادی تا سقف چهل درصد (۴۰٪) برای اشخاص حقوقی موضوع بند (۱) این ماده، که قانوناً مجوز فعالیت اقتصادی دارند، مجاز می باشد.

ب - تبصره (۲) بند (۳) به شرح زیر اصلاح می شود:

تبصره ۲ — اشخاص حقوقی موضوع بند (۱) این ماده و شرکتهای تابعه و وابسته آنها مکلفند مجموع حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم سهام و کرسی مدیریتی (سهام در هیأت مدیره) در هر بنگاه اقتصادی مازاد چهل درصد (۴۰٪) را از تاریخ تصویب این اصلاحیه به صورت مرحله ای حداکثر تا سه سال پس از ابلاغ این قانون واگذار نمایند. اشخاص حقوقی مذکور مکلفند گزارش اجرای این تبصره را حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از واگذاری مازاد سهام یا هر شش ماه یکبار به شورای رقابت و سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه نمایند.

ماده ۳- در ماده (۱۲) قانون، اصلاحات زیر صورت می پذیرد:

الف — در بند (۱)، عبارت نیم درصد (۵٪/۰) به پنج درصد (۵٪) اصلاح می شود.

ب - بند (۲) به شرح زیر اصلاح می شود:

۲ — اشخاص حقوقی سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود، تعاونی فراگیر ملی، تعاونی سهامی عام یا شرکت سهامی عام باشند، حداکثر حق مالکیت بیست درصد (۲۰٪) سهام را داشته و سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪) از سهام را خواهند داشت. در مواردی که تعاونی سهامی عام در حوزه فعالیت های پولی و بانکی وارد شود احکام ماده (۲) این قانون بر این ماده قانونی حاکم خواهد بود.

پ — در بند (۵)، عبارت «می تواند با بلوک بندی برگزار شود» جایگزین «با بلوک بندی برگزار خواهد شد» می شود.

ماده ۴ — تبصره (۳) ماده (۲۴) قانون، اصلاحی مصوب ۷/۶/۱۳۹۵، حذف می شود.

ماده ۵ — یک تبصره به شرح زیر به ماده (۳۱) قانون با عنوان تبصره (۱) اضافه و شماره تبصره قبلی به (۲) تغییر می کند:

تبصره ۱ — در هر موردی که مزایایی از قبیل حق اولاد، کمک هزینه عائله مندی، کمک هزینه ازدواج، عیدی، فوت و بیمه عمر و حوادث بازنشستگان برای کارکنان و بازنشستگان بنگاه واگذار شده مقرر بوده است و به واسطه واگذاری، کارفرمای بخش غیردولتی و صندوق بازنشستگی کشوری بر مبنای قوانین، تکلیفی برای پرداخت مزایای مقرر ندارد، دولت مکلف است هر ساله در لایحه بودجه سنواتی کل کشور پیش بینی لازم را در بودجه صندوق بازنشستگی کشوری بابت بازنشستگان شرکت های واگذار شده که میزان آن همه ساله توسط صندوق بازنشستگی کشوری محاسبه و به سازمان برنامه و بودجه اعلام می شود، به عمل آورده و اینگونه پرداخت توسط صندوق بازنشستگی کشوری صورت گیرد.

ماده ۶ — به ابتدای بند (۵) ماده (۵۸) قانون، عبارت «تعیین مصادیق و» اضافه می شود.

ماده ۷ — متن زیر جایگزین ماده (۵۹) قانون می شود:

ماده ۵۹ — شورای رقابت مکلف است در حوزه کالاها و خدماتی که بازار آنها به تشخیص این شورا مصداق انحصار بوده و نیازمند تأسیس نهاد مستقل (تنظیم گر) است، پیشنهاد تأسیس و اساسنامه نهاد (تنظیم گر بخشی) را به دولت ارسال نماید. هیأت دولت مکلف است ظرف مدت سه ماه از دریافت پیشنهاد شورای رقابت، اقدام قانونی لازم را جهت تأسیس نهاد مزبور انجام دهد. تأسیس نهادهای تنظیم گر بخشی تنها به موجب قانون و با رعایت احکام ذیل امکان پذیر خواهد بود.

تبصره ۱- مرکز ملی رقابت انجام وظایف دبیرخانه و پشتیبانی این نهادها را برعهده دارد.

تبصره ۲- اساسنامه نهادهای تنظیم گر بخشی باید موارد زیر را در برگیرد:

الف - حیطه اختیارات نهاد تنظیم گر به گونه ای است که:

۱- آن دسته از وظایف و اختیارات شورای رقابت که به نهاد تنظیم گر بخشی واگذار می شود، مشخص شود.

۲- وظایف و اختیارات تعیین شده برای نهاد تنظیم گر از وظایف شورای رقابت و سایر دستگاهها و نهادها سلب شود.

۳- هیچ یک از نهادهای تنظیم گر بخشی نتواند مغایر با این قانون یا مصوبات قبل و بعدی شورای رقابت در زمینه تسهیل رقابت تصمیمی بگیرد یا اقدامی کند.

مرجع تشخیص و حل و فصل مغایرت ها، شورای رقابت است و ترتیبات اجرای آن با توجه به ملاحظات هر حوزه در اساسنامه نهاد تنظیم گر مشخص می شود.

ب - ترکیب اعضای نهاد تنظیم گر و شرایط انتخاب آنها به گونه ای است که:

۱- به منظور واگذاری تمام یا بخشی از اختیارات موضوع ماده (۶۱) این قانون، دو نفر از قضات به انتخاب و حکم رئیس قوه قضائیه در ترکیب اعضای نهاد تنظیم گر بخشی عضویت داشته باشند.

۲- ترکیب اعضای متشکل از نمایندگان دستگاههای اجرایی ذی ربط، نمایندگان بخشهای غیردولتی و صاحب نظران درحوزه های حقوقی و اقتصادی باشند.

۳- الزامات ساختاری مربوط به استقلال نهادهای تنظیم گر بخشی شامل ترتیباتی که در مواد (۵۵) و (۵۶) این قانون برای اعضای شورای رقابت ذکر شده، برای اعضای نهادهای تنظیم گر بخشی نیز رعایت شوند.

۴- شرایط مندرج در بند (ب) ماده (۵۳) این قانون برای اعضاء لحاظ شود.

پ - بودجه و اعتبارات نهاد تنظیم گر بخشی به گونه ای است که:

۱- دولت از اشخاص حقوقی تحت تنظیم، عوارضی را دریافت کند و با رعایت قوانین مربوطه به عنوان درآمد اختصاصی هر یک از نهادهای تنظیم گر بخشی اختصاص دهد. میزان این عوارض باید به صورت سالانه در لایحه بودجه پیشنهاد شود.

۲- حد اقل و حد اکثر میزان عوارض مذکور برای هر بخش در اساسنامه نهاد تنظیم گر آن بخش تعیین شود.

ماده ۸ - متن زیر جایگزین ماده (۶۳) قانون می شود:

ماده ۶۳ - کلیه تصمیمات شورای رقابت و نهادهای تنظیم گر بخشی موضوع ماده (۵۹)، ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ به ذی نفع، صرفاً قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر موضوع ماده (۶۴) این قانون است. این مدت برای اشخاص مقیم خارج از کشور دوماه می باشد. در صورت عدم ارائه درخواست تجدیدنظر در مدت یادشده و همچنین در صورت تأیید تصمیمات شورا در هیأت تجدیدنظر، این تصمیمات قطعی هستند.

قانون فوق مشتمل بر هشت ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و دوم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۲۰/۴/۱۳۹۷ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۱۴- بخشنامه شماره ۹۷/۲۱۳۲۱۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۱؛ توضیحات درخصوص اجرای
بند (و) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که استحضار دارند؛ در بند «و» تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور مقرر شده بود: «به منظور تشویق تولیدکنندگان و تسویه مطالبات بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری چنانچه مشتریان بدهی معوق خود را که تا پایان سال ۱۳۹۶ سررسید شده باشد از تاریخ سررسید تا پایان شهریورماه ۱۳۹۷ تسویه نمایند، بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری مکلفند اصل و سود خود را مطابق قرارداد اولیه و بدون احتساب جریمه دریافت و تسویه نمایند.»

پس از آن که حکم قانونی فوق الذکر طی بخشنامه شماره ۹۷/۴۵۸۲۱ مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ به شبکه بانکی کشور ابلاغ شد، سئوالات و استعلامات متعددی درخصوص مفاد آن به این بانک واصل گردید. لیکن از آنجایی که به استناد اصل ۷۳ قانون اساسی، مرجع تفسیر قوانین عادی، مجلس شورای اسلامی میباشد، بانک مرکزی ضمن پاسخگویی به استعلامات مذکور، مکاتبات مختلفی نیز با هدف رفع ابهامات و مشکلات با مراجع ذیربط از جمله مجلس شورای اسلامی و دولت محترم انجام داد.

با عنایت به تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۷ کمیسیون فرعی کمیسیون اقتصاد دفتر هیأت دولت و به استناد نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای محترم نگهبان و همچنین با هدف مساعدت به بنگاه های اقتصادی دارای بدهی غیرجاری به شبکه بانکی کشور و نیز تسهیل تسویه مطالبات بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، مراتب ذیل را در خصوص حکم قانونی مورد نظر به استحضار میسراند:

۱. عبارت جریمه در حکم قانونی صدرالاشاره اطلاق بر «مازاد/مابه التفاوت نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین با نرخ سود قرارداد (براساس مقررات فعلی به میزان ۶ درصد)» دارد.
۲. مشمولان حکم قانونی مذکور تولیدکنندگان میباشند، لذا بدهی سررسید شده تولیدکنندگان (هر میزان اقساط سررسید شده) مشمول این بند قانونی میباشد.
۳. منظور از عبارت «تسویه» در بند مذکور، تسویه بخش سررسید شده میباشد. به عبارت دیگر برای برخورداری از مزایای قانونی مذکور تسویه اقساط سررسید نشده ضرورتی ندارد.

۴. قرارداد هایی که قبل از سال ۱۳۹۶ تعیین تکلیف شده اند و سررسید آن سال ۱۳۹۷ و بعد از آن است، مشمول حکم قانونی مذکور نمی باشد.
۵. نظر به مختومه شدن قراردادهای قبلی با انعقاد قرارداد جدید، قرارداد جاری (نافذ در پایان سال ۱۳۹۶) مبنای عمل محاسبات خواهد بود.
۶. نظر به سئوالات متعدد در ارتباط با عبارت «بدهی معوق» در بند یاد شده، هرگونه بدهی سررسید/حال شده پرداخت نشده در پایان سال ۱۳۹۶ مشمول حکم مذکور می باشد.
۷. همانگونه که در بند قانونی مذکور اشاره شده است، تسهیلات اعطایی بدون تعیین میزان حجم بدهی مورد نظر است. لذا تولیدکنندگان دارای هر میزان بدهی سررسید شده پرداخت نشده در پایان سال ۱۳۹۶ میتوانند از مزایای بند قانونی فوق بهره مند گردند.
۸. شرط برخورداری از مزایای بند قانونی صدرالذکر، داشتن بدهی سررسید شده پرداخت نشده در پایان سال ۱۳۹۶ و همچنین تسویه آن تا پایان شهریور سال ۱۳۹۷ است، از این رو چنانچه تولیدکنندگان از ابتدای سال ۱۳۹۷ و تا قبل از اجرایی شدن قانون جدید، بدهی خود را بازپرداخت و یا اقدام به امهال آن نموده باشند، میتوانند در صورت درخواست، از مزایای بند قانونی مذکور برخوردار گردند. در این حالت بانک میتواند مبالغ پرداختی از سوی مشتری را به حساب تسویه در حالت جدید منظور نماید.
- در خاتمه، ضمن اعلام این که اصلاح و تمدید مهلت زمان اجرای حکم قانونی مذکور، در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد و همچنین تأکید مجدد بر مسئولیت بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در حسن اجرای حکم قانونی یاد شده، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا غنی آبادی
۳۸۱۶
۳۲۱۵-۰۲

۱۵- بخشنامه شماره ۹۷/۲۹۱۷۲۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۱؛ ابلاغ دستورالعمل نحوه
تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعبه و دفتر نمایندگی بانک خارجی در
ایران

شعب و دفاتر نمایندگی بانکهای خارجی فعال در کشور

با سلام؛

احتراما، همانگونه که استحضار دارند، آنچه تاکنون مبنای مقرراتی
تأسیس، فعالیت و نظارت شعب بانکهای خارجی و همچنین دفاتر نمایندگی
بانکهای خارجی در داخل کشور قرار داشته، «آییننامه اجرایی نحوه تأسیس
و عملیات شعب بانکهای خارجی در ایران» مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۸
هیأت محترم وزیران و «دستورالعمل اجرایی نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و
تعطیلی شعب بانکهای خارجی در ایران» مصوب هیأت عامل محترم بانک مرکزی
جمهوری اسلامی ایران درخصوص شعب بانکهای خارجی و «آییننامه نحوه
تأسیس، فعالیت و انحلال دفاتر نمایندگی بانکهای خارجی در کشور جمهوری
اسلامی ایران» مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۳/۳/۱۳ شورای محترم پول و اعتبار در
مورد دفاتر نمایندگی بانکهای خارجی بوده است. از آنجایی که با عنایت
به تغییرات عمده در زیرساختهای عملیاتی، مقرراتی و نظارتی کسبوکار
بانکداری طی سنین اخیر و همچنین تحولات ایجاد شده در تعاملات
بینالمللی، اصلاح و بازنگری مقررات فوقالذکر با رویکرد تسهیل ورود
بانکهای معتبر بینالمللی و تطابق هرچه بیشتر با شرایط و مقتضیات
کنونی ضروری مینمود، لذا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مقررات یاد
شده را با بهره‌گیری از یافته‌های حاصل از مطالعات انجام شده در خصوص
مقررات سایر کشورها در این رابطه و همچنین لحاظ اقتضائات کنونی
کشور مورد اصلاح و بازنگری قرار داد و به منظور یکپارچه سازی و انسجام
هرچه بیشتر و تجمیع مقررات مرتبط با یکدیگر، دستورالعمل واحدی را تحت
عنوان «دستورالعمل نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعبه و دفتر
نمایندگی بانک خارجی در ایران» تدوین و برای تصویب نهایی به شورای پول و
اعتبار تقدیم نمود. در ادامه دستورالعمل پیشنهادی در یک‌هزار و دو‌ست
و شصتین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۴ شورای محترم پول و اعتبار مطرح و به
تصویب رسید که به پیوست نسخه‌ای از آن جهت استحضار ایفاد می‌گردد. اهم
اصلاحات لحاظ شده در دستورالعمل مصوب به شرح ذیل می‌باشد:

✓ تعیین شرایط برای بانک خارجی متقاضی تأسیس شعبه یا دفتر نمایندگی، از
جمله آن که؛ حداقل پنج سال از تاریخ شروع فعالیت بانک خارجی متقاضی
تأسیس شعبه و سه سال از تاریخ شروع فعالیت بانک خارجی متقاضی تأسیس
دفتر نمایندگی گذشته باشد. همچنین تأییدیه مرجع نظارتی کشور مبدأ
مبني بر برخورداری بانک متقاضی از ثبات و سلامت مالی و تطبیق
فعالیت‌های آن با الزامات مالی بینالمللی نظیر مقررات مبارزه با
پولشویی و تأمین مالی تروریسم وجود داشته باشد.

✓ صدور اجازه‌نامه‌ها در سه سطح موافقت اصولی، اجازه‌نامه تأسیس و
اجازه‌نامه فعالیت برای شعبه و دفتر نمایندگی بانک خارجی.

- ✓ تعیین شرایط عمومی برای مدیر شعبه یا دفتر نمایندگی نظیر: اقامت در ایران، نداشتن سابقه محکومیت قطعی به ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری، پولشویی و فرار مالیاتی و همچنین تأیید صلاحیت تخصصی مدیر شعبه به تشخیص بانک مرکزی.
- ✓ تعیین حدود و ثغور فعالیت دفتر نمایندگی مبنی بر این که صرفاً مجاز به انجام امور مشاوره ای، بازاریابی و هماهنگ کننده امور میان بانک خارجی، مؤسسات اعتباری و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی بوده و نمیتواند به عملیات بانکی و ارائه خدمات بانکی و سایر فعالیت های اقتصادی درآمدزا مبادرت ورزد.
- ✓ امکان تأسیس شعبه توسط بانک خارجی در قالب شعبه نوع اول و شعبه نوع دوم.
- ✓ شعبه نوع دوم تحت هیچ شرایطی مجاز به دریافت سپرده نمیشود.
- ✓ شعبه نوع اول تا یک سال پس از شروع فعالیت مجاز به قبول سپرده نمیشود. پس از اتمام مهلت مزبور، با تأیید بانک مرکزی به مدت ۲ سال صرفاً مجاز به قبول سپرده قرض الحسنه پس انداز و سرمایه گذاری از اشخاص حقوقی میشود. در پایان مدت زمان اخیرالذکر، منوط به موافقت بانک مرکزی میتواند نسبت به قبول سپرده از تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی اقدام نماید.
- ✓ مجموع سپرده های دریافتی توسط شعبه نوع اول، در هر زمان نباید بیش از ۱۲ برابر سرمایه اعطایی آن باشد.
- ✓ مبلغ سرمایه مورد نیاز برای تأسیس شعبه با توجه به نوع آن؛ حداقل ۱۰ میلیون یورو برای شعبه نوع اول و ۵ میلیون یورو برای شعبه نوع دوم تعیین شده است.
- ✓ الزام شعبه به نگهداری حداقل میزان ۸۰ درصد مانده هر یک از اقلام دارایی های خود، طبق آخرین صورتهای مالی حسابرسی شده، در داخل ایران.
- ✓ مجموع مانده تسهیلات دریافتی توسط شعبه نوع دوم از مؤسسات اعتباری و بانک خارجی در هر زمان نباید بیش از سه برابر حقوق صاحبان سهام شعبه باشد.
- ✓ اضافه نمودن اقدامات انتظامی و نظارتی بانک مرکزی در برابر تخلفات شعبه بانک خارجی؛
- ✓ تعیین جریمه نقدی بابت تخلف شعبه بانک خارجی از مفاد دستورالعمل پیشنهادی و سایر قوانین و مقررات پولی و بانکی تا میزان پنج درصد آخرین سرمایه اعطایی شعبه.
- در خاتمه، ضمن آنکه امید است دستورالعمل ابلاغی بتواند در راستای تسهیل هرچه بیشتر فرآیند حضور شعب و دفاتر نمایندگی بانک های خارجی مؤثر افتد و زمینه افزایش ارتباطات بانکی در سطح بین المللی را

فراهم نماید، خواهشمند است تمهیدات لازم به منظور اجرای دستورالعمل
مذکور اتخاذ شده و بر حسن اجرای آن، نظارت دقیق صورت پذیرد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

حمیدرضا غنی‌آبادی محمد خدایاری

۳۸۳۱-۰۲

۳۲۱۵-۰۲

«دستورالعمل نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعبه و دفتر

نمایندگی بانک خارجی در ایران»

شورای پول و اعتبار بنا به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و با استناد به بند (ب) ماده (۱۱) قانون پولی و بانکی کشور، در راستای تسهیل شرایط حضور بانکهای معتبر بین المللی در کشور و با هدف افزایش رقابت پذیری، تعمیق و ایجاد پویایی در شبکه بانکی، «دستورالعمل نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعبه و دفتر نمایندگی بانک خارجی در ایران» که از این پس به اختصار «دستورالعمل» نامیده می شود، به شرح ذیل تصویب نمود.

فصل اول- تعاریف و کلیات

ماده ۱- در این دستورالعمل عناوین ذیل به جای عبارات مشروح مربوط به کار می روند:

۱-۱- ایران: کشور جمهوری اسلامی ایران؛

۲-۱- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛

۳-۱- مؤسسه اعتباری: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که به موجب قانون و یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده و تحت نظارت آن بانک قرار دارد؛

۴-۱- بانک خارجی: مؤسسه ای که تحت عنوان "بانک" در خارج از ایران تأسیس و تحت نظارت مرجع نظارت بانکی کشور متبوع خویش به کسب و کار بانکی اشتغال دارد؛

۵-۱- کسب و کار بانکی: انجام عملیات بانکی و ارائه خدمات بانکی؛

۶-۱- بانک خارجی متقاضی: بانک خارجی که متقاضی تأسیس شعبه و یا دفتر نمایندگی در ایران می باشد؛

۷-۱- مرجع نظارتی: مقام مسئول ناظر بر بانک خارجی در کشور متبوع؛

۸-۱- شعبه: مشتمل بر شعبه نوع اول و یا نوع دوم بانک خارجی که در چارچوب این دستورالعمل در ایران تأسیس می شود؛

۹-۱- مدیر شعبه/دفتر نمایندگی: مشتمل بر رئیس و معاون شعبه/دفتر نمایندگی؛

۱۰-۱- شعبه نوع اول: واحد عملیاتی از بانک خارجی است که می تواند در چارچوب این دستورالعمل نسبت به انجام عملیات بانکی و ارائه خدمات بانکی اقدام نماید؛

۱۱-۱- شعبه نوع دوم: واحد عملیاتی از بانک خارجی است که مجاز به دریافت سپرده نبوده و صرفاً می تواند به اعطای تسهیلات

و آرایه خدمات بانکی در چارچوب این دستورالعمل،
مبادرت نماید؛

۱۲-۱- دفتر نمایندگی: واحد عملیاتی از بانک خارجی است که صرفاً به انجام امور مشاوره‌ای، بازاریابی و هماهنگ کننده امور میان بانک خارجی، مؤسسات اعتباری، سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی مبادرت می‌نماید و مجاز به انجام عملیات بانکی و آرایه خدمات بانکی و سایر فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا نمی‌باشد.

۱۳-۱- عملیات بانکی: دریافت هرگونه سپرده از عموم و به‌کارگیری آن در قالب اعطای اعتبار و تسهیلات؛

۱۴-۱- خدمات بانکی: مجموعه اقداماتی غیر از عملیات بانکی که شعبه در چارچوب مفاد این دستورالعمل به مشتریان آرایه و در قبال آن کارمزد دریافت نماید؛

۱۵-۱- سرمایه اعطایی: وجوهی که بانک خارجی به منظور تأسیس و فعالیت، به عنوان سرمایه به شعبه نوع اول و یا دوم تخصیص داده و پرداخت می‌نماید؛

۱۶-۱- تسهیلات (وام) تبعی: تسهیلات بلندمدتی است که توسط بانک خارجی به شعبه اعطا می‌شود، قابل مطالبه قبل از سررسید نبوده و اولویت بازپرداخت آن در صورت ورشکستگی تسهیلات گیرنده، نسبت به سایر بدهی‌های آن پایین‌تر می‌باشد.

۱۷-۱- موافقت اصولی: موافقت کتبی بانک مرکزی با تقاضای اولیه بانک خارجی متقاضی؛

۱۸-۱- اجازه‌نامه تأسیس: موافقت کتبی بانک مرکزی با ثبت شعبه و یا دفتر نمایندگی در مرجع ثبت شرکت‌ها؛

۱۹-۱- اجازه‌نامه فعالیت: موافقت کتبی بانک مرکزی با شروع فعالیت شعبه و یا دفتر نمایندگی؛

۲۰-۱- مقررات احتیاطی: مجموعه الزامات احتیاطی از جمله مقررات ناظر بر نسبت کفایت سرمایه، تسهیلات و تعهدات کلان، تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط، سرمایه‌گذاری، الزامات نقدینگی، طبقه‌بندی دارایی‌ها، ذخیره‌گیری و وضعیت باز ارزی که توسط مرجع نظارتی/بانک مرکزی، حسب مورد، تدوین و ابلاغ می‌گردد؛

۱-۲۱- صلاحیت حرفه‌ای: شرایط لازم برای تصدی سمت مدیر شعبه مشتمل بر شرایط عمومی و تخصصی در چارچوب ضوابط این دستورالعمل.

ماده ۲- تأسیس و فعالیت شعبه و دفتر نمایندگی صرفاً پس از کسب اجازه‌نامه‌های تأسیس و فعالیت، حسب مورد، امکان‌پذیر می‌باشد.

ماده ۳- بانک مرکزی می‌تواند در صورت صلاحدید، تأسیس و فعالیت شعبه و دفتر نمایندگی را به وجود تفاهم‌نامه نظارتی مابین خود و مرجع نظارتی منوط نماید.

ماده ۴- تأسیس و فعالیت شعبه و یا دفتر نمایندگی در مناطق آزاد تجاری صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تابع قانون و ضوابط خاص خود می‌باشد.

فصل دوم- شرایط، سرمایه مورد نیاز و فرآیند تأسیس شعبه

ماده ۵- بانک خارجی متقاضی تأسیس شعبه باید حایز شرایط زیر باشد:

۵-۱- حداقل پنج سال از تاریخ شروع فعالیت آن گذشته باشد؛

۵-۲- عملکرد مالی آن طی سه سال گذشته و یا برآیند پنج سال گذشته، نمایانگر سودآوری باشد؛

۵-۳- دارا بودن تأییدیه مرجع نظارتی مبني بر برخورداری از ثبات و سلامت مالی آن و تطبیق فعالیت‌های آن با الزامات مالی بین‌المللی نظیر مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم؛

۵-۴- برخورداری از وضعیت مالی و اعتباری مناسب و حسن شهرت به تشخیص بانک مرکزی.

ماده ۶- مدیر شعبه باید حایز شرایط زیر باشد:

۶-۱- شرایط عمومی:

۶-۱-۱- اقامت مدیران شعبه در ایران؛

۶-۱-۲- حداقل یکی از مدیران شعبه باید ایرانی باشد؛

۶-۱-۳- دارا بودن تأییدیه هیأت مدیره بانک خارجی مبني بر عدم وجود سوءسابقه مالی؛

۶-۱-۴- نداشتن سابقه محکومیت قطعی به ارتشاء، اختلاس، خیانت در

امانت، کلاهبرداری، پول‌شویی، فرار مالیاتی، قاچاق کالا

و ارز، جعل و تزویر، سرقت، صدور چک بی‌محل و ورشکستگی

به تقصیر یا تقلب، اعم از این‌که حکم از دادگاه‌های

داخلی یا خارج کشور صادر شده یا محکوم، مجرم اصلی یا

شریک یا معاون جرم بوده باشد؛

۱-۱-۵- نداشتن منع تصدی عضویت در هیأت مدیره مؤسسات اعتباری

ناشی از محکومیت قطعی در هیأت انتظامی بانکها؛

۱-۱-۶- نداشتن بدهی غیرجاری به مؤسسات اعتباری و سابقه چک

برگشتی.

۲-۶- شرایط تخصصی:

۱-۲-۶-۱- دارای بودن دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در رشته های

مرتبط به تشخیص بانک مرکزی؛

۱-۲-۶-۲- دارای بودن حداقل پنج سال سابقه کار در سطح مدیریت امور

بانکی؛

۱-۲-۶-۳- آشنایی با اصول و مبانی عملیات بانکی ایران؛

۱-۲-۶-۴- برخورداری از صلاحیت تخصصی و حرفه ای به تشخیص بانک

مرکزی؛

۱-۲-۶-۵- تسلط به زبان فارسی برای حداقل یکی از مدیران شعبه .

ماده ۷- حداقل سرمایه مورد نیاز برای تأسیس شعبه به شرح زیر می باشد :

۷-۱- شعبه نوع اول: حداقل ۱۰ میلیون یورو یا معادل آن به سایر

ارزهای معتبر مورد قبول بانک مرکزی؛

۷-۲- شعبه نوع دوم: حداقل ۵ میلیون یورو یا معادل آن به سایر

ارزهای معتبر مورد قبول بانک مرکزی؛

ماده ۸- بانک خارجی متقاضی به منظور اخذ موافقت اصولی باید مدارک و

اطلاعات زیر را به همراه تقاضای خود به بانک مرکزی ارائه دهد :

۸-۱- تصویر برابر با اصل مجوز فعالیت و اساسنامه بانک خارجی

ممهور به مهر تأیید مرجع نظارتی؛

۸-۲- مدارک مرتبط با محل و آدرس ثبتی بانک خارجی ممهور به مهر

تأیید مرجع نظارتی؛

۸-۳- نام تجاری شعبه مورد تقاضا ؛

۸-۴- صورتهای مالی حسابرسی شده تلفیقی و غیرتلفیقی سه سال گذشته

بانک خارجی (در صورتی که معیار ارزیابی سود آوری، برآیند ۵

سال گذشته باشد، صورتهای مالی حسابرسی شده تلفیقی و

غیرتلفیقی ۵ سال گذشته بانک خارجی)؛

۸-۵- تأییدیه مکتوب از مرجع نظارتی درخصوص:

۸-۵-۱- افتتاح شعبه مورد تقاضا در ایران؛

۸-۵-۲- مطلوب بودن وضعیت مالی بانک خارجی از حیث مواردی نظیر

رعایت مقررات احتیاطی؛

- ۸-۵-۲- آخرین رتبه بانک خارجی از نظر سرمایه، سپرده ها و دارایی ها در نظام بانکی کشور متبوع و همچنین وضعیت بیمه سپرده های بانک خارجی مذکور؛
- ۸-۵-۴- تعهد مرجع نظارتی مبني بر همکاری کامل با بانک مرکزی در خصوص نظارت بر شعبه؛
- ۸-۵-۵- تأییدیه مرجع نظارتی مبني بر سلامت بانک خارجی در زمینه رعایت مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم.
- ۸-۶- مشخصات سهامداران دارای بیش از ۵ درصد سهام با حق رأی بانک خارجی و درصد مشارکت هریک از آنها؛
- ۸-۷- اسامی و سایر مشخصات مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره بانک خارجی؛
- ۸-۸- تعداد و چگونگی توزیع جغرافیایی شعب، واحدهای مستقل فرعی و دفاتر نمایندگی بانک خارجی در سایر کشورها؛
- ۸-۹- تعهد کتبی بی قید و شرط هیأت مدیره بانک خارجی مبني بر جبران خسارت وارده به مشتریان، ناشی از عملیات شعبه (اعم از سهوی یا عمدی) حتی در صورت مغایرت با قوانین و مقررات کشور متبوع؛
- ۸-۱۰- تعهد کتبی هیأت مدیره بانک خارجی مبني بر تأمین کسری سرمایه اعطایی، بنا به دلایلی نظیر افزایش حداقل سرمایه مقرر در ماده (۷) و یا کاهش نسبت کفایت سرمایه از حدود تعیین شده توسط بانک مرکزی؛
- ۸-۱۱- معرفی نماینده تام الاختیار بانک خارجی برای انجام امور مربوط به شعبه، حسب مورد، نظیر ثبت شعبه، دریافت اجازه نامه ها و واریز و برداشت سرمایه اعطایی؛
- ۸-۱۲- برنامه عملیاتی شعبه که حداقل مشتمل بر موارد ذیل باشد:
- ۸-۱۲-۱- چشم انداز، اهداف و بازار هدف؛
- ۸-۱۲-۲- میزان سرمایه اعطایی؛
- ۸-۱۲-۳- عملیات بانکی که قصد انجام آن را دارد؛
- ۸-۱۲-۴- ساختار سازمانی و مدیریتی مشتمل بر اطلاعاتی از قبیل تعداد و تخصص مدیران و کارکنان، ساختار کنترل داخلی و مدیریت ریسک؛
- ۸-۱۲-۵- امکانات فنی نظیر تجهیزات نرم افزاری و سخت افزاری مرتبط با فناوری اطلاعات؛

۸-۱۲-۶- سیاستها و برنامه ها در خصوص نحوه تجهیز و تخصیص منابع

طی سه سال آتی؛

۸-۱۲-۷- صورت های مالی پیشبینی شده برای سه سال اول فعالیت؛

۸-۱۳- سایر اطلاعات و مدارک بنا به تشخیص بانک مرکزی.

تبصره- سهامداران موضوع بند (۶-۸) نباید از اتباع کشورهای

متخاصم جمهوری اسلامی ایران به تشخیص وزارت امور خارجه باشد.

ماده ۹- بانک مرکزی میتواند حسب تشخیص نسبت به تغییر شرایط و حداقل

سرمایه مورد نیاز برای تأسیس شعبه اقدام نماید.

ماده ۱۰- بانک مرکزی پس از دریافت و بررسی تمامی اطلاعات و مدارک

موضوع ماده (۸) و در صورت احراز شرایط مقرر در ماده (۵)، حداکثر ظرف مدت دو

ماه در خصوص صدور موافقت اصولی اتخاذ تصمیم مینماید.

ماده ۱۱- بانک خارجی موظف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ صدور موافقت

اصولی نسبت به انجام موارد ذیل اقدام نماید. در غیر این صورت،

موافقت اصولی پس از گذشت مدت زمان مذکور از درجه اعتبار ساقط

میشود.

۱۱-۱- تودیع کامل سرمایه مورد نیاز موضوع ماده (۷) نزد بانک

مرکزی؛

۱۱-۲- اعلام مشخصات مدیران پیشنهادی شعبه؛

۱۱-۳- تعیین محل فعالیت شعبه و آرایه تأییدیه بلاشرط نیروی

انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص محل مزبور.

تبصره- بانک مرکزی میتواند مدت زمان موضوع این ماده را در صورت

ضرورت برای یک دوره دوماه دیگر تمدید نماید.

ماده ۱۲- بانک مرکزی پس از دریافت اطلاعات و مدارک موضوع ماده (۱۱) و

تأیید صلاحیت تخصصی و حرفه ای مدیران شعبه در خصوص صدور اجازه نامه

تأسیس اتخاذ تصمیم مینماید.

تبصره- در صورت عدم تأیید صلاحیت تخصصی و حرفه ای مدیران شعبه،

بانک خارجی موظف است ظرف مدت یک ماه افراد جایگزین حائز شرایط

را طبق مفاد دستورالعمل معرفی نماید.

ماده ۱۳- بانک خارجی موظف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور

اجازه نامه تأسیس، نسبت به ثبت شعبه اقدام و مدارک و اطلاعات زیر

را به بانک مرکزی ارائه نماید:

۱۳-۱- آگهی ثبت شعبه در مرجع ثبت شرکتها؛

۱۳-۲- اعلام مکتوب آمادگی شروع به فعالیت شعبه؛

۱۳-۳- مشخصات حسابرس مستقل شعبه.

تبصره- مدت اعتبار اجازه نامه تأسیس سه ماه می باشد. مدت مزبور حسب تشخیص بانک مرکزی برای یک دوره سه ماهه دیگر قابل تمدید است.

ماده ۱۴- بانک مرکزی پس از دریافت و بررسی مدارک و اطلاعات موضوع ماده (۱۳)، حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به صدور اجازه نامه فعالیت اقدام می نماید.

ماده ۱۵- اعتبار اجازه نامه فعالیت صادره توسط بانک مرکزی به منظور شروع فعالیت، سه ماه از تاریخ صدور می باشد. در صورت عدم شروع به فعالیت شعبه ظرف مهلت مذکور، تمامی اجازه نامه های صادره لغو می شود.

ماده ۱۶- بانک مرکزی همزمان با صدور اجازه نامه فعالیت، سرمایه تودیع شده موضوع ماده (۱۱) را به حساب شعبه نزد بانک مرکزی واریز می نماید.

ماده ۱۷- پس از صدور اجازه نامه فعالیت، مدیر شعبه موظف است تاریخ شروع رسمی فعالیت شعبه را به صورت مکتوب و قبل از آغاز فعالیت، به بانک مرکزی اعلام نماید.

فصل سوم- مقررات ناظر بر فعالیت شعبه

ماده ۱۸- شعبه موظف است در چارچوب اساسنامه بانک خارجی و اجازه نامه فعالیت صادره و با رعایت قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و اصلاحیه های پس از آن و سایر قوانین و مقررات ذیربط، به انجام عملیات و ارائه خدمات بانکی در چارچوب مفاد این دستورالعمل مبادرت ورزد.

ماده ۱۹- نرخ سود سپرده ها و تسهیلات اعطایی ریالی و میزان کارمزد عملیات و خدمات ریالی شعبه، تابع مصوبات شورای پول و اعتبار می باشد.

ماده ۲۰- نرخ سود سپرده ها و تسهیلات اعطایی ارزی و میزان کارمزد عملیات و خدمات ارزی به تشخیص شعبه و بر اساس شرایط عرضه و تقاضای بازار تعیین می شود.

ماده ۲۱- شعبه در انجام فعالیت خود موظف به رعایت مقررات احتیاطی، استانداردهای حسابداری ایران و رویه های حسابداری اعلامی توسط بانک مرکزی می باشد.

ماده ۲۲- شعبه صرفاً مجاز به انجام عملیات زیر می باشد:

۱-۲۲- شعبه نوع اول:

۱-۱-۲۲- قبول سپرده قرض الحسنه پس انداز و سرمایه گذاری؛

- ۲۲-۱-۲- افتتاح انواع حساب سپرده نزد مؤسسات اعتباری و دریافت/اعطای تسهیلات از/به آنها صرفاً در چارچوب بازار بین بانکی؛
- ۲۲-۱-۳- اعطای انواع تسهیلات؛
- ۲۲-۱-۴- ارائه انواع ابزارهای پرداخت؛
- ۲۲-۱-۵- دریافت، پرداخت، نقل و انتقال وجوه ریالی؛
- ۲۲-۱-۶- ارائه خدمات بانکی الکترونیکی از جمله صدور انواع کارت های الکترونیکی نظیر کارت های خرید، کارت اعتباری و کیف پول الکترونیکی؛
- ۲۲-۱-۷- صدور گواهی سپرده عام و خاص؛
- ۲۲-۱-۸- انجام امور نمایندگی به منظور جمع آوری وجوه، وادایع و غیره؛
- ۲۲-۱-۹- گشایش انواع اعتبار اسنادی و صدور انواع ضمانتنامه؛
- ۲۲-۱-۱۰- قبول و نگاهداری اشیاء گرانبها، اسناد و اوراق بهادار و اجاره صندوق امانات به مشتریان؛
- ۲۲-۱-۱۱- تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی ها در قالب انتشار اوراق صکوک؛
- ۲۲-۱-۱۲- انجام عملیات ارزی نظیر خرید و فروش ارز، انتقال ارز، دریافت و اعطای تسهیلات ارزی، صدور حوالجات ارزی؛
- ۲۲-۱-۱۳- خدمات مربوط به وجوه اداره شده؛
- ۲۲-۱-۱۴- انجام سفارشات مستمر مشتریان (دستور پرداخت مستمر)؛
- ۲۲-۱-۱۵- سرمایه گذاری در انواع اوراق بهادار نظیر صکوک؛
- ۲۲-۱-۱۶- ارائه خدمات مشاوره ای در اموری از قبیل سرمایه گذاری، خدمات مالی و مدیریت دارایی ها؛
- ۲۲-۱-۱۷- حفظ، برقراری و ایجاد رابطه کارگزاری با مؤسسات اعتباری داخل و بانک های خارج از کشور؛
- ۲۲-۱-۱۸- سایر عملیات پس از کسب مجوز از بانک مرکزی.
- ۲۲-۲- شعبه نوع دوم :
- ۲۲-۲-۱- اعطای انواع تسهیلات اعم از ریالی و ارزی؛
- ۲۲-۲-۲- افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری نزد مؤسسات اعتباری؛
- ۲۲-۲-۳- ارائه خدمات بانکداری الکترونیکی نظیر صدور کارت برداشت و انواع کارت های اعتباری و هدیه؛
- ۲۲-۲-۴- افتتاح حساب قرض الحسنه پس انداز به نام تسهیلات گیرندگان صرفاً جهت واریز وجه تسهیلات؛

- ۲۲-۵-۲- دریافت تسهیلات از بانک خارجی؛
- ۲۲-۶-۲- دریافت تسهیلات از مؤسسات اعتباری صرفاً در چارچوب بازار بین بانکی؛
- ۲۲-۷-۲- قبول و نگهداری اشیاء گرانبها، اسناد و اوراق بهادار و اجاره صندوق امانات به مشتریان؛
- ۲۲-۸-۲- خرید و فروش ارز و صدور حوالجات ارزی؛
- ۲۲-۹-۲- سرمایه گذاری در انواع اوراق بهادار نظیر صکوک؛
- ۲۲-۱۰-۲- ارائه خدمات مشاوره ای در اموری از قبیل سرمایه گذاری، خدمات مالی، مدیریت دارایی ها؛
- ۲۲-۱۱-۲- سایر عملیات پس از کسب مجوز از بانک مرکزی.
- تبصره ۱- شعبه نوع اول از زمان شروع فعالیت صرفاً مجاز به انجام فعالیت های موضوع بندهای (۲۲-۱-۱) الی (۲۲-۶-۱) میباشد، انجام سایر فعالیت های موضوع بند (۲۲-۱) منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی میباشد.
- تبصره ۲- شعبه نوع اول از زمان شروع فعالیت، به مدت یکسال مجاز به قبول سپرده قرض الحسنه پس انداز و سرمایه گذاری و صدور گواهی سپرده عام و خاص نمیشود. پس از اتمام مهلت مزبور، با تأیید بانک مرکزی به مدت ۲ سال صرفاً مجاز به قبول سپرده قرض الحسنه پس انداز و سرمایه گذاری از اشخاص حقوقی میشود. در پایان مدت زمان اخیرالذکر، منوط به موافقت بانک مرکزی میتواند نسبت به قبول سپرده از تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی اقدام نماید.
- تبصره ۳- مجموع سپرده های دریافتی توسط شعبه نوع اول از اشخاص، در هر زمان نباید بیش از ۱۲ برابر سرمایه اعطایی آن باشد.
- تبصره ۴- شعبه نوع دوم از زمان شروع فعالیت صرفاً مجاز به انجام فعالیت های موضوع بندهای (۲۲-۲-۱) الی (۲۲-۲-۵) میباشد، انجام سایر فعالیت های موضوع بند (۲۲-۲) منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی میباشد.
- تبصره ۵- اعطای تسهیلات توسط شعبه نوع دوم به مؤسسات اعتباری ممنوع میباشد.
- ماده ۲۳- مجموع مانده تسهیلات دریافتی توسط شعبه نوع دوم از مؤسسات اعتباری و بانک خارجی در هر زمان نباید بیش از سه برابر حقوق صاحبان سهام شعبه باشد.

ماده ۲۴- شعبه نوع دوم موظف است مراتب ممنوعیت اخذ سپرده از مشتریان را به طرق مقتضی نظیر درج در پایگاه اطلاع رسانی و نصب اطلاعیه در محل شعبه، اطلاع رسانی نماید.

ماده ۲۵- شعبه ملزم به ارائه اطلاعات و گزارشهای مورد درخواست بانک مرکزی نظیر اسناد، دفاتر و صورتهای مالی حسابرسی شده در چارچوب ضوابط ابلاغی، به زبانهای فارسی و انگلیسی میباشد. اطلاعات و گزارشهای مزبور باید در هر زمان در محل شعبه در دسترس باشد.

تبصره- بانک مرکزی میتواند بنا به تشخیص و صلاحدید خود، اطلاعات و گزارشهای موضوع این ماده را مستقیماً از بانک خارجی متبوع هم دریافت نماید.

ماده ۲۶- شعبه موظف است گزارشهای لازم در خصوص تغییرات سهامداران عمده، مدیران ارشد و وضعیت مقررات احتیاطی بانک خارجی متبوع (در مقاطع شش ماهه)، برنامه تفصیلی موضوع ماده (۵۱) این دستورالعمل و همچنین صورتهای مالی تلفیقی حسابرسی شده سالیانه بانک خارجی مزبور (در صورت وجود) را به بانک مرکزی ارائه نماید.

ماده ۲۷- شعبه مکلف است در صورت کاهش نسبتهای احتیاطی بانک خارجی متبوع نظیر نسبت کفایت سرمایه و نسبت نقدینگی به کمتر از هفتاد و پنج درصد حدود مقرر در مقررات احتیاطی کشور متبوع، مراتب را به محض وقوع، به اطلاع بانک مرکزی برساند.

ماده ۲۸- ساختار مدیریتی شعبه باید حداقل متشکل از دو مدیر باشد و اسناد تعهدآور شعبه باید حداقل به امضا دو نفر از صاحبان امضاء مجاز شعبه برسد.

ماده ۲۹- هر گونه تغییر در مدیریت و یا ساختار مالکیت شعبه نظیر ادغام، تلفیق و تحصیل منوط به اخذ مجوز از بانک مرکزی میباشد. ماده ۳۰- تغییر مکان فعالیت شعبه صرفاً پس از اخذ مجوز از بانک مرکزی امکانپذیر است.

ماده ۳۱- شعبه موظف است اطلاعات و مدارک مربوط به تغییر مکان فعالیت خود از جمله مصوبه هیأت مدیره بانک خارجی در این رابطه و تأییدیه بلاشرط نیروی انتظامی را حداقل سه ماه قبل از تغییر مکان، به بانک مرکزی ارائه نماید.

ماده ۳۲- شعبه مکلف است در صورت تصمیم به تغییر مکان فعالیت خود و اخذ موافقت بانک مرکزی مراتب را حداقل دو ماه قبل از تغییر مکان از طریق روشهای مختلف اطلاع رسانی حداقل مشتمل بر درج اطلاعیه در

- محل شعبه، ارسال پیامک به مشتریان و درج اطلاعیه در روزنامه
کثیرالانتشار، به اطلاع عموم برساند.
- ماده ۳۳- افزایش سرمایه اعطایی شعبه توسط بانک خارجی پس از کسب مجوز
از بانک مرکزی بلامانع است.
- ماده ۳۴- در صورت تغییر حداقل سرمایه مورد نیاز تأسیس شعبه، بانک خارجی
ملزم است حداکثر ظرف مدت شش ماه نسبت به افزایش سرمایه اعطایی
شعبه به میزان حداقل مزبور اقدام نماید.
- ماده ۳۵- شعبه موظف است حداقل به میزان ۸۰ درصد مانده هر یک از اقلام
دارایی های خود، طبق آخرین صورتهای مالی حسابرسی شده را در
داخل ایران نگهداری نماید.
- ماده ۳۶- هر سال بخشی از سود خالص شعبه که نباید از پانزده درصد آن
کمتر و از بیست درصد بیشتر باشد، باید مطابق با ضوابط بانک
مرکزی به عنوان اندوخته قانونی نگهداری شود. احتساب اندوخته
قانونی پس از آن که مانده آن به میزان سرمایه رسید، اختیاری
است. شعبه موظف است در هر سال بخشی از سود خالص را به میزانی
که بانک مرکزی تعیین می نماید، به عنوان اندوخته احتیاطی
نگهداری کند.
- ماده ۳۷- شعبه موظف به تودیع سپرده قانونی نزد بانک مرکزی به میزان
تعیین شده توسط بانک مرکزی می باشد.
- ماده ۳۸- هرگونه استفاده از منابع بانک مرکزی توسط شعبه ممنوع است.
- ماده ۳۹- شعبه ملزم به پرداخت حق عضویت در صندوق ضمانت سپرده ها در
چارچوب مقررات مربوط به صندوق ضمانت سپرده ها در ایران می باشد.
- ماده ۴۰- حسابرس شعبه باید از میان مؤسسات حسابرسی عضو جامعه
حسابداران رسمی ایران که در فهرست حسابرسان معتمد و مورد
تأیید بانک مرکزی قرار دارند انتخاب شود.
- تبصره- تغییر حسابرس شعبه با کسب مجوز از بانک مرکزی امکان پذیر
می باشد.
- ماده ۴۱- تبدیل انواع شعبه به یکدیگر منوط به اخذ مجوز از بانک مرکزی
و در چارچوب مفاد این دستورالعمل امکان پذیر می باشد.
- ماده ۴۲- تمامی اطلاعات و گزارش های مورد درخواست بانک مرکزی از شعبه یا
بانک خارجی متبوع لازم است به امضای حداقل یکی از مدیران شعبه
برسد.

فصل چهارم - مقررات مرتبط با نظارت بر شعبه

ماده ۴۳- مدیر شعبه موظف است تمهیدات لازم برای انجام نظارت حضوری و غیرحضوری بانک مرکزی بر شعبه را فراهم نماید.

ماده ۴۴- شعبه حداقل یکبار در سال توسط بازرسان بانک مرکزی مورد نظارت حضوری قرار میگیرد.

ماده ۴۵- در صورت درخواست بانک مرکزی، مرجع نظارتی در اسرع وقت نسبت به نظارت حضوری و حصول اطمینان از صحت عملیات و فعالیت های شعبه اقدام می نماید. انجام نظارت حضوری میتواند به صورت مشترک توسط بازرسان بانک مرکزی و نمایندگان مرجع نظارتی صورت پذیرد.

ماده ۴۶- نظارت حضوری بر شعبه توسط مرجع نظارتی، صرفاً با اطلاع قبلی بانک مرکزی امکان پذیر می باشد.

ماده ۴۷- شعبه موظف است بنا به تشخیص بانک مرکزی از حسابرس خود درخواست نماید تا به صورت موردی، دفاتر شعبه را مورد بررسی قرار داده و اطلاعات مورد نیاز را به بانک مرکزی ارائه نماید.

تبصره- هزینه حسابرسی موضوع این ماده بر عهده شعبه می باشد.

ماده ۴۸- شعبه موظف است تمامی مدارک و اطلاعات مربوط به نحوه اجرای کنترل های داخلی و مدیریت ریسک خود را بصورت سالیانه به بانک مرکزی ارائه نماید.

ماده ۴۹- مرجع تشخیص موارد تخلف شعبه از مفاد این دستورالعمل و سایر قوانین و مقررات پولی و بانکی از جمله در خصوص موارد ذیل بانک مرکزی می باشد:

۴۹-۱- ارائه هرگونه اطلاعات و مدارک نادرست و جعلی؛

۴۹-۲- قصور یا تأخیر در ارائه اطلاعات؛

۴۹-۳- ارسال گزارشات و اطلاعات ناقص؛

۴۹-۴- جلوگیری از انجام نظارت حضوری؛

۴۹-۵- فعالیت خارج از چارچوب اجازه نامه فعالیت؛

۴۹-۶- توقف فعالیت و عملیات بدون کسب مجوز از بانک مرکزی به مدت بیشتر از یک هفته؛

۴۹-۷- عدم رعایت مقررات احتیاطی؛

۴۹-۸- تخلف از قوانین و مقررات ناظر بر مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم.

ماده ۵۰- بانک مرکزی اقدامات نظارتی ذیل را در قبال شعبه متخلف اعمال می نماید:

۵۰-۱- اخطار کتبی؛

۵۰-۲- دستور کتبی برای توقف و یا رفع موارد تخلف و انجام اقدامات اصلاحی در چارچوب برنامه زمانی مورد تأیید بانک مرکزی؛

۵۰-۳- دستور تهیه صورت‌های مالی در مقاطع زمانی مورد نظر بانک مرکزی و تهیه گزارش حسابرسی؛

۵۰-۴- دستور کتبی برای تغییر در فرایندها و مقررات داخلی شعبه؛

۵۰-۵- تشدید الزامات مندرج در مقررات احتیاطی؛

۵۰-۶- فراخواندن مدیر عامل یا مقامات ارشد بانک خارجی برای ادای توضیحات در خصوص تخلفات انجام شده توسط شعبه؛

۵۰-۷- سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران شعبه؛

۵۰-۸- ممنوع کردن یا ایجاد محدودیت در انجام برخی از عملیات بانکی مجاز شعبه؛

۵۰-۹- دریافت جریمه نقدی تا میزان پنج درصد سرمایه اعطایی شعبه مطابق با آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده؛

۵۰-۱۰- انتصاب مدیر موقت یا ناظر مقیم برای حصول اطمینان از حسن اجرای اقدامات اصلاحی مقرر بانک مرکزی؛

۵۰-۱۱- لغو اجازه‌نامه تأسیس و یا فعالیت حسب مورد.

تبصره ۱- بانک مرکزی می‌تواند برحسب میزان اهمیت تخلف و دفعات تکرار، یک یا چند مورد از اقدامات نظارتی فوق را اعمال نماید.

تبصره ۲- در صورت سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران شعبه، فرد ذی‌ربط عزل شده تلقی می‌گردد. ادامه تصدی این افراد در حکم دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب می‌شود.

تبصره ۳- در صورت سلب صلاحیت حرفه‌ای یکی از مدیران شعبه، بانک خارجی موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به معرفی افراد جایگزین حایز شرایط طبق مفاد این دستورالعمل اقدام نماید.

تبصره ۴- حقوق و مزایای مدیر موقت یا ناظر مقیم، با نظر بانک مرکزی تعیین و توسط شعبه پرداخت می‌شود.

تبصره ۵- حیطه وظایف و مسئولیت‌ها و اختیارات مدیر موقت و ناظر مقیم، توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود.

ماده ۵۱- بانک خارجی موظف است یک برنامه تفصیلی جامع در خصوص فرآیند انحلال و تصفیه شعبه، حداقل شامل مواردی نظیر روش و زمان تسویه تعهدات و بدهی‌های شعبه، اولویت پرداخت بدهی‌ها و نحوه تأمین منابع مورد نیاز را به همراه تعهدنامه مبنی بر تسویه کامل تعهدات و بدهی‌ها به بستانکاران ایرانی شعبه در صورت انحلال شعبه، در مقطع تهیه صورت‌های مالی به بانک مرکزی ارائه نماید.

تبصره ۱- در تعیین اولویت پرداخت بدیهی های شعبه، بستانکاران مقیم ایران نسبت به سایر بستانکاران دارای ارجحیت پرداخت می باشند.

تبصره ۲- بانک مرکزی می تواند قبل از مقطع تهیه صورتهای مالی، نسبت به درخواست ارایه برنامه موضوع این ماده از بانک خارجی اقدام نماید.

فصل پنجم - مقررات ناظر بر انحلال شعبه

ماده ۵۲- بانک مرکزی در موارد زیر نسبت به صدور حکم انحلال شعبه اقدام می نماید:

۱-۵۲- لغو اجازه نامه تأسیس و فعالیت شعبه؛

۲-۵۲- درخواست انحلال شعبه توسط مرجع نظارتی؛

۳-۵۲- درخواست انحلال شعبه توسط بانک خارجی؛

۴-۵۲- صدور حکم ورشکستگی و یا انحلال بانک خارجی.

ماده ۵۳- مدیر شعبه موظف است مراتب توقف عملیات، ورشکستگی و یا انحلال بانک خارجی را به محض اطلاع و در اسرع وقت به بانک مرکزی اعلام و تمامی فعالیت های خود را متوقف نماید.

ماده ۵۴- چنانچه فرایند حل و فصل مالی بانک خارجی منتج به انحلال آن نگردد، ادامه فعالیت شعبه منوط به تأیید مراتب توسط بانک مرکزی می باشد.

ماده ۵۵- بانک مرکزی پس از صدور حکم انحلال، نسبت به اعلام شروع فرایند تصفیه شعبه به مرجع ثبت شرکتها و تعیین مدیر موقت یا ناظر مقیم برای انجام یا نظارت بر عملیات تصفیه شعبه اقدام می نماید.

ماده ۵۶- شعبه مکلف است بلافاصله پس از صدور حکم انحلال مراتب را از روش های مختلف اطلاع رسانی حداقل مشتمل بر درج اطلاعیه در محل شعبه، ارسال پیامک به مشتریان و درج اطلاعیه در روزنامه کثیرالانتشار اعلام شده به مرجع ثبت شرکتها، به اطلاع عموم برساند.

ماده ۵۷- در صورت انحلال شعبه، بانک خارجی موظف است برنامه عملیاتی تصفیه را در چارچوب برنامه تفصیلی موضوع ماده (۵۱) که به تأیید مرجع نظارتی متبوع رسیده است را ظرف مدت هفت روز کاری پس از ابلاغ حکم انحلال، به بانک مرکزی ارایه نماید.

ماده ۵۸- بانک مرکزی موظف است ظرف مدت چهارده روز کاری نسبت به اعلام مراتب تأیید یا عدم تأیید برنامه عملیاتی تصفیه شعبه اقدام نماید.

ماده ۵۹- در صورت عدم تأیید برنامه موضوع ماده (۵۷)، بانک خارجی موظف است نسبت به بازنگری و اصلاح برنامه عملیاتی حسب دستورات بانک مرکزی اقدام و مراتب را ظرف مدت هفت روز کاری به بانک مرکزی اعلام نماید.

تبصره- چنانچه برنامه عملیاتی در مدت تعیین شده ارایه نشود یا برنامه عملیاتی بازنگری شده مورد تأیید بانک مرکزی قرار نگیرد، بانک مرکزی رأساً نسبت به اتخاذ تمهیدات و ترتیبات مربوط به فرآیند تصفیه اقدام می‌نماید.

ماده ۶۰- بانک مرکزی پس از اخذ تعهدنامه از نماینده تام‌الاختیار بانک خارجی در خصوص تسویه کامل تعهدات و بدهی‌ها به بستانکاران ایرانی شعبه منحل و حصول اطمینان از ایفای تعهدات مزبور، مراتب اتمام فرایند تصفیه را به اطلاع مرجع ثبت شرکت‌ها می‌رساند.

فصل ششم - مقررات ناظر بر تأسیس، فعالیت، نظارت و انحلال دفتر نمایندگی

ماده ۶۱- بانک خارجی متقاضی تأسیس دفتر نمایندگی باید حایز شرایط زیر باشد :

۶۱-۱- حداقل سه سال از تاریخ شروع فعالیت آن گذشته باشد؛
۶۱-۲- دارا بودن تأییدیه مرجع نظارتی مبنی بر برخورداری از ثبات و سلامت مالی آن و تطبیق فعالیت‌های آن با الزامات مالی بین‌المللی نظیر مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم.

تبصره- بانک مرکزی می‌تواند حسب تشخیص خود نسبت به تغییر شرایط تأسیس دفتر نمایندگی اقدام نماید.

ماده ۶۲- مدیر دفتر نمایندگی باید حایز شرایط زیر باشد :

۶۲-۱- اقامت مدیران دفتر نمایندگی در ایران؛
۶۲-۲- دارا بودن تأییدیه هیأت مدیره بانک خارجی مبنی بر عدم وجود سوء سابقه مالی؛

۶۲-۳- نداشتن سابقه محکومیت قطعی به ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری، پولشویی و تأمین مالی تروریسم، فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، جعل و تزویر، سرقت، صدور چک بی‌محل و ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، اعم از اینکه حکم از دادگاه‌های داخلی یا خارج کشور صادر شده یا محکوم، مجرم اصلی یا شریک یا معاون جرم بوده باشد؛

۶۲-۴- دارا بودن حداقل سه سال سابقه کار در سطح مدیریت امور بانکی؛

- ۶۲-۵- عدم اشتغال همزمان در مؤسسات اعتباری.
- ماده ۶۳- بانک خارجی متقاضی به منظور اخذ موافقت اصولی باید مدارک و اطلاعات زیر را به همراه تقاضای خود به بانک مرکزی ارائه دهد:
- ۶۳-۱- تصویر برابر با اصل مجوز فعالیت و اساسنامه بانک خارجی
ممه‌ور به مهر تأیید مرجع نظارتی؛
- ۶۳-۲- صورتهای مالی حسابرسی شده تلفیقی و غیرتلفیقی سه سال اخیر
بانک خارجی؛
- ۶۳-۳- نام تجاری دفتر نمایندگی مورد تقاضا؛
- ۶۳-۴- موافقت مکتوب مرجع نظارتی با افتتاح دفتر نمایندگی مورد تقاضا در ایران؛
- ۶۳-۵- تأییدیه مکتوب از مرجع نظارتی درخصوص تعهد آن مبني بر همکاری کامل با بانک مرکزی در خصوص نظارت بر دفتر نمایندگی؛
- ۶۳-۶- اسامی و سایر مشخصات مدیر عامل، قائم مقام مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره بانک خارجی؛
- ۶۳-۷- سایر اطلاعات و مدارک بنا به تشخیص بانک مرکزی.
- ماده ۶۴- بانک مرکزی پس از دریافت و بررسی تمامی اطلاعات و مدارک موضوع ماده (۶۳) و در صورت احراز شرایط مقرر در ماده (۶۱)، حداکثر ظرف مدت سی روز کاری درخصوص صدور موافقتنامه اصولی اتخاذ تصمیم مینماید.
- ماده ۶۵- بانک خارجی موظف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ صدور موافقت اصولی نسبت به انجام موارد ذیل اقدام نماید. در غیر این صورت، موافقت اصولی پس از گذشت مدت زمان مذکور از درجه اعتبار ساقط مینماید.
- ۶۵-۱- اعلام مشخصات مدیران پیشنهادی دفتر نمایندگی؛
- ۶۵-۲- تعیین محل فعالیت دفتر نمایندگی و ارائه تأییدیه بلاشرط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص محل مزبور.
- ماده ۶۶- بانک مرکزی پس از دریافت و بررسی اطلاعات و مدارک موضوع ماده (۶۵) و در صورت احراز شرایط مقرر در ماده (۶۲)، درخصوص صدور اجازه نامه تأسیس اتخاذ تصمیم مینماید.
- ماده ۶۷- بانک خارجی موظف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور اجازه نامه تأسیس، نسبت به ثبت دفتر نمایندگی اقدام و مدارک و اطلاعات زیر را به بانک مرکزی ارائه نماید:
- ۶۷-۱- آگهی ثبت دفتر نمایندگی در مرجع ثبت شرکتها؛
- ۶۷-۲- اعلام مکتوب آمادگی شروع به فعالیت دفتر نمایندگی؛

تبصره- مدت اعتبار اجازه نامه تأسیس سه ماه می باشد. مدت مزبور برای یک دوره سه ماهه دیگر قابل تمدید است.

ماده ۶۸- بانک مرکزی پس از دریافت و بررسی مدارک و اطلاعات موضوع ماده (۶۷)، حداکثر ظرف مدت سی روز کاری درخصوص صدور اجازه نامه فعالیت اتخاذ تصمیم می نماید.

ماده ۶۹- پس از صدور اجازه نامه فعالیت، مدیر دفتر نمایندگی موظف است تاریخ شروع رسمی فعالیت را به صورت مکتوب و قبل از آغاز فعالیت، به بانک مرکزی اعلام نماید.

ماده ۷۰- دفتر نمایندگی می تواند با موافقت بانک مرکزی نسبت به توقف فعالیت های خود حداکثر به مدت یک سال اقدام نماید.

ماده ۷۱- هرگونه تغییرات ثبتی از جمله تغییر مکان فعالیت دفتر نمایندگی به محض انجام باید به صورت مکتوب به اطلاع بانک مرکزی رسانده شود.

ماده ۷۲- دفتر نمایندگی حداقل یکبار در سال توسط بازرسان بانک مرکزی مورد نظارت حضوری قرار می گیرد.

ماده ۷۳- در صورت انجام عملیات خارج از چارچوب اجازه نامه فعالیت توسط دفتر نمایندگی، اجازه نامه تأسیس و فعالیت آن لغو می گردد.

ماده ۷۴- دفتر نمایندگی در موارد ذیل منحل می شود:

۱-۷۴- لغو اجازه نامه تأسیس و فعالیت؛

۲-۷۴- بنا به درخواست بانک خارجی و تایید بانک مرکزی؛

۳-۷۴- صدور حکم ورشکستگی و یا انحلال بانک خارجی.

ماده ۷۵- بانک مرکزی لغو اجازه نامه های تأسیس و فعالیت، شروع و اتمام فرایند تصفیه دفتر نمایندگی را به اطلاع مرجع ثبت شرکت ها می رساند.

فصل هفتم - سایر موارد

ماده ۷۶- بانک مرکزی مجاز است فهرست شعب و دفاتر نمایندگی دارای اجازه نامه فعالیت را به تفکیک نوع شعبه در پایگاه اطلاع رسانی خود درج نماید.

ماده ۷۷- به جز احکامی که در این دستورالعمل تصریح شده است، شعبه و دفتر نمایندگی موظف به رعایت قانون پولی و بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، مصوبات شورای پول و اعتبار و بخشنامه ها و دستورالعمل های بانک مرکزی و سایر قوانین و مقررات مربوط می باشد.

ماده ۷۸- از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل، تمامی ضوابط مغایر با آن از جمله «دستورالعمل اجرایی نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعب بانکهای خارجی در ایران» مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۸/۰۲/۱۶ هیأت عامل بانک مرکزی و «آیین نامه نحوه تأسیس، فعالیت و انحلال دفاتر نمایندگی بانکهای خارجی در کشور جمهوری اسلامی ایران» مصوب پانصد و بیست و نهمین جلسه مورخ ۱۳۶۳/۳/۱۳ شورای پول و اعتبار ملغی الاثر میشود.

ماده ۷۹- ضوابط اجرایی این دستورالعمل عنداللزوم توسط بانک مرکزی تدوین و ابلاغ میشود.

«دستورالعمل نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعبه و دفتر نمایندگی بانک خارجی در ایران» در ۷۹ ماده و ۲۲ تبصره در یک هزار و دویست و شصتمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۴ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجراء میباشد.

**۱۶- بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۸۱۷۵ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۱؛ ابلاغ شیوه و شرایط
جدید صدور و استفاده از چکهای تضمین شده**

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک و بانک
مشترک ایران - ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که استحضار دارند؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی
ایران در سال جاری تلاش نموده با اتخاذ تدابیر و اقدامات مقتضی، نسبت
به مدیریت نقدینگی، ثبات بخشی به وضعیت اقتصادی کشور در حوزه های
پولی، ارزی و بانکی و همچنین تعمیق شفافیت و حذف زمینه های احتمالی
ارتکاب جرایم در حوزه های یاد شده اقدام نماید. در همین راستا از آن
جایی که حسب گزارشات و بررسی های صورت گرفته در خصوص فرآیندهای مرتبط
با صدور، انتقال و گردش چکهای تضمین شده، مشخص شد سازوکار کنونی حاکم
بر چکهای مذکور، تأمین کننده اهداف یاد شده نمی باشد و اختلالاتی را در
این زمینه ایجاد نموده؛ لذا بلافاصله مراتب اصلاح و تغییر فرآیندهای
صدور و استفاده از چکهای تضمین شده در دستور کار این بانک قرار
گرفت. بر همین اساس و با استناد به مصوبه شورای عالی هماهنگی
اقتصادی سران محترم قوا در این خصوص، دایر بر ممنوعیت انتقال و
ظهرنویسی چکهای تضمین شده، بدینوسیله شیوه و شرایط جدید صدور و
استفاده از چکهای تضمین شده را با هدف جلوگیری از استفاده های
نامتعارف از چکهای مزبور، احراز هویت دقیق اشخاص ذینفع در گردش
چکهای موصوف و همچنین پیشگیری از پولشویی با استفاده از این چکها،
به شرح زیر اعلام می دارد:

«از تاریخ ابلاغ این بخشنامه، شرایط صدور و استفاده از چکهای تضمین شده با
رعایت قوانین و مقررات مربوط، در چارچوب شرایط زیر امکان پذیر خواهد بود:

۱- صدور و تحویل چک تضمین شده مستلزم تکمیل فرم درخواست توسط متقاضی در
شعبه بانک و در حضور متصدی بانکی و درج نکات زیر در فرم مزبور
می باشد:

الف- مشخصات متقاضی مشتمل بر نام و نام خانوادگی اشخاص حقیقی/نام
اشخاص حقوقی و شماره ملی/شناسه ملی/شماره فراگیر اتباع خارجی؛
ب- شماره سریال و مبلغ چک تضمین شده؛

پ- علت درخواست چک تضمین شده توسط متقاضی؛

ت- مشخصات گیرنده چک تضمین شده (ذینفع) شامل نام و نام خانوادگی اشخاص
حقیقی/نام اشخاص حقوقی و شماره ملی/شناسه ملی/شماره فراگیر اتباع
خارجی.

۲- چک تضمین شده صرفا باید در وجه گیرنده (ذینفع) که توسط متقاضی در فرم
درخواست مربوطه درج گردیده، صادر شود.

۳- مشخصات گیرنده چک تضمین شده (ذینفع) شامل نام و نام خانوادگی اشخاص
حقیقی/نام اشخاص حقوقی و شماره ملی/شناسه ملی/شماره فراگیر اتباع
خارجی، حسب مورد باید روی برگ چک تضمین شده درج گردد.

- ۴- وصول مبلغ چک تضمین شده توسط بانک، صرفاً در وجه گیرنده (ذینفع) که مشخصات وی بر روی چک تضمین شده درج گردیده، امکان پذیر است.
- ۵- ظهرنویسی و انتقال چک تضمین شده به دیگری، فاقد اعتبار خواهد بود.
- ۶- ابطال چک تضمین شده به درخواست متقاضی یا وکیل و نماینده قانونی وی بدون نیاز به ظهرنویسی گیرنده (ذینفع) امکان پذیر است.
- ۷- ثبت مشخصات کامل اشخاصی که به نمایندگی از گیرنده (ذینفع) برای وصول چک تضمین شده اقدام می نمایند، الزامی است.
- ۸- دارندگان چکهای تضمین شده ای که قبل از ابلاغ این بخشنامه صادر شده اند، حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این بخشنامه، می توانند وجه آن را نقد دریافت یا به حساب بانکی خود واریز نمایند. ظهرنویسی این چکها برای دیگری در این مهلت زمانی اعتبار ندارد و پس از این مهلت، دارندة چک فقط تا پایان سال جاری باید به یکی از شعب بانک صادرکننده آن مراجعه و اطلاعات مربوط به مبادله مالی منشأ دریافت چک تضمین شده را ارائه نمایند.
- ۹- اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل بانکها مسئول حسن اجرای مفاد این مصوبه بوده و در صورت قصور و تخلف، علاوه بر اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل بانک، با کارمند خاطی و مسؤول شعبه مربوط حسب مورد برخورد قانونی خواهد شد.
- خواهشمند است دستور فرمایند با عنایت به ملاحظات فوق الذکر و ضرورت و اهمیت اجرای دقیق مفاد مصوبه صدرالاشعار، مراتب با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶، به قید تسریع به تمامی واحدهای آن بانک ابلاغ شده و ضمن تدارک فوری تمهیدات و مقدمات لازم برای اجرای دقیق مفاد مصوبه مذکور، بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
حمیدرضا غنی آبادی محمد خدایاری
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۳۱-۰۲

۱۷- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۰.۴۶۵ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۲؛ ابلاغ "قانون اصلاح

قانون صدور چک"

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک و بانک
مشترک ایران - ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که استحضار دارند؛ «قانون صدور چک» مصوب
۱۳۵۵/۴/۱۶ متضمن احکام ناظر بر صدور انواع چک و حقوق و تکالیف اشخاص
ذینفع در فرآیند صدور و انتقال سند تجاری مزبور در مقاطع زمانی
مختلف با توجه به شرایط اقتصادی و اقتضائات حاکم، دستخوش تغییرات و
اصلاحاتی بوده است که از آن جمله میتوان به اصلاحات صورت گرفته در
قانون مزبور توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۶ و یا اصلاحات
جلسه مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۰ مجلس شورای اسلامی بر آن قانون اشاره نمود. در
همین رابطه، از چندی قبل با عنایت به گذشت سالها از آخرین اصلاحات
صورت گرفته در قانون مذکور و با توجه به شرایط اقتصادی کنونی کشور،
فضای حاکم بر روابط و مبادلات تجاری و مالی اشخاص و النهایه اهمیت
پیشبینی سازوکارها و ابزارهای قانونی لازم به منظور جلوگیری از گسترش
روزافزون آمار چکهای برگشتی، بازنگری در احکام مقرر در قانون صدور
چک با محوریت کمیسیون تخصصی ذیربط در مجلس شورای اسلامی و همکاری و
مشارکت تمامی مراجع و دستگاههای اجرایی مربوط از جمله بانک مرکزی
جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گرفت که نهایتا طرح اصلاح
قانون صدور چک متضمن تغییرات و اصلاحاتی در برخی مواد قانون مزبور در
جلسه علنی مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۳ مجلس شورای اسلامی تصویب و متعاقبا پس از
تأیید شورای محترم نگهبان تحت عنوان «قانون اصلاح قانون صدور چک» ابلاغ
گردید.

مهمترین تغییرات و اصلاحات صورت گرفته در اصلاحیه قانونی فوق الذکر،

عبارتست از:

- پیش بینی چک الکترونیکی و لازم الاجرا بودن قوانین و مقررات مربوط در
مورد چکهای مزبور؛
- پیش بینی ممنوعیت صدور و اعطای دسته چک برای اشخاص ورشکسته و معسر از
تأدیه محکوم به؛
- ثبت آنی اطلاعات مربوط به گواهی عدم پرداخت در بانک مرکزی و ارسال
گواهی به آدرس صادرکننده؛
- تکلیف بانکها و مؤسسات اعتباری به اعمال محدودیتهای و محرومیت های ذیل
نسبت به صاحب حساب، متعاقب ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک
در سامانه یکپارچه بانک مرکزی و اطلاع رسانی برخط مراتب به تمام
بانکها و مؤسسات اعتباری مزبور؛

الف- عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛
ب- مسدود کردن وجوه کلیه حسابها و کارتهای بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛
ج- عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت نامه های ارزی یا ریالی؛

د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی.

- جلوگیری از افتتاح حساب و انسداد تمام حسابهای صادرکننده چک در تمام بانکها و موسسات اعتباری پس از گذشت ۲۴ ساعت از ثبت غیرقابل پرداخت بودن؛
- ممنوعیت صدور و پشتنویسی چک در وجه حامل پس از انقضای دو سال از لازم الاجراء شدن قانون و ضرورت ثبت انتقال چک در سامانه صیاد به جای عملیات صدور و ظهرنویسی چک؛
- صدور فوری اجراییه حسب مورد علیه صاحب حساب یا صادرکننده یا هردو توسط دادگاه ها تنها با ارائه درخواست منضم به گواهی نامه عدم پرداخت از سوی دارنده با تحقق شرایط مقرر در ماده (۲۳) قانون؛
- اشتراک و تبادل برخط اطلاعات مربوط به چک بین بانک مرکزی و مراجع قضایی؛
- پیشبینی صریح مرور زمان ۳ ساله به عنوان یکی از راه های رفع سوء اثر از سوابق چک برگشتی افراد مشروط به عدم طرح دعوی حقوقی و کیفری؛
- لزوم ثبت تمامی مراحل مربوط به صدور و تخصیص دسته چک و نیز گردش و تسویه چک در سامانه های «صیاد» و «چکاوک» تحت نظارت بانک مرکزی؛
- تکلیف بانکها به احراز صحت مشخصات متقاضی دسته چک با استعلام از سامانه نظام هویتسنجی الکترونیکی بانکی (نهاب)؛
- تکلیف بانکها به تعیین سقف اعتبار برای متقاضیان واجد شرایط استفاده از دسته چک بر اساس نتایج گزارش اعتباری دریافتی از سامانه های مربوطه و نیز تخصیص شناسه یکتا و مدت اعتبار (حد اکثر سه سال) برای هر برگه چک؛
- تعیین مجازات علاوه بر محرومیت ۳ ساله از دریافت دسته چک و استفاده از آن برای اشخاصی که با توسل به شیوه های متقلبانه مبادرت به دریافت دسته چکی غیرمتناسب با اوضاع مالی و اعتباری خود کرده یا دریافت آن توسط دیگری را تسهیل نمایند.

در پایان خاطرنشان میسازد، ضوابط و مقررات ابلاغی از سوی این بانک در این زمینه از جمله «دستورالعمل حساب جاری» موضوع بخشنامه شماره ۹۷/۹۳۸۹۸ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۳ با توجه به تغییرات اصلاحیه قانونی مذکور، در فرصت مقتضی مورد بازنگری قرار خواهد گرفت و پس از تصویب در مراجع

ذیصلاح و پیاده سازی کامل زیر ساخت های اطلاعاتی مربوط، به شبکه بانکی کشور ابلاغ خواهد شد.

با عنایت به مراتب فوق، ضمن ایفاد نسخه ای از قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب جلسه مورخ ۱۳/۸/۱۳۹۷ مجلس شورای اسلامی، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۶/۵/۱۳۹۶ به تمامی واحدهای ذیربط آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و علاوه بر تمهید مقدمات اجرای مفاد قانون مزبور، بر حسن اجرای آن نیز نظارت دقیق به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
حمیدرضا غنی آبادی محمد خدایاری
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۳۱-۰۲

۱۱۵۱۱۰

۱۳۹۷ / ۹ / ۳



بسمه تعالی

وزارت امور اقتصادی و دارایی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

دراجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون اصلاح قانون صدور چک» که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سیزدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۵۲/۷۲۰۸۳ مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۹ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می گردد.

حکیم روحانی
رئیس جمهور

رونوشت:

لح دفتر مقام معظم رهبری- دفتر رئیس جمهور- دفتر ریاست قوه قضائیه- دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام- دبیرخانه شورای نگهبان- دفتر معاون اول رئیس جمهور- معاونت امور مجلس رئیس جمهور- معاونت حقوقی رئیس جمهور- وزارت دادگستری- سازمان برنامه و بودجه کشور- دیوان محاسبات کشور- دفتر هیأت دولت- دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت- معاونت امور تقنینی معاونت امور مجلس- معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی- معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور- اداره کل پیگیری طرح ها و لوایح- اداره کل اسناد و تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی- اداره کل تدوین قوانین مجلس شورای اسلامی- معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری- سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران -

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (جهت درج در روزنامه) ۱۳۹۷/۸/۳۰

تنظیم متن	تطبیق مصوبه	تأیید	تأیید نهایی
سلطان میرزا	معمزاده	مهاوند	

۱۳۹۷-۸-۳۰

شماره: ۱۷۲۰۵۳-۵۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پیوست:

پیوست



حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری
اسلامی ایران قانون اصلاح قانون صدور چک که با عنوان طرح صدور چک به
مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه
مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۳ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می شود.

علی لاریجانی



پست

شماره: ۸۳-۱۷۷-۵۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پست:

قانون اصلاح قانون صدور چک

ماده ۱- متن زیر به عنوان یک تبصره به ماده (۱) قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن الحاق می گردد:

تبصره- قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چکهایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می شوند نیز لازم الرعایه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، اقدامات لازم در خصوص چکهای الکترونیکی (داده پیام) را انجام داده و دستورالعمل های لازم را صادر نماید.

ماده ۲- ماده (۴) قانون به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۴- هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده (۳) پرداخت نگردد، بانک مکلف است پنا بر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهینامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی شود.

در برگ مزبور باید مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) از طرف بانک گواهی شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد.



پشت

شماره: ۸۴۰۷۷۲-۵۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پشت:

ماده ۳- ماده (۵) قانون به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۵- در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است پنا به درخواست دارنده چک فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه ای با مشخصات مذکور در ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی شود.

چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک می شود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.

ماده ۴- متن زیر به عنوان ماده (۵) مکرر به قانون الحاق می شود:

ماده ۵ مکرر- بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانکها و مؤسسات اعتباری اطلاع می دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:

الف- عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛

ب- مسدود کردن وجوه کلیه حسابها و کارتهای بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛



پشت

شماره: ۸۲-۸۷-۵۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پست:

ج- عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت‌نامه‌های
ارزی یا ریالی؛

د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی.

تبصره ۱- چنانچه اعمال محدودیت‌های مذکور در بندهای (الف)، (ج) و
(د) در خصوص پنگاههای اقتصادی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال
اقتصادی موجب اختلال در امنیت اقتصادی استان مربوط شود، به تشخیص
شورای تأمین استان موارد مذکور به مدت یک‌سال به حالت تعلیق درمی‌آید.
آیین‌نامه اجرائی این تبصره با در نظر گرفتن معیارهایی مانند میزان تولید و
صادرات بنگاه و تعداد افراد شاغل در آن ظرف مدت سه‌ماه از لازم‌الاجراء شدن
این قانون به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی به
تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد.

تبصره ۲- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف
صاحب‌حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع
این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می‌شود.
مگر اینکه در مرجع قضائی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل
صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است. بانکها مکلفند به هنگام
صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده
باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهی‌نامه مذکور درج نمایند.

تبصره ۳- در هر یک از موارد زیر، بانک مکلف است مراتب را در
سامانه یکپارچه بانک مرکزی اعلام کند تا فوراً و به‌صورت برخط از چک رفع
سوءاثر شود:

الف- واریز کسری مبلغ چک به حساب جاری نزد بانک محال‌علیه و
ارائه درخواست مسدودی که در این صورت بانک مکلف است ضمن مسدود
کردن مبلغ مذکور تا زمان مراجعه دارنده چک و حداکثر به مدت یک‌سال،



پست

شماره: ۱۷۷۰۸۴-۵۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پست:

ظرف مدت سه روز واریز مبلغ را به شیوه‌ای اطمینان‌بخش و قابل استناد به اطلاع دارنده چک برساند.

ب- ارائه لاشه چک به بانک محال‌علیه؛

ج- ارائه رضایت‌نامه رسمی (تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی) از دارنده

چک یا نامه رسمی از شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی دارنده چک؛

د- ارائه نامه رسمی از مرجع قضائی یا ثبتی ذی‌صلاح مبنی بر اتمام

عملیات اجرایی در خصوص چک؛

ه- ارائه حکم قضائی مبنی بر برائت ذمه صاحب حساب درخصوص چک؛

و- سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت

مشروط به عدم طرح دعوی حقوقی یا کیفری در خصوص چک توسط دارنده.

تبصره ۴- چنانچه صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم

پرداخت طبق ماده (۱۴) این قانون و تبصره‌های آن باشد، سوءاثر محسوب

نخواهد شد.

تبصره ۵- بانک یا مؤسسه اعتباری حسب مورد مسؤول جبران خساراتی

خواهند بود که از عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده و تبصره‌های آن به

اشخاص ثالث وارد شده است.

ماده ۵- ماده (۶) قانون به شرح زیر اصلاح و سه تبصره به آن الحاق

می‌شود:

ماده ۶- بانکها مکلفند برای ارائه دسته چک به مشتریان خود، صرفاً از

طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته‌چک (صیاد) نزد بانک مرکزی

اقدام نمایند. این سامانه پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام

از سامانه نظام هویت‌سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب

مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع

ماده (۵) «قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه‌های طرح و تریع در



پست

شماره: ۱۷۲۰۵۳-۵۳

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

پست:

اجرای طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها مصوب
۱۳۸۶/۴/۵ یا رتبه بندی اعتباری از مؤسسات موضوع بند (۲۱) ماده (۱) «قانون
بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱» اقدام نموده و
متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگه
چک شناسه یکتا و مدت اعتبار اختصاص می دهد. حداکثر مدت اعتبار چک از
زمان دریافت دسته چک سه سال است و چکهایی که تاریخ مندرج در آنها پس
از مدت اعتبار باشد، مشمول این قانون نمی شوند. ضوابط این ماده از جمله
شرایط دریافت دسته چک، نحوه محاسبه سقف اعتبار و موارد مندرج در برگه
چک مانند هویت صاحب حساب مطابق دستورالعملی است که ظرف مدت
یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط بانک مرکزی تهیه می شود و
به تصویب شورای پول و اعتبار می رسد.

تبصره ۱- بانکها و سایر اشخاصی که طبق قوانین یا مقررات مربوط،
اطلاعات مورد نیاز اعتبارسنجی یا رتبه بندی اعتباری را در اختیار مؤسسات
مربوط قرار می دهند، مکلف به ارائه اطلاعات صحیح و کامل می باشند.

تبصره ۲- به منظور کاهش تقاضا برای دریافت دسته چک و رفع نیاز
اشخاص به ابزار پرداخت وعده دار، بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت
یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، ضوابط و زیرساخت خدمات
پرداخت مستقیم را به صورت چک موردی برای اشخاصی که دسته چک
ندارند، به صورت یکپارچه در نظام بانکی تدوین و راه اندازی نماید تا بدون نیاز
به اعتبارسنجی، رتبه بندی اعتباری و استفاده از دسته چک، امکان پرداخت از
حساب این اشخاص برای ذی نفعان معین فراهم شود. در صورت عدم موجودی
کافی برای پرداخت چک موردی، صاحب حساب تا زمان پرداخت دین،
مشمول موارد مندرج در بندهای (الف) تا (د) ماده (۵) مکرر این قانون و نیز
محرومیت از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی
می باشد.



پشت

شماره: ۸۶-۷۷۲-۵۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پست:

تبصره ۳- هر شخص که با توسل به شیوه‌های متقلبانه مبادرت به دریافت دسته چکی غیرمتناسب با اوضاع مالی و اعتباری خود کرده باشد یا دریافت آن توسط دیگری را تسهیل نماید، به مدت سه سال از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی محروم و به جزای نقدی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد، مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می‌شود.

ماده ۶- عبارت «مسئولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل نمایند، حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازات‌های مقرر در ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأت رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد» از ماده (۲۱) قانون حذف می‌گردد.

ماده ۷- تبصره (۱) ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

تبصره ۱- بانک مرکزی مکلف است با جمع‌آوری اطلاعات گواهی‌نامه‌های عدم پرداخت و آرای قطعی محاکم درباره چک در سامانه یکپارچه خود، امکان دسترسی برخط بانکها و مؤسسات اعتباری را به سوابق صدور و پرداخت چک و همچنین امکان استعلام گواهی‌نامه‌های عدم پرداخت را برای مراجع قضائی و ثبتی از طریق شبکه ملی عدالت ایجاد نماید. قوه قضائیه نیز مکلف است امکان دسترسی برخط بانک مرکزی به احکام ورشکستگی، اعسار از پرداخت محکوم‌به و همچنین آرای قطعی صادرشده درباره چکهای برگشتی و دعاوی مطروحه طبق ماده (۱۴) این قانون به همراه گواهی‌نامه عدم پرداخت مربوط را از طریق سامانه سجل محکومیت‌های مالی فراهم نماید.

ماده ۸- متن زیر و تبصره‌های آن به عنوان ماده (۲۱) مکرر به قانون الحاق می‌شود:



پشت

شماره: ۸۴۰۸۳-۵۳

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پشت:

ماده ۲۱ مکرر- بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت دو سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوءاثر نشده، از دریافت دسته چک و صدور چک جدید در سامانه صیاد و استفاده از چک موردی جلوگیری کرده و همچنین امکان استعمال آخرین وضعیت صادرکننده چک شامل سقف اعتبار مجاز، سابقه چک برگشتی در سه سال اخیر و میزان تعهدات چکهای تسویه نشده را صرفاً برای کسانی که قصد دریافت چک را دارند، فراهم نماید. سامانه مذکور به نحوی خواهد بود که صدور هر برگه چک مستلزم ثبت هویت دارنده، مبلغ و تاریخ مندرج در چک برای شناسه یکتای برگه چک توسط صادرکننده بوده و امکان انتقال چک به شخص دیگر توسط دارنده تا قبل از تسویه آن، با ثبت هویت شخص جدید برای همان شناسه یکتای چک امکان پذیر باشد. مبلغ چک نباید از اختلاف سقف اعتبار مجاز و تعهدات چکهای تسویه نشده بیشتر باشد.

تبصره ۱- در مورد چکهایی که پس از گذشت دو سال از لازم الاجراء شدن این قانون صادر می شوند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهایی چک بر اساس استعمال از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانکها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند. در این موارد صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی چک خواهد بود. چکهایی که تاریخ صدور آنها قبل از زمان مذکور باشد، تابع قانون زمان صدور می باشد.

تبصره ۲- ممنوعیت های این ماده در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوءاثر نشده که به وکالت یا



پیوست

شماره: ۸۲۰۸۳-۵۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

پیوست:

نماینده‌گی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی اقدام می‌کنند نیز مجری است.

ماده ۹- متن زیر جایگزین ماده (۲۳) قانون می‌گردد:

ماده ۲۳- دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید.
الف- در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد؛
ب- در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است؛

ج- گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده (۱۴) این قانون و تبصره‌های آن صادر نشده باشد؛

صادرکننده مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد، یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند؛ در غیر این صورت حسب درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳» به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبالغ مذکور اقدام می‌نماید.

اگر صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی او دعاوی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا دیگر جرائم در مراجع قضائی اقامه کند، اقامه دعوی مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد؛ مگر در مواردی که مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای سند مذکور ضرر جبران‌ناپذیر وارد شود که در این صورت با اخذ تأمین مناسب، قرار توقف عملیات اجرائی صادر می‌نماید. در صورتی که دلیل



پوست:

علی لاریجانی

۱۸- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۰۸۳۲ مورخ ۱۳/۰۹/۱۳۹۷؛ ترجمه دستورالعمل های
مدیریت ریسک اعتباری در بانکها و موسسات مالی توسعه ای (مجموعه
رهنمودهای بانک مرکزی مالزی)

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که استدضارد دارند، مدیریت ریسک اعتباری یکی از
مهمترین حلقه های مدیریت ریسک جامع در بانکها و موسسات اعتباری
غیربانکی میباشد. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که به طور
معمول بخش عمده ای از دارایی های مؤسسات اعتباری را تسهیلات تشکیل
میدهد و هرگونه قصور در بازپرداخت تسهیلات اعطایی موجب ریسک اعتباری
برای مؤسسات اعتباری و انباشت مطالبات غیرجاری آنها خواهد بود.
بدیهی است اهمیت این موضوع زمانی که مؤسسه اعتباری دارای بدره
(پرتفوی) متنوعی از تسهیلات مختلف باشد، افزون تر می شود. لذا مدیریت
مؤثر بدره اعتباری، از الزامات مدیریت ریسک جامع مؤسسه اعتباری به
شمار می آید.

در کشورمان عملکرد صحیح شبکه بانکی، با توجه به روش تأمین مالی
نظام اقتصادی کشور که بانک- محور می باشد، یکی از مهم ترین عوامل رشد
اقتصادی محسوب می شود. از آنجایی که مؤسسات اعتباری نقش مؤثری در
تأمین منابع مالی مورد نیاز بخش های مولد اقتصادی، تقویت تولید و
اشتغال دارند، عدم توجه به ریسک اعتباری میتواند مؤسسات اعتباری و
به تبع آن اقتصاد کشور را دچار معضل نماید. برخی از آثار عدم رعایت
مدیریت ریسک اعتباری مناسب، کاهش کیفیت مطالبات و افزایش مطالبات
غیرجاری است. در واقع عدم توجه به ریسک اعتباری در بلندمدت میتواند
به توقف فعالیت یا تجدید ساختار مؤسسات اعتباری بیانجامد.

با توجه به اهمیت ریسک اعتباری، طراحی سیستمی برای مدیریت آن از
مهمترین دغدغه های مؤسسات اعتباری، کمیته بال و بانکهای مرکزی در
دنیا میباشد. مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات اعتباری از سال ۱۹۸۸
میلادی مورد توجه خاص کمیته بال بوده و این امر دلیل اصلی تدوین سند
کفایت سرمایه آن کمیته موسوم به سند بال یک بوده است که البته تا به
امروز با در نظر گرفتن سایر ریسکهای پیشروی مؤسسات اعتباری، سند بال
سه نیز توسط کمیته بال منتشر شده است.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز با آگاهی از اهمیت موضوع،
اولین بار یکی از اسناد کمیته بال تحت عنوان "اصول مدیریت ریسک
اعتباری" را ترجمه و طی بخشنامه شماره مب/۶۶۹ مورخ ۱۳۸۴/۴/۷ به شبکه

بانکی کشور ابلاغ نمود. بعد از آن نیز در سال ۱۳۸۶، "مجموعه رهنمودهایی برای مدیریت مؤثر ریسک اعتباری" تدوین شد و طی بخشنامه شماره مب/۱۵۴۸ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ به شبکه بانکی کشور ابلاغ گردید. در ادامه، موضوع ریسک اعتباری و نحوه مدیریت آن در بخشنامه های مختلف از جمله بخشنامه شماره ۹۷/۳۱۴۳۴ مورخ ۱۳۹۷/۲/۵ با عنوان "دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری" مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا و با عنایت به تغییرات رخ داده در شرایط و فضای کسب و کار مؤسسات اعتباری، تدوین ضوابطی ناظر بر نحوه مدیریت مؤثر ریسک اعتباری در دستور کار این بانک قرار گرفته است. بدین منظور دو دستورالعمل مدیریت ریسک اعتباری مؤسسات مالی و اعتباری در کشور مالزی که از مقررات به روز و کارآمد در این زمینه است، ترجمه شد که برای استحضار و بهره برداری به پیوست ایفاد می گردد.

برخی از ویژگی دستورالعمل های مدیریت ریسک اعتباری مؤسسات مالی و اعتباری کشور مالزی به قرار زیر است:

- توجه به مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات مالی توسعه ای به عنوان مکمل بانکها؛
 - به روز بودن و تطابق با الزامات و ترتیبات دستورالعمل ریسک اعتباری منشره توسط کمیته بال؛
 - شفافیت در انتظارات حاکمیت درخصوص مشارکت هیأت مدیره و واحد مدیریت ریسک در تصمیمات اعتباری؛
 - توجه به مدیریت اعتبارات استثنایی، مدیریت ریسک تمرکز، ریسک کشوری، ریسک انتقال، مدیریت اعتبارات مشکل دار و واحد بازبینی اعتباری مستقل، در کنار مدیریت دو لایه در مؤسسات اعتباری.
- امید است ماحصل انتشار چنین آثاری، به بسط و تعمیق ادبیات نوین نظارت بانکی در شبکه بانکی و ارتقای ثبات و سلامت نظام بانکی کشور بیانجامد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
حمیدرضا غنی آبادی محمد خدایاری
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۳۱-۰۲



مدیریت ریسک اعتباری در بانکها و
مؤسسات مالی توسعه‌ای
(مجموعه رهنمودهای بانک مرکزی مالزی)

معاونت نظارت
بانک مرکزی
جمهوری اسلامی
ایران
بلوار میرداماد، پلاک ۱۹۸
تلفن: ۲۹۹۵۱ (۰۲۱) (+۹۸۲۱)
وبسایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

پیشگفتار

استانداردهای ضعیف اعطای تسهیلات، مدیریت ناکارآمد ریسک پرتفوی اعتباری، عدم آگاهی نسبت به کاهش کیفیت مطالبات و افزایش مطالبات غیرجاری و ارزیابی ضعیف این واقعه و آثار آن را میتوان از مشکلات اساسی مؤسسات اعتباری دانست. برای کنترل و کاهش این مشکلات، راهکارهای متعددی از جمله طبقه‌بندی دارایی‌ها، ذخیره‌گیری و استفاده از الزامات کفایت سرمایه راهگشا است. اما استفاده از نظام اعتبارسنجی دقیق مشتریان نیز در کنار موارد ذکر شده میتواند به مؤسسه اعتباری کمک کند تا براساس معیارهای همسان اقدام به اعطای تسهیلات به هر پرونده اعتباری کرده و پرتفوی خود را مدیریت نماید. همچنین بانک میتواند با قیمتگذاری تسهیلات براساس مشخصه‌های ریسک مشتریان، پوشش مناسبی را در مقابل احتمال نکول مشتریان و در نتیجه ریسک اعتباری ایجاد نماید.

ریسک اعتباری، احتمال وقوع زیان ناشی از قصور و ام‌گیرنده یا طرف مقابل مؤسسه اعتباری در انجام تعهدات خود طبق شرایط توافق شده، تعریف شده است. با توجه به این تعریف، مدیریت ریسک اعتباری، استفاده از بهترین شیوه‌ها در جهت کاهش احتمال وقوع زیان و یا پوشش زیان‌های آتی از طریق سرمایه بانک و ذخایر مطالبات می‌باشد. لازم به ذکر است، مدیریت کارآمد پرتفوی ریسک میتواند در نهایت و بلند مدت منجر به سودآوری مؤسسه اعتباری شود. در سال‌های اخیر به دلیل کم‌توجهی مؤسسات اعتباری به ریسک اعتباری و عدم مدیریت کارآمد پرتفوی ریسک، این مؤسسات با بحران مطالبات غیرجاری و کاهش سودآوری مواجه شده‌اند که در بلند مدت میتواند به توقف فعالیت یا تجدیدساختار این مؤسسات بیانجامد.

به دلیل اهمیت ریسک اعتباری در شبکه بانکی، بانک مرکزی اقدام به مطالعات گسترده‌ای در این حوزه نموده است که از مهمترین نتایج آن میتوان به ترجمه اصول مدیریت ریسک اعتباری و بهترین رویه‌های افشای ریسک اعتباری، تهیه مجموعه رهنمودهایی برای مدیریت مؤثر ریسک اعتباری و تشکیل کارگروه ریسک اعتباری به منظور به روز رسانی دستورالعمل ریسک اعتباری برای تطبیق هرچه بیشتر با استانداردهای روز دنیا اشاره کرد. در ادامه همین روند و بازخوانی مقررات سایر کشورها در دو فصل پیشرو اقدام به ترجمه دستورالعمل‌های ریسک اعتباری کشور مالزی نمودیم. کشور مالزی از لحاظ کارآمدی و به‌روز بودن مقررات بانکی از بهترین

کشورها در قاره آسیا است. علاوه بر آن وجود بانکداری اسلامی در کنار بانکداری متعارف دلیل دیگری است که توجه به مقررات بانکی این کشور را بیش از پیش ضروری می‌نماید.

بانک مرکزی کشور مالزی یا بانک نگارا در ۲۶ ژانویه ۱۹۵۹ آغاز به کار کرد. نقش بانک نگارا ارتقای ثبات مالی و پولی در کشور مالزی است. همچنین می‌توان گفت از مهمترین اهداف این بانک استفاده از سیاست‌های پولی برای تثبیت قیمت‌ها در کنار رشد اقتصادی می‌باشد. به طور کلی مسئولیت ثبات نظام مالی بر عهده بانک مرکزی هر کشور است و برای انجام این مهم بانک نگارا اقدام به ایجاد یک بخش مالی منعطف، مترقی، مناسب و متنوع که از بخش واقعی اقتصاد حمایت می‌کند نموده است. همچنین این بانک نقش مهمی در اجرای طرح‌ها برای تقویت و تعمیق بازارهای مالی، شامل بازار ارز خارجی دارد. از دیگر وظایف این بانک توسعه زیر ساخت‌های نظام مالی کشور مالزی است. علاوه بر موارد ذکر شده بانک نگارای مالزی اقدام به نظارت بر زیر ساخت‌های نظام‌های پرداخت کشور که بر بهره‌وری و امنیت در سیستم مالی مالزی تأکید دارد، می‌نماید. همچنین بانک نگارا به عنوان بانک مرکزی و مشاور دولت، دارای اختیار انتشار پول و مدیریت ذخایر بین المللی کشور مالزی است. بانک نگارای مالزی در سپتامبر ۲۰۰۵ دژراستای ارتقای اهداف خود در مدیریت هرچه بهتر پرتفوی ریسک مؤسسات مالی توسعه‌ای، دستورالعمل بهترین شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات مالی توسعه‌ای (۱۱) منتشر کرد و این دستورالعمل از ابتدای ژانویه ۲۰۱۰ لازم الاجرا گشت. مؤسسات مالی توسعه‌ای به مؤسسات مالی تخصصی اطلاق می‌شود که توسط دولت با مأموریت‌های خاص برای توسعه و ارتقای بخش‌های کلیدی دارای اهمیت استراتژیک برای اهداف توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور بنا شده‌اند. بخش‌های استراتژیک شامل بخش کشاورزی، شرکت‌های کوچک و متوسط، زیرساخت‌ها، صنایع دریایی و بخش‌های صادرات محور و صنایع با سرمایه‌گذاری کلان و تکنولوژی بالا می‌باشد.

نقش و عملکرد مؤسسات مالی توسعه‌ای را می‌توان مهیا کردن طیف وسیعی از محصولات و خدمات مالی با توجه به نیازهای هدفمند بخش‌های استراتژیک دانست. همچنین این مؤسسات خدمات مشاوره‌ای نیز برای توسعه و پرورش بخش‌های هدف‌ارایه می‌دهند. بنابراین مؤسسات مالی توسعه‌ای مؤسسات بانکی را کامل می‌کنند.

^۱Bank Negara Malaysia

^{۱۹} Development Financial Institutions the Management of Credit Risk for Guidelines on Best Practices for

با توجه به نقش مؤسسات مالی توسعه‌ای در ارتقای و توسعه بخش‌های استراتژیک شناسایی شده اقتصاد، قدرت، میزان تأثیر و کارآمدی آنها در اجرای نقش خود بسیار با اهمیت است. طرح‌هایی که این اهداف را محقق می‌کنند شامل تقویت چارچوب‌های نظارتی و قانونی، ایجاد ظرفیت و توانایی و افزایش بهره‌وری این مؤسسات است.

یکی از نقاط قوت مهم در مهیا کردن چارچوب قانونی و نظارتی تصویب قانون مؤسسات مالی توسعه‌ای در سال ۲۰۰۲ به منظور اطمینان^۱ از فعالیت مالی و عملیاتی مؤسسات مالی توسعه‌ای و نهاد‌هایی که مسئولیت‌های خود را محتاطانه و مؤثر انجام می‌دهند، است. قانون مؤسسات مالی توسعه‌ای در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۲، با توجه به نقش‌ها، عملکرد و اهداف منحصر به فرد مؤسسات مالی توسعه‌ای و شرایط مرتبط با مقررات موجود به اجرا درآمد. هدف این بود که اطمینان حاصل شود خط‌مشی و اهداف مؤسسات مالی توسعه‌ای همگون با طرح‌ها و جهت‌گیری خط‌مشی‌های دولت مالزی در توسعه و ارتقا بخش‌های شناسایی شده به منظور حمایت از برنامه توسعه اقتصاد ملی باشد.

با تصویب این قانون، مؤسسات مالی توسعه‌ای منتخب، تحت نظارت بانک نگارای مالزی قرار گرفتند. به عنوان بخشی از چارچوب نظارتی و قانونی، بانک مرکزی به پایش فعالیت‌ها و عملکرد مالی این مؤسسات برای اطمینان از این که آنها نقش خود را به نحوی محتاطانه و تحت حمایت حاکمیت شرکتی و بر مبنای بهترین روش‌های موجود انجام می‌دهند، اقدام نمود. مؤسسات مالی توسعه‌ای به دلیل حمایت از اهداف سیاسی و اقتصادی کشور، در اقتصاد هر کشور بسیار با اهمیت می‌باشند.

در فصل بعد ترجمه سند ریسک اعتباری که در سال ۲۲ ژانویه ۲۰۱۸ توسط بانک مرکزی مالزی منتشر شده است ارائه می‌شود. این سند را می‌توان نقطه عطفی در میان مقررات پیشین این بانک در رابطه با ریسک اعتباری دانست. توجه به استانداردهای تجدید نظر شده با هدف ارتقا شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری در صنعت بانکی با توجه به گسترش اندازه و تنوع محصولات و بین‌المللی شدن نظام مالی و افزایش نقش بازارهای سرمایه داخلی به عنوان منابع جایگزین تأمین مالی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین لازم بود که این مقرره از استاندارد شماره ۹ گزارشگری مالی مالزی^۲ پیروی کند.

عمده نکات مهم این سند شامل موارد زیر است:

^۱Development Financial Institutions Act

^۲Malaysian Financial Reporting Standards

- شفافیت در انتظارات حاکمیتی در رابطه با مشارکت هیأت مدیره و واحد مدیریت ریسک در تصمیمات اعتباری؛
- مدیریت اعتبارات مشکل‌دار و واحد بازبینی اعتباری مستقل؛
- ترتیبات گسترش یافته در رابطه با مدیریت اعتبارات استثنایی و ریسک تمرکز؛
- تقویت ترتیبات مدیریت ریسک اعتباری برای ارتقای روش‌های تخمین زیان قابل پیش‌بینی؛ و
- انتظارات جدید در باب مدیریت ریسک کشوری و ریسک انتقال.

این دستورالعمل از تاریخ اول جولای ۲۰۱۸ برای بانک‌ها و از اول جولای ۲۰۱۹ به صورت تلفیقی (کلی) عملیاتی شده است. همچنین برای کارگزاران تکافل و بیمه‌ها این سند از اول ژانویه ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا خواهد بود.

با توجه به اهمیت ریسک اعتباری که بزرگترین منبع ریسک مؤسسات اعتباری است، شفافیت و کیفیت دستورالعمل‌های ریسک اعتباری کشور مالزی و در جهت ارتقای ادبیات ریسک اعتباری در کشور، بر آن شدیم تا دستورالعمل بهترین شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات مالی توسعه‌ای و دستورالعمل ریسک اعتباری کشور مالزی که از مقررات بروز و کارآمد در این عرصه می‌باشند را ترجمه نموده و در اختیار شبکه بانکی قرار دهیم.

در آخر، امید است ماحصل انتشارچنین آثاری، به بسط و تعمیق ادبیات نوین مدیریت ریسک در مؤسسات اعتباری (بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی) و همچنین بهبود روند نظارت بانکی در این خصوص در شبکه بانکی کشور بی‌انجامد.

دستورالعمل بهترین شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات مالی توسعه‌ای

(دستورالعمل بانک مرکزی مالزی، سپتامبر ۲۰۰۵)

گروه مترجمین:

دکتر حسین صدقی

میلاد صارم صفاری

✚ دستورالعمل بهترین شیوه های مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات مالی
توسعه ای

بخش ۱ بررسی اجمالی

۱- مقدمه

۱-۱) ریسک اعتباری همچنان بزرگترین منبع ریسک مؤسسات مالی توسعه ای در مالزی است. دلیل این امر این واقعیت است که پرتفوی تأمین مالی/مطالبات یک مؤسسه مالی توسعه ای بطور معمول بزرگترین دارایی و منبع اصلی درآمد آن است.

۱-۲) تجربه سال های گذشته نشان می دهد نبود مدیریت مناسب ریسک، منتج به زیان قابل توجه در تعدادی از مؤسسات مالی توسعه ای می گردد. نتیجه چنین زیان هایی نه تنها عملکرد واسطه گری مؤسسات مالی توسعه ای را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه بار مالی زیادی را بر دولت در راستای افزایش سرمایه مؤسسات مالی توسعه ای تحمیل می کند. همچنین بر اساس پیش بینی ها با توجه به افزایش اندازه ترازنامه مؤسسات مالی توسعه ای در طول زمان، بار مالی تحمیلی بالقوه به دولت نیز متناسب با آن افزایش می یابد. بنابراین در مدیریت مؤثر ریسک اعتباری، حیاتی است که اطمینان حاصل کنیم، فعالیت های اعتباری یک مؤسسه مالی توسعه ای به صورت احتیاطی انجام گیرد و ریسک شکست مؤسسه مالی توسعه ای کاهش یابد.

۲- اهداف

۲-۱) این دستورالعمل اقدام به تنظیم پیشنهاداتی به منظور بهترین شیوه مدیریت ریسک اعتباری برای مؤسسات مالی توسعه ای می نماید و تلاش دارد تا زیرساخت اولیه را برای ارتقا رفتار احتیاطی برای اعطای اعتبار به فعالیت های مؤسسات مالی توسعه ای در مالزی را مهیا کند.

۲-۲) دستورالعمل حاضر، شامل چهار فصل اصلی است که عبارتند از:

- نظارت مناسب توسط هیأت مدیره و مدیریت (اجرایی)؛
- زیر ساخت مناسب برای مدیریت ریسک اعتباری؛
- فرآیند مدیریت (یکپارچه) ریسک اعتباری؛ و
- کنترل های جامع داخلی و رویه های حسابرسی.

۲-۳) این دستورالعمل بهترین شیوه ای که یک مؤسسه مالی توسعه ای در اعطای اعتبار و مدیریت آن باید اتخاذ نماید را تعیین می کند.

همچنین برای این شیوه ها الزامات ویژه ای توسط بانک نگارای مالزی تعیین می شود. این الزامات رهنمودهایی هستند که مؤسسات مالی توسعه ای باید علاوه بر این اتخاذ بهترین شیوه ها، آن ها را نیز بکار گیرند.

۴-۲) دستورالعمل های مذکور حداقل حدودی که مؤسسات مالی توسعه ای باید به منظور اطمینان از رفتار احتیاطی در اعطای اعتبار رعایت کنند را تعیین کنند. همچنین مانند مؤسسات بانکی، مؤسسات مالی توسعه ای نیز می توانند بطور آزادانه استانداردهای سختگیرانه تری را به عنوان خط مشی مدیریت ریسک اتخاذ نمایند.

۳- کاربرد

۱-۳) این دستورالعمل برای تمام مؤسسات مالی توسعه ای که توسط قانون مؤسسات مالی توسعه ای ۲۰۰۲ شناسایی می شوند،^۱ قابل استفاده می باشد.

۴- تاریخ اجرا

۱-۴) این دستورالعمل باید از ابتدای ژانویه ۲۰۱۰ اجرایی گردد.

بخش ۲ موارد قانونی

۵- موارد قانونی

۱-۵) این دستورالعمل مطابق با بخش ۴۱ از قانون مؤسسه مالی توسعه ای منتشر شده است.

بخش ۳ خط مشی

۶- فصل ۱: نقش و مسئولیت هیأت مدیره و مدیریت

نقش و مسئولیت هیأت مدیره

۱-۶) وظیفه هیأت مدیره آگاهی و اطمینان از نظارت مناسب بر مدیریت ریسک اعتباری مؤسسات مالی توسعه ای است.

۲-۶) هیأت مدیره باید حداقل استاندارد اعتباری را تعیین کند، همچنین تمام خط مشی های با اهمیت مربوط به مدیریت ریسک اعتباری مؤسسات مالی توسعه ای نیز باید به تأیید هیأت مدیره برسد. هیأت مدیره باید اطمینان حاصل نماید که خط مشی ریسک اعتباری با توان سرمایه ای، تخصص مدیریت و اشکال ریسک مؤسسات مالی توسعه ای سازگار باشد.

^۱Development Financial Institutions Act 2002 (DFIA)

^۲Capital strength

۳-۶) هیأت مدیره همچنین باید اطمینان حاصل نماید که نقش تعیین شده، تمرکز استراتژیک، استراتژیهای تجاری و استراتژیهای قرض دادن و تأمین مالی مؤسسات مالی توسعه ای با خط مشیهای اعتباری و استاندارد مطابقت دارد.

۴-۶) مسئولیت هیأت مدیره حصول اطمینان از موارد زیر است:

الف) فرهنگ اعتباری صحیح نمایانگر ارزش واقعی مؤسسات مالی توسعه ای باشد.

ب) مدیریت به طور کامل قادر به مدیریت فعالیتهای مؤسسات مالی توسعه ای باشد و خط مشیهای مدیریت ریسک اعتباری بطور مؤثر اجرا گردد (شامل دارا بودن ابزار لازم برای پایش ریسک اعتباری).

ت) مکانیزم هایی برای تأیید یا بازبینی هر فعالیت یا محصولی که منتج به ریسک اعتباری بالاتری در مؤسسات مالی توسعه ای می گردد، موجود باشد.

ث) از ساختار سازمانی مناسبی برای مدیریت ریسک اعتباری درون نهاد و هر تغییر در چنین ساختاری مطلع باشد.

ج) بصورت منظم از ریسک اعتباری منابع و کیفیت منابع در معرض ریسک مؤسسه مالی توسعه ای مطلع بوده و ترکیب پرتفوی آن را بررسی نماید.

ح) بطور منظم خط مشیهای مدیریت ریسک اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای را بازبینی نماید تا اطمینان حاصل شود که با استانداردهای اعتباری و تغییر منابع مؤسسات مالی توسعه ای، قدرت مالی و شرایط تجاری آن سازگار است.

خ) یک تیم متخصص از حسابرسان برای تأیید کارایی روشها، کنترلها و قابل اطمینان بودن اطلاعات ارائه شده، موجود باشد.

د) یک تیم متخصص برای حسابرسی و تأیید انطباق با تمام جنبه های اعتباری به ویژه فرآیند اعطای اعتبار مؤسسه مالی توسعه ای موجود باشد.

۵-۶) الزامات ویژه بانک نگارای مالزی: نقشها و مسئولیتهای هیأت مدیره

۵-۶-۱) بازبینی خط مشی اعتباری توسط هیأت مدیره

هیأت مدیره باید خطمشی اعتباری کلان و طرح کسب و کار را بصورت سالانه به منظور حصول اطمینان از هماهنگی آنها و هماهنگی با سطح تحمل ریسک مؤسسه مالی توسعه ای، تأیید کند.
۵-۶-۲) وظیفه هیأت مدیره در رابطه با آگاه بودن از فعالیت جدید ریسک اعتباری

- هیأت مدیره باید اطمینان حاصل کند که از هرگونه محصولات اعتباری جدید یا تغییرات قابل توجه در محصولات اعتباری موجود بر اساس دستورالعمل های معرفی محصولات جدید منتشر^۷ شده در ۱۸ می ۲۰۰۹، آگاهی دارد.
- هیأت مدیره باید در موارد زیر تصمیم بگیرد:

الف) آیا فعالیت های جدید با دورنمای تجاری تناسب دارد و آیا فعالیت های جدید با طرح کسب و کار، نقش های تعیین شده، استراتژی تمرکز و قوانین جاری مطابقت دارد یا خیر.

ب) آیا آنها از میزان انطباق فعالیت های جدید با فرآیند مدیریت ریسک اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای راضی هستند و آیا این فعالیت های جدید، تحت استانداردهای هیأت مدیره انجام میشود یا خیر؟

۵-۶-۳) گزارشاتی که توسط هیأت مدیره دریافت میشود، عبارت است از:

الف) حداقل هر سه ماه هیأت مدیره باید در جریان اطلاعات مربوط به کل ریسک اعتباری منابع مؤسسه مالی توسعه ای شامل اقلام زیر خط ترازنامه قرار بگیرد که این اطلاعات باید حداقل موارد زیر را بررسی نماید:

- میزان منابع در معرض ریسک اعتباری تفکیک شده به تفکیک طبقه بررسی گردد، به عنوان مثال طبقه بندی بر اساس منابع، محصولات و رتبه اعتباری؛
- میزان بالایی تمرکز اعتباری؛
- لیست مطالبات/تأمین مالی های مشکلدار که تحت عنوان اعتبارات مشکلدار یا تحت نظر می باشند و زیان احتمالی مؤسسه مالی توسعه ای ناشی از هر اعتبار مشکلدار قابل توجه و حساب سررسید گذشته؛
- وضعیت اعتبارات قابل توجه تحت برنامه های (بازسازی) اصلاحی؛

○ حوزه های اعتباری با رشد سریع؛

ابه هیأت مدیره هشدار می دهد تا بررسی نموده و اطمینان حاصل نمایند
استاندارد مدیریت ریسک اعتباری در این حوزه ها به میزان کافی
رعایت شده و هیچگونه ارفاقی وجود ندارد].

○ گزارشات اعتبارات مستثنی شده حایز اهمیت .^۸

ب) بطور سالانه هیأت مدیره باید گزارشی شامل لیستی از تمام
محصولات اعتباری دریافت کند. این گزارش باید حداقل شامل
بازارهای هدف محصولات اعتباری، عملکرد و کیفیت اعتباری
آنها باشد.

ت) بطور سالانه یا بصورت مستمر باید به هیأت مدیره در مورد
میزان احتمالی زیان ناشی از کاهش اعتباری که میتواند بر
اساس شرایط بحرانی یا تغییرات نامطلوب اقتصادی رخ دهد،
گزارش داده شود.

نقش و مسئولیت مدیریت

۶-۶) مدیریت در تمام سطوح، مسئول اجرای خطمشی های اعتباری مصوب
هیأت مدیره به منظور ارتقای خطمشی ها و روش های شناسایی،
اندازه گیری، پایش و کنترل ریسک های اعتباری به صورت انفرادی و
در سطح پرتفوی اعتباری است.
۶-۷) این مسئولیت شامل اطمینان از موارد زیر است:

- الف) اختیار و مسئولیت شفاف برای مدیریت ریسک اعتباری؛
ب) خطمشی ها و محدودیت های ساختاری که به وضوح میزان تحمل ریسک
اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای را تعیین می کند؛
ت) کانال های مناسب ارتباطی به منظور حصول اطمینان از این که
خطمشی اعتباری مصوب هیأت مدیره و تحمل ریسک اعتباری به طور
شفاف اطلاع رسانی شده و توسط تمام سطوح سازمان رعایت شود.
ث) روش های عملی کافی و مؤثر، کنترل داخلی و سیستم های شناسایی،
اندازه گیری، پایش و کنترل ریسک اعتباری در جهت اجرای خطمشی
اعتباری و استاندارد های تأیید شده توسط هیأت مدیره باشد؛
ج) فرآیند گزارشگری جامع ریسک اعتباری؛

- (ح) سیستم های اطلاعات مدیریت مؤثر برای اطمینان^۹ از گزارشدهی به موقع، دقیق و حاوی اطلاعات کافی در خصوص ریسک اعتباری؛
- (خ) تخصیص منابع کافی و پرسنل دارای صلاحیت به منظور مدیریت و کنترل عملیات روزانه و عملکرد مدیریت مؤثر ریسک اعتباری؛
- (د) ارزیابی مستقل دوره ای از عملکرد اعطای اعتبار مؤسسه مالی توسعه ای.

۸-۶) مدیریت باید به طور منظم فرآیندهای مدیریت ریسک اعتباری را با توجه به تغییرات محصول، تغییرات شرایط کسب و کار و تأیید هرگونه تغییرات به منظور حصول اطمینان از این که این تغییرات مناسب و بجا است، ارزیابی نماید.

فرهنگ اعتباری

۹-۶) فرهنگ اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای، ترکیب منحصر به فردی از ارزش اعتبار، دیدگاه ها، شیوه ها و نگرش های مدیریت است که حوزه اعطای تسهیلات و تأمین مالی را تعیین نموده و رفتار مربوط به تأمین مالی و اعطای تسهیلات را که مورد وثوق مؤسسه مالی توسعه ای است مشخص می کند.

۱۰-۶) موارد زیر بهترین شیوه ها در توسعه یک فرهنگ اعتباری قدرتمند می باشد:

(الف) مدیریت باید به طور منظم و همسانی شیوه های اعتباری را همراه با اشتباهی ریسک و خط مشی اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای بررسی کند.

(ب) مدیریت باید به کیفیت اعتباری اهمیت زیادی داده و این اهمیت باید در سطح سازمان از طریق اطلاع رسانی، ارتباطات و سایر اقدامات منتقل شود.

(ت) سطوح بالای عملکرد اعتباری، نیازمند مدیریت قوی است.

(ث) مدیریت، مسئول کیفیت اعتباری و تشویق و ایجاد انگیزه برای مسئولین اعتباری به منظور اتخاذ شیوه های مناسب تأمین مالی و اعطای تسهیلات است.

(ج) پاسخگویی و مسئولیت پذیری شفاف، برای هر فرد مرتبط با فرآیند مدیریت ریسک اعتباری باید وجود داشته باشد.

^۹Management information systems

ح) مدیریت و مسئولین فرآیند اعتباری (شامل افراد واحد صف اعطای اعتباری) باید با توجه به عملکرد خوب خود پاداش گرفته و یا با توجه به عملکرد ضعیف خود جریمه شوند و شایستگی آنها باید در ارزیابی عملکرد آنها منعکس شود. البته مدیریت باید اطمینان حاصل کند، اعطای هرگونه پاداش بیش از اندازه نبوده و متناسب با سطح شایستگی افراد باشد.

خ) خطمشی اعتباری باید به صورت واضح و موجز نگاشته (ثبت) شده و توسط یک مقام مسئول مستقل از شروع کسب و کار، لازم الاجرا شود.

د) ارتباط استانداردهای اعتباری، خطمشی اعتباری، طرح کسب و کار و برنامه های انگیزشی باید به گونه ای تنظیم شوند که از سردرگمی و تضاد اجتناب شود.

ذ) برای اعتبارات عمده باید استانداردها و اهداف اعتباری شفاف تعیین شود.

ر) استثناهای خطمشی اعتباری به ندرت اتفاق می افتد. اما در صورت وقوع، باید براساس مستندات و توجیهات مناسب باشد.

ز) سیستم اعتباری قدرتمند و کنترل بر تصویب اعتبارات، رتبه بندی و بازبینی، حسابرسی اعتباری و مدیریت پرتفوی باید در جای خود و به طور صحیح انجام گیرد.

س) ضروری است آموزشهای منظمی بر اساس خطمشی اعتباری و ارزیابی اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای برای مسئولین اعتباری در تمام سطوح وجود داشته باشد. آموزشهای گسترده در مورد چگونگی انجام فرآیند اعتباری و اطمینان از وجود ادبیات یکسان اعتباری در کل سازمان، لازم است.

ش) حوزه های جدید کسب و کار باید براساس رهنمودهای پرتفوی ریسک انتخاب شده باشد.

۷- فصل ۲: زیر ساخت مدیریت ریسک اعتباری

وجود واحد مستقل مدیریت ریسک

۷-۱) یک مثال از فرآیند معمول اعتباری شامل مراحل زیر است:

الف) شروع فرآیند اعتباری

- ایجاد اعتبار؛
- ارزیابی و بررسی اعتبار؛
- تأیید اعتبار.

ب) مدیریت امور اعتباری و پایش اعتبارات

- مستندسازی (ثبت) و نگهداری مستندات به صورت امن؛
- پرداخت تسهیلات.

(ت) بازیابی اعتباری

(ث) کنترل، بازبینی و ارزیابی اعتباری

- کنترل و حسابرسی داخلی؛
- بررسی و حسابرسی مستقل اعتباری؛
- بررسی پرتفوی و تحلیل روند؛
- بررسی خطمشی و فرآیند اعتباری.

(۷-۲) فرآیند "مدیریت امور اعتباری" و "کنترل، بررسی و تجزیه و تحلیل اعتباری" باید مستقل از افراد مرتبط با "شروع فرآیند اعتباری" انجام پذیرد.

(۷-۳) فرآیند "بازیابی اعتباری" باید مستقل از افراد مرتبط با سایر فرآیندهای اعتباری انجام شود.

(۷-۴) واحد "مدیریت امور اعتباری" و واحد کنترل، بررسی و تجزیه و تحلیل اعتباری" باید بطور مستقل اقدام به گزارشدهی ریسک منابع و تطبیق اقدامات با فرآیندهای کنترلی به مدیریت و هیأت مدیره نماید.

(۷-۵) الزامات ویژه بانک نگارای مالزی: کمیته مستقل مدیریت ریسک اعتباری

(۷-۵-۱) مؤسسه مالی توسعه ای باید دارای کمیته مستقلی باشد که تحت مدیریت یک عضو هیأت مدیره، اعم از اجرایی یا غیراجرایی، اداره شود و این کمیته بدون اختیار تأیید اعتبار، به هیأت مدیره برای نظارت بر مدیریت ریسک اعتباری مؤسسه کمک مینماید. این کمیته باید بطور مستقیم به هیأت مدیره گزارش دهد و ترکیب اعضای آن باید توسط هیأت مدیره انتخاب شود.

(۷-۵-۲) این کمیته باید شامل افرادی باشد که در مدیریت ریسک و امور اعتباری دارای تجربه بوده و ترجیحاً از مهارتهای تخصصی در مدیریت بخشهای مختلف امور اعتباری برخوردار باشند. چنین افرادی باید قادر باشند توضیحات لازم را در رابطه با مشکلات و حوزه های بحرانی مؤسسه مالی توسعه ای به هیأت مدیره ارائه کنند و روشهای موجود برای حل این مشکلات را نیز به هیأت مدیره منتقل نمایند.

(۷-۵-۳) این کمیته باید حداقل در موارد زیر مسئولیت را بر عهده داشته باشد:

- (الف) ارزیابی و اندازه‌گیری کفایت استراتژی مدیریت کل ریسک اعتباری مرتبط با فعالیت‌های مؤسسه مالی توسعه‌ای؛
- (ب) نظارت بر توسعه خطمشی اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای، شامل تمام محصولات و کسب و کارها و اطمینان از توسعه خطمشی‌ها و رویه‌ها؛
- (ت) پایش، ارزیابی و مشاوره ترکیب پرتفوی ریسک اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای؛
- (ث) ارزیابی ریسک تحت سناریوهای بحرانی و ظرفیت سرمایه مؤسسه مالی توسعه‌ای به منظور حفظ پایداري تحت شرایط سناریو بحرانی؛
- (ج) ارزیابی رابطه ریسک و بازده؛
- (ح) بررسی گزارش‌های فرآیند بازبینی اعتباری، کیفیت دارایی و اطمینان از این که اقدامات اصلاحی انجام گیرد؛
- (خ) بررسی و ارزیابی محصولات مختلف اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای به منظور اطمینان حاصل کردن از این که این محصولات تحت استاندارد‌ها و خطمشی‌های مدیریت می‌باشند.

وجود پرسنل شایسته

۶-۷) مدیریت باید اطمینان حاصل کند که منابع و پرسنل کافی به منظور مدیریت و کنترل ریسک اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای تخصیص داده شده است. این پرسنل باید موارد زیر را دارا باشند:

- (الف) درک کامل از ریسک مرتبط با فعالیت‌های اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای؛
- (ب) توانایی درک عوامل و شرایط بازار مؤثر بر کیفیت اعتباری، ارزیابی تأثیر تغییرات این عوامل بر مشخصه ریسک و عملکرد مالی مؤسسه مالی توسعه‌ای؛
- (ت) گزارش مشخصه ریسک پرتفوی اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای به سطوح اختیار مناسب به منظور اطلاع‌رسانی و لحاظ آن‌ها؛
- ۷-۷) آموزش کافی و همسان فرآیند اعتباری به پرسنل برای اطمینان از اینکه موارد ذکر شده در بالا، انجام می‌شود، ضروری است. آموزش‌ها باید با فرهنگ و استاندارد اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای مطابقت داشته باشد. این آموزش‌ها باید تضمین نماید که پرسنل درک یکسانی از اعتبار و ادبیات اعتباری دارند.
- ۸-۷) الزامات ویژه بانک‌نگار مالی: تایید پرسنل اعتباری

۱-۸-۷) پرسنل بخش ارزیابی، تأیید اعتبار و بازبینی اعتبارات لازم است تحت یک برنامه آموزشی مشترک قرار گرفته، در یک آزمون مشترک شرکت کنند و حد نصاب لازم را کسب نمایند، همچنین باید حداقل تجربه را در امور اعتباری داشته و مجوزی از سازمانها یا افراد مورد تأیید هیأت مدیره، قبل از این که برای امضا یا تصدیق اعتباری واجد شرایط باشند دریافت نموده باشند. ۵ سال برای فراهم شدن زمینه این الزامات در نظر گرفته می شود. در حال حاضر مؤسسات مالی توسعه ای باید به توافقنامه برنامه دریافت مجوز مسئولین اعتباری منتشر شده در ۵ جولای ۲۰۰۷ پایبند باشد.

الف) برای اطمینان از دستیابی به حداقل استاندارد و کیفیت، برنامه مشترک آموزشی باید توسط مسئول ارشد اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای طراحی شود. برای اطمینان از همسانی استاندارد در کل صنعت بانکی، هر برنامه آموزشی طراحی شده باید توسط مؤسسه بانکی مالزی، به عنوان مسئول حفظ استاندارد^۲، تأیید شود.

ب) همچنین پیش از تأیید تکمیل فرآیند آموزشی یک پرسنل اعتباری، باید هیأت مدیره معیاری مناسب برای مسئول ارشد اعتباری مناسب تعیین نموده باشد.

ت) پرسنل فعلی شاغل در ارزیابی اعتباری، تأیید و بررسی اعتباری (حسابرسی) ممکن است از برنامه آموزشی و گذراندن آزمون مشترک مورد تأیید هیأت مدیره معاف شوند. با این حال هیچ معافیتی برای پرسنل جدید مجاز نیست. لازم است مؤسسه مالی توسعه ای یک نسخه از جزییات خط مشی معیار معافیت را به بانک نگار مالی ارسال کند.

سیستم اطلاعات مدیریت مؤثر

۹-۷) مؤسسه مالی توسعه ای باید از سیستم اطلاعات مدیریت مؤثر به منظور آگاه سازی مدیریت، اندازه گیری، پایش و کنترل ریسک اعتباری فعالیتها بهره برد.

۱۰-۷) سیستم اطلاعات مدیریت باید مؤسسه مالی توسعه ای را قادر سازد تا موارد زیر را انجام دهد:

الف) نگهداری پایگاه اطلاعات برای تحقیق و استفاده از تکنیکهای تحلیلی؛

ب) گزارش منابع در معرض ریسک؛

^۲Circular on Accreditation Program for Credit Officers

^۲Institut Bank-Bank Malaysia (IBBM)

(ت) ردیابی و بررسی کیفیت و عملکرد حسابها؛
(ث) حفظ محدودیتها.

حفظ خطمشیها و روندهای مناسب

۷-۱۱) خطمشی اعتباری مهمترین سندی است که به وسیله آن هیأت مدیره مدیریت، فعالیت های اعتباری را هدایت میکند. در واقع خطمشی اعتباری چارچوبی برای دستیابی به کیفیت دارایی، سطوح تحمل ریسک و فعالیت اعطای اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای را مطابق با استاندارد مؤسسه مالی توسعه ای هدایت میکند.
۷-۱۲) خطمشی اعتباری باید به روشنی تعریف شود و مطابق با شیوه بانکداری محتاطانه و الزامات نظارتی مرتبط و متناسب با ماهیت و پیچیدگی فعالیت های مؤسسه مالی توسعه ای باشد.
۷-۱۳) خطمشیها و شیوه ها که به درستی توسعه یافته و اجرا میشوند، مؤسسه مالی توسعه ای را قادر میسازند تا:

(الف) استاندارد های امتیاز اعتبار مناسب را حفظ کند.

(ب) اقدام به کنترل و پایش ریسک اعتباری نماید.

(ت) فرصت های کسب و کار جدید را ارزیابی نماید.

(ث) اقدام به شناسایی و اداره کردن اعتبارات مشکلدار نماید.

۷-۱۴) خطمشی اعطای تسهیلات و تأمین اعتباری

۷-۱۴-۱) مؤسسه مالی توسعه ای باید شیوه ها و خطمشی نوشته شده را که به وضوح خطمشی مدیریت ریسک را مشخص میکند برای اعطای و تأمین اعتبار، حفظ و رعایت نماید. این خطمشی اختیار، قواعد و چارچوب مدیریت و اداره مؤثر پرتفوی مطالبات و تأمین مالی مؤسسه را تعیین میکند.

۷-۱۴-۲) خطمشی اعطای اعتبار و تأمین مالی مؤسسه مالی توسعه ای باید استاندارد ها و شیوه ها را در موارد زیر مشخص نماید:

(الف) ترکیب کلی پرتفوی تأمین مالی و تسهیلات؛

(ب) استاندارد هایی برای تصمیم در مورد پرونده های اعتباری؛

(ت) تعریف سطوح اختیار و مسئولیت به منظور قادر ساختن مدیریت به پایش و کنترل فعالیت های تأمین مالی و اعطای اعتبار؛

(ث) رویه های کنترلی مطابق با تأمین مالی و اعطای اعتبار مرتبط با خطمشیها و سایر قوانین و مقررات قابل اجرا.

۷-۱۵) الزامات ویژه بانک نگارای مالزی: خطمشی تأمین مالی و اعطای تسهیلات

۱-۱۵-۷) خطمشی تأمین مالی و اعطای اعتبار باید پارامترهایی را حداقل در موارد زیر تعیین کند:

الف) اختیار تصویب اعتبار-پرسنل مجاز به تصویب اعتبار و محدودیت‌های تصویب برای تأییدکنندگان اعتبارات؛

ب) بازارهای قابل قبول یا حوزه‌های تأمین مالی/اعطای اعتبار باید بر اساس نقاط قوت و ضعف جاری مؤسسه مالی توسعه‌ای با لحاظ ترکیب مشتری و صنعت مؤسسه باشد؛

ت) محدودیت در تمرکز اعتباری، به عنوان مثال ممکن است شامل محدودیت در اعطای اعتبار با توجه به موارد زیر باشد:

○ صنعت؛

○ مکان‌های جغرافیایی؛

○ گروه مشتریان یا قرض‌گیرندگان؛

○ محصولات؛

○ رتبه ریسک.

ث) اعتبارات اعطایی به گروه مرتبط (به ویژه پارامترهایی که گروه‌های مرتبط را تعیین می‌کند)؛

ج) محدودیت در رشد اعتباری- یک آستانه حداکثری برای گسترش میزان اعتبار باید تعیین شود تا مؤسسه مالی توسعه‌ای را از احتمال افزایش اعتبار بیش از ظرفیت منابع موجود خود مطلع نماید. این نسبت ممکن است درصدی از سرمایه، مجموع دارایی‌ها، مجموع سپرده‌ها یا سایر موارد باشد؛

ح) طول دوره سررسید قابل پذیرش اعتباری - دوره سرسیدی که در آن مؤسسه مالی توسعه‌ای مایل به پذیرش ریسک است. این دوره باید متناسب با پیش‌بینی منابع بازپرداخت، اهداف اعتباری و عمر مفید اوراق بهادار باشد؛

خ) لیست اعتبارات غیر قابل پذیرش؛

د) رتبه‌بندی ریسک اعتبارات؛

ذ) وصول مطالبات و به هزینه بردن مطالبات-معیارها و رتبه‌بندی برای اعتبارات مشکل‌دار، روش‌هایی برای گزارش اعتبارات غیرجاری به مدیریت و شفاف‌کردن دستورالعمل‌ها و اختیارات در خصوص به هزینه بردن مطالبات.

۷-۱۵-۲) همچنین خطمشی اعتباری باید تقاضای اعتباری قرض‌گیرندگان و مشتریان معتبری که خطمشی کلی مؤسسه مالی توسعه‌ای نیازهای آنها را مرتفع نمی‌کند را نیز شامل شود (استثنای اعتباری).

این شرایط باید بطور معمول سطح بالاتری از استاندارد اعتباری و احتیاطی را در مقایسه با شرایط معمول اعتباری پوشش دهد.

۷-۱۶) خط مشی وثایق

۷-۱۶-۱) مؤسسه مالی توسعه ای باید خط مشی شفاف برای تعیین وثایق قابل پذیرش داشته باشد.

۷-۱۶-۲) در ارزیابی وثایق، مؤسسه مالی توسعه ای به موارد زیر توجه می نماید:

الف) ارزش وثایق؛

ب) سهولت نقد شدن وثیقه و بازارپذیر بودن آنها؛

ت) مجموع وثیقه مشخصی که مؤسسه مالی توسعه ای در اختیار دارد.

۷-۱۶-۳) خط مشی وثیقه و اعطای اعتبار و تأمین مالی باید بطور منظم بررسی شود و به منظور هم راستایی با نوآوری ها (روش های جدید)، واکنش مناسبی نسبت به تغییر در استراتژی، تحمل ریسک، شرایط بازار و کسب و کار مؤسسه مالی توسعه ای داشته و منعطف باشد.

۷-۱۷) الزامات ویژه بانک نگارا مالزی: خط مشی وثایق

۷-۱۷-۱) خط مشی وثایق باید موارد زیر را تعیین کند:

الف) محدودیت در تمرکز وثایق؛

ب) شیوه هایی که برای ارزیابی و تناوب بررسی (بازنگری) وثایق استفاده می شود؛

ت) گروه مشاوران حقوقی، ارزشگذاران دارایی و شرکت های بیمه تأیید شده؛

ث) برای تسهیلات تضمین شده، حداکثر حاشیه اعتباری (اعتبار قابل پرداخت) که می تواند در قبال هر نوع وثیقه اعطا شود؛

ج) الزامات ثبت وثایق.

شیوه ارزیابی فعالیت های اعتباری

۷-۱۸) مؤسسه مالی توسعه ای باید اقدام به شناسایی و مدیریت ریسک اعتباری تمام محصولات و فعالیت ها نماید.

۷-۱۹) مؤسسه مالی توسعه ای باید برنامه تأیید محصولات را برای ارزیابی ریسک محصولات یا فضای کسب و کار جدید مدیریت نماید. مؤسسه مالی توسعه ای باید اطمینان حاصل کنند که ریسک محصولات و فعالیت های جدید تحت روش ها و کنترل های مناسب پیش از معرفی و ایجاد تعهد مورد بررسی قرار گرفته باشد. این محصولات/فعالیت ها باید توسط هیأت مدیره و یا یک کمیته تصویب شود. در صورتی که

این تصویب توسط کمیته انجام پذیرد، هیأت مدیره باید در اولین جلسه خود، همانطور که در فصل ۱ توضیح داده شده، مطلع شود. متخصصان صنعت باید به مؤسسه مالی توسعه ای در ارزیابی ریسک، در صورت لزوم، کمک نمایند.

۷-۲۰) برای محصولات موجود، یک برنامه ارزیابی دوره ای (متناوب) باید اجرا شود. هیأت مدیره یا کمیته باید بازه های ارزیابی را تعیین نمایند.

۷-۲۱) هر برنامه ارزیابی/تصویب محصول باید توسط مدیران مسئول در ریسک های زیر مورد تأیید قرار گیرد:

الف) ریسک اعتباری؛

ب) ریسک بازار؛

ت) ریسک نقدینگی؛

ث) ریسک قانونی؛

ج) گزارشگری مالی و حسابداری؛

ح) حسابرسی و کنترل داخلی.

این امر برای حصول اطمینان از این است که مشکلات احتمالی محصول مرتبط با حوزه آنها به درستی بررسی شود و از توانایی مدیران در درک ارتباط محصولات به گونه مناسب با حوزه مسئولیت آنها اطمینان حاصل گردد.

۸- فصل ۳: فرآیند مدیریت ریسک اعتباری

۸-۱) اجزای اصلی فرآیند مدیریت ریسک مناسب عبارت است از:

الف) معیارهای مناسب و تعریف شده برای اعطای اعتبار؛

ب) روش جامع ارزیابی و اندازه گیری ریسک اعتباری؛

ت) مهیا نمودن ساختار دقیقی از محدودیتها، دستورالعملها و سایر مؤلفه های استفاده شده برای کنترل ریسک پذیری؛

ث) سیستم اطلاعات مدیریت قدرتمند برای پایش و کنترل و گزارشگری ریسک؛

ج) فرآیند مؤثر مدیریت ریسک اعتبارات مشکلدار.

معیارهای اعطای اعتبار

۸-۲) مؤسسه مالی توسعه ای باید بر مبنای معیارهای مناسب و تعریف شده اعطای اعتبار عمل کنند. این معیارهای باید واجد شرایط زیر باشند:

الف) مشمولیت (واجد شرایط بودن) اعتباری و میزان شایستگی؛

(ب) انواع اعتبار اعطا شده؛

(ت) شرایط و ضوابط اعطای اعتبار.

۸-۳) مؤسسه مالی توسعه‌ای باید فرآیند رسمی شفاف برای ارزیابی و تصویب در خصوص اعتبارات جدید و تمدید اعتبارات موجود را دارا باشد.

۸-۴) ارزیابی اعتبارات

۸-۴-۱) هر طرح اعتباری باید به دقت توسط تحلیل‌گر اعتباری بررسی شود و تحلیل‌گر باید هنگام ارزیابی، به اندازه و پیچیدگی تراکنش توجه نماید. در صورت لزوم ایجاد گروه‌های تخصصی اعتباری برای ارزیابی، تحلیل و تصویب اعتبارات مرتبط با محصولات قابل‌توجه، انواع ظرفیت اعتباری، صنعت یا بخش‌های مختلف جغرافیایی، توصیه می‌شود.

۸-۴-۲) فرمت استاندارد ثبت شده برای تصویب و روش‌های استاندارد در ارزیابی باید مناسب باشد. ارزیابی باید شامل درک کاملی از مشتری/قرض‌گیرنده، هدف و ساختار اعتبار و منابع استفاده شده به منظور بازپرداخت باشد.

۸-۴-۳) یک فرآیند ارزیابی مؤثر باید حداقل الزامات اطلاعاتی را که تجزیه و تحلیل بر اساس آن صورت می‌گیرد و همچنین حداقل استانداردهای مالی یا معیارها در ارزیابی تأمین مالی/تسهیلات برای هر محصول یا نوع صنعت را تعیین نماید.

۸-۴-۴) در این رابطه باید خط‌مشی‌های مکتوب در رابطه با اطلاعات مستندسازی مورد نیاز برای تصویب اعتبارات، تجدید اعتبارات موجود و یا تغییر در شرایط و ضوابط اعتبارات قبلاً تصویب شده وجود داشته باشد. این اطلاعات بر اساس ارزیابی داخلی اعتباری یا رتبه‌بندی اعتباری قابل دسترسی خواهد بود و دقت و کفایت آن برای تصمیم‌گیری مناسب مدیریت به منظور پذیرش اعطای اعتبار مهم است. مؤسسه مالی توسعه‌ای باید صحت این اطلاعات را بازبینی نماید.

۸-۵) تصویب اعتبارات

۸-۵-۱) تصویب اعتبارات باید مطابق با دستورالعمل‌های مکتوب مؤسسه مالی توسعه‌ای بوده و به وسیله سطح مدیریت مناسب ابلاغ شود.

۸-۵-۲) سند رسمی تأیید نهایی اعتباری که معیاری برای پذیرش ریسک است باید اساس کل فرآیند تصویب اعتباری قرار گیرد.

۸-۵-۳) روند تصویب اعتبارات باید در راستای پاسخگویی به تصمیمات گرفته شده تعیین شود و بیان کند چه کسی اختیار تصویب

اعتبار و تغییر در ضوابط اعطای اعتبار را دارد. همچنین باید میزان مجاز محدودیت را نیز تعیین کند.

۸-۵-۴) لازم است مستند سازی به گونه ای انجام شود که به طور شفاف قابل حسابرسی بوده و تمامی جنبه های فرآیند تأیید اعتباری، شناسایی افراد یا کمیته ها ارایه دهنده اطلاعات و همچنین تصمیم گیری اعتباری مطابق آن باشد.

۸-۵-۵) اختیار تصویب اعتباری باید متناسب با دانش افراد تصویب کننده باشد.

۸-۶) الزامات ویژه بانک نگارای مالزی: معیار اعطای اعتبار

تصویب اعتبار توسط هیأت مدیره

۸-۶-۱) واحد تصویب اعتبار باید توسط پرسنل اجرایی و یا کمیته های تمام وقت اداره شود. با وجود اینکه هیأت مدیره در جریان تصویب اعتبار دخیل نیست، میتواند اعطای اعتبار را وتو کند و یا میتواند اقدام به اصلاح شرایط اعطای اعتباراتی که توسط پرسنل اجرایی مؤسسه مالی توسعه ای تصویب شده، نماید. البته در صورتی که اکثریت اعضای هیأت مدیره اعتقاد داشته باشند اعطای اعتبار و یا تأمین مالی، مؤسسه مالی توسعه ای را در معرض ریسک قرار میدهد.

۲) [این الزامات تنها بر نقش هیأت مدیره و کمیته اجرایی (در صورتی که از هیأت مدیره نمایندگی کند) مؤثر است. مدیرانی که پرسنل تمام وقت اجرایی با مسئولیت تصویب مطالبات و تأمین مالی باشند به وسیله این محدودیت تحت تأثیر قرار نخواهند گرفت.]

۸-۶-۲) با این حال هیأت مدیره ممکن است به تصویب خطمشی اعطای تسهیلات یا تأمین مالی و اعطای تسهیلات یا تأمین مالی که نیازمند تصویب هیأت مدیره است ادامه دهد البته این در صورتی است که فرآیند تصویب توسط پرسنل اجرایی تمام وقت اعتبارات به عنوان فیلتر اولیه انجام شده باشد.

۸-۶-۳) برای تشویق به پاسخگویی بیشتر کمیته تصویب کننده، ملاحظات و اختلافات باید در پرونده (صورت جلسه) یا اسناد مطالبات و تأمین مالی ثبت شود.

الزامات ارزیابی اعتباری

۸-۶-۴) حداقل مواردی که باید برای تصویب اعتبار و ثبت آن به عنوان اعتبار تأیید شده لحاظ شود، شامل موارد زیر است:

الف) اهداف اعتباری و منابع بازپرداخت؛

^۲Executive Committee(EXCO)

- (ب) شایستگی و حسن شهرت قرضگیرنده/مشتری؛
- (ت) مشخصات ریسک جاری (شامل ماهیت و مجموع مقادیر منابع در معرض ریسک) قرضگیرنده/مشتری و میزان حساسیت آن به توسعه بازار و شرایط اقتصادی؛
- (ث) سابقه بازپرداخت مشتری/رضگیرنده و ظرفیت جاری بازپرداخت او بر اساس روند مالی گذشته و پیشبینی جریان نقدی مشتری/رضگیرنده (منابع نقد مشتری/رضگیرنده)؛
- [برای مطالبات و تأمین مالی های خرد، استفاده از روند مالی گذشته و پیشبینی جریان نقدی ممکن است امکان پذیر نباشد.]
- (ج) تجزیه و تحلیل آینده نگر ظرفیت بازپرداخت بر اساس سناریوهای مختلف به خصوص در سناریوهای که احتمال شرایط سخت متصور است؛
- (ح) تناسب ساختار اعتبار اعطا شده با ویژگی منابع نقدی مشتری/رضگیرنده؛
- (خ) ظرفیت قانونی قرض گیرنده / مشتری برای پذیرش بدهی؛
- (د) برای تسهیلات/تأمین مالی های تجاری، تخصص قرض گیرنده/مشتری در کسب و کار، وضعیت اقتصادی بخشی که قرض گیرنده/مشتری در آن فعال می باشد و شرایط مشتری/رضگیرنده در آن بخش؛
- (ذ) شرایط و ضوابط پیشنهادی اعطای اعتباری از جمله ضوابط طراحی شده برای محدود کردن تغییر در مشخصه ریسک مشتری/رضگیرنده در آینده؛
- (ر) در صورت لزوم، کفایت، بازارپذیری و قابلیت اجرای تضمین یا وثایق.

۸-۶-۵) مؤسسه مالی توسعه ای باید در گام اول اعتبارات را بر اساس توانایی و ظرفیت قرضگیرنده/مشتری در بازپرداخت (جریان نقدی) ارزیابی کند، اما میتواند از وثایق و تضامین به عنوان موارد کاهش دهنده ریسک در اعطای اعتبار نیز کمک بگیرد. وثایق نباید جایگزینی برای ارزیابی کامل قرضگیرنده/مشتری و جبران کننده اطلاعات ناکافی در مورد آنها باشد.

۸-۶-۶) همچنین مؤسسه مالی توسعه ای نباید تنها به این دلیل که مشتری/رضگیرنده برای مؤسسه مالی توسعه ای شناخته شده و یا تصور می شود معتبر است، اعطای اعتبار نماید.

۸-۶-۷) به هنگام ارزیابی وثیقه، مؤسسه مالی توسعه ای نیاز است در نظر داشته باشد ارزش وثیقه میتواند بر اساس همان فاکتورهای

که منجر به کاهش امکان بازیابی اعتباری گردد، کاهش یابد. همچنین هزینه اقدامات بازیابی منجر به کاهش ارزش بازیابی نهایی می شود. با توجه به تضامین، مؤسسه مالی توسعه ای باید سطح پوشش مرتبط با کیفیت اعتباری و ظرفیت قانونی ضمانت کننده را ارزیابی کند. تنها تضامینی که جزییات آن مشخص و واضح است باید در تصمیم اعطای اعتبار نقش داشته باشد و تضامینی که بطور غیرشفاف و همراه با پیش بینی می باشند نباید در این تصمیم گیری دخالتی داشته باشند.

۸-۶-۸) برای مشارکت در تسهیلات/تأمین مالی سندیکایی، مؤسسات مالی توسعه ای باید ارزیابی اعتبارات را به صورت مستقل انجام دهند و شرایط سندیکا را پیش از اعطای تسهیلات سندیکایی تحلیل نماید. مؤسسه مالی توسعه ای باید ریسک و بازده تسهیلات و تأمین مالی سندیکایی را همانند ارزیابی تسهیلات و تأمین مالی دیگر مشتریان ارزیابی نماید.

۸-۷) ارتباط مناسب بین ریسک و بازده

۸-۷-۱) اعطای اعتبار دربرگیرنده پذیرش ریسک و کسب سود است. مؤسسه مالی توسعه ای باید رابطه بین ریسک و بازده را در مورد هر پرونده اعتباری و سود آوری کلیه اعتبارات اعطایی ارزیابی نماید. اعتبارات باید به نحوی قیمتگذاری شوند که با درآمدهای دیگر کسب شده، تمام هزینه های مرتبط را پوشش دهد و ریسکی که مؤسسه مالی توسعه ای متحمل می شود را نیز جبران نماید.

اندازه گیری ریسک

۸-۸) گستره اندازه گیری

۸-۸-۱) سیستم مؤسسه مالی توسعه ای برای اندازه گیری ریسک منابع در معرض ریسک باید:

الف) جامع و دقیق باشد.

ب) قادر به تجمیع و ارزیابی ریسکها بر مبنای سطح نهاد برای همه محصولات مؤسسه مالی توسعه ای شامل فعالیت های زیر خط ترازنامه و برای نهادهایی که به صورت گروهی فعالیت می کنند بر مبنای گستره گروه باشد.

۸-۸-۲) مؤسسه مالی توسعه ای باید فرآیندهایی برای شناسایی وضعیت هایی که در آن با توجه به شرایط اعتباری بهتر است طبقه بندی قرض گیرندگان/مشتریان به عنوان گروه مرتبط و در نظر گرفتن آن گروه به عنوان یک مشتری/قرض گیرنده می باشد، اقدام نماید. این طبقه بندی شامل تجمیع منابع در معرض ریسک تحت گروه

حسابها، شرکتی یا غیرشرکتی، تحت کنترل یا مالکیت مشترک یا با ارتباطات قوی (مانند مدیریت مشترک یا پیوندهای فامیلی) است. ۸-۳) همچنین مؤسسه مالی توسعه ای باید فرآیندی را برای جمع منابع در معرض ریسک خود از مشتریان بر مبنای محصولات مختلف را دارا باشند.

۸-۹) روشهای اندازه گیری

۸-۹-۱) باید درک صحیحی از روشهای اندازه گیری ریسک توسط پرسنل مرتبط با آن در تمام سطوح مؤسسه مالی توسعه ای، از مسئولین اعتباری تا اعضای هیأت مدیره وجود داشته باشد، و لازم است چارچوب مشترکی برای محدود کردن و پایش ریسک مهیا گردد. ۸-۹-۲) یک ابزار مهم در پایش کیفیت هر پرونده و کل پرتفوی اعتباری، استفاده از سیستم رتبه بندی داخلی ریسک است. سیستم رتبه بندی داخلی ریسک، اعتبارات را در گروه های مختلفی، بر اساس رتبه ریسک، طبقه بندی میکند.

۸-۹-۳) سیستم داخلی رتبه بندی ریسک ساختارمند، ابزاری مناسب برای مشخص کردن میزان ریسک اعتباری پرتفوی یک مؤسسه مالی توسعه ای است. همچنین منجر به تصمیم گیری دقیق تر بر مبنای مشخصات پرتفوی اعتباری، کیفیت توزیع، اعتبارات مشکلدار و کفایت اندوخته های (ذخایر) زیان ناشی از تأمین مالی/مطالبات میگردد.

۸-۹-۴) سیستم داخلی رتبه بندی ریسک مفید دارای درجه بندی گوناگونی برای اعتبارات به منظور تشخیصی تمایز ریسک اعتباری نسبی آنها است. سیستم رتبه بندی داخلی پیچیده تر و با جزئیات بیشتر میتواند برای تخصیص داخلی سرمایه، قیمتگذاری اعتبارات و سودآوری تراکنش و ارتباطات استفاده شود.

۸-۹-۵) برای مجموعه تأمین مالی/مطالبات خرد، ارزیابی ریسک بر اساس پرتفوی و تکنیک های بکار رفته در امتیازدهی اعتباری میتواند استفاده شود.

۸-۱۰) الزامات ویژه بانک نگارای مالزی: سیستم رتبه بندی اعتباری داخلی

۸-۱۰-۱) مؤسسات مالی توسعه ای باید سیستم رتبه بندی داخلی را برای تسهیلات/تأمین مالی تجاری و شرکتی ایجاد نمایند. سیستم رتبه بندی باید با ماهیت، اندازه و پیچیدگی فعالیت های مؤسسه مالی توسعه ای سازگار بوده و دارای مؤلفه های زیر باشد:

الف) پوشش طیف وسیعی از منابع در معرض ریسک اعتباری مؤسسه، شامل منابع در معرض ریسک زیر خط ترانزنامه؛

(ب) پوشش داری های جاری و غیرجاری؛

(ت) دارای حداقل ۷ طبقه پوشش دهنده منابع در معرض ریسک باشد که پایین ترین رتبه، مربوط به منابعی است که زیان های آن قابل انتظار باشد؛

(ث) رتبه بندی ریسک برای اعتبارات جاری باید حداقل ۴ طبقه داشته باشد (شامل طبقه ای برای تحت نظر یا بررسی ویژه)؛

(ج) تنظیم نظارتی (جاری، زیر استاندرد، مشکوک و بد) باید در سیستم رتبه بندی اعتباری گنجانده شود؛

(ح) سیستم رتبه بندی ریسک اعتباری باید به طور دقیق در خط مشی اعتباری و فرآیند توسعه برای تعیین و بررسی دوره ای رتبه اعتباری باشد؛

۸-۱۰-۲) سیستم رتبه بندی که توسط هیأت مدیره تأیید شده است باید به بانک نگارا ارسال شود. برای مؤسسات مالی توسعه ای که در حال حاضر نیز از سیستم رتبه بندی استفاده می کنند، باید یک طرح توسط هیأت مدیره تصویب شده و با مشخص شدن گستره عمل، دوره زمانی، افراد مسئول و نقاط قوت اجرای رتبه بندی اعتباری به بانک نگارا ارسال شود. طرح های مذکور باید قبل از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹ به بانک نگارا تحویل شود.

۸-۱۰-۳) مؤسسه مالی توسعه ای باید بطور منظم اقدام به پایش و ارزیابی نکول واقعی یا زیان اعتبارات در هر رتبه ریسک برای ارزیابی میزان سازگاری و قابل اتکا بودن رتبه بندی کنند.

۸-۱۱-۱) پایش و بررسی

۸-۱۱-۱) فرآیند ارزیابی و بررسی اعتباری منابع در معرض ریسک اعتباری بطور منظم، مبنایی برای اندازه گیری و گزارش دهی دقیق منابع در معرض ریسک است.

اعتبارات فردی

۸-۱۱-۲) مؤسسه مالی توسعه ای باید اقدام به توسعه و اجرای روش های جامع و سیستم اطلاعات برای پایش شرایط انفرادی اعتبارات و قرض گیرندگان/مشتریان مرتبط در پرتفوی های مختلف مؤسسه مالی توسعه ای نماید.

۸-۱۱-۳) بررسی اعتبارات انفرادی (پرونده های اعتباری) حداقل یکبار در سال باید انجام گیرد. با این حال اعتبارات مشکل دار و اعتباراتی که در آن نشانه وخامت در کیفیت اعتبار وجود دارد باید در فاصله های زمانی بطور متناوب بررسی شوند.

۸-۱۱-۴) از آنجا که اعتبارات انفرادی برای مطالبات/تأمین مالی ممکن است فراوان و همراه با جزییات باشد، مؤسسه مالی توسعه ای ممکن است بازبینی مؤلفه های اضافی اعتبارات را محدود کند.

۸-۱۱-۵) روش های پایش نیازمند تعریف کردن معیار هایی برای شنا سایی و گزاردهی اعتبارات مشکلدار احتمالی و سایر تراکنشها برای اطمینان از این که آنها در معرض پایش مستمر و اقدام اصلاحی، طبقه بندی و یا ذخیره گیری می باشند.

۸-۱۱-۶) یک سیستم پایش اعتباری مؤثر باید شامل موارد زیر باشد:
الف) اطمینان از این که، مؤسسه مالی توسعه ای درک صحیحی از شرایط فعلی مالی قرض گیرنده/مشتری داشته باشد.

ب) تطابق تمام اعتبارات با معاهدات (پیمان های) موجود؛

ت) پایش استفاده از خطوط اعتباری تصویب شده توسط قرض گیرنده/مشتریان؛

ث) اطمینان از این که جریان نقدی پیش بینی شده بوسیله اعتبارات عمده مطابق با الزامات وصول مطالبات باشد؛

ج) اطمینان از این که در صورت دسترسی، وثیقه پوشش مناسبی فراهم می کند؛

ح) شناسایی و طبقه بندی اعتبارات مشکلدار احتمالی در زمان مقتضی.

بررسی مستقل پرتفوی

۷-۱۱-۸) مؤسسه مالی توسعه ای باید دارای فرآیندی به منظور بررسی مستقل اعتبارات در سطح کل برای هر بخش از پرتفوی (به عنوان مثال، بر مبنای نوع وام، صنعت، رتبه های ریسک) باشد. این بررسی باید حداقل موارد زیر را پوشش دهد:

الف) ترکیب و تمرکز ریسک را پایش کند؛

ب) تغییرات حایز اهمیت در ترکیب پرتفوی را بررسی کند؛

ت) انتقال سطوح ریسک در بین بخش پرتفوی که می تواند منجر به سطوح افزایشی ریسک یا بررسی استاندارد های ناظر بر اعطای اعتبار گردد؛

ث) پایش محیط اقتصادی در حال تغییر، روندها و وقایعی که می تواند ریسک جدید یا افزایش در مشخصه ریسک موجود در پرتفوی مؤسسه مالی توسعه ای ایجاد کند؛

ج) کفایت سطوح ذخیره گیری برای هر پرتفوی؛

ح) کفایت عایدی های مرتبط با ریسک در پرتفوی.

۸-۱۱-۸) نتیجه بررسی باید به هیأت مدیره و یا کمیته نظارت بر مدیریت ریسک اعتباری گزارش شود.

ارزیابی اعتباراتی که باید توسط اشخاص مستقل بررسی گردد.

۸-۱۱-۹) کارشناسان اعتبارات میتوانند مسئول تجزیه و تحلیل مستمر اعتباری و شناسایی سریع مشکلات در حال بروز باشند. ارتباط آنها با مشتریان یا قرضگیرندگان معمولاً شناسایی مشکلات بالقوه را قبل از بالفعل شدن امکانپذیر میکند. با این وجود، مؤسسات مالی توسعه ای باید به منظور اجتناب از اتکای بیش از حد به کارشناسان اعتبارات، دقت لازم را به خرج دهند.

۸-۱۱-۱۰) بررسیهای اعتباری داخلی (حسابرسی) که توسط اشخاص مستقل از واحد کسب و کار انجام میشود ارزیابیهای بدون تورش حایز اهمیتی را از وضعیت اعتبارات انفرادی و کیفیت کلی پرتفوی اعتبارات به دست میدهد.

۸-۱۱-۱۱) حسابرسی داخلی مذکور، به ارزیابی فرآیند ارزیابی و تصویب کلی اعتبارات کمک کرده و صحت رتبهبندی داخلی را تعیین میکند؛ همچنین این موضوع را که آیا کارشناس حساب به درستی اعتبارات انفرادی را پایش میکند یا خیر مورد قضاوت قرار میدهد.

۸-۱۱-۱۲) واحد حسابرسی داخلی باید به هیأت مدیره و یا کمیته مسئول حسابرسی گزارش ارایه دهد.

۸-۱۲) الزامات ویژه بانک نگارای مالزی: سیستم بررسی داخلی مستقل (حسابرسی)

۸-۱۲-۱) مؤسسه مالی توسعه ای باید یک بخش جداگانه بررسی اعتباری (حسابرسی) که دارای تحلیلگران اعتباری مستقل و باتجربه است را به منظور بررسی دوباره اعتبارات مصوب شده ایجاد کند و قضاوت مستقلی را نسبت به کیفیت ارزیابی اعتباری و کیفیت پرتفوی اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای فراهم آورد. زمانی که ملاحظات حجم و هزینه نمیتواند وجود این بخش را توجیه کند، واحدی مشتمل بر حسابرسان داخلی همراه با تجربیات لازم به منظور تخصیصی سازی این واحد میتواند این نقش را برعهده داشته باشد.

تأیید صلاحیت پرسنل حسابرسی اعتباری

۸-۱۲-۲) کارکنانی که در واحد بررسی اعتباری هستند باید از نظر تصدیقات، تجربه و آموزش رسمی واجد شرایط باشند. آنها باید در خصوص رویه های وام دهی یا تأمین مالی و همچنین رهنمودهای اعتباری معین مؤسسه مالی توسعه ای آگاه باشند. به علاوه، آنها باید از

قوانین و مقررات که بر فعالیت‌های اعتباری تأثیرگذار است، آگاهی داشته باشند.

گستره بررسی

۳-۱۲-۸) بررسی‌ها (حسابرسی) می‌تواند به صورت نمونه‌گیری انجام شود. با این وجود، بررسی‌ها باید حداقل تمامی اعتبارات حایز اهمیت را پوشش دهد. به علاوه، اعتبارات کوچکتر که نشان‌دهنده ویژگی‌های ریسکی بیش از حد معمول است مانند اعتبارات طبقه‌بندی شده یا حساب‌های تجدید ساختار شده باید به طور منظم بررسی شود. بخشی از پرتفوی که برای بررسی انتخاب می‌شود باید اطمینان معقولی را در خصوص این که همه ریسک‌های عمده اعتباری شناسایی شده است، ایجاد کند.

تناوب بررسی‌ها

۴-۱۲-۸) واحد بررسی اعتباری (حسابرسی) باید بازخوردی از اثربخشی فرآیند اعتباری در شناسایی مشکلات در حال بروز فراهم کند. بررسی‌ها باید بطور سالیانه روی اعتبارات مهم یا با تناوب بیشتر در مورد اعتباراتی که درباره فرآیند ارزیابی آن‌ها مشکلاتی شناسایی شده است انجام پذیرد. سیستمی از بررسی دوره‌ای به طور مشخص برای فرآیند ذخیره‌گیری عام و خاص در مقابل زیان وام یا تأمین مالی حایز اهمیت می‌باشد.

عمق بررسی‌ها

۵-۱۲-۸) بررسی‌های اعتباری (حسابرسی) باید تعدادی از عوامل ارزیابی اعتباری مهم را که شامل موارد زیر است مورد ارزیابی قرار دهد:

(الف) کیفیت ارزیابی‌ها؛

(ب) صحت و مناسب بودن رتبه‌های اعتباری تخصیص داده شده توسط کارشناسان اعتباری؛

(ت) تأییدیه مناسب اعتباری؛

(ث) سطح ریسک- انتقال ریسک، جهت آن؛ و

(ج) کفایت ارزیابی وثیقه.

یافته‌های بررسی و اقدامات بعدی

۶-۱۲-۸) یافته‌های بررسی اعتباری (حسابرسی) باید توسط کارشناسان اعتباری، مدیران بخش و مدیریت مورد بحث قرار گیرد. اقدامات اصلاحی (شامل چارچوب زمانی تخمین زده شده) باید برای تمام ناکارایی‌های (نقایص) ارائه شده و به کار گرفته شود.

۸-۱۲-۷) یافته های بررسی باید به هیأت مدیره یا کمیته نظارت بر مدیریت ریسک اعتباری ارایه شود. ناکارایی هایی که بدون راه حل باقی بمانند باید به مدیریت و هیأت مدیره یا کمیته گزارش شود.

۸-۱۳) تجزیه و تحلیل بحران

۸-۱۳-۱) وقایع غیرمنتظره میتواند بهترین پیشبینی ها را منحرف سازد. بنابراین، تجزیه و تحلیل عملکرد تحت بدترین سناریو، یک جنبه مهم در اندازه گیری ریسک میباشد.

۸-۱۳-۲) مدیریت ریسک صحیح دربردارنده توجه به مشکلاتی است که میتواند بطور بالقوه در اعتبارات فردی و پرتفوی های متفاوت وجود داشته باشد و استفاده از این اطلاعات در تجزیه و تحلیل کفایت سرمایه و ذخایر میباشد. مؤسسه مالی توسعه ای باید به طور دقیق آزمون چه... اگر را به منظور شناسایی حوزه های^۲ناشناخته منبع در معرض ریسک اعتباری بالقوه و ارتباطات بین طبقات مختلف ریسک که احتمالاً در زمان بحران به وقوع می پیوندد، انجام دهد.

۸-۱۳-۳) آزمون بحران باید شناسایی وقایع محتمل یا تغییرات آتی در شرایط اقتصادی که دارای تأثیرات نامطلوب بر منابع در معرض ریسک اعتباری مؤسسه مالی توسعه ای و ارزیابی توانایی مؤسسه مالی توسعه ای برای تاب آوری در برابر چنین تأثیراتی میباشد را شامل شود. سه موردی که مؤسسه مالی توسعه ای در آزمون بحران باید در نظر بگیرد عبارتند از:

الف) افول اقتصادی یا صنعتی؛

ب) وقایع ریسک بازار؛ و

ت) شرایط نقدینگی.

۸-۱۳-۴) آزمون بحران باید حداقل هر ۶ ماه یکبار یا در هر بازه زمانی که توسط بانک مرکزی مالزی تعیین میشود، توسط مؤسسه مالی توسعه ای انجام شود.

۸-۱۳-۵) نتایج آزمون های بحران باید در جلسات هیأت مدیره مؤسسه مالی توسعه ای ارایه و بررسی شده و اقدامات مناسب در مواردی که نتایج آزمون از حدود تحمل بالاتر باشد، اتخاذ شود. نتایج حاصله باید در فرآیند تعیین و به روزرسانی سیاستها و حدود وارد شود.

محدود کردن ریسک

۸-۱۴) گستره حدود

۱-۱۴-۸) یک سیستم صحیح حدود و رهنمودهای ریسکپذیری جزء ضروری از فرآیند مدیریت ریسک اعتباری می‌باشد. چنین سیستمی باید:

الف) حدودی را برای ریسکپذیری سازمانی تعیین کند؛

ب) سازگار با رویکرد کلی اندازه‌گیری ریسک مؤسسه باشد؛

ت) قابل کاربرد در تمام بخش‌های مؤسسه باشد، زیرا ریسک‌های اعتباری از سایر فعالیت‌های مؤسسه نیز ناشی می‌شود؛

ث) به مدیریت اجازه دهد که منابع در معرض ریسک را کنترل کرده و ریسکپذیری واقعی با توجه به میزان تحمل ریسکی که توسط هیأت مدیره یا کمیته ناظر بر مدیریت ریسک تعیین می‌شود را پایش کند؛ و

ج) اطمینان حاصل کند که منابع در معرض ریسک که از سطوح تعیین شده معینی فراتر رفته است مورد توجه فوری مدیریت قرار می‌گیرد.

۲-۱۴-۸) حدود تعیین شده باید سازگار با فرآیند مدیریت ریسک اعتباری و متناسب با وضعیت سرمایه‌ای مؤسسه مالی توسعه‌ای باشد. حدود اعتباری انفرادی

۳-۱۴-۸) مؤسسه مالی توسعه‌ای باید حدود کلی اعتباری، در سطح اعتبارات فردی و در سطح گروهی از مشتریان مرتبط که با یک روش مقایسه‌پذیر و منطقی جمع می‌شوند، انواع مختلف منابع در معرض ریسک در دفتر بانکی، تجاری و اقلام زیر خط ترازنامه را تعیین نماید.

۴-۱۴-۸) حدود مذکور می‌تواند بر مبنای رتبه‌بندی داخلی ریسک تخصیص یافته به مشتریان تعیین شود.

۵-۱۴-۸) مؤسسه مالی توسعه‌ای ملزم است حدود فرعی را نیز برای منبع در معرض ریسک ناشی از فعالیت‌ها و ابزارهای دفتر تجاری و زیرخط ترازنامه تعیین کند. این حدود باید الزام آور بوده و مشتری از آن عبور نکند.

تمرکز پرتفوی

۶-۱۴-۸) تمرکز ریسک‌ها می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد و هر زمان که تعداد قابل توجهی از اعتبارات دارای مشخصه‌های ریسک مشابه باشند، تمرکز ریسک ایجاد می‌شود. تمرکز زمانی اتفاق می‌افتد که پرتفوی یک مؤسسه مالی توسعه‌ای دربردارنده مقدار زیادی اعتبارات مستقیم و غیرمستقیم تخصیص یافته به موارد زیر باشد:

(الف) صنعت یا بخش خاص؛

(ب) یک منطقه جغرافیایی؛

(ت) یک نوع اعتبار یا گروهی از محصولات خاص؛

(ث) یک کشور خارجی یا گروهی از کشورها با ارتباط قوی اقتصادی؛

(ج) یک نوع اوراق بهادار؛ یا

(ح) اعتبارات با سررسید یکسان.

۷-۱۴-۸) به منظور حصول اطمینان از این که فعالیت‌های اعتباری مؤسسه مالی توسعه‌ای از تنوع کافی برخوردار است، حدودی باید برای اعطای اعتبار به بخش یا صنعت خاص، مناطق جغرافیایی و یا محصولات مشخص تعیین شود. با این وجود، مؤسسه مالی توسعه‌ای باید وارد قراردادهایی با مشتریانی که شناختی از آنها ندارد نشود یا اقدام به فعالیت‌هایی که تأثیر آن در متنوع‌سازی پرتفوی مشخص نیست، ننماید.

نقض حدود

۸-۱۴-۸) مؤسسه مالی توسعه‌ای باید مقدار منابع در معرض ریسک را در مقایسه با حدود تعیین شده پایش کنند و رویه‌هایی را برای پایش بیشتر و اتخاذ اقدامات مناسب، هنگامی که منابع در معرض ریسک به حدود مذکور نزدیک می‌شوند در دست داشته باشد.

۹-۱۴-۸) اگر حدود نقض شد، باید سریعاً به مدیریت اطلاع داده شود. مدیریت، کمیته یا هیأت مدیره باید از تناوب نقض حدود و همچنین اقدامات اصلاحی اتخاذ شده برای عدم تکرار چنین اتفاقی، مطلع شوند. موارد استثنا صرفاً باید توسط کارشناسان ذیصلاح تأیید شود. جدیت (میزان) استثنائات به محافظه‌کاری نگرش مدیریت نسبت به تنظیم حدود و همچنین به اندازه واقعی حدود فردی و سازمانی در ارتباط با ظرفیت مؤسسه مالی توسعه‌ای در ریسک‌پذیری بستگی دارد.

گزارش‌دهی

۱۵-۸) یک سیستم اطلاعات مدیریت صحیح و به موقع برای عملیات احتیاطی مدیریت ریسک اعتباری لازم و ضروری است. بنابراین، کیفیت سیستم اطلاعات مدیریت عاملی برای اثربخشی کلی فرآیند مدیریت ریسک می‌باشد.

۱۶-۸) واحد مدیریت ریسک اعتباری باید اندازه‌گیری ریسک را پایش و آن را به سطح مناسب مدیریت، کمیته‌ای که بر مدیریت ریسک اعتباری نظارت دارد و هیأت مدیره گزارش کند.

۱۷-۸) سیستم گزارشگری باید قادر به تهیه اطلاعات کافی در خصوص موارد زیر باشد:

الف) ترکیب پرتفوی؛

ب) تمرکزهای ریسک اعتباری؛

ت) کیفیت پرتفوهای مختلف؛ و

ث) حسابهای تحت نظر و تجدید شده.

موارد فوق باید در خصوص مؤسسه و همچنین به صورت تلفیقی در مورد محصولات مختلف (شامل فعالیت‌های زیرخط ترازنامه)، که به مدیریت اجازه می‌دهد که سطح ریسک اعتباری فراروی مؤسسه مالی توسعه‌ای را سریعاً و به شکل صحیحی ارزیابی کرده و میزان رعایت استانداردهای اعتباری را تعیین کند، باشد.

۱۸-۸) سیستم گزارشگری باید این اطمینان را ایجاد کند که منابع در معرض ریسک که در حال نزدیک شدن به حدود تعیین شده می‌باشند، به اطلاع مدیریت می‌رسد. تمام منابع در معرض ریسک باید در سیستم اندازه‌گیری حدود ریسک مورد استفاده قرار گیرد.

۱۹-۸) کفایت گستره اطلاعات باید به صورت دوره‌ای توسط مدیریت و هیأت مدیره یا کمیته ناظر بر مدیریت ریسک اعتباری مورد بررسی قرار گیرد.

۲۰-۸) گزارش‌ها باید توسط افرادی که مستقل از واحدهای کسب و کار هستند تهیه شود.

مدیریت اعتبارات مشکلدار

۲۱-۸) کاهش در کیفیت اعتباری باید به صورت زود هنگام شناسایی شود زیرا در این صورت، احتمالاً گزینه‌های بیشتری برای ارتقای اعتبارات مذکور وجود دارد.

۲۲-۸) برنامه‌های اجرایی مؤثر برای مدیریت ریسک در پرتفوی ضروری است. مؤسسه مالی توسعه‌ای باید به طور شفاف نحوه مدیریت اعتبارات مشکلدار را تعیین کند.

۲۳-۸) زمانی که مؤسسه مالی توسعه‌ای دارای مشکلات مرتبط با اعتبارات خود است، واحد پیگیری باید از حوزه‌هایی که در آنها اعتبارات داده شده و همچنین افراد دخیل در سازماندهی اعتبارات، جدا باشد.

۲۴-۸) مؤسسه مالی توسعه‌ای باید به این اطمینان برسد که منابع بیشتر، تخصص و تمرکز واحد پیگیری به طور نرمال باعث بهبود وصول مطالبات می‌شود. این امر به این علت است که واحد پیگیری می‌تواند

با ایجاد استراتژی مؤثر به منظور بازسازی اعتبارات مشکلدار یا افزایش میزان وصولی ها کمک کند. یک تیم پیگیری با تجربه باید به منظور تأمین اطلاعات مهم برای تجدید ساختار اعتباری ایجاد شده توسط واحد تجاری، مورد استفاده قرار گیرد.

۲۵-۸) در خصوص موارد حایز اهمیت باید به محض اعطای اعتباری بررسی انجام شود. این بررسی باید مؤسسه مالی توسعه ای را قادر سازد درک بهتری نسبت به چگونگی ایجاد اعتبارات مشکلدار و زیان ها داشته باشد و ضعف های موجود در فرآیند پایش و اعطای وام در مؤسسه مالی توسعه ای را شناسایی نماید. بررسی مذکور باید:

الف) مشخصه های اعتبارات را با دستورالعمل اعتباردهی مقایسه کند؛

ب) شرایط قرض گیرنده را در زمان تصویب مورد ارزیابی مجدد قرار دهد؛

ت) مناسب بودن زمان شناسایی مشکل را ارزیابی کند؛

ث) صحت ارزش گذاری وثیقه را مورد ارزیابی قرار دهد؛

ج) کفایت مستندسازی را ارزیابی کند؛ و

ح) اثربخشی شرایط اعتباری ایجاد شده را ارزیابی کند.

۲۶-۸) نتایج بررسی باید به هیأت مدیره و یا کمیته ناظر بر مدیریت ریسک اعتباری گزارش شود.

۹- فصل ۴: حسابرسان داخلی

۹-۱) واحد حسابرسی داخلی باید بطور مستمر بر سیستم های داخلی و بررسی های دوره ای فرآیند مدیریت ریسک اعتباری تمرکز داشته باشد. این واحد همچنین باید میزان تطبیق با سیاست های تصویب شده و قوانین و مقررات اجرایی را بررسی کند. این موضوع باید در کنار رهنمود حداقل استانداردهای حسابرسی برای حسابرسان داخلی مؤسسات مالی توسعه ای که در ۴۸ دسامبر ۲۰۱۶ منتشر شده است، در نظر گرفته شود.

نقش حسابرسان داخلی

۹-۲) حسابرسان داخلی باید استقلال و اثربخشی سیستم های مدیریت ریسک اعتباری را مورد ارزیابی قرار دهند.

۹-۳) ارزیابی حسابرس داخلی در خصوص کیفیت کنترل های داخلی شامل شناخت، مستندسازی، ارزیابی و آزمون سیستم کنترل داخلی و همچنین

پیگیری اقدامات اصلاحی و بررسی اقدام مدیریتی در راستای ضعفهای مهم می باشد.

گستره حسابرسان داخلی

۹-۴) مؤسسه مالی توسعه ای باید دارای کنترل های داخلی و سیستم اطلاعات متناسب با اندازه، ماهیت و گستره ریسک فعالیت های مؤسسه مالی توسعه ای، باشد. حسابرسی داخلی ملزم به ارزیابی موارد زیر است:

الف) وجود کنترل های داخلی کافی برای هر مرحله از فرآیند اعتباری؛

ب) سیستم های کنترل داخلی باید برای سطح ریسک ناشی از ماهیت و گستره عملیات اعتباری مؤسسه مناسب و مؤثر باشد؛

ت) قابلیت اتکا و مناسب بودن اطلاعات گزارش شده به مدیریت، کمیته و هیأت مدیره مؤسسه مالی توسعه ای؛

ث) تفکیک کارکرد های ناسازگار اعتباری به منظور ارتقاء بازبینی ها و تعادل ها. ساختار سازمانی منعکس کننده رویه های گزارشگری واقعی است و این که خطوط شفاف از اختیار و مسئولیت برای پایش لازم سیاست ها، رویه ها و حدود اعتباری مصوب وجود دارد را نیز منعکس می کند؛

ج) تطبیق با حدود ریسک؛

ح) کفایت سیاست ها و رویه های مکتوب؛

خ) رویه های کافی موجود برای تطبیق با سیاست ها، قوانین و مقررات کاربردی و سیاست های همراه؛

د) بررسی فرآیند قانونی مستندسازی به منظور حصول اطمینان از اینکه تمامی رویه های قانونی دنبال می شود؛ و

ذ) نقاط ضعف در تصویب اعتباری و سیستم های پایش باید مورد توجه مناسب و به موقع قرار گیرد و اقدام مدیریت به منظور بررسی این نقاط ضعف بطور واقعی راستی آزمایی و بررسی شود.

استقلال حسابرسان داخلی

۵-۹) حسابرسان داخلی باید دسترسی مستقیم به مدیرعامل، هیأت مدیره و کمیته حسابرسی داشته باشند. یافته ها و توصیه های حسابرسان نباید از طریق مدیریت خطی کم اثر شود.

۶-۹) به منظور حفظ اثربخشی مدیریت ریسک اعتباری، انتخاب، نگهداری، ارزیابی و جبران خدمات رؤسای واحدی که حسابرسی و

بازرسی انجام می‌دهد، باید توسط هیأت مدیره و نه توسط مدیریت
هدایت شود.

دستورالعمل ریسک اعتباری مالی

(ژانویه ۲۰۱۸)

بانک نگارای (مرکزی) مالی

گروه مترجمین:

محمد خدایاری

میلاد صارم صفاری

🚩 دستورالعمل ریسک اعتباری مالزی

بخش اول- کلیات

۱- مقدمه

۱-۱) ریسک اعتباری (شامل ریسک اعتباری طرف مقابل) ریسک طرف مقابل است که او را در ایفا تعهد خود ناکام می‌کند. در طول سال‌های متمادی، ماهیت، اندازه و پیچیدگی ریسک اعتباری که مؤسسات مالی با آن مواجه هستند منجر به تغییرات چشمگیری در چشم انداز مالی مالزی گشته است. بنابراین مدیریت ریسک اعتباری قدرتمند می‌تواند به عنوان جز جدایی ناپذیر از قابلیت بقا مؤسسه مالی در طولانی مدت در نظر گرفته شود. در سطح گسترده‌تر، مدیریت ریسک اعتباری برای توسعه پایدار بخش واقعی اقتصاد از طریق حمایت از واسطه‌گری مالی و مشارکت و تقویت در محاسبه و ایجاد ریسک اعتباری در نظام مالی بسیار با اهمیت است.

۲-۱) در حالی که هیأت مدیره و مدیرعامل نقشی کلیدی در نظارت بر ریسک اعتباری ایفا می‌کنند، مسئولیت مدیریت ریسک اعتباری در سراسر مؤسسه گسترده است. به طور خاص خطوط تجاری به طور کلی مسئول مدیریت ریسک اعتباری در فعالیت‌های روزمره شامل هنگامی که مسئولین اعتباری اقدام به ارزیابی پتانسیل فرصت‌های اعتباری بالقوه مشتریان می‌نمایند نیز می‌باشد. در عین حال واحد مدیریت ریسک اعتباری چشم اندازی مستقل و در صورت امکان متعادل از مشکلات ناشی از مدیریت ریسک اعتباری شامل تصمیمات اعتباری و کیفیت کلی اعتبار ارایه می‌دهد. این ترتیبات توسط یک واحد حسابرسی داخلی که از کیفیت و میزان تأثیرگذاری کنترل داخلی مؤسسه و سیستم و فرآیند نظارت ریسک اعتباری اطمینان می‌دهد، انجام می‌پذیرد.

۳-۱) رویکردی جامع برای مدیریت ریسک اعتباری هنگامی با اهمیت است که متکی بر فعالیت‌های زیر و بالایی خط ترانزنامه، در اختیار گرفتن منابع ریسک اعتباری جدا از موارد مرتبط با تأمین مالی، مانند خرید اوراق بدهی و ورود به معاملات اوراق بهادار و قراردادهای مشتقات باشد. این امر مستلزم درک صحیحی از ارتباط بین ریسک اعتباری و سایر ریسک‌ها می‌باشد. برای مثال ریسک‌های اعتباری منتج از تسهیلات خارجی با ریسک کشور و ریسک انتقال مرتبط است به این ترتیب نیازمند درک صحیح و پایش متناوب عوامل

اختصاصی هر کشور می‌باشد. روندهای نا سازگار در بازارهای مالی شامل تغییرات نرخ بهره همچنین می‌تواند اعتبار منتشرکننده اوراق بدهی را کاهش دهد. به علاوه ملاحظات مرتبط تحت استانداردهای حسابداری به عنوان مثال ملاحظات طبقه‌بندی، اندازه‌گیری و کاهش ارزش باید مورد توجه قرار گرفته و با شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری مؤسسه مالی به خوبی ادغام گردد.

۴-۱) این سند به دنبال این است تا اطمینان حاصل کند که شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری مؤسسه مالی در حالی که میزان و تنوع محصولات پیشنهادی توسط مؤسسه مالی بیشتر، و نظام مالی بین‌المللی‌تر شده و همچنین نقش بازارهای سرمایه داخلی افزایش یافته کماکان مؤثر است. این انتظارات و الزامات اداره کردن ریسک که تعیین‌کننده اصول کلی مدیریت ریسک مناسب است را تکمیل می‌نماید.

۵-۱) مؤسسات مالی لازم است حداقل استانداردهای تعیین شده در این سند را رعایت نمایند. انتظار می‌رود مؤسسات مالی به بانک مرکزی نشان دهند که تدابیر مدیریت ریسک آنها به طور مؤثر عمل نموده و این تدابیر با اندازه، ماهیت، پیچیدگی و مشخصات ریسکی هر مؤسسه سازگار است.

۲- اجرا

۲-۱) این سند همان گونه که در بند ۵-۲ بیان شده است برای مؤسسات مالی زیر لازم الاجرا است:

الف) در سطح واحد تجاری برای تمام مؤسسات مالی به جز شرکتهای هلدینگ مالی؛

ب) در سطح تلفیقی، با توجه به بندهای ۸، ۱۳، ۱۴ و ۱۶ برای تمامی مؤسسات مالی.

۳- مبانی قانونی

۳-۱) این سند بر اساس موارد زیر منتشر شده است:

الف) بخش (۱) ۴۷ و ۲۶۶ قانون خدمات مالی ۲۰۱۳

ب) بخش (۱) ۵۷ و ۲۷۷ قانون خدمات مالی اسلامی ۲۰۱۳

^۲Financial Services Act ۲۰۱۳ (FSA)

^۳Islamic Financial Services Act ۲۰۱۳ (IFSA)

۴- تاریخ اجرا

۴-۱) این سند به شرح جدول زیر عملیاتی می‌شود:

تاریخ اجرا	سطح	نوع مؤسسه مالی
۳۱ شهریور ۱۳۹۸	واحد تجاری	- بانکهای مجاز - بانکهای سرمایه مجاز - بانکهای اسلامی مجاز - بانکهای اسلامی بدون المللی مجاز
۳۱ شهریور ۱۳۹۹	تلفیقی	
۳۱ شهریور ۱۳۹۹	تلفیقی	شرکتهای وادینگ مالی و واد مالی فعال در بخش بانکی
۱ ژانویه ۲۰۲۱	واحد تجاری و تلفیقی	- بیمه های مجاز - ارایه دهندگ خدمات تکافل (بیمه اسلامی) مجاز
۱ ژانویه ۲۰۲۱	تلفیقی	شرکتهای وادینگ مالی و واد مالی فعال در بخش بیمه/تکافل (بیمه اسلامی)

۴-۲) بانک مرکزی متعهد است تا از این که خطمشی‌ها مرتبط بوده و به اهداف و نتایج منتهی شوند، اطمینان حاصل کند. بنابراین بانک مرکزی اقدام به بررسی این سند ظرف مدت ۵ سال از تاریخ انتشار یا آخرین بررسی آن نموده و در موارد ضروری این سند را اصلاح و یا جایگزین خواهد کرد.

۵- توضیحات

۵-۱) اصطلاحات و واژگان مورد استفاده در این سند با مفاهیم قانون خدمات مالی و قانون خدمات مالی اسلامی دارای معانی یکسانی می‌باشند به جز در مواردی که در این سند ذکر شده است.

۵-۲) در این سند -

حرف S معرف استاندارد، تعهد، الزام، مشخصات، سمت و سو، شرایط و هر گونه شرایط تکمیلی و انتقالی است که باید پیروی شود. عدم تطبیق رفتار مؤسسه مالی با این بخش از سند ممکن است به اعمال تنبیه و فشار بر مؤسسه منجر شود.

حرف G به توصیه دلالت دارد که ممکن است شامل اظهارات یا اطلاعاتی باشد که جهت ارتقا درک، نظرات و توصیه‌های مشترک باشد. "مؤسسات بانکی" شامل بانکهای مجاز، بانکهای سرمایه‌گذاری مجاز و بانکهای اسلامی مجاز می‌باشد.

"هیأت"، هیأت مدیره یک مؤسسه مالی است که شامل یک کمیته از اعضای هیأت مدیره است که مسئولیت تعیین شده برای هیأت مدیره در این سند به این کمیته تفویض گردیده است.

"واحد کنترل" به واحدی اشاره دارد که دارای مسئولیت مستقل از خطوط تجاری برای ارزیابی های عینی، گزارش دهی و اطمینان از کارایی خطمشی، و عملیات مؤسسات مالی و تطابق با الزامات قانونی و نظارتی است و شامل واحد مدیریت ریسک، واحد تطبیق و واحد حسابرسی داخلی است.

"طرف مقابل" بر هر شخصی دلالت دارد که مؤسسه مالی به موجب آن منابع در معرض ریسک اعتباری قرار دارد.

"ریسک کشوری" ریسک زیان منابع در معرض ریسک است که به موجب اتفاقاتی که در کشور خارجی به وقوع می پیوندد، اتفاق می افتد.

"مقام تصویب اعتبار" به کمیته اعتبار یا هر مسئول اعتباری گفته می شود که دارای اختیار تصویب اعتبارات در مؤسسه مالی است.

"کمیته اعتباری" به گروهی از افراد که اختیار تصویب اعتبار در مؤسسه مالی از طریق هیأت مدیره به آنها تفویض شده گفته می شود و این افراد می توانند شامل مسئولین اعتباری یا مدیران باشند.

"منابع در معرض ریسک" شامل تمام مطالبات مستقیم یا غیر مستقیم، تعهدات و بدهی های ناشی از تراکنش های (معاملات) اقلام زیر یا بالای خط ترازنامه به رینگیت یا ارز خارجی از قبیل موارد زیر است:

(الف) مانده وام ها، تأمین مالی، پیش پرداخت ها و حساب های دریافتنی؛
(ب) سپرده های جاری و سرمایه گذاری و مانده های جبرانی نگهداری شده نزد طرف های مقابل؛

(ت) اوراق بدهی خریداری شده؛

(ث) منابع در معرض ریسک ناشی از تراکنش های اوراق تأمین مالی و مشتقه؛

(ج) منابع در معرض ریسک ناشی از اقلام زیر خط ترازنامه.

"ارزیابی ریسک اعتباری" بر ارزیابی ریسک اعتباری طرف مقابل با توجه به معیارهای پذیرش و تصویب اعتبارات یک مؤسسه مالی به منظور اطمینان از توانایی و تمایل طرف مقابل برای ایفای تعهدات اعتباری خود در زمان اعطای اعتبار و یا در طی دوره ایفای تعهد دلالت دارد.

"اعتبارات خاص (استثنایی)" بر هر شرایط تأمین مالی که به موجب آن از خطمشی تصویب اعتباری مؤسسه مالی عدول گردد، اشاره دارد.

"منابع در معرض ریسک نکول" اشاره به میران ناخالص منابع در معرض ریسک نکول توسط طرف مقابل دارد و شامل موارد زیر است:
(الف) بخشهای برداشت نشده تسهیلات زیر خط ترازنامه؛

(ب) در رابطه با معاملات مشتقات، بهای جایگزینی و منابع بالقوه در معرض ریسک در آینده.

"مؤسسه مالی" اشاره به موارد زیر دارد:
(الف) اشخاص مجاز به موجب قانون خدمات مالی اسلامی و قانون خدمات مالی؛

(ب) حسب مورد شرکتهای هلدینگ مالی تأیید شده به موجب قانون خدمات مالی اسلامی و قانون خدمات مالی.

"زیان در صورت نکول" اشاره به درصدی از مطالبات طرف مقابل دارد که احتمالاً در مقابل نکول بدون پوشش است.
"احتمال نکول" اشاره به احتمال نکول طرف مقابل در رابطه با ایفای تعهدات قراردادی با مؤسسه مالی در محدوده مشخص زمانی دارد.
"اشتهای ریسک" به مجموع و انواع ریسکی که یک مؤسسه مالی به منظور دستیابی به اهداف و استراتژیهای تجاری و با توجه به ظرفیت خود مایل است بپذیرد، گفته میشود.

"واحد مدیریت ریسک" به واحد کنترل اشاره دارد که مستقل از واحدهای تولید درآمد، به عنوان مثال، خطوط تجاری می باشد و مسئولیت ارایه چشم انداز ریسک و شناسایی، اندازه گیری، پایش، کنترل و گزارش ریسک تمامی منابع در معرض ریسک یک مؤسسه مالی را دارد.

"مدیریت عامل" اشاره به مدیر اجرایی و مسئولین ارشد دارد.
"تراکنشهای تأمین مالی از طریق اوراق بهادار" شامل موارد زیر است:

(الف) توافقنامه مبادله بازخرید (ریپو)؛

(ب) توافقنامه مبادله بازخرید معکوس (ریپو معکوس)؛

(ت) قرض دادن یا قرض گرفتن کالا یا اوراق بهادار؛

(ث) تسهیلات خرید سهام سود؛

(ج) ترتیبات مرابحه با پشتوانه وثیقه؛

(ح) تراکنش قرارداد فروش یا خرید مجدد.

"منابع اعتباری در معرض ریسک قابل توجه" اشاره به منابع اعتباری در معرض ریسک یا یک پرتفوی همسان از منابع در معرض ریسک اعتباری دارد که

^۲Securities financing transaction

دارای تأثیر با اهمیت بر مشخصه ریسک اعتباری مؤسسه مالی شامل موارد زیر است:

(الف) منابع در معرض ریسک اعتباری یا پرتفوی منابع در معرض ریسک اعتباری که در حال حاضر یا انتظار رود که نسبت به پرتفوی اعتباری مؤسسه مالی بزرگ باشد.

(ب) نکول ناشی از وخامت ریسک اعتباری یا اخبار ناگوار در مورد طرف مقابل ممکن است دارای اثر قابل توجه مالی و اعتباری برای مؤسسه مالی باشد.

"ریسک انتقال" ریسک عدم توانایی طرف مقابل در پرداخت اصل و فرع بدهی به ارز خارجی به دلیلی عدم توانایی تبدیل پول محلی به ارز خارجی است.

۶- اسناد قانونی و سیاستی مرتبط

(۶-۱) این سند باید با سایر اسناد قانونی و سیاستی که توسط بانک نگار منتشر شده است مطالعه شود. برخی از این اسناد قانونی شامل موارد زیر است:

(الف) دستورالعمل‌های مدیریت داده‌ها و چارچوب سیستم‌های اطلاعات مدیریت؛

(ب) اداره کردن ریسک؛

(ت) حدود (میزان) اعطای منابع در معرض ریسک به هر طرف مقابل ؛
(ث) حدود (میزان) اعطای منابع در معرض ریسک هر کدام از طرف‌های مقابل برای مؤسسات بانکی اسلامی.

۷- اسناد منسوخ شده

به موجب این سند دستورالعمل و اسناد زیر منسوخ شده است:

(الف) بهترین شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری منتشر شده در ۵ سپتامبر ۲۰۰۱؛

(ب) بهترین شیوه‌های مدیریت ریسک اعتباری-الزامات تفویض اختیار به پرسنل اعتباری منتشر شده در ۳۰ اگوست ۲۰۰۶؛

(ت) بند (۹) طبقه‌بندی و کاهش ارزش ذخایر تسهیلات و تأمین مالی منتشر شده در ۶ آوریل ۲۰۱۵؛

(ث) بند (۸) استاندارد‌های احتیاطی برای تراکنش‌های اوراق بهادار سازی منتشر شده در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۹؛

^۲Single Counterparty

ج) تأمین مالی واسطه‌ای برای توسعه دارایی منتشر شده در ۱۶ مارچ ۲۰۱۱.

بخش دوم - الزامات خط مشی

۸- الزامات کلی

استاندارد ۸-۱) هیأت مدیره مسئولیت کلی به منظور ارتقای محیط مناسب مدیریت ریسک اعتباری برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری احتیاطی اعتباری دارد. در انجام این نقش هیأت مدیره باید به طور سالانه اقدام به تصویب استراتژی ریسک اعتباری مؤسسه مالی که بیانگر جهت‌گیری کلی فعالیت‌های اعتباری مؤسسه است نماید. استراتژی ریسک اعتباری مؤثر در نهایت باید اقدام به حمایت از بقا بلند مدت مؤسسه مالی از طریق ایجاد یک توازن بهینه بین کیفیت اعتباری، سودآوری و اهداف رشد آن نماید.

استاندارد ۸-۲) در بررسی و تأیید استراتژی ریسک اعتباری، هیأت مدیره باید اقدام به سنجش تعاملات بین استراتژی ریسک اعتباری و ویژگی‌های خاص مؤسسه مانند میزان اشتباهی مؤسسه به ریسک، سطح سرمایه موجود، ذخیره‌گیری لازم در شرایط معمول و یا تحت سناریوهای بحرانی، کفایت منابع داخلی و محیط عملیاتی گسترده‌تر نماید. برای این منظور مؤسسه مالی باید به یک ترکیب مناسب از عملکرد کنترل و خطوط تجاری دست یابد.

استاندارد ۸-۳) مدیریت عامل باید به طور کلی مسئول مدیریت ریسک اعتباری مؤثر و همسانی آن با استراتژی ریسک اعتباری تصویب شده مؤسسه مالی باشد. بنابراین مدیریت عامل باید تضمین نماید که استراتژی ریسک اعتباری همراه با خط‌مشی ریسک اعتباری مورد تأیید هیأت مدیره، به طور مؤثر اجرا می‌شود. خط‌مشی ریسک اعتباری برای یک مؤسسه حداقل، باید موارد ذکر شده در بندهای ۸ تا ۱۷ را پوشش دهد در حالی که خط‌مشی ریسک اعتباری یکپارچه باید شامل موارد ذکر شده در بندهای ۸، ۱۳، ۱۴ و ۱۶ شود. خط‌مشی ریسک اعتباری باید به صورت دوره‌ای مورد بازبینی قرار گرفته و به منظور انعکاس تغییرات در استراتژی‌های ریسک اعتباری یا گسترده شدن محیط فعالیت مؤسسه مالی به‌هنگام شود و هر بازبینی و بروز رسانی باید توسط هیأت مدیره تصویب گردد. به علاوه اگر خط‌مشی ریسک اعتباری رعایت‌نشود باید اقدامات اصلاحی و انضباطی مناسب اتخاذ شود که این اقدامات با گزارشات شفاف در رابطه با مشکلات مدیریت ریسک اعتباری و تخلفات در چارچوب زمانی مناسب به هیأت مدیره پشتیبانی می‌شود.

استاندارد ۸-۴) همچنین مؤسسه مالی باید سیستم های داخلی و زیرساخت های قوی داشته باشد که با استفاده از آن در کنار موارد دیگر توانایی تولید مجموع اطلاعات منابع در معرض ریسک اعتباری خود را دارا باشد و بتواند به موقع پشتیبانی لازم را برای شناسایی و تنشزدایی مسایل ناشی از مدیریت ریسک اعتباری انجام دهد.

استاندارد ۸-۵) مؤسسه مالی باید از مستندسازی مناسب و همراه با سوابق و منابع دقیق فرآیند مدیریت ریسک اعتباری خود شامل ارزیابی مدیریت ریسک اعتباری و فرآیند تصویب، توسعه و تأیید روش های مدیریت ریسک اعتباری و نتایج بررسی مستقل اعتباری که به بند ۱۷ باز می گردد، اطمینان حاصل نماید.

استاندارد ۸-۶) مؤسسه مالی باید خط مشی داخلی که ایجاد کننده برنامه آموزشی مناسب و توسعه مستمر حرفه ای مورد نیاز برای مسئولین بخش مدیریت ریسک اعتباری که شامل مسئولین بخش های کسبوکار و واحد کنترلی است، تبیین کند. این خط مشی داخلی باید توسط مؤسسه مالی به منظور تضمین این که مسئولین دارای صلاحیت و تجربه لازم برای ایفای نقش خود به طور مؤثر می باشند، اجرا شود. توصیه ۸-۷) به عنوان یکی از ابزارهای توسعه و ایجاد مهارت و تخصص های کافی در مدیریت ریسک اعتباری، مؤسسه مالی باید اقدام به تشویق و یا الزام مسئولین ذیربط در امور اعتباری به دارا بودن مدارک معتبر در حوزه مدیریت ریسک اعتباری نماید.

۹- ارزیابی ریسک اعتباری

توصیه ۹-۱) رویکرد جامع در مدیریت ریسک اعتباری درک عمیقی برای مؤسسه مالی از ویژگی های کلیدی منابع اعتباری در معرض ریسک ایجاد می کند و منجر به تسهیل در تصمیم گیری اعتباری مناسب می گردد.

استاندارد ۹-۲) یک مؤسسه مالی باید اقدام به تعیین معیارهای مناسب پذیرش اعتباری به منظور تسهیل در ارزیابی اعتبارات آتی نماید. معیارهای پذیرش اعتباری باید ویژگی های مشترک اعتباری برای گروه های مختلفی از طرف های تجاری یا تسهیلات، مرزهای استراتژی ریسک اعتباری و خط مشی ریسک اعتباری را مورد توجه قرار دهد. این معیارها باید به صورت شفاف، آستانه و ویژگی های احراز شرایط برای پذیرش طرف های تجاری را تعریف نموده و شرایط و ضوابط کلیدی را رعایت نماید. این شرایط و ضوابط شامل انواع تسهیلات،

اندازه تسهیلات، برنامه بازپرداخت، نوع قرارداد بر اساس شریعت و سایر تعهدات منطبق با قرارداد می باشد.

استاندارد ۳-۹) مؤسسه مالی باید در هنگام ارزیابی اعتبار برای اعطای تسهیلات در درجه اول بر توانایی و تمایل طرف مقابل به پذیرش تعهدات اعتباری خود در شرایط معمول و بحرانی تمرکز نماید. این ارزیابی باید بر اساس طیف وسیعی از عوامل مرتبط شامل شرایط و ضوابط کلیدی بند ۹-۲ باشد. در انجام این ارزیابی مؤسسه مالی باید تضمین نماید که شواهد کافی در راستای هدف اعتبار و ظرفیت بازپرداخت طرف مقابل کسب و تأیید شده است.

استاندارد ۴-۹) در رابطه با اعتبارات سندیکایی، مؤسسه مالی باید ارزیابی خود از ریسک اعتباری و بررسی شرایط سندیکا قبل از تعهد به سندیکا را انجام دهد.

استاندارد ۵-۹) در رابطه با سپرده گذاری، مؤسسه مالی باید اقدام به ارزیابی توانایی طرف مقابل برای دستیابی به سود نموده و اجازه برداشت به موقع آن را دهد.

استاندارد ۶-۹) در رابطه با فعالیت های خزانه داری و بازار سرمایه، به عنوان مثال معاملات اوراق بدهی یا ابزارهای مشتقه، مؤسسه مالی باید توانایی طرف مقابل در پرداخت منطبق با قرارداد را با توجه به ساختار محصولات، رتبه بندی و گسترش اعتبارات ارزیابی نماید.

استاندارد ۷-۹) در رابطه با پروژه های ساخت و ساز املاک و مستغلات، مؤسسه مالی در ارزیابی بقای چنین پروژه هایی، باید به شرایط فعلی و آینده بازار املاک و مستغلات به خصوص در مجاورت پروژه ذکر شده توجه نماید. مؤسسه مالی باید حداقل عوامل زیر را تجزیه و تحلیل نماید:

الف) چشم انداز و محیط اقتصادی عمومی؛

ب) شاخص های جمعیت شناختی (رشد جمعیتی و یا اشتغال)؛

ت) خلاهای (ضعف های) جاری و آینده و تمرکز بیش از حد، شامل^۱ پروژه های در دست ساخت؛

ث) شرایط اجاره نامه، نرخ اجاره، قیمت فروش و روند ارزشیابی فعلی و آینده.

^۱ Deposit placements

^۲ Overhang situation

استاندارد ۸-۹) در مورد منابعی که به دلیل ریسک بیمه/تکافل بیمه‌گر در معرض ریسک اعتباری قرار می‌گیرند، مؤسسه مالی باید اقدام به ارزیابی قابلیت شرکت ارایه دهنده بیمه/تکافل در انجام تعهدات خود نماید. این ارزیابی شامل بررسی عوامل مربوط به وضعیت مالی کارگزار مانند ارزیابی میزان و ترکیب دارایی، میزان حق بیمه، سطح کفایت سرمایه، سطوح ذخیره فنی (اختصاصی) و سود آوری می‌گردد.

استاندارد ۹-۹) مؤسسه مالی باید به طور کلی ارزیابی ریسک اعتباری را با توجه به عوامل مختلف مرتبط انجام دهد. به طور خاص مؤسسه مالی نباید صرفاً به طور مکانیکی بر یک عامل برای ارزیابی ریسک اعتباری تکیه کند. برای مثال شهرت خوب یا رتبه خارجی (مستقل) قوی طرف مقابل یا ترتیبات کاهش ریسک اعتباری نباید مانعی برای مؤسسه مالی برای ارزیابی ظرفیت بازپرداخت طرف مقابل برای یک تراکنش (پرونده) خاص گردد.

استاندارد ۹-۱۰) هنگامی که رتبه‌بندی خارجی (مستقل) برای ارزیابی ریسک اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرد، مؤسسه مالی باید به طور شفاف به بانک مرکزی نشان دهد که درک مناسبی از روش ارزیابی اتخاذ شده توسط آژانس رتبه‌بندی داشته و اطمینان حاصل نماید که آژانس رتبه‌بندی اقدام به ارزیابی ریسک اعتباری طرف مقابل بر اساس الزامات تعیین شده در بند ۹ نموده است.

استاندارد ۹-۱۱) در صورت لزوم، مؤسسه مالی باید اقدام به ارزیابی ریسک کشوری و ریسک انتقال منابع در معرض ریسک اعتباری شامل ریسک حاکمیت، ریسک انتقال و ریسک تبدیل و ریسک اقتصاد داخلی نماید. در انجام این امر مؤسسه مالی باید اقدام به اداره کردن و هدایت ارزیابی کیفی و کمی عوامل کشوری شامل شرایط اقتصادی و مالی، پایداری شرایط سیاسی اجتماعی، محیط قانونی و نظارتی و خطمشی‌های موجود دولت کند.

استاندارد ۹-۱۲) هنگامی که یک اعتبار از طریق ترتیبات کاهش ریسک پشتیبانی شده است، مؤسسه مالی باید اقدام به ارزیابی عواملی که بر کاهش ریسک اعتباری مؤثر است مانند قابلیت اجرا و شرایط قانونی، و در صورت لزوم، ماهیت ادعا در مورد یک رویداد اعتباری نماید. به علاوه شرایط قرارداد اعتباری باید متناسب با تأثیر این ترتیبات باشد.

^۲Sovereign risk

استاندارد ۹-۱۳) در رابطه با بند ۹-۱۲، قبل از تخصیص هرگونه وجه مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که مستند سازی ترتیبات کاهش ریسک اعتباری کامل بوده و به طور قانونی قابلیت اجرا در تمام حوزه های قضایی (کشورهای) مرتبط را دارد. این امر به دلیل اطمینان از حفظ کارایی ترتیبات کاهش ریسک اعتباری است. به علاوه، مؤسسه مالی باید اطمینان کافی را از مشاوران حقوقی خود در مورد قابلیت اجرای مستندات حقوقی گرفته و حداقل بازبینی سالانه برای اطمینان از قابل اجرا بودن مستندات را تعهد نماید.

استاندارد ۹-۱۴) هنگامی که ترتیبات پشتیبانی غیر صریح در فرآیند تصمیم گیری اعتباری مؤثر است، این روشها نباید تنها عامل در ارزیابی ریسک یا تصمیم گیری اعتباری باشند. مؤسسه مالی باید به بانک مرکزی نشان دهد که ترتیبات مدیریت داخلی، خطمشی ها و کنترل های مناسب حداقل شامل موارد زیر وجود دارد:

الف) معیار های حداقلی برای حمایت کنندگان (به عنوان مثال رتبه بندی، دارایی کل و سایر تعهدات پشتیبانی کننده)؛

ب) خطمشی شفاف در تعدیل رتبه بندی طرف مقابل به منظور ارتقا و کاهش وضعیت (به عنوان مثال هنگامی که انتظار می رود طرف مقابل با شرکت دیگری مرتبط است)؛

ت) پایش دقیق اعتبارات؛

ث) نمایش شفاف از ارزیابی ریسک اعتباری به مقام تصویب کنند ه اعتبار (مانند نسبت های حداقلی در مقابل نسبت های تعدیل شده برای تصویب اعتبار).

استاندارد ۹-۱۵) در ارتباط با وثایق، مؤسسه مالی باید یک فرآیند و رویه داخلی برای حمایت قدرتمند و ارزش گذاری قابل اعتماد، نظارت کافی بر محل و شرایط وثیقه و قابلیت نقد شدن به موقع آن داشته باشد. به طور خاص مؤسسه مالی باید بازارپذیری (قابلیت فروش) و وثایق را ارزیابی نموده و هرگونه محدودیت احتمالی در کنترل دایم وثیقه را شناسایی نماید. به همین منظور مؤسسه مالی باید وثیقه ها را بطور دوره ای ارزیابی نماید و اطمینان حاصل کند که این ارزیابی، ارزش واقعی اعتبار است.

استاندارد ۹-۱۶) برای اهداف پاراگراف ۹-۱۵، هنگام ارزیابی وثایق، مؤسسه مالی باید اقدام به مقایسه برآورد و ارزش واقعی رویداد اعتباری نماید. هنگامی که ارزش وثیقه خاصی احتمالا بی ثبات است یا هنگامی که دچار کمبود اطلاعات یا تجربه در

ارزشگذاری وثیقه هستیم مؤسسه مالی باید در ارزشگذاری چنین وثیقه ای روش محتاطانه پیش گیرد.

استاندارد ۹-۱۷) هنگامی که احتمال می رود ترتیبات کاهش ریسک اعتباری دچار مشکل شود، مؤسسه مالی باید اقدام به حفاظت مناسب و به موقعی برای رسیدگی به چنین ریسکی به وسیله فروش محافظه کارانه در هنگام ملاحظه این ضعف نماید. برای مثال می توان از تعدیل بیشتر در ارزش وثایق استفاده کرده و یا در مورد تضامین، رتبه ضامنین می تواند کاهش یابد.

استاندارد ۹-۱۸) هنگامی که ارزشگذاری از طریق ارزشگذار خارجی (مستقل) بدست می آید، مؤسسه مالی باید به بانک مرکزی اثبات کند که درک درستی از روش شناسی و فروش مورد استفاده ارزیاب دارد و تضمین نماید که ارزیابی انجام گرفته با سایر الزامات وثیقه، تعیین شده در بند ۹ مطابقت دارد.

استاندارد ۹-۱۹) مؤسسه مالی باید رابطه بین ارزش وثیقه یا توان ضامن یا حمایت کننده را در مقابل اعتبار اعطایی به طرف مقابل در نظر بگیرد. برای مثال هنگامی که همبستگی زیادی بین ارزش وثیقه و اعتبار طرف مقابل وجود داشته باشد، برای در نظر گرفتن این وثایق به عنوان ترتیبات کاهش دهنده ریسک، مؤسسه مالی ممکن است فروش احتیاطی (سختگیرانه) بیشتری اعمال نماید.

استاندارد ۹-۲۰) مؤسسه مالی باید اقدام به ارزیابی ریسک اعتباری ضامنین یا حمایت کنندگان نمایند چرا که به طور مستقیم در معرض ضامنین یا حمایت کنندگان قرار گرفته است تا از توانایی آنها در پذیرش تعهدات خود در یک واقعه اعتباری و ادامه یافتن مؤثر ترتیبات کاهش ریسک اعتباری اطلاع یابد.

۱۰- تصویب اعتبار

توصیه ۱۰-۱) ساختار تعریف شده اختیار تصویب اعتبار با توجه به تفکیک شفاف وظایف و تفکیک در نظارت بر ریسک اعتباری و تصمیم گیری پی ریزی می شود.

استاندارد ۱۰-۲) یک مؤسسه مالی باید ساختار تصویب اعتبار هیأت مدیره را برای هر پرونده که تحت فرآیند ارزیابی ریسک اعتباری قرار می گیرد، تعیین کند. این ساختار باید شامل محدودیتهای اختیار در تصویب اعتبارات و شرایطی که تفویض اختیار مجاز دانسته شده است باشد. مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که ساختار اختیار احتمال تضاد منافع بین افراد مسئول در تصویب اعتبارات را کاهش می دهد.

استاندارد ۱۰-۳) هنگامی که هیأت مدیره درگیر در فرآیند تصویب اعتبار است ظرفیت هیأت مدیره در نقش اجرای نظارت ریسک اعتباری نباید در معرض خطر قرار گیرد و باید بدون نفوذ غیر ضروری از سوی هر طرف باشد. در این راستا ماهیت و میزان مداخله هیأت مدیره در فرآیند تصویب اعتبار شامل قدرت وتو (ابطال) در رد اعتبارات، نباید بدون توجه به منابع و زمان هیأت مدیره اتفاق بیافتد. بنابراین هیأت مدیره باید تنها یک اختیار تصویب اعتبار در شرایط محدود و استثنایی را که به شکل شفاف تعریف شده و ثبت گردیده است داشته باشد. این شرایط ممکن است شامل اعتبارات متناقض با اشتباهی ریسک مؤسسه مالی و یا مواردی که تحت الزامات نظارتی یا قانونی است باشد.

استاندارد ۱۰-۴) مشارکت مدیر ارشد ریسک^۲ کلید اصلی برای تقویت مدیریت کلی ریسک اعتباری است. مدیر ارشد ریسک باید چشم انداز مستقل ریسک را به عنوان قسمتی از فرآیند تصویب اعتباری ایجاد کنند.

استاندارد ۱۰-۵) در رابطه با مؤسسه مالی که در آن مدیر ریسک اختیار تصویب اعتبار را دارد و یا در فرآیند تصویب اعتبار دارای رأی است، باید مدیر ریسک به طور شفاف بتواند به منظور افزایش نگرانی ناشی از تصویب اعتبارات خاص توسط هیأت مدیره و مدیریت عامل، اقدام کند.

استاندارد ۱۰-۶) مؤسسه مالی باید ترتیباتی به منظور حفظ استقلال مدیر ارشد ریسک در سرتاسر فرآیند تصویب اعتبار فراهم آورد. این ترتیبات شامل اطمینان از این که مدیر ارشد ریسک در موقعیت مورد مناقشه قرار نداشته و مستندسازی مناسبی جهت پاسخگویی او موجود است و همچنین اطمینان از این که ساختارهای جبران خسارت مدیر ارشد ریسک منجر به فساد نمیگردد، میباشد.

استاندارد ۱۰-۷) هنگام تصویب اعتبار، مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که مقام تصویبکننده اعتبار متعهد به استفاده از یک ارزیابی متوازن با توجه به شرایط قرارداد، ارزیابی عملکرد مدیریت ریسک و تأثیر آن بر مشخصه کلی ریسک اعتباری در صورت تصویب اعتبار باشد. ملاحظات کلی که تمام تصمیمات اعتباری را دربرمیگیرد شامل هرگونه ذخیره ناشی از فرآیند تصویب اعتبار است که باید به صورت کاملاً شفاف ثبت شود.

^۲ Chief risk officer

۱۱- اعتبارات استثنایی

توصیه ۱۱-۱) امکان دارد شرایطی پیش آید که اعتبارات الزامات از پیش تعریف شده مدیریت ریسک اعتباری و ترتیبات مدیریت ریسک مؤسسه مالی را که شامل اشتباهی ریسک، استراتژی و خطمشی ریسک اعتباری است، اغنا نکند، هرچند ناشی از نیازها اعتباری مشروع (برحق) با مشخصه ریسک اعتباری مشخص باشد. دلیل این امر فاصله بین خطمشی ریسک اعتباری یا شیوه های مدیریت ریسک اعتباری موجود به علت چالش های عملی شناسایی شرایط سود آور که تحت آن اعتبارات ممکن است گسترش یابد، می باشد. با وجود این، الزامات اعتبارات استثنایی نیازمند بررسی دقیق مؤسسه مالی است.

استاندارد ۱۱-۲) مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که اعتبارات استثنایی در صورت اعطا بر اساس شیوه های مدیریت ریسک اعتباری بوده است. بنابراین، مؤسسه مالی باید سیستم ها و کنترل هایی برای مدیریت و پایش اعتبارات استثنایی شامل موارد را زیر داشته باشد:

(الف) تعیین اختیار برای تصویب اعتبارات استثنایی؛

(ب) تعیین شرایط به منظور تصویب اعتبارات استثنایی برای اطمینان از این که شرایط قراردادی این اعتبارات منطبق با ریسک های اعتباری مربوطه است؛

(ت) اطمینان از این که منابع در معرض ریسک از طریق تعیین محدودیت ها در خطمشی ریسک اعتباری کنترل شده اند؛

(ث) مستند سازی ارزیابی منجر به تصویب اعتبارات استثنایی شامل موارد منطقی و خاصی که پرونده اعتباری با خطمشی ریسک اعتباری مؤسسه مغایر است؛

(ج) پیاده سازی فرآیند پایش و گزارش دهی اعتبارات استثنایی به هیأت مدیره و مدیریت عامل شامل نرخ نکول، نرخ بازبایی و میزان تأثیر ترتیبات کاهش ریسک.

استاندارد ۱۱-۳) هنگامی که اعتبارات استثنایی اعطا می شود، مؤسسه مالی باید از این تجربیات به منظور تقویت شیوه های مدیریت ریسک اعتباری خود شامل اصلاح استراتژی های ریسک اعتباری یا در موارد خاص در خطمشی ریسک اعتباری استفاده نماید.

۱۲- اندازه گیری ریسک اعتباری

توصیه ۱۲-۱) یک رویکرد قوی برای اندازه گیری ریسک اعتباری، برای درک دقیق و کامل از مشخصه ریسک اعتباری پرتفوی در سطح مؤسسه

مالی با اهمیت است، بنابراین منجر به تقویت حلقه بازخورد اطلاعات برای برنامه ریزی و تصمیم گیری مؤثر می شود.

استاندارد ۱۲-۲) مؤسسه مالی باید یک رویکرد برای اندازه گیری ریسک های تمام منابع در معرض ریسک اعتباری با قابلیت جمع و تفکیک مناسب منابع در معرض ریسک اعتباری بر اساس خصوصیات ریسک اعتباری هر بخش را تعیین کند.

استاندارد ۱۲-۳) همچنین خروجی اندازه گیری ریسک اعتباری باید توسط مؤسسه مالی در توسعه استراتژی و خط مشی ریسک اعتباری به خصوص در تصویب اعتبارات، قیمت گذاری، تعیین محدودیت ها، شناسایی اعتبارات مشکل دار، ذخیره گیری و طرح ریزی جبران زیان در نظر گرفته شود.

روش شناسی

استاندارد ۱۲-۴) مؤسسه مالی باید از روش های مناسبی برای اندازه گیری ریسک اعتباری به منظور تخمین زیان اعتباری با توجه به ماهیت، اندازه و پیچیدگی منابع در معرض ریسک اعتباری استفاده نماید. حداقل مؤسسه مالی باید احتمال نکول، منابع در معرض ریسک نکول و زیان در صورت نکول برای منابع در معرض ریسک اعتباری خاص خود را برآورد نماید.

توصیه ۱۲-۵) سطح پیچیدگی روش های اندازه گیری ریسک اعتباری، شامل برآورد احتمال نکول، منابع در معرض ریسک نکول و زیان در صورت نکول ممکن است برای منابع در معرض ریسک اعتباری مختلف متفاوت باشد. بنابراین انتظار می رود که مؤسسه مالی اطلاعات تاریخی و عوامل خاص پرتفوی به عنوان مثال تعداد مشتریان و همگن بودن و اندازه منابع در معرض ریسک را در نظر داشته باشد. روش های متداول آماری به طور کلی در صورتی که پرتفوی اعتباری با حجم زیادی از منابع در معرض ریسک کوچک و همگن باشد مناسبتر است. برعکس، روش های مبتنی بر قضاوت هنگامی مناسبتر است که پرتفوی اعتباری با حجم کم از منابع در معرض ریسک بزرگ و ناهمگن باشد.

توصیه ۱۲-۶) هنگامی که اطلاعات مربوط به نکول برای تخمین قابل اعتماد زیان اعتباری کافی نیست، مؤسسه مالی ممکن است از شاخص اطلاعات که با تجربه خود در مورد نکول مرتبط است (مطالعات زیان مؤسسات رتبه بندی) استفاده کند. انتظار می رود مؤسسه مالی به صورت دوره ای اقدام به بررسی مناسب بودن استفاده از این شاخص

اطلاعات نموده و هر جا امکان پذیر باشد از اطلاعات داخلی خود استفاده کند. به علاوه مؤسسه مالی می‌تواند زیان اعتباری را با استفاده از قضاوت کارشناسان مستقل برآورد نماید. همچنین انتظار می‌رود مناسب بودن فرضیه‌ها و برآوردهای قضاوت محور به صورت دوره‌ای بازبینی شود و در صورت امکان به گزینه‌های جایگزین مبتنی بر آمار تغییر نماید.

استاندارد (۷-۱۲) هنگامی که رتبه‌بندی خارجی برای اهداف اندازه‌گیری ریسک اعتباری استفاده می‌شود، مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که روش مؤسسه رتبه‌بندی با الزامات تعیین شده در بند (۱۲) هماهنگ است.

توصیه (۸-۱۲) برای معاملات اوراق بهادار و قراردادهای مشتقه که به وسیله یک توافق خالص‌سازی اجباری قانونی اداره می‌شود، مؤسسه مالی ممکن است هنگام برآورد منابع در معرض ریسک نکول، معاملات با طرف‌های مقابل را خالص‌سازی نماید.

استاندارد (۹-۱۲) مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل نماید که روش‌های اندازه‌گیری ریسک اعتباری بر اساس طیف گسترده‌ای از عوامل ریسک است. این روش‌ها باید شامل تمام عوامل مرتبط اقتصاد کلان، معاملات و عوامل با محوریت طرف مقابل و اثر عوامل خاص کشورها باشد.

استاندارد (۱۰-۱۲) در رابطه با عوامل کیفی ریسک در روش‌های اندازه‌گیری ریسک اعتباری، مؤسسه مالی باید معیارهای شفاف و تعریف شده‌ای برای تمایز بین سطوح مختلف ریسک اعتباری برای هر عامل ریسک ایجاد کند.

استاندارد (۱۱-۱۲) مؤسسه مالی باید تعداد مناسبی از رتبه‌های اعتباری برای کمک به معنادار بودن تفاوت منابع در معرض ریسک اعتباری و شیوه‌های هماهنگ برآورد زیان منابع در معرض ریسک اعتباری تعیین نماید. این رتبه‌بندی باید شامل عوامل و معیارها (آستانه‌ها) با جزئیات کافی یا عواملی برای شناسایی انتقال ریسک و تغییرات قابل توجه در ریسک اعتباری که منجر به تغییر در رتبه اعتباری منابع در معرض ریسک اعتباری می‌شود، باشد.

توصیه (۱۲-۱۲) در رابطه با پاراگراف ۱۱-۱۲، به عنوان مثال، مؤسسه مالی ممکن است ارزیابی نماید که آیا تمرکز بر تعداد خاصی از طرف‌های مقابل در رتبه خاصی وجود دارد که نشان دهنده عدم توجه به جزئیات در طراحی روش‌های اندازه‌گیری ریسک اعتباری است یا خیر.

استاندارد ۱۲-۱۳) مؤسسه مالی باید در تعدیل رتبه اعتباری برای اعتبارات خاص از معیارهای سختگیرانه‌تری برای ارتقا در مقایسه با تنزل اعتباری به منظور نشان دادن تغییر در سطح ریسک اعتباری، و رویکرد احتیاطی استفاده نماید. به طور خاص ارتقا رتبه باید به وسیله شواهدی نظیر بهبود مستمر در ظرفیت بازپرداخت، تفاوت ارزش شرکت و بدهی‌های آن، جریان‌های نقد مرتبط و وضعیت مالی طرف مقابل در دوره مشخصی پشتیبانی شود. در مقابل، باید یک دوره زمانی کوتاه برای نشان دادن ضعفها در کیفیت اعتباری به منظور تنزل رتبه در نظر گرفته شود.

اعتبارسنجی روشهای اندازه‌گیری ریسک اعتباری
استاندارد ۱۲-۱۴) مؤسسه مالی باید چارچوبی برای اعتبارسنجی روشهای اندازه‌گیری ریسک اعتباری خود به منظور حصول اطمینان از این که این روشها از لحاظ مفهومی مناسب، سازگار با اهداف مؤسسه و دارای تدوین می‌باشند، تعیین نماید. این چارچوب باید به طور شفاف مسئولیت کارمندان مؤسسه مالی در رابطه با فرآیند اعتبارسنجی روشهای اندازه‌گیری ریسک اعتباری را تعیین نماید.
استاندارد ۱۲-۱۵) مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که بی‌طرفی در فرآیند اعتبارسنجی محفوظ مانده است. در این راستا مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل نماید که فرآیند اعتبارسنجی توسط یک گروه مستقل از افرادی که مسئول روشهای اندازه‌گیری ریسک اعتباری می‌باشند، انجام شود.

استاندارد ۱۲-۱۶) مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که گستره فرآیند اعتبارسنجی جامع بوده و جنبه‌های کمی و کیفی روشهای اندازه‌گیری ریسک اعتباری را پوشش دهد.

استاندارد ۱۲-۱۷) با توجه به بند ۱۲-۱۶، حداقل، جنبه‌های کیفی باید شامل ارزیابی کیفیت اطلاعات، سازگاری و ارتباط عوامل ریسک استفاده شده و پیش‌آزمون باشد. جنبه‌های کیفی باید شامل کفایت و اثربخشی فرآیند داخلی، کافی بودن اسناد و سطح دانش و شایستگی مسئولین مرتبط باشد.

استاندارد ۱۲-۱۸) مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که هرگونه ضعف در روشهای اندازه‌گیری ریسک اعتباری شناسایی شده در فرآیند اعتبارسنجی، اصلاح و به مدیریت عامل گزارش شده است و نتایج اعتبارسنجی نیز به هیأت مدیره گزارش شود. در این راستا مؤسسه مالی باید به صورت شفاف اقدامات اصلاحی را که برای هر سطحی از ضعفها اتخاذ می‌شود، شامل شرایطی که روشهای اندازه‌گیری ریسک

اعتباری ممکن است منجر به بازیابی مجدد یا جایگزینی کامل شود، تعریف کند.

استاندارد ۱۲-۱۹) در صورتی که عدم کفایت اطلاعات محدودیت با شد (برای مثال اطلاعات ناکافی تاریخی برای پیش آزمون خروجی روشها)، مؤسسه مالی باید رویکردهای جایگزین به منظور اعتبارسنجی روشهای اندازهگیری ریسک اعتباری اتخاذ کند. این موارد شامل بازبینی خروجی روشها به وسیله کارشناسان اعتباری و مقایسه خروجی روشها با سایر روشهای موجود و اطلاعات بازار، به عنوان مثال شکاف اعتباری، میشود.

استاندارد ۱۲-۲۰) هنگامی که روشهای اندازهگیری ریسک اعتباری قضاوت محور است، مؤسسه مالی باید تکنیکهای ارزیابی مناسب به منظور اطمینان از قابلیت پیشبینی این روشها را اتخاذ نماید.

اعتبارسنجی پیش از اجرا

استاندارد ۱۲-۲۱) به عنوان بخشی از فرآیند اعتبارسنجی پیش از اجرا، مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل نماید که اطلاعات استفاده شده برای توسعه روشهای اندازهگیری ریسک اعتباری:

- بیانگر پرتفوی مرتبط و همراستایی با اشتهای کلی ریسک مؤسسه مالی و استراتژی ریسک اعتباری است؛ و
- مطابق با استانداردهای داخلی تعیین شده برای کیفیت دارایی میباشد.

استاندارد ۱۲-۲۲) هنگامی که روشهای اندازهگیری ریسک اعتباری به صورت مستقل (بیرونی) توسعه مییابد، مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که این روشها توسط چارچوبهای ارزیابی مناسب و شواهد تجربی کافی پشتیبانی شود. این موارد شامل گرفتن اطلاعات با جزییات بیشتر از گروه مستقل (بیرونی) به منظور حصول اطمینان از رعایت الزامات تعیین شده در بند ۱۲ میباشد.

اعتبارسنجی پس از اجرا

استاندارد ۱۲-۲۳) مؤسسه مالی باید به بازبینی دوره ای روشهای اندازهگیری ریسک اعتباری در این خصوص که آیا این روشها کماکان مناسب هستند یا خیر اقدام نماید. این بازبینیها حداقل باید شامل ارزیابی میزان دقت و قدرت تشخیص روشهای اندازهگیری ریسک اعتباری گردد. همچنین باید بررسی شود که آیا مؤلفه های ریسک

استفاده شده در روشها کماکان مناسب بوده است یا خیر، و روشهای موجود با ماهیت پرتفوی تناسب دارد یا خیر.

۱۳-پایش ریسک اعتباری

توصیه (۱۳-۱) پایش ریسک اعتباری اشاره به پایش مداوم عملکرد هر کدام از منابع در معرض ریسک اعتباری و پرتفوی کل دارد. داشتن یک چارچوب پشتیبانی برای پایش قوی فعالیتها (فعالیتهای اعتباری) برای مؤسسه مالی ضروری است تا بتواند اقدام به شناسایی به موقع تغییرات مشخصات ریسک اعتباری نماید. به علاوه، ساختار گزارشگری به خوبی تعریف شده، این اطمینان را میدهد که نتایج با اهمیت پایش مثلاً در مواردی که مرتبط با منابع در معرض ریسک اعتباری قابل توجه است، به منظور پشتیبانی از نظرات و تصمیمات هیأت مدیره و مدیر عامل افزایش مییابد.

استاندارد (۱۳-۲) مؤسسه مالی باید فرآیند پایش ریسک اعتباری را به منظور شناسایی نشانه های اولیه تخریب توان طرف مقابل برای ایفای تعهدات خود و ارزیابی این که آیا منابع در معرض ریسک اعتباری مطابق با شرایط قرارداد، اشتهای ریسک و خطمشی اعتباری است یا خیر، تعیین نماید. در انجام این مهم، فرآیند پایش باید به کارگیری اقلام زیر خط ترازنامه، منابع و میزان (درجه) تمرکز ریسک اعتباری را در نظر بگیرد.

استاندارد (۱۳-۳) در انجام پایش ریسک اعتباری، مؤسسه مالی باید تأثیر بالقوه تغییرات در محیط عملیاتی، چه در داخل و یا خارج، بر مشخصه ریسک اعتباری هر کدام از منابع در معرض ریسک اعتباری و کل پرتفوی اعتباری، مانند موارد مرتبط با نرخ بهره، تورم، قیمت دارایی، رقابت و شرایط اجتماعی-سیاسی را در نظر بگیرد.

استاندارد (۱۳-۴) ساختار نقشها، مسئولیتها و گزارشگری مرتبط با فعالیتهای پایش باید توسط مؤسسه مالی به گونه ای که بیطرفی را در پایش ریسک اعتباری تقویت نماید، تعریف شود. اگر فعالیتها یا عملکرد پایش توسط واحدهای تجاری انجام شود، باید حفاظت لازم به منظور کاهش احتمال رسیدن اطلاعات بیکیفیت به هیأت مدیره و مدیریت عامل، به عنوان مثال از طریق ارزیابی دوره ای و مستقل محدوده و گستره آن و به موقع و کیفی بودن اطلاعات گزارش شده، انجام شود.

استاندارد (۱۳-۵) پایش متناوب منابع در معرض ریسک اعتباری باید متناسب با ماهیت منابع در معرض ریسک اعتباری بوده و اقدام به حل به موقع و تسهیل مشکلات، به منظور پشتیبانی از نظرات و

تصمیم‌گیری هیأت مدیره و مدیریت عامل نماید. برای مثال اگر ارزش یک منبع در معرض ریسک اعتباری خاص می‌تواند بر اساس نوسانات بازار تغییر کند، از قبیل معاملات مشتقات، مؤسسه مالی باید چنین منابع در معرض ریسکی را در دفعات بیشتر پایش نماید. استاندارد ۱۳-۶) در مورد منابع در معرض ریسک اعتباری با ساختار بازپرداخت سریع، مؤسسه مالی باید اقدام به پایش دوره‌ای این منابع در معرض ریسک اعتباری در طی دوره وجود آن و نه تنها نزدیک به دوره بازپرداخت آن نماید. این امر به منظور اطمینان از این امر است که هر گونه احتمال افزایش ریسک اعتباری طرف مقابل می‌تواند به سرعت از بین برود.

۱۴-ریسک تمرکز اعتبار

استاندارد ۱۴-۱) مؤسسه مالی باید فرآیندهای کافی برای مدیریت مؤثر ریسک تمرکز اعتباری را به خصوص در مواردی که احتمال زیان می‌تواند پرمایگی یا اعتماد عمومی مؤسسه مالی را مخدوش کند داشته باشد.

استاندارد ۱۴-۲) مؤسسه مالی باید منابع و میزان ریسک تمرکز اعتباری پرتفوی خود، شامل موارد زیر را شناسایی کند:

الف) طرف‌های مقابل و گروه‌های طرف‌های مقابل مرتبط؛

ب) طرف‌های مقابل در صنعت، بخش اقتصادی یا منطقه جغرافیایی یکسان؛

ت) طرف‌های مقابل که عملکرد مالی آن‌ها وابسته به کالا یا فعالیت مشابهی است؛

ث) قرار گرفتن منابع در معرض ریسک در کلاس خاص دارایی، تولیدات، وثایق یا کشورها.

استاندارد ۱۴-۳) مؤسسه مالی باید روش‌های مناسبی برای ارزیابی ریسک تمرکز اعتباری تعیین کند. این روش‌ها برای ارزیابی ریسک تمرکز اعتباری باید همبستگی مناسبی بین منابع در معرض ریسک اعتباری و روندهای تاریخی نکول‌ها، زیان‌های اعتباری و شاخص‌های مربوطه در یک افق زمانی مناسب داشته باشند. حداقل، مؤسسه مالی باید همبستگی افراد در منابع در معرض ریسک اعتباری قابل توجه و همبستگی بین بخش‌های پرتفوی خود را ارزیابی نماید.

استاندارد ۱۴-۴) در رابطه با پاراگراف ۱۴-۳، اگر از کارشناسان مستقل (بیرونی) برای تعیین روش‌های ارزیابی ریسک تمرکز اعتباری

و همبستگی بین منابع در معرض ریسک اعتباری استفاده می‌شود، مؤسسه مالی باید به بانک مرکزی نشان دهد که درک مناسبی از روش‌ها داشته و اطمینان داشته باشد که روش‌ها، الزامات تعیین شده در بند ۱۴ را به طور کامل رعایت می‌کنند.

استاندارد (۵-۱۴) به عنوان بخشی از مدیریت احتیاطی ریسک تمرکز اعتباری، مؤسسه مالی باید محدودیت منابع در معرض ریسک را بر اساس معیارهای شفاف و پشتیبانی به وسیله چارچوب تحلیلی مناسب تعیین کند. این محدودیت‌ها باید با شاخص‌های اخطار دهنده برای شناسایی منابع در معرض ریسک اعتباری که در آستانه نزدیک شدن به این محدودیت‌ها است، تکمیل شود. این شاخص‌ها باید به گونه‌ای تغییر داده شوند که مؤسسه مالی زمان کافی برای اقدامات لازم به منظور حفظ منابع در معرض ریسک در سطح قابل مدیریت و احتیاطی داشته باشد.

۱۵- اعتبارات مشکلدار

توصیه (۱-۱۵) با وجود این که مؤسسه مالی اقدام به تصمیم‌گیری اعتباری بر اساس رویکرد احتیاطی می‌کند، مشخصه ریسکی منابع در معرض ریسک اعتباری می‌تواند در طول زمان بدتر شود. این امر ممکن است به دلایل مختلف شامل رکود ناگهانی اقتصادی، منجر به نکول در بازپرداخت مشتریان طرف مقابل شده و در نتیجه توانایی بازپرداخت طرف مقابل را تحت تأثیر قرار دهد. نظارت مستمر بر منابع در معرض ریسک اعتباری بخصوص برای شناسایی ضعف‌ها در مرحله اولیه، هنگامی که هنوز گزینه‌های مختلفی برای مدیریت ریسک‌ها وجود داشته باشد مهم است.

استاندارد (۲-۱۵) اعتبار مشکلدار به منابع در معرض ریسک اعتباری گفته می‌شود که به دلایلی اعتقاد داشته باشیم که بخشی یا تمام آن بر اساس شرایط قرارداد، بازپرداخت یا پوشش داده نمی‌شود. مؤسسه مالی باید معیاری برای شناسایی اعتبارات مشکلدار تعیین کند. بطور حداقل، منابع در معرض ریسک اعتباری اگر هر کدام از شرایط زیر را داشته باشند، باید به عنوان اعتبارات مشکلدار طبقه‌بندی شوند:

الف) طرف مقابل در انجام تعهدات مالی خود دچار مشکل شده باشد، به عنوان مثال تعهدات با اهمیت طرف مقابل در حال حاضر سررسید شده باشد؛

ب) مؤسسه مالی پس از افزایش ریسک اعتباری، به طرف مقابل حق امهال اعطا نماید، به عنوان مثال مؤسسه مالی شرایط قرارداد را بر خلاف شرایط عادی تغییر دهد؛

ت) طبق استاندارد های حسابداری مرتبط، اعتباری (پرونده اعتباری) که دارای افزایش قابل توجه در ریسک اعتباری بر اساس عوامل مختص به طرف مقابل یا ملاحظات اقتصاد کلان و بخش ها اقتصادی باشد.

استاندارد ۱۵-۳) مدیریت اعتبارات مشکلدار باید توسط مؤسسه مالی به صورت ساختارمند و هدفمند با تمرکز بر بازیابی نتایج و مهیا کردن بازخورد برای تقویت استراتژی و خطمشی آتی ریسک اعتباری مؤسسه مالی انجام شود. در مسیر حمایت از این نتایج، مؤسسه مالی باید به طور شفاف مسئولیت ها را برای شناسایی و مدیریت اعتبارات مشکلدار تعیین نموده و فرآیندهایی را که برنامه های بازیابی مرتبط را مشخص میکند، تنظیم نماید. مؤسسه مالی باید استقلال فرآیند مدیریت اعتبارات مشکلدار را که شامل اطمینان از این که اعتبارات مشکلدار تنها توسط مسئول یا تیم ایجاد اعتبار مدیریت نمی شوند، حفظ نماید.

استاندارد ۱۵-۴) فرآیند مدیریت اعتبارات مشکلدار که توسط مؤسسه مالی اتخاذ می شود باید با میزان اعتبارات مشکلدار متناسب باشد. مؤسسه مالی باید به طور دوره ای تناسب فرآیندهای موجود را با در نظر گرفتن حجم، اهمیت، ماهیت و پیچیدگی اعتبارات مشکلدار و منابع و تخصص مرتبط ارزیابی نماید. برای مثال در صورت مواجهه با اعتبارات مشکلدار حجیم و پیچیده که نیازمند زمان و تمرکز بیشتر برای بهبود نتایج بازیابی است، مؤسسه مالی باید تیم ویژه ای را برای مدیریت اعتبارات مشکلدار تعیین نماید.

استاندارد ۱۵-۵) مؤسسه مالی باید بررسی دوره ای را برای شناسایی عوامل مهم منجر به منابع در معرض ریسک اعتباری، طبقه بندی شده تحت طبقه اعتبارات مشکلدار انجام دهد و نتایج این بررسی ها را باید به هیأت مدیره گزارش دهد. این بازبینی ها باید به صورت کامل و جامع انجام شود و شامل ارزیابی به موقع مشکلات شناسایی شده، صحت ارزیابی ذخایر و تأثیر شرایط قرارداد باشد.

استاندارد ۱۵-۶) در رابطه با اعتبارات تجدید ساختار شده و تقسیط مجدد شده، مؤسسه مالی باید کنترل هایی برای مقابله با

اعتبارات همیشه سبز تعیین کنند. بخصوص برای تسهیلات و تأمین مالی های تقسیط مجدد و تجدید ساختار شده، مؤسسه بانکی باید مطابق با ترتیبات ذکر شده در ضمیمه عمل نماید. استاندارد ۷-۱۵) حذف مطالبات باید به موقع توسط مؤسسه مالی انجام شود و منعکس کننده انتظارات بازپرداخت واقعی و بازبایی باشد. برای این منظور، مؤسسه مالی باید خط مشی های مصوب هیأت مدیره برای حذف مطالبات را که در آن حداقل موقعیت ها، شرایط و مقام صلاحیتدار که تحت آن پرونده اعتباری را می توان حذف نمود تعیین کند.

۱۶- گزارشگری ریسک اعتباری

استاندارد ۱-۱۶) علاوه بر الزامات بند ۹ در باب اداره کردن ریسک، مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که گزارشات ریسک اعتباری منجر به دیدگاه با اهمیتی در مورد کیفیت اعتباری شده و به موقع به هیأت مدیره و مدیریت عامل ارائه م شود.

استاندارد ۲-۱۶) مؤسسه مالی باید اطمینان یابد که گزارشات ریسک اعتباری به هیأت مدیره و مدیریت عامل به نحوی تهیه شده که توضیحات شفاف بوده و حاوی توجه کافی به مسایل و تحولات مهم ریسک اعتباری که ممکن است منجر به تاثیرات با اهمیتی در مؤسسه مالی شود، می باشد. به طور خاص، ساختار، عمق و پوشش گزارشات باید هیأت مدیره و مدیریت عامل را قادر سازد تا موارد زیر را بررسی نمایند:

الف) اطلاعات مرتبط با استراتژی ریسک، اشتباهی ریسک، خط مشی ریسک اعتباری مؤسسه مالی و شناسایی هر کدام از ترتیباتی که نیاز به بازبینی دارد؛

ب) آگاهی از منابع در معرض ریسک اعتباری قابل توجه با رویکرد پرونده به پرونده یا کل پرتفوی؛

ت) ارزیابی نیاز به اقدام برای کاهش هر کدام از ریسک های نوظهور (جدید).

۱۷- بازبینی اعتباری مستقل

استاندارد ۱-۱۷) بازبینی مستقل اعتبارات باید توسط مؤسسه مالی مطابق با بند های ۲-۱۷ الی ۵-۱۷ انجام شود تا اطمینان حاصل شود که کماکان تصمیمات اعتباری هماهنگ با ترتیبات کلی مدیریت ریسک

اعتباری مؤسسه مالی است. برای حفظ بیطرفی بازبینی اعتباری مستقل، مؤسسه مالی باید اطمینان یابد که این بازبینی توسط اشخاص مستقل که در گستره بازبینی قرار ندارند، مانند افراد مسئول در ارزیابی و تأیید اعتبار انجام شود.

استاندارد ۱۷-۲) مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که گستره، عمق و تناوب بازبینی اعتباری با اهمیت حوزه یا فعالیت خاص مؤسسه مالی (ویژگی ریسک مؤسسه مالی) متناسب است.

استاندارد ۱۷-۳) بازبینی اعتباری مستقل حداقل باید شامل ارزیابی موارد زیر باشد:

الف) کیفیت ارزیابی ریسک اعتباری و دقت در فرآیندهای تصویب اعتباری شامل گستره اطلاعات بدست آمده از تصمیمات اعتباری؛

ب) این که آیا تصمیمات اعتباری مطابق استراتژی ریسک اعتباری، خطمشی ریسک اعتباری و الزامات قانونی و نظارتی مرتبط است یا خیر؛

ت) گستره، مؤثر و بجا بودن پایش ریسک اعتباری فعالیتها؛
ث) دقت و به موقع بودن رتبه های تخصیص داده شده به طرفهای مقابل؛
و

ج) مناسب بودن طبقه بندی اعتباری و میزان ذخیره گیری.

استاندارد ۱۷-۴) واحد حسابرسی داخلی مؤثر، شناسایی و اصلاح هر گونه ضعف در فرآیند مدیریت ریسک مؤسسه مالی را تسهیل کرده و اطمینان میدهد فعالیت های ریسک اعتباری مؤسسه مطابق با خطمشی ها و رویه های ریسک اعتباری است. بنابراین، نقش مدیر حسابرسی داخلی و حسابرسی داخلی دارمهی کردن ارزیابی مستقلی در رابطه با مؤثر بودن فرآیند، سامانه ها، کنترل داخلی و ترتیبات مدیریت ریسک اعتباری مؤسسه با اهمیت است. بنابراین واحد بازبینی اعتباری مستقل به عنوان بخشی از فرآیند مدیریت ریسک اعتباری مؤسسه مالی، باید در معرض بررسی حسابرسی داخلی قرار بگیرد.

استاندارد ۱۷-۵) مؤسسه مالی باید اطمینان حاصل کند که نتایج از جمله هرگونه توصیه ناشی از بازبینی اعتباری مستقل به صورت شفاف مستند و بطور مستقیم به کمیته ریسک هیأت مدیره، کمیته حسابرسی هیأت مدیره و مدیر عامل گزارش شود.

ضمیمه ۱

الزامات ویژه برای مؤسسات بانکی: تجدید ساختار یا تقسیط مجدد تأمین مالی یا تسهیلات

۱- تجدید ساختار یا تقسیط مجدد تسهیلات یا تأمین مالی شامل هرگونه تغییر در شرایط بازپرداخت اولیه و شرایطی که به موجب آن ریسک اعتباری طرف مقابل افزایش می‌یابد را شامل می‌شود.

۲- مؤسسه بانکی باید خطمشی تصویب هیأت مدیره در شرایط و موقعیت‌هایی که تسهیلات و تأمین مالی ممکن است دچار تجدید ساختار یا تقسیط مجدد شود، تعیین نماید. این خطمشی باید:

○ شرایطی را که در آن تأمین مالی یا تسهیلات ممکن است بیش از یکبار تجدید ساختار یا تقسیط مجدد شود را تعریف کند و خطمشی ذخیره‌گیری مناسب برای این گونه تسهیلات یا تأمین مالی را تعیین نماید؛

○ از تطبیق با قوانین شرع و اصول تجدید ساختار و تقسیط مجدد تأمین مالی اسلامی اطمینان حاصل کند. این قوانین ممکن است شامل خطمشی‌های اداری در اجرای قرارداد های جدید (عقود)، تعیین قیمت جدید فروش و نحوه برخورد با هزینه‌ها و جرایم باشد (به عنوان مثال خطمشی عدم منظور نمودن مقادیر جریمه مرتبط با تجدید ساختار و تقسیط مجدد تسهیلات در اصل تسهیلات)؛ و

○ حداقل دوره بازپرداخت (بر اساس شرایط و ضوابط بازنگری و تجدید ساختار شده) به طور مستمر برای انتقال تسهیلات تجدید ساختار و تقسیط مجدد شده از طبقه کاهش ارزش یافته (طبقه غیرجاری) به طبقه جاری برای طبقه‌بندی مجدد تعریف گردد. برای کسب اطمینان، آن دوره نباید کمتر از ۶ ماه باشد.

۳- در شرایط استثنایی، به عنوان مثال هنگامی که طرف مقابل دچار بلایای طبیعی شده است، تجدید ساختار و تقسیط مجدد ممکن است شامل اعطای یک دوره تنفس برای بازپرداخت تسهیلات یا تأمین مالی شود. در این موارد مؤسسه بانکی باید اقدام به تعیین مؤلفه‌ها و فرآیندهای داخلی برای در نظر گرفتن یک دوره تنفس برای بازپرداخت تسهیلات یا تأمین مالی، شامل ساختار اختیار مشخص برای

^۱ Moratorium ^۲

تأیید دوره تنفس نماید. همچنین این فرآیند باید تحت پایش و بازبینی کافي به وسیله افراد مستقل باشد.

در مواردی که تحت شرایط بند ۳ دوره تنفس بازپرداخت تسهیلات یا تأمین مالی اعطا می شود، دوره تنفس باید برای دوره ای کمتر از شش ماه از زمانی که طرف مقابل برای دریافت آن اقدام می کند، باشد.

۱۹- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۱۸۳۲ مورخ ۱۳/۰۹/۱۳۹۷؛ ابلاغ نسخه اصلاحی " دستورالعمل نحوه ای احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران موسسات اعتباری"
- الحاق یک تبصره به ماده (۴) دستورالعمل

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، همانگونه که مستحضرنند؛ بند «ت» ماده ۲۱ «قانون احکام دایمی برنامه های توسعه کشور» مصوب سال ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی با عبارت «انتخاب مدیرعامل و هیأت مدیره بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری پس از صدور تأیید صلاحیت حرفه ای و وثاقت و امانت آنان از سوی بانک مرکزی امکان پذیر است. این افراد باید حداقل دارای ده سال سابقه در زمینه های مالی، بانکی و بازرگانی و دانشنامه کارشناسی مرتبط باشند. نحوه احراز شرایط اعتراض و رسیدگی به آن با پیشنهاد مشترک بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب شورای پول و اعتبار تعیین می شود»، ضمن تصریح دوباره بر لزوم تأیید صلاحیت مدیران بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس شرایطی که برخی از آنها در قانون مزبور ذکر شده، تدوین ضوابط و مقررات مربوطه را بر عهده بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار داده تا متعاقبا و با تصویب شورای پول و اعتبار، به شبکه های بانکی کشور ابلاغ گردد. بر این اساس، بانک مرکزی با همکاری وزارتخانه یادشده، اقدام به تهیه پیش نویس دستورالعملی در همین خصوص نموده که در آتیهای نزدیک، برای سیر تشریفات قانونی تصویب آن به شورای پول و اعتبار تقدیم خواهد گردید. لازم به ذکر است یکی از مهمترین تغییرات در دستورالعمل موصوف، الحاق تبصره ای به حکم مربوط به شرایط سنی داوطلبان عضویت در هیأت مدیره و تصدی سمت مدیرعاملی بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی بوده است.

با عنایت به فوریت این امر و نیز امعان نظر به امکان تطویل تصویب دستورالعمل یاد شده، مقرر شد تا زمان نهایی شدن ضوابط اصلی در این رابطه، دستورالعمل فعلی نحوه احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران مؤسسات اعتباری، مطابق با پیش نویس مورد بحث اصلاح گردد. در همین رابطه، مراتب در چهاردهمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۸/۶ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی مطرح شد و مقرر گردید تبصره ای ذیل ماده (۴) دستورالعمل فعلی به شرح ذیل اضافه گردد:

«تبصره- در مواردی که داوطلبان تصدی سمت مدیریتی فاقد شرط سنی مقرر در بند ۴-۱۵ باشند، امکان بررسی صلاحیت حرفه ای آنها در کمیسیون، با مجوز قبلی رئیس کل بانک مرکزی امکان پذیر می باشد».

در خاتمه، ضمن ارسال نسخه ي اصلاحي «دستورالعمل نحوه ي احراز و سلب صلاحیت حرفه اي مدیران مؤسسات اعتباري»، خواهشمند است مراتب به نحو مقتضي به اطلاع ارکان ذیربط آن بانک یا مؤسسه اعتباري برسد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهاي بانكي و
مبارزه با پولشويي
اداره مطالعات و مقررات بانكي
حمیدرضا غني آبادي محمد خداياري
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۳۱-۰۲

دستورالعمل نحوه ای احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران مؤسسات اعتباری

مقدمه:

در اجرای تبصره های ۱، ۳ و ۴ ماده ۹۶ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی و مواد ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۹ و ۶۰ آیین نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ هیأت وزیران، "دستورالعمل نحوه ای احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران مؤسسات اعتباری" که از این پس به اختصار «دستورالعمل» نامیده می شود، به شرح ذیل تدوین می گردد:

فصل اول: تعاریف

ماده ۱ — در این مقررات عناوین ذیل به جای عبارت های مربوط بکار می روند:

- ۱-۱- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲-۱- مؤسسه اعتباری: بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی که به موجب قانون و یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده / در شرف تأسیس بوده و تحت نظارت بانک مرکزی قرار دارد؛
- ۳-۱- نظام بانکی: شامل بانک مرکزی، مؤسسات اعتباری، صندوق های قرض الحسنه و شرکت های تعاونی اعتبار دارای مجوز از بانک مرکزی؛
- ۴-۱- بازار سرمایه: مجموعه نهاد های مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار و آیین نامه اجرایی آن؛
- ۵-۱- کمیسیون احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران مؤسسات اعتباری؛
- ۶-۱- سمت مدیریتی: شامل سمت های مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل، عضو هیأت مدیره؛
- ۷-۱- مدیران: دارندگان سمت مدیریتی موضوع بند ۶-۱ در مؤسسه اعتباری؛
- ۸-۱- صلاحیت حرفه ای: دارا بودن شرایط عمومی، تخصصی و فردی به شرح مندرج در این مقررات برای تصدی سمت های مدیریتی در مؤسسه اعتباری؛
- ۹-۱- متقاضی: شخصی که به نمایندگی از طرف مؤسسه اعتباری یا رکن ذی صلاح آن، تقاضای تأیید صلاحیت حرفه ای داوطلب را به بانک مرکزی ارائه می دهد و حسب مورد یکی از اشخاص ذیل است:
۱-۹-۱- نماینده مجمع عمومی مؤسس مؤسسه اعتباری در شرف تأسیس؛

- ۱-۹-۲- مدیرعامل مؤسسه اعتباری غیردولتی (و در نبود مدیرعامل، به ترتیب قائم مقام مدیرعامل، رئیس یا نماینده هیأت مدیره، سرپرست منصوب توسط بانک مرکزی)؛
- ۱-۹-۳- رئیس مجمع عمومی مؤسسه اعتباری دولتی یا معاون وی؛
- ۱-۱۰- د اطلب: شخصی حقیقی است که جهت تصدی سمت مدیریتی در مؤسسه اعتباری به بانک مرکزی معرفی می شود.
- ۱-۱۱- تأییدیه صلاحیت حرفه ای: موافقت کتبی بانک مرکزی با تصدی سمت مدیریتی توسط د اطلب در مؤسسه اعتباری پس از احراز صلاحیت حرفه ای وی که به متقاضی اعلام می شود.

فصل دوم: کلیات

- ماده ۲ — تصدی سمت مدیریتی توسط د اطلب در هر مؤسسه اعتباری و تمدید دوره مسئولیت وی منوط به اخذ تأییدیه صلاحیت حرفه ای می باشد.
- ماده ۳ — اطلاعاتی که به موجب این مقررات، در اختیار اعضای کمیسیون، دبیر کمیسیون یا هر یک از کارکنان بانک مرکزی قرار می گیرد، محرمانه تلقی شده و به جز در موارد قانونی یا در چارچوب این مقررات، نباید در اختیار سایرین قرار گیرد.

فصل سوم: شرایط لازم برای تصدی سمت های مدیریتی در مؤسسه اعتباری

الف- شرایط عمومی

- ماده ۴ — شرایط عمومی لازم برای تصدی سمت مدیریتی مؤسسه اعتباری توسط د اطلب به شرح ذیل است:
- ۴-۱- داشتن تابعیت ایران (برای مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره و اکثریت اعضای هیأت مدیره و اکثریت اعضای هیأت عامل)؛
- ۴-۲- نداشتن تابعیت دوگانه؛
- ۴-۳- پیرو دین اسلام یا یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی؛
- ۴-۴- دارا بودن حسن شهرت و امانتداری؛
- ۴-۵- نداشتن سابقه محکومیت قطعی مؤثر به هیچ یک از جرایم سرقت، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری، پولشویی، جعل و تزویر، صدور چک بی محل و ورشکستگی به تقصیر یا تقلب (اعم از این که حکم از دادگاه های داخلی یا خارج کشور صادر شده یا محکوم علیه، مجرم اصلی یا شریک یا معاون جرم بوده باشد)؛
- ۴-۶- نداشتن منع تصدی سمت مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل و عضویت در هیأت مدیره مؤسسات اعتباری ناشی از محکومیت قطعی در هیأت انتظامی بانک ها؛

- ۷-۴- نداشتن بدهی غیرجاری شخصی به بانکها، مؤسسات اعتباری غیربانکی و سایر بنگاه های واسطه پولی اعم از دولتی یا غیردولتی تحت نظارت بانک مرکزی؛
- ۸-۴- نداشتن سهم یا سمت در سایر مؤسسات اعتباری مگر با اجازه بانک مرکزی؛
- ۹-۴- انقضای مدت های محرومیت ناشی از عدم کسب حد نصاب مصاحبه تخصصی یا عدم تأیید صلاحیت حرفه ای در کمیسیون (موضوع تبصره ماده ۳۰) و یا سلب صلاحیت حرفه ای در کمیسیون (موضوع تبصره یک ماده ۳۳)؛
- ۱۰-۴- برخورداری از شرایط تخصصی به شرح مندرج در ماده ۶ به تشخیص بانک مرکزی؛
- ۱۱-۴- نداشتن سابقه تصدی سمت مدیریتی در مؤسسه اعتباری دیگری که در زمان تصدی وی اجازه نامه تأسیس یا فعالیت آن لغو گردیده یا اداره آن بر عهده بانک مرکزی قرار گرفته است؛
- ۱۲-۴- قرار نگرفتن در شمول مصادیق ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛
- ۱۳-۴- عدم اشتغال هم زمان در وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکت های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی مگر در خصوص عضویت کارمندان دولت در هیأت مدیره مؤسسه اعتباری به عنوان نماینده سهام دولت و با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛
- ۱۴-۴- نداشتن سمت مدیرعاملی یا عضویت در هیأت مدیره ی سایر شرکت هایی که تمام یا بخشی از سرمایه ی آنها متعلق به دولت یا نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی باشد اعم از آنکه سمت های مزبور، اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی سهامدار شرکت باشد؛
- ۱۵-۴- دارا بودن حداقل سن ۳۵ و حداکثر ۷۰ سال برای مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره؛
- ۱۶-۴- نداشتن سابقه چک برگشتی رفع سوء اثرنشده ی شخصی و نیز چک های برگشتی رفع سوء اثرنشده ی صادره از سوی مدیران و صاحبان امضای مجاز اشخاص حقوقی؛
- ۱۷-۴- تأییدیه صلاحیت فردی داوطلب توسط حوزه ی حراست بانک مرکزی.
- تبصره ۱- در بند ۴-۸، داشتن کمتر از یکدهم درصد سهام سایر مؤسسات اعتباری مانع از تصدی سمت مدیریتی در مؤسسه اعتباری نیست.
- تبصره ۲- در بند ۴-۱۶، هرگاه فردی که به نمایندگی از شخص حقوقی اقدام به صدور چک نموده، در مرجع قضایی ثابت نماید عدم

پرداخت چک، مستند به عمل صاحب حساب و یا وکیل یا نماینده بعد از وی بوده است، تصدی سمت مدیریتی توسط وی با رعایت سایر شرایط، بلامانع است.

تبصره ۳- مدیرعامل نمیتواند همزمان رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره مؤسسه اعتباری باشد.

تبصره ۴- در مواردی که داوطلبان تصدی سمت مدیریتی، فاقد شرط سنی مقرر در بند ۴-۱۵ باشند، امکان بررسی صلاحیت حرفه ای آنها در کمیسیون، با مجوز قبلی رئیس کل بانک مرکزی امکان پذیر می باشد. ^۸ ^۱ ^۲

ب- شرایط تخصصی

ماده ۵- شرایط تخصصی لازم برای تصدی سمت مدیریتی مؤسسه اعتباری توسط داوطلب به شرح ذیل است:

۱-۵- دارا بودن دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در رشته های مرتبط به شرح جدول شماره ۲؛

۲-۵- داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار در نظام بانکی برای رئیس و نایب رئیس و حداقل دو سوم اعضای هیأت مدیره؛

۳-۵- داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار در نظام بانکی برای مدیرعامل و قائم مقام مدیرعامل که حداقل پنج سال از آن در سمت های مدیریتی به شرح جدول شماره ۳ باشد؛

۴-۵- کسب حدنصاب لازم در مصاحبه تخصصی کمیسیون.

فصل چهارم: ترتیبات رسیدگی

الف- دریافت مدارک و نحوه رسیدگی به آنها

ماده ۶- متقاضی موظف است حداکثر به میزان دو برابر سمت های بلاتصدی هیأت مدیره مؤسسه اعتباری، تقاضای بررسی صلاحیت حرفه ای داوطلبانی که دارای حداقل رأی مقرر در اساسنامه مؤسسه اعتباری ذیربط می باشند را به همراه فرم مشخصات، مدارک و مستندات آنها، حداقل سه ماه پیش از تاریخ تشکیل مجمع عمومی که موضوع آن انتخاب اعضای هیأت مدیره است، جهت تأییدیه صلاحیت حرفه ای، از طریق «سامانه سوابق اعضای هیأت مدیره بانکها و مؤسسات اعتباری» به دبیرخانه کمیسیون ارائه نماید.

تبصره - چنانچه متقاضی به هر دلیلی، تقاضای داوطلب واجد شرایط را ظرف مهلت مقرر به دبیرخانه کمیسیون ارایه ننماید، داوطلب میتواند رأساً تقاضای خود را همراه با مستندات مربوط به دبیرخانه کمیسیون ارسال دارد.

ماده ۷ — فهرست مدارک و مستندات مورد نیاز و فرم های مربوط توسط دبیرخانه کمیسیون تعیین میگردد.

ماده ۸ — دبیرخانه کمیسیون باید فرم مشخصات، مدارک و مستندات ارسالی را پس از وصول، ظرف مدت پانزده روز بررسی نموده، در صورت ناقص بودن مدارک و مستندات، موضوع را ظرف مدت ده روز به متقاضی اطلاع دهد. در صورتی که متقاضی ظرف مدت سی روز نسبت به تکمیل مدارک اقدام نکند، منصرف تلقی میگردد و نمیتواند تا مدت شش ماه نسبت به معرفی مجدد همان داوطلب اقدام نماید. در این صورت، دبیرخانه کمیسیون مراتب را طی نامه ای به متقاضی جهت معرفی فرد جدید اعلام میکند.

ماده ۹ — دبیرخانه کمیسیون پس از دریافت کلیه مدارک و مستندات مورد نیاز، اقدامات ذیل را انجام میدهد:

۹-۱- استعلام از مراجع ذیصلاح جهت احراز شرایط عمومی داوطلب (موضوع ماده ۵ دستورالعمل)؛

۹-۲- استعلام مدرک تحصیلی از مراجع ذیصلاح؛

۹-۳- محاسبه امتیازات مربوط به سوابق تحصیلی و کاری داوطلب؛

۹-۴- تمهید مقدمات برگزاری مصاحبه.

تبصره — چنانچه داوطلب، شاغل یا بازنشسته ی قوای سه گانه و نهادها و سازمان های حکومتی وابسته به آنها، نیروهای مسلح، شرکتها و مؤسسات دولتی و همچنین نهاد های عمومی غیردولتی باشد، مدرک تحصیلی ارایه شده توسط وی نیازی به استعلام موضوع بند ۹-۲ ندارد.

ماده ۱۰ — دبیرخانه کمیسیون همزمان یا پس از انجام اقدامات موضوع ماده ۸ دستورالعمل، از طریق ارسال دعوتنامه برای متقاضی، از داوطلب برای حضور در جلسه آزمون یا مصاحبه دعوت مینماید. تاریخ، ساعت و محل انجام آزمون یا مصاحبه باید در دعوتنامه قید شده باشد.

ماده ۱۱ — دبیرخانه کمیسیون باید حداقل دو روز کاری قبل از برگزاری جلسه مصاحبه، سوابق و مشخصات داوطلب را برای اعضای کمیسیون ارسال دارد.

ماده ۱۲ — دبیرخانه کمیسیون با موافقت رییس کمیسیون، از اشخاص مطلع برای حضور در جلسه مصاحبه دعوت به عمل خواهد آورد.

ماده ۱۳- در صورتی که داوطلب، دو بار بدون عذر موجه (حسب تشخیص کمیسیون) در جلسه مصاحبه حاضر نشود، منصرف تلقی می‌گردد و نباید تا شش ماه برای تصدی سمت مدیریتی در هیچ مؤسسه اعتباری توسط متقاضی معرفی گردد. در شرایط خاص، با موافقت رئیس کل بانک مرکزی، دبیرخانه کمیسیون برای یک بار دیگر از وی برای مصاحبه دعوت خواهد نمود.

ب- نحوه امتیازدهی

ماده ۱۴- حدنصاب لازم برای تصدی سمت مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره، ۷۰ امتیاز و سایر اعضای هیأت مدیره ۶۰ امتیاز می‌باشد، مشروط بر این که داوطلب حداقل ۳۰ امتیاز از مصاحبه تخصصی کمیسیون کسب نموده باشد.

ماده ۱۵- حداکثر امتیاز قابل اکتساب توسط داوطلب بابت سوابق تحصیلی، سوابق کاری و مصاحبه تخصصی به ترتیب ۲۰، ۳۰ و ۵۰ امتیاز می‌باشد.

ماده ۱۶- امتیاز سوابق تحصیلی داوطلب به شرح ذیل محاسبه می‌شود:

$$20 \times (100 / \text{امتیاز سوابق تحصیلی داوطلب})^*$$

* امتیاز سوابق تحصیلی داوطلب مطابق جدول شماره ۲ تعیین می‌گردد.

ماده ۱۷- امتیاز سوابق کاری داوطلب به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

$$30 \times (20 / \text{امتیاز سوابق کاری داوطلب})^*$$

* امتیاز سوابق کاری داوطلب مطابق جدول شماره ۱ تعیین می‌گردد.
تبصره - بیشترین امتیاز سابقه کاری (۳۰ امتیاز) متعلق به داوطلبی است که حداقل ۲۰ امتیاز طبق جدول شماره ۱ کسب نماید.

ماده ۱۸- آندسته از اعضای هیأت مدیره که مشمول شرط حداقل ۱۰ سال سابقه کار در نظام بانکی نمی‌باشند، باید دارای حداقل ۵ سال سابقه کار باشند. محاسبه امتیاز سوابق کاری داوطلبان مذکور به شرح ذیل است:

$$30 \times (5 / \text{امتیاز سوابق کاری داوطلب})^*$$

* امتیاز سوابق کاری داوطلب مطابق جدول شماره ۱ تعیین می‌گردد.
تبصره - بیشترین امتیاز سابقه کاری (۳۰ امتیاز) در مورد این دسته از داوطلبان، به داوطلبی تعلق می‌گیرد که حداقل ۱۰ امتیاز مطابق جدول شماره یک کسب نماید.

ماده ۱۹- امتیاز سوابق مدیریتی داوطلب مطابق جدول شماره ۳ و به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

(ضریب سمت $\times$ مدت زمان تصدی سمت مدیریتی توسط داوطلب به سال)

فصل پنجم : ترتیبات اداری

الف - ترکیب کمیسیون

ماده ۲۰ — به منظور احراز صلاحیت تخصصی د ا و طلب، کمیسیون با عنوان «کمیسیون احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران مؤسسات اعتباری» در بانک مرکزی تشکیل می شود.

ماده ۲۱ — ترکیب اعضای کمیسیون که احکام مربوط به انتصاب هر یک از آنها توسط رییس کل بانک مرکزی صادر می گردد به شرح زیر می باشد :

۱-۲۱- معاون نظارتی بانک مرکزی به عنوان رییس کمیسیون؛

۲-۲۱- مدیرکل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی به عنوان نایب رییس اول کمیسیون؛

۳-۲۱- مدیرکل نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری به عنوان نایب رییس دوم کمیسیون؛

۴-۲۱- مدیرکل عملیات و تعهدات ارزی و در غیاب وی، مدیر اداره عملیات ارزی؛

۵-۲۱- مدیرکل اعتبارات و در غیاب وی، مدیر اداره اعتبارات؛

۶-۲۱- مدیرکل حقوقی؛

۷-۲۱- مدیرکل اقتصادی.

تبصره — مدیر اداره اطلاعات بانکی به عنوان شخص مطلع و بدون حق رأی در جلسات کمیسیون شرکت می نماید.

ماده ۲۲ — اداره مجوزهای بانکی، به عنوان دبیرخانه کمیسیون تعیین می گردد. مدیر اداره مجوزهای بانکی و در غیاب وی، یکی از معاونین آن اداره، به عنوان دبیر جلسه کمیسیون، بدون حق رأی در جلسات کمیسیون شرکت می کند.

ماده ۲۳ — جلسات کمیسیون با حضور حداقل پنج عضو کمیسیون رسمیت می یابد.

ماده ۲۴ — تصمیمات کمیسیون پس از تأیید رییس کل بانک مرکزی، قطعی می باشد.

ب- مصاحبه

ماده ۲۵ — امتیاز مصاحبه تخصصی د ا و طلب بر اساس جدول ذیل محاسبه می شود :

حد اکثر امتیاز	سمت مصاحبه کنند ه
۸	معاون نظارتی

۷	مدیرکل مقررات، مجوزها و مبارزه با پولشویی
۷	مدیرکل نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری
۷	مدیرکل عملیات و تعهدات ارزی
۷	مدیرکل اعتبارات
۷	مدیرکل حقوقی
۷	مدیرکل اقتصادی
۵۰	جمع امتیازات

تبصره ۱- در صورت عدم حضور برخی از اعضای کمیسیون، امتیاز دأوطلب به شرح ذیل محاسبه میشود:

۵۰* (مجموع امتیازات قابل اکتساب ممکن از اعضای حاضر/ امتیاز مکتسبه)
ماده ۲۶ — هریک از اعضای کمیسیون (به استثنای رئیس کمیسیون) باید به منظور بررسی صلاحیت تخصصی دأوطلب، بر حسب اطلاعات در دسترس، گزارشی از عملکرد پیشین وی در نظام بانکی (چنانچه سابقه عملکردی داشته باشد) به انضمام وضعیت فعلی مؤسسه اعتباری ذیربط از حیث وظایف و اختیارات حوزه تحت مسئولیت خود را (چنانچه اطلاعات مربوطه در حوزه تحت مسئولیت اعضای کمیسیون موجود باشد) تهیه و ضمن ارسال نسخه ای از آن به دبیرخانه کمیسیون، در جلسه کمیسیون ارائه نمایند.

ماده ۲۷ — کمیسیون برای احراز صلاحیت تخصصی دأوطلب، حسب مورد باید وی را از حیث موارد ذیل ارزیابی نماید:

۲۷-۱- روند عملکرد گذشته دأوطلب در سمت مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره یا هیأت عامل در نظام بانکی از حیث مواردی از قبیل همکاری با بانک مرکزی در ارائه اطلاعات و اجرای سیاستها و انجام تکالیف، ارائه اطلاعات تسهیلات و تعهدات (فرم های ۲۸/خ)، نسبت کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیرجاری، حدود سرمایه گذاریها، حدود مقرر در تسهیلات و تعهدات اعطایی/ ایجاد شده مربوط به اشخاص مرتبط، حدود مذکور در تسهیلات و تعهدات کلان، وضعیت باز ارزی، نسبت خالص داراییهای ثابت، میزان اضافه برداشتها از منابع بانک مرکزی، مدیریت ریسک، سازوکارهای کنترل داخلی؛

۲۷-۲- میزان شناخت دأوطلب از مؤسسه اعتباری که قصد تصدی سمت مدیریتی را در آن دارد از حیث مواردی چون شناخت صورتهای مالی و توانایی تجزیه و تحلیل آنها، میزان سپردهها، میزان دارایی

ها، کیفیت داراییها، سرمایه، نسبت مطالبات غیرجاری، کیفیت سرمایه، نسبت کفایت سرمایه، نسبتهای مالی، سهم بازار، مختصات و ویژگیهای خاص مؤسسه اعتباری، ترکیب سهامداران؛
۲۷-۳- برنامه کاری آتی داوطلب در مؤسسه اعتباری متبوع به لحاظ ارتقای شاخصهای مذکور در ردیفهای فوق.

ج- ترتیبات پس از مصاحبه

ماده ۲۸ — صورتجلسه مصاحبه شامل تاریخ تشکیل، نام حاضرین در جلسه شامل اعضای کمیسیون، مطلعین دعوتشده، دبیر جلسه و مصاحبهشونده، موضوعات و نتیجهی هر یک از مصاحبهها، توسط دبیر جلسه تنظیم شده و به امضای اعضای کمیسیون و دبیرجلسه میرسد و یک نسخه از آن به همراه سایر مدارک، توسط دبیرخانه کمیسیون بایگانی میشود.

ماده ۲۹ — دبیرخانه کمیسیون، صورتجلسه نهایی را متضمن مجموع امتیازات فرد از حیث سوابق کاری، تحصیلی و مصاحبه تخصصی تنظیم نموده و پس از تأیید توسط اعضای کمیسیون، برای تأیید نهایی به رییسکل بانک مرکزی ارایه مینماید.

ماده ۳۰ — در صورتی که صلاحیتهای عمومی یا تخصصی داوطلب مورد تأیید قرار نگیرد، دبیرخانه کمیسیون مراتب را طی نامه ای به متقاضی اعلام مینماید.

تبصره — چنانچه داوطلب، حائز حد نصاب لازم در مصاحبه تخصصی کمیسیون نگردد یا به هر دلیل دیگری، صلاحیت حرفه ای وی تأیید نشود، معرفی مجدد وی برای بار اول تا سه ماه، برای بار دوم تا شش ماه و برای دفعات بعد تا یک سال پس از تاریخ مصاحبه ای قبلی یا عدم تأیید صلاحیت حرفه ای وی میسر نخواهد بود.

ماده ۳۱ — چنانچه صلاحیت حرفه ای داوطلب مورد تأیید قرار گرفته باشد، دبیرخانه کمیسیون برای وی تأییدیه صلاحیت حرفه ای صادر خواهد نمود.

ماده ۳۲ — مؤسسه اعتباری موظف است حداکثر ظرف شش ماه پس از صدور تأییدیه صلاحیت حرفه ای توسط بانک مرکزی، احکام انتصاب یا ابقای مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره مؤسسه اعتباری را به بانک مرکزی ارسال نماید. در غیر این صورت مراتب مجدداً جهت تصمیم گیری به کمیسیون ارجاع میشود.

فصل ششم: ترتیبات سلب صلاحیت حرفه ای

ماده ۳۳ — کمیسیون در صورت حصول هر یک از موارد زیر، اقدام به سلب صلاحیت حرفه ای مدیران مؤسسه اعتباری مینماید:

۳۳-۱- فرد برای اخذ تأییدیه صلاحیت حرفه ای، اطلاعات کذب ارائه نموده و یا برخی اطلاعات را کتمان کرده باشد؛

۳۳-۲- بنا بر گزارش های دریافتی از مراجع ذیربط، فرد فاقد هر یک از شرایط عمومی مقرر در این مقررات گردد و یا صلاحیت فردی وی از سوی مراجع مسئول، مردود اعلام شود؛

۳۳-۳- بر اساس گزارش ادارات نظارتی/ حوزه های مختلف بانک مرکزی که به تأیید معاون نظارتی بانک مرکزی رسیده است، فرد مقررات و ضوابط بانکی را نقض نموده و یا به اخطار بانک مرکزی توجه ننموده باشد.

تبصره ۱- مدت محرومیت مدیری که صلاحیت حرفه ای وی سلب شده از تصدی مجدد سمت مدیریتی، حداقل شش ماه و حداکثر دو سال می باشد که توسط کمیسیون تعیین می گردد.

تبصره ۲- اقدام به سلب صلاحیت حرفه ای مدیران متخلف، منافاتی با امکان معرفی آنها به هیأت انتظامی بانک ها جهت اعمال مجازات های انتظامی ندارد.

ماده ۳۴- در صورت وقوع هر یک از موارد موضوع ماده ۳۳ دستورالعمل، با اعلام معاون نظارتی بانک مرکزی، دبیرخانه کمیسیون، تاریخ تشکیل جلسه رسیدگی را که حداکثر تا یک هفته پس از اعلام مذکور خواهد بود، تعیین کرده و عنداللزوم از فرد برای حضور در جلسه دعوت می نماید.

ماده ۳۵- در صورت سلب صلاحیت حرفه ای فرد، دبیرخانه کمیسیون، مراتب را به مؤسسه اعتباری ذیربط اعلام می نماید.

فصل هفتم: سایر

ماده ۳۶- در صورت عدم تأیید صلاحیت حرفه ای داوطلب توسط بانک مرکزی، تصدی سمت مدیریتی در مؤسسه اعتباری توسط وی امکان پذیر نمی باشد. همچنین در صورت سلب صلاحیت حرفه ای مدیر، از تاریخ اعلام به وی، مدیر از سمت مربوطه منفصل می گردد. مؤسسه اعتباری باید پس از وصول مراتب سلب صلاحیت حرفه ای مدیر، نسبت به تمهید مقدمات لازم جهت انتخاب و تأیید صلاحیت حرفه ای مدیر جدید اقدام نماید. تصدی سمت مدیریتی در مؤسسات اعتباری بدون داشتن تأییدیه صلاحیت حرفه ای، در حکم دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب می شود.

ماده ۳۷ — چنانچه بنا به هر دلیل از جمله سلب صلاحیت حرفه ای اعضای هیأت مدیره توسط بانک مرکزی، تعداد اعضای هیأت مدیره کمتر از حد نصاب مقرر شود، اعضای علی البدل متصدی سمت های خالی می گردند. در صورتی که عضو علی البدل به تعداد کافی وجود نداشته باشد، لازم است با رعایت مفاد اساسنامه و این مقررات نسبت به انجام تشریفات مقرر جهت تکمیل اعضای هیأت مدیره اقدام گردد.

«دستورالعمل نحوه ی احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیران مؤسسات اعتباری» که در ماده و ۱۲ تبصره در بیست و نهمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۶ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی به تصویب رسیده و از تاریخ ابلاغ آن، لازم الاجرا شده و از آن تاریخ، «دستورالعمل احراز و سلب صلاحیت حرفه ای مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره مؤسسات اعتباری» مصوب چهل و نهمین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۶/۱۳ کمیسیون اعتباری بانک مرکزی و اصلاحات پس از آن ملغی گردیده، با الحاق تبصره ی جدیدی به ماده (۴) آن در چهاردهمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۸/۶ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری اصلاح گردید.

جدول شماره ۱- نحوه محاسبه امتیاز سوابق کاری داوطلب

ردیف	محل یا موضوع فعالیت	سمت داوطلب	ضریب سمت
۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	عضو هیأت عامل و معاونین	۱/۵
		مدیر کل	۱
		مدیران ادارات	۰/۹
		معاون و رئیس گروه	۰/۷
		سایر مشاغل	۰/۵
	مؤسسه اعتباری	مدیر عامل و عضو هیأت مدیره	۱
		قائم مقام و سایر اعضای هیأت عامل	۰/۹
		مدیر ارشد/ سایر مدیران	۰/۸
		روسای شعب/ کارشناسان/ بازرسان	۰/۶
		سایر مشاغل	۰/۴
	صندوق های قرض الحسنه و تعاونی های اعتبار مجاز	مدیر عامل و عضو هیأت مدیره/ امنا	۰/۷
		سایر مشاغل	۰/۳
۲	شرکت های لیزینگ	مدیر عامل و عضو هیأت مدیره	۰/۶
		سایر مشاغل	۰/۳
۳	قوای سه گانه و نهادها و سازمان های حکومتی وابسته به آنها، نیروهای مسلح، شرکت ها و مؤسسات دولتی و همچنین نهادهای عمومی غیر دولتی	نماینده مجلس شورای اسلامی، بالاترین مقام اجرایی و اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل	۰/۶
		مدیریت ارشد که حداکثر تا دو سطح ذیل بالاترین مقام اجرایی فعالیت می نماید	۰/۵
		کارشناس	۰/۳
		سایر مشاغل	۰/۲
		مدیر حسابرسی	۰/۶
۴	مؤسسات حسابرسی	سرپرست حسابرسی	۰/۵
		حسابرس ارشد	۰/۴
		حسابرس	۰/۳
		مدیر عامل و عضو هیأت مدیره	۰/۴
۵	مؤسسات فعال در بازار سرمایه (از جمله شرکت های تامین سرمایه، کارگزاری، سرمایه گذاری سهامی عام و خاص، هلدینگ سهامی عام و خاص و)	سایر رده های مدیریتی	۰/۳
		مدیر عامل	۰/۳
۶	صرافی ها	مدیر عامل و عضو هیأت مدیره	۰/۳
		سایر مشاغل	۰/۱
۷	سایر	مدیر عامل و عضو هیأت مدیره	۰/۳
		سایر رده های مدیریتی	۰/۲
		کارشناس	۰/۱

جدول شماره ۲- نحوه محاسبه سوابق تحصیلی داوطلب

- ۱- کلیه مدیرانی که مستقیماً زیر نظر اعضای هیأت عامل فعالیت می نمایند و به فعالیت های اصلی و کنترلی بانک اشتغال دارند از جمله: مدیر اعتبارات، مدیر امور مالی، مدیر سرمایه گذاری، مدیر واحد حسابرسی و بین الملل.
- ۲- از جمله رؤسای سرپرستی مناطق و مدیران ادارات.

امتیاز	رشته تحصیلی	آخرین مدرک تحصیلی	ردیف
۱۰۰	مدیریت (گرایش های مرتبط به تشخیص بانک مرکزی)، حسابداری، اقتصاد، حقوق	دکتری	۱
۷۰	ریاضی، آمار، مهندسی کامپیوتر، مهندسی صنایع		
۳۰	سایر رشته ها		
۸۰	مدیریت (گرایش های مرتبط به تشخیص بانک مرکزی)، حسابداری، اقتصاد، حقوق	کارشناسی ارشد	۲
۶۰	ریاضی، آمار، مهندسی کامپیوتر، مهندسی صنایع		
۲۵	سایر رشته ها		
۷۰	مدیریت (گرایش های مرتبط به تشخیص بانک مرکزی)، حسابداری، اقتصاد، حقوق	کارشناسی	۳
۵۰	ریاضی، آمار، مهندسی کامپیوتر، مهندسی صنایع		
۲۰	سایر رشته ها		

جدول شماره ۳- نحوه محاسبه سوابق مدیریتی داوطلب برای احراز سمت مدیر عامل

ردیف	محل یا موضوع فعالیت	سمت داوطلب	ضریب سمت
۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	عضو هیأت عامل و معاونین	۱/۵
		مدیران کل	۱
		مدیران	۰/۸
		معاون و رئیس گروه	۰/۶
	مؤسسه اعتباری	مدیرعامل	۱
		قائم مقام و سایر اعضای هیأت عامل، عضو هیأت مدیره موظف و غیرموظف	۰/۹
		مدیر ارشد	۰/۸
		سایر مدیران رؤسای شعب بالاتر از درجه ۲	۰/۷
	صندوق های قرض الحسنه و تعاونی های اعتبار مجاز	مدیرعامل و عضو هیأت مدیره / امنا	۰/۵
۲	شرکت های لیزینگ	مدیرعامل و عضو هیأت مدیره	۰/۵
۳	قوای سه گانه و نهادها و سازمان های حکومتی وابسته به آنها، نیروهای مسلح، شرکت ها و مؤسسات دولتی و همچنین نهادهای عمومی غیردولتی	نماینده مجلس شورای اسلامی، بالاترین مقام اجرایی و اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل	۰/۸
		مدیریت ارشد که حداکثر تا دو سطح ذیل بالاترین مقام اجرایی فعالیت می نماید	۰/۶
۴	مؤسسات حسابرسی	مدیر حسابرسی	۰/۵
		سرپرست حسابرسی	۰/۳
۵	مؤسسات فعال در بازار سرمایه (از جمله شرکت های تأمین سرمایه، کارگزاری، سرمایه گذاری سهامی عام و خاص، هلدینگ سهامی عام و خاص و)	مدیرعامل و عضو هیأت مدیره	۰/۴
۶	سایر	مدیرعامل و عضو هیأت مدیره	۰/۴

۲۰- بخشنامه شماره ۹۷/۳۴۴۳۳۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۱؛ تغییر معیار پرداخت سود سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی از روزشمار به ماه شمار؛ حداقل مانده حساب در ماه مبنای محاسبه سود سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک، موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، به استحضار می‌رساند بررسی وضعیت سپرده های سرمایه گذاری مدت دار شبکه بانکی کشور از ابتدای سال جاری و مقایسه آن با سال های اخیر، مؤید افزایش میزان رشد و سهم سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت شبکه بانکی در مقایسه با سپرده های سرمایه گذاری بلندمدت بوده و بیانگر آن است که میزان سیالیت منابع شبکه بانکی افزایش یافته است. چنین وضعیتی ضمن ایجاد نا اطمینانی و افزایش ریسک نقدینگی برای بانکها و مؤسسات اعتباری، موجب افزایش هزینه های آنها از طریق رقابت ناسالم برای حفظ منابع گردیده است. تداوم این امر، ضمن آن که به عدم ثبات و ناپایداری منابع در شبکه بانکی منجر می‌شود، موجب افزایش تنگناهای مالی و اعتباری شبکه بانکی گردیده و به تبع آن، تسهیلات دهی به آحاد جامعه و فعالان اقتصادی به ویژه بخش های تولیدی کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از سوی دیگر، باید در نظر داشت که عدم ثبات و ناپایداری منابع در شبکه بانکی و افزایش سیالیت سپرده های سرمایه گذاری مدت دار، عاملی جهت فراریت منابع مذکور به نفع فعالیت های سفته بازانه و تشدید تلاطمات سایر بازارها خواهد بود.

با عنایت به مراتب مذکور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در راستای سلسله اقدامات و تدابیر سیاستی و نظارتی اخیر خویش و با هدف ثبات بخشی به وضعیت فعلی اقتصاد، مدیریت نقدینگی و افزایش ثبات و ماندگاری سپرده ها نزد شبکه بانکی کشور در صدد برآمد نسبت به تغییر معیار پرداخت سود علی الحساب سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی توسط شبکه بانکی کشور اقدام نماید. همان گونه که استحضار دارند؛ تا پیش از سال های ابتدایی دهه ۱۳۸۰ و به موجب ماده (۲۲) «دستور العمل اجرایی قبول سپرده»، مصوب پانصد و چهاردهمین جلسه مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۸ شورای محترم پول و اعتبار، ملاک محاسبه سهم سود علی الحساب سپرده گذاران در سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی، حداقل مانده سپرده های مذکور در هر ماه بود. لیکن بعدها با توجه به مقتضیات زمانی و همچنین شرایط بانکها و مؤسسات اعتباری، رویه یاد شده دستخوش تغییر شد و مبنای پرداخت سود علی الحساب سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت بر پایه کمترین مانده در هر روز تعیین گردید. بر این اساس، پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در این رابطه در یک هزار و دویست و شصت و دومین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ شورای محترم پول و اعتبار مطرح و مقرر گردید:

"معیار پرداخت سود سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی از روزشمار به ماه شمار تغییر یابد؛ به گونه ای که حداقل مانده حساب در ماه مبنای محاسبه سود سپرده های مزبور باشد. همچنین، مقرر شد یک ماه پس از تاریخ ابلاغ مصوبه و تمهید مقدمات و زیر ساخت های لازم در شبکه بانکی کشور طی آن مقطع زمانی، مراتب در بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به اجرا درآید. لذا، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظفند اطلاع سانی لازم را در این رابطه به سپرده گزاران خود معمول دارند."

با عنایت به مراتب پیشگفته و تأکید بر این که لازم است از ابتدای بهمن ماه سال جاری، محاسبه سهم سود علی الحساب سپرده های کوتاه مدت عادی به شرح مذکور در فوق انجام پذیرد و ضمن یادآوری این که به موجب مصوبات قبلی شورای محترم پول و اعتبار ابلاغی طی بخشنامه های متعدد از جمله بخشنامه شماره ۹۶/۱۷۳۷۹۳ مورخ ۱۳۹۶/۶/۵، حداکثر نرخ سود علی الحساب برای سپرده های کوتاه مدت عادی ۱۰ درصد سالانه است، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶، به تمامی واحدهای آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده، تمهیدات لازم برای اجرای دقیق مصوبه فوق الذکر اتخاذ گردیده و با اطلاع سانی مناسب و مقتضی به سپرده گزاران محترم، بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آید. بدیهی است بانک مرکزی علاوه بر رصد عملکرد شبکه بانکی در این خصوص، نحوه عمل شرکت های پشتیبانی فنآوری اطلاعات بانکها و مؤسسات اعتباری را نیز تحت پایش خواهد داشت و در صورت مشاهده و کشف هرگونه مغایرت یا هرگونه اقدامی که منجر به کتمان و یا غیرواقعی جلوه دادن رویدادهای مالی شود، شرکت های مذکور در فهرست اشخاص فاقد شرایط و صلاحیت لازم برای همکاری با شبکه بانکی کشور قرار خواهند گرفت.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

حمیدرضا غنی آبادی محمد خدایاری

۳۸۳۱-۰۲

۳۲۱۵-۰۲

۲۱- بخشنامه شماره ۹۷/۳۶۲۰۱۳ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲؛ ابلاغ "دستورالعمل نحوه پذیرش اوراق اسناد مالی اسلامی به عنوان ضمانت اعطای تسهیلات به پیمانکاران مجری طرح های عمرانی" موضوع بند «ح» ذیل تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور

مدیران عامل محترم بانک های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک، موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما؛ به استحضار می رساند؛ وفق بند «ح» تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، «بانک های عامل مکلفند نسبت به پذیرش اوراق اسناد مالی اسلامی به عنوان ضمانت تسهیلات پرداختی به پیمانکاران مجری طرح های عمرانی اقدام نمایند». حسب فراز پایانی حکم قانونی مذکور، تدوین و ابلاغ دستورالعمل مربوط به آن، بر عهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نهاده شده است. لذا در اجرای تکلیف قانونی مذکور، «دستورالعمل نحوه پذیرش اوراق اسناد مالی اسلامی به عنوان ضمانت اعطای تسهیلات به پیمانکاران مجری طرح های عمرانی» که با مشارکت دستگاه ها و نهادهای ذیربط از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار تهیه شده و در سیزدهمین جلسه کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی به تصویب رسیده است، به شرح پیوست برای استحضار ایفاد می شود. در این رابطه، شایان ذکر است توثیق برخی از انواع اوراق مالی اسلامی از جمله اسناد خزانه اسلامی نزد شبکه بانکی کشور در اجرای احکام و ضوابط اجرایی قوانین بودجه سالانه کل کشور، مسبوق به سابقه بوده و مدیریت کل اعتبارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز سابقا طی بخشنامه شماره ۹۶/۲۵۱۷۸۵ مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۰ بر این مهم تأکید نموده است. مزید استحضار؛ فرآیند توثیق اوراق اسناد مالی اسلامی همچون سایر اوراق بهادار ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار، باید از طریق مراجعه به «شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه» و آرایه فرم توثیق تکمیل شده و امضای طرفین (وثیقه گذار و وثیقه گیر) انجام پذیرد.

در خاتمه، ضمن تأکید بر ضرورت و اهمیت اجرای حکم قانونی صدرالذکر حسب درخواست پیمانکاران واجد شرایط، مقتضی است دستور فرمایند مراتب با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای مربوط در آن بانک/ مؤسسه اعتباری ابلاغ شده و ضمن تدارک فوری تمهیدات و مقدمات لازم برای اجرای دقیق مفاد مصوبه مذکور، بر حسن اجرای آن نظارت به عمل آید.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
حمیدرضا غنی آبادی حسین معصومی
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۳۱-۰۴

- دستورالعمل نحوه پذیرش اوراق اسناد مالی اسلامی به عنوان ضمانت اعطای تسهیلات به پیمانکاران مجری طرح های عمرانی
- موضوع بند «ح» ذیل تبصره (۱۶) قذو نه و بجه سال ۱۳۹۷ کل گد (ر)
- در اجرای حکم مقرر در بند «ح» ذیل تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، «دستورالعمل پذیرش اوراق اسناد مالی اسلامی به عنوان ضمانت اعطای تسهیلات به پیمانکاران مجری طرح های عمرانی» که از این پس «دستورالعمل» نامیده می شود، تدوین و ابلاغ می گردد.
- ماده ۱- در این دستورالعمل اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می روند:
- الف- قانون: قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور؛
- ب- بانک: بانک های عامل موضوع قانون که به موجب قوانین مربوط و یا با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده و تحت نظارت آن بانک در چهارچوب اساسنامه مصوب به عملیات بانکی اشتغال دارند؛
- ج- تسهیلات: تسهیلات قابل پرداخت به پیمانکاران مجری طرح های عمرانی موضوع بند «ح» تبصره (۱۶) قانون؛
- د- اوراق بهادار اسلامی: «اوراق اسناد مالی اسلامی» بانام یا بی نام موضوع بند (ح) تبصره (۱۶) قانون از قبیل اوراق مشارکت، صکوک و اسناد خزانه اسلامی که به موجب قوانین و مقررات مربوط یا مجوز دولت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا سازمان بورس و اوراق بهادار به قیمت اسمی مشخص برای مدتی معین منتشر می شود.
- ه- شرکت: شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سهامی عام) که طبق بند (۷) ماده یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است.
- و- متقاضی: پیمانکار مجری طرح های عمرانی که شامل مشاوران، سازندگان و تأمین کنندگان تجهیزات طرح های عمرانی و شخص حقیقی یا حقوقی که طرف دیگر امضاکننده پیمان است و دارنده یا مالک اوراق بهادار اسلامی بوده و وفق قانون، مفاد این دستورالعمل و سایر مقررات مربوط ابلاغی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، درخواست اخذ تسهیلات از محل ضمانت یا وثیقه گذاری اوراق مذکور را دارد.
- ماده ۲- بانک مکلف است با رعایت مفاد این دستورالعمل و سایر مقررات مربوط، نسبت به پذیرش انواع اوراق بهادار اسلامی به عنوان ضمانت تسهیلات پرداختی به متقاضی اقدام نماید.
- ماده ۳- توثیق کلیه اوراق بهادار اسلامی منتشره از طریق بازار پول در بانک عامل و گذاری اوراق مذکور از طریق «سامانه سیما» جهت ضمانت اخذ تسهیلات بانکی، تا پیش از معاملات ثانویه اوراق یادشده در سازمان بورس اوراق بهادار نیز امکان پذیر می باشد.

تبصره - چگونگی توثیق اوراق یادشده به منظور ضمانت اخذ تسهیلات بانکی میبایست با هماهنگی متقاضی با بانک تسهیلات دهنده صورت پذیرد .

ماده ۴- آن دسته از اوراق بهادار اسلامی که با تضمین بانک و یا مؤسسات اعتباری غیربانکی منتشر می‌گردد، از شمول اوراق بهادار اسلامی موضوع این دستورالعمل مستثنی می‌باشد .

ماده ۵- بانک مکلف است قبل از اعطای تسهیلات، بدوا در خصوص صحت و اصالت اوراق بهادار اسلامی که توسط متقاضی ارائه شده، میزان نقد شوندگی و نیز سهل‌البیع بودن اوراق مزبور در جهت حفظ منابع خود و حقوق سپرده‌گذاران، به طرق مقتضی اطمینان حاصل نماید .

ماده ۶- فرآیند توثیق اوراق بهادار اسلامی جهت ضمانت اخذ تسهیلات بانکی همچون سایر اوراق بهادار ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار از طریق معرفی نماینده یا صاحب امضا از سوی بانک و مراجعه به شرکت و طی مراحل تعیین شده و نیز امضاء و ارائه فرم توثیق تکمیل شده از سوی طرفین (وثیقه‌گذار و وثیقه‌گیر) انجام می‌پذیرد . سازوکار اجرایی مربوط به نحوه توثیق اوراق ارائه شده توسط متقاضی و متعلقات آن، شامل سود متعلقه، حق تقدم متعلقه و غیره حسب نوع سند، فرآیند رفع توثیق و همچنین شیوه تکمیل اسناد و فرم‌های مربوطه بر اساس دستورالعمل توثیق اوراق بهادار و سایر ضوابط و مقررات مورد عمل سازمان بورس و اوراق بهادار و شرکت خواهد بود .

ماده ۷- وجوه حاصل از سررسید نهایی اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی، در حکم اصل اوراق بوده و پس از سررسید نیز تا زمان تعیین تکلیف قطعی قرارداد توثیق، نزد شرکت باقی خواهد بود .

ماده ۸- پس از تحقق ضمانت از طریق توثیق اوراق بهادار اسلامی، حسب نوع سند حق تغییر مالکیت یا تبدیل وثیقه به غیر از موارد زیر، از وثیقه‌گذار سلب می‌شود .

الف- اجازه کتبی مؤسسه اعتباری

ب- حکم مرجع ذیصلاح قانونی

ماده ۹- مفاد این دستورالعمل به هیچ وجه نافی اجرای سایر ضوابط و مقررات ناظر بر اعطای تسهیلات و خدمات بانکی ابلاغی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (از جمله الزامات حاکم بر اعتبارسنجی دقیق متقاضی و ضرورت سنجش وضعیت چک برگشتی و بدهی غیرجاری وی و یا سایر مقررات مربوط) نمی‌باشد .

این «دستورالعمل» در ۹ ماده و ۱ تبصره در سیزدهمین جلسه مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۹ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری به تصویب رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا می باشد.

۲۲- بخشنامه شماره ۹۷/۳۶۲۰۳۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲؛ ابلاغ مصوبه شورای عالی امنیت ملی در خصوص امکان اعطای خدمات بانکی به اتباع غیرایرانی دارای مدرک اقامت ویژه

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک، موسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، پیرو بخشنامه شماره ۹۲/۷۳۷۲۵ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳، موضوع ابلاغ تعریف «اجازه اقامت دائم اتباع بیگانه در جمهوری اسلامی ایران» - به عنوان شرط لازم برای بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات بانکی - که توسط اداره مهاجرت و گذرنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ارایه شده، بدین‌وسیله ضمن ایفاد تصویر نامه شماره ۱۴۴۱۳۸ مورخ ۱۳۹۷/۸/۷ معاون محترم امنیتی و انتظامی وزارت کشور متضمن ابلاغ مصوبه شورای عالی امنیت ملی در خصوص اعطای اقامت و تسهیلات ویژه برای برخی از اتباع غیرایرانی دارای شرایط خاص، به استحضار می‌رساند؛ با هماهنگی پلیس مهاجرت و گذرنامه ناجا، «مدرک اقامت ویژه» به صورت دفترچه‌ای با جلد سبز رنگ برای برخی از اتباع غیرایرانی صادر شده که دارندگان آن می‌توانند در طول مدت اقامت قانونی خود، از خدمات سازمان‌های دولتی، عمومی و خصوصی از جمله افتتاح انواع حساب‌های بانکی و دریافت تسهیلات از بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی با رعایت مقررات مربوط استفاده نمایند.

با عنایت به آنچه فوقاً عنوان گردید، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶، به تمامی واحدهای آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ شده و بر حسن اجرای آن با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه از جمله مقررات ناظر بر مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، نظارت دقیق معمول گردد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

حمیدرضا غنی‌آبادی الهام چیت‌سازان

۳۸۳۱-۰۱

۳۲۱۵-۰۲

۲۳- بخشنامه شماره ۹۷/۴۲۹۷۶۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۴؛ ابلاغ بخش دوم و پایانی ترجمه بال (۳)

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران - ونزوئلا

با سلام؛

احتراماً، همان گونه که مستحضرنده تلاش به منظور حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی همواره یکی از دغدغه های نهادهای نظارت بانکی کشورها و همچنین مؤسسات و نهادهای بین المللی از جمله کمیته نظارت بانکی بال بوده است. کمیته بال، به عنوان اصلی ترین نهاد بین المللی در خصوص تدوین استانداردها و رهنمودهای نظارت بانکی، از دهه ۱۹۸۰ با انتشار اسناد و مستندات مختلف، سطح استانداردهای مربوط به الزامات احتیاطی که مهم ترین آن حداقل الزامات کفایت سرمایه است را ارتقاء داده است. این کمیته، در سال ۱۹۸۸ استاندارد نحوه محاسبه کفایت سرمایه بانکها موسوم به بال (۱) را منتشر کرد. با توجه به محدودیت های سند بال (۱) و نیز گسترش سطح پیچیدگی بازارهای مالی که ارتباط تنگاتنگی با سیستم بانکی داشت، در سال ۱۹۹۹، کمیته بال چارچوب جدیدی را با هدف ارتقای ثبات و سلامت سیستم های بانکی و حفظ سطح مناسب سرمایه ارایه نمود که منجر به تدوین چارچوب مقررات بال (۲) شد. از جمله ویژگی های برجسته مقررات بال (۲) باید به وجود سه رکن (Pillar) اصلی در آن اشاره کرد: ۱. حداقل سرمایه مورد نیاز ۲. فرآیند بررسی نظارتی و ۳. نظم بازار.

هم زمان با دوره زمانی مربوط به اجرایی کردن استاندارد بال (۲)، با شکل گیری بحران مالی در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی که به بخش بانکی سرایت کرد و باعث کاهش سطح ثبات و سلامت سیستم بانکی گردید، کمیته بال به دنبال رفع کاستی های موجود در سند بال (۲) گردید. لذا به منظور رفع کاستی های مذکور در دست یابی به اهداف اولیه از جمله تضمین سلامت و ثبات سیستم بانکی و نیز وقوع بحران مالی که حاکی از عدم کفایت سطوح سرمایه نهادهای بانکی و پایین آمدن کیفیت سرمایه بانکها بود، تغییراتی در مقررات و استانداردهای بال ایجاد شد که نهایتاً تحت عنوان قوانین و مقررات بال (۳) ارایه گردید.

البته شایان ذکر است، معرفی مقررات بال (۳) به معنی کنار رفتن استاندارد بال (۲) نبوده و باید به عنوان سندی مکمل در کنار سند بال (۲) باید در نظر گرفته شود. سند بال (۳) بیشتر ناظر بر صورت نسبت کفایت سرمایه یعنی سرمایه نظارتی است. چارچوب مقررات معرفی شده در سند بال (۳) بر افزایش سطح استحکام و انعطاف پذیری سیستم بانکی استوار است. چرا که سیستم بانکی مستحکم و مقاوم در برابر بحران، پایه رشد اقتصادی پایدار در هر کشوری به شمار می آید. سند بال (۳) بیانگر اصلاحات انجام گرفته در سند بال (۲) توسط کمیته بال به منظور تقویت قواعد مربوط به سرمایه و نقدینگی با هدف بهبود سطح انعطاف و مقاومت بخش بانکی می باشد. از جمله مهم ترین

ویژگی های سند بال (۳) باید به ارتقاء کیفیت و کمیت سرمایه اشاره نمود. بر این اساس، توجه خاصی به باکیفیت ترین بخش سرمایه هر بانک یعنی سهام عادی لایه (۱) یا (CET1) شده است. در سند مذکور نسبت سهام عادی لایه (۱) به دارایی های موزون به ریسک ۴٪/۵ تعیین شده است. همچنین، نسبت سرمایه لایه (۱) باید همواره به میزان حداقل ۶٪ و نسبت کل سرمایه (مجموع سرمایه لایه ۱ و سرمایه لایه ۲) باید همواره حداقل به میزان ۸٪ از دارایی های موزون شده به ریسک باشد. در کنار این الزامات، بال (۳) دو سپر سرمایه حفاظتی و سپر ضد چرخه ای که هر کدام به میزان ۲٪/۵ تعیین شده اند را معرفی نموده است. همچنین، برای بانک های مهم سیستمی، الزامات سرمایه ای بالاتر حداکثر معادل ۲٪/۵ الزامی گردیده است. در واقع، از آنجا که به هم پیوستگی های بیش از حد در میان بانک های مهم سیستمی باعث انتقال شوک های بانکی به سیستم مالی و اقتصادی می گردد، بانک های مهم سیستمی لازم است سرمایه برای جذب زیان فراتر از حداقل استاندارد مورد نیاز داشته باشند که این موضوع در سند بال (۳) مورد توجه قرار گرفته است.

از دیگر مشخصه های مهم سند بال (۳) معرفی نسبت اهرمی است. بر این اساس، کمیته بال، با هدف محدود کردن سطح اهرمی در بخش بانکی و نیز معرفی یک نسبت اضافی برای سرمایه که شفاف، ساده و مستقل از ریسک های اعتباری، عملیاتی و بازار باشد مجموعه الزامات مربوط به نسبت اهرمی را معرفی نموده است.

همان گونه که مستحضرنند، ترجمه بخش اول سند بال (۳) قبلاً طی بخشنامه شماره ۹۶/۲۱۶۹۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۵ ابلاغ گردید. در بخش اول سند مزبور، به موضوعاتی از قبیل مفهوم و تعریف سرمایه و تعیین ویژگی های هر کدام از اجزای سرمایه (CET1، سرمایه لایه (۱)، سرمایه لایه (۲) و انواع سپر سرمایه ای) پرداخته شد. بخش دوم ترجمه سند بال (۳)، مقولات زیر را در بر می گیرد:

❖ تعدیلات نظارتی مربوط به سرمایه؛

❖ الزامات مربوط به افشاء؛

❖ ترتیبات مربوط به دوره گذار در خصوص نگهداری اجزای مختلف سرمایه؛

❖ پوشش ریسک؛

❖ سپر سرمایه حفاظتی و سپر ضد چرخه ای؛

❖ نسبت اهرمی.

با ذکر مقدمه فوق، به پیوست بخش دوم و پایانی ترجمه سند بال (۳) ایفاد می گردد. در نظر است که کل این مجموعه به زودی به شکل یک جا و مدون در قالب کتابی تدوین و منتشر گردد. شایان ذکر است، اداره مطالعات و مقررات بانکی،

از هرگونه اظهار نظر اصلاحی و یا تکمیلی در خصوص سند مزبور استقبال می نماید. امید می رود، با ترجمه و انتشار اسناد معتبر بین المللی بتوان گام مهمی در ارتقاء سطح دانش مدیریت ریسک و سرمایه در بانکها و نیز بهبود نظارت مبتنی بر ریسک توسط بانک مرکزی و همچنین نزدیک شدن چارچوب فعالیت بانکی و نیز سیستم نظارت بانکی به استانداردهای جهانی، برداشت. ان شاء...

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
حمیدرضا غنی آبادی محمد خدایاری
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۱۶



ترجمه سند بال (۳):

«چارچوب مقرراتی جهانی به منظور داشتن

بانک‌ها و سیستم‌های بانکی مقاوم‌تر»

(نسخه اصلاح‌شده: ژوئن ۲۰۱۱)

از انتشارات کمیته نظارت بانک بال

بخش
د و م

معاونت نظارت

بانک مرکزی

جمهوری اسلامی

ایران

بلوار میرداماد، پلاک ۱۹۸

شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)

وب سایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

۵. تعدیلات نظارتی

۱. در این بخش تعدیلات نظارتی که لازم است در محاسبه سرمایه نظارتی اعمال گردد مورد بحث قرار خواهد گرفت. در بیشتر موارد، تعدیلات در خصوص سرمایه سهام عادی لایه ۱ اعمال می گردد.

سرقفلی و سایر دارایی های نامشهود (به جز حقوق خدمات وام رهنی)

۲. سرقفلی و سایر دارایی های نامشهود شامل هر نوع سرقفلی ناشی از ارزش گذاری سرمایه گذاری های قابل توجه در سرمایه مؤسسات بانکی، مالی و بیمه ای که خارج از محدوده تلفیق نظارتی می باشند، باید از محاسبات سرمایه سهام عادی لایه ۱ کسر شود. به استثناء حقوق خدمات وام رهنی، کل میزان سرقفلی و دارایی های نامشهود که خالص از هرگونه بدهی مالیات انتقالی مرتبط است باید کاسته شود که این میزان در صورتی که دارایی های نامشهود تحت استانداردهای حسابداری مرتبط مستهلک شده یا شناسایی نشوند، کاهش خواهد یافت. میزانی که باید در صورت وجود حقوق خدمات وام رهنی کاسته شود در ادامه و در قسمت کسورات آستانه ای بیان خواهد شد.

۳. به شرط تأیید اولیه مقام ناظر، بانک هایی که بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری متداول (GAAP) کشوری اقدام به گزارش گیری مالی می نمایند، می توانند به منظور تعیین اینکه کدام دارایی ها به عنوان نامشهود طبقه بندی می شود و باید از میزان سرمایه کسر شود، تعریف ارایه شده توسط IFRS در خصوص دارایی های نامشهود را مورد استفاده قرار دهند.

دارایی های مالیات انتقالی

۴. دارایی های مالیات انتقالی (DTAs) که مبتنی بر میزان سود آتی شناسایی شده بانک است، باید در محاسبه سرمایه سهام عادی کسر گردد. دارایی های مالیات انتقالی می تواند با بدهی های مالیات انتقالی (DTLs) خالص شود، خالص سازی مزبور تنها در صورتی امکان پذیر است که DTAs و DTLs مربوط به مالیات هایی باشند که توسط یک مرجع مالیاتی وضع شود و خالص نمودن این دو از سوی مرجع مالیاتی مربوطه مجاز شمرده شده باشد. در حالتی که DTAs مربوط به تفاوت های موقت باشد (مثلاً پرداخت های جبرانی بابت زیان های اعتباری)،

آنگاه میزان کسورات از سرمایه باید طبق روش «کسورات آستانه‌ای» که در ادامه اشاره خواهد شد، محاسبه شود. سایر دارایی‌های اینچنین، مانند دارایی‌هایی که مرتبط با زبان‌های عملیاتی می‌باشند، همچون انتقال زبان‌های مالیات استفاده نشده، یا اعتبار مالیات استفاده نشده، لازم است به طور کامل پس از خالص سازی از بدهی‌های مالیات انتقالی همچنان که پیشتر اشاره شد، کاسته شود. میزانی از بدهی‌های مالیات انتقالی که مجاز به خالص سازی در برابر دارایی‌های مالیات انتقالی می‌باشند، نباید شامل مقادیری که قبلاً در برابر کسورات سررقفی، دارایی‌های نامشهود و نیز دارایی‌های طرح بازنشستگی مزایای تعریف شده خالص شده‌اند، باشد و این بدهی باید بین دارایی‌های مالیات انتقالی که روش کسورات آستانه‌ای در مورد آن اعمال می‌شود و نیز دارایی‌های مالیات انتقالی که باید به طور کامل کاسته شود، به طور متناسب تخصیص یابد.

۵. پرداخت اضافی اقساط مالیاتی، یا در برخی کشورها، زبان‌های مالیات سال جاری که از سال‌های گذشته منتقل شده است می‌تواند منجر به ایجاد مطالبه یا حساب دریافتنی از دولت یا مقامات مالیات محلی گردد. در راستای اهداف حسابداری، چنین مقادیری نوعاً به عنوان دارایی‌های مالیات جاری طبقه‌بندی می‌شوند. وصول چنین مطالبه یا حساب دریافتنی متکی به سطح سودآوری آتی بانک نخواهد بود و به منظور موزون به ریسک نمودن این مطالبه، وزن ریسک حاکمیت اعمال می‌گردد.

اندوخته پوشش جریان نقدی

۶. میزان اندوخته پوشش جریان نقدی که مربوط به پوشش اقلامی است که در ترازنامه به روش منصفانه ارزش‌گذاری نشده‌اند (شامل جریان‌های نقدی پیش‌بینی شده) نباید در محاسبه سرمایه سهام عادی لایه ۱ لحاظ گردد. این بدان معنی است که مقادیر مثبت آن باید کاسته و مقادیر منفی آن باید اضافه گردد.

۷. این روش به طور مشخص، بخشی از اندوخته پوشش جریان نقدی را که نباید بر اساس اهداف احتیاطی شناسایی گردد را تعیین می‌نماید. بر این اساس، این رویکرد بخشی که باعث نوسانات ساختگی در سرمایه سهام عادی می‌شود را حذف می‌کند، در حالت مزبور میزان اندوخته تنها بیانگر نیمی از واقعیت است (ارزش منصفانه اوراق مشتقه لحاظ می‌شود اما تغییرات در ارزش منصفانه جریان نقدی آتی پوشش داده شده لحاظ نمی‌گردد).

کسری میزان ذخایر نسبت به زبان‌های قابل انتظار

۸. در صورت وجود کسری میزان ذخایر نسبت به زبان‌های قابل انتظار تحت رویکرد IRB، آنگاه کسورات باید در

محاسبه سرمایه سهام عادی لایه ۱ اعمال گردد. کل این میزان کسری باید از سرمایه سهام عادی لایه ۱ کسر شود و نباید میزان آن بوا سطه اثرات مالیاتی که در صورت افزایش سطح ذخایر به سطح زیان قابل انتظار، پیش‌بینی وقوع آن می‌رود، کم شود.

سود ناشی از فروش مربوط به مبادلات اوراق بهادار سازی

۹. هرگونه افزایش در سرمایه صاحبان سهام که منتج از مبادلات مربوط به اوراق بهادار سازی باشد، همچون مواردی که مرتبط با درآمد حاشیه‌ای آتی^{۱۱} (FMI) بوده و منتج به سود ناشی از فروش می‌شود، در محاسبات سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی نمی‌گردد.

سود و زیان‌های تجمعی بواسطه تغییرات در ریسک اعتباری خود بانک مربوط به تعهدات مالی که به صورت منصفانه ارزش‌گذاری شده‌اند

۱۰. تمامی سود و زیان‌های تحقق‌نیافته که ناشی از تغییرات در ارزش منصفانه تعهدات بواسطه تغییرات در ریسک اعتباری خود بانک بوده‌اند، در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی نمی‌گردند.

دارایی‌ها و تعهدات صندوق بازنشستگی مزایای تعریف شده

۱۱. تعهدات صندوق بازنشستگی مزایای تعریف شده، همان‌گونه که در ترازنامه آمده است، باید به طور کامل در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی شود (به بیان دیگر، سهام عادی لایه ۱ نمی‌تواند از طریق عدم شناسایی این‌گونه تعهدات افزایش یابد). برای هر صندوق بازنشستگی مزایای تعریف شده که به عنوان دارایی در ترازنامه آمده است، دارایی مزبور باید از سرمایه عادی لایه ۱ کسر شود. در این خصوص، سرمایه عادی لایه ۱، خالص از بدهی‌های مالیاتی انتقالی می‌باشد که خالص‌سازی مزبور، بواسطه کاهش ارزش دارایی از طریق عدم شناسایی یا کاهش ارزش ناشی از استهلاک طبق استانداردهای حسابداری مربوط، تقلیل می‌یابد. دارایی‌ها در این صندوق که بانک دسترسی نامحدود به آنها دارد، با تأیید مقام ناظر می‌تواند از کسورات خارج شده و موزون به ریسک می‌گردد. وزن ریسک این‌گونه دارایی‌ها مانند حالتی که بانک مستقیماً آن دارایی‌ها را تحت تملک دارد تعیین می‌گردد.

۱۲. در روش مذکور این ملاحظه در نظر گرفته می‌شود که ممکن است دارایی‌های مربوط به صندوق‌های

^{۱۱} future margin income

بازنشستگی قابل برداشت و استفاده به منظور محافظت از سپرده‌گذاران و دیگر بستانکاران یک بانک در موقع نیاز نباشند. این ملاحظه بیانگر آن است ارزش این دارایی تنها از کاهش در پرداخت‌های آتی صندوق ناشی می‌شود. رویکرد بیان شده در خصوص دارایی‌های صندوق بازنشستگی به بانک‌ها اجازه کاهش سطح کسورات از این بابت در صورتی که ملاحظات مربوطه در نظر گرفته شود و در صورتی که دارایی‌ها بتواند به آسانی و به سرعت از صندوق برداشت گردد را می‌دهد.

سرمایه‌گذاری در سهام خود (سهام خزانه)

۱۳. تمامی سرمایه‌گذاری بانک در سهام عادی خود، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، در محاسبه سهام عادی لایه ۱ کاسته می‌شود (به جز حالتی که طبق استانداردهای حسابداری مربوطه، شناسایی نمی‌گردد). علاوه بر این، هرگونه سهام خود بانک که بانک مزبور طبق قرارداد می‌تواند متعهد به خرید آن باشد باید در محاسبه سهام عادی لایه ۱ کسر گردد. روش بیان شده، صرف نظر از این که منابع در معرض ریسک مربوطه در دفاتر بانکی قرار دارند یا در دفاتر تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، علاوه بر این:

➤ موقعیت‌های خرید ناخالص که از موقعیت‌های فروش در همان منابع در معرض ریسک مربوطه خالص می‌باشند تنها در صورتی که موقعیت‌های فروش هیچ‌گونه ریسک طرف مقابل را در بر نگیرند، می‌توانند مشمول کسورات مذکور در این بند قرار گیرد.

➤ بانک‌ها باید در خصوص نگهداری اوراق بهادار شاخص بازار آذقت نظر داشته باشند که منابع در معرض ریسک مربوط به سهام خود را کسر نمایند. اگرچه، موقعیت‌های خرید ناخالص در سهام خود بانک که منتج از نگهداری اوراق بهادار شاخص بازار است می‌توانند در برابر موقعیت‌های فروش سهام خود که ناشی از اتخاذ موقعیت‌های فروش در همان شاخص مربوطه است، خالص گردند. در این حالت، موقعیت‌های فروش می‌توانند در برگیرنده ریسک طرف مقابل نیز باشند (که مشمول در نظر گرفتن سرمایه برای ریسک اعتباری طرف مقابل خواهد شد).

این نوع کسورات برای جلوگیری از دوبار محاسبه سرمایه بانک ضروری است. برخی از سیستم‌های حسابداری خاص اجازه شناسایی سهام خزانه را نمی‌دهند و بنابراین این کسورات تنها در زمانی که

^{۲۲} Index securities

شنا سایی سهام خزانه در ترازنامه مجاز شمرده شده است، موضوعیت دارد. روش بیان شده به دنبال آن است که امکان محاسبه مجدد ناشی از نگهداری سهام خود به صورت مستقیم یا به صورت غیرمستقیم از طریق صندوق های مبتنی بر شاخص^{۲۳} آتی سهام خود به طور بالقوه که ناشی از تعهدات قراردادی به منظور خرید سهام خود است را از بین ببرد.

با در نظر گرفتن همان رویکرد مشابه که در بالا اشاره شد، بانک ها باید سرمایه گذاری های انجام شده در سرمایه اضافی لایه ۱ خود را در محاسبه سرمایه اضافی لایه ۱ و نیز سرمایه گذاری های انجام شده در سرمایه لایه ۲ خود را در محاسبه سرمایه لایه ۲ کسر نمایند.

سرمایه گذاری دوسویه متقابل در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه ای

۱۴. سرمایه گذاری دوسویه متقابل که به منظور افزایش صوری در سرمایه بانک انجام پذیرفته است به طور کامل کسر می شود. بانک ها ملزم به اتخاذ رویکرد کاهش متناظر^{۲۴} خصوص چنین سرمایه گذاری های بانک در سرمایه دیگر بانک ها، دیگر نهادهای مالی و نهادهای بیمه ای می باشند. این بدان معنی است که کسورات باید در همان لایه سرمایه اعمال شود که در صورت انتشار سرمایه مزبور توسط بانک در آن لایه قرار می گرفت.

سرمایه گذاری های صورت گرفته در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه ای که مشمول تلفیق نظارتی نبوده و بانک بیش از ۱۰٪ سرمایه سهام عادی منتشر شده توسط آن نهاد را در اختیار ندارد

۱۵. تعدیلات نظارتی بیان شده در این بخش در خصوص سرمایه گذاری های صورت گرفته توسط بانک در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه ای که مشمول تلفیق نظارتی نبوده و بانک بیش از ۱۰٪ سرمایه سهام عادی منتشر شده توسط آن نهاد را در اختیار ندارد، اعمال می گردد. علاوه بر این، تعدیلات مزبور شامل موارد ذیل می باشد:

➤ سرمایه گذاری ها به صورت نگهداری ابزارهای سرمایه ای به صورت مستقیم، غیرمستقیم^{۲۵} و ترکیبی. برای مثال، بانک ها باید در خصوص نگهداری اوراق شاخص بازار به منظور تعیین سرمایه های مربوطه

^{۲۳} Index funds

^{۲۴} Corresponding deduction approach

^{۲۵} . سرمایه نگهداری شده به صورت غیرمستقیم شامل منابع در معرض ریسک یا بخشی از آن منابع است که در صورت کاهش ارزش روی داده برای سرمایه نگهداری شده به صورت غیر مستقیم منجر به ایجاد زیان برای بانک به میزان کاهش ارزش برای سرمایه نگهداری شده به صورت مستقیم گردد.

نگهداری شده توسط بانک دقت نظر داشته باشند.^{۲۲۶}

- سرمایه‌گذاری‌های ثبت شده در دفاتر بانکی و دفاتر تجاری در اینجا باید در نظر گرفته شوند. سرمایه شامل سهام عادی و همه انواع دیگر ابزارهای سرمایه‌ای نقد و ترکیبی (از جمله اوراق بدهی تبعی) می‌باشد. در اینجا همچنین موقعیت خرید خالص باید منظور گردد (یعنی موقعیت خرید ناخالص از موقعیت فروش در همان منابع در معرض ریسک مربوطه که سررسید موقعیت فروش مطابق با سررسید موقعیت خرید یا سررسید باقی‌مانده آن کمتر از یکسال می‌باشد، خالص گشته است).
- موقعیت‌های مربوط به پذیره‌نویسی که برای کمتر از پنج روز کاری ایجاد شده‌اند می‌توانند در اینجا لحاظ نگردند. اما موقعیت‌های پذیره‌نویسی که برای بیش از پنج روز کاری ایجاد شده‌اند باید لحاظ گردند.

- چنانچه ابزار سرمایه‌ای نهادی که بانک در آن سرمایه‌گذاری نموده است معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱، سرمایه اضافی لایه ۱، یا سرمایه لایه ۲ بانک را نداشته باشد، این سرمایه باید در راستای اهداف تعدیلات نظارتی به عنوان سهام عادی در نظر گرفته شود.^{۲۲۷}
- با تأیید اولیه مقام ناظر و بر اساس صلاحیدهای ملی، بانک‌ها مجازند سرمایه‌گذاری‌های خاصی را که در راستای اهداف حل و فصل یا کمک مالی به منظور بازسازی یک نهاد بحران‌زده انجام گرفته است، موقتاً در کسورات لحاظ نکنند.

- ۱۶. در صورتی که تمامی انواع سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط بانک که در بالا اشاره گردید در مجموع بیش از ۱۰٪ سهام عادی بانک گردد (بعد از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی به طو کامل که تا قبل از این بخش بیان گردیده است) آنگاه میزان سرمایه‌گذاری بالاتر از ۱۰٪ باید با استفاده از رویکرد کاهش متناظر، کاسته شود. این بدان معنی است که کسورات باید در همان اجزای سرمایه اعمال شود که در صورتی که سرمایه مربوطه فرضاً توسط خود بانک منتشر می‌شد در آن جزء قرار می‌گرفت. بر این اساس، مبلغی که باید از سهام عادی کاسته شود باید این‌گونه محاسبه گردد که کل سرمایه‌گذاری انجام شده توسط بانک که در مجموع بیش از

^{۲۲۶}. در صورتی که دقت نظر و پایش دقیق منابع در معرض ریسک بانک ناشی از تملک سرمایه سایر نهادهای مالی در نتیجه نگهداری اوراق مالی شاخص بازار برای بانک‌ها به صورت عملیاتی امری دشوار بود، آنگاه مقامات مسئول مربوطه می‌توانند مشروط به کسب تأیید اولیه از مقام ناظر به بانک‌ها اجازه دهند که از یک تخمین محتاطانه استفاده نمایند.

^{۲۲۷}. چنانچه سرمایه‌گذاری بانک بواسطه یک نهاد مالی مجاز انجام شده ولی در بخش مرتبط سرمایه نظارتی نهاد مالی قرار نداشته باشد، نیاز به انجام کسورات این سرمایه‌گذاری وجود ندارد.

۱۰٪ سهام عادی بانک است (همان گونه که در بالا اشاره شد) در نسبت سرمایه گذاری بانک در سهام عادی به کل سرمایه گذاری انجام شده در سرمایه توسط بانک ضرب می شود. این روش منجر به کسورات در سهام عادی که متناظر با نسبت کل سرمایه گذاری انجام شده در سرمایه که مربوط به سهام عادی است می گردد. به طور مشابه، مبلغی که باید از سرمایه اضافی لایه ۱ کسر شود این گونه محاسبه می شود که کل سرمایه گذاری انجام شده در سرمایه که بیش از ۱۰٪ سهام عادی بانک است (همان گونه که در بالا اشاره شد) در نسبت سرمایه گذاری بانک در سرمایه اضافی لایه ۱ به کل سرمایه گذاری انجام شده در سرمایه توسط بانک ضرب می شود. مبلغی که باید از سرمایه لایه ۲ کسر شود نیز این گونه محاسبه می شود که کل سرمایه گذاری انجام شده در سرمایه که بیش از ۱۰٪ سهام عادی بانک است (همان گونه که در بالا اشاره شد) در نسبت سرمایه گذاری بانک در سرمایه لایه ۲ به کل سرمایه گذاری انجام شده در سرمایه توسط بانک ضرب می شود.

۱۷. در صورتی که تحت رویکرد کاهش متناظر، بانکی ملزم به اعمال کسورات از یک لایه مشخصی از سرمایه گردید، لکن به میزان کافی سرمایه در لایه مزبور به منظور اعمال کسورات وجود نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از یک لایه بالاتر سرمایه کاسته شود (مثلاً چنانچه بانکی به میزان کافی از سرمایه اضافی لایه ۱ به منظور اعمال کسورات مربوطه را نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از سرمایه عادی لایه ۱ کاسته شود).

۱۸. مقادیری از سرمایه گذاری انجام شده در سرمایه نهاد مالی که پایین تر از سطح آستانه است و مشمول کسورات نمی گردد، لازم است که موزون به ریسک گردد. بنابراین، ابزارهایی که در دفاتر تجاری بانک قرار دارند باید مطابق با قواعد ریسک بازار و ابزارهایی که در دفاتر بانکی قرار دارند باید مطابق با رویکرد رتبه بندی داخلی یا رویکرد استاندارد (در صورت کاربرد) لحاظ گردند. به منظور اعمال ضرایب ریسک، میزان سرمایه گذاری بانک در سرمایه نهاد مالی باید بر یک مبنای متناوب بین مقادیر پایین و مقادیر بالای میزان آستانه تقسیم بندی شود.

سرمایه گذاری های قابل توجه در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه ای که مشمول تلفیق نظارتی نمی باشند^{۲۲۸}

^{۲۲۸}. منظور از سرمایه گذاری های انجام شده در نهادهایی که مشمول تلفیق نظارتی نمی باشند، آن نوع از سرمایه گذاری ها در نهادهایی است که هیچگاه مشمول تلفیق با بانک نبوده اند یا به نحوی که در نتیجه آن دارایی نهادهای مزبور می بایست در محاسبه دارایی های موزون به ریسک گروه تلفیقی در نظر گرفته شود، مشمول تلفیق نشده اند.

۱۹. تعدیلات نظارتی که در این بخش بیان می گردد در خصوص سرمایه گذاری های انجام شده توسط بانک در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه ای که مشمول تلفیق نظارتی نبوده و بانک مالکیت بیش از ۱۰٪ سرمایه سهام عادی منتشر شده توسط نهاد منتشر کننده را در اختیار دارد یا اینکه نهاد مزبور از جمله نهادهای مرتبط با بانک می باشد، اعمال می گردد. علاوه بر این، این تعدیلات در برگیرنده موارد ذیل می باشد:

➤ سرمایه گذاری های مستقیم، غیرمستقیم و ترکیبی در ابزارهای سرمایه ای. برای مثال، بانکها باید در خصوص سرمایه گذاری در اوراق شاخص بازار به منظور تعیین سرمایه گذاری صورت گرفته در یک سرمایه مشخص دقت نظر داشته باشند.^{۲۳۰}

➤ سرمایه گذاری های ثبت شده در دفاتر بانکی و دفاتر تجاری در اینجا باید در نظر گرفته شوند. سرمایه شامل سهام عادی و همه انواع دیگر ابزارهای سرمایه ای نقد و ترکیبی (از جمله اوراق بدهی تبعی) می باشد. در اینجا همچنین موقعیت خرید خالص باید منظور گردد (یعنی موقعیت خرید ناخالص از موقعیت فروش در همان منابع در معرض ریسک مربوطه که سررسید موقعیت فروش مطابق با سررسید موقعیت خرید یا سررسید باقی مانده آن کمتر از یکسال می باشد، خالص گشته است).

➤ موقعیت های مربوط به پذیره نویسی که برای کمتر از پنج روز کاری ایجاد شده اند می توانند در اینجا لحاظ نگردند. اما موقعیت های پذیره نویسی که برای بیش از پنج روز کاری ایجاد شده اند باید لحاظ گردند.

➤ چنانچه ابزار سرمایه ای نهادی که بانک در آن سرمایه گذاری نموده است معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱، سرمایه اضافی لایه ۱، یا سرمایه لایه ۲ بانک را نداشته باشد، این سرمایه باید در راستای اهداف تعدیلات نظارتی به عنوان سهام عادی در نظر گرفته شود.^{۲۳۱}

➤ با تأیید اولیه مقام ناظر و براساس صلاحیتهای ملی، بانکها مجازند سرمایه گذاری های خاصی را

^{۲۳۰} نهاد مرتبط با بانک (affiliate) به عنوان شرکتی تعریف می شود که بانک را کنترل می کند یا اینکه توسط بانک کنترل می شود و یا اینکه هر دو توسط یک نهاد کنترل می گردند. کنترل یک شرکت نیز به این روشها صورت می گیرد: (۱) مالکیت، کنترل یا تملک سرمایه که حق رأی ۲۰٪ یا بیشتر از اوراق مالی صاحب حق رأی شرکت را داشته باشد؛ یا (۲) تلفیق صورتهای مالی شرکت در راستای اهداف گزارشگری مالی.

^{۲۳۱} در صورتی که دقت نظر و پایش دقیق منابع در معرض ریسک بانک ناشی از تملک سرمایه سایر نهادهای مالی در نتیجه نگهداری اوراق مالی شاخص بازار برای بانکها به صورت عملیاتی امری دشوار بود، آنگاه مقامات مسئول مربوطه می توانند مشروط به کسب تأیید اولیه از مقام ناظر به بانکها اجازه دهند که از یک تخمین محتاطانه استفاده نمایند.

^{۲۳۲} چنانچه سرمایه گذاری بانک بواسطه یک نهاد مالی مجاز انجام شده ولی در بخش مرتبط سرمایه نظارتی نهاد مالی قرار نداشته باشد، نیاز به انجام کسورات این سرمایه گذاری وجود ندارد.

که در راستای اهداف حل و فصل یا کمک مالی به منظور بازسازی یک نهاد بحران زده انجام گرفته است، موقتاً در کسورات لحاظ نکنند.

۲۰. تمامی سرمایه گذاری هایی ا شماره شده در بالا که از نوع سهام عادی نمی باشند باید به طور کامل به روش رویکرد کاهش متناظر کاسته شوند. این بدان معنی است که کسورات باید در همان لایه سرمایه اعمال شود که در صورت انتشار سرمایه مزبور توسط بانک در آن لایه قرار می گرفت. در صورتی که تحت رویکرد کاهش متناظر، بانکی ملزم به اعمال کسورات از یک لایه مشخصی از سرمایه گردید، لکن به میزان کافی سرمایه در لایه مزبور به منظور اعمال کسورات وجود نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از یک لایه بالاتر سرمایه کاسته شود (مثلاً چنانچه بانکی به میزان کافی از سرمایه اضافی لایه ۱ به منظور اعمال کسورات مربوطه را نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از سرمایه عادی لایه ۱ کاسته شود).

۲۱. سرمایه گذاری های ذکر شده در بالا که از نوع سرمایه گذاری در سهام عادی می باشند، مشمول اعمال روش آستانه ای که در قسمت بعد توضیح داده می شود، خواهند بود.

کسورات به روش آستانه ای

۲۲. اقلامی که در ادامه می آیند، به جای اعمال کامل کسورات، به طور محدود در محاسبه سهام عادی لایه ۱، به میزان حداکثر ۱۰٪ سهام عادی بانک (بعد از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی که در بندهای ۶۷ تا ۸۵ اشاره گردید) شناسایی می گردند:

➤ سرمایه گذاری قابل توجه در سهام عادی نهادهای مالی تلفیق نشده (بانک، بیمه و سایر نهادهای مالی) همان گونه که در بند ۸۴ مورد اشاره قرار گرفت؛

➤ حقوق خدمات وام رهنی^{۲۲} (MSR)؛ و

➤ دارایی های مالیات انتقالی که ناشی از تفاوت های موقت می باشند.

۲۳. از اول ژانویه سال ۲۰۱۳، بانک ها ملزم به کاهش میزانی از جمع سه اقلام فوق که بیش از ۱۵٪ سهام عادی لایه ۱ (محاسبه شده قبل از اعمال کسورات این سه مورد اما پس از اعمال کلیه تعدیلات نظارتی مربوط به سهام عادی لایه ۱) است، می باشند. اقلامی که در مجموع حد ۱۵٪ را شامل می گردند باید به طور کامل در

^{۲۲} Mortgage servicing rights

صورت‌های مالی افشا کردند. از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۸، محاسبه حد ۱۵٪ به این روش انجام خواهد شد: میزانی از اقلام سه‌گانه مورد اشاره که بعد از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی همچنان شناسایی می‌گردند، نباید بیش از ۱۵٪ سرمایه سهام عادی لایه ۱ گردد، که سرمایه سهام عادی لایه ۱ در اینجا پس از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی محاسبه شده است. پیوست ۲ را به عنوان مثال ملاحظه کنید.

۲۴. میزانی از جمع اقلام سه‌گانه فوق که در محاسبه سرمایه سهام عادی لایه ۱ مشمول کسورات نمی‌گردد، با ضریب ۲۵۰٪ موزون به ریسک خواهد شد.

کسورات قبلی از سرمایه

۲۵. موارد ۱ اشاره شده در ذیل، که تحت رویکرد بال ۲ به میزان ۵۰٪ از سرمایه لایه ۱ و ۵۰٪ از سرمایه لایه ۲ کاسته می‌شدند (و یا اینکه این انتخاب برای آنها وجود داشت که از سرمایه کسر شوند و یا موزون به ریسک گردند)، با ضریب ۱۲۵۰٪ موزون به ریسک خواهند شد:

➤ منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی‌های مشخص؛

➤ منابع در معرض ریسک سرمایه‌گذاری‌های مشخص در سرمایه تحت رویکرد PD/LGD؛

➤ عدم پرداخت/تحويل در مبادلات مربوط به non-DvP و non-PvP؛^{۲۳۳}

➤ سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در مؤسسات تجاری.

۶. الزامات مربوط به افشاء

۲۶. به منظور بهبود سطح شفافیت سرمایه‌گذاری و نیز بهبود نظم بازار، بانک‌ها ملزم به افشای موارد زیر می‌باشند:

➤ تمامی اجزای سرمایه‌گذاری به پشتوانه ترازنامه در صورت‌های مالی حسابرسی شده؛

➤ افشای تمامی تعدیلات نظارتی و اقلامی که طبق بند ۸۷ و ۸۸ مشمول کسر از سرمایه عادی لایه ۱ نشده‌اند، به صورت مستقل و مجزا؛

➤ توضیحی از تمامی محدودیت‌ها و حداقل‌ها، با تعیین اثر مثبت یا منفی که این حدود و حداقل‌ها بر

^{۲۳۳}DvP: Delivery-versus-payment, PvP: Payment-versus-payment

سرمایه خواهد داشت؛

- توضیحی از خصوصیات اصلی ابزارهای سرمایه‌ای منتشر شده توسط بانک؛
- بانک‌هایی که نسبت‌های در برگیرنده اجزای سرمایه نظارتی را افشا می‌کنند (مانند نسبت‌های سهام لایه ۱؛^{۲۱} گسترده لایه ۱؛^{۲۲} سهام عادی مشهود)^{۲۳} باید چنین نسبت‌هایی را با توضیح جامعی از نحوه محاسبه آن‌ها ضمیمه گزارش‌های مالی نمایند.
۲۷. بانک‌ها ملزم می‌باشند که به طور کامل شرایط و ویژگی‌های ابزارهای سرمایه‌ای خود که در سرمایه نظارتی بانک قرار دارند را در پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی خود منتشر نمایند. کمیته بال جزئیات بیشتری در خصوص الزامات افشای مربوط به رکن ۳ را در سال ۲۰۱۱ منتشر می‌نماید.
۲۸. در طول دوره گذار، بانک‌ها ملزم به افشای اجزای خاصی از سرمایه، شامل ابزارهای سرمایه‌ای و تعديلات نظارتی که قواعد مربوط به دوره گذار اثرگذاری مثبتی بر آن اجزا دارد، می‌باشند.

ج) ترتیبات مربوط به دوره گذار

۲۹. ترتیبات مربوط به دوره گذار به منظور اجرای استانداردهای جدید کمک خواهد کرد که بخش بانکی قادر به رعایت استانداردهای سرمایه‌ای بالاتر از طریق عدم توزیع سود و افزایش سرمایه، در حالی که کماکان از اعطای اعتبار به اقتصاد پشتیبانی می‌کند، باشد. ترتیبات مربوط به دوره گذار شامل موارد ذیل می‌باشد:
- (الف) اجرای الزامات در سطح ملی توسط کشورهای عضو از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ شروع می‌شود. کشورهای عضو باید قبل از این تاریخ قواعد مربوطه را در قالب قوانین و مقررات ملی خود ترجمه نمایند. از اول ژانویه سال ۲۰۱۳، بانک‌ها ملزم به رعایت الزامات حداقلی جدید نسبت به دارایی‌های موزون شده به ریسک (RWAs) که در ادامه می‌آید می‌باشند.

- سرمایه عادی لایه ۱ به دارایی‌های موزون به ریسک به میزان ۳.۵٪؛
- سرمایه لایه ۱ به دارایی‌های موزون به ریسک به میزان ۴.۵٪، و
- کل سرمایه به دارایی‌های موزون به ریسک به میزان ۸٪.

^{۲۱} Equity Tier 1

^{۲۲} Core Tier 1

^{۲۳} Tangible Common Equity

(ب) الزامات مربوط به حداقل سرمایه عادی لایه ۱ و سرمایه لایه ۱ بین اول ژانویه سال ۲۰۱۳ تا اول ژانویه سال ۲۰۱۵ لازم الاجراء خواهد بود. در اول ژانویه سال ۲۰۱۳، حداقل الزامات مربوط به سرمایه عادی لایه ۱ (CET1) از ۲٪ فعلی به ۳٫۵٪ افزایش می یابد. الزامات مربوط به سرمایه لایه ۱ نیز از ۴٪ به ۴٫۵٪ افزایش می یابد. در اول ژانویه سال ۲۰۱۴، بانکها ملزم به رعایت حداقل الزامات سهام عادی لایه ۱ به میزان ۴٪ و نیز سرمایه لایه ۱ به میزان ۵٫۵٪ می باشند. در اول ژانویه سال ۲۰۱۵، بانکها باید الزامات ۴٫۵٪ برای سرمایه عادی لایه ۱ و نیز ۶٪ برای سرمایه لایه ۱ را رعایت نمایند. الزامات مربوط به کل سرمایه در سطح ۸٪ فعلی بدون تغییر خواهد ماند. تفاوت بین الزامات مربوط به ۸٪ کل سرمایه و الزامات سرمایه لایه ۱ می تواند به وسیله سرمایه لایه ۲ و یا انواع با کیفیت تر سرمایه تکمیل گردد.

(ج) تعدیلات نظارتی (کسورات و فیلترهای احتیاطی)، شامل مبالغ بالاتر از حد ۱۵٪ مجموع سرمایه گذاری های قابل توجه در نهادهای مالی، حقوق خدمات تسهیلات رهنی، و دارایی های مالیات انتقالی ناشی از تفاوت های موقت، از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ به طور کامل از سرمایه عادی لایه ۱ کسر می گردند.

(د) به طور خاص، انجام تعدیلات نظارتی از ۲۰٪ تعدیلات مورد نیاز سهام عادی لایه ۱ از اول ژانویه سال ۲۰۱۴، ۴۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۵، ۶۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۶، ۸۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۷، شروع و به ۱۰۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ خواهد رسید. در طول این دوره گذار، مبلغ باقی مانده که از سرمایه عادی لایه ۱ کاسته نمی شود، مشمول ترتیبات فعلی کشورهای مختلف خواهد بود. رویکرد مشابهی در خصوص دوره گذار برای کسورات از سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ اعمال خواهد شود. به طور خاص، تعدیلات نظارتی مربوط به سرمایه اضافی لایه ۱ و لایه ۲ از ۲۰٪ تعدیلات مورد نیاز از اول ژانویه سال ۲۰۱۴، ۴۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۵، ۶۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۶، ۸۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۷، شروع و به ۱۰۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ خواهد رسید. در طول این دوره گذار، مبلغ باقی مانده که از سرمایه عادی لایه ۱ کسر نمی شود، مشمول ترتیبات فعلی کشورهای مختلف خواهد بود.

(هـ) نحوه محاسبه سرمایه منتشر شده توسط نهادهای تابعه که در اختیار اشخاص ثالث قرار دارند (مانند حقوق اقلیت) نیز طی دوره زمانی مشخصی صورت خواهد گرفت. در صورتی که طبق بندهای ۶۳ تا ۶۵، چنین سرمایه ای شرایط لازم برای قرار گرفتن در یکی از سه جزء سرمایه را داشته باشد، این موضوع می تواند از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ انجام گیرد. در صورتی که چنین سرمایه ای واجد شرایط قرار گرفتن

در یکی از سه جزء سرمایه نبا شد، لکن طبق رویه های فعلی کشورها در اجزای سرمایه قرار می گیرد، لازم است که ۲۰٪ از آن میزان از اول ژانویه سال ۲۰۱۴، ۴۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۵، ۶۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۶، ۸۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۷، و ۱۰۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۸، از اجزای مرتبط سرمایه کسر شود.

(و) سرمایه تزریق شده فعلی توسط بخش عمومی تا اول ژانویه سال ۲۰۱۸ در محاسبات بدون تغییر باقی خواهد ماند و از کسورات و تعدیلات نظارتی مستثنی می باشد.

(ز) ابزارهای سرمایه ای که دیگر واجد شرایط قرار گرفتن در سرمایه غیر سهامی لایه ۱ یا سرمایه لایه ۲ نمی باشند، از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه خارج می گردند. به منظور تعیین میزان اسمی چنین ابزارهایی که از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ باید به مرور کنار گذاشته شوند، باید شناسایی مبلغ آن ابزارها از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ حداکثر به میزان ۹۰٪ انجام شود، و در ادامه در سال های آتی در هر سال ۱۰٪ از آن میزان کاهش می یابد. این سقف همچنین برای سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ به طور مجزا مورد استفاده قرار می گیرد که در واقع به میزانی از مبلغ ابزارهای سرسید نشده در اختیار بانک که دیگر واجد معیارهای قرار گرفتن در سرمایه مربوطه نمی باشند، باز می گردد. از اول ژانویه سال ۲۰۱۳، به میزانی که یک ابزار سرمایه ای بازخرید می شود، یا شناسایی آن در سرمایه کاهش می یابد، مبلغ اسمی که به عنوان مبلغ پایه شناخته می شود، کاهش نمی یابد. علاوه بر این، در خصوص ابزارهایی که انگیزه ای برای بازخرید آن وجود دارد به روش های زیر عمل خواهد شد:

- برای ابزارهایی که قبل از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سرسید مؤثر استفاده نگردد و بر اساس رویکرد آینده نگر حائز ویژگی های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ باشند، در همان لایه، شناسایی آن ادامه خواهد داشت.
- برای ابزارهایی که اول ژانویه سال ۲۰۱۳ یا پس از آن دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سرسید مؤثر استفاده نگردد و بر اساس رویکرد آینده نگر حائز ویژگی های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ باشند، در همان لایه، شناسایی آن ادامه خواهد داشت. قبل از تاریخ سرسید مؤثر، ابزار مربوطه به عنوان "ابزاری که دیگر واجد

ویژگی‌های قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ و یا لایه ۲ نخواهد بود" در نظر گرفته می‌شود و بنابراین از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه حذف می‌شود.

- برای ابزارهایی که بین ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۰ تا اول ژانویه سال ۲۰۱۳ دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نگردد و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز ویژگی‌های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ نباشند، از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به طور کامل شناسایی آن ابزار در همان لایه از سرمایه نظارتی متوقف خواهد شد.

- برای ابزارهایی که اول ژانویه سال ۲۰۱۳ یا پس از آن دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نگردد و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز ویژگی‌های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ نباشند، از تاریخ سررسید مؤثر به طور کامل شناسایی آن ابزار در همان لایه از سرمایه نظارتی متوقف خواهد شد. قبل از تاریخ سررسید مؤثر، ابزار مربوطه به عنوان "ابزاری که دیگر واجد ویژگی‌های قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ و یا لایه ۲ نخواهد بود" در نظر گرفته می‌شود و بنابراین از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه حذف می‌شود.

- برای ابزارهایی که در ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۰ یا قبل از آن دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نگردد و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز ویژگی‌های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ نباشند، ابزار مربوطه به عنوان "ابزاری که دیگر واجد ویژگی‌های قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ و یا لایه ۲ نخواهد بود" در نظر گرفته می‌شود و بنابراین از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه حذف می‌شود.

۳۰. ابزارهای سرمایه‌ای که معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱ را ندارند، از محاسبات سرمایه عادی لایه ۱ از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ حذف خواهند شد. اگرچه، ابزارهایی که این سه شرط را داشته باشند در یک دوره زمانی مشابه با آنچه در بند ۹۴ (ز) ذکر شده است، به مرور از محاسبات خارج خواهد شد: (۱) توسط

یک شرکت غیر سهامی متشکل شده با شش (۳) تحت استانداردهای حسابداری پذیرفته شده به عنوان سرمایه شناسایی می شوند؛ و (۳) تحت قانون بانکی در سطح ملی به طور نامحدود می توانند به عنوان بخشی از سرمایه لایه ۱ شناسایی شوند.

۳۱. تنها ابزارهایی که قبل از ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۰ متشکل شده اند، واجد شرایط قرار گرفتن در ترتیبات دوره گذار ذکر شده در بالا می باشند.

II. پوشش ریسک

A. ریسک اعتباری طرف مقابل

۳۲. علاوه بر افزایش کیفیت و سطح سرمایه پایه، لازم است اطمینان حاصل شود که تمامی ریسکهای مهم در چارچوب سرمایه، لحاظ شده اند. عدم لحاظ ریسکهای عمده مربوط به بالا و زیر خط ترازنامه، همچنین منابع در معرض ریسک اوراق مرتبط با مشتقه ها، عامل اصلی بروز بحران بوده است. این بخش اصلاحات مربوط به چارچوب ریسک اعتباری طرف مقابل که از ۱ ژانویه ۲۰۱۳ اجرایی می شود را ارائه می دهد.

۱. شاخص بازنگری شده برای بررسی بهتر ریسک اعتباری طرف مقابل، تعدیلات ارزیابی اعتباری و ریسک همبستگی

معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل

منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر با پارامترهای تحت شرایط بحران برای بررسی ریسک کلی همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل

۳۳. به منظور پیاده سازی این تغییرات، پاراگراف جدید ۲۵(i) به بخش ۷ (روش مدل داخلی: اندازه گیری منبع در معرض ریسک و حداقل الزامات)، پیوست ۴ سند بال II اضافه شده و پاراگراف ۶۱ فعلی پیوست ۴ برای بانکهای دارای مجوز برای استفاده از روش مدلهای داخلی به منظور محاسبه سرمایه نظارتی ریسک اعتباری طرف مقابل موسوم به بانکهای IMM، به صورت زیر مورد بازنگری قرار خواهد گرفت:

۲۵(i). به منظور تعیین سرمایه پوششی ریسک نکول برای ریسک اعتباری طرف مقابل همان گونه که در پاراگراف ۱۰۵ تعریف شد، بانکها باید سرمایه پوششی بالاتر از سطح پرتفوی (بدون منظور کردن

۳۳۷. شرکت های غیر سهامی (Non-joint stock companies) مورد توجه توافقنامه سال ۱۹۹۸ کمیته بال در خصوص ابزارهای واجد شرایط قرار گیری در سرمایه لایه ۱ قرار نگرفتند، زیرا اصولاً این گونه شرکت ها سهام عادی با حق رأی منتشر نمی کنند.

پوشش تعدیلات ارزیابی اعتباری در پاراگرافهای ۹۷ تا ۱۰۴) بر اساس منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار (EPE) مؤثر با استفاده از دادههای جاری بازار و پوشش سرمایه‌ای در سطح پرتفوی بر مبنای منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر با استفاده از تعیین و درجه‌بندی مقادیر بحرانی را بکار گیرند. تعیین مقادیر بحرانی باید برای کل پرتفوی طرفهای مقابل باشد. منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر با استفاده از دادههای جاری بازار و تعیین و درجه‌بندی مقادیر بحرانی نباید برای هر طرف مقابل بکار گرفته شود؛ بلکه باید برای سطح کلی پرتفوی لحاظ گردد.

۶۱. زمانی که مدل EPE مؤثر با استفاده از دادههای تاریخی بازار تعیین ارزش شد، بانک باید دادههای جاری بازار را برای محاسبه منابع در معرض ریسک جاری بکار گیرد و حداقل سه سال از دادههای تاریخی باید برای تخمین پارامترهای مدل مورد استفاده قرار گیرد. در تمام موارد، داده‌ها باید به صورت فصلی یا با تناوب بیشتر منوط به این که شرایط بازار ایجاب کند، به روز رسانی شود. به منظور محاسبه (EPE) مؤثر با استفاده از تعیین ارزش بحرانی، بانک باید با استفاده از دادههای سه سال که شامل یک دوره بحران در مورد حاشیه نکول اعتباری طرفهای مقابل بانک است، (EPE) مؤثر را تعیین ارزش کند یا این امر را با استفاده از دادههای ضمنی از دوره مناسب بحران انجام دهد. فرایند زیر برای ارزیابی کفایت تعیین ارزش بحرانی، مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

- بانک باید حداقل به صورت فصلی نشان دهد که دوره بحرانی منطبق بر یک دوره افزایش حاشیه اوراق سوآپ نکول اعتباری یا سایر حاشیههای اعتباری- از قبیل وام یا حاشیههای اوراق قرضه شرکتی- برای نمونه‌ای از انتخاب طرفهای مقابل بانک با حاشیههای اعتباری مبادله شده، می‌باشد. در شرایطی که بانک دارای دادههای کافی در خصوص حاشیه اعتباری در خصوص طرف مقابل نمی‌باشد، باید هر یک از طرفهای مقابل را به دادههای حاشیه اعتباری معین بر اساس منطقه، رتبه‌بندی داخلی و انواع کسب و کار منطبق کنند.
- مدل منبع در معرض ریسک برای تمامی طرفهای مقابل باید دادههایی اعم از تاریخی یا ضمنی، را که دربردارنده دادههایی از دوره اعتباری بحرانی است را استفاده کند و این داده‌ها را به روشی که منطبق با روش مورد استفاده برای تعیین ارزش مدل EPE مؤثر با استفاده از دادههای جاری است، استفاده نماید.

- به منظور ارزیابی اثربخشی تعیین ارزش بحرانی برای EPE مؤثر، بانک باید پرتفویهای الگوی چندگانه که نسبت به فاکتورهای ریسک یکسان آسیب پذیر هستند را ایجاد کند. منبع در معرض ریسک این پرتفویهای الگو باید با روشهای زیر محاسبه گردند: (a) وضعیتهای جاری در قیمت‌های جاری بازار، پراکندگی‌های بحرانی، همبستگی‌های بحرانی و سایر داده‌های مدل منبع در معرض ریسک بحرانی از دوره بحرانی سه ساله و (b) وضعیتهای جاری در پایان قیمت‌های بازار در دوره بحران، پراکندگی‌های بحرانی، همبستگی‌های بحرانی و سایر داده‌های ورودی مدل از دوره بحرانی سه ساله. ناظران می‌توانند تعیین ارزش بحران را در صورتی که منابع در معرض ریسک پرتفویهای مذکور به شکل قابل توجهی منحرف شده باشد، تعدیل نمایند.

ایجاد سرمایه برای ریسک مربوط به زیان‌های تعدیل ارزش‌گذاری اعتباری (CVA)

۳۴. به منظور پیاده‌سازی رویکرد متناظر اوراق قرضه، بخش جدید VIII به پیوست ۴ سند بال دو اضافه می‌شود.
- پاراگراف‌های جدید (۹۷ تا ۱۰۵) باید بعد از پاراگراف ۹۶ در ضمیمه ۴ قرار گیرند.

VIII. ترتیبات مربوط به روز کردن زیان‌های ریسک طرف مقابل با قیمت بازار (پوشش سرمایه‌ای CVA)

- پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA

۹۷. علاوه بر الزامات سرمایه‌ای ریسک نکول برای ریسک اعتباری طرف مقابل که بر اساس رویکردهای رتبه‌بندی داخلی یا استاندارد در خصوص ریسک اعتباری تعیین می‌شوند، بانک باید یک سرمایه پوششی به منظور پوشش ریسک زیان‌های به روزرسانی ریسک مورد انتظار طرف مقابل (زیان‌های مذکور، به عنوان تعدیلات ارزش اعتباری شناخته می‌شود) به اوراق مشتقه فرابورس، اضافه نمایند. پوشش سرمایه‌ای CVA به روشی که در ادامه آمده با توجه به روش تأیید شده درباره محاسبه پوشش‌های سرمایه‌ای برای ریسک اعتباری طرف مقابل و ریسک نرخ بهره خاص، محاسبه خواهد شد. بانک ملزم به ورود (i) معاملات با طرف مقابل (تسویه) مرکزی (CCP)؛ و (ii) معاملات تأمین مالی اوراق بهادار (SFT) در محاسبه پوشش سرمایه‌ای مذکور نیست؛ مگر این که ناظر تعیین نماید که منابع در معرض ریسک زیان CVA بانک ناشی از معاملات تأمین مالی اوراق بهادار، حایز اهمیت هستند.

A. بانک های دارای تأیید IMM و مدل ارزش در معرض خطر ریسک بهره خاص^{۲۳۸} برای اوراق قرضه:

سرمایه پوششی پیشرفته ریسک CVA

۹۸. بانک های دارای تأیید IMM برای ریسک اعتباری طرف مقابل و دارای تأییدیه استفاده از رویکرد مدل های داخلی ریسک بازار برای ریسک بهره خاص اوراق قرضه، باید سرمایه پوشش اضافی را از طریق مدل سازی تأثیر تغییرات در حاشیه های اعتباری طرف های مقابل بر تعدیلات ارزش گذاری اعتباری تمامی طرف های مقابل اوراق مشتقه فرابورس، همراه با پوشش های CVA بر اساس پاراگراف های جدید ۱۰۲ و ۱۰۳، با استفاده از مدل ارزش در معرض خطر بانک برای اوراق قرضه، محاسبه کنند. این مدل ارزش در معرض خطر، منحصر به تغییرات در حاشیه های اعتباری طرف های مقابل بوده و حساسیت CVA به تغییرات در سایر عوامل بازار از قبیل تغییرات ارزش دارایی، کالا، ارز یا نرخ بهره پایه یک مشتقه را مدل سازی نمی کند. صرف نظر از روش ارزش گذاری حسابداری که یک بانک برای تعیین CVA استفاده می کند، محاسبه سرمایه پوششی برای CAV هر طرف مقابل باید بر مبنای فرمول زیر باشد:

$$CVA = (LGD_{MKT}) \cdot \sum_{i=1}^T \max \left(0; \exp \left(-\frac{s_{i-1} \cdot t_{i-1}}{LGD_{MKT}} \right) - \exp \left(-\frac{s_i \cdot t_i}{LGD_{MKT}} \right) \right) \cdot \left(\frac{EE_{i-1} \cdot D_{i-1} + EE_i \cdot D_i}{2} \right)$$

- t_i زمان i امین فاصله زمانی تجدید ارزیابی است که از $t_0=0$ شروع می شود.
- t_T بزرگترین سررسید قراردادی در مجموعه خالص سازی با طرف مقابل است.
- S_i عبارت است از حاشیه اعتباری طرف مقابل در دوره t_i که برای محاسبه CVA طرف مقابل محاسبه می شود. هر زمانی که چنین حاشیه CDS در دسترس نباشد، بانک باید یک حاشیه تقریبی که بر مبنای رتبه بندی، صنعت و منطقه طرف مقابل مناسب باشد را مورد استفاده قرار دهد.
- LGD_{mkt} عبارت است از زیان با فرض نکول طرف مقابل و باید بر مبنای حاشیه یک ابزار بازار مقابل (یا زمانی که این ابزار نباشد، بر مبنای حاشیه تقریبی که در ارتباط با رتبه بندی، صنعت و منطقه طرف مقابل مناسب باشد، قرار گیرد) باشد. باید در نظر داشت که LGD_{mkt} که وارد محاسبه سرمایه پوششی ریسک CVA می شود، با LGD که برای پوشش ریسک نکول CCR و IRB تعیین می شود، متفاوت است زیرا LGD_{mkt} ارزیابی بازار است و نه یک تخمین داخلی.
- عامل اول در جمع، نشانگر تقریبی از احتمال نهایی وقوع نکول بازار در بین زمان های t_i و t_{i+1} می باشد. احتمال نکول ضمنی بازار (که به عنوان احتمال ریسک خنثی نیز شناخته می شود) قیمت بازار خرید پوشش در مقابل نکول را نشان می دهد و به طور کلی از احتمال نکول واقعی متفاوت است.

^{۲۳۸} مدل "VaR" مربوط به رویکرد مدل داخلی در خصوص ریسک بازار می شود.

• EE_i منبع در معرض ریسک مورد انتظار به طرف مقابل در زمان تجدید ارزیابی t_i می باشد که در پاراگراف ۳۰ (منبع در معرض ریسک مورد انتظار مقرراتی) تعریف شد. منابع در معرض ریسک مجموعه های خالص سازی متفاوت برای طرف مقابل اضافه می شوند و بزرگترین سررسید هر مجموعه خالص سازی عبارت است از طولانی ترین سررسید قراردادی در مجموعه خالص سازی. برای بانک هایی که از روش کوتاه برای مبادلات دارای حاشیه استفاده می کنند (پاراگراف ۴۱ پیوست ۴) شرایط پاراگراف ۹۹ باید بکار گرفته شود.

• D_i عبارت است از عامل تنزیل بدون ریسک نکول در زمان t_i که $D_0=1$

۹۹. فرمول پاراگراف ۹۸ باید مبنایی برای تمامی ورودی های مدل ارزش در معرض خطر مصوب بانک برای اوراق قرضه در زمان محاسبه هزینه پوششی سرمایه ریسک CVA برای طرف مقابل می باشد. برای مثال، اگر این مدل ارزش در معرض خطر بر مبنای تجدید قیمت گذاری کامل باشد، فرمول باید بطور مستقیم مورد استفاده قرار گیرد. اگر مدل ارزش در معرض خطر مصوب بانک بر مبنای حاشیه اعتباری برای دوره زمانی معینی باشد، بانک باید هر حساسیت حاشیه اعتباری را بر مبنای فرمول زیر محاسبه کند: ۲۳۹

$$Regulatory\ CS01_i = 0.0001 \cdot t_i \cdot \exp\left(-\frac{s_i \cdot t_i}{LGD_{MKT}}\right) \cdot \left(\frac{EE_{i-1} \cdot D_{i-1} - EE_{i+1} \cdot D_{i+1}}{2}\right)$$

اگر مدل ارزش در معرض خطر مصوب بانک حاشیه های اعتباری را برای انتقال موازی در حاشیه های اعتباری (مقرره CS01) استفاده کند، بانک باید فرمول زیر را مورد استفاده قرار دهد: ۲۴۰

$$Regulatory\ CS01 = 0.0001 \cdot \sum_{i=1}^T \left(t_i \cdot \exp\left(-\frac{s_i \cdot t_i}{LGD_{MKT}}\right) - t_{i-1} \cdot \exp\left(-\frac{s_{i-1} \cdot t_{i-1}}{LGD_{MKT}}\right) \right) \cdot \left(\frac{EE_{i-1} \cdot D_{i-1} + EE_i \cdot D_i}{2}\right)$$

اگر مدل مصوب ارزش در معرض خطر بانک از حساسیت های دوم برای انتقال در حاشیه های اعتباری استفاده کند (گامای حاشیه)، گاماها باید بر مبنای فرمول مندرج در پاراگراف ۹۸ محاسبه شوند.

بانک هایی که از روش ساده برای اوراق مشتقه خارج از بورس پوشش داده شده با وثیقه استفاده می کنند (پاراگراف ۴۱ در پیوست ۴)، باید پوشش سرمایه ای ریسک CVA را بر مبنای پاراگراف ۹۸، از طریق فرض منبع در معرض ریسک ثابت، محاسبه کنند. در اینجا، منبع در معرض ریسک مورد انتظار برابر با منبع در معرض ریسک مثبت مورد

۲۳۹ این استخراج مدل فرض می کند که احتمالات نکول حاشیه ای قبل و بعد از طبق زمانی t_i مثبت است و برای $i < T$ صادق است. برای

$$Regulatory\ CS01_T = 0.0001 \cdot t_T \cdot \exp\left(-\frac{s_T \cdot t_T}{LGD_{MKT}}\right) \cdot \left(\frac{EE_{T-1} \cdot D_{T-1} + EE_T \cdot D_T}{2}\right)$$

آخرین طبقه زمانی $i=T$ فرمول مربوطه عبارت است از:

۲۴۰ این مدل فرض می کند که احتمال نکول حاشیه ای مثبت است.

انتظار موضوع روش ساده برای سررسید حداکثر (i) نصف بزرگترین سررسید در مجموعه خالص سازی و (ii) سررسید میانگین موزون اسمی تمامی تراکنش های موجود در مجموعه خالص سازی.

بانک های دارای تأییدیه IMM برای اکثر کسب و کارهای خود، به جز آن هایی که از CEM (روش منبع در معرض ریسک جاری) یا SM (روش استاندارد) برای پرتفوی های کوچکتر معین استفاده می کنند و آن هایی که دارای تأییدیه برای استفاده از مدل های داخلی ریسک بازار برای ریسک نرخ بهره معین اوراق قرضه هستند، این مجموعه های خالص سازی بدون IMM را بر اساس پاراگراف ۹۸، به پوشش سرمایه ای ریسک CVA دخیل می کنند، مگر اینکه ناظر ملی تصمیم بر این داشته باشد که پاراگراف ۱۰۴ باید برای این پرتفوها اعمال شود. مجموعه های خالص سازی بدون IMM با فرض ثابت بودن EE در روش پوشش سرمایه ای ریسک CVA پیشرفته وارد می شود. در اینجا، منبع در معرض ریسک مورد انتظار (EE) برابر با منبع در معرض نکول محاسبه شده در CEM یا SM برای سررسید حداکثر معادل (i) نصف بزرگترین سررسید در مجموعه خالص سازی و (ii) سررسید میانگین موزون اسمی تمامی تراکنش های موجود در مجموعه خالص سازی، می باشد. رویکرد یکسانی در موردی که مدل IMM مشخصه منبع در معرض ریسک را بدست نمی دهد، مورد استفاده قرار می گیرد.

برای منابع در معرض ریسک به طرف های مقابل معین، مدل ارزش در معرض خطر ریسک بازار مصوب بانک، نمی تواند ریسک تغییرات حاشیه اعتباری را به درستی منعکس کند، زیرا مدل ارزش در معرض خطر ریسک بازار بانک بدرستی ریسک خاص ابزارهای بدهی انتشار یافته توسط طرف مقابل را نشان نمی دهد. برای این منابع در معرض ریسک، بانک مجاز به استفاده از پوشش ریسک CVA پیشرفته نیستند. در عوض، برای این منابع در معرض ریسک بانک باید پوشش ریسک CVA از طریق بکارگیری روش استاندارد در پاراگراف ۱۰۴ را تعیین کند. صرفاً منابع در معرض ریسک به طرف های مقابل که بانک دارای تأیید نظارتی برای مدل سازی ریسک خاص ابزارهای بدهی است، به پوشش ریسک CVA پیشرفته وارد می شود.

۱۰۰. پوشش سرمایه ای ریسک CVA شامل ریسک های حاشیه اعتباری خاص و عام می باشد که شامل ارزش در معرض خطر تحت شرایط بحرانی به استثناء IRC (پوشش ریسک عامل افزاینده). عدد ارزش در معرض خطر باید بر مبنای استانداردهای کمی توصیفی در پاراگراف ۷۱۸ (Lxxvi) تعیین شود. بنابراین، آن به عنوان جمع (i) جزء بدون شوک ارزش در معرض خطر و (ii) جزء حاوی شوک ارزش در معرض خطر تعیین می شود.

(i) هنگام محاسبه جزء بدون شوک ارزش در معرض خطر، تقریب ارزش جاری پارامتر برای منبع در معرض ریسک مورد انتظار باید مورد استفاده قرار گیرد.

(ii) هنگام محاسبه ارزش در معرض خطر دارای شوک (بر اساس تقریبهای ارزش پارامتر منبع در معرض ریسک دارای بحران مندرج در پاراگراف ۶۱ پیوست ۴) مشخصه های منبع در معرض ریسک طرف مقابل آینده باید مورد استفاده قرار گیرد. دوره بحران برای پارامترهای حاشیه اعتباری باید شوک قابل توجه یک سال در دوره سه ساله مورد استفاده برای پارامترهای منبع در معرض ریسک باشد.^{۲۴۱}

۱۰۱. پوشش سرمایه ای اضافی مذکور برای ریسک CVA صرفاً پوشش ریسک بازار بوده که در مجموعه CVAs برای تمامی طرفهای مقابل اوراق مشتقه خارج از بورس، دارای وثیقه یا بدون وثیقه، همراه با پوشش CVA واجد شرایط محاسبه می شود (همان گونه که در پاراگراف ۹۸ تعیین می شود). در چارچوب این پوشش سرمایه ای ریسک CVA، هیچ نوع تهاثری در برابر سایر ابزارهای موجود در ترازنامه بانک اجازه داده نخواهد شد (به جز مواردی که تعیین شده است).

۱۰۲. صرفاً پوشش هایی که به منظور کاهش ریسک CVA استفاده می شود، واجد شرایط برای ورود در مدل در معرض خطر استفاده شده برای محاسبه سرمایه پوششی CVA مذکور یا در پوشش سرمایه ای ریسک CVA استاندارد مندرج در پاراگراف ۱۰۴، می باشند. به عنوان مثال، اگر یک قرارداد معاوضه نکول اعتباری (CDS) متعلق به یک ناشر برای بانک موجود باشد و ناشر نیز یک طرف مقابل خارج از بورس باشد ولی CDS به عنوان پوشش CVA استفاده نشود، این CDS واجد شرایط برای تهاثر CVA در چارچوب محاسبه ارزش در معرض خطر پوشش سرمایه ای ریسک CVA نیست.

۱۰۳. پوشش های واجد شرایطی که می تواند در محاسبه پوشش سرمایه ای ریسک CVA تحت شرایط مندرج در پاراگراف های ۹۸ یا ۱۰۴ وارد شود، CDS های دارای یک نهاد مرجع، CDS های احتمالی دارای یک نهاد مرجع، سایر ابزارهای پوششی معادل آنها که مربوط به یک طرف مقابل می شود و CDS های شاخص می باشند. در خصوص CDS های شاخص، محدودیت های زیر اعمال می شود:

- ریسک مبنای هر حاشیه طرف مقابل فردی و حاشیه های پوشش های CDS شاخص باید در ارزش در معرض خطر منعکس شود. این الزام، در خصوص مواردی که یک شاخص تقریبی برای حاشیه طرف مقابل مورد استفاده قرار می گیرد، اعمال می شود؛ زیرا ریسک مبنای غیر سیستمی نیز در این وضعیت ها باید منعکس شود. برای تمام طرفهای مقابل بدون حاشیه، بانک باید سری های زمانی مربوط به ریسک مبنای خارج از نمونه مجموعه اسم های مشابه که اطلاعات حاشیه را دارا می باشد، استفاده کند.

^{۲۴۱} توجه شود که ضریب ۳ موجود در محاسبات VaR اوراق قرضه و VaR در شرایط بحرانی، در این محاسبات استفاده می شود.

- اگر ریسک مبنا در راستای رضایت مقام ناظر منعکس نشود، بانک باید صرفاً ۵۰ درصد مقدار اسمی پوشش های شاخص را در شاخص ارزش در معرض خطر منعکس کند.

سایر انواع پوشش های ریسک طرف مقابل نباید در محاسبه پوشش سرمایه ای CVA منعکس شود و آنها باید به عنوان هر ابزار دیگری در دسترس بانک برای اهداف سرمایه نظارتی در نظر گرفته شود. CDSs طبقه بندی شده یا nامین نکول، واجد شرایط پوشش های CVA نیستند. پوشش های واجد شرایط که در محاسبه پوشش سرمایه ای CVA استفاده می شود، باید از محاسبه پوشش سرمایه ای ریسک بازار بانک حذف شود.

B. سایر بانک ها، پوشش سرمایه ای استاندارد ریسک CVA

۱۰۴. زمانی که بانک مجوز مورد نیاز برای استفاده از شرایط پاراگراف ۹۸ برای محاسبه پوشش سرمایه ای CVA در خصوص طرف های مقابل خود را نداشته باشد، بانک باید پوشش سرمایه ای پرتفوی با استفاده از فرمول زیر را محاسبه کند:

$$K = 2.33 \cdot \sqrt{h} \cdot \sqrt{\left(\sum_i 0.5 \cdot w_i \cdot (M_i \cdot EAD_i^{total} - M_i^{hedge} B_i) - \sum_{ind} w_{ind} \cdot M_{ind} \cdot B_{ind} \right)^2 + \sum_i 0.75 \cdot w_i^2 \cdot (M_i \cdot EAD_i^{total} - M_i^{hedge} B_i)^2}$$

- h افق ریسک یک ساله (یا واحد سال) می باشد، h=1
- W_i وزن طرف مقابل "i" است. طرف مقابل i باید با یکی از وزن های W_i بر اساس رتبه اعتباری مستقل خود بر مبنای جدول انتهایی این پاراگراف، تطبیق داده شود. زمانی که طرف مقابل دارای رتبه اعتباری مستقل نباشد، بانک باید منوط به تأیید مقام ناظر، رتبه داخلی طرف مقابل را به یکی از رتبه های مستقل بیرونی تطبیق دهد.
- EAD_i^{total} عبارت است از منبع در معرض ریسک طرف مقابل i (مجموع آن در مجموعه های خالص سازی خود)، شامل تأثیر وثیقه برای IMM، قواعد SM یا CEM قابل اعمال برای محاسبه پوشش های سرمایه ای ریسک طرف مقابل توسط بانک. برای بانک هایی که IMM نیستند، منبع در معرض ریسک باید از طریق بکارگیری فاکتور $(1 - \exp(-0.05 \cdot M_i)) / (0.05 \cdot M_i)$ تنزیل شود. برای بانک های IMM، چنین تنزیلی نباید استفاده شود، زیرا فاکتور تنزیل قبلاً در M_i استفاده شده است.

- B_i پوشش های ضمنی و اسمی CDS دارای یک نهاد مرجع خریداری شده است (مجموع آن، اگر بیش از یک وضعیت وجود دارد) که مرتبط با طرف مقابل i بوده و برای پوشش ریسک CVA استفاده می شود. این مقدار اسمی باید از طریق به کارگیری فاکتور $(\exp(-0.05 \cdot M_i^{hedge})) / (0.05 \cdot M_i^{hedge})$

- $Bind$ عبارت است از مقدار کامل اسمی یک یا چند CDS شاخص پوشش خریداری شده که برای پوشش ریسک CVA استفاده می‌شود. مقدار مذکور باید با فاکتور $(1 - \exp(-0.05 * M_{ind})) / (0.05 * M_{ind})$ تنزیل شود.
- W_{ind} وزن بکار گرفته شده برای پوشش‌های شاخص است. بانک باید شاخص‌ها را به یکی از وزن‌های هفتگانه، بر اساس میانگین حاشیه شاخص "ind" تطبیق دهد.
- M_i سررسید مؤثر معاملات با طرف مقابل است. برای بانک‌های IMM، M_i باید بر اساس پیوست ۴، پاراگراف ۳۸ پیمان بال محاسبه شود. برای بانک‌های بدون IMM، M_i میانگین موزون سررسید اسمی که در نکته سوم پاراگراف ۳۲۰ بدان اشاره شد، می‌باشد. با این وجود، برای این منظور، M_i نباید سقف ۵ سال داشته باشد.
- $Mihedge$ سررسید ابزار پوشش با مقدار اسمی Bi (میزان Bi Mihedge) در صورت وجود چندین وضعیت، باید مجموع در نظر گرفته شود).
- $Mind$ سررسید پوشش شاخص "ind" می‌باشد. در مواردی که بیش از یک وضعیت پوشش شاخص وجود دارد، این مقدار میانگین وزنی اسمی سررسید می‌باشد.

برای هر طرف مقابل که شکل دهنده یک شاخص در خصوص چیزی که CDS برای ریسک اعتباری طرف مقابل استفاده می‌شود، مقدار اسمی مرتبط به آن (بر حسب وزن نهاد مرجع آن) می‌تواند، با تأیید قبلی نظارتی، از مقدار اسمی CDS شاخص کسر شده و به عنوان پوشش دارای یک نهاد مرجع (Bi) طرف مقابل انفرادی همراه با سررسید مبتنی بر سررسید شاخص، در نظر گرفته شود.

وزن‌ها در جدول آمده است که مبتنی بر رتبه مستقل (بیرونی) طرف مقابل^{۲۴۲} باشد:

رتبه	وزن W_i
AAA	۰.۷٪
AA	۰.۷٪
A	۰.۸٪
BBB	۱٪
BB	۲٪

^{۲۴۲} علایم مربوط به روش مورد استفاده توسط یکی از مؤسسات، استاندارد و پوز است. استفاده از رتبه‌بندی اعتباری استاندارد و پوز فقط یک مثال است؛ برخی از مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل مورد تأیید دیگر نیز می‌تواند به عنوان معادل علایم رتبه‌بندی بکار گرفته شود. بنابراین، رتبه‌بندی مورد استفاده در این مستند، هیچ‌گونه ترجیح یا به رسمیت شناختن یک مؤسسه ارزیابی مستقل توسط کمیته بال را نشان نمی‌دهد.

۳٪	B
۱۰٪	CCC

۱۰۵. محاسبه کل پوشش های سرمایه ریسک CCR و CVA

این پاراگراف درباره تجمع پوشش سرمایه ای ریسک نکول و پوشش سرمایه ای ریسک CVA برای زیان های بالقوه به روزرسانی ارزش می باشد. باید در نظر داشت که مانده منبع در معرض نکول که در پوشش های سرمایه ای ریسک نکول بدان اشاره می شود، خالص زیان های به وقوع پیوسته CVA بر اساس [پاراگراف جدید بعد از پاراگراف ۹ در پیوست ۴] که تمام اقلام "i" می باشد. در این پاراگراف، پوشش سرمایه ای IMM، عبارت است از پوشش سرمایه ای ریسک نکول برای CCR بر مبنای دارایی های موزون به ریسک، زمانی که مانده منبع در معرض نکول هر طرف مقابل تحت شرایط رویکرد IMM با استفاده از وزن ریسک اعتباری قابل اعمال (تحت رویکرد استاندارد یا رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی) و برای تمام طرف های مقابل تجمیع می شود. به همین ترتیب، پوشش سرمایه ای CEM یا پوشش سرمایه ای SM عبارت است از پوشش های سرمایه ای ریسک نکول که مانده منابع در معرض نکول برای تمام طرف های مقابل در پرتفوی، به ترتیب بر مبنای CEM یا SM، تعیین می شود.

A. بانک های دارای تأییدیه استفاده از مدلی های داخلی ریسک بازار و IMM برای ریسک خالص نرخ بهره اوراق قرضه

پوشش سرمایه ای کل CCR برای چنین بانکی به عنوان جمع موارد زیر تعیین می شود:

i. مبلغ بزرگتر بین (a) پوشش سرمایه ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی جاری پارامترها برای EAD و (b) پوشش سرمایه ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی بحرانی پارامترها برای EAD. برای بانک های استفاده کننده از IRB، وزن های ریسک بکار گرفته شده برای منابع در معرض ریسک اوراق مشتقه خارج از بورس باید با تعدیل کامل سرسید به عنوان تابعی از PD و M برابر با ۱ در پیمان بال (پاراگراف ۲۷۲) محاسبه شود؛ با این فرض که بانک می تواند به مقام ناظر خود نشان دهد که مدل خاص ارزش در معرض خطر آن در پاراگراف ۹۸ دربردارنده تأثیرات حرکت در رتبه بندی می باشد. اگر بانک قادر به متقاعد کردن مقام ناظر خود نباشد، تابع تعدیل کامل سرسید با فرض رابطه زیر باید استفاده شود.^{۲۴۳}

$$(1 - 1.5 \times b)^{-1} \times (1 + (M - 2.5) \times b)$$

ii. پوشش سرمایه ای ریسک CVA تعیین شده در ادامه پاراگراف های ۹۸ تا ۱۰۳.

B. بانک های دارای تأیید IMM و بدون مجوز استفاده از ارزش در معرض خطر ریسک خاص برای اوراق قرضه

^{۲۴۳} M سرسید مؤثر است و b تعدیل سرسیدی به عنوان تابعی از PD مندرج در پاراگراف ۲۷۲ سند بال می باشد.

کل پوشش سرمایه‌ای CCR برای چنین بانکی به عنوان مجموعه‌ای از اجزای زیر تعیین می‌شود:

- i. مبلغ بزرگتر بین (a) پوشش سرمایه‌ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی جاری پارامترها و (b) پوشش سرمایه‌ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی بحرانی پارامترها برای EAD.
- ii. پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA در رویکرد استاندارد طرق پاراگراف ۱۰۴.
- C. سایر بانکها

پوشش سرمایه‌ای کل CCR برای این بانکها به عنوان مجموع اجزاء زیر تعیین می‌شود:

- i. مجموع پوشش سرمایه‌ای مبتنی بر SM یا CEM برای همه طرف‌های مقابل (بر مبنای رویکرد CCR بانک) همراه با EAD طبق پاراگراف های ۹۱ یا ۶۹.
- ii. پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA مندرج در پاراگراف ۱۰۴.

به علاوه، پاراگراف زیر بعد از پاراگراف ۹ در پیوست ۴ باید قرار گیرد.

«مانده EAD» برای طرف مقابل مشتقه خارج از بورس به عنوان مقدار بزرگتر بین صفر و تفاوت میان مجموع EADها برای تمام مجموعه‌های خالص‌سازی دارای طرف مقابل و تعدیل ارزش‌گذاری اعتباری (CVA) برای آن طرف مقابل که قبلاً توسط بانک به عنوان یک حذف حساب (به عبارت دیگر، زیان CVA)، به رسمیت شناخته می‌شود، تعریف می‌گردد. این نوع زیان CVA بدون در نظر گرفتن هر گونه تهاجر در خصوص تعدیلات ارزش‌گذاری بدهی که از سرمایه، تحت شرایط پاراگراف ۷۵ کسر می‌گردد، محاسبه می‌شود؛^{۲۴۴} آرایه‌های موزون به ریسک برای طرف مقابل قرارداد مشتقه خارج از بورس می‌تواند به عنوان وزن ریسک قابل استفاده تحت رویکرد استاندارد یا رتبه‌بندی داخلی ضربدر مانده EAD طرف مقابل، محاسبه شود. این کاهش EAD توسط زیان‌های حاصله CVA برای تعیین پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA استفاده نمی‌شود.

ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل

۳۵. پاراگراف ۵۷ پیوست ۴ در سند بال دو به صورت زیر بازنگری می‌شود:

۵۷. بانکها باید منابع در معرض ریسکی که منجر به سطح بالایی از ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل می‌شود را شناسایی کنند. آزمون بحران و تجزیه و تحلیل‌های سناریو باید

^{۲۴۴} زیان CVA کسر شده از منابع در معرض ریسک برای تعیین مانده منبع در معرض ریسک برابر است با زیان CVA قبل از تعدیلات ارزش مربوط به بدهکاری (DVA) که به صورت جداگانه از سرمایه کسر می‌شود. وقتی که DVA به صورت جداگانه از سرمایه بانک کسر نشود، زیان CVA مورد استفاده برای تعیین منبع در معرض نکول خالص از DVA خواهد بود.

برای شناسایی عوامل ریسک که به طور مثبت با ارزش اعتباری طرف مقابل همبستگی دارند، طراحی شوند. چنین آزمونی باید امکان وقوع شوکهای جدی در زمان تغییر ارتباط بین عوامل ریسک را مورد بررسی قرار دهد. بانکها باید ریسک کلی همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل را بر مبنای محصول، منطقه، صنعت یا سایر طبقاتی که مربوط به کسب و کار است، پایش کنند. گزارشها باید به مدیریت ارشد و کمیته مناسب هیأت مدیره به صورت منظم به منظور رسیدگی به این نوع ریسک و اتخاذ اقدامات لازم برای مدیریت آن، ارایه شود.

اجرای پوشش هزینه خاص رکن اول و بازنگری پیوست ۴ زمانی که ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل شناسایی می شود.

۳۶. به منظور اجرای الزاماتی که محاسبه منبع در معرض نکول، ارزش بالاتری از منبع در معرض نکول را برای طرفهای مقابل در زمان شناسایی ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل، منعکس می کند، پاراگراف ۴۲۳ متن بال دو و پاراگراف های ۲۹ و ۵۸ پیوست ۴ به صورت زیر مورد بازنگری قرار می گیرد:

۴۲۳. هر نهاد حقوقی مستقل که بانک در معرض ریسک آن قرار دارد باید به صورت جداگانه تعیین رتبه شوند. یک بانک باید دارای سیاستهای قابل قبول مقام ناظر در ارتباط با هر نهاد در یک گروه مرتبط به یکدیگر شامل شرایطی که تحت آن شرایط، امکان تخصیص رتبه بندی یکسان به برخی یا تمام نهادهای مرتبط به یکدیگر بررسی شود، باشد. سیاستهای مذکور باید شامل فرایندی برای شناسایی ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل خاص برای هر یک از نهادهای حقوقی که بانک در معرض آنها است، باشد. مراودات با طرفهای مقابل که ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل در مورد آنها شناسایی شده است، در زمان محاسبه منبع در معرض نکول برای این منابع در معرض نکول، به صورت متفاوتی مورد بررسی قرار گیرد (به پاراگراف ۵۸، پیوست ۴ مراجعه شود).

۲۹. هنگام استفاده از مدل داخلی، مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول به عنوان حاصل ضرب آلفا در EPE مؤثر، به شرح مندرج در زیر (به استثناء طرفهای مقابلی که به عنوان اشخاص دارای ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل - پاراگراف ۵۸ شناخته می شوند). محاسبه می شود:

۵۸. یک بانک در معرض "ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل" می باشد، این در شرایطی است که منبع در معرض ریسک آینده به طرف مقابل خاص به مقدار زیادی با

احتمال نکول طرف مقابل همبستگی داشته باشد. به عنوان مثال، شرکتی که اوراق اختیار معامله را روی سهام خود می فروشد، ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل را در خصوص منابع در معرض ریسک برای خریدار ایجاد می کند که خاص طرف مقابل است. بانک باید دارای رویه هایی برای شناسایی، پایش و کنترل ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل که با شروع معامله آغاز و در طول حیات معامله ادامه می یابد، باشد. برای محاسبه پوشش سرمایه ای CCR، ابزارها در خصوص مواردی که ارتباط حقوقی بین طرف مقابل و ناشر اصلی وجود دارد و ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل شناسایی شده است، نباید در مجموعه خالص سازی سایر معاملات با طرف مقابل لحاظ شود. به علاوه، برای سوآپ های نکول اعتباری دارای یک نهاد مرجع که ارتباط حقوقی بین طرف مقابل و ناشر اصلی وجود دارد و ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل شناسایی شده است، منبع در معرض نکول در ارتباط با منبع در معرض ریسک طرف مقابل سوآپ برابر است با زیان کامل مورد انتظار در ارزش منصفانه باقی مانده ابزارهای پایه با فرض ناشر اصلی در مرحله تصفیه قرار داشته باشد. استفاده از زیان کامل مورد انتظار در ارزش منصفانه باقی مانده ابزار پایه، بانک ها را مجاز به شناسایی ارزش بازار کاهش یافته و هر نوع پوشش های مورد انتظار در ارتباط با سوآپ های مورد اشاره می کند. به همین ترتیب، زیان با فرض نکول برای بانک های استفاده کننده از رتبه بندی داخلی پایه یا پیشرفته برای سوآپ های مذکور، معادل ۱۰۰ درصد در نظر گرفته شود. برای بانک های استفاده کننده از رویکرد استاندارد، وزن ریسک همانند وزن ریسک یک معامله بدون پوشش می باشد. برای اوراق مشتقه سهام، اوراق اختیار معامله اوراق قرضه، معاملات تأمین مالی اوراق بهادار و غیره مرتبط با یک شرکت که یک رابطه حقوقی بین طرف مقابل و شرکت اصلی وجود دارد و ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل در رابطه با آن شناسایی شده است، منبع در معرض نکول برابر است با ارزش معامله با فرض نکول اوراق پایه. با این توضیح که این امر باعث استفاده مجدد از محاسبات ممکن و موجود (ریسک بازار) که قبلاً دربردارنده فرض زیان با فرض نکول بوده است شود که زیان با فرض نکول باید معادل ۱۰۰ درصد قرار گیرد.

۲. ضریب همبستگی ارزش بازار برای نهادهای مالی بزرگ

^{۲۴۵} توجه شود که بازیابی در خصوص ابزار پایه این قرارداد سوآپ امکان داشته باشد. الزامات سرمایه ای برای منبع در معرض ریسک پایه تحت شرایط سند بدون کاهش برای قرارداد سوآپ که ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری را شناسایی می کند. به طور کلی این بدان معنی است که این منبع در معرض ریسک پایه وزن ریسک و ترتیبات سرمایه ای مربوط به معاملات بدون پوشش (با این فرض که این منبع در معرض ریسک پایه یک منبع در معرض ریسک اعتباری بدون پوشش است) را خواهد گرفت.

۳۷. به منظور پیاده سازی ضریب AVC ، پاراگراف ۲۷۲ سند بال به صورت زیر مورد بازنگری قرار می گیرد:

۲۷۲. در این بخش، PD و LGD به صورت اعشاری (درصد) محاسبه می شوند و EAD به صورت مبلغ (به عنوان مثال، یورو) می باشد، مگر این که مشخصاً مورد دیگری تعیین شده باشد. برای منابعی که در معرض ریسک نکول نیستند، فرمول محاسبه دارایی های موزون به ریسک عبارت است از:^{۴۶}

$$\text{Correlation (R)} = 0.12 \times (1 - \text{EXP}(-50 \times PD)) / (1 - \text{EXP}(-50)) + 0.24 \times [1 - (1 - \text{EXP}(-50 \times PD)) / (1 - \text{EXP}(-50))]$$

$$\text{Maturity adjustment (b)} = (0.11852 - 0.05478 \times \ln(PD))^2$$

$$\text{Capital requirement}^{43} (K) = \frac{[LGD \times N((1 - R)^{0.5} \times G(PD) + (R / (1 - R))^{0.5} \times G(0.999))] - PD \times LGD}{(M - 2.5) \times b} \times (1 - 1.5 \times b)^{-1} \times (1 + b)$$

$$\text{Risk-weighted assets (RWA)} = K \times 12.5 \times EAD$$

سرمایه الزامی (K) برای منبع در معرض ریسک نکول شده برابر است با مبلغ بیشتر بین صفر و تفاوت بین LGD آن (وفق پاراگراف ۴۶۸) و بهترین تخمین بانک از زیان مورد انتظار (مندرج در پاراگراف ۴۷۱). دارایی موزون به ریسک برای منبع در معرض ریسک نکول شده حاصل ضرب k ، ۱۲،۵ و EAD خواهد بود.

ضریب ۱،۲۵ برای پارامتر همبستگی تمام منابع در معرض ریسک به نهادهای مالی که دارای معیارهای زیر باشند، اعمال می شود:

- نهادهای مالی تحت نظارت که کل دارایی های آنها حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار باشد. آخرین صورت مالی حسابرسی شده شرکت مادر و نهادهای وابسته تلفیق شده باید برای تعیین میزان دارایی ها مورد استفاده قرار گیرد. در راستای هدف این پاراگراف، نهاد مالی تحت نظارت به عنوان نهاد مالی و نهادهای وابسته آن است که هر شخص حقوقی مهم در گروه تلفیقی توسط مقام مقررات گذار که وضع کننده الزامات احتیاطی منطبق با معمولات بین المللی است، مورد نظارت قرار گیرد. این می تواند شامل شرکت های بیمه تحت نظارت، کارگزاران و واسطه گران، بانک ها، بازرگانان کمسیون قراردادهای آتی و شکوفایی مالی باشد.
- نهادهای مالی که بدون توجه به اندازه آنها، تحت نظارت نیستند. نهادهای مالی که تحت نظارت نیست، در راستای اهداف این پاراگراف عبارتند از نهادهای حقوقی که کسب و کار اصلی آنها شامل مدیریت دارایی های مالی، قرض دهی، فاکتورینگ (تنزیل اسناد

^{۴۶} $\ln$ عبارت است از لگاریتم طبیعی است.

$N(X)$ تابع توزیع تجمعی برای یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد را نشان می دهد (به عبارت دیگر، احتمال این که یک متغیر تصادفی نرمال با میانگین صفر و میانگین ۱ کمتر یا مساوی X باشد). $G(Z)$ تابع توزیع تجمعی نرمال معکوس برای یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد را نشان می دهد (به عبارت دیگر ارزش X به نحوی که $N(X)=Z$). تابع توزیع تجمعی نرمال و تابع توزیع تجمعی نرمال معکوس به عنوان مثال در نرم افزار به عنوان توابع $NORMSDIST$ و $NORMSINV$ می باشد.

^{۴۳} اگر این محاسبه منجر به پوشش سرمایه ای منفی برای منبع در معرض ریسک دولتی شود، بانک ها باید برای این مورد پوشش سرمایه ای صفر در نظر بگیرند.

تجاری بین المللی)، لیزینگ، ارایه ارتقاء اعتباری، اوراق بهادارسازی، سرمایه گذاری ها، نهادهای امین مالی، خدمات مرکز تسویه مرکزی، مبادلات ملکی و سایر فعالیت های خدمات مالی تعریف شده توسط ناظران.

$$\text{Correlation (R_FI)} = 1.25 \times [0.12 \times (1 - \text{EXP}(-50 \times \text{PD})) / (1 - \text{EXP}(-50))] + \\ 0.24 \times [1 - (1 - \text{EXP}(-50 \times \text{PD})) / (1 - \text{EXP}(-50))]$$

۳. طرف های مقابل پوشش یافته توسط وثیقه و دوره حاشیه ای ریسک

افزایش دوره حاشیه ای ریسک

۳۸. به منظور پیاده سازی دوره حاشیه ای افزایش یافته ریسک، پاراگراف های جدید ۴۱ (i) و ۴۱ (ii) به پیوست ۴ سند بال دو اضافه می شود:

۴۱ (i) برای معاملات، منوط به به روزرسانی ارزش معاملات بطور روزانه، به عنوان یک حداقل نظارتی، ۵ روز کاری برای مجموعه های خالص سازی برای معاملات سبک باز خریدی، و ۱۰ روز کاری برای سایر مجموعه های خالص سازی برای دوره حاشیه ای ریسک استفاده شده به منظور مدل سازی EAD دارای توافقات این چنینی، بکار گرفته می شود. در موارد زیر حداقل نظارتی بالاتری استفاده می شود:

- برای تمام مجموعه های خالص سازی که تعداد معاملات در هر مقطع در کی فصل بیش از ۵۰۰۰ عدد باشد، حداقل نظارتی ۲۰ روز کاری برای دوره حاشیه ای ریسک بکار گرفته می شود.
- برای مجموعه های خالص سازی دربردارنده یک معامله یا بیشتر که دربردارنده وثیقه غیر نقد بوده یا یک ورقه مشتقه خارج از بورس که به آسانی قابلیت جایگزینی را ندارد، حداقل نظارتی، ۲۰ روز کاری می باشد. در این راستا، وثیقه غیر نقد و اوراق مشتقه خارج از بورس که به آسانی قابلیت جایگزینی ندارد باید در ارتباط با شرایط بحرانی بازار تعیین شده و بدون وجود بازارهای در حال فعالیت داریم که در آنها طرف مقابل در طول دو روز یا کمتر مضمونه های مختلفی از قیمت را می تواند داشته باشد به نحوی که بازار تغییر نکرده یا قیمتی را نشان دهد که منعکس کننده کسر (در مورد وثیقه) یا صرف (در مورد ورقه مشتقه خارج از بورس) در بازار می باشد. نمونه هایی از وضعیت هایی که معاملات غیر نقد لحاظ می شوند شامل معاملاتی که به طور روزانه به روزرسانی نشود و معاملاتی که منوط به ترتیبات خاص حسابداری برای اهداف ارزش گذاری باشد (مانند اوراق مشتقه خارج از بورس یا معاملات سبک باز خریدی بر پایه اوراق بهاداری که ارزش منصفانه آن توسط مدل هایی که ورودی آنها در بازار مشاهده نمی شود، تعیین می گردد).

- به علاوه، یک بانک باید توجه داشته باشد که آیا معاملات یا اوراق بهاداری که وثیقه می‌گیرد، در یک طرف مقابل خاص تمرکز دارد یا خیر و اگر آن طرف مقابل به صورت ناگهانی از بازار خارج شود، آیا بانک قادر به جایگزینی معاملات آن است یا خیر؟

۴۱(ii). اگر بانک بیش از دو فراخوان برای تأمین حساب حاشیه در خصوص مجموعه خاص خالص سازی، در طول دو فصل گذشته تجربه کرده است به نحوی که بیش از دوره حاشیه‌ای ریسک طول کشیده باشد، بانک باید از طریق استفاده از دوره حاشیه‌ای ریسک که حداقل دو برابر حداقل تعیین شده نظارتی برای مجموعه خالص سازی برای دو فصل بعدی می‌باشد، تجربه تاریخی مذکور را منعکس نماید.

۴۱(iii). برای تجدید نظر در میزان ودیعه با دوره زمانی N روز، بدون توجه به روش تعدیل یا مدل کامل IMM، دوره حاشیه‌ای ریسک باید حداقل معادل مقدار تعیین شده نظارتی، F، به اضافه N روز منهای یک روز باشد. به عبارت دیگر،

$$\text{Margin Period of Risk} = F + N - 1.$$

پاراگراف ۱۶۷ بال دو، (تعدیلاتی برای دوره‌های نگهداری متفاوت و ارزش گذاری مبتنی بر بازار یا تجدید نظر در میزان ودیعه بطور روزانه) با پاراگراف زیر جایگزین می‌شود:

۱۶۷. حداقل دوره نگهداری برای محصولات مختلف در جدول زیر خلاصه شده است.

نوع معامله	حداقل دوره نگهداری	شرط
معامله سبک بازخریدی	۵ روز کاری	تجدید نظر در میزان ودیعه بطور روزانه
سایر معاملات بازار سرمایه	۱۰ روز کاری	تجدید نظر در میزان ودیعه بطور روزانه
وام‌دهی دارای پوشش	۲۰ روز کاری	تجدید ارزیابی (ارزش گذاری) روزانه

زمانی که بانک دارای چنین معامله یا مجموعه خالص سازی که دارای معیارهای پاراگراف های ۴۱(i) یا ۴۱(ii) پیوست ۴ باشد، حداقل دوره نگهداری باید معادل دوره حاشیه‌ای ریسک که تحت شرایط پاراگراف‌های مذکور استفاده می‌شود، باشد.

پاراگراف ۱۷۹ بال دو (استفاده از مدل‌ها) با پاراگراف زیر جایگزین می‌شود:

۱۷۹. معیارهای کمی و کیفی برای به رسمیت شناختن مدل‌های داخلی ریسک بازار برای معاملات سبک بازخریدی و سایر معاملات مشابه، اصولاً همانند موارد مندرج در پاراگراف‌های ۷۱۸(LXXIV) تا ۷۱۸(LXXVI) می‌باشد.

با توجه به دوره نگهداری، برای معاملات سبک بازخریدی، حداقل دوره ۵ روز کاری به جای ۱۰ روز کاری مندرج در پاراگراف (c)(LXXVI) ۷۱۸، می باشد. برای سایر معاملات واجد شرایط برای استفاده از رویکرد مدل های ارزش در معرض خطر، ۱۰ روز کاری به عنوان دوره نگهداری در نظر گرفته می شود. حداقل دوره نگهداری باید برای ابزارهایی که دوره نگهداری مذکور با توجه به وضعیت نقد بودن ابزار مورد نظر، مناسب نیست، باید به سمت بیشتر بودن تعدیل شود. حداقل، زمانی که بانک دارای معامله سبک بازخریدی یا موارد مشابه یا مجموعه خالص سازی که معیارهای مندرج در پاراگراف های ۴۱(i) یا ۴۱(ii) پیوست ۴ را دارا می باشند، حداقل دوره نگهداری باید دوره حاشیه ای ریسک که تحت شرایط پاراگراف های مذکور استفاده می شود، در ترکیب با مندرجات پاراگراف ۴۱(iii)، باشد.

بازنگری روش ساده برای تخمین EPE مؤثر

۳۹. پاراگراف ۴۱ پیوست ۴ در سند بال ۲ به صورت زیر بازنگری می شود:

۴۱. روش ساده: بانکی که می تواند EPE را بدون توافقات قرض گیری از کارگزار اوراق بهادار مدل سازی کند، اما نمی تواند به سطح بالایی از پیچیدگی های مدل برای مدل سازی EPE همراه با توافقات قرض گیری از کارگزار اوراق بهادار برسد، می تواند از روش زیر برای طرف های مقابل ودیعه گذار منوط به ودیعه گذاری مجدد و تعیین ارزش روزانه مبتنی بر بازار مشروح در پاراگراف ۴۱(i)، استفاده کند. ~~از روش مذکور تقریب ساده ای از EPE مؤثر بوده و EPE مؤثر برای یک طرف مقابل ودیعه گذار برابر است با مقدار کمتر بین موارد (a) و (b):~~

(a) EPE مؤثر بدون وثیقه ودیعه ای، به اضافه هرگونه وثیقه ای که بدون مواردی از قبیل ارزش گذاری روزانه و فرایند ودیعه گذاری یا

منبع در معرض ریسک جاری نزد طرف مقابل قرار داده شده است (به عبارت دیگر، ودیعه اولیه یا مقدار مستقل دیگری)؛ یا

(b) یک بخش اضافی که نشان دهنده افزایش بالقوه در منبع در معرض ریسک در طول دوره حاشیه ای ریسک می باشد به اضافه مقدار بزرگتر بین:

i. منبع در معرض ریسک جاری شامل تمام وثایق جاری نگهداری شده یا توثیق شده و پس از کسر ارزش این وثایق، به استثناء وثیقه ای که فراخوان شده یا محل مناقشه باشد؛ یا

ii. بزرگترین منبع در معرض ریسک خالص، شامل تمام وثایق نگهداری شده یا توثیق شده تحت شرایط توافق قرض گیری از کارگزار اوراق بهادار است که منجر به فراخوانی وثیقه نمی شود. این مبلغ، باید منعکس کننده همه آستانه های قابل اعمال، حداقل مقادیر انتقال، مقادیر مستقل و مبالغ ودیعه اولیه تحت شرایط توافق مذکور باشد.

مبلغ اضافه مورد اشاره، با رابطه $E[\max(\Delta MtM, 0)]$ محاسبه می شود که در آن $E[...]$ به معنای انتظار است (به عبارت دیگر میانگین سناریوها) و ΔMtM عبارت است از تغییر ارزش مبتنی بر بازار معاملات در طول دوره حاشیه ای ریسک. تغییرات در ارزش

^{۳۹} زمانی که یک بانک به طور کلی این روش ساده را برای اندازه گیری EPE مؤثر بکار می گیرد، روش مذکور می تواند توسط بانکی که عضو نهاد تسویه مرکزی برای معاملات خود با نهاد مذکور و با مشتریان شامل آن هایی که منجر به مبادلات بعدی با نهاد تسویه مرکزی می شود، استفاده شود.

وثیقه باید با استفاده از روش ضریب تعدیل نظارتی یا روش تخمین های داخلی منعکس شود ولی در این دوره هیچ نوع پرداخت وثیقه وجود ندارد. دوره حاشیه ای ریسک منوط به حداقل میزان نظارتی مندرج در پاراگراف های ۴۱ (i) تا ۴۱ (iii) می باشد. آزمون پس آزمایی باید این موضوع را که آیا منابع در معرض ریسک جاری متناسب و سازگار با پیش بینی روش ساده در طول تمامی دوره های حاشیه ریسک برای یک سال است یا خیر، مورد آزمون قرار دهد. اگر برخی معاملات در مجموعه خالص سازی دارای سررسید کمتر از یک سال بوده و مجموعه خالص سازی بدون معاملات مذکور دارای حساسیت های فاکتور ریسک باشد، این موضوع باید در نظر گرفته شود. اگر پس آزمایی نشان دهد که EPE مؤثر دارای کم برآوردی است بانک باید اقدامات لازم را جهت استفاده محافظه کارانه از روش انجام پس آزمایی از قبیل افزایش میزان تغییرات فاکتور ریسک، اتخاذ نماید.

جلوگیری از انعکاس عوامل تنزل در EAD

۴۰. به منظور جلوگیری از وجود عوامل تنزل در EAD، پاراگراف جدید ۴۱ (iv) به پیوست ۴ به صورت زیر اضافه می شود:

۴۱ (iv). بانک های استفاده کننده از روش مدل های داخلی نباید اثر کاهش در EAD را به علت شرط موجود در قرارداد وثیقه که دریافت وثیقه را در صورت کاهش کیفیت اعتباری طرف مقابل الزام می دارد، در نظر بگیرند.

اضافه نمودن الزاماتی برای بهبود عملکرد عملیاتی بخش وثیقه

۴۱. به منظور پیاده سازی الزامات طراحی شده برای بهبود عملیات بخش وثیقه بانک، دو پاراگراف جدید ۵۱ (i) و ۵۱ (ii) به پیوست ۴ اضافه و پاراگراف ۷۷۷ (x) بخش ۳: رکن دوم- فرایند بررسی نظارتی به صورت زیر بازنگری می شود:

۵۱ (i). بانک های که روش مدل داخلی را استفاده می کنند باید واحد مدیریت وثیقه که مسئول محاسبه و فراخوانی ودیعه، مدیریت اختلافات مربوط به فراخوانی ودیعه و سطح گزارش دهی مقادیر مستقل، میزان ودیعه اولیه و تغییر آن به صورت روزانه و شکل صحیح است را دارا باشد. واحد مذکور باید یکپارچگی اطلاعات مورد استفاده برای ایجاد فراخوانی ودیعه را کنترل کرده و اطمینان حاصل کند که با منابع مرتبط داده ای در بانک سازگار است. این واحد همچنین باید میزان استفاده مجدد از وثیقه (به صورت نقدی و غیر نقدی) و حقوقی که بانک به طرف های مقابل خود برای وثیقه آن ها می دهد را ردیابی کند. چنین گزارش های داخلی باید نشان دهنده طبقات دارایی های وثیقه ای که استفاده مجدد می شود و شرایط آن شامل ابزار، کیفیت اعتباری و سررسید باشد. این واحد باید تمرکز بر یک طبقه وثیقه ای پذیرفته شده توسط بانک را مد نظر داشته باشد. مدیریت ارشد باید اطمینان حاصل کند که این واحد به شکل کافی برای بررسی

فراخوان ها و چالش های آن به صورت به موقع حتی در شرایط بحران دارای نیروی کافی باشد و بانک را قادر سازد تا تعداد چالش های بزرگ ناشی از حجم معاملات را محدود کند.

۵۱(ii). واحد مدیریت وثیقه بانک باید اطلاعات صحیح مدیریت وثایق را ایجاد و نگهداری کرده و به صورت منظم به مدیریت ارشد گزارش شود. این گزارش گری داخلی باید شامل اطلاعات درباره نوع وثیقه (نقدی و غیرنقدی)، اندازه، زمان بندی و دلیل فراخوانی ودیعه و چالش های آن باشد. گزار مذکور باید همچنین روند مربوط به این اطلاعات را منعکس نماید.

۷۷۷(x). بانک باید یک بررسی مستقلی از سیستم مدیریت CCR را از طریق فرایند حسابرسی داخلی خود ایجاد نماید. بررسی مذکور باید شامل فعالیت های واحد معامله و اعتبار کسب و کار و واحد مستقل کنترل CCR باشد. بررسی فرایند مدیریت CCR باید در فواصل زمانی منظمی قرار گیرد (بطور ایده آل کمتر از یک بار در سال نباشد) و باید حداقل موارد زیر را مورد بررسی قرار دهد:

- کفایت مستندسازی سیستم مدیریت CCR و فرایند آن؛
- سازمان واحد مدیریت وثیقه؛
- سازمان واحد کنترل CCR؛
- یکپارچه سازی اقدامات CCR با مدیریت ریسک؛
- فرایند تأیید مدل های قیمت گذاری ریسک و سیستم های ارزش گذاری مورد استفاده توسط کارکنان اداره عملیاتی و اداره پشتیبانی؛
- تصدیق هر نوع تغییر با اهمیت در فرایند اندازه گیری CCR؛
- گستره ریسک های اعتباری طرف مقابل تعیین شده توسط مدل اندازه گیری ریسک؛
- یکپارچگی سیستم اطلاعات مدیریت؛
- صحت و میزان کامل بودن اطلاعات CCR؛
- انعکاس صحیحی از شرایط حقوقی و قانونی قراردادهای خالص سازی و وثیقه در اندازه گیری منبع در معرض ریسک؛
- راستی آزمایی سازگاری، به موقع بودن و قابلیت اتکای منابع داده ای مورد استفاده برای استفاده از مدل ها شامل استقلال منابع داده ای مذکور؛
- صحت و تناسب فرضیات مربوط به پراکندگی و همبستگی؛

- صحت محاسبات ارزشیابی و انتقال ریسک و
- راستی آزمایی صحت مدل از طریق پس آزمایی متناوب.

الزامات مربوط به کنترل استفاده مجدد از وثیقه توسط بانکهای IMM

۴۲. برای پیاده سازی الزامات مربوط به کنترل ها در خصوص استفاده مجدد از وثیقه، پاراگراف جدید ۵۱(iii) به صورت زیر به پیوست ۴ اضافه می شود:

۵۱(iii). بانک استفاده کننده از روش مدل های داخلی باید اطمینان حاصل کنند که سیاست های مدیریت نقد آن به طور همزمان، ریسک های نقدینگی فراخوان های ودیعه پیش رو در زمینه حاشیه تغییر و سایر انواع ودیعه، از قبیل ودیعه اولیه یا مستقل، تحت شرایط شوک های منفی بازار، فراخوان های بالقوه پیش رو برای بازگرداندن وثیقه اضافی توثیق شده توسط طرف های مقابل و فراخوان های ناشی از تنزل بالقوه در رتبه عمومی خود را مدنظر قرار می دهد. بانک باید اطمینان حاصل کند که ماهیت و افق استفاده مجدد از وثیقه سازگار با نیازهای نقدینگی آن بوده و توانایی آن را در توثیق یا بازگرداندن وثیقه در زمان مقتضی، در معرض خطر قرار ندهد.

الزام بانک ها برای استفاده از تعدیل نظارتی برای انتقال وثیقه خارج از بورس غیر نقدی به معادل نقدی

۴۳. به منظور استفاده از تعدیلات نظارتی برای وثیقه های غیر نقدی خارج از بورس، پاراگراف جدید ۶۱(i) به پیوست ۴ به صورت زیر اضافه خواهد شد:

۶۱(i). یک بانک در محاسبات منبع در معرض نکول برای اوراق مشتقه خارج از بورس، اگر قادر به مدل سازی وثیقه و منبع در معرض ریسک نباشد برای شناسایی تأثیر وثیقه غیر نقد با همان ارزش منبع در معرض ریسک، باید تعدیلاتی که استانداردهای روش جامع وثیقه مالی همراه با تخمین هایی از آن تعدیل ها را رعایت می کند یا تعدیلات نظارتی استاندارد را مورد استفاده قرار دهد.

الزامات مربوط به مدل سازی وثیقه غیر نقد همراه با اوراق بهادار پایه برای اوراق مشتقه خارج از بورس و معاملات تأمین مالی اوراق بهادار (SFTs)

۴۴. به منظور حصول اطمینان از استحکام وثیقه غیر نقد، پاراگراف جدید ۶۱(ii) به پیوست ۴ به صورت زیر اضافه خواهد شد:

۶۱(ii). اگر مدل داخلی شامل اثر وثیقه بر تغییرات در ارزش بازار مجموعه خالص سازی باشد، بانک باید وثیقه را به عنوان وثیقه غیر نقدی با ارزی غیر از منبع در معرض ریسک، در محاسبات منبع در معرض نکول برای معاملات تأمین مالی اوراق بهادار مدل سازی کند.

بازنگری بخش کاهش ریسک اعتباری برای اضافه نمودن الزام کیفی مدیریت وثیقه

۴۵. برای حصول اطمینان از این موضوع که منابع کافی به عملیات منظم توافقات حساب ودیعه برای اوراق مشتقه خارج از بورس و طرف های مقابل SFT تخصیص داده می شود، و حصول اطمینان از سیاست های صحیح مدیریت وثیقه، پاراگراف جدید ۱۵(i) به متن اصلی سند بال به شکل زیر اضافه می شود:

۱۱۵(i). بانک ها باید اطمینان حاصل کنند که منابع کافی به عملیات منظم توافقات حساب ودیعه برای اوراق مشتقه خارج از بورس و طرف های مقابل SFT که از طریق به موقع بودن و صحت فراخوان ها و زمان پاسخ به فراخوان های پیش رو اندازه گیری می شود، تخصیص داده می شود. بانک ها باید دارای سیاست های مدیریت وثیقه برای کنترل، پایش و گزارش موارد زیر باشند:

- ریسک موردی که توافقات حساب ودیعه اوراق بهادار را در معرض آن قرار می دهد (از قبیل پراکندگی و نقدینگی اوراق بهادار مبادله شده به عنوان وثیقه)
- ریسک تمرکز به انواع خاصی از وثیقه
- استفاده مجدد از وثیقه (نقدی و غیرنقدی) شامل کسری بالقوه نقدینگی ناشی از استفاده مجدد از وثیقه دریافت شده از طرف های مقابل، و
- واگذار نمودن حقوق وثیقه ای که نزد طرف های مقابل قرار دارد.

بازنگری متن برای ایجاد تعدیلات نظارتی استاندارد برای وثیقه اوراق بهادار سازی

۴۶. برای پیاده سازی تعدیلات نظارتی برای وثیقه اوراق بهادار سازی، پاراگراف جدید ۱۴۵(i) به متن بال ۱ اضافه شده و پاراگراف ۱۵۱ به صورت زیر بازنگری می شود:

۱۴۵(i) اوراق بهادار سازی مجدد (مندرج در چارچوب اوراق بهادار سازی)، صرف نظر از هر نوع رتبه بندی اعتباری، واجد شرایط به عنوان وثیقه مالی نمی باشند. این ممنوعیت زمانی که بانک در حال استفاده از روش

تعدیل نظارتی، روش تخمین تعدیلات، روش ارزش در معرض خطر بازخریدی یا روش مدل داخلی باشد،
بکار گرفته می شود.

۱۵۱. جدول زیر تعدیلات نظارتی ۱ استاندارد (با فرض ارزش گذاری مبتنی بر بازار روزانه، ودیعه گذاری مجدد
روزانه و دوره نگهداری ۱۰ روزه) به صورت درصد می باشد:

رتبه انتشار برای اوراق بدهی	سررسید باقی مانده	دولتها	سایر ناشرین	منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی
AAA تا AA-/A-1	> ۱ سال	۰.۵	۱	۲
	< ۱ سال > ۵ سال	۲	۴	۸
	< ۵ سال	۴	۸	۱۶
A+ تا BBB-/A-۲/A-3/P-3 و اوراق بهادار بدون رتبه بانک	> ۱ سال	۱	۲	۴
	< ۱ سال > ۵ سال	۳	۶	۱۲
	< ۵ سال	۶	۱۲	۲۴
BB+ تا BB-	تمامی سررسیدها	۱۵	واجد شرایط نیست	واجد شرایط نیست
سهام شاخص اصلی	۱۵			
سایر سهام	۲۵			
UCITS / صندوق های سرمایه گذاری مشترک وجه نقد با همان ارز	بیشترین ضریب تعدیل قابل کاربرد برای هر کدام از اوراق در صندوق صفر			

(پانویس های همراه جدول آورده نشده است. با این وجود، منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی به عنوان منابع در معرض ریسکی که تعریف مندرج در چارچوب
اوراق بهادار سازی را رعایت می کند، تعریف می شود.)

ترتیبات مربوط به طرف های مقابل با درجه اهرمی بالا

۴۷. کمیته بر این باور است که مناسب است که یک الزام کیفی که نشان دهنده این موضوع است که تخمین های
PD برای طرف های مقابل با درجه اهرمی بالا باید منعکس کننده عملکرد دارایی های آن ها بر مبنای دوره
بحرانی باشد را اضافه کند و بنابراین یک پاراگراف جدید بعد از پاراگراف ۴۱۵ سند بال به صورت زیر معرفی
می کند:

۴۱۵ (i). تخمین های PD برای قرض گیرندگانی که دارای درجه اهرمی بالایی هستند یا برای آن هایی که
دارایی های آن ها غالباً دارایی های مبادله شده است، باید عملکرد دارایی های پایه را بر مبنای دوره های دارای
نوسانات بحرانی را نشان دهد.

۴. طرف های مقابل مرکزی (نهادهای تسویه مرکزی)

۴۸. کمیته بال از کار در جریان کمیته سیستم های تسویه و پرداخت (CPSS) و سازمان بین المللی کمیسیون اوراق

بهادار (IOSCO) برای بررسی رهنمودهایی برای طرفهای مقابل مرکزی CPSS-IOSCO ۲۰۰۴، قدردانی به عمل می آورد. منوط به تکمیل بازنگری استانداردهای CPSS-IOSCO که مدیریت ریسک نهادهای تسویه مرکزی را پوشش می دهد، کمیته ترتیبات سرمایه نظارتی را برای منابع در معرض ریسک نهادهای مذکور بر مبنای تطبیق این نهادها با استانداردهای توسعه یافته CPSS-IOSCO، اعمال خواهد کرد. کمیته به صورت جداگانه به عنوان رهنمود عمومی، مجموعه ای از قواعد مرتبط با تجهیز سرمایه منابع در معرض ریسک بانک در خصوص نهادهای تسویه مرکزی را منتشر خواهد کرد. مجموعه استانداردهای مذکور در طول سال ۲۰۱۱ و پس از تکمیل و بعد از این که CPSS-IOSCO به روزرسانی استانداردهای مورد اشاره را تکمیل نمود، نهایی می شوند. کمیته قصد دارد به طور همزمان با سایر اصلاحات ریسک اعتباری طرف مقابل، استانداردهای مذکور را اعلام نماید.

۵. الزامات بهبود یافته مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل

۴۹. پاراگراف ۳۶ پیوست ۴ به صورت زیر به منظور افزایش صحت و استحکام تخمینهای بانک از آلفا مورد بازنگری قرار می گیرد.

۳۶. بدین منظور، بانکها باید اطمینان حاصل کنند که صورت و مخرج آلفا در ارتباط با روش مدل سازی، تعیین پارامتر و ترکیب پرتفوی محاسبه شوند. رویکرد مورد استفاده باید مبتنی بر رویکرد سرمایه اقتصادی داخلی بانک باشد، به خوبی مستند شده و مشمول تصدیق مستقل باشد. به علاوه، بانکها باید تخمینهای خود را حداقل به صورت فصلی، یا با تناوب بیشتر زمانی که ترکیب پرتفوی در طول زمان تغییر می کند مورد بررسی قرار دهند. بانکها باید ریسک مدل را ارزیابی کرده و ناظران باید نسبت به تغییر مهم در تخمینهای آلفا که ناشی از امکان تعیین نادرست در مدلها برای صورت آلفا، به ویژه زمانی که تحذب وجود دارد، می باشد، آگاه باشند.

آزمون بحران

۵۰. الزامات کیفی مندرج در پیوست ۴ برای آزمون بحران که بانکها باید هنگام استفاده از روش مدلی داخلی انجام دهند، صریح تر و گسترده تر شده است. بطور مشخص، پاراگراف ۵۶، پیوست ۴ سند بال ۲ با متن زیر جایگزین می شود:

۵۶. بانکها باید دارای برنامه جامع آزمون بحران برای ریسک اعتباری طرف مقابل باشند. برنامه آزمون

بحران باید شامل عناصر زیر باشد:

- بانکها باید برای تمام اشیاء ریسک اعتباری طرف مقابل (و نه فقط اوراق مشتقه خارج از بورس)، از پوشش کامل معامله و تجمیع منبع در معرض ریسک، در سطح مشخص طرف مقابل در یک بازه زمانی کافی برای انجام آزمون بحران منظم اطمینان حاصل کنند.
- برای همه طرفهای مقابل، بانکها باید حداقل به صورت ماهیانه، آزمون بحران فاکتورهای اصلی ریسک بازار (نرخهای بهره، نرخ ارز، سهام، حاشیههای اعتباری و قیمتهای کالا) را به منظور شناسایی فعالانه و در صورت لزوم کاهش تمرکز بیش از حد نسبت به حساسیتهای جهتدار مشخص، انجام دهد.
- بانکها باید سناریوهای چند عاملی آزمون بحران و ریسکهای غیرجهتدار حایز اهمیت (به عبارت دیگر، منبع در معرض ریسک منحنی بازده، ریسکهای مبنا و غیره) را حداقل به صورت فصلی بکار گیرند. آزمونهای بحران چند عاملی باید حداقل سناریوهایی را استفاده کند که در آنها (a) وقایع جدی بازار یا اقتصادی اتفاق افتاده باشد؛ (b) نقدینگی و سیع بازار به طور قابل توجهی کاهش یافته باشد و (c) تأثیر بازار وضعیتهای نقدشوندگی نهادهای واسطه مالی بزرگ وجود داشته باشد. این آزمونهای بحران ممکن است بخشی از آزمون بحران گسترده بانک باشد.
- تغییرات بحرانی بازار دارای تأثیر روی منابع در معرض ریسک طرفهای مقابل و همچنین روی کیفیت اعتباری طرفهای مقابل می باشد. حداقل به صورت فصلی، بانکها باید آزمونهای بحران را با بکارگیری شرایط بحرانی در خصوص تغییرات مشترک منابع در معرض ریسک و ارزش اعتباری طرف مقابل انجام دهند.
- آزمون بحران منبع در معرض ریسک (شامل تک عاملی، چند عاملی و ریسکهای حایز اهمیت جهتدار) و شوک وارد کردن همزمان به منبع در معرض ریسک و ارزش اعتباری باید برای هر طرف مقابل، گروهی از طرفهای مقابل (به عنوان مثال، صنعت و منطقه) و سطوح جمعی CCR بانک انجام شود.
- نتایج آزمون بحران باید با گزارشدهی معمول به مدیریت ارشد ادغام و یکپارچه شود. این تجزیه و تحلیل باید بزرگترین اثرات در سطح طرف مقابل، تمرکزهای مهم در بخشهای پرتفوی (در یک صنعت یا منطقه) و روندهای خاص و مرتبط طرف مقابل و پرتفوی را پوشش دهد.

- شدت شوکهای فاکتور ریسک باید سازگار با هدف آزمون بحران باشد. هنگام ارزیابی توانایی مالی در شرایط بحرانی، شوکهای فاکتور باید به اندازه کافی شدت داشته تا قادر باشد شرایط شدید تاریخی بازار و یا شرایط بحرانی شدید و قابل قبول را پوشش دهد. تأثیر چنین شوکهایی روی منابع سرمایه‌ای همچنین الزامات سرمایه‌ای و سوددهی بانک باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در راستای هدف پایش روزانه پرتفوی، پوشش و مدیریت تمرکزها، بانکها همچنین باید سناریوهایی با شدت کمتر و احتمال وقوع بیشتر را مدنظر قرار دهند.
- بانکها باید آزمونهای بحران معکوس را به منظور شناسایی سناریوهای شدید ولی قابل قبول که می‌تواند منجر به نتایج نامطلوب مهمی شود را مدنظر داشته باشند.
- مدیریت ارشد باید دارای یک نقش راهبری در ادغام و یکپارچه‌سازی سناریوی بحران در چارچوب مدیریت ریسک و فرهنگ ریسک بانک بوده و اطمینان حاصل کند که نتایج معنادار هستند و برای مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل به صورت فعالانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. حداقل، نتایج آزمون بحران برای منابع در معرض ریسک حایز اهمیت باید با رهنمودهایی که میزان ریسک‌پذیری بانک را بیان می‌کند مقایسه شده و جهت اقدام در زمان وقوع ریسکها شدید یا متمرکز مدنظر قرار گیرند.

تصدیق و تأیید مدل و آزمون پس‌آزمایی

۵۱. هنگام تأیید مدل، پاراگراف زیر (در حال حاضر پاراگراف ۴۲) بعد از پاراگراف ۴۰ پیوست ۴ قرار می‌گیرد:
- ۴۰bis. مدل EPE همچنین باید شامل اطلاعات خاص معامله به منظور پوشش تأثیرات ودیعه سازی باشد. مقدار جاری حساب ودیعه و ودیعه‌ای که میان طرفهای مقابل در آینده مبادله می‌شود، باید لحاظ شود. این مدل باید ماهیت توافقات ودیعه‌گذاری (یک‌جانبه یا دوجانبه)، تناوب فراخوان ودیعه، دوره حاشیه‌ای ریسک، آستانه‌های منبع در معرض ریسک بدون حساب ودیعه که بانک تمایل به پذیرش آن دارد و حداقل مقدار انتقال را مدنظر قرار دهد. مدل مذکور، باید تغییر در ارزش‌گذاری به قیمت بازار در خصوص و تالیق را مدل‌سازی کند یا قواعد سند حاضر را بکار گیرد.
۵۲. الزامات فعلی سند بال دو برای پس‌آزمایی با موارد زیر جایگزین می‌شود:

۴۲. مهم این است که مقامات نظارتی، قادر به حصول اطمینان باشند که بانکهای استفاده‌کننده از مدلها، دارای سیستمهای مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل که به‌طور مفهومی پایدار و یکپارچه باشد، هستند. بر

این اساس، مقام نظارتی تعدادی از معیارهای کیفی که بانکها باید قبل از مجاز شدن به استفاده از رویکرد مبتنی بر مدل رعایت کنند، را تعیین کند. میزان رعایت معیارهای کیفی توسط بانکها می تواند بر سطحی که مقام نظارتی برای عامل آلفا مندرج در پاراگراف ۳۲ در نظر می گیرد، اثر بگذارد. فقط بانک هایی که با معیارهای کیفی منطبق هستند، برای استفاده از حداقل عامل مورد اشاره واجد شرایط هستند. معیارهای کیفی دربردارنده موارد زیر است:

- بانک باید یک برنامه منظم پس آزمایی، به عبارت دیگر مقایسه سنجه های ریسک اندازه گیری شده توسط مدل در مقابل موارد حقیقی، همچنین مقایسه تغییرات نظری مبتنی بر وضعیت های آماره با سنجه های شناسایی شده را داشته باشد.
- بانک باید تصدیق اولیه در خصوص مدل IMM و سنجه های ریسک اندازه گیری شده توسط آن و همچنین بررسی دوره ای در این خصوص داشته باشد. تصدیق و بررسی مذکور باید مستقل از توسعه دهندگان مدل انجام پذیرد.
- هیأت مدیره و مدیریت ارشد باید به طور فعال در فرایند کنترل ریسک مشارکت داشته و باید کنترل اعتبار و ریسک اعتباری طرف مقابل را به عنوان جنبه ضروری کسب و کار خود در نظر گرفته به نحوی که منابع قابل توجهی باید بدان تخصیص دهند. بدین منظور، گزارش های روزانه که توسط واحد کنترل ریسک مستقل تهیه می شود، باید توسط یک سطح مدیریت ارشد دارای اختیار کافی برای اعمال کاهش وضعیت های اتخاذ شده و کاهش در منابع در معرض ریسک کلی بانک، بررسی شود.
- مدل داخلی اندازه گیری ریسک باید با فرایند روزانه مدیریت ریسک بانک ادغام شده باشد. نتایج آن باید به عنوان بخشی از فرایند برنامه ریزی، پایش و کنترل مشخصه ریسک اعتباری طرف مقابل بانک باشد.
- سیستم اندازه گیری ریسک باید در ارتباط با حدود داخلی منبع در معرض ریسک و معاملات مورد استفاده قرار گیرد. در این خصوص، حدود منبع در معرض ریسک باید با مدل اندازه گیری ریسک بانک به روشی که در طول زمان سازگار بوده و توسط معامله گران، بخش اعتباری و مدیریت ارشد درک شده باشد، ارتباط داشته باشد.

۲۴۸ سنجه های ریسک صرفاً EPE مؤثر به عنوان سنجه ریسک مورد استفاده برای محاسبه سرمایه نظارتی نمی باشد، بلکه سایر سنجه های ریسک در محاسبه EPE مؤثر از قبیل توزیع منبع در معرض ریسک در سری های تاریخ های آینده، توزیع منبع در معرض ریسک مثبت، فاکتورهای ریسک بازار مورد استفاده برای محاسبه منابع در معرض ریسک مذکور و ارزش های مبادلات تشکیل دهنده پرتفو نیز مشمول می شود.

- بانکها باید دارای یک رویه معمول برای حصول اطمینان از تطبیق با مجموعه مستند سیاستها، کنترلها و رویههای داخلی با توجه به عملیات سیستم اندازهگیری ریسک، باشند. سیستم اندازهگیری ریسک بانک باید به خوبی مستندسازی شده باشد. به عنوان مثال، این امر میتواند از طریق راهنمای مدیریت ریسک که اصول پایه سیستم مدیریت ریسک را توضیح میدهد و توضیحاتی در خصوص تکنیکهای عملی مورد استفاده برای سنجش ریسک اعتباری طرف مقابل فراهم میآورد، انجام شود.
- سیستم سنجش ریسک باید در فرایند حسابرسی داخلی بانک به طور مستقل بررسی شود. این بررسی باید شامل فعالیتهای واحدهای معاملات و واحد مستقل کنترل ریسک باشد. بررسی فرایند مدیریت ریسک کلی باید در فواصل زمانی منظم (به صورت ایدهآل کمتر از یک مرتبه در سال نباشد) انجام شده و باید به طور مشخص حداقل موارد زیر را مد نظر قرار دهد:
- کفایت مستندسازی سیستم و فرایند مدیریت ریسک؛
- سازمان و ساختار واحد کنترل ریسک؛
- ادغام سنجشهای ریسک اعتباری طرف مقابل با مدیریت روزانه ریسک؛
- فرایند تصویب مدلهای ریسک اعتباری طرف مقابل مورد استفاده در محاسبه ریسک اعتباری طرف مقابل که توسط کارکنان واحد پشتیبانی و میانی استفاده می شود؛
- تأیید تغییر مهم در فرایند اندازهگیری ریسک؛
- گستره ریسکهای اعتباری طرف مقابل که توسط مدل اندازهگیری ریسک پوشش داده می شود؛
- یکپارچگی سیستم اطلاعات مدیریت؛
- صحت و میزان کامل بودن اطلاعات مربوط به وضعیت؛
- راستی آزمایی سازگاری، به موقع بودن و قابلیت اتکای منابع اطلاعات مورد استفاده برای اجرای مدلهای داخلی، شامل استقلال چنین منابع اطلاعاتی؛
- صحت و مناسب بودن فرضیات همبستگی و پراکندگی؛
- صحت ارزش گذاری و محاسبات گذار ریسک؛
- راستی آزمایی صحت مدل مندرج در پاراگرافهای ۴۳ تا ۴۶.

- تأیید مستمر مدل های ریسک اعتباری طرف مقابل، شامل پس آزمایی، باید به صورت دوره ای توسط سطحی از مدیریت که دارای اختیارات کافی در خصوص تصمیم گیری برای دوره عمل لازم برای شناسایی نقاط ضعف مدل ها می باشد، بررسی شود.

۴۳. بانک ها باید فرایند تأیید اولیه و مستمر مدل های IMM خود را به صورت تفصیلی به نحوی که شخص ثالث قادر به دریافتن تجزیه و تحلیل باشد، مستند سازی کنند. همچنین بانک ها باید محاسبه سنجه های ریسک حاصل از مدل ها به صورت تفصیلی به نحوی که شخص ثالث قادر به ارزیابی سنجه ها باشد را مستند سازی کنند. این مستندسازی باید تناوب پس آزمایی و سایر تأییدهای مستمر، چگونگی تأیید آنها با توجه به جریان اطلاعات و پرتفوی ها و تجزیه و تحلیل هایی که مورد استفاده قرار می گیرد را تعیین کند.

۴۴. بانک ها باید معیارهایی را برای ارزیابی مدل های EPE خود و مدل هایی که برای محاسبه EPE استفاده می شود را تعریف کند و دارای سیاست مکتوبی که فرایند شناسای عملکردهای غیرقابل قبول و اصلاح آنها را تعیین خواهد کرد، باشند.

۴۵. بانک ها باید تعیین کنند که چگونه مشخصه های طرف مقابل مورد اشاره به منظور تأیید مدل EPE و سنجه های ریسک ایجاد می شود.

۴۶. زمان تأیید مدل های EPE و سنجه های ریسک آن که توزیع پیش بینی را ایجاد می کند، باید بیش از یک آماره توزیع مدل را مورد ارزیابی قرار دهد.

۴۶(i). به عنوان بخشی از تأیید و تصدیق اولیه و مستمر یک مدل IMM و سنجه های ریسک آن، الزامات زیر باید رعایت شود:

- بانک باید آزمون پس آزمایی را با استفاده از داده های تاریخی در خصوص تغییرات فاکتورهای ریسک بازار قبل از تصویب نظارتی انجام دهد. پس آزمایی باید تعدادی از افق های زمانی پیش بینی حداقل یک ساله، در ارتباط با تاریخ های شروع مختلف و پوشش محدوده وسیع از شرایط بازار را مد نظر قرار دهد.
- بانک ها باید آزمون پس آزمایی عملکرد مدل EPE خود و سنجه های ریسک مرتبط مدل، همچنین پیش بینی فاکتور ریسک بازار که EPE را پشتیبان می کند، انجام دهد. برای مبادلات دارای وثیقه، افق های زمانی پیش بینی مورد نظر، باید شامل آن هایی باشد که نشان دهنده دوره های حاشیه ای نوعی ریسک که برای مبادلات دارای حساب ودیعه حاشیه ای است، باشد و باید شامل افق های زمانی بلندمدت حداقل ۱ سال باشد.

- مدل های قیمت گذاری مورد استفاده برای محاسبه منبع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل برای سناریوی مفروض شوک های آینده فاکتورهای ریسک بازار باید به عنوان بخشی از فرایند تأیید اولیه و مستمر مدل، مورد آزمون قرار گیرد. این مدل های قیمت گذاری می تواند با آن هایی که برای محاسبه ریسک بازار در طول یک دوره کوتاه استفاده شود، متفاوت باشد. مدل های قیمت گذاری برای اوراق اختیار باید ویژگی غیرخطی ارزش اوراق اختیار در ارتباط با فاکتورهای ریسک بازار را ملحوظ نظر قرار دهد.
- مدل EPE باید اطلاعات خاص مبادلات به منظور تجمیع منابع در معرض ریسک در سطح مجموعه خالص سازی را پوشش دهد. بانک ها باید تصدیق کنند که مبادلات به مجموعه خالص سازی مناسب در مدل تخصیص داده می شود.
- آماره، پس آزمایی تاریخی در خصوص پرتفوی های طرف مقابل باید به عنوان بخشی از فرایند تأیید باشد. در دوره های منظم تحت راهبری مقام ناظر، یک بانک باید آزمون پس آزمایی را نسبت به تعدادی از پرتفوی های نمونه طرف مقابل انجام دهد. پرتفوی های نمونه باید بر مبنای حساسیت آنها به فاکتورهای ریسک مهم و همبستگی به موردی که بانک در معرض آن قرار دارد انتخاب شوند. به علاوه، بانک های IMM نیاز دارند که آزمون پس آزمایی که برای آزمون مفروضات اصلی مدل EPE و سنجه های مرتبط ریسک از قبیل رابطه مدل سازی شده بین دوره زمانی فاکتور ریسک یکسان و روابط مدل سازی شده بین فاکتورهای ریسک انجام دهند.
- تفاوت های مهم بین منابع در معرض ریسک شناسایی شده و توزیع پیش بینی می تواند نشان دهنده مشکلاتی در خصوص مدل یا داده های پایه باشد که مقام ناظر بانک را ملزم به تصحیح آنها می کند. در چنین شرایطی، ناظران می توانند بانک را ملزم به نگهداری سرمایه اضافی تا زمانی که مشکل حل شود، کنند.
- عملکرد مدل های EPE و سنجه های ریسک آن باید منوط به انجام آزمون پس آزمایی مناسب باشد. برنامه آزمون پس آزمایی باید قادر به شناسایی عملکرد ضعیف سنجه های ریسک مدلی EPE باشد.
- بانک ها باید مدل های EPE خود و تمامی سنجه های ریسک مرتبط با افق های زمانی متناسب با سررسید معاملاتی که منبع در معرض ریسک برای آنها با استفاده از روش مدل سازی داخلی محاسبه می شود، را تأیید کند.

- مدل‌های قیمت‌گذاری مورد استفاده برای محاسبه منبع در معرض ریسک طرف مقابل باید به‌طور منظم با الگوهای مستقل مناسب به عنوان بخشی از فرایند تأیید و تصدیق مستمر، مورد آزمون و بررسی قرار گیرند.

- تأیید مستمر مدل EPE بانک و سنجه‌های ریسک مرتبط باید شامل عملکرد جاری باشد.
- تناوب به روزرسانی مدل EPE باید به عنوان بخشی از فرایند تأیید و تصدیق مورد ارزیابی قرار گیرد.
- در چارچوب IMM، سنجه‌ای که محافظه کارانه‌تر از شاخص اندازه‌گیری استفاده شده برای محاسبه منبع در معرض نکول نظارتی برای هر طرف مقابل است، می‌تواند به جای آلفا در EPE مؤثر با تأیید قبلی مقام ناظر استفاده شود. میزان محافظه کاری در این موضوع، بر مبنای تأیید اولیه مقام ناظر و در بررسی‌های نظارتی معمول مدل‌های EPE مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. بانک باید این موضوع را به صورت منظم تأیید و تصدیق نماید.

- ارزیابی مستمر عملکرد مدل باید تمام طرف‌های مقابل که مدل‌ها برای آن‌ها استفاده شده است، را پوشش دهد.

- تأیید مدل‌های IMM باید ارزیابی کند که آیا محاسبات EPE منبع در معرض ریسک سطح بانک و مجموعه خالص‌سازی مناسب است یا خیر؟

۴۹(i) بانک باید دارای واحد کنترل مستقل ریسک که مسئول طراحی و پیاده‌سازی سیستم مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل است، باشد. این واحد باید گزارش‌های روزانه در خصوص خروجی مدل اندازه‌گیری ریسک بانک شامل ارزیابی رابطه بین سنجه‌های منبع در معرض ریسک اعتباری و حدود معاملات، را فراهم و تحلیل نماید. واحد مذکور باید از واحدهای کسب و کار بانک مستقل بوده و باید مستقیماً به مدیریت ارشد گزارش‌دهی کند.

B. بررسی اتکا به رتبه‌بندی اعتباری مستقل و حداقل کردن مضرات آن

۱. ترتیبات رتبه‌بندی استنباطی استاندارد برای منابع در معرض ریسک بلندمدت

۵۳. پاراگراف ۹۹ سند بال دو به صورت زیر اصلاح می‌شود:

۹۹. زمانی که یک بانک بر اوراقی که دارای ارزیابی خاص در آن خصوص است، سرمایه گذاری کند، وزن ریسک مطالبه مذکور بر مبنای آن ارزیابی است. زمانی که مطالبه بانک سرمایه گذاری در اوراق مذکور نباشد، اصول کلی زیر بکار گرفته می شود.

- در شرایطی که قرض گیرنده دارای ارزیابی برای یک بدهی منته شره با شد- اما مطالبه بانک به صورت سرمایه گذاری در این بدهی نباشد- یک ارزیابی اعتباری با کیفیت بالا (ارزیابی که به یک وزن ریسک کمتر از مطالبه بدون رتبه منطبق شود) در خصوص آن بدهی می تواند صرفاً برای مطالبه بدون ارزیابی بانک استفاده شود زمانی که مطالبه مذکور هم رده یا بالاتر از مطالبه دارای ارزیابی در تمام جهات باشد. اگر چنین نباشد، ارزیابی اعتباری نمی تواند استفاده شود و مطالبه بدون ارزیابی وزن ریسک معادل وزن ریسک مطالبه بدون رتبه را دریافت خواهد کرد.

- در شرایطی که قرض گیرنده دارای یک ارزیابی ناشر است، این ارزیابی نوعاً برای مطالبات بدون پوشش وثیقه ای دارای رده بالا (ارشدیت بالا) از آن ناشر بکار گرفته می شود. در نتیجه، تنها مطالبات با اولویت بالا از آن ناشر از یک ارزیابی با کیفیت در خصوص ناشر نفع می برد. سایر مطالبات ارزیابی نشده از یک ناشر با ارزیابی بالا، به عنوان مطالبات بدون رتبه در نظر گرفته می شود. اگر ناشر یا یک ورقه منته شره دارای ارزیابی با کیفیت پایین باشند (منطبق با وزن ریسکی معادل یا بالاتر از آن چه که برای مطالبات بدون رتبه بکار می رود)، مطالبه بدون ارزیابی در خصوص همان طرف مقابل که معادل یا کمتر از ارزیابی ناشر باشد بدون پوشش وثیقه ای یا ارزیابی منبع در معرض ریسک است، وزن ریسک همانند آن چه به ارزیابی کیفیت پایین بکار می رود، تخصیص داده خواهد شد.

۲. انگیزه اجتناب از ایجاد منابع در معرض ریسک دارای رتبه

۵۴. پاراگراف ۷۳۳ متن بال دو به صورت زیر می باشد:

۷۳۳. ریسک اعتباری: بانکها باید دارای روشی باشند که آنها را قادر به ارزیابی ریسک اعتباری منابع در معرض ریسک به قرض گیرندگان فردی یا طرفهای مقابل همچنین سطح پرتفوی کند. بانکها باید منابع در معرض ریسک را صرف نظر از این که دارای رتبه بوده یا نه، ارزیابی کنند و تعیین نمایند که آیا وزنهای ریسک بکار گرفته شده در خصوص این منابع، تحت رویکرد استاندارد، برای ریسک ذاتی آنها متناسب

است یا خیر. در این موارد که بانک تعیین می کند که ریسک ذاتی منبع در معرض ریسک به ویژه زمانی که بدون رتبه است، بطور قابل توجهی بالاتر از آن چه که توسط وزن ریسک نشان می دهد، می باشد، بانک باید درجه بالاتری از ریسک اعتباری را در ارزیابی کفایت سرمایه کلی خود در نظر بگیرد. برای بانک ها با ساختار پیچیده تر، ارزیابی بررسی اعتباری کفایت سرمایه حداقل باید چهار حوزه را پوشش دهد: سیستم های رتبه بندی ریسک، تجمیع/تحلیل پرتفوی، اوراق مشتقه اعتباری پیچیده/اوراق بهادار سازی شده و منابع در معرض ریسک کلان و تمرکزهای ریسک.

۳. استفاده از اصول پایه ای آیین رفتار حرفه ای ISOCO برای آژانس های رتبه بندی اعتباری

۵۵. پاراگراف ۹۱ و ۵۹۵ (b) متن بال دو به صورت زیر خواهد شد (پاراگراف ۹۰ نیازی به تغییرات بیشتری ندارد):

۱. فرایند شناسایی (به رسمیت شناختن)

۹۰. ناظران ملی مسئول تعیین مستمر این موضوع که آیا مؤسسه ارزیابی اعتباری (ECAI) معیارهای فهرست شده در پاراگراف زیر را رعایت می کنند یا خیر، می باشند. ناظران ملی باید از اصول پایه ای آیین رفتار حرفه ای ISOCO برای آژانس های رتبه بندی اعتباری در زمان تعیین میزان واجد شرایط بودن مؤسسه ارزیابی اعتباری استفاده کنند. ارزیابی های این مؤسسات می تواند به صورت محدود به رسمیت شناخته شود، به عنوان مثال، از طریق نوع مطالبات یا از لحاظ کشور. فرایند نظارتی برای به رسمیت شناختن مؤسسات ارزیابی اعتباری باید به منظور اجتناب از موانع احتمالی، افشا شود.

۲. معیارهای واجد شرایط

۹۱. یک مؤسسه ارزیابی اعتباری باید هر یک از ۶ معیار زیر را داشته باشد.

- پاسخگویی: تغییری پیشنهاد نمی شود
- استقلال: تغییری پیشنهاد نمی شود
- قابلیت دسترسی بین المللی / شفافیت: ارزیابی های فردی، عناصر اصلی مبنای ارزیابی ها و این موضوع که آیا ناشر در فرایند ارزیابی مشارکت می کند یا خیر باید به صورت عام در دسترس عموم قرار گیرد، مگر این که ارزیابی های مذکور خصوصی باشد. به علاوه، رویه کلی، روش ها و فرایات ورود در ارزیابی های مورد استفاده توسط مؤسسه ارزیابی اعتباری باید در دسترس عموم باشد.

• افشا: یک مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل باید این اطلاعات را افشا کند: آیین رفتار حرفه‌ای؛ ماهیت کلی ترتیبات جبران خدمات خود با نهادهای تحت ارزیابی؛ روش‌های ارزیابی خود، شامل تعریف نکول، افق زمانی و معنی هر رتبه؛ نرخ‌های نکول تجربه شده در هر طبقه ارزیابی و انتقال ارزیابی‌ها به عنوان مثال احتمال تبدیل AA به رتبه A در طول زمان.

• منابع: تغییری پیشنهاد نمی‌شود

• شهرت و اعتبار: تغییری پیشنهاد نمی‌شود

۳. الزامات عملیاتی برای استفاده از ارزیابی‌های اعتباری مستقل (بیرونی)

۵۶۵. معیارهای عملیاتی زیر در خصوص استفاده از ارزیابی‌های اعتباری مستقل در رویکردهای استاندارد و رتبه‌بندی داخلی چارچوب اوراق بهادارسازی بکار گرفته می‌شود:

(a) بدون تغییر

(b) ارزیابی‌های اعتباری مستقل باید از جانب یک مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل واجد شرایط که توسط مقام ناظر بانک با توجه به مندرجات پاراگراف‌های ۹۰ تا ۱۸۰ با در نظر گرفتن استثناء زیر، به رسمیت شناخته شده است، باشد. برخلاف بند سوم پاراگراف ۹۱، یک ارزیابی اعتباری واجد شرایط، رویه‌ها، روش‌ها، مفروضات و عناصراً صلی مبنای ارزیابی‌ها باید به‌طور کلی و بدون هزینه در دسترس عموم باشد.^{۲۴۹} بیان دیگر، رتبه‌بندی باید با قابلیت دسترسی منتشر شده و در ماتریس انتقال مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل شامل شود. همچنین، تحلیل جریان نقدی و زیان، همچنین حساسیت رتبه‌بندی به تغییرات در مفروضات پایه رتبه‌بندی باید در دسترس عموم باشد. در نتیجه رتبه‌بندی‌هایی که فقط در دسترس طرفین معامله قرار می‌گیرند، این الزامات را رعایت نمی‌کنند.

(c) تا (f) بدون تغییر

۴. اثرات ناشی از تضامین و مشتقات اعتباری – کاهش ریسک اعتباری (CRM)

رویکرد استاندارد – طیف تضامین واجد شرایط (ضامین متقابل) /ارایه کنندگان پوشش

۱۹۵. پوشش اعتباری ارایه شده توسط مؤسسات زیر به رسمیت شناخته می‌شود:

^{۲۴۹} زمانی که ارزیابی اعتباری واجد شرایط بدون هزینه ارایه نشود، مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل باید توجیه کافی در چارچوب آیین رفتار حرفه‌ای در دسترس عموم بر اساس ماهیت "منطبق باش یا توضیح بده" اصول رفتار حرفه‌ای ISOCO برای آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری ارایه دهد.

- مؤسسات دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، بانکها و شرکتهای اوراق بهادار با وزن ریسک پایین تر از طرف مقابل.
- سایر مؤسساتی که به طور مستقل رتبه بندی شده به استثناء زمانی که پوشش اعتباری برای منبع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادار سازی تأمین شده باشد. این امر شامل پوشش اعتباری ارایه شده توسط شرکت مادر، تابعه مستقل و شرکتهای وابسته زمانی که آنها دارای وزن ریسک کمتر از متعهد باشند.
- زمانی که پوشش اعتباری برای منبع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی شده ارایه شود، سایر مؤسسات اخیراً دارای رتبه بیرونی BBB- یا بهتر از آن باشد یا در زمان ارایه پوشش دارای رتبه A- با بهتر باشند. این امر شامل پوشش اعتباری ارایه شود توسط شرکت مادر، تابعه مستقل و شرکتهای وابسته می باشد و این زمانی است که آنها دارای وزن ریسک کمتر از متعهد باشند.

شناسایی (به رسمیت شناختن) تحت رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی (IRB) پایه

۳۰۲. برای بانکهای استفاده کننده از رویکرد پایه در خصوص LGD، رویکرد مربوط به تضامین و اوراق مشتقه اعتباری به مقدار بسیار زیادی از ترتیبات رویکرد استاندارد مندرج در پاراگرافهای ۱۸۹ تا ۲۰۱ پیروی می کند. طیف ضامین واجد شرایط همانند شرایط مندرج در رویکرد استاندارد به استثناء شرکتهایی است که به صورت داخلی رتبه بندی می شوند و می توانند تحت شرایط رویکرد پایه مورد شناسایی قرار گیرد. برای شناسایی، الزامات مندرج در پاراگراف ۱۸۹ تا ۱۹۴ باید رعایت شود.

۵. رتبه بندی غیرالزامی و به رسمیت شناختن مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل

۵۶. پاراگراف ۶۴ و ۱۰۸ سند بال دو به صورت زیر تغییر می کند:

۹۴. بانکها باید از مؤسسات رتبه بندی منتخب و رتبه بندی آنها به صورت سازگار برای همه انواع مطالبات در خصوص وزن دهی ریسک و اهداف مدیریت ریسک استفاده کنند. بانکها مجاز به گلچین نمودن ارزیابی های ارایه شده توسط مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل و تغییر دلخواهانه استفاده از این مؤسسات نیستند.

۱۰۸. به عنوان یک قاعده کلی، بانکها باید از رتبه بندی مورد درخواست از مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل واجد شرایط استفاده کنند. با این وجود، مقامات ناظر ملی می توانند به بانکها اجازه دهند که از رتبه بندی غیرالزامی نیز همانند رتبه بندی مورد درخواست استفاده کنند و این زمانی است که متقاعد شده باشند که ارزیابی های اعتباری ناشی از رتبه بندی غیرالزامی از نظر کیفیت نسبت به کیفیت کلی رتبه بندی مورد درخواست پایین تر نباشد. با این وجود، این احتمال برای مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل وجود دارد که از رتبه بندی های غیرالزامی برای اعمال فشار به مؤسسات برای دریافت رتبه بندی الزامی استفاده کنند. چنین رفتاری، زمانی که شناسایی شد، باید باعث شود که ناظران این موضوع را در نظر بگیرند که آیا مؤسسات مذکور را واجد شرایط برای اهداف کفایت سرمایه به رسمیت بشناسند یا خیر.

III. سپر سرمایه حفاظتی

۵۷. این بخش کارکرد سپر سرمایه حفاظتی که بانکها باید نسبت به ایجاد آنها قبل از دوره های بحران اطمینان حاصل نمایند را به طور مختصر بیان می کند. سپرهای سرمایه ای مزبور این امکان را دارند که در صورت وقوع زیان کاهش یابند. این الزامات بر قواعد سرمایه حفاظتی ساده مبتنی است و به منظور اجتناب از نقض حداقل های الزامات سرمایه ای طراحی شده اند.

A. قواعد برتر مربوط به سرمایه حفاظتی

۵۸. قبل از دوره های زمانی وقوع بحران، بانکها باید سپرهایی از سرمایه را فراتر از حداقل های مقرراتی نگهداری نمایند.

۵۹. چنانچه سپرهای حفاظتی کاهش یابند، یکی از راه هایی که بانکها باید به منظور بازسازی مجدد سپرها دنبال نمایند کاهش صلاح دیدی سود قابل توزیع می باشد. این موضوع می تواند شامل کاهش سود نقدی سهام، پرداخت های با پشتوانه سهام و نیز پاداش کارمندان باشد. بانکها همچنین می توانند به عنوان راهکاری جایگزین در حفاظت از سطح سرمایه ایجاد شده به صورت درونی، این روش را انتخاب نمایند که سرمایه جدیدی از بخش خصوصی جذب کنند. ایجاد توازن بین این گزینه ها باید با انجام مذاکره با مقامات نظارتی به عنوان بخشی از فرآیند برنامه ریزی سرمایه صورت پذیرد.

۶۰. واضح است که تلاش های بیشتری باید به منظور بازسازی سپرهایی که بیشتر کاهش پیدا کرده اند صورت

پذیرد. بنابراین، در غیاب افزایش سرمایه از بخش خصوصی در صورتی که سطوح سرمایه واقعی بانکها به الزامات حداقل سرمایه نزدیک تر می شوند، سهم سود انباشته بانک برای هدف بازسازی سپرده های سرمایه ای باید افزایش یابد.

۶۱. برای بانکهایی که سپرده های سرمایه ای خود را کاهش داده اند این موضوع قابل پذیرش نیست که به عنوان توجیهی برای حفظ توزیع های سخاوتمندانه سود به سهامداران، سایر تأمین کنندگان سرمایه و نیز کارکنان، از پیش بینی های آینده به منظور بازسازی سرمایه خود استفاده نمایند. سهامداران بر خلاف سپرده گذاران باید این ریسک را بپذیرند که بازسازی سرمایه موضوعی مربوط به آینده نمی باشد.

۶۲. همچنین برای بانکهایی که سپرده های سرمایه ای خود را کاهش داده اند این موضوع قابل پذیرش نیست که سعی نمایند از توزیع سرمایه به عنوان راهی برای نشان دادن قدرت مالی خود استفاده نمایند. این موضوع نه تنها از نقطه نظر یک بانک به عنوان رفتاری غیرمسئولانه دیده می شود بلکه قرار دادن منافع سهامداران بالاتر از منافع سپرده گذران می تواند سایر بانک ها را برای دنبال کردن این رویه ترغیب نماید. در نتیجه بانکها در مجموع توزیع سود خود را درست در زمانی که باید سود نگهداری شود افزایش می دهند.

۶۳. چارچوب پیشنهادی در اینجا، اختیار بانکهایی که سپرده های سرمایه ای آنها کاهش پیدا کرده است، را به منظور جلوگیری از کاهش بیشتر آنها از طریق توزیع سخاوتمندانه سود کاهش می دهد. بر این اساس، این چارچوب توانایی بانکها را به منظور مقاومت در شرایط نامطلوب تقویت می کند. اجرای چارچوب از طریق قواعد سرمایه حفاظتی که در سطح بین المللی پذیرفته شده است می تواند هم در شرایطی که به سمت وضعیت رکودی پیش می رود و نیز به منظور فراهم کردن مکانیزمهایی برای بازسازی سرمایه در طی دوره های اولیه بازسازی اقتصادی، در افزایش مقاومت بخش بانکی کمک نماید. نگهداری بخش بیشتری از سود در طول یک دوره رکود می تواند این اطمینان را ایجاد نماید که به منظور پشتیبانی از فعالیت های تجاری عادی بانکها در طول دوره های وقوع بحران، سطح سرمایه کافی در دسترس می باشد. بر این اساس، چارچوب پیشنهادی به کاهش رفتارهای همراه با دوره تجاری کمک خواهد کرد.

B. چارچوب

۶۴. میزان سپر سرمایه حفاظتی ۲,۵٪ که شامل سرمایه عادی لایه ۱ است، بیش از الزامات حداقل سرمایه

^{۶۰} Procyclicality

نظارتی تعیین می شود! محدودیت های توزیع سرمایه برای بانکی که سطوح سرمایه آن کمتر از این دامنه قرار گیرد اعمال می شود. بانکها در صورتی که دچار زیان شوند، هنگامی که سطوح سرمایه آنها در دامنه حفاظتی قرار گیرد قادر به انجام فعالیت های تجاری خود به صورت عادی خواهند بود. محدودیت ها تنها در خصوص توزیع های سود و نه در خصوص عملیات بانک اعمال می شود.

۶۵. محدودیت های توزیع سود برای بانک هایی که سطوح سرمایه آنها کمتر از دامنه قرار گیرد هر میزان که سطوح سرمایه بانک به الزامات حداقل سرمایه نزدیک شود، افزایش می یابد. بر اساس طراحی انجام شده، محدودیت های اعمال شده بر بانک های با سطوح سرمایه در بالاترین سطح دامنه، کمترین میزان خواهد بود. این موضوع منعکس کننده آن است که انتظار می رود سطوح سرمایه بانک ها از زمانی به زمان دیگر امکان قرار گرفتن در این دامنه را داشته باشند. کمیته بال تمایل به اعمال محدودیت ها برای ورود به دامنه هایی که بسیار محدود کننده باشد را ندارد چرا که منجر به این خواهد شد که دامنه مذکور به عنوان وضع الزامات حداقل سرمایه جدید نگریسته می شود.

۶۶. جدول زیر نسبت های حداقل سرمایه حفاظتی یک بانک را که باید در سطوح مختلف نسبت های سرمایه عادی لایه ۱ (CET1) رعایت شود نشان می دهد. برای مثال، بانکی با نسبت سرمایه CET1 در دامنه ۵,۱۲۵٪ تا ۵,۷۵٪ لازم است که ۸۰٪ سود خود را در سال مالی آتی نگهداری نماید (یعنی پرداخت های بانک به شکل سود نقدی سهام، باز خرید سهام و پاداش صلاح دیدی بیش از ۲۰٪ نشود). چنانچه بانکی بخواهد پرداخت هایی را بیش از محدودیت های اعمال شده توسط این سازوکار داشته باشد، بانک این گزینه را دارد که به میزان توزیع بیش از محدودیت های مزبور، سرمایه خود را از بخش خصوصی افزایش دهد. این موضوع باید با مقامات نظارتی بانک به عنوان بخشی از فرآیند برنامه ریزی سرمایه مورد بررسی قرار گیرد. نسبت سرمایه عادی لایه ۱ (CET1) شامل مقادیری است که به منظور رعایت الزامات حداقل سرمایه عادی لایه ۱ به میزان ۴,۵٪ لحاظ می شود اما سرمایه عادی اضافی لایه ۱ برای رعایت الزامات سرمایه ۶٪ لایه ۱ و ۸٪ سرمایه کل را در بر نمی گیرد. برای مثال، بانکی با CET1 برابر ۸٪ که سرمایه لایه ۱ اضافی یا سرمایه لایه ۲ ندارد گرچه همه الزامات حداقل سرمایه را رعایت می کند اما سپر حفاظتی به میزان صفر دارد و بنابراین مقید به محدودیت ۱۰۰٪ در توزیع سرمایه خواهد بود.

^{۲۰۱}. سرمایه عادی لایه ۱ باید در ابتدا به منظور رعایت الزامات حداقل سرمایه استفاده شود (شامل ۶٪ لایه ۱ و ۸٪ الزامات سرمایه کل در صورت ضرورت). قبل از آنکه باقی مانده آن بتواند برای سپر سرمایه حفاظتی استفاده شود.

استانداردهای حداقل سرمایه حفاظتی برای هر بانک	
نسبت های حداقل سرمایه حفاظتی (به عنوان درصدی از سود)	نسبت سرمایه عادی لایه ۱
100%	4.5% - 5.125%
80%	>5.125% - 5.75%
60%	>5.75% - 6.375%
40%	>6.375% - 7.0%
0%	> 7.0%

۶۷. در ذیل مواردی از جنبه های کلیدی مربوط به الزامات برشمرده می شود:

- (a) **اقلامی که مشمول محدودیت های توزیع سود می گردند:** اقلامی که مشمول توزیع می گردند شامل سود نقدی سهام و باز خرید سهام، پرداخت های صلاح دیدی در ارتباط با سایر ابزارهای سرمایه لایه ۱ و نیز پرداخت های صلاح دیدی پاداش به کارمندان می باشد. پرداخت هایی که منجر به کاهش سطح سرمایه عادی لایه ۱ نمی شوند که به طور مثال می توانند شامل سودهای تعهد شده خاص باشند به عنوان موارد مشمول توزیع سود در نظر گرفته نمی شوند.
- (b) **تعریف سود:** سود تعریف می گردد به عنوان سود قابل توزیع محاسبه شده قبل از کسر اقلامی که برای توزیع آنها محدودیت وجود دارد. سود بعد از مالیات که گزارش شده و هیچ کدام از اقلام قابل توزیع را که قبلاً پرداخت شده است را در بر نمی گیرد محاسبه می شود. بر این اساس، هرگونه تأثیر مالیاتی ناشی از چنین توزیع سودی باید به طور معکوس اصلاح شود. چنانچه بانکی سود مثبتی نداشته باشد و نسبت سرمایه عادی لایه ۱ آن کمتر از ۷٪ باشد آن بانک از هرگونه توزیع سود خالص مثبتی منع خواهد شد.
- (c) **کاربرد این چارچوب به صورت تلفیقی یا در سطح بانک:** این چارچوب باید در سطح تلفیقی به کار رود به این معنی که محدودیت های مربوط به توزیع سود بر اساس سود گروه تلفیقی اعمال می شود. مقامات نظارتی ملی این گزینه را در اختیار دارند که این چارچوب را در سطح بانک به منظور حفظ منابع در بخش خاصی از گروه به کار برند.
- (d) **سایر صلاح دیدهای نظارتی:** گرچه سپر حفاظتی باید امکان کاهش یافتن را داشته باشد با این وجود بانکها نباید در زمان های عادی چنین انتخاب کنند که در محدوده سپر حفاظتی فعالیت نمایند که در نتیجه بتوانند به راحتی با سایر بانکها رقابت کرده و سهم بیشتری از بازار را به دست آورند. به منظور ایجاد اطمینان از اینکه این موضوع به وقوع نمی پیوندد مقامات نظارتی صلاح دیدهای دیگری نیز به منظور اعمال محدودیت های زمانی برای فعالیت بانکها بر پایه مورد به مورد در دامنه سپر حفاظتی خواهند داشت. در هر حالت مقامات نظارتی باید این اطمینان را حصول نمایند که برنامه های سرمایه بانکها به

دنبال بازسازی سپرهای حفاظتی در یک چارچوب زمانی مناسب می باشند.

C. ترقیبات دوره گذار

۶۸. شروع به ایجاد سپر حفاظتی از اول ژانویه سال ۲۰۱۶ تا پایان سال ۲۰۱۸ خواهد بود و از اول ژانویه سال ۲۰۱۹ به طور کامل این الزامات لازم الاجرا می باشد. این سپر از ۰,۶۲۵٪ دارایی های موزون به ریسک (RWAs) در اول ژانویه سال ۲۰۱۶ شروع می شود و در هر سال پس از آن به میزان ۰,۶۲۵٪ افزوده شده تا به میزان نهایی یعنی ۲,۵٪ دارایی های موزون به ریسک (RWAs) در اول ژانویه سال ۲۰۱۹ برسد. کشورهایی که رشد اعتباری بیش از حد را تجربه می کنند باید سرعت بیشتری در ایجاد سپر سرمایه حفاظتی و سپرهای ضد چرخه ای داشته باشند. مقامات ملی این اختیار را دارند که دوره گذار کوتاه مدتی را که به طور مناسبی قابل انجام باشد اعمال نمایند.

۶۹. بانک هایی که طی دوره گذار به طور واقع الزامات حداقل نسبت را رعایت می کنند اما نسبت آنها پایین تر از میزان هدف ۷٪ سرمایه عادی لایه ۱ (حداقل به اضافه سپر حفاظتی) باقی می ماند باید سیاست های احتیاطی نگهداری سود را انجام دهند با این دیدگاه که الزامات سپر حفاظتی تا میزانی که به طور معقول ممکن باشد را رعایت کنند.

۷۰. تقسیم بندی سپر حفاظتی به صورت یک چهارم که تعیین کننده حداقل نسبت های سپر حفاظتی است، از اول ژانویه سال ۲۰۱۶ شروع می شود. این بخش های یک چهارم همچنان که سپر حفاظتی سرمایه شروع به رشد می کند به مرور افزوده می گردد که در طی این دوره زمانی هرگونه سپر ضد چرخه ای را نیز شامل خواهد شد.

IV. سپر ضد چرخه ای

A. مقدمه

۷۱. رکود اقتصادی که پس از دوره ای از رشد اعتباری بیش از حد شکل می گیرد می تواند باعث افزایش قابل توجه زیان های ایجاد شده در بخش بانکی گردد. این زیان ها می تواند بخش بانکی را بی ثبات کرده و یک چرخه تباهنده ای را شکل دهد که بر اساس آن مشکلات در سیستم مالی می تواند منجر به رکود در بخش واقعی اقتصاد شده و این مشکل مجدداً به بخش بانکی سرایت نماید. اینگونه تعاملات، اهمیت قابل توجه بخش بانکی را در زمینه ایجاد سپرهای سرمایه ای اضافی در دوره ای که ریسک های بحران در سطح سیستمی به

طور قابل توجه در حال رشد می باشند را برجسته می کند.

۷۲. سپر ضد چرخه ای به دنبال این هدف است که اطمینان ایجاد نماید که الزامات سرمایه ای بخش بانکی شرایط مالی در سطح کلان که بانک ها در آن فعالیت می کنند را نیز در نظر می گیرد. زمانی که تشخیص داده می شود ر شد اعتباری کل بیش از حد منجر به ایجاد ریسک در سطح سیستم می گردد، این سپر به منظور ایجاد اطمینان از اینکه سیستم بانکی به منظور محافظت از خود در مقابل زیان های بالقوه آتی دارای سپر سرمایه است، توسط مقامات ملی الزامی می شود. این تمرکز بر ر شد اعتباری کل بیش از حد به آن معنی است که کشورها به احتمال زیاد تنها نیازمند الزامی نمودن این سپر بر یک پایه غیرمتناوب خواهند بود. این سپر برای بانک های فعال در سطح بین المللی برابر متوسط موزون سپرهای الزامی در همه کشورهای بانکی که بانک در آن کشورها منابع در معرض ریسک اعتباری دارد، می باشد. این بدان معنی است که بانک ها نیاز به سطح سپرهای کمتری بر یک پایه نسبتاً متناوب خواهند داشت چراکه چرخه های اعتباری همیشه در بین کشورها تا حد زیادی با هم مرتبط نمی باشد.

۷۳. چارچوب رژیم سپر ضد چرخه ای از عناصر ذیل تشکیل شده است:

- (a) مقامات ملی رشد اعتباری و سایر شاخص ها را که می تواند در بردارنده نشانه ای از ایجاد ریسک سیستمی باشد را پایش کرده و ارزیابی می کنند که آیا رشد اعتباری بیش از حد است و یا این رشد منجر به ایجاد ریسک در سطح سیستمی می شود یا خیر. بر اساس این ارزیابی مقامات مذکور در صورتی که شرایط، اقتضاء نماید سپر ضد چرخه ای را الزامی می کنند. این الزامات در زمانی که ریسک سیستمی شکننده یا ناپایدار شود می تواند برداشته شود یا کاهش یابد.
- (b) بانک های فعال در سطح بین المللی موقعیت جغرافیایی منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی خود را در نظر گرفته و الزامات سپر سرمایه ای ضد چرخه ای خاص بانک را به صورت متوسط موزون الزاماتی که در کشورهایی که بانک در آنجا منابع در معرض ریسک اعتباری دارد محاسبه می کند.
- (c) الزامات سپر ضد چرخه ای که بانک ملزم به رعایت آن است منجر به گسترش اندازه سپر سرمایه حفاظتی بانک می شود. بانک ها در صورتی که این الزام را رعایت نکنند محدودیت هایی در توزیع سود خواهند داشت.

B. الزامات سپر ضد چرخه ای در سطح کشوری (ملی)

۷۴. هر کدام از کشورهای عضو کمیته بال یکی از مقامات خود را با مسئولیت اتخاذ تصمیم در خصوص اندازه سپر

سرمایه ضدچرخه‌ای تعیین خواهد نمود. در صورتی که مقام تعیین شده مربوطه یک دوره زمانی رشد اعتباری بیش از حد را که می‌تواند منجر به ایجاد ریسک سیستمی شود شناسایی کند آن مقام در کنار سایر ابزارهای احتیاطی در سطح کلان که در اختیار دارد الزامات سپر ضد چرخه‌ای را نیز تعیین می‌کند. این میزان از عدد صفر تا ۲,۵٪ دارایی‌های موزن به ریسک متغیر است که بستگی به قضاوت آنها در خصوص سطح ایجاد ریسک در سطح سیستمی خواهد داشت.^{۲۵۲}

۷۵. سند «رهنمودی برای مقامات ملی که سپر سرمایه ضدچرخه‌ای را اعمال می‌کنند»، اصولی که مقامات ملی در خصوص چگونگی اتخاذ تصمیم در مورد سپر توافق کرده‌اند را در بردارد. این سند اطلاعاتی ارائه می‌دهد که بانک‌ها را در درک و پیش‌بینی تصمیمات مقامات مالی مربوط به سپر در کشورهای که در آن‌ها منابع در معرض ریسک اعتباری دارند، کمک می‌نماید.

۷۶. جهت اعطای زمان کافی به بانک‌ها به منظور تعدیل سطح سپر خود مقامات مربوطه در هر کشور، تصمیم خود در خصوص افزایش سپر ضد چرخه‌ای را تا ۱۲ ماه قبل از انجام آن اعلام می‌کنند.^{۲۵۳} تصمیم مقامات هر کشور به منظور کاهش سطح سپر ضدچرخه‌ای فوراً لازم‌الاجراء خواهد بود. تصمیمات از قبل اعلام شده مربوط به سپر و نیز سپرهای واقعی اعمال شده برای همه کشورهای عضو کمیته بال بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی بانک تسویه بین‌المللی (BIS) منتشر خواهد شد.

C. سپر ضدچرخه‌ای خاص بانک

۷۷. بانک‌ها مقید به داشتن سپر ضدچرخه‌ای که از میزان صفر تا ۲,۵٪ کل دارایی‌های موزن به ریسک آنها است، می‌باشند.^{۲۵۴} تسپر حفاظتی که برای هر بانک به کار می‌رود منعکس‌کننده ترکیب جغرافیایی سبد منابع در معرض ریسک اعتباری آن بانک می‌باشد. بانک‌ها باید الزامات مربوط به این سپر را با سرمایه عادی لایه ۱ یا

^{۲۵۲} مقامات ملی می‌توانند دامنه‌ای از ابزارهای احتیاطی بیشتری در سطح کلان که می‌تواند شامل سپرهای علاوه بر ۲,۵٪ برای بانک‌ها باشد را در صورتی که این موضوع در چارچوب شرایط آن کشور مناسب تشخیص داده شود در کشور خود اعمال نمایند. اگرچه قواعد عمل متقابل بین‌المللی که در چارچوب این رژیم تعیین می‌شود منجر به شکل‌گیری سپر ضدچرخه‌ای حداکثر به میزان ۲,۵٪ می‌گردد.

^{۲۵۳} بانک‌های خارج از کشور مربوطه که منابع در معرض ریسک اعتباری به مشتریان در آن کشور دارند نیز همچنین مقید به افزایش سطح سپر پس از دوره از قبل اعلام شده در خصوص منابع در معرض ریسک خود می‌باشند. در مواردی که دوره اعلام اولیه کوتاه‌تر از ۱۲ ماه است، مقام ناظر مبدأ چنین بانک‌هایی باید در صورت امکان، قبل از آنکه سطوح جدید سپر ضدچرخه‌ای لازم‌الاجراء باشند در کوتاه‌ترین زمانی که ممکن است (مشروط به وجود یک دوره حداکثر ۱۲ ماهه اعلام از قبل) به دنبال تطبیق دوره اعلام شده از قبل باشد.

^{۲۵۴} مشابه سپر سرمایه حفاظتی، این چارچوب در سطح تلفیقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، مقامات نظارتی ملی می‌توانند این چارچوب را در سطح بانک به منظور حفظ منابع در بخش خاصی از گروه به کار برند.

سایر ابزارهای سرمایه‌ای با قدرت جذب زیان کامل^{۲۵۵} کفایت کنند و یا اینکه ملزم به اعمال محدودیت‌هایی در خصوص توزیع سود که در بخش بعدی بیان می‌شود، خواهند بود.

۷۸. بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی باید موقعیت جغرافیایی منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی خود را (که شامل منابع در معرض ریسک بخش مالی غیربانکی نیز است) در نظر گرفته و الزامات سپر سرمایه ضدچرخه‌ای خود را به صورت متوسط موزون سپرهایی که در کشورهای که در آنها منابع در معرض ریسک دارند محاسبه نمایند. منابع در معرض ریسک اعتباری در این حالت در بردارنده همه منابع در معرض ریسک بخش خصوصی که یک سرمایه پوششی ریسک اعتباری را به خود اختصاص می‌دهد و یا یک سرمایه پوششی متناظر دفتر تجاری و موزون شده به ریسک برای ریسک خاص، IRC و اوراق بهادار سازی را دارد، می‌باشد.

۷۹. نحوه وزن‌دهی سپر اعمال شده در هر کشور برابر کل هزینه سرمایه پوششی ریسک اعتباری بانک که مربوط به منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی در آن کشور است^{۲۵۶} تقسیم بر کل هزینه سرمایه پوششی ریسک اعتباری بانک مربوط به منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی در همه کشورهای می‌باشد.

۸۰. در روش VaR برای ریسک خاص، با در نظر گرفتن سرمایه پوششی ریسک افزایشی و نیز هزینه سرمایه پوششی اندازه‌گیری ریسک جمعی، بانک‌ها باید با مقامات نظارتی خود تعامل داشته تا بتوانند رویکردی را تدوین نمایند که بر اساس آن اینگونه هزینه‌های سرمایه پوششی را به اوزان ریسک ابزار فردی تبدیل نمایند و بتوان این اوزان را به موقعیت‌های جغرافیایی مشتریان خاصی که این هزینه‌های پوششی سرمایه را ایجاد می‌کنند تخصیص داد. گرچه این امکان وجود دارد که همیشه نتوان هزینه سرمایه پوششی را به این روش تفکیک کرد چرا که هزینه‌های پوششی سرمایه بر اساس یک پایه سبد دارایی به سبد دارایی محاسبه شده‌اند. در چنین مواردی، هزینه پوششی سرمایه برای سبد دارایی مربوطه باید به مناطق جغرافیایی مربوط به اجزای تشکیل دهنده سبد دارایی تخصیص یابد از طریق محاسبه نسبت کل منابع در معرض ریسک در معرض نکول

^{۲۵۵}. کمیته همچنان در حال بررسی مسئله اجازه دادن برای سایر ابزارهای سرمایه‌ای با قابلیت کامل جذب زیان علاوه بر سرمایه عادی لایه ۱ و آشکالی که می‌تواند داشته باشد می‌باشد. تا زمانی که کمیته رهنمود دیگری را در این خصوص منتشر نماید، سپر ضدچرخه‌ای باید تنها از طریق سرمایه عادی لایه ۱ ایجاد شود.

^{۲۵۶}. زمانی که کشوری که منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی مربوط به آن کشور را در نظر می‌گیریم، بانک‌ها باید در صورت امکان پایه ریسک نهایی را استفاده نمایند؛ یعنی بانک باید کشوری را استفاده کند که تضمین‌کننده منابع در معرض ریسک در آنجا اقامت دارد و نه کشوری که منابع در معرض ریسک در آنجا ثبت شده است.

سبد دارایی (EAD) که به واسطه EAD منتج از طرفهای مقابل در هر کدام از مناطق جغرافیایی محاسبه می شود.

D. گسترش سپر سرمایه حفاظتی

۸۱. الزامات سپر ضدچرخه ای که بر اساس آن بانک ملزم به رعایت آن می باشد از طریق گسترش سپر سرمایه ای حفاظتی که در بخش III تعریف شد انجام می پذیرد.

۸۲. جدول زیر حداقل نسبت های سرمایه حفاظتی که یک بانک باید در سطوح مختلف نسبت سرمایه سهام عادی لایه ۱ رعایت نماید را نشان می دهد.^{۲۵۷} زمانی که سپر سرمایه ضدچرخه ای در همه کشورهای که بانک در آنجا منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی دارد برابر صفر باشد، آنگاه سطوح سرمایه و محدودیت های بیان شده در جدول مطابق با مواردی است که در بخش III بیان گردید.

استانداردهای حداقل سرمایه حفاظتی برای هر بانک	
نسبت های حداقل سرمایه حفاظتی (به عنوان درصدی از سود)	نسبت سرمایه عادی لایه ۱ (دربردارنده سایر ابزارهای سرمایه ای با قابلیت جذب زیان کامل)
100%	در اولین محدوده یک چهارم سپر
80%	در دومین محدوده یک چهارم سپر
60%	در سومین محدوده یک چهارم سپر
40%	در چهارمین محدوده یک چهارم سپر
0%	بیش از محدوده سپر

۸۳. با هدف تبیین بیشتر موضوع، جدول زیر بیانگر نسبت های سرمایه حفاظتی است که یک بانک در صورتی که بانک ملزم به رعایت الزام سپر ضدچرخه ای ۲,۵٪ باشد، باید در سطوح مختلف سرمایه عادی لایه ۱ رعایت نماید.

استانداردهای حداقل سرمایه حفاظتی برای هر بانک، زمانی که بانک ملزم به رعایت الزام سپر ضدچرخه ای ۲,۵٪ می باشد	
نسبت های حداقل سرمایه حفاظتی (به عنوان درصدی از سود)	نسبت سرمایه عادی لایه ۱ (دربردارنده سایر ابزارهای سرمایه ای با قابلیت جذب زیان کامل)

^{۲۵۷} در جهت ایجاد سازگاری با سپر حفاظتی، نسبت سرمایه عادی لایه ۱ در اینجا شامل اقلامی است که برای رعایت الزامات حداقل سرمایه عادی لایه ۱ به میزان ۴,۵٪ استفاده می شود اما سایر موارد سرمایه عادی اضافی لایه ۱ که برای رعایت الزامات ۶٪ و نیز ۸٪ الزامات سرمایه کل استفاده می شود را در بر نمی گیرد.

4.5% - 5.75%	100%
>5.75% - 7.0%	80%
>7.0% - 8.25%	60%
>8.25% - 9.5%	40%
> 9.5%	0%

E. تناوب دوره زمانی محاسبه و افشاء

۸۴. بانک ها باید این اطمینان را ایجاد نمایند که الزامات سپر ضدچرخه ای آنها حداقل به تناوب یکسانی با الزامات حداقل سرمایه محاسبه و به طور عمومی افشاء می شود. این سپر در زمان محاسبه الزامات حداقل سرمایه باید بر اساس آخرین سپرهای ضدچرخه ای در دسترس کشورهای مختلف مربوطه باشد. علاوه بر این، زمانی که بانکها الزامات مربوط به سپر خود را افشاء می کنند لازم است، توزیع جغرافیایی منابع در معرض ریسک بخش خصوصی خود را که در محاسبه الزامات سپر محاسبه کرده اند را نیز افشاء نمایند.

F. ترقیبات مربوط به دوره گذار

۸۵. نظام سپر ضدچرخه ای به طور همزمان با سپر سرمایه حفاظتی از اول ژانویه سال ۲۰۱۶ تا پایان سال ۲۰۱۸ به مرور الزامی گشته و از اول ژانویه سال ۲۰۱۹ به طور کامل لازم الاجراء می باشد. این بدان معنی است که حداکثر الزامات سپر ضدچرخه ای از ۰,۶۲۵٪ دارایی های موزون به ریسک (RWAs) در اول ژانویه سال ۲۰۱۶ شروع شده و در هر سال آتی ۰,۶۲۵٪ بدان افزوده می شود تا به میزان نهایی ۲,۵٪ دارایی های موزون به ریسک (RWAs) در اول ژانویه سال ۲۰۱۹ برسد. البته کشورهایی که در طی این دوره گذار شاهد رشد اعتباری بیش از حد باشند، سرعت ایجاد سپر سرمایه حفاظتی و سپر ضدچرخه ای را افزایش خواهند داد. علاوه بر این، کشورها می توانند الزامات سپر ضدچرخه ای بیشتری را نیز اعمال نمایند. در چنین مواردی ضوابط تعامل متقابل مربوط به این نظام سپر حفاظتی برای مقادیر اضافی بیشتر یا چارچوب زمانی کوتاه تر به کار نخواهد رفت.

V. نسبت اهرمی

A. مبانی و اهداف

۸۶. یکی از ویژگی های اساسی بحران، ایجاد درجه اهرمی بیش از حد در اقلام بالا و پایین ترازنامه در سیستم

بانکداری بود. در بسیاری از موارد بانکها درجه اهرمی بیش از حدی را ایجاد نموده بودند در حالی که همچنان نسبتهای قوی سرمایه مبتنی بر ریسک را نشان می دادند. در طول شدیدترین بخش بحران، بخش بانکی به منظور کاهش نسبت اهرمی خود تحت فشار بازار قرار گرفت به طریقی که منجر به تشدید فشار کاهشی در قیمت دارایی ها و نیز وخیم تر شدن چرخه بازگشتی مثبت بین زیانها، کاهش در سرمایه بانک و کاهش در میزان اعتبار در دسترس گردید.

۸۷. بنابراین، کمیته توافق نمود که یک نسبت اهرمی شفاف و ساده که مبتنی بر ریسک نیست را معرفی نماید؛ این نسبت به گونه ای تنظیم می شود که به عنوان یک سنجه تکمیلی معتبر در کنار الزامات سرمایه مبتنی بر ریسک عمل نماید. نسبت اهرمی به دنبال دستیابی به اهداف زیر می باشد:

- محدود کردن ایجاد نسبت اهرمی در بخش بانکی، کمک به اجتناب از بی ثبات سازی فرآیندهای ضداهرمی که می تواند در سطح وسیع تر، سیستم مالی و نیز کل اقتصاد را با مخاطره مواجه سازد، و
- اعمال مجدد الزامات مبتنی بر ریسک بر اساس یک سنجه پشتیبان ساده که مبتنی بر ریسک نباشد.

B. تعریف و اندازه گیری نسبت اهرمی

۸۸. این بخش تعریف و نحوه محاسبه نسبت اهرمی را بیان می کند که به عنوان مبنایی برای آزمودن در طی دوره زمانی اولیه برای اجرای الزامات بال ۳ به کار می رود. مبنای محاسبه بر اساس متوسط نسبت اهرمی ماهانه در طول یک دوره فصلی بر اساس تعاریف سرمایه (سنجه های سرمایه) و کل منابع در معرض ریسک (میزان منابع در معرض ریسک) که در بندهای ۱۵۴ تا ۱۶۴ تعیین شده است می باشد. کمیته همچنان یک نسبت اهرمی لایه ۱ حداقل به میزان ۳٪ را در طول دوره بررسی از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ تا اول ژانویه سال ۲۰۱۷ مورد آزمون قرار می دهد. ترتیبات دیگر مربوط به دوره گذار نیز در بندهای ۱۶۵ تا ۱۶۷ بیان خواهد شد.

۱. اندازه سرمایه

۸۹. میزان سرمایه برای نسبت اهرمی مبتنی بر تعریف جدید سرمایه لایه ۱ به طوری که در بندهای ۵۲ تا ۵۶ این چارچوب بیان گردید، خواهد بود. البته کمیته همچنان داده هایی را در طول دوره گذار به منظور ارزیابی تأثیر استفاده از کل سرمایه نظارتی و نیز سرمایه عادی لایه ۱ دریافت خواهد کرد.

۹۰. اقلامی که به طور کامل از سرمایه کاسته می شوند در نسبت اهرمی در نظر گرفته نمی شوند و بنابراین باید از

میزان منابع در معرض ریسک نیز کاسته شوند. این بدان معنی است که سرمایه و منابع در معرض ریسک باید به صورت سازگار محاسبه شوند و از محاسبه مجدد اجتناب شود. یعنی کسورات از سرمایه لایه ۱ (همان گونه که در بندهای ۶۶ تا ۸۹ بیان گردید) همچنین باید از میزان منابع در معرض ریسک نیز کاسته شود.

۹۱. بر اساس روشی که در بندهای ۸۴ تا ۸۹ بیان گردید، زمانی که یک نهاد مالی در تلفیق حسابداری در نظر گرفته می شود اما در تلفیق نظارتی لحاظ نمی شود، سرمایه گذاری ها در چنین نهادهایی باید به میزان فراتر از حدود حاشیه ای مشخصی کاسته شود. به منظور ایجاد اطمینان از اینکه سرمایه و منابع در معرض ریسک به طور سازگار با هم برای اهداف محاسبه نسبت اهرمی اندازه گیری شده اند، دارایی های چنین نهادهایی که در تلفیق حسابداری در نظر گرفته می شوند باید در محاسبات میزان منابع در معرض ریسک متناسب با میزان سرمایه ای که بر اساس بندهای ۸۴ تا ۸۹ کسر می شود، لحاظ نگردد.

۲. اندازه منابع در معرض ریسک

(i) اصول کلی اندازه گیری

۹۲. اندازه گیری منابع در معرض ریسک برای نسبت اهرمی به طور کلی باید از روش حسابداری اندازه گیری منابع در معرض ریسک پیروی نماید. به منظور اندازه گیری به روشی سازگار با حساب های مالی اقدامات زیر باید به کار رود:

➤ دارایی های بالای خط ترازنامه، به جز اوراق مشتقه از ذخایر خاص و تعویلات ارزش گذاری (مانند

تعویلات ارزش گذاری اعتباری) خالص می شوند؛

➤ وثایق مالی یا فیزیکی، ضمانت نامه ها یا هر نوع ابزارهای خریداری شده برای کاهش ریسک اعتباری

نمی تواند منابع در معرض ریسک بالای خط را کاهش دهد؛ و

➤ خالص سازی وام ها و سپرده ها مجاز نمی باشد.

(ii) اقلام بالای خط

۹۳. بانک ها باید به منظور محاسبه نسبت اهرمی اقلامی را که در ترازنامه مالی خود استفاده می شود را در نظر

بگیرند. علاوه بر این، در اندازه گیری منابع در معرض ریسک، بانک باید روش های زیر را برای مبادلات مالی

اوراق بهادار (SFT)^{۲۵۸} و اوراق مشتقه به کار گیرد.

(a) توافقات باز خرید و تأمین مالی اوراق بهادار

۹۴. SFT نوعی از تأمین مالی تضمین شده است و بنابراین منبع مهمی از اهرم ترازنامه بانک محسوب می شود و باید در نسبت اهرمی در نظر گرفته شود. بنابراین بانکها باید SFT را با هدف محاسبه نسبت اهرمی با به کارگیری موارد زیر محاسبه نمایند:

➤ معیار حسابداری منابع در معرض ریسک؛ و

➤ قواعد خالص سازی نظارتی مبتنی بر چارچوب بال II.^{۲۵۹}

(b) اوراق مشتقه

۹۵. اوراق مشتقه دو نوع از منابع در معرض ریسک را ایجاد می کنند: یک ارزش حال «اقلام بالای خط» که منعکس کننده ارزش منصفانه قرارداد است (اغلب در ابتدا صفر می باشد اما متعاقباً ارزش آن مثبت یا منفی می شود که بستگی به عملکرد قرارداد دارد)، و یک منابع در معرض ریسک اقتصادی ذهنی که بیانگر نرخ بهره اقتصادی در نظر گرفته شده برای قرارداد می باشد.

۹۶. بانکها باید با هدف محاسبه نسبت اهرمی، اوراق مشتقه را شامل مواردی که بانکها ابزارهایی را با استفاده از اوراق مشتقه اعتباری می فروشند، محاسبه نمایند. این محاسبه با به کارگیری روش های زیر انجام می شود:

➤ معیار حسابداری منابع در معرض ریسک به علاوه یک افزونه برای منابع در معرض ریسک بالقوه آتی

که بر اساس روش منابع در معرض ریسک جاری همچنان که در بندهای ۱۸۶، ۱۸۷ و ۳۱۷ چارچوب

بال ۲ بیان شده است محاسبه می شود. این روش این اطمینان را ایجاد می کند که همه اوراق مشتقه

به روشی سازگار به مقادیر "همردیف با وامها" تبدیل شده اند؛ و

➤ قواعد خالص سازی نظارتی بر اساس چارچوب بال ۲.^{۲۶۰}

^{۲۵۸}. مبادلات مالی اوراق بهادار شامل مبادلاتی همچون توافقات باز خرید، توافقات باز خرید معکوس، قرض دادن و قرض گرفتن اوراق بهادار، مبادلات وامدهی حاشیه ای می باشد که ارزش این مبادلات به ارزش گذاری بازار بستگی داشته و مبادلات اغلب مشروط به توافقات حاشیه ای می باشد.

^{۲۵۹}. به جز قواعد مربوط به خالص سازی در سطح محصول مربوط به پیوست ۴، بخش ۳.

^{۲۶۰}. به جز قواعد مربوط به خالص سازی در سطح محصول مربوط به پیوست ۴، بخش ۳.

(iii) اقلام زیر خط

۹۷. این بخش مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه (OBS) در بندهای ۸۲-۸۳، (شامل ۸۳ (i)، ۸۴ (i-iii)، ۸۶-۸۵ و ۸۸-۸۹) در چارچوب بال ۲ می باشد. این اقلام شامل تعهدات (دربرگیرنده تسهیلات نقدینگی)، تعهدات قابل فسخ بدون قید و شرط، ابزارهای مستقیم جایگزین اعتباری، گواهی پذیره نویسی، اعتبارا سنادی اتکایی، اعتبارات اسنادی تجاری، تراکنش های ناموفق و اوراق بهادار تسویه نشده می باشد. روش در نظر گرفتن اقلام ذکر شده در بندهای ۸۳(ii) و ۸۴، همچون قراردادادهای بازخريد و مبادلات تأمین مالی اوراق بهادار می باشد که در قسمت قبل بیان گردید.

۹۸. کمیته بال چنین تشخیص داده است که اقلام زیر خط ترازنامه یکی از منابع بالقوه و قابل توجه نسبت اهرمی بانکها می باشند. بنابراین بانکها باید اقلام زیر خط ترازنامه مذکور را با هدف محاسبه نسبت اهرمی با کاربرد ضریب تبدیل اعتباری (CCF) معادل ۱۰۰٪ محاسبه نماید.

۹۹. برای هرکدام از تعهداتی که بدون قید و شرط و در هر زمانی توسط بانک و بدون اطلاع قبلی قابل فسخ است، بانکها باید ضریب تبدیل اعتباری ۱۰٪ را به کار برند. کمیته براساس تجربیات تاریخی بررسی بیشتری را جهت اطمینان از اینکه ضریب CCF برابر ۱۰٪ به طور مناسب محافظه کارانه در نظر گرفته شده است، انجام خواهد داد.

C. ترقیبات دور گذار

۱۰۰. دوره گذار برای نسبت اهرمی از اول ژانویه سال ۲۰۱۱ شروع می شود. کمیته دوره گذار را به منظور پایش داده های نسبت اهرمی بانکها بر پایه دوره نیم ساله به منظور ارزیابی اینکه آیا طراحی و محاسبات پیش بینی شده مربوط به حداقل نسبت اهرمی لایه ۱ به میزان ۳٪ در طول یک دوره اعتباری کامل و برای انواع مختلف مدل های کسب و کار مناسب است یا خیر استفاده می کند. این ارزیابی همچنین در بردارنده این ملاحظه است که آیا یک تعریف گسترده تر از منابع در معرض ریسک و نیز در نظر گرفتن تعدیلات خالص سازی در محاسبه، اهداف مربوط به نسبت اهرمی را به طور مناسب برآورده می سازد یا خیر. کمیته همچنین به دقت استانداردهای و رویه های حسابداری را پایش نموده تا هرگونه تفاوت در چارچوب های حسابداری ملی که برای تعریف و محاسبه نسبت اهرمی اهمیت بالایی دارند را بررسی نماید.

۱۰۱. دوره گذار شامل یک دوره پایش نظارتی و یک دوره زمانی اولیه می باشد:

➤ دوره پایش نظارتی از اول ژانویه سال ۲۰۱۱ شروع می شود. فرآیند پایش نظارتی بر توسعه چارچوب هایی متمرکز خواهد شد تا به روشی سازگار اجزای تشکیل دهنده تعریف پذیرفته شده و نیز نسبت حاصله را در نظر گیرد.

➤ دوره زمانی اولیه از اول سال ژانویه سال ۲۰۱۳ شروع شده و تا اول ژانویه سال ۲۰۱۷ ادامه می یابد. در طول این دوره نسبت اهرمی و اجزای آن نیز مورد بررسی قرار می گیرند که این بررسی شامل بررسی رفتار نسبی نسبت اهرمی در مقایسه با الزامات مبتنی بر ریسک می باشد. بانک ها ملزم به محاسبه نسبت های اهرمی خود با استفاده از تعاریف سرمایه و کل منابع در معرض ریسک که در بندهای ۱۵۴ تا ۱۶۴ تصریح گردید و نیز محاسبه الزامات سرمایه مبتنی بر ریسک می باشند. افشای نسبت اهرمی و اجزای تشکیل دهنده آن در سطح بانک از اول ژانویه سال ۲۰۱۵ شروع می شود.^{۲۶۱} کمیته چارچوب مربوط به افشا را تدوین نموده و به دقت افشای نسبت را پایش می کند.

۱۰۲. هر تعدیل نهایی در خصوص تعریف و محاسبه نسبت اهرمی بر اساس نتایج دوره زمانی اولیه از نیمه اول سال ۲۰۱۷ و با در نظر گرفتن لزوم حرکت به سمت رویه های رکن ۱ بر اساس بررسی و محاسبه مناسب در اول ژانویه سال ۲۰۱۸ انجام خواهد شد.

^{۲۶۱}. این موضوع سازگار با دامنه کاربرد تعریف شده در بند ۲۲ چارچوب بال ۲ می باشد.

پیوست ۱

اندازه گیری چارچوب سرمایه

اندازه گیری چارچوب سرمایه			
الزامات سرمایه ای و سپرها (همه ارقام به درصد)			
کل سرمایه	سرمایه لایه ۱	سهام عادی لایه ۱	
۸۰	۶۰	۴۵	حداقل
		۲۵	سپر حفاظتی
۱۰۵	۸۵	۷۰	حداقل به اضافه سپر حفاظتی
		۰-۲۵	دامنه سپر ضد دوره ای *

* زیرنویس ۵۳ را ملاحظه کنید.

پیوست ۲

حد ۱۵٪ سهام عادی در ارقام مشخص

۱. این پیوست به دنبال روشن نمودن نحوه محاسبه حد ۱۵٪ در خصوص سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در سهام عادی نهادهای مالی که مشمول تلفیق نیستند (بانک‌ها، بیمه و سایر نهادهای مالی)؛ حقوق خدمات رهنی و دارایی‌های مالیات انتقالی که از تفاوت‌های موقت ناشی می‌شود (که در مجموع ارقام مشخص عنوان می‌شوند) می‌باشد.

۲. شناسایی این ارقام مشخص محدود به میزان ۱۵٪ سرمایه لایه ۱ سهام عادی (CET1)، پس از اعمال تمامی تعدیلات خواهد بود. به منظور تعیین حداکثر میزان ارقام مشخص که می‌تواند شناسایی گردد*، بانک‌ها و مقامات نظارتی باید میزان CET1** (پس از همه کسورات، شامل کسر ارقام مشخص به طور کامل) را در ۱۷,۶۵٪ ضرب نمایند. این عدد از نسبت ۱۵٪ به ۸۵٪ استخراج شده است (یعنی $17,65\% = 15\% / 85\%$).

۳. به عنوان مثال، بانکی را در نظر بگیرید که ۸۵€ سرمایه عادی دارد (که به طور خالص از همه کسورات محاسبه شده است، شامل کسر ارقام مشخص به طور کامل).

۴. حداکثر میزان ارقام مشخص که می‌تواند توسط بانک در محاسبه سرمایه CET1 شناسایی شود برابر است با $€15 = €85 \times 17.65\%$. هر میزانی بالاتر از ۱۵€ باید از CET1 کسر شود. در صورتی که بانک ارقام مشخصی داشته باشد (به استثنای مقادیری که پس از اعمال حد فردی ۱۰٪ کسر شده‌اند) که در مجموع به حد ۱۵٪ برسد، CET1 پس از در نظر گرفتن ارقام مشخص، به میزان $€100 = €85 + €15$ خواهد بود. در صد ارقام مشخص به کل CET1 برابر ۱۵٪ می‌باشد.

* میزان واقعی که شناسایی می‌شود می‌تواند یا بخاطر آنکه مجموع این سه ارقام مشخص از حد ۱۵٪ بیان شده در این پیوست کمتر است و یا بخاطر به کارگیری حد ۱۰٪ برای هر کدام از این ارقام، از این میزان حداکثر کمتر باشد.

** در اینجا این یک مقدار "فرضی" از CET1 است که تنها با هدف تعیین کسورات از ارقام خاص استفاده می‌شود.

پیوست ۳

مثال توضیحی در مورد حقوق اقلیت

این پیوست توضیحی در خصوص نحوه در نظر گرفتن حقوق اقلیت و سایر ابزارهای سرمایه‌ای که از طرف واحدهای تابعه به اشخاص ثالث واگذار شده و در بندهای ۶۲ تا ۶۴ بیان شده است، ارائه می‌نماید.

مثال توضیحی

یک گروه بانکی شامل دو شخصیت حقوقی که هر دو نیز بانک هستند می‌باشد. بانک P شرکت مادر است و بانک S نیز نهاد تابعه و ترازنامه‌های غیرتلفیقی آنها به شرح زیر می‌باشد.

ترازنامه بانک P		ترازنامه بانک S	
دارایی‌ها		دارایی‌ها	
تسهیلات به مشتریان	۱۰۰	تسهیلات به مشتریان	۱۵۰
سرمایه‌گذاری در CET1 بانک	۷		
سرمایه‌گذاری در AT1 بانک	۴		
سرمایه‌گذاری در T2 بانک S	۲		
بدهی‌ها و سرمایه		بدهی‌ها و سرمایه	
سپرده‌ها	۷۰	سپرده‌ها	۱۲۷
سرمایه لایه ۲	۱۰	سرمایه لایه ۲	۸
سرمایه اضافی لایه ۱	۷	سرمایه اضافی لایه ۱	۵
سهام عادی	۲۶	سهام عادی	۱۰

ترازنامه بانک P نشان می‌دهد که علاوه بر وام‌های اعطا شده به مشتریان، ۷۰٪ سهام عادی بانک S، ۸۰٪ سرمایه اضافی لایه ۱ بانک S و ۲۵٪ سرمایه لایه ۲ بانک S را در تملک دارد. بنابراین مالکیت سرمایه بانک S به صورت زیر خواهد بود:

سرمایه منتشره بانک S			
کل سرمایه	سرمایه منتشره نزد اشخاص ثالث	سرمایه منتشره نزد شرکت مادر (بانک P)	
10	3	7	سرمایه سهام عادی لایه ۱ (CET1)
5	1	4	سرمایه اضافی لایه ۱ (AT1)
15	4	11	سرمایه لایه ۱ (T1)
8	6	2	سرمایه لایه ۲ (T2)
23	10	13	کل سرمایه (TC)

ترازنامه تلفیقی گروه بانکی به صورت زیر می باشد:

ترازنامه تلفیقی	
دارایی ها	
وام به مشتریان	250
بدهی ها و سرمایه	
سپرده ها	197
سرمایه لایه ۲ منتشره توسط واحد تابعه نزد اشخاص ثالث	6
سرمایه لایه ۲ منتشره توسط شرکت مادر	10
سرمایه اضافی لایه ۱ منتشره توسط واحد تابعه نزد اشخاص ثالث	1
سرمایه اضافی لایه ۱ منتشر شده توسط شرکت مادر	7
سهام عادی منتشر شده توسط واحد تابعه نزد اشخاص ثالث (یعنی حقوق اقلیت)	3
سهام عادی منتشر شده توسط شرکت مادر	26

برای داشتن یک مثال عددی، فرض کنید بانک S دارای ۱۰۰ واحد دارایی های موزون شده به ریسک باشد. در این مثال، حداقل الزامات سرمایه بانک S و مشارکت واحد تابعه در الزامات تلفیقی مشابه است زیرا بانک S هیچ وامی به بانک P اعطا نکرده است. این بدان معنی است که آن بانک ملزم به رعایت حداقل الزامات زیر به علاوه الزامات سپر سرمایه حفاظتی و دارای سرمایه اضافی زیر خواهد بود:

حداقل و مازاد سرمایه بانک S		
	حداقل به اضافه سپر سرمایه حفاظتی	مازاد
CET1	7.0 (= 7.0% of 100)	3.0 (=10 – 7.0)
T1	8.5 (= 8.5% of 100)	6.5 (=10 + 5 – 8.5)
TC	10.5 (= 10.5% of 100)	12.5 (=10 + 5 + 8 – 10.5)

جدول زیر نشاندهنده چگونگی محاسبه میزان سرمایه منتشره توسط بانک S به منظور قرار گرفتن در سرمایه تلفیقی و نیز رویه محاسبه بیان شده در بندهای ۶۲ تا ۶۵ این سند می باشد:

بانک S: میزان سرمایه منتشره نزد اشخاص ثالث که در سرمایه تلفیقی در نظر گرفته می شود					
	کل میزان سرمایه منتشره (a)	میزان سرمایه منتشره نزد اشخاص ثالث (b)	مازاد (c)	مازاد سرمایه مربوط به اشخاص ثالث (یعنی میزان سرمایه ای که در محاسبه سرمایه تلفیقی در نظر گرفته نمی شود) (d) $= (c) * (b) / (a)$	میزان سرمایه در نظر گرفته شده در سرمایه تلفیقی (e) = (b) - (d)
CET1	10	3	3.0	0.90	2.10
T1	15	4	6.5	1.73	2.27
TC	23	10	12.5	5.43	4.57

جدول زیر اجزای سرمایه برای گروه تلفیقی مبتنی بر میزان محاسبه شده در جدول بالا را به طور خلاصه نشان می دهد. سرمایه اضافی لایه ۱ به میزان تفاوت بین سهام عادی لایه ۱ و سرمایه لایه ۱ و همچنین سرمایه لایه ۲ به میزان تفاوت بین کل سرمایه و سرمایه لایه ۱ محاسبه شده است.

	کل میزان سرمایه منتشره توسط شرکت مادر (کل آن باید در سرمایه تلفیقی لحاظ شود)	میزان سرمایه منتشره توسط نهاد تابعه نزد اشخاص ثالث که باید در سرمایه تلفیقی لحاظ شود	کل میزان سرمایه منتشره توسط شرکت مادر و نهاد تابعه که باید در سرمایه تلفیقی لحاظ شود
CET1	26	2.10	28.10
AT1	7	0.17	7.17
T1	33	2.27	35.27
T2	10	2.30	12.30
TC	43	4.57	47.57

پیوست ۴

ترتیبات مربوط به دوره گذار

(قسمت‌های سایه‌دار بیانگر دوره‌های گذار می‌باشد- همه تاریخ‌ها از اول ژانویه شروع می‌شود)

از اول ژانویه سال ۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	
حرکت به سمت رکن ۱			دوره اولیه اول ژانویه ۲۰۱۳-اول ژانویه ۲۰۱۷ دوره افشاء از اول ژانویه ۲۰۱۵ شروع می‌شود				پایش نظارتی	نسبت اهرمی	
۴.۵٪	۴.۵٪	۴.۵٪	۴.۵٪	۴.۵٪	۴.۰٪	۳.۵٪			حداقل نسبت سرمایه سهام عادی
۲.۵۰٪	۱.۸۷۵٪	۱.۲۵٪	۰.۶۲۵٪						سپر سرمایه حفاظتی
۷.۰٪	۶.۳۷۵٪	۵.۷۵٪	۵.۱۲۵٪	۴.۵٪	۴.۰٪	۳.۵٪			حداقل سهام عادی به اضافه سپر سرمایه حفاظتی
۱۰۰٪	۱۰۰٪	۸۰٪	۶۰٪	۴۰٪	۲۰٪				شروع کسورات از CET1 (شامل مقادیر بیش از حدود مربوط به DTAs، MSR و ابزارهای مالی)
۶.۰٪	۶.۰٪	۶.۰٪	۶.۰٪	۶.۰٪	۵.۵٪	۴.۵٪			حداقل سرمایه لایه ۱
۸.۰٪	۸.۰٪	۸.۰٪	۸.۰٪	۸.۰٪	۸.۰٪	۸.۰٪			حداقل سرمایه کل
۱۰.۵٪	۹.۸۷۵٪	۹.۲۵٪	۸.۶۲۵٪	۸.۰٪	۸.۰٪	۸.۰٪			حداقل کل سرمایه به اضافه سپر حفاظتی
دوره گذار پایانی در طی یک دوره زمانی ۱۰ ساله که از سال ۲۰۱۳ شروع می‌شود									ابزارهای سرمایه‌ای که دیگر نمی‌توانند به عنوان سرمایه غیرپایه لایه ۱ یا سرمایه لایه ۲ در نظر گرفته شوند

					معرفی استانداردهای حداقل	دوره بررسی شروع می‌شود	نسبت پوشش نقدینگی
						دوره بررسی شروع می‌شود	نسبت تامین مالی خالص با ثبات

۲۴- بخشنامه شماره ۹۷/۴۴۴۶۳۰ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۷؛ ابلاغ ترجمه " اصول
آزمون بحران"- سند جدید منتشره توسط کمیته نظارت بانکی بال در سال
۲۰۱۸

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک،
مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک مشترک ایران- ونزولا

با سلام؛

احتراما؛ همانگونه که استحضار دارند، آزمون بحران (Stress Testing) یکی از ابزارهای اساسی و مهم مدیریت مؤثر ریسک بانکها محسوب می‌گردد. این ابزار توسط بانکها و همچنین مقامات ناظر بانکی به منظور ارزیابی میزان تاب‌آوری و مقاومت بانکها در برابر بحرانهای احتمالی با یک رویکرد آینده‌نگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، استفاده از نتایج آزمون بحران از نظر مدیریت انواع ریسکها و همچنین با هدف ایجاد یک رویکرد آینده‌نگر نسبت به مسائل و مشکلات احتمالی ناشی از بحرانهای آتی بسیار با اهمیت است. استفاده از انواع آزمونهای بحران به ویژه توسط مقامات ناظر بانکی، بعد از بحران مالی سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ اهمیت بیشتری پیدا کرد. بر این اساس، کمیته نظارت بانکی بال نیز، رهنمودهای قبلی خود در خصوص انجام آزمون بحران را به‌روزرسانی نمود که ماحصل آن سندی با عنوان «اصول آزمون بحران» (Stress Testing Principles) می‌باشد که در اکتبر سال ۲۰۱۸ انتشار یافته است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز با عنایت به اهمیت موضوع، در سالهای گذشته اقداماتی را در خصوص معرفی آزمون بحران به شبکه بانکی کشور انجام داده است که حاصل آن ابلاغ بخشنامه شماره ۹۲/۳۲۹۱۵۲ مورخ ۱۰/۱۱/۱۳۹۲ به بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی می‌باشد. در ادامه و همگام با به‌روزرسانی انجام شده در اسناد کمیته بال، سند جدید منتشره توسط کمیته نظارت بانکی بال در سال ۲۰۱۸ با عنوان «اصول آزمون بحران» نیز در بانک مرکزی ترجمه شد که به پیوست جهت استحضار و بهره‌برداری ایفاد می‌گردد.

ضمن اعلام این که، از هرگونه پیشنهاد اصلاحی و تکمیلی در خصوص متن ترجمه استقبال می‌شود، شایان ذکر می‌داند، آزمون بحران به تنهایی قادر نیست تمامی ریسکهای پیشروی یک بانک را نشان دهد ولی می‌تواند علاوه بر مشخص نمودن بخشی از ضعفها، در مورد پیامدهای نامطلوب و غیرمنتظره ریسکها به مدیریت بانکها هشدار دهد. همچنین با استفاده از آزمون بحران می‌توان دریافت، برای تأمین زیانهای ناشی از بحرانهای احتمالی در آینده، بانک و یا شبکه بانکی کشور به چه میزان سرمایه نیاز دارد. امید است ترجمه این قبیل اسناد و به اشتراک گذاردن آنها، به تعمیق و پیاده‌سازی مفاهیم نوین مدیریت ریسک در نظام بانکی کشور کمک نماید و اجرای چنین اسناد آردهایی را تسهیل کند.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مطالعات و مقررات بانکی
حمیدرضا غنی‌آبادی محمد خدایاری
۳۲۱۵-۰۲ ۳۸۱۶



اصول آزمون بحران

(Stress Testing Principles)

از انتشارات کمیته نظارت بانکی بال

(اکتبر ۲۰۱۸)

مترجمین:

دکتر

حسین صدقی

معاونت نظارت صا ر م صفاری
بانک مرکزی
جمهوری اسلامی
ایران
بلوار میرداماد، ر ه
شماره ۱۹۸
تلفن: ۲۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)
وب سایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

مقدمه

کمیته بال پیش از این اصول آزمون بحران را در می ۲۰۰۹ منتشر کرده است. اصول سند منتشره در سال ۲۰۰۹ به منظور رفع نقاط ضعف شیوه های آزمون بحران که پس از بحران مالی جهانی (بحران بزرگ مالی) نمود پیدا کرد، طراحی شد. از آن زمان، نقش آزمون بحران به سرعت در حال تکامل بوده و اهمیت آن در کشورهای مختلف افزایش یافته است. در حال حاضر آزمون بحران یک عنصر مهم مدیریت ریسک برای بانکها و ابزار مهمی برای ناظرین بانکی و مقامات مسئول سیاست احتیاطی کلان (مقاماتی که در تلاش برای کاهش ریسک در کل سیستم هستند) است. آزمون بحران مبنایی برای^۲ مدیریت ریسک و نظارت بانکی است، در این صورت به مدیریت بانک و مقامات نظارتی در رابطه با بوجود آمدن نتایج غیرمنتظره مخاطره آمیز که ناشی از ریسکهای مختلف است هشدار داده و شاخصی را به بانکها و مقامات ناظر در خصوص منابع مالی ارایه میدهد که ممکن است برای جذب زیان ناشی از وقوع شوکهای بزرگی مورد نیاز باشد.

با توجه به تحول سریع آزمون بحران در سالهای اخیر، کمیته بال بررسی دقیق نظارت فعلی و شیوه های بانکی را بر عهده گرفت. با این بررسی مشخص شد که چارچوب آزمون بحران که از زمان بحران بین المللی توسعه یافته به مراتب فراتر از مواردی است که در سال ۲۰۰۹ در هنگام تدوین اصول آزمون بحران پیشبینی شده بود. با توجه به افزایش اهمیت آزمون بحران، همراه با طیف وسیعی از رویکردهایی که توسط مقامات نظارتی و بانکها اتخاذ شده، این کمیته تصمیم گرفت اصول آزمون بحران منتشره در سال ۲۰۰۹ را بروز رسانی نماید. با توجه به تکامل روشهای آزمون بحران به منظور هدایت تمام عوامل چارچوب آزمون بحران مناسب، جهت استفاده تمامی کشورها، مجموعه اصول آزمون بحران، شامل اصول عالی قابل استفاده برای بانکها و کشورها تدوین گردید.

این اصول شیوه های آزمون بحران مناسب را پوشش میدهند و با توجه به کاربرد در بانکهای بزرگ و بین المللی فعال و برای مقامات ناظر و سایر مقامات مالی مرتبط کشورهای مختلف عضو کمیته بال تنظیم شده است. با این حال، بانکهای کوچک و مقامات ناظر در تمام کشورها میتوانند با توجه به نوع تأثیر احتمالی سناریوهای نامطلوب در کسب و کار خود، حتی اگر از آزمون بحران رسمی نیز استفاده نکنند، از بکارگیری روشهای ساده تر، بهره میبرند. بنابراین این اصول بر اساس مقتضیات اعمال

^۲Macprudential authorities

می‌شود و به اندازه، پیچیدگی و مشخصه ریسک بانک و بخشی که مقام ناظر نسبت به آن مسئول است، بستگی دارد.

اصول مذکور به عنوان استانداردهایی نمی‌باشد که کمیته بال انتظار داشته باشد تمامی اعضاء و بانکهای بین‌المللی تحت نظارت آنها به طور کامل اجرا نمایند. بلکه دستورالعمل‌هایی است که بر عوامل اصلی چارچوب آزمون بحران شامل اهداف، مدیریت، خط‌مشی‌ها، فرآیندها، روش‌شناسی، منابع و مستندسازی که فعالیت‌ها را هدایت کرده و استفاده، اجرا و نظارت آنها را تسهیل می‌کند تمرکز دارند. با این وجود، کارشناسان کمیته بال انتظار دارند که برای بانکهای فعال بین‌المللی، آزمون بحران به عنوان یک مؤلفه مهم مدیریت مناسب ریسک و نظارت وجود داشته باشد و چنین آزمون بحرانی مفاد این اصول (اصولی که در ادامه ذکر می‌شود) را مورد توجه قرار می‌دهد.

هر کدام از اصول، دارای شرح مختصری از ملاحظات برای بانکها و مقامات است. این توضیحات با دو مجموعه نکات اضافی برای بانکها و مقامات همراه است:

- نکات اضافی (بیشتر) برای بانکها: این موارد نکات اضافی که به طور ویژه مرتبط با آزمون بحران داخلی بانکها و مشارکت در نظارت بر آزمون‌های بحران نظارتی هجوم مشتریان (سپرده‌گذاران) است را^۳ پوشش می‌دهند.
- نکات اضافی برای مقامات: این نکات اضافی موارد مرتبط با آزمون بحران هجوم ناظران و مقاماتی که نقشی در آزمون‌های بحران هجوم مشتریان دارند را پوشش می‌دهد. همچنین این نکات، نقش مقامات ناظر در نظارت بر آزمون بحران داخلی بانکها را نیز پوشش می‌دهند.

اصول آزمون بحران

- ۱- چارچوب‌های آزمون بحران باید به صورت شفاف بیان شده و اهداف آن به صورت رسمی پذیرفته شود.
- چارچوب‌های آزمون بحران باید به صورتی طراحی شود که مطابق با اهداف مستند و مصوب هیأت مدیره و یا در سطح مناسب مدیریت ارشد نهاد حاکمیتی باشد. اهداف باید پایه‌ای برای تعیین الزامات و انتظارات

^۳Bank-run supervisory stress tests

^۴Supervisor-run stress tests

^۵Governance body

چارچوب بوده و با چارچوب مدیریت ریسک مقامات ناظر یا بانک و ساختار کلی مدیریت آن همگون باشد.

کارکنانی که در اجرای چارچوب آزمون بحران همکاری می‌کنند باید درک درستی از اهداف چارچوب آن داشته باشند زیرا این امر می‌تواند هرگونه موارد اختیاری یا قضاوتی را در آن‌ها هدایت کند.

نکات اضافی برای بانکها :

برای چارچوب آزمون بحران داخلی بانکها، اهداف مرتبط سطح بالا باید متناسب با اشتباهی ریسک و چارچوب مدیریت ریسک بانک باشد و ممکن است، به عنوان مثال، مرتبط با استفاده از آزمون بحران برای اطلاع از برنامه‌ریزی سرمایه و نقدینگی یا نقش آن‌ها به عنوان عنصر داخلی مدیریت ریسک باشد.

نکات اضافی برای مقامات:

برای مقامات، اهداف سطح بالا ممکن است به عنوان مثال با موارد زیر مرتبط باشد :

- ارزیابی کفایت سطوح سرمایه یا نقدینگی بانکهای تحت نظارت؛
 - تقویت توانایی مدیریت ریسک و آزمون بحران بانکها؛
 - پشتیبانی از سایر فعالیت‌های نظارتی (به عنوان مثال بازرسی حضوری، تجزیه و تحلیل عمیق‌تر)؛
 - ارائه یک ارزیابی کمی از مشخصه ریسکی بانکها (برای هر کدام از بانکها و برای کل شبکه بانکی در مجموع)؛
 - کمک به ایجاد اعتماد به بازار یا تقویت نظم بازار.
- مقامات باید در مورد اهداف و استفاده‌های مورد نظر آزمون بحران، پیش از اقدام، به بانکهای مشارکت‌کننده اطلاع‌رسانی نمایند.

۲- چارچوب‌های آزمون بحران باید شامل ساختار حاکمیت مؤثر باشد. چارچوب‌های آزمون بحران باید شامل ساختار حاکمیت مؤثر که شفاف، جامع و مستند است، باشد. این چارچوب‌ها باید نقش‌ها و مسئولیت‌های مدیر عامل، نهادهای نظارتی و افرادی را که مسئول تدوین^۲ عملکرد چارچوب آزمون بحران می‌باشند، مشخص نماید. این چارچوب مدیریتی باید سایر

^۲Oversight bodies

ذینفعان را شناسایی و از وجود نظارت و آرایش کامل و همسان در مراحل مختلف فرآیند آزمون بحران اطمینان حاصل کند.

نقشها و مسئولیتها باید در رابطه با تمام جنبه های چارچوب آزمون بحران شامل توسعه و تصویب سناریو، توسعه و ارزیابی مدل، گزارش و به چالش کشیدن نتایج و استفاده از نتایج آزمون بحران مشخص باشد. نقشهای خطوط دوم و سوم دفاعی باید مشخص باشد (به عنوان مثال به ترتیب مدیریت ریسک و تطبیق، و حسابرسی داخل). خطمشیها و رویه ها باید تمام جنبه های چارچوب آزمون بحران را پوشش دهند، به صورت واضح مستند شده و به روز نگه داری شوند و همچنین توسط مدیر عامل یا هیأت مدیره تصویب شده باشند.

همچنین چارچوب آزمون بحران باید از همکاری تمام ذینفعان مورد نیاز و ارتباط مناسب بین ذینفعان، فروض، روشها، سناریوها و نتایج آزمون بحران اطمینان حاصل نماید. ساختار تعامل باید چالشهای محتمل چارچوب آزمون بحران را چه در سطح کارشناس فنی و چه ارشد نه فقط در رابطه با فروض بلکه ارزیابی تداوم عملکرد و اثربخشی و اصلاح مواردی که توسط ذینفعان شناسایی شده است، تسهیل نماید.

نکات اضافی برای بانکها :

برای چارچوب آزمون بحران داخلی بانکها، تمام جنبه های ترتیبات مدیریتی باید توسط بانک و مطابق با رعایت بهترین شیوه های بین المللی از جمله اصول کمیته بال در رابطه با حاکمیت شرکتی بانکها^۸ مشخص شود. هیأت عامل بانکها باید مسئولیت نهایی در کل چارچوب آزمون بحران شامل نظارت بر آن را بر عهده داشته باشند. توسعه و اجرای چارچوب آزمون بحران ممکن است به مدیر عامل یا کمیته آزمون بحران محول شود. انتظار می رود هیأت مدیره یا سطح مناسبی از مدیریت ارشد، درک درستی از جنبه های با اهمیت چارچوب آزمون بحران داشته باشند که آنها را قادر سازد تا به طور فعال در گفت و گو با مدیر عامل و کارشناسان فنی مسئول آزمون بحران شرکت کرده و فروض اصلی مدل، سناریوهای انتخابی و فرضهای آزمون بحران را به چالش کشند.

برای نظارت بر آزمون بحران هجوم مشتریان، بانکها باید ترتیبات مدیریتی که نقش مشخص آنها را در آزمون بحران مشخص میکند، مستند نمایند. برای مثال، میتوان از مسئولیتهای مرتبط مانند کنترل کیفیت

^۸Stakeholders

^۹Basel Committee's Corporate governance principles for banks

^{۱۰}Banks' boards of directors

داده ها، تعامل با مقامات نظارتی در مورد مسایل تفسیری و انتخاب های مدلسازی در مواردی که توسط مقامات مشخص نشده است، نام برد. واحدهای بانکی که باید در انجام آزمون بحران درگیر شوند (شرکت کنند)، به عوامل متعددی از جمله اهداف چارچوب یا آزمون بحران ویژه، نوع آزمون بحران (در گستره بانکی یا بیشتر) اعم از این که آن یک آزمون بحران داخلی باشد یا آزمون نظارتی در خصوص هجوم مشتریان، و ساختار ویژه بانکی، بستگی دارند. مثالهایی از واحدهای بانکی که احتمالاً با آزمون بحران مرتبط هستند شامل واحدهای اقتصادی، ریسک، مالی، استراتژی و واحدهای عملیاتی است.

نکات اضافی برای مقامات:

مقامات باید اطمینان حاصل کنند که ساختار مدیریت جامعی برای تمام جنبه های چارچوب آزمون بحران توسط ذینفعان طراحی شده است. این فرآیند باید توصیف نقشهای تمام افراد مرتبط به چارچوب آزمون بحران، هماهنگی بین ادارات و ماهیت و تناوب تبادل نظر در خصوص نتایج را مستند سازی نماید.

آزمون بحران اغلب شامل واحدهای مختلف دارای اختیار است؛ ساختار مدیریت باید هماهنگی بین واحدهای احتیاطی خرد و کلان را هدایت کند (به عنوان مثال هماهنگی در رابطه با ایجاد سناریو، اشتراک گذاری اطلاعات، اعتبار داده ها و استفاده از خروجی تمام آزمون های بحران).

۳- آزمون بحران باید به عنوان ابزار مدیریت ریسک و ابزاری جهت اطلاع رسانی برای تصمیمات تجاری استفاده شود.

به عنوان ابزار مدیریت ریسک آینده نگر، آزمون بحران یک ورودی مهم مرتبط با فعالیتهای بانکی و مقامات در خصوص شناسایی، پایش و ارزیابی ریسک است. همچنین، آزمون بحران باید به شکل گیری و پیگیری اهداف استراتژیک و اهداف خط مشی کمک کند.

هنگام استفاده از نتایج آزمون بحران، بانکیها و مقامات باید درک شفاف از فروض و محدودیتهای مهم به عنوان مثال از منظر ارتباط سناریو، پوشش و مدل ریسک داشته باشند.

اگر آزمون بحران ابزار با اهمیت مدیریت ریسک باشد، باید به طور مرتب انجام شود. در حالی که آزمون بحران ویژه و خلاصه ممکن است برای دلایل مشخصی انجام شود، البته معمولاً آزمون بحران باید بر اساس برنامه مشخصی انجام گیرد. تناوب مناسب به عوامل متعددی شامل اهداف

^۷Ad hoc stress tests

چارچوب آزمون بحران، گستره آزمون بحران و اندازه و پیچیدگی بانک یا شبکه بانکی و تغییر در محیط اقتصاد کلان بستگی دارد.

نکات اضافی برای بانکها:

بانکها باید اطمینان حاصل کنند که نتایج آزمون بحران و سایر یافته های مرتبط، به طور مؤثر مطابق با اهداف و خط مشی داخلی و رویه های چارچوب آزمون بحران استفاده می شود. این استفاده ها به مدیر عامل و هیأت مدیره بینشی برای اطلاع از همجهتی تصمیمات مهم و مدیریت بانک ارایه می دهد. به این منظور، نتایج آزمون بحران باید به مدیر عامل و هیأت مدیره به صورت منظم، در سطوح مربوطه، گزارش شود. این گزارشها باید شامل مدلها و فروض اصلی سناریو و محدودیت های قابل توجه باشد. نتایج آزمون بحران باید در صورت لزوم، اطلاعاتی در خصوص درجه بندی بانک در مورد میزان اشتها و محدودیت های پذیرش ریسک و طرح های مالی و سرمایه ای بانک، نقدینگی و ارزیابی ریسک مالی، طرح های احتمالی و طرح های بازبانی و حل و فصل را ارائه دهد. برای مثال آزمون بحران داخلی باید از ارزیابی داخلی کفایت سرمایه و ارزیابی داخلی کفایت نقدینگی پشتیبانی کند. به علاوه، نتایج آزمون بحران باید در صورت لزوم، برای پشتیبانی از مدیریت پرتفوی، فرآیند تصویب تولید / تجارت جدید و اطلاع رسانی درباره فرآیند سایر تصمیم گیری شرکتی به عنوان مثال ارزیابی گزینه های استراتژیک، استفاده شود.

نکات اضافی برای مقامات:

مقامات باید اطمینان حاصل کنند که آزمون بحران بطور کامل مورد بررسی و نقد قرار گرفته است و بطور یکپارچه (همسان) با برنامه های نظارتی و ثبات مالی همراه با سایر ابزارهای سیاستی و تحلیلی موجود مورد استفاده قرار می گیرد.

مقامات ممکن است از نتایج آزمون بحران به عنوان یک خروجی برای فرآیند نظارت استفاده کنند. برای مثال، نتایج کمی و کیفی آزمون بحران باید به شناسایی ریسکها و آسیب هایی که بانکها در معرض آن قرار می گیرند، ارزیابی کفایت نقدینگی و سرمایه بانکها و در صورت لزوم، اطلاع از بازبینی ترتیبات مدیریت داخلی و مدیریت ریسک بانک کمک کند. آزمون بحران به طور کلی برای اندازه گیری و اطلاع از ریسکها طراحی شده است و به عنوان یک خروجی (نتیجه) ممکن است با توجه به اهداف، شامل نرخ یا آستانه های موانع (نرخ مبنا یا حد نصاب) باشد! هنگامی که

^۲Hurdle rates/thresholds

مقامات از آزمون بحران برای ارزیابی کفایت نقدینگی و سرمایه بانکها (به عنوان مثال از طریق رکن ۲) استفاده میکنند، باید به واکنشهای نظارتی مناسب با ناکاراییهای شناسایی شده، توجه کنند که این واکنشها میتواند شامل انتظار برای سرمایه اضافی، کاهش ریسک یا مدیریت ریسک افزایش یافته متکی به رویکرد مقام نظارتی، باشد.

همچنین مقامات ممکن است، در صورت لزوم و وجود ارتباط، از نتایج آزمون بحران برای اهداف احتیاطی کلان شامل موارد زیر استفاده کنند:

- شناسایی و ارزیابی ریسکها و آسیب پذیری در سطح سیستمی، احتمالاً شامل منابع اضافی بحران (به عنوان مثال بازخورد/اثرات دور دوم)؛

- اندازه گیری نیازهای سرمایه ای در سطحی سیستمی در زمان بحران؛

- اطلاع از میزان ابزارها و خطمشیها کلان احتیاطی.

هنگامی که اقدامات مدیریت، جزئی از نتایج آزمون بحران نظارتی بانکها باشد، مقامات باید توجه نمایند که آیا اقدامات پیشنهادی، بخشی از سایر برنامه های استراتژیک بانک است (به عنوان مثال طرح بازیابی) یا خیر.

۴- چارچوبهای آزمون بحران باید ریسکهای با اهمیت و مرتبط را پوشش داده و بحرانهایی (شوکه ها) که به اندازه کافی شدید هستند را مورد استفاده قرار دهد.

چارچوبهای آزمون بحران باید ریسکهای با اهمیت و مرتبط شناسایی شده توسط فرآیند مناسب ریسک را پوشش دهد. این فرآیند شناسایی ریسک باید شامل ارزیابی جامع ریسکهای که دربردارنده تأثیرات منابع در معرض ریسک زیر یا بالایی خط ترازنامه، آسیب پذیری، ریسک عملیاتی و سایر عوامل که بر توانایی مالی یا وضعیت نقدینگی بانک مؤثر است، باشد (یا بانکها در موارد آزمونهای بحران نظارتی).

سناریوهای آزمون بحران باید به نوعی طراحی شود که ریسکهای مرتبط و با اهمیت شناسایی شده در فرآیند شناسایی ریسک را پوشش دهد و متغیرهای مهم هر سناریو باید به صورت درونی، سازگار باشد. همچنین، توضیحاتی مبنی بر این که چطور سناریو، ریسکها را پوشش میدهد، وجود داشته باشد. اگر ریسکهای مرتبط و حایز اهمیت از سناریوها حذف شود، این موارد باید توضیح داده شده و مستند شود. این سناریوها باید با توجه به اهداف آزمون بحران به منظور آرایه آزمونهای معنادار در

رابطه با تاب‌آوری بانکها به اندازه کافی سخت و متنوع باشند. این سناریوها باید به اندازه کافی سخت و شدید ولی قابل قبول باشند. سناریوها و تحلیل حساسیت‌های استفاده شده در آزمون بحران باید به صورت دوره‌ای بازبینی شود تا اطمینان حاصل شود که کماکان مرتبط باقی مانده‌اند. وقایع تاریخی و حوادث فرضی آتی که دربردارنده اطلاعات جدید و ریسک‌های درحال ظهور در زمان حال و آینده قابل پیش‌بینی است را باید مدنظر قرار داد. سناریوهایی که براساس اتفاقات تاریخی و مشاهدات نیستند، اگر آسیب‌پذیری‌های جدید و مهم شناسایی شود یا اگر اطلاعات تاریخی شامل دوره‌های بحرانی نباشد، می‌تواند برای برخی یا همه ریسک‌ها، استفاده شود. سناریوها و تحلیل حساسیت‌ها باید شرایط فعلی اقتصاد کلان و محیط مالی را مدنظر قرار دهند.

نکات اضافی برای بانکها:

سناریوها و تحلیل حساسیت‌هایی که بانکها برای آزمون‌های بحران داخلی استفاده می‌کنند، نباید محدود به استفاده از آزمون‌های بحران نظارتی باشد، اگرچه الگو قرار دادن آزمون بحران نظارتی می‌تواند اقدام مفیدی باشد. بانکها باید اطمینان حاصل کنند که سناریوها مناسب کسب و کار آنها باشند و آسیب‌پذیری‌های ویژه بانک را نیز مورد توجه قرار دهند. آزمون بحران معکوس سناریوهایی را که می‌تواند به طور بالقوه منجر به شکست بانک شود، تعیین می‌کند و بنابراین می‌تواند به بانکها برای شناسایی آسیب‌پذیری اصلی کمک کند. در طراحی سناریو خود، بانکها باید به دقت ویژگی هر سناریو را، شامل شدت شوک و انواع ریسک‌هایی که در نظر گرفته می‌شود، به گونه‌ای که منعکس کننده اشتهای ریسک هیأت مدیره و اهداف باشد، مشخص کنند. فرآیند طراحی باید برای ذینفعان داخلی و ذینفعان مرتبط خارجی شفاف باشد (مانند ناظرین بانک).

بانکها باید آزمون‌های بحران داخلی خود را در سطوح مرتبط با سازمان به گونه‌ای که با اهداف خود سازگار باشند، انجام دهند (به عنوان مثال سطح پرتفوی، سطح واحد تجاری یا سطح شرکت (تلفیقی، انفرادی، تلفیقی فرعی)). اگر به ریسک‌ها در سطح بانک^{۲۳} نگاه می‌کنیم، باید توجه ویژه‌ای معطوف به تمرکز ریسک باشد. گرایش استراتژی بانک و محیط اقتصادی باید به همین ترتیب در هنگام تعیین گستره و سناریو آزمون بحران مورد توجه قرار گیرد.

نکات اضافی برای مقامات:

^{۲۳}Resilience
^{۲۴}Subconsolidated

هنگام گسترش سناریوهای آزمون بحران، مقامات باید ویژگی‌های شناسایی شده یا آسیب‌پذیری هر بانک (به عنوان مثال مشخصه ریسک آن‌ها و مدل تجاری) و یا شبکه بانکی به صورت کلی را مدنظر قرار دهند. در صورت امکان، همچنان آن‌ها باید ریسک‌های نوظهور را در صورتی که مرتبط با اهداف آزمون بحران است، مورد توجه قرار دهند. به علاوه مقامات می‌توانند پیشرفت در سناریوهای داخلی و تجزیه و تحلیل حساسیت داخلی بانک‌ها را در نظر بگیرند.

با توجه به اهداف آزمون بحران، مقامات باید ارزیابی نمایند که آیا سناریوهای متداول برای کل شبکه بانکی قابل اجرا است یا خیر، یا آیا سناریوهای اختصاصی برای بخش خاصی از شبکه بانکی مناسبتر خواهد بود یا خیر.

۵- ساختار سازمانی و منابع باید به میزان کافی با اهداف چارچوب آزمون بحران مطابق باشد.

چارچوب آزمون بحران باید ساختار سازمانی که به میزان کافی مطابق اهداف خود باشد را دارا باشد. فرآیند مدیریت باید اطمینان حاصل کند که کفایت منابع برای آزمون بحران از جمله اطمینان از وجود منابع دارای توانایی مناسب برای اجرای چارچوب آزمون، وجود داشته باشد. تصمیم‌گیری در خصوص منابع باید این موضوع را در نظر بگیرد که آزمون بحران در طی زمان پیچیده‌تر می‌شود و این امر نیاز به پرسنل ماهرتر و سیستم و زیرساخت فناوری اطلاعات پیشرفته‌تر را افزایش می‌دهد.

فرآیندهای مربوط به حصول اطمینان از منابع دارنده مجموعه مهارت‌های مناسب، شامل ایجاد مهارت‌های پرسنل داخلی، تضمین انتقال دانش به پرسنل داخلی و استخدام پرسنل با مهارت‌های کافی آزمون بحران می‌باشد. معمولاً مجموعه مهارت مورد نیاز شامل (و نه محدود به) تخصص در ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک بازار، قوانین سرمایه، حسابداری مالی، مدلسازی و مدیریت پروژه است.

نکات اضافی برای بانک‌ها :

بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که خطمش‌ها و کنترل داخلی مؤثر برای مدیریت سیستم‌ها و فرآیندهای استفاده شده در آزمون بحران داخلی و مشارکت آن‌ها در نظارت بر آزمون بحران هجوم مشتریان وجود دارد. بانک‌ها که رویکرد متمرکز را برای آزمون بحران اتخاذ می‌کنند، باید اطمینان حاصل کنند که سیستم‌های مدیریت باید برای تسهیل دیدگاه خطوط کسب و کار به عنوان مثال این که چطور سناریوهای بحران بر پرتفوی آن‌ها مؤثر است، وجود داشته باشند. بانک‌ها که رویکرد غیر متمرکز

اتخاذ می‌کنند، باید خط‌مشی‌ها، رویه‌ها و کنترل‌هایی در سطح گروه را به منظور حصول اطمینان از وجود سازگاری کافی در مورد چگونگی تبدیل سناریو بحران به تأثیراتی که نشان دهنده یک دیدگاه منسجم در مورد ریسک‌های پیش‌روی بانک است دارا باشند.

اگر خدمات ارایه شده شخص ثالث، توسط بانک برای تکمیل منابع داخلی استفاده شود، خط‌مشی‌ها و رویه‌ها باید شناسایی دقیق، نظارت و کنترل سازگار با مدیریت ریسک صحیح شخص ثالث را ایجاد کنند.

نکات اضافی برای مقامات:

نظارت بر آزمون‌های بحران هجوم مشتریان و ناظران، می‌تواند نیازمند به منابع متمرکز، پرسنل متخصص، سیستم و زیر ساخت فناوری اطلاعات باشد. مقامات باید اطمینان حاصل کنند که منابع و ساختار سازمانی، با توجه به پیچیدگی و اجرای آزمون بحران کافی باشد. برای مثال، مقامات باید منابع مورد نیاز برای تعامل بانک‌ها که در آزمون بحران مشارکت می‌کنند، به عنوان مثال فرآیندها و زیر ساخت‌ها برای پاسخ دادن به سوالات شفاف بانک‌ها و تعامل بین بانک‌ها برای بررسی کیفیت اطلاعات/اختلافات و ارایه بازخورد به بانک‌ها در رابطه با نتایج آزمون بحران، را مورد توجه قرار دهند.

۶- آزمون بحران باید توسط داده‌های دقیق و با جزئیات کافی و با سیستم‌های فناوری اطلاعات قوی حمایت شود.

در رابطه با شناسایی ریسک و قابل اطمینان بودن نتایج آزمون بحران، اطلاعات استفاده شده باید دقیق و کامل باشد و با جزئیات کافی و به موقع در دسترس باشد. جزئیات اطلاعات باید با اهداف آزمون بحران مطابقت داشته باشد (اصل ۷).

بانک‌ها و مقامات باید دارای زیر ساخت اطلاعاتی قوی باشند که قابلیت پردازش، بازیابی و گزارشگری اطلاعات استفاده شده در آزمون بحران برای اطمینان یافتن از این که این اطلاعات دارای کیفیت کافی برای مطابقت با اهداف چارچوب آزمون بحران است را دارا باشد. فرآیندهایی باید برای حل مشکل کمبود شناسایی هرگونه اطلاعات با اهمیت استفاده شود.

نکات اضافی برای بانک‌ها:

قابلیت‌های زیربنایی بانک‌ها باید به میزان کافی برای بازیابی اطلاعات به منظور استفاده از آزمون بحران داخلی و بانک‌هایی که در نظارت بر آزمون بحران هجوم مشتری مشغول هستند، انعطاف پذیر باشد. در

صورت لزوم، بانکها باید اطمینان حاصل کنند که منابع، پردازش و تجمیع اطلاعات بطور سازگار در آزمون بحران وجود دارد. بانکها باید اطمینان حاصل کنند که اطلاعاتی که برای اهداف آزمون بحران تولید شده است با چارچوب کلی مدیریت ریسک آنها سازگار است.

همچنین بانکها باید با کیفیتی اطمینان بخش، اطلاعات تاریخی مرتبط با چارچوب آزمون بحران داخلی را جمع آوری و نگهداری کنند. بانکها باید اطمینان حاصل کنند که قادر به تجمیع دقیق اطلاعات مرتبط با ادغام و تملیک و مجموعه اطلاعات تاریخی می باشند.

اصول تجمیع اطلاعات ریسک مؤثر و گزارش ریسک کمیته باال در نظارت بانکی باید بانکها را در ایجاد، تجدید نظر و ارتقای قابلیت استفاده آنها از اطلاعات برای افزایش توانایی شناسایی و مدیریت ریسک در سطح بانک هدایت نماید. به طور خاص، توانایی تجمیع اطلاعات ریسک بانکها باید:

- تحت ترتیبات نظارتی قوی قرار گیرد؛
- توسط معماری اطلاعات و زیر ساخت تکنولوژی اطلاعات کافی پشتیبانی شود؛
- قادر به نشان دادن و جمع آوری تمام اطلاعات ریسکهای با اهمیت گروه بانکی باشد.

زیر ساخت باید به میزان کافی انعطاف پذیر باشد تا امکان انجام آزمونهای بحران هدفمند و اضطراری در شرایطی که بازار به سرعت در حال تغییر شرایط است و به منظور این که با تقاضاهای ناشی از نیازهای داخلی و خارجی ناشی از خواسته های نظارتی مطابق باشد، فراهم آید.

نکات اضافی برای مقامات:

مقامات باید، تا حد امکان، از اطلاعاتی که پیش از این توسط بانکها به عنوان مثال از طریق گزارشهای نظارتی بانکها به مقامات آرایه شده، استفاده مضاعف نمایند. مقامات باید اطمینان حاصل کنند، اگر تجمیع اطلاعات در نظارت بر آزمونهای بحران یا آزمونهای بحران مختلف وجود داشته باشد، منابع اطلاعات تا حد امکان با یکدیگر سازگار باشند.

مقامات باید اقدام به بازبینی و ارتقای کیفیت اطلاعات و قابلیت تجمیع اطلاعات ریسک بانکها به عنوان بخشی از نظارت مداوم آنها نمایند.

۷- مدل ها و روش ها برای ارزیابی تأثیر سناریوها و تحلیل حساسیت ها باید با اهداف مطابق باشد.

روش ها و مدل های استفاده شده برای تخمین بحران و اثرات آن باید با اهداف و استفاده مورد نظر آزمون بحران منطبق باشد. به این معنی که موارد زیر در نظر گرفته شود:

- نیاز به توضیح کافی پوشش، تقسیم بندی و جزئیات اطلاعات و انواع ریسک در راستای اهداف چارچوب آزمون بحران در مرحله مدلسازی؛
- تناسب سطح پیچیدگی مدل با اهداف آزمون بحران و نوع و اهمیت پرتفویی که با استفاده از مدل پایش می شود؛
- موجه و مستند بودن مدل ها و روش های استفاده شده برای آزمون بحران.

توسعه مناسب مدل نیازمند همکاری متخصصان مختلف است. توسعه دهندگان مدل باید با ذینفعان برای کسب دیدگاهی در مورد ریسک های مدل ارتباط داشته و برای شناسایی اهداف تجاری، محرک های تجارت، عوامل ریسک و سایر اطلاعات مرتبط با کسب و کار که منجر به اهداف از پیش تعیین شده چارچوب آزمون بحران است همکاری نمایند (به عنوان مثال بازار، محصول یا انواع پرتفوی، ماهیت و اهمیت منابع در معرض ریسک). تصمیمات انتخاب و تصحیح مدلسازی باید با توجه به تعامل بین انواع مختلف ریسک و ارتباط بین مدل ها باشد. در این رابطه، ارتباط توانایی مالی و بحران نقدینگی باید در نظر گرفته شود. همکاری توسعه دهندگان مدل و ذینفعان به ویژه برای آزمون بحران در سطح بانک به منظور اطمینان از این که شامل تمام ریسک های با اهمیت و جمع آوری مناسب نتایج است، با اهمیت می باشد.

آزمون های بحران سطح مشخصی از قضاوت کارشناسان شامل فروض مدل یا روش شناسی را در بردارد. در برخی موارد پوشش های مدل مناسب است. مانند مدل ها، این پوشش ها یا قضاوت کارشناسان باید به خوبی توجیه، مستند و متناسب با چالش های معتبر باشد (در صورت لزوم، شامل اعتبارسنجی و یا بازبینی مستقل).

نکات اضافی برای بانک ها :

ترکیب خطوط تجاری بانک ها، استراتژی، مشخصه ریسکی فعالیت ها و منابع در معرض ریسک و اهداف آزمون بحران باید راهنمایی برای توسعه مدل های مناسب باشد. بانک ها باید طیفی از روش ها را برای اندازه گیری تأثیر بحران، برای مثال رویکرد زمان ایستا برای تخمین پویایی پیشرفته که

فعالیت های تجاری و اقدامات مدیریتی آتی را منعکس می کند، در نظر بگیرند.

بانکها باید اطمینان حاصل کنند که مدل مناسب و فرآیند مدیریت مدل همراه با فعالیت آزمون بحران شامل یک اعتبار سنجی قوی برای مدل باشد. مستند سازی مدل هایی که برای آزمون بحران استفاده می شود شامل آزمون عملکرد باید حفظ شود و برای مدیریت عامل و سایر ذینفعان داخلی و خارجی مانند ناظران در دسترس باشد.

نکات اضافی برای مقامات:

مقاماتی که از آزمون بحران برای دستیابی به اهداف کلان احتیاطی استفاده می کنند، باید نتایج مدل بانکها را مورد بازبینی و چالش قرار دهند، برای مثال از طریق پس آزمایی یا الگوبرداری جفت^۲ (همتا)^۳. همچنین مقامات می توانند از معیارهای ارزیابی خود استفاده نموده و از طریق فرآیند نظارت، از بانکها ارتقای مدل ها و رویه های مدیریت مدل را، در صورت ضرورت، مطالبه کنند. به عنوان بخشی از فرآیند ارزیابی، مقامات می توانند مدل های خود را برای معیار سنجش یا اهداف مذکور توسعه دهند.

هنگامی که مقامات اهداف احتیاطی کلان دارند، مدل های آنها ممکن است ویژگی های متقابل بانک به عنوان مثال بازخورد یا سرایت در سطح سیستم را شامل شود.

۸- مدل ها، نتایج و چارچوب های آزمون بحران باید مورد چالش قرار گرفته و دارای بازبینی منظم باشد.

چالش و بازبینی منظم گام های مهمی در فرآیند آزمون بحران برای بانکها و مقامات می باشند. آنها برای ارتقاء اطمینان نسبت به نتایج آزمون بحران، کمک به درک محدودیت ها و شناسایی بخش هایی که آزمون بحران نیاز به بهبود دارد و اطمینان بخشی از این که نتایج آزمون بحران به گونه ای استفاده می شوند که با اهداف چارچوب همگون باشد، مهم هستند. این بازبینی ها باید پوششی برای تمام جنبه های چارچوب آزمون بحران به صورت دوره ای فراهم آورد و باید به منظور اطمینان بخشی از چارچوب آزمون بحران که حفظ و به صورت منظم به روز می شود استفاده شود.

نکات اضافی برای بانکها :

^۲Backtesting

^۳Peer benchmarking

طرح چالش در طی انجام آزمونهای بحران باید در مراحل مختلف و سطوح متفاوت بانک اتفاق بیافتد. بازبینیها باید شامل اعتبارسنجی و سایر انواع بازبینیهای مستقل مؤلفه های مهم فرآیند آزمون بحران، به عنوان مثال بازبینی فروش، روش ها و سناریوها و تخمین های زیان بحران، پیشبینی درآمد و نقدینگی، باشد. انتظار می رود که بازبینی شامل ارزیابی کفایت کل اقدامات، به عنوان مثال پس آزمای نتایج یا سایر معیارهای مقایسه، و تجزیه و تحلیل حساسیت نتایج نسبت به فروض شود.

چالش در مورد بخش های تجاری فروض و قابل اعتماد بودن نتایج مرتبط با تجربیات بازار، برای تفسیر نتایج مفید بوده و اطمینان حاصل می کند که آزمون بحران صرفاً یک روش آماری یا فرضی نیست.

هنگامی که آزمون بحران در سطح بانک به منظور تصمیمات استراتژیک تجاری که ممکن است سلامت مالی مؤسسه را تحت تأثیر قرار دهد استفاده می شود، هیأت مدیره بانک یا سطح مناسب مدیریت باید فرآیندها، فروض (به عنوان مثال سناریوها و تحلیل حساسیتها) و خروجی های آزمون بحران را مورد چالش قرار دهند. همانند هر فرآیند مدیریت مهم در بانک، واحد حسابرسی مستقل باید به طور منظم چارچوب آزمون بحران بانک و اجرای آن را، برای انجام آزمون بحران داخلی و برای نقش بانک در اجرای آزمون بحران هجوم مردم (سپرده گذاران) بازبینی نماید. این بازبینیها باید جامع بوده و بازخورهایی از بهبود وضعیت بانک ارائه دهد.

نکاتی اضافی برای مقامات:

هنگامی که مقامات از نتایج آزمون بحران برای اهدافی درحوزه خود استفاده می کنند، باید فرآیند تسهیل فروض ایجادکننده خروجیها و نتایج و همچنین فرآیند در نظر گرفتن محدودیتهای مدل و ریسک را به چالش بکشند. این امر بدون در نظر گرفتن این است که آیا آزمون بحران با استفاده از تخمینهای بانک انجام می شود یا خیر.

مقامات باید به طور منظم چارچوبهای آزمون بحران داخلی بانکها را بازبینی نمایند. ناظرین باید نتایج آزمون بحران را به عنوان بخشی از بازبینی فرآیند داخلی ارزیابی کفایت سرمایه و مدیریت ریسک نقدینگی بانکها بررسی کنند. به طور خاص، ناظرین باید در نظر گیرند که آیا چارچوبها، تمام حوزه های ریسکهای با اهمیت را به طور مناسب نشان می دهند یا خیر و نتایج آزمون بحران آینده نگر را، به عنوان بخشی از ارزیابی کفایت سرمایه و نقدینگی بانک مورد توجه قرار دهند.

^{۲۲} Internal capital adequacy assessment process

همچنین مقامات باید سایر جنبه های آزمون بحران بانک را از نظر تطابق با اهداف اعلام شده و ترتیبات مدیریت بررسی نمایند. ناظرین لازم است برای حل کمبودهای با اهمیتی که در چارچوب های آزمون بحران شناسایی می شود، شامل عدم بکارگیری کافی نتایج آزمون بحران در فرآیند تصمیم گیری بانک، مدیریت لازم را انجام دهند.

۹- شیوه ها و یافته های آزمون بحران باید در داخل کشورها و بین آنها به اشتراک گذاشته شود.

به اشتراک گذاشتن اقدامات آزمون بحران بین ذینفعان مرتبط داخلی و خارج از کشور میتواند برای بانکها و ناظرین مفید باشد. به اشتراک گذاشتن نتایج میتواند، در صورت لزوم، چشم اندازهای مهمی در مورد ریسک هایی که در غیر این صورت قابل دسترسی برای بانک و مقام ناظر نخواهند بود، ارائه دهد.

افشای نتایج آزمون بحران، از طریق بانکها یا مقامات، میتواند به ارتقای نظم بازار و اطمینان از انعطاف شبکه بانکی در مقابل بحران های شناسایی شده، کمک نماید. بانکها و مقامات که تصمیم به افشای نتایج آزمون بحران میگیرند باید به دقت راه هایی برای اطمینان از درک کامل شرکت کنندگان در بازار در مورد اطلاعات افشا شده، شامل محدودیتهای و فروضی که بر مبنای آنها بنا شده است، را مورد توجه قرار دهند. همچنین اهداف و چارچوب آزمون بحران میتواند هنگامی که بانکها و مقامات ناظر تصمیم به افشای اطلاعات میگیرند، افشا شود. این افشا به کاهش ریسک شرکت کنندگان بازار که برگرفته از نتایج غلط در مورد انعطاف پذیری بانکها با نتایج متفاوت و منفی است، کمک میکند.

نکات اضافی برای بانکها :

بانکها باید فرآیندی برای پشتیبانی از همسویی و به اشتراک گذاری منظم بین واحدهای آزمون بحران در سطح گروه و شعب بانکی یا سایر نهادهای قانونی (اعم از داخل کشورها یا بین آنها) داشته باشند. این مهم است که گروه بانکی قادر به جمع و گزارش نتایج آزمون بحران در سراسر نهادهای قانونی بوده و باید به دنبال ایجاد هماهنگی در روشها و تأثیرات در بین کشورها باشند.

نکات اضافی برای مقامات:

در صورت لزوم، مقامات باید شفافیت در فرآیندها و نتایج آزمون بحران را ارتقا دهند و فرآیندهایی برای اشتراک گذاری و هماهنگی آزمون

بحران با سایر مقامات داخلی، به عنوان مثال مقامات ناظر، بانک مرکزی، مقامات حل و فصل و در صورت ارتباط، تنظیم کنندگان رفتار بازار، را تعیین نمایند.

ارتباط سازنده بین مقامات و صنعت بانکی می تواند به ارایه دیدگاه عمیق تر در باب آسیب پذیری در سطح صنعت کمک نماید و به انجام آزمون بحران و ارتقای کیفیت نتایج نهایی آن کمک نماید.

ارتباطات بین کشورها شامل به اشتراک گذاری نتایج آزمون بحران بین ناظرین کشور مبدأ و میزبان بانکهای فعال بین المللی با توجه به محدودیت های قانونی قابل اجرا و هماهنگی بین المللی و همکاری فعالیت های آزمون بحران میان کشورها که منجر به هم افزایی های مفیدی خواهد شد، می گردد. اصول کمیته بال برای نظارت مؤثر بر سازمان های نظارتی به طور خاص مشوق اشتراک اطلاعات آزمون بحران بین سازمان های نظارتی است. به طور کلی، مقامات باید گستره همکاری خارج از مرزهای آزمون بحران را در صورت امکان مثلاً از طریق سناریوهای رایج و به اشتراک گذاری شیوه های بهتر مورد توجه قرار دهند.

بخش دوم : بخشنامه های اداره مجوزهای بانکی

۱- بخشنامه شماره ۹۷/۵۰۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۰۵؛ اعلام امکان تأسیس شعبه در
شهرهای سلیمانیه و اربیل کشور عراق

مدیران عامل محترم کلیه بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک
ایران و بانک مشترک ایران و ونزوئلا

با سلام؛

احتراما، به پیوست تصویر نامه ۶۵/۱/۶۹۸۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۶
استاندار محترم کردستان مبنی بر درخواست تأسیس شعبه بانکهای ایرانی
در شهرهای سلیمانیه و اربیل کشور عراق به منظور تسهیل در مبادلات
پولی و روان سازی فعالیت های اقتصادی تجار در دو کشور، جهت استحضار و
هرگونه اقدام مقتضی ارسال می گردد.

بدیهی است این بانک آمادگی دارد تا درخواست های واصله را که مبتنی
بر انجام بررسی های لازم، برآورد هزینه - فایده و ... باشد در چارچوب
«آیین نامه اجرایی نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعب بانک های
ایرانی در خارج از کشور» مصوب یک هزار و یکصد و بیست و سومین جلسه
مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ شورای پول و اعتبار و دیگر قوانین و مقررات موجود،
مورد بررسی قرار دهد.

از این رو، در صورتی که آن بانک متقاضی تأسیس شعبه در دو شهر
یادشده می باشد؛ خواهشمند است دستور فرمایند درخواست مربوط به همراه
مصوبات هیات مدیره در این خصوص و دیگر مدارک و مستندات پشتوانه
درخواست صدور موافقت اصولی، موضوع ماده (۶) آیین نامه فوق به این
مدیریت کل ارسال شود.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مجوزهای بانکی

عبدالمهدی

حمیدرضا آذرگون

ارجمندنژاد

۲۴۱۶

۳۲۱۵-۰۲



جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

استاندار کردستان

تاریخ: ۹۶/۱۱/۲۶
شماره: ۴۵۸۲۶/۱
پیوست:

جناب آقای دکتر سیف

رئیس کل محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

با احترام؛ همچنانکه مستحضر هستید استان کردستان که به دلیل هم‌مرز بودن با کشور عراق، سالهای مدیدی است که روابط اقتصادی تجاری با کشور مذکور دارد و همین موضوع باعث شده که حجم مبادلات تجاری استان کردستان با کشور عراق (به ویژه شمال عراق) طی چند سال اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد و به بیش از شش میلیارد دلار برسد و مرزهای رسمی استان کردستان، بویژه مرز باشماقی مریوان در میان مبادی گمرکی کشور رتبه اول را کسب کند. بعلاوه همین حجم مبادلات تجاری از لحاظ پولی نیاز به وجود نظام بانکی (ارزی) در آن سوی مرز دارد. لذا به منظور تسهیل در مبادلات پولی و روان‌سازی فعالیتهای اقتصادی تجار دو کشور، ایجاد و تأسیس شعب بانکی ایرانی در دو شهر سلیمانیه و اربیل عراق ضروری به نظر می‌رسد. خواهشمند است دستور فرمایید در این خصوص اقدام لازم را به عمل آورده و نتیجه را به این استانداری اعلام نمایند

بهمین مراد است

۲- بخشنامه شماره ۹۷/۸۸۹۲۷ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۰؛ تأسیس واحدهای بانکی در خارج از کشور

مدیران عامل محترم کلیه بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک ایران و بانک مشترک ایران و ونزوئلا

با سلام؛

احتراما؛ همانگونه که استحضار دارند یکی از مهمترین ضرورتهای رشد اقتصادی، بهبود و برقراری مجدد روابط بانکی در حوزه بینالمللی و تلاش در جهت گسترش و تحکیم پایه های آن میباشد. با تصویب برنامه جامع اقدام مشترک، جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا به نمایندگی از سوي کشورهاي اروپايي عضو، تلاش مبسوطي به منظور پر کردن خلاهای ناشی از تحریم های بینالمللی غیرعادلانه در روابط بانکی بینالمللی و کارگزاری میان کشورمان و کشورهای اروپایی علیرغم تهدیدات مکرر ایالات متحده آمریکا مبني بر خروج از توافق نامه مزبور به عمل آورده اند.

شایان ذکر است مجموعه اقدامات مثبت انجام شده در این راستا طی مکاتباتی از سوي برخی سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران مستقر در کشورهای اروپایی به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است. بر این اساس ضمن جلب توجه مجدد مدیران ارشد بانکها و موسسات اعتباری به مفاد مندرج در آیین نامه اجرایی نحوه تاسیس، فعالیت، نظارت و انحلال بانکهای فرعی در خارج از کشور مصوب یک هزار و یکصد و بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۲۵ شورای پول و اعتبار، به منظور تاسیس واحدهای فرعی و نیز الزامات مقرر در آیین نامه اجرایی نحوه تاسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعب بانکهای ایرانی در خارج از کشور مصوب یک هزار و یکصد و بیست و سومین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ به منظور تاسیس شعبه در خارج از کشور و تأکید بر موارد به شرح ذیل:

- کسب تاییدیه ثبات و سلامت مالی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
- ارائه برنامه جامع کسب و کار مشتمل بر محورهای :
 - شناسایی و بررسی شرایط سیاسی و اقتصادی کشور میزبان و سطح روابط تجاری؛
 - ارائه دلایل توجیهی تاسیس واحد فرعی با شعبه؛
 - تبیین اهداف موسسه اعتباری از تاسیس واحدهای مذکور و ارائه برنامه راهبردی؛
 - پیشبینی اندازه بازار (تعیین بازار هدف و ...)

- فعالیت‌های بازاریابی و دیگر برنامه‌های بلند مدت موسسه اعتباری؛
- شرح عملیات بانکی که مقرر است صورت پذیرد؛
- تشریح فرآیند تملک سهام واحدهای فرعی یا تاسیس شعبه و مقررات ناظر بر آن و چگونگی اخذ مجوزهای لازم از جمله موافقت کشور میزبان؛
- ساختار مدیریتی و سازمانی پیشنهادی با عنایت به اهداف موسسه اعتباری و فعالیت‌های بانکی که پس از تاسیس یا تملک انجام خواهد پذیرفت؛
- تعداد نیروی انسانی و مهارت‌های لازم به منظور راه‌اندازی واحدها و هزینه‌های پرسنلی؛
- پیش‌بینی صورت درآمد‌ها و هزینه‌های واحدهای پیشنهادی در سال‌های آتی (حداقل تا زمان بازگشت کامل سرمایه بانک)؛
- پیش‌بینی صورت‌های مالی واحدهای مورد درخواست (سود و زیان، ترازنامه و ...)؛
- ارسال صورت‌های مالی حسابرسی شده واحدهای فرعی به منظور تملیک و یا افزایش سرمایه توسط موسسه اعتباری متقاضی؛
- تبیین فرصت‌ها و تهدیدات و نقاط قوت و ضعف در سرمایه‌گذاری ملحوظ نظر؛
- تعیین مفروضات مختلف و پیش‌بینی برنامه‌ها با توجه به تغییر شرایط محیط، رقبا و ...؛
- سایر نکات جهت تکمیل اطلاعات به منظور توجیه‌پذیر نمودن طرح پیشنهادی؛

- نظر داشت پراکندگی جغرافیایی شعب موسسه اعتباری متقاضی در خارج از مرزهای کشور و نیز واحدهای فرعی و شعب سایر موسسات اعتباری ایرانی در کشور مقصد؛
- اخذ تاییدات لازم از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مورد مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشور مقصد؛
- آمادگی و حمایت این بانک در رسیدگی به درخواست‌های واصله به منظور حضور فعال شبکه بانکی کشور در عرصه بین‌المللی را اعلام می‌دارد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مجوزهای بانکی

عبدالمهدی
ارجمندنژاد
حمیدرضا آذرگون
۳۲۱۵-۰۲
۲۴۱۶

۳- بخشنامه شماره ۹۷/۹۰۶۴۲ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۱؛ لزوم اصلاح اساسنامه

مطابق اساسنامه نمونه شرکت های واسپاری

شرکت های لیزینگ (واسپاری) متقاضی مجوز فعالیت از بانک مرکزی (شرکت های واسپاری فرهنگیان، گسترش تجارت و سرمایه ایرانیان، خودرو مهرآسا و مفتاح رهنورد)

با سلام؛

احتراما، بدین وسیله به اطلاع می‌رساند؛ پیرو تصویب «دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر شرکت های لیزینگ (واسپاری)» در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ شورای پول و اعتبار، اساسنامه نمونه شرکت های لیزینگ (واسپاری) به تفکیک سهامی خاص و سهامی عام تدوین و در پایگاه اطلاع رسانی این بانک به نشانی www.cbi.ir زبانه نظارت بانکی، بخش مقررات ناظر بر تأسیس، قسمت «دستورالعمل اجرایی تأسیس، نحوه فعالیت و نظارت بر شرکت های واسپاری (لیزینگ)» به همراه اساسنامه ها، فرم ها و پرسشنامه های مربوط، بارگذاری شده است.

از این رو، با توجه به اینکه یکی از شروط تمدید و صدور مجوز فعالیت شرکت های واسپاری (لیزینگ)، وفق ماده (۲۷) دستورالعمل ناظر، اصلاح اساسنامه شرکت در چارچوب ضوابط و مقررات و انجام امور ثبتی مربوط به آن می‌باشد، ضروری است؛ در زمان مقتضی نسبت به اصلاح و جایگزینی اساسنامه شرکت وفق اساسنامه نمونه این بانک و انتصاب حداقل پنج نفر عضو هیات مدیره اقدام و مستندات لازم به انضمام صورتجلسات مربوط، برای انجام امور ثبتی به این اداره ارسال گردد.

اداره مجوزهای بانکی
حمیدرضا آذرگون
عطااله گرجی
۲۴۱۶
۲۴۱۷-۰۳

۴- بخشنامه شماره ۹۷/۹۱۲۳۷ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۲؛ لزوم اصلاح اساسنامه
مطابق اساسنامه نمونه شرکت های واسپاری
شرکت های لیزینگ (واسپاری)

با سلام؛

احتراما، بدین وسیله به اطلاع می‌رساند؛ پیرو تصویب «دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر شرکت های لیزینگ (واسپاری)» در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ شورای پول و اعتبار، اساسنامه نمونه شرکت های لیزینگ (واسپاری) به تفکیک سهامی خاص و سهامی عام تدوین و در پایگاه اطلاع رسانی این بانک به نشانی www.cbi.ir زبانه نظارت بانکی، بخش مقررات ناظر بر تأسیس، قسمت «دستورالعمل اجرایی تأسیس، نحوه فعالیت و نظارت بر شرکت های واسپاری (لیزینگ)» به همراه اساسنامه ها، فرم ها و پرسشنامه های مربوط، بارگذاری شده است.

از این رو، با توجه به اینکه یکی از شروط تمدید و صدور مجوز فعالیت شرکت های واسپاری (لیزینگ)، وفق ماده (۲۷) دستورالعمل ناظر، اصلاح اساسنامه شرکت در چارچوب ضوابط و مقررات و انجام امور ثبتی مربوط به آن می باشد، ضروری است؛ در زمان مقتضی نسبت به اصلاح و جایگزینی اساسنامه شرکت وفق اساسنامه نمونه این بانک اقدام و مستندات لازم به انضمام صورتجلسات مربوط، برای انجام امور ثبتی به این اداره ارسال گردد.

بدیهی است، تمدید و صدور مجوز فعالیت آن شرکت پس از ثبت تغییرات مذکور، انتصاب حداقل پنج نفر عضو هیات مدیره و صرفا در چارچوب مواد ۲۶ و ۲۷ دستورالعمل ناظر امکان پذیر خواهد بود.

اداره مجوزهای بانکی
حمیدرضا آذرگون عطااله گرجی
۲۴۱۶ ۲۴۱۷-۰۳

۵- بخشنامه شماره ۹۷/۳۶۸۴۳۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۷؛ درخواست معرفی نماینده تام الاختیار بانکها و موسسات اعتباری به اداره مجوزهای بانکی مدیران عامل محترم کلیه بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک ایران و موسسات اعتباری غیربانکی

با سلام؛

احتراما، به استحضار می‌رساند این مدیریت کل در نظر دارد با هدف تکریم ارباب رجوع و افزایش رضایتمندی ایشان، پاسخگویی به مکاتبات و رسیدگی به درخواستهای تمامی نهادهای تحت نظارت و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط را به صورت مکتوب و یا از طریق سامانه های الکترونیکی در کمترین زمان ممکن انجام دهد، به گونه ای که دیگر نیازی به مراجعه و پیگیری حضوری امور نباشد. با این وجود، در خصوص بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی از حیث اهمیت، مقرر است در مواقع اضطرار و ضرورت که قطعا حداقلی خواهد بود، برای تسهیل در امور و پیشگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی، مراتب صرفا از طریق نماینده /نمایندگانی (حداکثر دو نفر) که از سوی جنابعالی به صورت مکتوب معرفی می‌شود، پاسخ داده شود. قطعا تأیید می‌فرمایند پاسخگویی به مراجعات حضوری و پیگیری های تلفنی اشخاص متفرقه که خود را نماینده و کارمند آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی معرفی می‌نمایند، برخلاف ضوابط و اصول رفتار حرفه ای می باشد. لذا، مقتضی است دستور فرمایند ضمن معرفی نماینده یا نمایندگان آن بانک/مؤسسه اعتباری به این مدیریت کل، از پیگیری امور به ویژه مقولات مرتبط با اداره مجوزهای بانکی بانک مرکزی به صورت مراجعه حضوری یا تماس تلفنی توسط افرادی غیر از نمایندگان معرفی شده، خودداری شود.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مجوزهای بانکی
حمیدرضا غنی‌آبادی حمیدرضا آذرگون
۳۲۱۵-۰۲ ۲۴۱۶

۶- بخشنامه شماره ۹۷/۳۹۳۴۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۴ اعلام فرآیند رسیدگی به کلیه درخواستهای مربوط به ایجاد، جابجایی، تعطیلی و ادغام، تبدیل و هرگونه تغییر در اطلاعات هریک از شعب، باجه ها و یا دفاتر نمایندگی نهاد های مزبور صرفا به صورت الکترونیکی و لزوم ثبت درخواستهای فوق در سامانه مدیریت شعب بانکها و مؤسسات اعتباری

مدیران عامل محترم کلیه بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک ایران و مؤسسات اعتباری توسعه، کوثر مرکزی، ملل، نور و کاسپین

با سلام؛

احتراما، در راستای عمل به الزامات مندرج در بند (الف) ماده (۱۸) و بند (پ) ماده (۶۷) قانون برنامه پنجساله ششم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم الکترونیکی شدن کلیه فرآیندها و خدمات دستگاه های اجرایی و همچنین در اجرای تکالیف مطروحه در «دستورالعمل اجرایی موضوع ماده (۱۸) آیین نامه ایجاد یا تعطیل شعبه یا باجه یا نمایندگی مؤسسات اعتباری در داخل کشور» مصوب هفدهمین جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۰۳ کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری بانک مرکزی (موضوع بخشنامه شماره ۹۴/۲۵۷۲۸۳ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۹) و نیز به منظور به روزرسانی و ارتقاء دقت و تسریع در فرآیند بررسی درخواستها و صدور مجوز فعالیت واحدهای بانکی بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، از این پس مقرر است رسیدگی به کلیه درخواستهای مربوط به ایجاد، جابجایی، تعطیلی و ادغام، تبدیل و هرگونه تغییر در اطلاعات هریک از شعب، باجه ها و یا دفاتر نمایندگی نهاد های مزبور به صورت الکترونیکی و از طریق درگاه خدمات الکترونیک بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس portal.pbn.net انجام شود. بر همین اساس زبانه «سامانه مدیریت شعب بانکها و مؤسسات اعتباری» با امکان تعریف سطوح دسترسی کاربران، ایجاد و راه اندازی شده است. لذا مقتضی است دستور فرمایند برای ارائه درخواستهای پیشگفته، با مراجعه به درگاه فوق و با استفاده از نام کاربری و کلمه عبور اختصاص یافته که قبلا طی بخشنامه شماره ۹۴/۱۶۶۸۲۸ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۳ به آن موسسه اعتباری ابلاغ شده است، کلیه درخواستهای مربوط را حسب مورد، صرفا از طریق درج در سامانه مذکور، به اداره مجوزهای بانکی بانک مرکزی اعلام نمایند.

همچنین از آنجایی که نام کاربری و کلمه عبور اختصاص یافته به آن موسسه اعتباری محرمانه بوده و مسئولیت و اختیار کلیه درخواستهای موصوف، برعهده مدیرعامل و اعضای هیئتمدیره بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی میباشد، ترتیبی اتخاذ شده است که درخواستهای آن موسسه

اعتباری صرفاً پس از تایید نهایی توسط مدیرعامل یا در غیاب ایشان
عالی‌ترین مقام اجرایی موسسه اعتباری به بانک مرکزی ارسال شود.
خاطرنشان می‌سازد در صورت بروز هرگونه مشکل در فرآیند درخواست،
کارشناسان این مدیریت کل با شماره‌های ۲۹۹۵۳۹۶۰ و ۲۹۹۵۳۹۰۰ آماده
پاسخگویی به سوالات مربوطه می‌باشند.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مجوزهای بانکی
حمیدرضا غنی‌آبادی حمیدرضا آذرگون
۳۲۱۵-۰۲ ۲۴۱۶

۷- بخشنامه شماره ۹۷/۳۹۵۶۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۶؛ ارسال فرم به روز شده «حداقل اطلاعات مورد نیاز از مؤسسات حسابرسی جهت تأیید صلاحیت حسابرسان منتخب لیزینگها» و تأکید بر لزوم تکمیل فرم مزبور پیش از برگزاری مجامع عمومی و اخذ تأییدیه از این بانک تمامی شرکتهای لیزینگ (واسپاری)

با سلام؛

احتراما، پیرو نامه های شماره ۹۶/۴۸۵۷۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۱ و شماره ۹۶/۱۱۴۹۵۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۱۹ و حسب اعلام اداره ارزیابی سلامت نظام بانکی این بانک، ضمن ارسال فرم به روز شده «حداقل اطلاعات مورد نیاز از مؤسسات حسابرسی جهت تأیید صلاحیت حسابرسان منتخب لیزینگها» (دو برگ پیوست)، مجدداً تأکید می‌نماید؛ ضروری است حداقل دو ماه پیش از برگزاری مجامع عمومی و تصمیم‌گیری درخصوص «حسابرسان مستقل» و «بازرسان قانونی»، نسبت به ارسال سوابق کامل و فرم‌های تکمیل شده ممهور به مهر شرکت و مؤسسات حسابرسی پیشنهادی و ارسال مستندات موضوع بندهای (۵) و (۶) فرم مزبور، اقدام و از برگزاری مجامع عمومی در این خصوص پیش از اخذ تأییدیه کتبی از این بانک اکیداً خودداری نمایند. بدیهی است، در صورت عدم رعایت مراتب به شرح فوق، مسئولیت هرگونه اشکال در روند ثبت تغییرات بر عهده اعضای هیاتمدیره و مدیرعامل آن شرکت خواهد بود.

اداره مجوزهای بانکی
حمیدرضا آذرگون عطااله گرجی
۲۴۱۶ ۲۴۱۷-۰۳

این قسمت از اطلاعات باید توسط مؤسسه حسابرسی تکمیل و مهر و امضا شود:

حداقل اطلاعات مورد نیاز از مؤسسات حسابرسی جهت تایید صلاحیت حسابرسان منتخب لیزینگ ها

موضوع بند ۱ "معیارهای تایید صلاحیت حسابرسان شرکتهای واسپاری (لیزینگ)":

تاریخ شروع فعالیت مؤسسه	تاریخ عضویت در جامعه حسابداران رسمی ایران

موضوع بند ۲ "معیارهای تایید صلاحیت حسابرسان شرکتهای واسپاری (لیزینگ)":

نام هر یک از شرکا	سابقه حسابرسی	تعداد گزارشهای حسابرسی امضا شده صورتهای مالی	تعداد گزارشهای حسابرسی امضا شده صورتهای مالی پولی (تعاونی های اعتبار، بانک، قرض الحسنه، لیزینگ، صرافی) حسابرسی شده

موضوع بند ۳ "معیارهای تایید صلاحیت حسابرسان شرکتهای واسپاری (لیزینگ)":

تعداد کل کارکنان مؤسسه حسابرسی	تعداد کارکنان تمام وقت	تعداد کارکنان پاره وقت
تعداد کارکنان مؤسسه	رده حرفه ای	مدرك تحصیلی
سابقه حسابرسی (به سال)		

موضوع بند ۴ "معیارهای تایید صلاحیت حسابرسان شرکتهای واسپاری (لیزینگ)":

امتیاز مؤسسه در جامعه حسابداران رسمی ایران با ذکر مقطع زمانی	امتیاز مؤسسه در سازمان بورس و اوراق بهادار با ذکر مقطع زمانی

موضوع بنده "معیارهای تایید صلاحیت حسابرسان شرکتهای واسپاری (لیزینگ)": در صورت وجود سابقه تنبیه های انضباطی موضوع بندهای ۳ تا ۶ ماده ۳۵ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران توضیح داده شود. (اعلام زمان و دلایل محکومیت و اعضای دارای سابقه تخلف) + ارسال تاییدیه جامعه مبنی بر احراز شرایط مؤسسات حسابرسی عضو جامعه و نداشتن سابقه تخلف و محکومیت
موضوع بنده ۶ "معیارهای تایید صلاحیت حسابرسان شرکتهای واسپاری (لیزینگ)": دریافت مجوز از جامعه حسابداران رسمی ایران مبنی بر ارائه اطلاعات به بانک مرکزی و ارسال رونوشت به اداره ارزیابی سلامت نظام بانکی

این قسمت از اطلاعات باید توسط شرکت واسپاری تکمیل و مهر و امضا شود: (بدیهی
است اطلاعات ارسالی بعد از تاریخ ۰۱/۰۱/۱۳۹۸ باید شامل اسامی حسابرسان شرکت
برای سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ باشد)

حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی چهار سال گذشته شرکت واسپاری			
ردیف	سال	حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی	حسابرس مستقل و بازرس قانونی علی البدل
1	1393		
2	1394		
3	1395		
4	1396		

۸- بخشنامه شماره ۹۷/۴۱۱۰۷۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۷؛ لزوم رعایت مفاد
"اساسنامه نمونه بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی غیردولتی" و
"دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری
غیردولتی" درخصوص تفویض اختیار به اعضای هیأت عامل

مدیران عامل محترم کلیه بانکهای غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی
با سلام؛

احتراما همانگونه که مستحضرنند، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با هدف استقرار یک نظام حاکمیت شرکتی مؤثر در شبکه بانکی کشور و به تبع آن اداره صحیح مؤسسات اعتباری و دستیابی به اهداف عملیاتی، گزارشدهی و رعایت قوانین و مقررات در آن مؤسسات و در نهایت تحقق ثبات و سلامت نظام بانکی کشور، اقدامات متعددی را طی سالیان اخیر انجام داده است که از جمله مهمترین آنها میتوان به تدوین و تصویب "آییننامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی"، "اساسنامه نمونه بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی غیردولتی" و نیز "دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی" اشاره نمود. بدون تردید یکی از اصول کلیدی استقرار نظام حاکمیت شرکتی در بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، تفکیک شئون سیاستگذاری و نظارت از امور اجرایی است که باید به ترتیب توسط اعضای هیأت مدیره و اعضای هیأت عامل بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی اجرا گردد. بر این اساس، مدنظر قرار دادن فصول دوم و هفتم دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی و رعایت دقیق مفاد ماده (۵۷) اساسنامه بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی غیردولتی دال بر لزوم غیراجرایی بودن اکثریت اعضای هیأت مدیره از اهمیت و افری برخوردار است. لذا مقتضی است هیأت مدیره بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در اجرای ماده (۸۴) اساسنامه خود، کلیه امور اجرایی را به اعضای هیأت عامل تفویض نمایند. بدین لحاظ لازم است اشخاص دارای امضاء مجاز بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی صرفاً از میان اعضای هیأت عامل که ممکن است برخی از آنها عضو هیأت مدیره نیز باشند، تعیین گردند. همچنین ضروری است اسامی اعضای اجرایی هیأت مدیره و نیز اعضای هیأت عامل آن بانک/مؤسسه اعتباری غیربانکی و تغییرات آن به بانک مرکزی منعکس گردد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مجوزهای بانکی
حمیدرضا غنیآبادی حمیدرضا آذرگون
۳۲۱۵-۰۲ ۲۴۱۶

۹- بخشنامه شماره ۹۷/۴۳۶۵۶۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۷؛ لزوم ارسال نمونه امضاء
کلیه صاحبان امضای مجاز در مؤسسات اعتباری به پلیس راهنمایی و
رانندگی ناجا

مدیران عامل محترم کلیه بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پستبانک
ایران و مؤسسات اعتباری غیربانکی

با سلام؛

احتراما، به پیوست تصویر نامه شماره ۹۷۰۱۶۵۳-۳۶-۴-۱۲۰۸ مورخ
۱۳۹۷/۱۰/۲۳ رئیس محترم پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا درخصوص درخواست
معرفی صاحبان امضاء مجاز بانکهای کشور، ارسال میگردد. مقتضی است
دستور فرمایند به منظور تسهیل در ارائه خدمات، نمونه امضاء کلیه
صاحبان امضای مجاز در آن مؤسسه اعتباری و تغییرات آتی آن، به پلیس
راهنمایی و رانندگی ناجا ارسال شود.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مجوزهای بانکی
حمیدرضا غنی آبادی حمیدرضا آذرگون
۳۲۱۵-۰۲ ۲۴۱۶

شماره: ۸۷۰۱۴۵۳ - ۴ - ۱۲۰۸ - ۱۳۹۷

تاریخ: ۱۷/۱۰/۹۳

پیوست:



تایید

دستور

از: پلیس راهتمایی و رانندگی ناجا - معاونت فنی مهندسی و خدمات ترافیک

✓ به: ریاست محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

موضوع: معرفی نمونه امضاء

سلام علیکم

صلوات بر محمد(ص) و آل محمد(ص) و با احترام

به آگاهی می رساند مکاتبات متعددی از سوی شعبه های مختلف بانک های ملت، ملی، سپه، تجارت و ... (از جمله شهر قدس، شعبه کاره و...) برای خرید و فروش و نقل و انتقال خودروها و موتورسیکلت های تحت تملک تقاضای معرفی نمونه امضاء صاحبان امضاء را می نمایند که با توجه به حجم مکاتبات وارده، پاسخگویی موردی به تمامی شعبات بانک ها میسر نمی باشد. لذا به منظور تسهیل در ارائه خدمات خواهشمند است دستور فرمایید نمونه امضاء صاحبان مجاز بانک های سراسر کشور را به صورت تجمیعی احصاء و به این پلیس ارسال تا پس از بررسی به واحدهای راهتمایی و رانندگی سراسر کشور اعلام گردد.

ولپس. پلیس راهتمایی و رانندگی ناجا

سرتیپ پاسدار تقی مهری

انزلی، سرکلک سعدروچی

بخش سوم :

بخشنامه های اداره مبارزه با
پولشویی و تأمین مالی تروریسم

۱- بخشنامه شماره ۹۷/۱۹۷۷۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۸ در خصوص بیت کوین-

ارزهای مجازی

مدیران عامل بانکهای دولتی، غیر دولتی، شرکت دولتی پست بانک و موسسات اعتباری توسعه، کوثر مرکزی، ملل، نور و کاسپین

با سلام؛

احتراما، همانگونه که استحضار دارند انواع ارزهای مجازی از این قابلیت برخوردار هستند که به ابزاری برای پولشویی و تامین مالی تروریسم و به طور کل، جابجایی منابع پولی مجرمان بدل شوند. از این رو، در جلسه سی ام شورای عالی مبارزه با پولشویی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۹، به کارگیری ابزار بیت کوین (Bit Coin) و سایر ارزهای مجازی در کلیه مراکز پولی و مالی کشور ممنوع اعلام گردید.

با توجه به مراتب فوق، خواهشمند است دستور فرمایند ضمن ابلاغ مراتب به کلیه شعب و واحدهای تابعه آن بانک/موسسه اعتباری؛ از انجام هر گونه خرید و فروش ارزهای مذکور و یا انجام هر گونه اقدامی که به تسهیل و یا ترویج ارزهای یاد شده بیانجامد، به طور جد اجتناب شود. بدیهی است با متخلفین، برابر قوانین و مقررات مربوط برخورد خواهد شد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مبارزه با پولشویی

عبدالمهدی

فرید کیان

ارجمندنژاد

۲۳۱۶

۳۲۱۵-۰۲

۲- بخشنامه شماره ۹۷/۲۴۷۵۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۲ درخصوص ماده (۹) اصلاحی
آییننامه کاربردی شدن کارت شناسایی ملی

مدیران عامل بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسات
اعتباری غیربانکی توسعه، کوثر مرکزی، ملل، نور و کاسپین

با سلام؛

احتراماً، به پیوست تصویر تصویبنامه شماره ۱۶۹۷۳۹/ت/۵۵۲۲۲هـ — مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ هیأت وزیران،
درخصوص اصلاح تصویبنامه شماره ۱۵۵۳۲۰/ت/۴۹۵۲۳هـ - مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۱ و اصلاحات بعدی آن در زمینه
تمدید مهلت مقرر در ماده (۹) اصلاحی آییننامه کاربردی شدن کارت شناسایی ملی تا پایان سال ۱۳۹۷ ارسال
می گردد.

با عنایت به مراتب مذکور در تصویب نامه فوق، خواهشمند است دستور فرمایند موضوع به نحو مقتضی به
واحدهای تابعه ابلاغ گردد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مبارزه با پولشویی
عبدالمهدی
ارجمند نژاد
فرید کیان
۳۲۱۵-۰۲
۲۳۱۶

شماره ۱۶۹۲۳۹/ت ۵۵۵۲۲۲هـ

تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۸



بسمه تعالی
"با صلوات بر محمد و آل محمد"

وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۱۲/۲۷ به پیشنهاد شماره ۲۱۵۳۹۹ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ وزارت کشور و به استناد ماده (۶) الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی - مصوب ۱۳۷۶ - تصویب کرد:
مهلت مقرر در ماده (۹) اصلاحی آیین نامه کاربردی شدن کارت شناسایی ملی موضوع تصویب نامه شماره ۱۵۵۳۲۰/ت ۴۹۵۲۳هـ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱ و اصلاحات بعدی آن تا پایان سال ۱۳۹۷ تمدید می شود.

اسحاق جهانگیری
معاون اول رئیس جمهور

رونوشت به دفتر مقام معظم رهبری، دفتر رئیس جمهور، دفتر رئیس قوه قضاییه، دفتر معاون اول رئیس جمهور، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، سازمان اداری و استخدامی کشور، سازمان برنامه و بودجه کشور، معاونت حقوقی رئیس جمهور، معاونت امور مجلس رئیس جمهور، دیوان محاسبات کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، امور تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها و مؤسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت و دفتر هیئت دولت ابلاغ می شود.

شماره ۱۶۹۷۲۹/ت ۵۵۵۲۲۲هـ

تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸



بسمه تعالی
"با صلوات بر محمد و آل محمد"

وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۱۲/۲۷ به پیشنهاد شماره ۲۱۵۳۹۹ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ وزارت کشور و به استناد ماده (۶) الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی - مصوب ۱۳۷۶ - تصویب کرد:
مهلت مقرر در ماده (۹) اصلاحی آیین نامه کاربردی شدن کارت شناسایی ملی موضوع تصویب نامه شماره ۱۵۵۳۲۰/ت ۴۹۵۲۳هـ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱ و اصلاحات بعدی آن تا پایان سال ۱۳۹۷ تمدید می شود.

اسحاق جهانگیری
معاون اول رئیس جمهور

رونوشت با توجه به اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به انضمام تصویر نامه اشاره شده در متن برای اطلاع ریاست محترم مجلس شورای اسلامی ارسال می شود.

اسحاق جهانگیری
معاون اول رئیس جمهور



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

تاریخ ۹۶/۱۲/۲۱
شماره ۲۱۵۳۹۹
پیوست

وزیر

بسمتعالی

جناب آقای دکتر جهانگیری

معاون اول محترم رئیس جمهور

سلام ملکیم

احتراماً همانگونه که استحضار دارید برابر ماده ۹ آیین نامه کاربردی نمودن کارت شناسایی ملی مصوب ۱۳۸۷ هیئت محترم وزیران و اصلاحیه بعدی موضوع تصویب نامه ۱۵۵۳۲۰/ت م ۴۹۵۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱ هیئت محترم وزیران اعتبار اولین کارت های شناسایی ملی صادر شده تا پایان سال ۱۳۹۶ تمدید شده است. از آنجائی که صدور کارت هوشمند ملی برای آحاد جامعه و جایگزینی آن با کارت شناسایی ملی موصوف نیازمند مدت زمان بیشتری می باشد لطفاً دستور فرمایید با قید فوریت پیش نویس تصویب نامه ضمیمه در سیر مراحل تصویب قرار گرفته و از نتیجه این وزارت را مطلع نمایند.

عبدالمشارفانی فضلی
۱۳۹۶

دفترخانه مرکزی ریاست جمهوری
شماره: 164449
1396/12/21

بسمه تعالی
بامسلوات بر محمد و آل محمد

هیأت وزیران در جلسه مورخ بنا به پیشنهاد شماره مورخ وزارت کشور
و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به استناد بند (د) ماده (۴۶)
قانون برنامه پنجم توسعه مصوب (۱۳۸۹) تصویب نمود: به وزیر کشور اجازه داده می شود، اعتبار آن دسته از کارتهای
شناسایی ملی را که اعتبار آنها تا پایان سال ۱۳۹۶ به پایان می رسد، حسب ضرورت، حداکثر تا پایان آذر ماه سال ۱۳۹۷
تمدید نماید.

اسحاق جهانگیری
معاون اول رئیس جمهور

۳- بخشنامه شماره ۹۷/۱۴۴۵۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۱ در خصوص تمدید مدت

اعتبار مدارک شناسایی آمایش مرحله ۱۲ و هویت ۱۱ اتباع خارجی

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیر دولتی، شرکت دولتی پست بانک و
مؤسسات اعتباری توسعه، کوثر مرکزی، عسکریه، نور و کاسپین

با سلام؛

احتراماً، به پیوست تصویر نامه شماره ۵۵۰۳۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۳ مدیرکل محترم دفتر امور اتباع و
مهاجرین خارجی وزارت کشور در خصوص تمدید مدت اعتبار مدارک شناسایی آمایش مرحله ۱۲ و هویت ۱۱ اتباع
خارجی تا مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۳۱ ارسال می گردد. از این رو، ارائه خدمات بانکی به این اشخاص با لحاظ نمودن این مدت
و در چارچوب مقررات مربوط، امکان پذیر است.

خواهشمند است دستور فرمایند به منظور جلوگیری از بروز وقفه در ارائه خدمات بانکی به این گروه از اتباع

خارجی، مراتب به نحو شایسته به اطلاع واحدهای ذی ربط رسانده شود.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و

مبارزه با پولشویی

اداره مبارزه با پولشویی

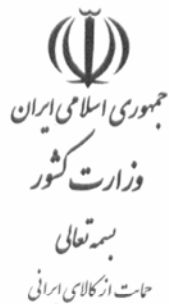
فرید کیان
عبدالمهدی
ارجمندنژاد

۲۳۱۶

۳۲۱۵-۰۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

شماره: ۵۵۰۳۶



معاونت امنیتی و انتظامی
دقت امور اتباع و مهاجرین خارجی

گیرندگان محترم ذیل:

سلام علیکم

با احترام، با توجه به شروع طرح آمایش ۱۳ از تاریخ ۹۷/۴/۲ جهت صدور کارتهای آمایش و هویت اتباع خارجی (پناهندگان جمعی ساکن جمهوری اسلامی ایران) و اتمام اعتبار کارت آمایش ۱۲ و کارت هویت ۱۱ اتباع خارجی در تاریخ ۹۷/۳/۳۱ و همچنین زمان بر بودن فرایند اجرای آمایش ۱۳، بدینوسیله اعلام میدارد مدارک شناسایی آمایش مرحله ۱۲ و هویت ۱۱ اتباع خارجی مذکور تا مورخ ۹۷/۵/۳۱ تمدید می گردد. علیهذا لطفا دستور فرمائید به منظور جلوگیری از ایجاد وقفه در ارائه خدمات به پناهندگان جمعی مراتب را به واحدهای استانی و تابعه آن دستگاه محترم اطلاع رسانی و اعلام نمایند

احمد محمدی فر
مدیر کل دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی

گیرندگان:

- ۱- وزارت امور خارجه-معاونت محترم کنسولی
- ۲- وزارت اطلاعات-معاونت محترم ضد جاسوسی
- ۳- دادستانی کل کشور - معاون محترم سیاسی امنیتی
- ۴- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی-معاونت محترم اشتغال
- ۵- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی-مرکز محترم بیماریهای واگیردار
- ۶- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - سازمان محترم بیمه سلامت
- ۷- وزارت آموزش و پرورش-مرکز محترم امور بین الملل
- ۸- وزارت علوم تحقیقات و فناوری- مدیر کل محترم دانشجویان غیر ایرانی
- ۹- ناجا-رئیس محترم پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا
- ۱۰- بانک مرکزی جمهوری اسلامی-مدیریت محترم مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی
- ۱۱- سازمان تامین اجتماعی - مدیر کل محترم اتباع خارجی

رونوشت:

✉ ادارات کل محترم امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری های سراسر کشور جهت اطلاع و اقدام لازم

۴- بخشنامه شماره ۹۷/۲۰۸۴۴۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۸ در خصوص ابلاغ قانون
اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیر دولتی، شرکت دولتی پست بانک و
مؤسسات اعتباری توسعه، کوثر مرکزی، ملل، نور و کاسپین

با سلام؛

احتراماً، به پیوست تصویر نامه شماره ۶۴۸۸۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ ریاست محترم جمهور در خصوص ابلاغ قانون
اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱ مجلس شورای اسلامی
به تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۰ به تایید شورای محترم نگهبان نیز رسیده است، ارسال می شود، خواهشمند است
دستور فرمایند موضوع به نحو مقتضی به واحدهای تابعه ابلاغ گردد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مبارزه با پولشویی
عبدالمهدی
ارجمندنژاد
فرید کیان
۳۲۱۵-۰۲
۲۳۱۶

قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۴۰۵۴/۵۴۶۵۹ مورخ ۲۲/۸/۱۳۹۶ در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۳۱/۴/۱۳۹۷ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۶۴۸۸۹

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

وزارت دادگستری

وزارت امور اقتصادی و دارایی

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم تیرماه یک هزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۹۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۹۴۶۰/۳۴۴ مورخ ۱۶/۵/۱۳۹۷ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می گردد.

رئیس جمهور - حسن روحانی

قانون اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

ماده ۱- ماده (۱) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۹۴ و بند (الف) آن به شرح زیر اصلاح و تبصره های (۱) تا (۴) ذیل، جایگزین تبصره های (۱) و (۲) آن می شود:

ماده ۱- — تهیه یا جمع آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمکهای مالی و پولی، اعانه، انتقال پول،

خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریستی یا سازمان های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می شود. علاوه بر گروه های تروریستی و افراد تروریست، تشخیص تروریستی بودن اعمال مندرج در بندهای ذیل بر عهده شورای عالی امنیت ملی است:

الف — ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت آمیز از قبیل قتل، سوءقصد، اقدام خشونت آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص یا اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان های بین المللی.

تبصره ۱ — هر شخصی که وجوه یا اموالی را با اهداف مذکور در صدر این ماده تهیه یا جمع آوری نماید و قبل از مصرف یا استفاده یا ارائه به افراد یا سازمان های تروریستی به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند، نیز تأمین کننده مالی تروریسم محسوب می شود.

تبصره ۲ — هرگاه شخصی قصد ارتکاب جرم موضوع این ماده را داشته باشد و شروع به اجرای آن نماید، لیکن به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند، مشمول ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ می شود.

تبصره ۳ — برای تعقیب تأمین کننده مالی اقدامات تروریستی علیه افراد حقیقی و حقوقی صرف نظر از محل ارتکاب جرم، تابعیت و محل اقامت مجرم مفاد این قانون اجراء خواهد شد. در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها توافقنامه معاضدت قضائی و یا هر توافقنامه دیگری در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم با رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود داشته باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت. در غیر این صورت، همکاری های قضائی و سایر امور مربوط به مبارزه با تأمین مالی تروریسم بر اساس عمل متقابل صورت می گیرد.

تبصره ۴— تعیین مصادیق اعمال، افراد، گروهها و سازمان های تروریستی موضوع این قانون با لحاظ اصل یکصد و پنجاه و چهارم (۱۵۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با تأکید بر حق افراد، ملتها، گروهها و یا سازمان های آزادی بخش با هدف مقابله با سلطه و اشغال خارجی و استعمار و نژادپرستی برعهده شورای عالی امنیت ملی است.

ماده ۲— ماده (۲) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۲— تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می شود.

ماده ۳— متن ذیل به عنوان تبصره به ماده (۵) قانون الحاق می شود:

تبصره - اشخاص موضوع این ماده موظفند حسب دستور مقام قضائی نسبت به مسدودکردن وجوه و توقیف اموال و دارایی های افراد، گروهها و سازمان های تروریستی و همچنین افراد موضوع قانون مبارزه با پولشویی موصوب ۲/۱۱/۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی برابر فهرست اعلامی شورای عالی امنیت ملی اقدام نمایند. در موارد فوری و ضروری که دسترسی به مقام قضائی ممکن نیست باید برابر فهرست مذکور اقدام نموده و مراتب را ظرف مدت بیست و چهار ساعت به مراجع قضائی اعلام کنند.

ماده ۴— ماده (۱۰) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۰— جرایم موضوع این قانون، جرم سیاسی محسوب نمی شود.

ماده ۵— تبصره (۱) ماده (۱۴) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

تبصره ۱— چنانچه هر یک از اشخاص مذکور، وظایف مندرج در این قانون را انجام ندهد، به مجازات معاون جرم محکوم می شود و در صورتی که در انجام وظایف مرتکب تقصیر از جمله اهمال و سهل انگاری شود به یکی از مجازات های درجه هفت محکوم می شود. چنانچه مرتکب از اشخاص حقوقی

با شد مطابق ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی عمل خواهد شد. همچنین عدم رعایت فهرست اعلامی شورای عالی امنیت ملی مشمول مجازات این تبصره می باشد.

قانون فوق مشتمل بر پنج ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم تیر ماه یک هزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۹۷ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی – علی لاریجانی

۵- بخشنامه شماره ۹۷/۲۱۰۳۰۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۹؛ تاکید بر لزوم اجرای
دقیق مقررات مبارزه با پولشویی در شبکه بانکی

مدیران محترم ادارات مبارزه با پولشویی بانکهای دولتی، غیر دولتی، شرکت
دولتی پست بانک و موسسات اعتباری توسعه، کوثر مرکزی، ملل، نور و کاسپین
با سلام؛

احتراماً، به استحضار می‌رساند بر اساس اعلام مراجع امنیتی و قضایی، بخشی از مشکلات و مسائل به وجود آمده
در حوزه ارزی کشور ناشی از عدم رعایت مقررات مربوط در شبکه بانکی می‌باشد. از این رو ضمن تاکید مجدد بر
رعایت منافع و مصالح ملی، خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به رعایت و اجرای دقیق مقررات مبارزه با پولشویی
به ویژه دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان ایرانی موسسات اعتباری در آن بانک/موسسه اعتباری، اهتمام بیش از
پیش صورت پذیرد.

اداره مبارزه با پولشویی	رضا قره‌باغی
پیام معتمدی	۲۳۲۱-۰۱
۲۳۲۲-۰۲	

۶- بخشنامه شماره ۹۷/۲۶۹۰۵۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۲ در خصوص روادید

الکترونیکی (بدون برچسب)

مدیران محترم ادارات مبارزه با پولشویی بانکهای دولتی، غیر دولتی، شرکت دولتی پست بانک و موسسات اعتباری توسعه، کوثر، ملل، نور و کاسپین
با سلام و احترام؛

با توجه به پیش‌بینی‌های مکرر بانک‌ها و موسسات اعتباری در خصوص روادید الکترونیکی (بدون برچسب) و همچنین نحوه شناسایی اتباع خارجی دارای این گونه روادید و استعلام موضوع از وزارت امور خارجه، موارد اعلامی وزارتخانه مذکور در خصوص روادید یاد شده به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

۱- برای اتباع کشورهای آمریکا، انگلیس، کانادا، افغانستان، پاکستان، اردن، کلمبیا، بنگلادش و سومالی، طبق روال سابق برچسب روادید صادر و در گذرنامه آنان درج می‌گردد.

۲- متقاضیان دریافت کننده روادید الکترونیکی (بدون برچسب)، یک برگ A4 چاپ شده حاوی مشخصات روادید صادره را دریافت می‌نمایند. درج مهر ورود و خروج توسط پلیس به صورت الکترونیک ثبت شده و در گذرنامه نامبرده درج نمی‌شود.

در صورت ضرورت با مراجعه به سایت Evisa.mfa.ir در قسمت: (تعیین وضعیت درخواست - check application status) و با وارد نمودن کد رهگیری و یا شماره گذرنامه و تاریخ تولد و نشانی پست الکترونیکی می‌توانند روادید متقاضی را راستی آزمایی نمایند.

اداره مبارزه با پولشویی
رضا قره‌باغی
علیرضا مظفری
۲۳۲۱-۰۱
۲۳۳۱-۰۴

۷- بخشنامه شماره ۹۷/۳۰۵۱۰۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۳۰ در خصوص تمدید مدت اعتبار روادید گذرنامه اتباع افغانستانی مشمول طرح خانواری تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۱

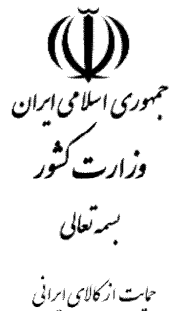
مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و موسسات اعتباری توسعه، کوثر مرکزی، ملل، نور و کاسپین

با سلام؛

احتراماً، ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۱۵۵۳۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۶ معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور به استحضار می رساند، با توجه به اتمام مدت اعتبار روادید گذرنامه اتباع افغانستانی مشمول طرح خانواری در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۳۱، مدت زمان اعتبار روادید دارندگان مدرک مذکور تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۱ تمدید می گردد، خواهشمند است دستور فرمایند موضوع به نحو مقتضی به واحدهای مربوطه ابلاغ شود.

اداره مبارزه با پولشویی	فرید کیان
علیرضا مظفری	۲۳۱۶
۲۳۳۱-۰۴	

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶
شماره: ۱۵۵۳۳۳



معاونت امنیتی و انتظامی

گیرندگان محترم ذیل:

سلام علیکم

با احترام، نظر به اتمام مدت اعتبار روادید گذرنامه اتباع افغانستانی مشمول طرح خانواری در تاریخ ۹۷/۶/۳۱، بدینوسیله اعلام می دارد مدت زمان اعتبار روادید دارندگان مدرک مذکور تا تاریخ ۹۸/۳/۳۱ تمدید می گردد. لطفا دستور فرمایید به منظور جلوگیری از ایجاد وقفه در ارائه خدمات به اتباع مذکور مراتب به دستگاههای ذیربط استانی ابلاغ گردد.

حسین ذوالفقاری
معاون امنیتی و انتظامی

گیرندگان:

- وزارت امور خارجه- معاونت محترم کنسولی
- وزارت اطلاعات- معاونت محترم ضد جاسوسی
- وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی- معاونت محترم اشتغال و کارآفرینی
- وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی- مرکز امور بیماریهای واگیر
- وزارت آموزش و پرورش- مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور
- دادستانی کل کشور - معاونت محترم امور بین الملل
- ناجا- پلیس محترم اطلاعات و امنیت عمومی ناجا
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران- اداره کل مبارزه با پولشویی
- وزارت علوم تحقیقات و فناوری- اداره کل امور دانشجویان غیر ایرانی
- سازمان تامین اجتماعی- اداره کل اتباع خارجی

۸- بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۳۰۵۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۴ در خصوص استعلام شماره
اختصاصی اتباع خارجی به بانکها و موسسات اعتباری

مدیران محترم ادارات مبارزه با پولشویی بانکهای دولتی، غیر دولتی، شرکت
دولتی پست بانک و موسسات اعتباری غیر بانکی توسعه، کوثر مرکزی، ملل،
نور و کاسپین

با سلام؛

احتراماً، به اطلاع می‌رساند با توجه به اعلام برخی از ادارات مبارزه با پولشویی مبنی بر این که در هنگام
استعلام از شرکت پژواک در خصوص اتباع خارجی که شماره اختصاصی آنها بر روی کارت شناسایی درج گردیده،
پاسخ استعلام از سوی شرکت پژواک با وضعیت «خطا در اطلاعات» و با شرح «شماره اختصاصی روی کارت درج شده»
بازگردانده می‌شود؛ موضوع از شرکت پژواک استعلام گردید و پاسخ دریافتی جهت اطلاع و ابلاغ به شعب زیر مجموعه
به منظور استفاده همکاران در هنگام استعلام اتباع خارجی، به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«در صورتی که شماره اختصاصی به عنوان شماره مدرک در اطلاعات درخواست تخصیص شماره اختصاصی
ارسال گردد، آن درخواست رد می‌گردد. همکاران شعب بانکها فقط باید شماره اختصاصی مندرج در کارت آمایش را از
طریق سرویس استعلام، ارسال نمایند و این سرویس، اطلاعات هویتی مرتبط با آن شماره را برمی‌گرداند و نیازی به
ارسال مجدد درخواست تخصیص شماره اختصاصی برای این موارد نمی‌باشد.»

اداره مبارزه با پولشویی و تامین

مالی تروریسم

رضا قره‌باغی محمدحسین دهقان

۲۳۳۱-۰۱ ۲۳۲۲-۰۱

۹- بخشنامه شماره ۹۷/۳۳۹۹۶۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۷ در خصوص مطابقت آمار
مشتریان با اطلاعات سامانه نهاب

مدیران عامل محترم بانکهای دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و
مؤسسات اعتباری توسعه، کوثر مرکزی، ملل، نور و کاسپین

با سلام؛

احتراماً، همانگونه که استحضار دارند، شناسایی مشتری از مهمترین ارکان مبارزه با پولشویی و تأمین مالی
تروریسم می باشد. در همین راستا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون
مبارزه با پولشویی و قوانین و مصوبات مختلف از جمله بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۸) قانون برنامه پنج ساله ششم
توسعه و همچنین ابلاغیه شماره ۱۲۳۲۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ جناب آقای دکتر جهانگیری، معاون اول محترم
رئیس جمهور، اقدام به راه اندازی سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی موسوم به نهاب نموده است. نهاب، پایگاه
جامع و یکپارچه اطلاعات هویتی مشتریان مؤسسات اعتباری به شمار می آید و شناسایی کامل مشتریان مؤسسات
مذکور و ایجاد کنترل های لازم بر نحوه عملکرد آنها در شبکه بانکی کشور را تسهیل و تسریع می نماید. این پایگاه داده
به هریک از مشتریان شبکه بانکی کشور، شناسه منحصر به فردی به نام شهاب تخصیص می دهد که در این صورت
لازمه بهره مندی از خدمات بانکی برخوردار از شناسه مذکور خواهد بود. مأموریت سامانه موصوف در پنج فاز طراحی
شده و در حال حاضر مرحله برون خط سامانه نهاب تقریباً تکمیل شده و به زودی آن مرحله اجرایی خواهد شد.

علاوه بر این، چنانچه مستحضرنند در «قانون اصلاح قانون صدور چک» مصوب جلسه علنی مورخ
۱۳۹۷/۸/۱۳ مجلس شورای اسلامی ابلاغی طی بخشنامه شماره ۹۷/۳۲۰۴۶۵ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۲، بانکها موظف
شده اند صحت مشخصات متقاضی دسته چک را با استعلام از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی (نهاب)،
احراز نمایند. لذا از این پس، قبل از اعطای دسته چک به متقاضیان، لازم است هویت متقاضی از طریق استعلام از
سامانه نهاب احراز گردد.

با عنایت به مراتب مذکور و همچنان که پیشتر طی نامه شماره ۹۷/۲۷۲۲۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۵ اداره نظامهای
پرداخت بانک مرکزی اعلام گردید، آخرین به روزرسانی اطلاعات مشتریان دارای شناسه شهاب بانکها و مؤسسات
اعتباری با هدف احراز صحت آمار و اطلاعات مشتریان شبکه بانکی کشور در سرور انتقال فایل سامانه نهاب به آدرس
<ftp://NahabMAP.nibn.net> قرار گرفته است. لذا ضمن اعلام این که مسئولیت هرگونه مغایرت در اطلاعات
مذکور، متوجه هیأت مدیره و هیأت عامل آن بانک/مؤسسه اعتباری می باشد، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب
به قید تسریع و با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ به تمامی واحدهای ذیربط آن

بانک/مؤسسه اعتباری ابلاغ شده و نسبت به مطابقت و به روز رسانی آمار و اطلاعات مشتریان آن بانک/مؤسسه اعتباری اقدام مقتضی انجام پذیرد.

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و
مبارزه با پولشویی
اداره مبارزه با پولشویی
حمیدرضا غنی آبادی فرید کیان
۳۲۱۵-۰۲ ۲۳۱۶